

تكملة الذريعة
الى تصانيف الشيعة

المجلد الأول

المجلد الأول

أعداد
محمد بن
علي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی



287

سرشناسه	: الروضانی، السید محمدعلی، ۱۳۰۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: تکملة الذریعة الى تصانیف الشیعة / السید محمدعلی الروضانی، إعداد محمد برکت.
مشخصات نشر	: تهران: مکتبه، مطبع و مرکز وثائق مجلس شورای اسلامی، ۱۳۳۲ ق. - ۲۰۱۱ م. - ۱۳۹۰ -
مشخصات ظاهری	: ج: ۱ نموده.
شابک	: ۲۴۰۰۰۰ ریال، ج ۱: 978-600-220-042-6، ۲۴۰۰۰۰ ریال، ج ۲: 978-600-220-043-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: ۱. عربی.
یادداشت	: این کتاب در سه و یکم کتاب "الذریعة الى تصانیف الشیعة" تألیف شیخ آخوندک طهرانی است.
موضوع	: فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی
موضوع	: نسخه‌های خطی فارسی -- فهرست‌ها
موضوع	: نسخه‌های خطی عربی -- فهرست‌ها
موضوع	: کتاب‌های چاپی -- کتابشناسی
شناسه افزوده	: برگشته محمد، گردآورنده
شناسه افزوده	: آخوندک طهرانی، محمد محسن، ۱۲۵۵ - ۱۳۴۸. الذریعة الى تصانیف الشیعة
شناسه افزوده	: کتابخانه مرز و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۵۱۷ الف / ZV۸۳۵
رده بندی دیویی	: ۸۸۲۹۷۲۱۷۲ / ۰۱۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۹۷۶-۷

تكملة الذريعة إلى تصانيف الشيعة المجلد الأول

السيد محمد علي الروضاتي



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد اسلامی

إعداد

محمد هركت

مكتبة، متحف و مركز وثائق مجلس الشورى الإسلامى

طهران - ۱۴۳۲ / ۱۳۹۰ / ۲۰۱۱



مجلس الشورى الاسلامى
مركز نشر الوثائق

**تكملة الذريعة
إلى تصانيف الشيعة
المجلد الأول**

السيد محمدعلى الروفائى
إعداد: محمد يركت

إعداد الفهارس: سيد محمدحسين مرعشى
التسقيع الحروف: مليحه بوجار

رقم التسجيل: ٢٨٧

الإعداد الفنى: بكرى آيوبي زاده

الطبعة: الأولى

الطبعة الأولى: ١٣٩٠ هـ / ١٤٣٢ ق / ٢٠١١ م

الطبعة الثانية: ٢٢ هـ / ١٤٤٣ ق / ٢٠٢١ م

الرقم الدولي للمجلد الأول: 978-600-220-042-6

الرقم الدولي للدورة: 978-600-220-044-0

جميع حقوق الطبع و النشر محفوظة لمكتبة متحف و مركز
وثائق مجلس الشورى الاسلامى

+

مركز النشر و التوزيع:

مركز للدراسة و التحقيق مكتبة، متحف و مركز وثائق مجلس الشورى الاسلامى،

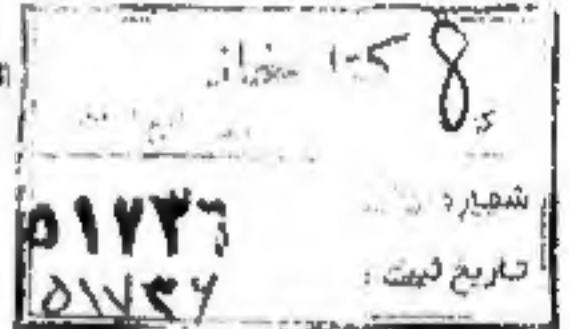
شارع الاقلاب الاسلامية، بين ابي الریحان و دانشگاه، عمارة فروردين،

الطابق السابع، رقم ٢٧ و ٢٨،

هاتف: ٠٢١ ٦٦٩٦٤١٢٦ - ٠٢١ ٦٦٦٠٨٥٧٦

الموقع على الانترنت: www.icaal.ir

البريد الالكترونى: Pajookeshlib@yahoo.com



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين

مستی که شیخ آقابزرگ در تدوین فریمه از آن پیروی کرده هزار سال پیش در دل تمدن اسلامی به دست ابن ندیم، این فهرستنویس شیعی آغاز شد. در میان شیعیان امامی، نجاشی، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب و منتجب الدین ابن سنت را ادامه دادند. به روزگار صفوی، میرزا عبدالله افندی از شاگردان علامه مجلسی، ما جدید هر چه تعاملت و زحمات طاقت فرسا و دقیقی شایان تقدیر، آن را دنیال کرد. پس از آن، سنت یاد شده، در نجف و اصفهان امتداد یافت. مرحوم نوری در نجف و کسانی از خاندان صدر در این امر وارد شدند، اما شیخ آقابزرگ - رحمه الله علیه - که در دامان آن مکتب تربیت یافت، نخبه دیگری بود که تعام زندگیش را بر سر این کار گذاشت.

این سنت در اصفهان، توسط صاحب روضات - اعلی الله مقامه - دنبال شد، و پس از آن، استاد بزرگ ما حضرت آیت الله حاج سید محمد علی روضاتی - زید عزه العالی - که بیش از ربع قرن است که خدمتشان ارادت قلبی دارم، این سنت را ادامه دادند. استاد ارجمند، ادامه دهنده همان سنت در حوزه های مختلف شرح حال نویسی و کتابشناسی بوده و هستند. به همین دلیل، طی بیش از شش دهه و از زمانی که آیت الله شیخ آقابزرگ طهرانی، چاپ نخستین مجلدات فریمه را آغاز کردند، حاشیه نویسی به این کتاب را در دستور کار خویش قرار دادند.

استاد روضاتی که اکنون پای در هشتاد و دو سالگی نهاده اند، ارتباط نزدیکی با آقابزرگ داشتند و ذکر یاد و نام ایشان در متن فریمه، آن هم به مراتب و کرات، و نیز در ضمن نامه های

هدیه‌ای که مرحوم شیخ آقابزرگ برای ایشان نوشته و تصاویر برخی نزد بنده موجود است، نشان دهنده ارتباط وثیق و عمیق ایشان به مرحوم شیخ آقابزرگ بود.

تتبع استاد روضاتی، همراه با دقت ایشان، سبب شده است تا نوع کارهای حضرتشان، و از جمله همین حواشی سودمند، آثار ارزشمند و بی‌نظیر باشد.

آنچه اکنون پیش رو دارید، حواشی ممتنع ایشان بر ۲۶ جلد ذریعه است که حاصل زحمات ایشان طی سالیان درازی است که با کتاب و کتابخانه انس داشته‌اند. بی‌تردید، این روش، سنتی اصیل در حوزه‌های شیعی است که امروزه نیز فهرست نویسان پُرتحرک و پرتلاش جوان، آن را ادامه می‌دهند. پس از آن که حضرت استاد، اعتماد بر بنده کردند و متن یادداشت‌ها را در اختیار گذاشتند، دوست عزیزمان جناب استاد محمد برکت، پذیرفتند تا این کار را به‌سامان برسانند. خدای را شکر که از عهده این کار برآمده و اکنون ما با تلاش ایشان، شاهد ارائه زحمات چند ده ساله استاد روضاتی هستیم.

آرزوی ما سلامت و طول عمر برای استاد روضاتی و توفیقات بیشتر برای حضرت آقای برکت است که این زحمت را متقبل شایسته خداوند، همه ما را عاقبت بخیر گرداند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

رسول جعفریان

ریاست کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد اسلامی

مقدمه

نکاتی در باب تدوین این کتاب

کتاب گرانسنگ النریمة إلى تصانیف الشیعة و مؤلف آن، عالم ربانی مرحوم آیت الله «آقا بزرگ طهرانی»، بی نیاز از توصیف بوده و نگارنده ناتوان از ذکر اوصاف و القاب شایسته و لازم برای مؤلف و تألیف است.

حضرت علامه آیت الله حاج سید محمدعلی روضائی - دامت افاضاته - در طول سالیان متمادی بر النریمة تکمله و تعلیقه های گرانقدری نگاشته اند، که فقط با ملاحظه و مطالعه آن می توان به عظمت تلاش ایشان پی برد.

با پیشنهاد و همراهی دانشمند محترم و دوست علیقدر، جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر رسول جعفریان - دامت توفیقاته - ریاست محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تکلمه علامه روضائی بر النریمة، توسط نگارنده تنظیم و اکنون پیش روی خوانندگان گرامی است.

روش کار:

علامه روضائی - دام ظلّه العالی - در سال ۱۴۰۵ هجری قمری، پاکنویسی از تکلمه خویش بر جلد (۱ جزء) اول، دوم و بخشی از جلد سوم نریمة را بر روی برگ ها و فرم های مخصوص آماده نموده بودند که مرحوم محقق طباطبائی، آیت الله حاج سید عبدالعزیز آن را ملاحظه نموده و در پایان تقریظی مرقوم فرموده اند.

صبارت پاکنویس علامه روضائی، بدون هیچ کم و کاستی آورده شده و همچنین حتی المقدور رسم الخط نیز تا پایان کار حفظ شده، هر چند در جاهای مختلف متفاوت بوده است، مانند: خطاء، خطأ و خطا.

در متن پاکنویس شده، پس از نام کتاب چهار عدد آورده شده، که هر یک با «۵» از هم متمایز شده اند. مانند:

«آب حیا» ۱: ۱: ۳: ۱۱.

که عدد اول برای جلد (۱ جزء)، عدد دوم برای صفحه، عدد سوم برای شماره عنوان کتاب و عدد چهارم برای سطر می باشد.

چون هر جلد از ذریعه، بعنوان یک «مصل» لحاظ شده است، از عدد اول بی‌باز شده و آورده شده است.

بعد از سال ۱۴۰۵ هجری قمری، بر یاده منتهی تکملة افزوده شده است. سری تمیز این افزوده‌ها از بخش پانویس شده، از همان روش که بری تمام اجزاء ذریعه استفاده شده، پیروی شده است. بدینگونه که

پس از نام کتاب، شماره صفحه یا نشانی «ص» و شماره کتاب یا نشانی «رقم» آمده است. مانند: «الحقائق المعتمدة» ص ۳۵ رقم ۱۷۵

اگر توضیحات پیرامون یک کلمه خاص باشد، پس از «رقم» شماره سطر یا نشانی «ص» آمده و سپس کلمه مورد نظر با قوسی درشتتر از متن آورده شده است. مانند: «الحق المبين» ص ۳۷ رقم ۱۹۰، المواعد الشرعية.

چنانچه عنوان کتابی ر علامه روضاتی خود اضافه کرده‌اند، آن عنوان در نشانه ﴿﴾ قرار داده شده است.

استاده از تمام علامت نقطه‌گذاری در متن «تکملة»، مانند گومه، پرائر، کره‌ش، خط نیره و ... موحت شد که نتوانیم قواعد نقطه‌گذاری را در متن احراز نمائیم. علامه روضاتی در مواردی، به مقدار یک کلمه و یا بیشتر، جای حاشی قرار داده‌اند و در آینده آن را کامل نمایند. مانند تاریخ قوم و به شماره صفحه و جلد یک مآخذ و یا غیر از اینها در چنین مواردی از نشانه «...» استفاده شده است.

در موارد معدود و اندکی، کلمه‌ای با حواص بوده، که به‌جای آن | ... گذاشته شده است.

چند نکته:

۱. علامه روضاتی، تمام استراکات آمده در پایان هر جلد ذریعه و همچنین آنچه در پایان جلد ۲۵ برای تمام جللهای ذریعه آمده است را با رنگ آبی در متن ذریعه اعمال نموده و به این مطلب در پایان هر جلد از ذریعه اشاره فرموده‌اند.

۲. چاپ و نشر جللهای الدرعه توسط فرزندان مرحوم «آقا بررگ» در تهران صورت پذیرفته، متأسفانه ایشان تغییرات و اضافاتی در متن و عبارات انجام داده‌اند که جاب علامه روضاتی به تک تک موارد بر اساس دفاع ر حواص اشاره فرموده‌اند.

محمد برکت

شیراز - نیمه شعبان المعظم سال ۱۴۳۲

ميلاد مسعود امام عصر (عج)

بسم الله الرحمن الرحيم

المقدمة

ص ١٤ س ٢٠، جالليق: يأتي في ح ٦ ص ٣٧٦ بعنوان كتاب «حديث جالليق»
ص ١٦ س ١٥، نفس هنا: انظر ما يأتي في الحاء [كتاب الحديث ٣٠١-٦].
ص ٢٤ س ٢١، العصمة لله وحده. + و من اعطاء الله سبحانه من يقى أو وصي يقى
صلوات الله و سلامه عليهم أجمعين.

الجزء الأول

«آب حياء» ١: ٣: ١١. قوله: طبع... أقول عندما نسخته المطبوعة هامش «صراط
النجاة» من فتاوى الشيخ مرتضى الأنصاري صاحب نراه في مجموعة تاريخها سنة ١٢٩٣ ط
بظهران.

«آشكده تبريزي» ٥: ١٨: ٧. راجع «فهرس المكتبة المرعشية بقم ١: ٢١٩» و في
التصاویر أيضاً.

«آثار احمدي» ٦. يأتي في (ح ٤ ١٥٢ ٧٣٩) بعنوان «ترجمة أحمد بن موسى
عليهما السلام».

«آثار التقوى» ٧. رساله لنا ألماها في ترجمة العام الجليل السيد محمدتقي بن
عبدالرزاق الموسوي الإصفهاني، بالفارسية، نقلها بعضهم إلى العربية مع بعض التصرف
و طبعها بقم في مقبلة «مكيال المكرم» نسيد سنة ١٣٩٨ ثم نقلوها ثانياً إلى الفارسية

على علاقتها و طبعت في مقدّمة الترجمة الفارسيّة لمكيين بقم في ١٤٠٣. كما طبع لسيد
ره في هذا العام أيضاً بقم «أنوار الجفّات في داب الجمعّات» في أريد من ٥٥٠ ص.

«آثار الشيعة الإمامية» ص ٨ رقم ٣٢. قول ذكر مختصر ترجمة الشيخ عبد العزيز في
[معجم رجال الفكر و الأدب ١٠٩] و قال أنّه ولد سنة ١٣٠٨ و هناك ما أخذ ترجمته و
ذكره أيضاً في [تابعه فقه و حديث ٣٢٢] فذكر ولادته ١٣٠١ و أكّده بأنّ للرجل الان
٩٤ سنة من العمر و ذلك في عام طبع كتاب السنة ١٣٩٥

«آثار المعجم» ص ٨ رقم ٣٥ س ١٩، سنة ١٣١٤. و أيضاً سنة ١٣٥٤.

«آداب التجارة» ١٤. لمحقّق البهبائي، كما سُمّي في نسخته للطبوعه و يأتي بعنوان
المتاجر في ١٩ : ٥٩.

«آداب السّور» ٢٠. لمحقّق ميرزا محمد حسين ملك الكتاب المتخصّص «گلّس» اس
ملك الكتاب «عشر» ذكره في «مجلّة يادگار ١، ٨، ٢٣»، و له أيضاً «رساله
حالت» و «سفرنامه» و غيرها.

«آداب الشريعة» ٢١، ١٠٢. س ٦ قوله ره المتوفى سنة ١٣١٥ أقول توفي الآخوند
ملاً محمد باقر المشاركي الإصفهاني ره في ليلة الأحد ٢٨ شهر رجب ١٣١٤ كما في
«مكارم الآثار» عن لوح قبره الواقع في تكيه الخواسرائين من مرارات تحت فولاد
باصفهان. و يأتي له «الأربعون حديثاً» في ص ٤١٢.

«آداب الصلوة» ص ٢١ رقم ١٠٣. أقول نظر [برهان العارفين ٣، ٩٧ : ٣١٢].

«آداب الصلوة» ص ٢١ رقم ١٠٤ س ١٩، المطبوع سنة ١٢٩٧ و طبع آداب الصلوة
هذا في إصفهان ١٢٩٧ في «...» ص بمجموع أربع و لمراجع ما كتبنا حتى ظهر مستحقاً
منه.

«آداب صلوة الليل» ص ٢٣. بالفارسية للشيخ ملا عبد النبي أوّل من تصدّى من
عشيرته لإمامة الجمعة في شيراز و هو ابن الشيخ محمد المعروف بالمعيد دامت إمامة
الجمعة في بينهم إلى أواخر عهد «نقاجار» ذكر تراجمهم المسائي في «فارسانه ٢ : ٦١» و
أدّيت في أجراء كتابه «دانشمند» و ذكر المسائي أنّ الشيخ عبد النبي توفي سنة
١١٩١ في شيراز و أنّ له «الدرة النجفة في إثبات الإمامة الخاصة» و أيضاً «رساله

الأربعين في الإمامة الخاصة» ذكر له أربعين طريقاً هذا و إنما لم يتعرض المصنف لآثاره
لعلّه ذكرها بما يشعرون [فارسنامه ناصري ١٦: ٩٤: ٥٢] و الذي يذكر في التريعه
من آثاره [شرح الوجيز ١٤: ١٦٨. ٢٠٣١] فراجع. و أما الرسالة فذكر في أوله أنه
صنّفها بتكليف الشابّ الصديق عمدة السادات العظم مخدوم الأمام محبة الحكماء
جالسوس الرمان مبررائي مبرراً أبوظائب الصب (و أقول و لعلّه من السادة المعروفين
بالحكيم سماي انظر مكارم الآثار ٤: ١١٠٨ - ١١١١) و يظهر من النسخة أنها التي
كتبت لأجل السيّد الطيب المذكور و لكن ليس فيها تاريخ التأليف و الكتابة و لا اسم
الكاتب و هي في ٣٥ ورقة بالحجم الصغير و تليها رسالة «تعقيبات الصوت» للسيّد
محمد باقر بن اسماعيل الحسيني ذكرها في التكملة ٤: ٢١٨

«آداب صلوة الليل» ص ٢٣ رقم ١١٦، جواد الموسوي: أقول هو الحاج السيّد
محمد جواد المسجد الشاهي بن آقا محمد نسيّد محمد علي بن جدنا العلامة الكبر السيّد
صدر الدين العاملي.

«آداب صلوة الليل» ص ٢٣ رقم ١١٧: أقول اسمها «بیس الوحشة و جلیس الليلة ٢:
(٤٦٩) و راجع (الإجارة ١٥٢: ٧٢٨) و المعروف «ريدگنامه علامه مجلسي ٢: ٣٩».
«كتاب الآل» ص ٣٧ رقم ١٨٠ قال الفتاوي في المطول عند شرح قول الماتر «و
عسى آله» ما لفظه «أصله أهل بدين أهين، حصّ استعماله في الأشراف و من له خطر»
الح قال مصباح الدين محمد الطامي المتوفى ٩١٩ في حاشية المطول «قوله حصّ استعماله
في الأشراف و من له خطر، و أيضاً لا يضاف إلى البلدان و نحوه فلا يقال آل مصر و
يقال أهل مصر، و لا يقال آل البيت و يقال أهل البيت، و أيضاً لا يقال آل الله و يقال
أهل الله» انتهى و هذه فائدة حسنة.

ص ٣٧ س ١٦، كتاب الآل: أقول الظاهر أن عدم ذكر السيوطي لكتاب الآل اقتداء
بالقاضي في إنباء الرواة ٦: ٣٢٤

«كتاب الآل» ٣٧: ١٨٠: ٢٠. قوله «قد اليعني». أقول: وصفه في «كشف
الطبون» أيضاً كذلك.

«آيات الأحكام» ص ٤٠ رقم ١٩٢ أقول انظر [تفسير آيات الأحكام ٤: ٣٣٤] فما
بعدها].

- «آيات الأحكام» ٢١٩ : ٤٣. راجع «الإجارة» ٢٤١ : ١٢٧٧ و ما علقناه عليها.
- «الآيات النبوية» ٧ : ٢٣١. يأتي لمصنفه أيضاً «حل العمود» في (ح ٧ : ٧٢).
- «آيات الحجة و الرجعة» ٤٧ : ٢٣٣. راجع «بقاء البشر» ١٣٩٥ و هناك اسم والده محمد حسن، و وفاته في ١٣٧٨ و لم يذكر فيه هذا الكتاب من تصانيفه و الظاهر أنه عفا عنه ربه.
- «آيات القلم» ص ٤٨ : اسم لما ذكره بعنوان «مدارك العقول» في موضعه فراجع.
- «آية حكمت» ٥٢ : ٢٦٤. رسائله مختصرة سخرها في مكة مدرسه الصدر بإصمهان. توجد نسخة في المرعشي بقم رقمها ٦٣٨٩ مذكور في فهرسها ج ١٦. تكتم فيها حول عشرة مسائل وقع الاختلاف فيها بين الحكماء و متكلمي و لقد أجاد و أماد رحمه الله تعالى.
- «آيينه سكندري» ٥٣ : ٢٦٦. راجع «مامنه ياسان» في (ح ٢٤ : ٢٠ : ١٠٦) و غيرها.
- «الإبالة عن كذب الخرافة» ٥٦ : ٢٨٩. أقول راجع (ح ٧ : ٤٧) و يظهر من «طبقات الإجازات» للسيد أبي محمد الحسن طاب ربه أن الإبالة هذه تألف نفسه و نسخة الطبقات عندي بخطي.
- «الإبالة» ص ٥٧ رقم ٢٨٩. و نسخة منه بخط أحمد بن الحسن القفطاني مرغ منه قبيل الظهر من يوم الاربعاء ٦ جمادى ٢ (١٢٨١) كتبها عن نسخة السيد محمد ابراهيم بن محمد معصوم الحسيني المكتوبة بحرم ١١٢٢ رأيه عند السيد أبي الحسن كتابي صم بمجموعة معها كتاب «دعائم الدين و كشف الرية» في إثبات الكرة و الرجعة للمولى محمد محسن المذكور في الدررعة ح ٨ ص ١٩٨ ناقصه الأول في تسعين ورقة بقطع الثمن و النسخة مصححة.
- «ابتلاء الأولياء» ٦١ : ٣٠١ : ١٧. يأتي لمصنفه أيضاً في هذا المجلد الرقمان ٣٩٧ و ٢٥١٨ و في (ج ٨ - الرقم ٥٣٠)، و تفصيل ترجمته في ذيل كتابه «الخاتريات» في (ح ٦ : ٣ : ١) و غيرها. و راجع «مكارم الآثار» ٧ : ١٦٢٣.
- «ابتلاء المؤمنين» ص ٦٢ رقم ٣٠١ : أقول انظر كتاب «المؤمن» ٢٢ : ٢٧٨ و قد طبع.

«أجند الشيعة» ٦٣: ٣٠٦: ٦ يأتي ذكره مفصلاً في (ج ٢: ١٥٢) و (ح ١٧: ٢٧٦).
 «الأبحاث في تقوم الأحداث» ٦٣: ٣٠٨ راجع «الخاوي في العمه» في (ح ٦: ٢٣٦).
 «إبداء الحق» ٦٤: ٣١٢: ٤ راجع «سوارق» في (ج ٣: ١٥٢)
 «الأبرار - كتاب» ٦٥: ٣١٧: ٣. أنظر «حمام الحمامة» في (ج ٧: ٩٠). و ترجمته في
 المكارم ٥: ١٧٥٣.

ص ٦٥ س ٤، يأتي أنظر [كتاب الأبرار ١٧-٢٦١-١٧٧] و له اتحاد (ال) سلام عندما
 ط ٢ سنة ١٣٦٣ش.

«ابراهيم بيك» ص ٦٥ رقم ٣١٩: راجع [ح ٢ ص ٢٦٨ بعد رقم ١٧٨٤].
 «إبصار العين» ٦٥: ٣٢٢: ٢١. راجع «مرحمة إبصار العين» في (ح ٤: ٧٣).
 «إبصار المستبصرين» ٦٦: ٣٢٣: ٢. يأتي أيضاً بعنوان «مناظره ديني» في (ح ٢٢: ٢٩٣)
 و أنظر «مناظره يا غرقى» في (ج ٢٢: ٢٨٩) و راجع «مهرست إنبات طهران ١:
 ٢٧٥»، (و التاريخ الصحيح سنة ١٢٨٧).

«إبطال الزمان الموهوم» ٦٩: ٣٣٨. قوله (في س ٦): و فيه الرد على المحقق
 الخواساري أقول هذا هو الصواب فإن هذه الرسالة لمحاوئي في الرد على المحقق
 جمال الدين في حاشيته على «حاشية المحمدي على الشرح الجديد للتجريد» حيث رد
 الجمال على الداماد في «القبسات». فرساله لمحاوئي في تأييد الداماد لا في الرد عليه،
 و تفصيل الكلام في «مهرست مركزي طهران ٣: ٧٣»، و عندما نسخة الرسالة و
 الحواشي المذكورة و نظر أن المؤلف فتن سره الله عليه الأمر أولاً لما رآه في
 «الروصات» من أن لمحاوئي «رسالة في إبطال الزمان الموهوم مع إنكاره استدلال
 السيد الداماد عليه»، انتهى. و راجع (ح ١١: ٦: ٢٢ و ما قبله) و يأتي مرآة الأرمغان ٢٠:
 ٢٦٢: ٢٨٨٤.

«الأبعاد و الأجرام و عجائب البلاد» ص ٧١ رقم ٣٥٢. أقول ذكر المصنف ترجمته و
 أسماء مصنفاته في [إحياء النثر ١٢٥] مراجعه و صرح بشيعة العلامة الشيخ محمدباقر
 الأيني البيرجندي في رسالة [رجال قاهر ١١ رقم ٢٣] و ذكر كلاماً حول ترجمه كما أن
 في العدد الثاني من [مجلة دانشكده انبیا مشهد] ترجمة الرجل فليراجع

«الأبنة عن حقايق الأدوية» ٧٣، يأتي في (ج ٢، ٣٥٦) آخر مكانه سهواً، و طبع الكتاب مرّات.

«الأبواب و الفصول للفوي الألباب و العقول» ٧٣، لشيخ أبي طالب الاسترآبادي كما في «معالم العلماء».

«أبواب الجئات في آداب الجمعيات» ٧٤ ٣٦٥ الكتاب الجليل الكبير طبع ١٤٠٤ كما مرّ في «آثار الفوي».

«أبواب الجنان» ص ٧٤ رقم ٣٦٦، لراجع نساء البشر ص ٥٩.

«أبواب الجنان» ٧٦، ٣٦٩ أنظر «ديوان رصعا» في (ج ٩ ١٢٥٢ ٨٠٢٧) و منشأته في (ج ٢٣ : ٤٢).

«أبواب الخور» ٧٨ ٣٧٣ راجع «مكتيب القطب» في (ج ٢٢ : ١٣٦).

«الأبواب الرائحة» ٧٨ كتاب لأبي بشر أحمد بن ابراهيم بن أحمد القمي. نقل عن نسخة العتبة الشح أحمد بن صالح البحراني في آخر إحدى رسائله في الاستحارة و هي عندها في مجموعة من رسائل الاستحارة.

«أبواب الروضات» ٧٨ : ٣٧٤ ١٣، قوله «محمداً بن محمد باقر الخواساري» أقول من المتوقع عن أدب الشيخ المصنف التعبير عن مثل هذا العلم العلامة الكبير الإمام الأوفى الحر الحرير بوصف أحسن عن هذا النذر اليسير و لكن هذه شئنة أعرفها من الحرم فالشيخ صاحب الدرية تلميذ لم يلا كتبه في الخط عن مقام سُدنا و مولانا صاحب الروضات طَبَّ الله تربيته، على أن جنابه لم يكن موصوفاً بالخواساري و إن كان مولده بها فقد عادرها في أوائل شبابه و قطع إصبعها مع دونه كما هو واضح. و بالجملة لو لم يكن روضات الجئات عند المصنف و أستاذه لم يقدرأها و لا غيرها على كتابة صفحة من كتبهم في التراجم و الرجال و الفهارس و غيرها، فانكلّ عيال على الروضات و مستفيدون منها للعذب المعر و الفصل لمتقدم و العاقبة للمتقين و سئل الله تعالى العصمة.

قوله (الذي توفي سنة ١٣٣١) أقول أنصواب أن حالنا العلامة الفقيه الأواحد الشيخ محمدتقي الشهر باقا لجمعي طاب مثواه توفي في عصرة يوم الأحد الحادي العشر من

شهر شعبان المعظم ١٣٣٢ كما تراه عند ترجمته في كتاب «ريدگانی آیت الله چهارسوقی ١٩٩ ٢٠٦» و «مکارم الآثار ٦ رقم ٩٩٧» و أت ولده الحاج ميرزا محمدباقر الشهير بألفت مؤلف أبواب الروضات فسيأتي ذكر وفاته في التعمية على التعريف بكتابه (كتاب الإحارات) في ص ١٢٤: الرقم ٥٩٧.

«أبواب الهدى» ٧٩. للعلامة ميرزا مهدي الإصفهاني مؤلف «سباسة الخلقاء» الآتي. طبع سنة ١٤٠٥ في مشهد. و اسقده بالقدح و التسم للمعاصر في مقالته «نقد تهافت عراقی: بشرة كيهان اندیشه ٣: ٤٩» و ردّ عليه تفاصيل الصاخ في ثلث البشارة ٦: «...» «أبواب الهداية» ٧٩ ٣٧٧. قوله (لسيد محمد رضا). أقول لم يكن الرجل عبوتياً من جهة آياته كما يظهر من الآثار.

«ابوهريرة» ص ٧٩: لسيد مشايخنا الإمام العلامة الحجة الكمر السيد عبدالحسين شرف الدين الموسوي العاملي فتن الله تعالى روحه يأتي بعنوان «حياة أبي هريرة ٧: ١١٤ ٦٠٤»

«أهمي الدرر» ص ٧٩ رقم ٣٧٩ أقول راجع له «الدعوة الحسينية ٨ ٢٠٧: ٨٥٠» و قد ذكرنا «عقد الدرر» في موضعه من التكملة. «اتحاد الوحد و الماهية» ص ٨١ رقم ٣٨٨ أقول يأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً بعنوان [الحق اليقين ٧: ٤٢: ص ٥] فلاحظ.

«اتصالات الكواكب و قراتها» ٨٢: ٣٩١ قوله (في ص ٢٠) فراجع. أقول أشير بذلك إلى عدم ثبوت شبح مصنفه و ذلك لأن في ديباجته قوله: «و أولاد و أشياخ و أصحاب و أتباع» الخ رأينا نسخة منه في مجموعة مخطوطة في القرن ١١ بالتقريب قال المصنف بعد الديباجة ما لفظه: «أين مختصر يست در معرفت أحكام اتصالات كواكب با يكديگر» الخ.

«اتفاق صحاح الأثر» ٨٣: ٣٩٣. ٣ قوله «سنة ٦٠٦». أقول: انظر ٤: ١٩٨. «إتقان المقال» ٨٣: ٣٩٥: ١٦. «إحياء الأموات» يأتي في محله من هذا الجزء. «إتمام الحجة» ٨٣: ٣٩٥: ٢٢. مرّ له رقم ٣٠٠ و يأتي رقم ٢٥٠٨ من هذا الجزء. «إتمام الحجة» ٨٣. لايس المحبوب التبريزي يأتي في ٣٢٦: ١٢٩٥ و ح ٩: ٩٦٣.

ص ٨٤: ليتدكر في الأجزاء التالية ما هو الثابت بعد كلمة (إثبات) في هذا الجزء كل في موضعه إن شاء الله.

«إثبات الجواهر المارقة» ص ٨٨ رقم ٤٢١ س ٨، إثبات العقل: كما يأتي (ص ٩٨، ٤٧٠) برقم جديد و كما يأتي (ص ٩٩، ٤٨٢) بعنوان «إثبات اللوح المحفوظ» و اعلم أنه قد نشر هذه الرسالة الصغيرة جداً السيد محمدتقي مدرّس صوفي في كتابه «أحوال و آثار بصيرالدين» و نكتم حول الرسالة من ص ٤٦٢ - ٤٦٨ ثم اعلم أن قوله (عقل الكل) الصواب (العقل الكلي) كما في (كشف اصطلاحات الفنون) و لتوسّع حول أصل الموضوع يراجع مظانّه العديدة في الكشف و في «فرهنگ علوم عقلی» للسجّادي و الله الهادي.

«إثبات حدوث الزمان» ص ٨٩ رقم ٤٢٥، مرّ ذكره في ص ٦٩ س ٦.
«إثبات حدوث العالم» ص ٨٩، ٤٢٦: ٥ عندما مه نسخة في مجموعة استنسخ في حياته.

«إثبات حقّة الإلهي عشرة» ص ٨٩، ٤٢٦: ٤، ٣١٨ و «عائلة المستدرك» ص ٣٨٨.
«إثبات الرجعة» ص ٩٣، ٤٥١: ٩، انظر لكتابناين شادان هذا «كتاب الإيضاح» ص ٣٨٢ له و أيضاً «إثبات اهتداء ٧ ١٣٧ و موضع أخرى منه» و قوله في ص ١٢ «محصّره الآتي» أقول راجع ١٠، ١٦٢ و ١٦، ٧٨ و ٢٠، ٢٠١ و ٢٢، ٣٦٧.
«إثبات الرجعة» ص ٩٤، ٤٥٦: ١٤، منه نسخة كتاب عبد السيد أبي الحسن الكتاني ره كتابها غرة جمادى الأولى ١٠٨٧ بأمر «سواب العالم العادل العامل الله وردى بيكا» و انظر: ٣٩١: ٢٠٢٥.

«إثبات العصمة» ص ٩٧ للمير محمد صالح بن عبدالواسع الخاتون آبادي. ذكره ولده المير محمد حسين في إجارته الموسومة «مناقب المصلا».

«إثبات العقل» ص ٩٨ رقم ٤٧٠، فترقيتها عن جديد ليس بصواب
«إثبات الملك النقلة» ص ١٠٠ رقم ٤٨٩: أقول يأتي هذا مكرراً في (ج ٢٢: ٢١٨)

(١٧٦٣)

«إثبات الواجب» ص ١٠٢: ٥٠٣، أقول راجع (ج ١١، ١٢ س ٢).

«إثبات الواجب تعالى الكبير» ص ١٠٣ رقم ٥٠٤ أقول عندما من هذا الكتاب الجليل نسخة فرع من كتاباتها جمال الدين علي الأصمعي في ٨ شهر رمضان ١٠٥٦ ليس فيها اسم المؤلف وعلينا حواشيه بتوقيع [منه رحمه الله] و نسخة خيف [تعليقات لشيخ الرئيس أبي علي ابن سينا] و بينهما و بأخرهما أيضاً فوائد و مقالات حكيمة و نسخة منها متأخرة عن نسخة صحن مجموعة في مكتبة جامعة طهران المركزية كما في فهرسها ٣ ١٣١ ثم أقول يمل السيد المصنف في كتابه متأ و هامشاً عن جماعة من الحكماء و منهم بللا جلال الدواني يذكره بقوله [و استند المحقق السواني فلتس سره].

«إثبات الواجب الوسيط، إثبات الواجب الصغير» ص ١٠٣ رقم ٥٠٥ انظر «رسالة في إثبات الواجب ١٠ : ١٠ : ٤٨».

«إثبات واجبه» ١٠٣ : ٥٠٩. يأتي في الشروح أيضاً.

«إثبات الواجب تعالى» ١٠٤ - ٥١٢. طبع تأليف المولى رجعي في «مستخرات آثار الحكماء مع الرد على بعض مطايعه» ٢٢١ ص ٢١٤ «لست جلال الأشائي و بعده منتجب من «الأصل الاصيل» له ر.».

و يأتي ذكر الرسالة لآخر مرّة في (وجود البرهنة ٣٧) وراجع و عندما نسخة مصوّرة منها تاريخها ١٠٨٢ و توجد في المكتبة المركزية بجامعة طهران عدّة نسخ منها و صمها في فهرسها ٣ : ١٣٢ و ٤١٥ و اشتهى على مؤلف المهرس أمر القاضي سعيد القمي تبعاً لما في المتن بقوله [و هو أساد القاضي محمد سعيد (في المهرس الحكيم الكوجك) القمي و أخيه الحكيم محمد حسين (في المهرس محمد محسن) فإن القاضي صاحب الأربعين و الأربعينيات و إن كان تلميذ المولى رجعي إلا أنه عمر الحكيم كوجك ميرزا سعيد الطبيب أخي الميرزا محمد حسين الحكيم كما بيّناه في مقالة لنا فلا يعمل.

«إثبات الواجب تعالى» ص ١٠٦ رقم ٥٢٠ أقول سألني له «إثبات الهبولى» ١١٢ - ٥٤٢ «فراجع».

«إثبات الواجب - القديم» ١٠٦. ٥٢١. ١٦. قوله «سنة ٩٠٨». أقول يأتي في ١٠٢ : ٦

و مواضع أخرى من هذا الكتاب «سنة ٩٠٦» بطر كتاب الدواني و «قم ١٢٢ ٣»

«إثبات الواجب تعالى» ص ١٠٨ رقم ٥٢٥ : يراجع فهرس المركزي ١٢٨ : ٣ - ١٣٠.

«إثبات الواجب تعالى» ١٠٨، ٥٢٦. عدد من نسخة بامّة و نكتها بحالية عن تاريخ التأليف و هي في مجموعة استسخت سنة ١١٢١ في بلدة اورمك آباد من بلاد الهند و يأتي أيضاً «إثبات الواجب» هذا في ١٦ ٣٥ باسم «الحقايق المحمّديّة» كما يأتي شرحه في ١١٣: ٦٠.

«إثبات الواجب تعالى» ص ١٠٩ رقم ٥٢٨. نسخة في مكتبة جامعة طهران المركزيّة كما في فهرسها ٣، ١٣٣ و فيها أيضاً نسخة من حاشية الحكيم مسحا على اخمري بخط جدنا العلامة الكبير صاحب مساهم المعارف كما تذكره هامش ح ٦ ص ٦٧.

«إثبات الوصيّة» ص ١١٠ رقم ٥٣٦. نقول: نظر الكلمة على [سرّ الحياة ١٢: ١٦٧ ١١١٢].

«إثبات الوصيّة» ١١٠ ٥٣٦ ٢٠ قوله «ندعو عمرا بررگ» انظر ١٠١-١، ٤٩٧.

«إثبات الهداة بالصوص و المعصيات» رقم ٥٤١ ص ١١٢ س ٨، كما يأتي أقول انظر ما ذكرناه في الكلمة على «نصوص ٢٤ ١٨١-٩٣٨»

«إثبات الهيولى» ص ١١٢ رقم ٥٤٢. نقول انظر التكملة على [الحاكمات ٢٠ ١٣٤: ٢٢٦٤]

«الاثنا عشرية الخمس» ١١٣ ٥٤٧ ٥. انظر «أحوال و اشعار فارسي مسح هائي: ٩٢» و عدنا منه مسح.

«الاثنا عشرية في المراتي» ١١٣ ٥٤٩ ٢٠ قوله «دورده بد» أقول يرجع ٨: ٢٧٠ و أيضاً ٢٥ ٨٥ عنوان «وسيلة السجدة» في شرح هذه الأبيات

«الاثنا عشرية» ١١٤: ٥٥٠. هو في المسائل الخلافية، ١٢ مسئلة أوليها في نقل الجبارة إلى المشاهد طبع في ٢٢٤ ص مع كتابه «الدرّة البيضاء» و «الدرّة العروية» و توفي مصنفه الأخباري في شهر رمضان ١٣٦٩ و له أيضاً «المسائل المحققة» و «فوائد الإسلام».

«الاثنا عشرية» ص ١١٤ رقم ٥٥٤ يأتي به [استغنى في جمع المراتي و الخطب ٢٢: ٧٦٩٦ ٥٤٢٠].

«الاثنا عشرية» ص ١١٥ رقم ٥٥٨ س ١٨، خامس: المذكور ص ١١٣، ٥٤٧.

ص ١١٥ س ٢٠، نسخة أقول الطاهر أنها نسخة الموصوفة عند ذكره [سار السماع ٢٢: ٢٤٣: ٦٨٧٩] مراجعه

«اللائعشرية» ص ١١٦ رقم ٥٥٩ س ٢، يأتي في الردود: في ح ١٠ ص ٢٠٩ و عندنا منه نسخة بخط «...» و نسخة أخرى بخط «...» و طبع الكتاب.

«اللائعشرية» ص ١١٦ رقم ٥٦١. راجع لشروحها (ح ١٣: ٦٠ ٦٢).

«اللائعشرية» ص ١١٨ رقم ٥٧٢: راجع [قبله اثني عشرية ١٧: ٤٢]

«اللائعشرية» ص ١١٩ المسبوبة إلى آخره بصير لدين لطوسي قدس الله روحه من عنها المحدث القمي ره في كتابه [النكاح] في ديل ترجمه أبي هلال العسكري و م بحثها ذكر في كتاب «أحوال و آداب بصير لدين» لمدرس الرضوي.

«اللائعشرية في المواعظ العددية» ص ١١٩ رقم ٥٧٦: أقول انظر وصف نسخة ثمانية من كتاب الشريف تعريف وقت التكليف بخط هذا السيد الشريف في «الأبواب الباطنة ٥٠» و سألني له «أدب النفس ٣٠٨ ١٩٩٩» و لم يجد كتابه ذكر في مصادر كتاب «نهار الأبواب» و الطاهر أنه لم يصل نسختها إلى العلامة المجلسي عليه الرحمة أو غير ذلك و انظر ترجمة السيد اس قاسم في (الروضات النضرة ص ٥٣٢) و في مقدمة الطبع لكتاب (أدب النفس) المطبوع ب طهران و قد أخطأ مباشر الطبع في تسمية الكتاب قطع باسم (آداب النفس).

«الولوحيا» ١٢٠: ٥٧٧. قوله «و يأتي تحريره و شرحه» أقول و كذا تأتي الحاشية عليها في ح ٦.

«اجابة المضطربين» ص ١٢٠ رقم ٥٨٠ س ٢٢، اسحق. أبي اسحق.

«الاجادة» ص ١٢١ رقم ٥٨٢ انظر [إقلادة ١٧ ١٦٠ ٨٤٢] مع التكملة.

«كتاب الإجازات» ١٢٤: ٥٩٧. قال في آخر مجلده الأول: «قد تم المجلد الأول من كتاب «مجمع الإجازات و مسع الإجازات» و هذا مجلد يشتمل على مائة إجازة غير ما فيها من الفوائد و كان الشروع في جمعه و تأليفه في شهر شعبان سنة ١٣٢٣ و الفراغ منه على يد مؤلفه محمداقرب بن محمدنفي الراري الخواساري أبا و أمّا و الإصعهاقي مولداً و مشأ و ذلك في ليلة الأحد لأحد و عشرين مصت من شهر ذي الحجة الحرام

١٣٢٥». أقول و هذا الكتاب في مجتدیر لا في ثنّة و مجتده الثاني عمر تامّ يشتمل على ثلاثين إجابة. و قد استعدت من مجتديه عند مؤلفه العلامة الحاج ميرزا محمدباقر المشتهر بالفت و اشترك معي في أجدادنا الأربعة 'الأعلام' كاشف العطاء و صاحب «هداية المسترشدين» و السيد صدرالدين العاصي و الحاج ميرزا زين العابدين الخوانساري (نور الله مراقدهم)، و نقلت بعض إجابات مجمع عن مجتديه في كتابي «رياض الأبرار» ثم سرق المجتدان من مكتبته في حياته و أسف الألفة (رحمه الله) لدلت أسفاً شديداً. و توفي عصيرة يوم الأربعاء ٢٦ من الربيع لنورود ١٣٨٤ و دفن بجوار تربة والده قرب بيته في إصفهان و كان ولادته ليلة الجمعة عرّه أو الثاني جمادى الأولى ١٣٠١ و توفي ولده الفاضل الحاج ميرزا بهاءالدين الأنفة في يوم الأحد ٩ من ذي القعدة ١٤٠٢ و دفن يوم الإثنين ١٠ بجوار قبر والده. و مرّ ذكره أيضاً في «أنوار الروصاة».

«كتاب الإجابات» ص ١٢٦ رقم ١٠٥ س ١٩، ذلك: انظر (ج ٢٠، ٦٠، ١٩٠١) و ما ذكرناه في الهامش.

«كتاب الإجابات» ص ١٢٧ رقم ٦١٠ س ٢٠، الآية: في ص ٢٢٢: ١١٦٤

«كتاب الإجابات» ١١٢٧: ٦١٠: ٢٢. قوله «في مجتد إجابات البحار» أقول و نقلها عن البحار صاحب «عوالم العلوم».

«كتاب الإجابات» ص ١٢٩ رقم ٦١٣ س ١٣، ميرزا محمد: هو أبو روجة مؤلف هذا الكتاب الدريعه.

«كتاب الإجابات» ص ١٢٩ رقم ٦١٥ أقول اطسه في «الشجرة ١٣: ٣٧ ١٢٣»

«كتاب الإجابات» ١٣٠: ٦١٧: ١١ رجع (٢٠: ٦٠: ١٩٠١) و ما ذكرناه في الهامش.

«كتاب الإجابات» ١٢٠: ٦١٨: ٢٢ قوله «و غيرهم» أقول و منهم السيد نورالدين الجزائري كما يأتي في ص ٣٦٠.

«كتاب الإجابات» ١٣١. أنظر «السبيل الجدد إلى حلقات السد» في ١٢: ١٣٧.

«كتاب الإجابات» ١٣١: ٤. أقول و فمن يروي عند السيد نصرالله الشهيد الجزائري: السيد نورالدين الجزائري و الشيخ علي بن جعفر القلبي السحراي و السيد منصور الطالقاني النجفي (رضوان الله عليهم).

«الإجارة» ١٣١. الإجازات المذكورة في هذا المجلد يبلغ عددها ٧٧٩ و كلما كان مأخذ المؤلف بمجلد إجازات «بحار الأنوار» وحده فيس مقيماً بالتصريح بالمأخذ فلا يعمل، و يأتي مستدرك الإجازات في حرف اراء بعنوان «رساله في إجارة فلان» و أيضاً في المهم بعنوان «مجموعة الإجازات»

ص ١٣٣ س ٣، فلنقتصر حصر المصنف مأخذه في ذكر الإجازات كلها.

«إجارة الشيخ ابراهيم بن ميمان القطيبي» ١٣٤ - ٦٢٤. لكمال الدين حسين بن شمس الدين محمد بن علي الطيبي. نسختها بخط جده العلامة الحاج مير سيد محمد شقيق الإمام المجدد صاحب الروضات نقلها عن ظهر نسخة من المجلد الثاني للترتيب و تاريخ الإجارة سنة ٩٢٨ و هي سنة شهادة الإهداء و القراءة. ثم أقول راجع لراماً ترجمة المهر في كتابها [شرح روضات الجنات ١ - ٦٦ - ٧٤] و إضافات كثيرة فيها بعد الطبع و [إحياء الدائر ١ - ٥] و أيضاً صورته إجاره له بخطه في [مؤلفين للمشار ١، ٧٨] و ليحقق.

«إجارة الشيخ ابراهيم» المذكور ١٣٤. ٦٢٧: ١٩ قوله «في سادس عاشورا» أقول الذي في إجازات البحار ص ٧٥ هو «سادس شهر عاشورا» و في الط الجديدة ص ١٠٦.

«إجارة الشيخ ابراهيم» المذكور لمسيّد مفر الدين ١٣٥: ٦٢٩. أقول ليس هذا السيّد متحداً مع القاضي معالدين محمد الإصمعي كما التمس الأمر على العلامة المحدث النوري و يأتي بيانه ٢٥١: ٤ بل هو من السادة المعروفين بالشهشهيبيين و من أحماد صاحب المزار المعروف بإصمهان.

و قوله في س ٣ «عن بعض إجازات الشيخ أحمد». أقول هو إجارته بساح محمد ابراهيم الكرباسي.

و قوله في س ٤ «أقول ذكر القطيبي» الخ أقول هذا أيضاً مأخوذ من كلام صاحب الروضات.

«إجارة» ص ١٣٥ رقم ٦٣٣ س ٢٢، سنة ١١٢٥: قال في (الكواكب المنتشرة ص ٩) إن القاضي فرع من هذه الإجارة «صلى يوم الخميس الثاني و العشرين من ذي القعدة ١١٤٥» ثم قال في الحاشية «هالناريج ٢٧ ذي القعدة الذي جاء في الدريرة ١ رقم ٦٣٣ غلط مطبعي».

«إجازة المولى أبي الحسن» ١٣٧ ٦٤٢ ١٧ قوله «مهم العلامة المحسني» أقول: له منه إجازة من مذكورين في ص ١٤٩ وراجع (ح ١١، ١٣، ٥٩) و (ح ٢٠، ٥٩، ١٩٠٠).

«إجازة أبي غالب الزراري» ١٣٨ ٦٤٤ يأتي له أيضاً إجازة أخرى في ١٤٣ ٦٧٤. «إجازة العلامة المحقق صاحب الفوائس» ١٣٨: ٦٤٧. للحاج محمد إبراهيم الكرباسي. سخطها بخط جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات في حاشية نسخة «أمل الأمل» بخط الشريف. و لصاحب الفوائس أيضاً إجازة جديله لتلميذه الآخر الحاج السيد محمد باقر بن محمد تقى اليبداي المشتهر بحجة الإسلام تاريخها ليلة عيد المظفر ١٢١٥ طبعته مطبعة بالمحمد الأول من كتابنا «مهرست كتب خطي»

«إجازة الشيخ أحمد بن اسماعيل» ١٤٠ ٦٥٧ ١٦. قوله «لسيد عبدالعزير». أقول انظر ٢٦٥: ١٣٩٢.

«إجازة الشيخ أحمد بن اسماعيل الخويزي» ص ١٤٠ بريل الروضة المحقة للمولى عبدالنبي ابن الشيخ المصنف في أربع صفحات تاريخها يوم السبت تاسع (كذا) و العشرين من ذي الحجة من سنة ألف و مائة و خمسون إجازة معيدة بخط الخويزي في آخر نسخة «إيضاح الاشتباه» للعلامة رحمه الله رقمها في المرعشي ٧٢٩٥ و تصوير الإجازة بكاملها في فهرسها ح ١٩ فسن من تاريخ هذه الإجازة أن الخويزي كان حياً لعاية سنة ١١٥٠.

«إجازة» ص ١٤١ رقم ٦٦١. أقول ثم جدد طبعها رمسا العاقل الدكتور حسين آل محمود حفظه الله في «كتاب إجازات شيخ أحمد الاحمائي، ط النجف ١٣٩٠» و هناك تاريخ الإجازة عره محرم ١٢٠٥ مصرحاً

«إجازة» ص ١٤١ رقم ٦٦٢ أقول صنعت هذه الإجازة باهتمام الدكتور حسين علي محمود الكاظمي سنة ١٣٩١ في النجف الأشرف مع مقدمة و تعاليق معيدة و أصل الإجازة بخط الخويزي في ست صفحات و تاريخها سنة ١٢٢٩ و قد أطراه الخويزي في أولها و ذكر اسمه «آقا أسدالله محل الجليل السب احاجي اسمعيل» و أمّا الدكتور المحقق وذكر في المقدمة أن الخاز ولد في كربلا سنة ١١٦٠ و توفي في الكاظمية سنة ١٢٣٤ و أنه نقله أخوه روضة العلامة الشيخ موسى بن جعفر إلى النجف الأشرف و دس بها في مقبرة جدنا كاشف العطاء ره و في ولادته في ١١٦٠ تأمل جداً بل هو بعيد عن الصواب غاية و لم يذكر الدكتور ما بعده للتاريخين و راجع كتاب «شرح روضات الجنات».

«إجارته» ص ١٤١ رقم ٦٦٤: أقول يأتي لإشارته إلى هذه الإجارة أيضاً في عنوان «جواهر الكلام ٥: ٢٧٧ ص ٢».

«إجارة» ص ١٤٣ رقم ٦٧٤: مرّ لأبي غالب أيضاً رقم ٦٤٤

«إجارته» ص ١٤٤ رقم ٦٧٨ صورته في ص ٥٤ بمحمد إجازات البحار

«إجارة السيد الامير نظام الدين أحمد» ص ١٤٥ رقم ٦٧٩: صورته في إجازات البحار ص ١٤١.

«إجارة» ص ١٤٥ رقم ٦٨١، أحمد: هو مذكور في لدرية ١ ١٣٠ ص ١٩ و ح ٢٠: ٦٧ رقم ١٩٥٠.

«إجارة العلامة المولى أحمد» ١٤٥ ٦٨١ ١٠ قوله «أي در» أقول انور هذا ابن الحاج محمد القمي كما في إجارة الحاج ملاّ أحمد المذكور لأخيه الحاج ملاّ محمد مهدي صاحب تنقيح المعال و هذه الإجارة كثيرة مسطرة بأرجحها (أواخر دي الحجة ١٢٤٤) طُبعت مصوّره خط المجر (في ١٨ ص) مع «قاموس الرجال ح ١١»، كما طُبعت إجارته لشيخ الأنصاري ره في «ردگای و شخصیت شيخ انصاري». و يأتي للمعاج (تقريب الاصول) في ج ٤ ٤٦٠ ٢٠٥٦ و إجارته للسيد حسين الكاشاني و إجارته انور محمد سعيد بن الشيخ يوسف له في موضعيهما من لتكمته

«إجارته» ص ١٤٦ رقم ٦٨٣: أقول طبع هذه الإجارة الشريفة في «ردگای و

شخصیت شيخ انصاري ص ١٢٠ - ١٣٠ ط ٢»

«إجارة محمد باقر بن اسمعيل الحلي الاصبهاني» ١٤٧ مولانا محمد رحيم الشريف

الاصبهاني مبسوطه مفيدة موجودة عند في «باص الخاتونآبادي» و قد كتب المجر نسبه في أوّل البياض هكذا. باقر بن اسمعيل بن باقر بن اسمعيل بن عماد. إلى أن اتصل بآدم أبي البشر عليه السلام. و لعلّ النجار جدّ صاحب الجواهر لأبيه قدّس الله أسرارهم و ترجمة صاحب الخواهر و بيته المذكورة في «مكارم الآثار ٥ ١٨٢٦ فما بعدها» بمالقا و «مناصي الجف و حاصرها ٣: ٤٢ فما بعدها».

«إجارة» ص ١٤٧ رقم ٦٨٨: أقول راجع (ح ١٦ ١١٠٤ ٥٦٤) و سيأتي للمعاج في هذا

الجزء (ص ١٦٩: ١٠٤٠) و انظر (تسم أمل الآمل ص ١٢٠) و (الكواكب المشرقة ص ٨١ و ١٩٠) و ما كتبه هامش الموضوعين.

«إجازة» ص ١٤٧ رقم ٦٨٩: أقول أصل هذه الإجازة الشريفة بخط المخير و خاتمه في ظهر نسخة الأصل من كتاب «منتهى المقال» للمحار الموجودة في (كتابخانه مركزى دانشگاه تهران) و صورة الصفحة المشتملة على الإجازة مطبوعة في فهرس المكتبة (ص ٦٦٧) و المقرئ فيها تاريخ الإجازة سنة ١١٩٥ و المهم الذي عمل عنه أصحاب الراجح أو عني عنهم أن المحار كتب تاريخ وفاة المخير فوق إجازته بهذه الصورة [توفى الآقا قدس الله مسيح نبيه صبيحة يوم السبت ناسع عشر شهر شوال المكرم سنة ١٢٠٥] انتهى و هذا هو الموافق لما ذكره آقا أحمد حميد المير في كتاب «مرآة الأحوال ص ١٤٩». م عر عني عنه في ليلة ١١ ح ٢ ص ١٤١٣

«إجازته» ص ١٤٧ رقم ٦٩٥: أقول و طبع إجازته أي إجازة الوحيد الميهاني للسيد ميرزا محمد مهدي من أبي القاسم الموسوي الشهرستاني التوفى ١٢١٦ في ضمن ترجمة المحار في (أعيان الشيعة ٤٩ ص ٦) بمقدار نصف صفحة و بعد إجازة المحار المذكور لتتميده الشيخ ملا محمد فاضل السعادي أسقط من الأولى

ص ٤٨: لم يذكر شيخنا المؤلف إجازة لجدنا العلامة الكبير الحاج الشيخ محمد باقر بن العلامة الأجل الشيخ محمد تقي المسجد شاهي الإصفهاني ره سوى ما يأتي في ص ١٥٨ رقم ٧٨٣ أنقرت عن مكانها سهواً

«إجازته» ص ١٤٨ رقم ٦٩٦، محمد يوسف، راجع «إجهاذية» في ح ٥ ص ٢٩٨ رقم

١٤٠١.

«إجازة» ص ١٤٨ رقم ٦٩٨. ذكر الشيخ علي السواني في (حياة الوحيد الميهاني ص ١٧٤ ط ٢) أن نسخة هذه الإجازة في مكتبة ملك التجار بطهران و نقل عنها قطعة مترجماً بالعربية و قوله (بمجموعة الشيخ عبدالحسين) أقول مراده كتاب الإجازات الذي مر ذكره في ص ١٢٦ الرقم ٦٠٥.

ص ١٤٩. أقول رأينا في (أعيان الشيعة ٥٣ ٦١) لشيخنا في الرواية السيد العلامة الأمين العاملي ما لفظه [السيد الأمير أبو حسن الاسترآبادي المشهدى ذكرناه في الجزء السادس ثم عثرنا على صورة إجازة الخمسي به فأعدنا ذكره ها قال المجلسي (كذا في النوصعين و يا ليت شيخنا السيد راعي شرط الأدب في حق أكابر العلماء و أعظم

الفقهاء و لكنّه مع الأسف لا يزال هذا الأمر بالنسبة إلى عمر من لم يكن من العرب خصوصاً الرعيل الأول من العلماء أمثال العلامة الإمام المجدد البحر المواجه مولانا المجلسي و سيّدنا الجدّ الإمام العلامة المجدد آية الله العظمى السيّد ميرزا محمد باقر الموسوي الإصفهاني صاحب روضات الجنّات فتش الله تعالى أرواحهم مع أن موضوع كتابه تعظيم رجال الشيعة و تكريمهم و الله من وراء المقصد و هو اهادي إلى سواء السبيل ثمّ إنّه نقل تلك الإجازة في ٢٧ سطرأ و لم يذكر كشيختنا المصنف مأخذه و السلام

«إجازة العلامة المجلسي للعلامة المولى أبي الحسن الشريف» ١٤٩. ٧٠٤: ٣. قلت قد مرّ ذكر هذا الشريف و إجازته للسيّد نصر الله الشهد في ص ١٣٧.

«إجازة العلامة المجلسي للشيخ أحمد بن محمد» ١٤٩. ٧٠٦. ٨ قوله «في القيص القدسي» أقول: أخذها المحدث النوري عن «تؤلوة البحرين» و إن لم يصرّح بذلك مثل ما ذكر أيضاً في «خاتمة المستدرک ٣٢٨٨» بلا عرو، و انظر ترجمة الرّجل في «الروضات» و توجد نسخة الإجازة أيضاً لنفسه خلف الإجازة رقم ١٠٧٠ في خزانة الكتب النعمي المرعشي بقم.

أقول هذا ما كتبه قدراً ثمّ في أوائل شهر شوال المكرّم ١٤٢٠ راجعت فهرس المكتبة المرعشيّة ج ١٤ ص ٣٤٥ و ٣٤٦ المسحّة رقم (٥٥٨٢) فرأيت أنّه ذكر المعهرس هناك إجازة الشيخ عبد الله بن صالح السماهيجي للشيخ ناصر بن محمد الهارودي المؤرّخة سنة ١١٢٨ ثمّ قال إنّ معها إجازة العلامة المجلسي للشيخ أحمد بن محمد بن يوسف البحراي مبنورة الآخر و الكاتب هو حسين عمّاد البحراي كتب الإجازة الأولى في ليلة ١١ دي حجه ١١٥٥ و من أعجب العجائب و أعرب العرائب أنّ السيّد الإشكوري مؤلف فهرس المرعشيّة ذكر في ترجمة الشيخ أحمد في كتابه (إجازات الحديث ص ٢٠) ما نصّه «و أدرجت الإجازة مبسورة في مجلّد إجازات «محرر» ثمّ بعد ذلك نقل ما وجد من الإجازة و أكّد في آخرها (ص ٢٥) أنّه نقلها عن بغار الأوبار و هذا نوع من التباس و قد تكلمت معه صباح يوم الأربعاء الرابع أو الخامس من شهر شوال المكرّم هذا باهاتف و هو في بيته في قم و ذكرت صيغه هذا فسم بحر جواباً

«إجازته» ص ١٤٩ رقم ١٤٩ من ٢٣، قطعة. أقول انتفعت تلك النسخة الثمينة إلى

مكة أسرار قلبي الرصوي بمشهد نفيس و تلك الإجارة مسوقة باستجارة المحار من جناب المحير ثم بعدها إجارة الفاضل الهادي له كما تأتي في ص ٢٣٢ رقم ١٢٢٢ و طعت صورة الاستجارة و قطعه من إجاره العلامة المجلسي في ح ٦ من فهرس تلك المطبعة مقابل ص ٢٦١ و حصلت عندي بصورة الجميع وأوردناها في كتابنا «رباخص الأبرار» و الحمد لله ثم إن محارره أورد صورة الإجارين في برجمة نفسه التي أوردناها في حاشية كتابه «تفريع المقاصد لتوضيح المقاصد» و طبع الحاشية المذكورة تمامها في حاشية كتابه «روايع الجواهر» بإصفهان سنة ١٣٧٩.

«إجارة العلامة المجلسي للشيع من العابدين» ١٥١ : ٧٢٦ : ١٩. أقول راجع الدررعة ح ١٢ ص ١٩٢

«إجارته» ص ١٥٢ رقم ٧٢٨ راجع (دب صورة النيل ٢٣ . ١١٧)

«إجارة العلامة المجلسي» ١٥٤ لمولانا شيخ محمد بن الحسن الحر العاملي . نسختها في «سبحة لبرر الأبرار» من الدررعة ح ١٢ ص ١٩٢ و راجع ما مر في ص ١٥١ س ١٦

«إجارة العلامة محمد باقر المجلسي» ص ١٥٤. للشيخ عظام الدين محمد البستاني تاريخها ثالث شهر رجب ١٠٩٥ مطبوعة في [فهرست نسخة] خطي كتابخانه جامع گوهر شاد مشهد مقدس ١٠٩٢ : ٤٢٨] عن أصل حقّه الشريف على نسخة جديدة من «تهذيب الأحكام» [فهرست ١٠٩٢ رقم ٢٩]

«إجارة العلامة المجلسي للمولى محمد بن أبي الفتح الجبلي» ١٥٤ : ٧٥٢ أقول لعلّ المحار هو المذكور قبل برقم ٧٤٩

«إجارة العلامة المجلسي» ص ١٥٥. مولانا محمد مؤمن الراري خصوص مع البلاغة مع سائر ما أعده منه مختصرة تاريخها ثامن شهر رجب ١٠٩٢ بآخر نسخة من النهج [فهرست گوهر شاد ١٠٩٤ : ٤٤٤]

«إجارة العلامة المجلسي للسيد نعمه الله الجزائري» ١٥٦ : ٧٦٥. قوله «مبسوطه على نهج البلاغة» أقول يعني على ظهر نسخة معصومة من النهج و قد نقلها بطولها مؤلف «تابعه فقه و حديث ص ١٠١ - ص ١٠٦» و انظر أيضاً لتبنيها «البايعه ص ١٠٦»

«إجارته» ص ١٥٦ رقم ٧٦٦. راجع كتاب البايعه المذكورة ص ١٠٦ و انظر ح ١

«إجارة محمد للإسلام» ١٥٦ ٧٦٧ أقول قدمت إجازات حقه للإسلام خطأ و راجع أول تراجم «الكرام البررة»

«إجارته» ص ١٥٦ رقم ٧٦٩ س ٢٠، عبد الوهاب، يروي الميرزا عبد الوهاب أيضاً عن الخاج ملا حسين علي التويسركاني وأستاده خاج ملا رفيع انگلاني و يروي عن الميرزا عبد الوهاب المذكور ميرزا عبد الرحيم بن خاج محمدرضا بن خاج محمداً ابراهيم الكسائي كما ذكر كل ذلك في مختصر المكارم.

«إجارته» ص ١٥٧ رقم ٧٧٤ أقول نظر «سبب انما خرج ١ ص ٣٤٩» و ما كتبه هامشها و هامش الكرام البررة في ترجمة الخاج رقم ١٥١٢

«إجارته» ص ١٥٨ رقم ٧٨٠ س ١٢، على لافتدا الصواب الافتداء أقول و مثل هذه الإجارة توجد في صور إجازات العلماء بخاج آقا محمد بن خاج محمد مراهيم الكرباسي في مفتح كتابه أنوار البروق في عقد صورهما و فيه أيضاً الوصف الغريب و تاريخها ثامن شهر شعبان سنة ١٢٤٩، فصل المستمحم كتب أولاً هذه الإجارة بصهره آقا محمد ابن خاجي الكرباسي ثم جددتها فلما بقي المذكور في المن الذي كان روح تحت خاج محمد ابراهيم المذكور و عقدنا أيضاً نسخة تحت الإجارة استنسختها بيدي في سنة ١٣٦٧ عن مجمع الإجازات و ليس في الإجازات سوى اسم الخاج (آقا محمد) و الأوصاف واحدة من دون ذكر اسم الوالد و لسمه و تحلف عبارة لتوصية و التي أشار إليها في المن تاريخها في مسختنا (٢٩ رجب سنة ١٢٥٩) و الله العالم خفايق الأمور. م عر حرر في ليلة العاشوراء ١٤٠٦

«إجارة العلامة ميرزا محمد باقر بن ميرزا زين العابدين» ١٥٩. جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات فليس الله روحه للميرزا محمد محمد في إمام الحرميين كتب له إجازتين إحداهما الكبيرة أسأخره نسخها في «الشجرة مورقة» للمعجار و الأخرى المتوسطة تاريخها «عصيرة يوم الإثنين الحادي عشر من رجب المرجب المكرم سنة ثلاث و خمسين و مائتين بعد الألف» نسخها في ستة صفحات في كتاب رياض الأبرار بخط جدنا العلامة الورع السيد جلال الدين (روصاني) ابن العلامة الفقيه الحجة السيد ميرزا مسيح الخاج عن إمام الحرميين المذكور كتب يأتي هامش ص ٢٣٩ و قد رأى شيخنا المصنف ره عبد الشيخ

محمد السماوي ره في السجف لأشرف نسخة كتاب المشكاة في مسائل الخمس و الركاة لإمام الحرمين كما يأتي في محله رح ٢ ٥٢ (٣٩١٤) قال (و في آخرها إجازة الحاج ملا حسين علي المويسركي و إجازة صاحب الروضات خطيبها له في سنة ١٢٨٣) انتهى مع تصحيح لارم. و انظر إجازة الرجل في «الشجرة المورقة ١٣ ٣٧: ١٢٣».

«إجازة السيد المحقق الداماد لسيّد أحمد بن زين العابدين» ١٥٩ - ٧٩٠. أقول بسختها عدنا بخط جدنا العلامة منتبج الخراج السند محمد شقيق جدنا الإمام المجدد صاحب الروضات.

ص ١٥٩ من ٢٣. مه ١٠٣٠. أقول هـ تاريخ أعني ١٠٤١ هو الصحيح في وفاة سند الداماد علي ما تحقق عندي دون ١٠٤١ كما في عدة مواضع فلا تعمل «إجازة السيد المحقق الداماد» ص ٦٠ أيضاً بعض تلاميذه مختصرة كتبها علي نسخة الرسالة الخالصة كما تأتي (ج ٧ ٢٤١، ١١٦٩)

«إجازة» ص ١٦٠ رقم ٧٩٥ محمد باقر اعظمي رقم ٩٤١
«إجازة» ص ١٦١ رقم ٨٠٢ محمد باقر اعظمي أقول هو صاحب كتاب (الدلائل الباهرة) انظر (ج ٨: ٢٤٧: ١٠٢٠)

«إجازة العلامة مولانا محمد باقر اعظمي» ص ١٦٢ لسيّد أمير محمد هاشم في خصوص رواية (الحرر اليماني) المذكور في موضعه من التوبة و قرائته وصف فيه إجازة بقوله [و بعد فقد التمس مني السيّد سحيب الأديب الحسيب رتبة السادات العظام و النقاء الكرام الأمير محمد هاشم أدام الله تعالى تأييده] الخ وجد الإجازة المحدث البوري على ظهر الدعاء المذكور بخط المير ره فسر تمامها عنه في كتابه [دار السلام ١. ١٦٠ - ١٦١] و صورة الإجازة أيضاً مع الدعاء موجودة بخط العلامة المير محمد حسين بن المير محمد صالح الحسبي الحانونا بادي في كتاب دعاء له رحمه أو كتبها بخطه في ١١٣٦ عام فتنة أفعاك و توجد نسخة كتاب الدعاء في خزانة كتب مكتبة مسجد جامع گوهرشاد في مشهد الرضا صنوب الله عنه كما في فهرسها الأول المختصر ص ٢٠٠.

«إجازته» ص ١٦٣ رقم ٨٠٥ عندي بحمدته تعالى مصورة أصل هذه الإجازة و نسخة في مجموعة صغير الحجم أولها وجيزة مجلسي معها إجازة صاحب المعام الكبيرة.

«إجازة المولى محمدتقي المجلسي للمحقق آقا حسين بن جمال الدين» ١٦٢: ٨١٩. نسخة أصلها بخط الجيز في كتابا «رياض الأبرار».

ص ١٦٣ س ١، أواخرها: أقول ما أورده شيخنا رحمه الله هنا نقلاً عن الإجازة صحيح في الاسناد أمّا مع التصرف في عبارات الإجازة فمصرّ كلام التقي المجلسي بخطه عليه الرحمة في كتابا محسّن دو گفّار ص ١٠٩ مصوّراً و قلّه أيضاً روايته عن الشيخ البهائي عن الشيخ عبدالعالي عن أبيه في ص ١٠٦ مكرراً والسلام

«إجازة المولى محمدتقي المجلسي» ١٦٣. مولانا محمد صادق من دون أيّ مير في أربع صفحات كتاب مصوّرة أصلها في كتابا المذكور و ياربها محرم ١٠٦٨. راجع نسخة الأصل من إجازات البحار في ١٥١ رقم ٥١.

«إجازة» ص ١٦٣ رقم ٨١٤، محمدتقي: السيّد محمدتقي هذا محار عن العلامة السيّد عبدالله شير كما يأتي بالرقم ١٠٦٨ و يأتي له [له من التحرير ٢٤: ٣٩٧. ٢١٢٢].

«إجازة» ص ١٦٤ رقم ٨١٥. أقول راجع (الأبواب الساطعة ٣٠) و (الحقايق الراهة ١٧٩).

«إجازة» ص ١٦٤ رقم ٨٢٠: أسماء الخاتون من جنت الشيخ الأكبر في كتاب بيان سبل الهداية ج ١ ص ٦٣ فما بعد.

«إجازة» ص ١٦٥ رقم ٨٢١: أقول ثم جئت ضبعها لأخ العاقل الدكتور حسين علي محفوظ الكاظمي في «كتاب الإجازات الشيخ أحمد الأحسائي ط الحف ١٣٩١» و في ثلث الإجازة مدح بيع في العاية من جنت الشيخ الأكبر لشخه بحر العلوم طاب ثراه بأعظم المدائح و أجلّ المحامد و للسيّد حبيب دور الخمس و الخمسين و كانا متقاربي السن فقد ذكروا أن ولادة السيّد سنة ١١٥٥ و ولادة الكاشف ١١٥٦ و هكذا كان دأبه الشريف احترام أعظم السادات الأشراف و جلال أكابر المتهدين الأبحاد لا سيما في ذلك الزمان الذي كان آخر دور حياة الأخباريّة المعادين للمجاهدين و بدو ظهور الكفار الحريّين من ملاحدة السجديين فاشيخ يدفع بإحدى يديه مكائد الميرزا الأخباري و بالأخرى مظالم عدوّ التي (ص) عبدالعزير سجديّ و مع هذا و ذلك يرفع رايات الحق بتأليه و أنواع تبليغه و ترويجه و تربية طلاب العلم و حمايتهم و من جملة ما ذكره في

حقَّ المجتهدين من معاصريه هو ما وصف به صاحب رياض المسائل مع أنه كان أصغر من الشيخ بخص سنين أو أريد فترة يقول في كتابه التبيين «الحق المتيقن ص ٨٨» ما لمظه الشريف «جواب ردة المجتهدين و أفصل نعماء العاميين مولانا و مقتدانا مير سيّد علي دام صلّته» انتهى المقصود من كلامه و لا يعمى أن الشيخ ذكر كلاماً في كتابه المذكور ص ٨٧ حول [الجزيرة الخصراء] الآية في موضعه من الخيم و إن قصتها مما يرويه القصاص و لا أصل لها ثم أنكر رأساً و فروع رؤية أحد لصاحب الأمر عجل الله تعالى فرجه بعد العيبة الكبرى استناداً إلى أخبار الباب مراجعه. و السلام

«إجارة الفاضل الجواد للسيد مير محمود» ١٦٦: ٨٣١: ١٣. قوله: ذكرها سيدنا الحسن الصدر في التكملة. أقول ذكرها قبله جدينا الإمام المحدث في الروايات: ١٥٦ مع توصيف لترجمة البخار.

«إجازته» ص ١٦٦ رقم ٨٣٣ س ٢٠، أقول و أما أقول إجارة الحاج ملاّ عبد الوهاب انقروبي الواسع من السيد الجواد تاريخها ١٢٢٧ في الصحف الأشرف كما في مجموعة إجازات و رسائل له بخط عمّا الأعلى العلامة السيد جواد عليه الرحمة و ليس في كلام سيد الأعيان في وصف البخار سوى الأمر عبد الوهاب و م يعرفه مطلقاً مظهر رجلاً آخر لم يعرفه لحد الآن و هذه نصّ كلام السيد الأمين في آخر مجلّد كتاب المسافر من معارج الكرامة (ص ٧٧١ ط ١) «يروى عنه بتلميذه صاحب الجواهر (إلى أن قال) الامير عبد الوهاب و رأيت إجارته له و تاريخها في شهر ربيع الأوّل سنة ١٢٢٥» انتهى و لراجع لراماً فهرس مكتبة البصية رقم بلاستيكي ٢، ٢ ص ٩٥.

«إجارة العلامة الفقيه الشيخ حسن ابن الشيخ الأكبر» ١٦٩. أقول يروى عن العلامة الحال الشيخ حسن بن كاشف العطاء أيضاً ابن أخته الذي هو جدينا من قبل بعض الأمّهات أعني العلامة الكبير الحاج الشيخ محمد باقر ابن الإمام العلامة الشيخ محمد تقى محشّي المعالم (قتل الله أرواحهم) كما في «أعيان الشيعة ٤٨ ١٢٠-١٣» و صرح شيخنا المؤلّف به في «النقاء» ١٩٩ «بسمّده عند حائل المعظم المذكور و إن لم يصرّح بروايته عنه و سمعت أنه ذكر نفسه تلك الرواية في إجارته لتلميذه الشيخ محمد باقر الاصطهباناتي المقتول و قد صرح شيخنا مؤلّف بأنّه حصل له الإجارة منه في ترجمة الرّجل في «النقاء» ٢١٢» و مرّ ذكرها في (ص ١٥٨، ٨٣)، و أمّا نسختها فكانت في

(مجمع الإجازات) للشيخ المجير أُنعت رحمه الله و لكتّها كما لم أُنسخها و الأسف لعقدان نُسخه المجمع. ثمّ إنّه ذكر معلّم الحسب آبادي ره في «مكارم الآثار ٣: ١٠٠٧» رواية جدنا الشيخ عن خاله الشيخ حسن استناداً إلى إجازة خاله الحاج الشيخ محمد علي ابن ابحار كما ذكر هناك سائر روايات جدنا المذكور مع مستنداتها فليراجع و انظر ما سذكره من إجازة شيخنا مرتضى الأنصاري له

«إجازة الشيخ الحسن بن الحسين بن عيسى الدوريسني» ١٧٠: ٨٥٧. أقول الصواب الدوريسني بتقديم الواو على الراء. ثمّ إنّه نقل مؤلف كتاب «عوام العموم و المعارف» هذه الإجازة في كتابه و قال في أوّلها ما نصّه «قال أستاذي العلامة رفع الله مقامه قد رأيت هذه الإجازة قد كتبت على ظهر كتاب الارشاد» الخ و أستاذاه المذكور هو مولانا العلامة المجلسي قدّمه في إجازات البحار و هي أوّل الإجازات بعد ذكر فوائد متفرقة.

«إجازة» ص ١٧٢ رقم ٨٦٦ س ٢٢، التكملة أقول حقّ السبق في مصمّر الإشارة إلى هذه الإجازة بل نقلها صورها بكاملها الإمام المجدّد آية الله العظمى صاحب الروضات أعلى الله تعالى درجه في ديل ترجمه الشيخ حسن (رقم ٢٠٢) و لكن الشرح المصنّف أحبّ أن يسدها إلى شيخه سيّدنا الحسن صدرالدين مع أنّه نقل عن الروضات و الله من وراء القصد. م ع ر ٧ ص ٢٤١٧

«إجازة العلامة الشيخ محمد حسن بن عبد الله المصفاي لولده» ١٧٣ ٨٦٩ ٨ أقول نقلها المبحر أيضاً في كتابه «تنقيح المقال ٢: ٢١٠» و من العرب فيها إجازة رواية كتاب «العوالم» مع فقدان الطريق إلى مؤلّفه.

«إجازة سيّدنا العلامة أبي محمد الحسن صدر لدين» ١٧٤. للشيخ حيدرقلي خان سردار كاشي قلنس الله تعالى روحيهما. اسمها «نمعة الخيرية» تأتي في الام.

«إجازة جدنا العلامة الحجة آية الله الحاج ميرزا سيّد حسن» ١٧٤. لهذا الصعيص صاحب التكملة، و المجير والد أُمّي و عم أبي «رصوان الله تعالى عليهم» أبحارني بخطه الشريف مرتين صورتهما بل أصبهما في كتابها «رياض الأبرار» و أبحار جمعاً من أصدقائنا أيضاً. و ليعلم أنّي ما قيّدتها هنا منطب في حواشي الدريرة و لا سائر إيجازاتي الكثيرة فقد تركت الجميع لكتّاني المذكور في الإجازات إلّا أنّي أحيت التبرك ها باسمه الشريف قلنس الله تعالى روحه، و تفصيل ترجمته يطلب من كتابها المطبوع في حياته.

«إجازته» ص ١٧٦ رقم ٨٩٩ س ٢١، الشيخ زين الدين. أقول هذا لا يلائم ما في نسخة الأصل من إجازات البحار الموجودة عندما مصورتها و المطبوعة أيضاً مؤخراً في البحار الحديثة (ج ١٠٧ ص ١٣٧) فصریح كلام الكاتب لتلك النسخة أنه محمد حسن العجمي مولداً و مسكناً ابن محمد عبي بن الحسن الاسترآبادي تبريل البحر الأشرف و أنه فرع من الكتابة في مشهد الرضا صلوات الله عليه وعراسان في سنة ١٠٩٦ فاین هذا من ذاك و الله العام. مع ر حرره في الجمعة ٢ ع ١ سنة ١٤٠٦

ثم إنه قال المصنف ره في الحقائق الزهراء حول هذه الإجازة ما لفظه الشريف «و قد طبعت إجازة بني زهرة في محلة إجازات البحار مع أعلام كثيرة سلت مشاكل لأصحاب التراجم و للمهرسين» انتهى و هذا حق

«إجازته» ص ١٧٧ رقم ٩٠٠: انظر وصف هذه الإجازة و نسخة الخلاصة في (ج ٧ ص ٢١٤ - ٢١٥ رقم ١٠٤٠).

«إجازته» ص ١٧٧ رقم ١٩٠٦. أقول: راجع الدرر ج ٢٤ - ٤٠٤ : ٢١٤١ في حاشية البحث.

«إجازته» ص ١٧٧ رقم ٩٠٧: أقول هذه الإجازة موجودة .. و انظر للمحار (تحرير القواعد المنطقية ٣: ٣٨٨؛ ١٣٩٥)

«إجازة العلامة الخلي» ص ١٧٨: لتسید صدرالدين محمد أبي ابراهيم الدشتكي مختصرة كتبها عبي نسخة من «خلاصة لأقوال» في منتصف ج ١ سنة ٧٢٤ ببغداد قبل وفاته بأقل من سنتين نشر صورتها الدكتور عبيدالله فياض في كتاب [الإجازات العلمية عند المسلمين ٨٨] عن نسخة شيخنا المصنف ره.

«إجازة الحاج ميرزا حسين الوري لتسيع هذا حسين بن عيسى» ١٨١: ٩٣٣: ٦ قوله عيسى، الصواب عشر بالشين المعجمة. انظر ترجمة الرجل في (مكارم الآثار ٦ رقم ١٣٨٨). ثم إنه قد طبع إجازة المحدث المذكور لابن أخيه الشيخ الشهيد المجتهد الفاضل النادل مهجته في إحياء الدين الحاج الشيخ فصل الله الوري في ج ٢ من كتاب (مكتوبات الشيخ الشهيد الوري) عن أصل خط البحر.

«إجازة الشيخ حسين بن جعفر الماحوري البحراني» ١٨١. لتسير عبدالمعالي الخاتون آبادي. ذكرها المحار في إجازته لبحر العلوم طاب ثراه

«إجازة» رقم ٩٣٥ - ص ١٨٢ من ٢، أيضاً: رقم ١٢٢١.

«إجازة» ص ١٨٣ رقم ٩٤١ أقول: نظر ما ذكره الإمام المحدث عليه الرحمة في مصحح ترجمة الشيخ بهاء الدين محمد العاملي في الروضات و في ترجمه الشيخ عبدالعالي ابن محقق الكركي.

ص ١٨٣ من ١، للمولى: رقم ٧٩٥

«إجازة» ص ١٨٣ رقم ٩٤٤ من ١٣، المتوفى في ليلة الإثنين رابع عشر شوال و كانت ولادته في سنة ١٢٣٥.

«إجازة الأمير محمد حسين بن محمد صالح الحسيني» ١٨٥ للمولى محمد محسن المجلسي رأيت بخط جدنا المرحوم العلامة الخاج سيد محمد شقيق جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات (قلنس الله تعالى روحيهما) في بعض محاميه الموجهة عندنا ما نصه: «قال العاصل الكامل العالم العامل السيد السيد أمير محمد حسين ابن أمير محمد صالح الحسيني ره في إجاره لابن خاله المولى محمد محسن بن المرحوم المولى محمد صادق المجلسي ره يأتي قد جربت ما رقمت - أي من أدعية كتبها - بعد ما داومت قرائته في العشي و الاكبار، فوجدت نفسي و أهلي و مالي و حيزي و أرحامي و أصحابي و خاصتي محفوظين بحروسي من طوارق الليل و سوايح النهار حين تلائم أمواج الفس في إصمهان» الخ

«إجازة» ص ١٨٤ رقم ٩٥٤: أقول راجع سحر الطبعة الجديدة ح ١٠٩ ص ١٧٦ و ح ١١٠ ص ١٢٣ و توجد إجازة المخير للمحجر في مجموعة الإجازات الموجودة في مكتبه الوريري العامة يرد و هي الإجاره المرقمة ٥٦ كما في فهرس المكتبة ٣: ١٠٣٣.

«إجازة» ص ١٨٥ رقم ٩٥٥ أقول لابد أن يكون المحار هو صاحب «معرفة النجوم

٢١: ٢٥٠؛ ٤٨٧٩ و ٤٨٨٠».

«إجارته للمولى محمد شقيق» ١٨٥. ٩٥٦ أقول راجع ح ١٨ ص ٣٧٩

«إجارته» ص ١٨٥ رقم ٩٥٨ من ١٢، ثاني: يعني في ح ٢٢ ص ٢٣٣.

«إجازته» ص ١٨٥ رقم ٩٥٨: أقول كنت نسخة الأصل من هذه الإجازة بخط المخير عند المحدث النوري كما في كتابه «الميص: مقدسي ١٤٤ ط ٢» و نقل هناك عنها بعض المطالب و سيأتي ذكر الإجازة لواء المخير في ص ١٩٩: ١٠٣٨ كما يأتي ذكر إجازة ولده المير عبدالباقي ص ٢٠٠: ١٠٤٧.

«إجارته» ص ١٨٧ رقم ٩٧٠: أقول راجع «نصباء اللامع ص ٧٠» لشيخنا المصنف ره.
 «إجارة الحاج السيد حسين بن الحاج مير محمد علي الحسيني الكاشاني» ص ١٨٨:
 المتوفى ١٢٩٦ و اتهم عنه إلى مستث الشيعة كما عن الآثار و الآثار، انظر التعليقة
 على ص ٢٥٦.

«إجارة آقا حسين بن جمال الدين محمد الخواساري» ص ١٨٨: لشيخ الحر محمد بن
 الحسن العاملي رحمه الله تعالى عبيهما تاريخها ١٠٩١ بحظ جدنا الحجة الكبير الحاج
 السيد زين العابدين والد الإمام المحدث صاحب الروضات فتن الله تعالى روحيهما في
 وسط مجموعة رسائل تحطه الشريف و هي في صمحتين صورها في كتابنا (رياض الأبرار)
 و إجارة آقا حسين و السرواري و يحيى لبلأ عدائه الأردبي مذكورة في (نجوم
 السماء ص ٢٠٤) و (الكواكب المنشرة ص ٢٠٤).

«إجارة» ص ١٨٨ رقم ٩٧٢: انظر كواكب انشرة ص ٢٢١ و م يذكر المصنف
 مكان نسخة الإجارة مطلقاً و لكنه ذكر رؤيته للإجارة.
 «إجارته» ص ١٨٨ رقم ٩٧٣: انظر الروضة البصرة ص ٥١٥.

«إجارته» ص ١٨٨ رقم ٩٧٤: موجودة في إجازات البحار و ارجع الكواكب.
 «إجارة» ص ١٨٨ رقم ٩٧٦: أقول ثم جدد طبع هذه الإجارة الأح الدكتور حسين
 بن علي آل محفوظ حفظه الله تعالى في «كتاب إجازات الشح أحمد الاحمائي ط
 النجف ١٣٩٠ و الإجارة مبسوطة نسباً أملاها المير قبل وفاته بعاصم تقريباً على تلميذه
 الشيخ مروق بن محمد البحراني فكتبها هو تحطه كما ذكر في آخرها

«إجارة» ص ١٨٩ رقم ٩٨٢، حسين لم يذكر الرجل صاحب أنوار البدرين فذكره
 ولده في ديل الصفحة ١١٤ مقتصرأ على ذكر كتاب له في فقه الطهارة و الزكوة و
 الخمس و الصوم فحسب. ثم إنه سباني ذكر أول مشايخه الشيخ عبدالله البلادي في
 ص ٢٠٥ رقم ١٠٧٤.

ص ١٨٩ م ١٦، المولى محمد رفيع: انظر له «شرح النهج» في ج ١٤: ١٢٦: ١٩٦٤
 «إجارة ميرزا حيدر علي لمرزا غلامحسين» ١٩٠: ٩٨٧. قال شيخنا المصنف ره في
 كتابه «الكرام. ٤٥٢» إن صورة هذه الإجارة في «مستفرك الإجازات» لشيخنا الميرزا
 محمد الطهراني قده.

﴿إجازة السيد حميد بن محمد بن زيد الحسيني النقيب كمال الدين﴾ ص ١٩١: البحار عن الشيخ محمد بن علي بن شهر آشوب (رقم ١٢٨٦) سنة ٥٧٠ لتلميذه الحسن بن محمد بن يحيى بن عبي بن أبي الجود في سنة ٦٢٩ راجع «لأنوار الساطعة ص ٥٨».

﴿إجازة المبسوطة الكبيرة المعبر عنها برسالة أسباط المحمدي﴾ ١٩١: ٩٨٨. أقول راجع السريعة ح ٢ ص ٣٢٢ ص ١ و ص ٣٨٢ ص ١٠ و أنكرام الثيرة ص ٤٥١

﴿إجازة﴾ ص ١٩١ رقم ٩٨٩ أقول قد أورد شيخنا لنصف طاب ثراه لشيخ المخير قدس الله تعالى روحه ترجمة حافلة عجيبة في «أنكرام الثيرة ٤٩٤-٤٩٩» و لم يذكر هناك أيضاً مكان وجود نسخة الإجازة لأنها كانت في بعض مشات البحار المذكور في السريعة ٢٣، ٢٢، ٧٩٣١ و في ترجمة البحار في «أنكرام ٧٦١»

﴿إجازة السيد رضي الدين البحراني أحمد﴾ ١٩٢: ٩٩٥. أقول عدنا نسخة هذه الإجازة بخط جدنا العلامة الخدح السيد محمد شقيق صاحب الروضات أعنى الله مقاميهما و هي تختلف مع ما نقل في تلك من مفتحتها و مخرجها.

﴿إجازة الشيخ رضا بن زين العابدين العاملي﴾ ص ١٩٢ للسيد محيي الدين بن فضل الله الحسيني العلوي العاملي العياشي. أورد أكثرها في (أعيان الشيعة ١٠، ١١٤ - كبيرة) في دليل ترجمة البحار و هو من علماء أواخر القرن ١٣.

﴿إجازة﴾ ص ١٩٣ رقم ٩٩٨. طبعت في إشارات البحار الطبعة الجديدة ص ١٠٨، ١٣٧. ﴿إجازة﴾ ص ١٩٣ رقم ٩٩٩: أقول الصواب ما فهمه سيدنا الحسن فإن الاستعداد من الإجازة لشيخ محمود المذكور أن الشيخ محيي الدين بروي عن الميمني تارة بدون واسطة و أخرى بواسطة جدنا الشهيد الثاني فلاحظ.

﴿إجازة﴾ ص ١٩٣ رقم ١٠٠٠: طبعت في إشارات البحار ١٠٨: ١٤٣.

﴿إجازة﴾ ص ١٩٣ رقم ١٠٠٢: هذه الإجازة في الطبعة الجديدة لبحار الأنوار ج ١٠٨ ص ١٤٦ ١٧١ و عدنا نسخة منها بخط جدنا السيد محمد ألسه الله تعالى حُلل النور في مجموعة رسائل من بحاميه القيمة، كتبها في ٧ ج ٢ سنة ١٢٥٤ عن خط والده الماجد قدس الله روحيهما نقلاً عن خط الأمير الاسترآبادي المقابلة على نسخة خط جدنا الشيخ حسن بن المخير الشهيد رة و أيضاً نسخة أخرى بخط حبيب بن أحمد في مجموعة رقمها ٤٦٤٩ تاريخها سنة ١٢٤٣ و نسخة ثالثة عدنا في مجموعة ٣٣ رسالة (سيد) كاتبها

محمد مقيم بن محمد باقر الإصفهاني كتبها في يوم الأحد ٢٨ ج ٢ سنة ١٠٧٢ عن نسخة بخط جدنا الشيخ علي بن محمد سبط الجير ره و توجد نسخة في المركزي بخط الحاج سيد حسين بن الحاج مير محمد علي الحسيني الكاشاني مع إجاره الكاتب لتلميذه المولى محمد حسين بن محمد باقر الآراني الكاشاني كما في فهرس المركزي بطهران ٢: ٤٧٧ وما بعدها و لذكر الحاج السيد حسين في تعليقه على ص ١٨٨ و ٢٥٦ و في المهرس أن الجار منه جد الشاعر المعاصر (نظام وما).

«إجازته للشيخ سلمان» ١٩٤ ١٠٠٣ ٤ أقول تراجع الدريجة ج ١٥: ١٧٥: ١١٧٣ و ج ٢٣: ٢٠٩: ٨٦٥٩ و «نسخه هاي خطي دفتر ١١ و ١٢ ص ٦-٨٣٥» و «تقويم تاريخي» لكاتب الأحرف.

ص ١٩٤ م ٥، مية المريد- اعلم أن نسخة انية هذه التي رآها المصنف ره هي الموجوده في مكتبة الاحوند ملا محمد حسين الفعشهي الكبير في الحنف كما يأتي في «مية المريد ٢٣ ٢٠٩ ٨٦٥٩» و انتقلت كتب تلك المكتبة إلى مكتبة الحسينية التريّة بتلك البلده الطسه و يظهر من فهرسها مطبوعة في «نسخه هاي خطي دفتر ١١ ١٢ ٨٣٥ رقم ١٤٠» أن النسخة من مجموعه رسائل كتبها لجدنا الشهيد الثاني طاب ثوابه و هي نتائج لأفكار و مية المريد و كشف الزيه و مسكن المواد و رسالة في طلاق العائب و مسألة العصمان و غيرها و ثلث مجموعه النعيمة كلها بخط الشيخ سلمان الجار و قد ذكرها المصنف كلاً في مواضعها. فم اعلم أن التاريخ المذكور للإجازة «. .»

«إجازته» ص ١٩٤ رقم ١٠٠٥. أقول نقلها العلامة المجلسي في [الطبعة الجديدة من البحار ١٠٨ ١٣٩-١٤٢] عن خط جدنا شيخ محمد سبط الجير و هو عن بخط الجير في آخر نسخة شرح اللمعة بخط الجار كما يأتي وصف تلك النسخة في «الروضة البهيّة ١١: ٢٩٠-٢٩٢ ١٧٥٧» و ليعلم أن عدداً في مجموعة ٢٣ رسالة بخط محمد مقيم بن محمد باقر الإصفهاني كتبها في ١٠٧٢ صورة إجارين غير المذكورة في المتن هما أيضاً لمير الجير و الجار مختصرتان إحداهما بتاريخ يوم الإثنين سادس صفر ٩٦٢ و الظاهر أنه كتبها بآخر نسخة كتاب الرعاية له و الثانية تاريخها يوم الخميس منتصف شهر شعبان ٩٦٠ و هو اليوم الذي كان اسهاء فرائة الجار على الجير عدة رسائل في علم الحساب فكتب له الإجازة بآخر تلك النسخة و قد بالغ جدنا الشهيد في مدح الجار في هاتين الإجازتين و

لقبه فيهما بعلاء الدين و علاء الملة و الدين بن صبح لُقِبَ

«إجارته» ص ١٩٤ رقم ١٠٠٦ طبع في البحار الجديدة ح ١٠٨ ص ١٧٢.

«إجارة» ص ١٩٦ رقم ١٠١٩: أقول و طع إجارة الشيخ محمد سعيد هـد للملا مهدي بن المحقق الملا محمد مهدي الرفي ره الذي مرّ في تكملتنا هذه ذكر إجارة أخيه العلامة المولى أحمد له في أول كتاب «جامع لأحكام أو الرسالة الشكّة» للملا عبيد الساجي والد الملا حبيب لله الكشاني و تريح الإجارة يوم الأربعاء ثالث دي الحجة ١٢٤٥ و هي في أريد من خمس صفحات و قد وصف البحار الجهر في إجارته لسيد حسين الكشاني الآتي ذكرها بأوصاف جميلة

«إجارة القاضي محمد سعيد بن محمد سعيد القمي الملقب بحكيم كوجك للمولى محمد كرم» ١٩٦: ١٠٢٠. أقول الصواب أن الحكيم كوجك رجل آخر غير القاضي المذكور كما حقه في محاله و لعنا نتكلم على ذلك في بعض الحواشي و أمّا المولى محمد كرم فإلدي بطنه أنه الصوفي القمي المصنف لكتاب «نعم العشق» و هو موجود عندهما و راجع الدريرة ١٢: ١٥٣.

«إجارة» ص ١٩٦ رقم ١٠٢١ راجع لكتاب استرة ص ٣٢٣ مع تصوير الإجارة. «إجارة السيد سيف الدين محمد الخادم ابن مخلوم الحسيني» ص ١٩٧ لمولانا جعفر بن امام الدين الطهراني، سوف يأتي وصفها عند تعقيبنا على «أربعين الشهيد» ص ٤٢٧ رقم ٢١٨٥ «إجارة السيد شيع بن علي أكبر الموسوي الجاهلي» ١٩٧: ١٠٢٦. أقول ذكر الجهر، سبه و ترجمته في كتابه «الأصول التكرلالية» لذي هو في جريئ

«إجارة المولى محمد صادق... للسيد الجيس مير أبي القاسم جعفر» ١٩٨: ١٠٣١. قوله «ذكره في معدن الموائد». أقول صرح جدياً العلامة الآية العظمى صاحب معدن الموائد في هامش إجارته لشيخ الشريعة الإصفهاني طاب ثراهما بوجود نسخة الأصل لتلك الإجارة عنده.

«إجارة» ص ١٩٨ رقم ١٠٣٤: أقول راجع [الكروم البررة ٦٤٧: ١١٧٥] و [تاريخ رجال ايران ٤: ٤٠٩] ليامداد.

«إجارة» ص ١٩٩ رقم ١٠٣٨. مرّ ذكر إجارته بولده الأمير محمد حسين ص ١٨٥:

«إجارة» ص ١٩٩ رقم ١٠٤٠: أقول رجع الإجارة (رقم ٦٨٨ ص ١٤٧) و أيضاً (رقم ١١٨٠ في ص ٢٢٥) و أيضاً [مشارق النور ٢١: ٣٧: ٣٨٣٥].

«إجارته» ص ١٩٩ رقم ١٠٤١. أقول هو الجار عن الملا محمد أمين المذكور برقم ٦٨٨.

«إجارة» ص ٢٠١ رقم ١٠٤٧: راجع مكارم الآثار ج ٢ ص ٣١٦ و نسخة الإجارة في ملحقات الموائد الرجالية للمجاره معروضة في العابه لصعوبة قرائنها على من استكسها أولاً و نسخة الأصل منها بخط المخير كانت في المجموعة الثمينة و الدرّة العريضة عند المحدث النوري [كما في العنصر القدسي ١٤٥ ص ٢] و اليوم عند السيد هاشم الطباطبائي في السجف الأشرف و مرّ ذكر المجموعة في ص ١٣٠: ٦١٧ و في النكملة و عن استكسها بخط نسخة عن المجلد الأوّل من «مجمع إجازات الأئمّة» في سالف الرمان و هي الآن من جملة إجازات «رياض الأبرار» و أمّ نسخة مجمع الإجازات المذكورة فهي بخط كاتب فاضل حمير قنبا يوجد فيما علقت استكتب الإجازات بأمر العلامة الأئمة في السجف الأشرف عن نسخ معتبرة و نظرّ جنبا أنه استسمح إجاره المير عبدالسامي عن نسخة الأصل فالسحة التي استكسها عن المجمع مطابقة مع أصلها الأصل إلا أن المخير قلّس سرّه لم يكن أدبياً كاملاً و لذا صرّ من قلمه بعض الأخطاء الإملائية بخلاف والده الخليل فإنه قد كان ماهراً في لعمريّة حسن العبارة و الكتابة جدّاً و وا أسعاه عن أصل نسخة مجمع الإجازات المسروقة شئت بحسن سارقها أمين و مرّ ذكر إجازات والد المخير في ص ١٨٥.

«إجارة الشيخ عبدالعالي بن نورالدين» ٢٠٢ ١٠٥٥: أقول يروي عن الشيخ عبدالعالي المذكور أيضاً القاضي معز الدين محمد الراوي عن الشيخ ابراهيم بن سليمان المذكور في ص ١٣٥ كما ذكره في حاشية المستدرک ٤١٧. و يروي عنه أيضاً ابنُ اخته السيد أحمد بن زين العابدين العلوي صاحب «مصفى الصفاء» و غيره كما في «مكارم الآثار» و غيره.

«إجارة السيد عبدالعزیز بن أحمد الصادقي» ٢٠٢ ١٠٥٦: أقول و يروي عن السيد المخير أيضاً الشيخ حسين البحراني كما مرّ في الإجارة رقم ٩٨٢، و بعدها إجارة السيد عن شيخه.

«إجارته» ص ٢٠٢ رقم ١٠٥٩: أقول أورد شيخنا العلامة صاحب أعيان الشيعة بعض

هذه الإجازة و التي تليها في كتابه المذكور (ح ١٠ ص ٣٢١ ط كبير).

«إجازة عبدالكريم بن محمد الطوسي» ص ٢٠٣ لمحمد شفيع بن محمد مقيم، انظر ما ذكره في النكحلة على إجازة السيد ماجد بن هاشم للمجيب المذكور.
«إجازة الشيخ هبة الله بن حامد» ٢٠٣ ١٠٦٣. أقول هذا العنوان خطأ من رأسه و رائد ها و صوابه يأتي في ص ٢٦٢ مفصلاً

«إجازة الشيخ أبي طالب عبدالله بن حمزة» ٢٠٤ ١٠٦٧ أقول و إجازته الأخرى لقطب الكبدري عليه الرحمة المذكورة في «نقدت العيون» لشيخنا المؤلف طاب ثراه ص ١٦٣.

«إجازة» ص ٢٠٤ رقم ١٠٦٨: أقول لم كنت هذه الإجازة حالية عن ذكر اسم والد البخار و سببته كما هو الحال في النسخة الموجودة عندي بخط عمنا العلامة السيد أحمد ابن صاحب الروضات في مجموعة إجازاته قد توهم بعض من لم يطلع على حقيقته الأمر أن البخار هو السيد محمدتقي بن عبدالحفي البشت مشهدي الكاشاني المتوفى ١٢٥٨ هـ ذكره كذلك جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات في ترجمه السيد المذكور و نقله عنه المعلم رحمه الله في مكارم الآثار ٥ ١٥٧٦ و لم تنمطر عن أيضاً حقيقة الأمر إلا بعد ما طبعت هذه الإجازة الشريفة مصورة عن خط الأخوة ملا حسنة الله الكاشاني في مقدمة «جامع الأحكام» لوالد الكاتب ثم بعدها مختصرة كتبها البخار مصرحاً باسمه و اسم أبيه و مشايخه في شهر شعبان ١٢٦٧ في الإجازة لابس عمه الحاج السيد حسين بن الحاج مير محمد علي القاساني (حيث كان بقروين) و قد يأتي في تعقيقاتنا ذكر إجازة الحاج ملا مهدي بن الحاج ملا محمد مهدي للسيد حسين المذكور

«إجازة» ص ٢٠٤ رقم ١٠٧٠: يأتي له [سبعة الصافية ٣ ١٤٧: ٥٠٦] و «القائمة للبدعة» في (ح ١٧: ٩٠) و له كثير غيرها و ترجمته في أنوار البدرين ص ١٧٠ فما بعدها.

«إجازته» ص ٢٠٥ رقم ١٠٧١ أقول نسخة من تلت الإجازة في مكتبة الحرم المرعشي بقم كانتها حسين محمد البحراي في حجة ١١٥٥ معها قطعة من الإجازة رقم ٧٠٦ كما في فهرس المكتبة ١٤: ٣٤٥: ٥٥٨٢.

«إجازة» ص ٢٠٥ رقم ١٠٧٤: ترجمة الشيخ عبدالله هذا في أنوار البدرين ص ١٦٨ فما

بعدها و هو أيضاً من مشايخ الشيخ حسين الارباعي المذكور في ص ١٨٩ و ١٩٠ من هذا المجلد

«إجازة السيد عبدالله بن السيد نورالدين» ٢٠٦ : ١٠٧٧. أقول نسخة هذه الإجازة الشريفة كتبها بخطي في عام ١٣٦٧ عن «مجمع الإجازات» لابن خالو العلامة السجسي ألب و هي الآن من أجزاء كتابنا «رياض الأبرار» و انظر الدرر (١٨ : ٣٧٩ : ٥٣٦) و (ديوان فقير جزائري) في (٩. ٨٤٢ ٥٦٣٥) و راجع ح ١١ ص ١٣ ٥٩.

«إجازة» ص ٢٠٧ رقم ١٠٨٠ أقول يأتي إجازة السيد المزار للشيخ المير هذا (ص ٢٥٦ ١٣٥٠) و انظر «مشكاة النهاية ٢١ : ٦٤»

«إجازة الحاج ملا عبدالوهاب القروي» ٢٠٨ للمير أبي القاسم الموسوي. راجع ج ١٨ : ٩٦.

«إجازة» ص ٢٠٨ رقم ١٠٨٤ ثمنها في رياض العماد ح ٢ ص ١٠٤ ١٠٧ ط م كاتي تأتي (إجازة المولى جلال الدين محمد بن أسعد ٢٣١ ١٢١٢) و يروي عن المزار السيد كمال الدين امير ابراهيم الصفوري الأردلي بإجازة رآها و نقل عنها صاحب الرياض في ترجمة الإلهي المذكور.

«إجازته» ص ٢٠٨ رقم ١٠٨٧ أقول انظر [إجازة السيد ماجد ٢٢٧ ١١٩٢] و [إجازة السيد صدر الدين ٢٤٨ ١٣٠٧] و قد تكلمنا حول رواية السيد عليحان قلنس سره و ترجمته في [شرح روضات الجنات].

«إجازة شرف الدين علي بن حقه الشولستاني» ٢١٠. مولانا عزيز الله بن مولانا محمد تقى المجلسي تاريخها يوم الخميس ٢٤ شهر رمضان سنة ١٠٤١ في النجف الأشرف، أربع صفحات بأخر نسخة من كتاب لامتنصار لشيخ الطائفة، موجودة في الرضوية «المهرس ٥ ١٩» و عليه وفاة المير بعد التاريخ المذكور و تليها إجازة محمد بن جابر بن عباس السجسي للمزار المذكور كما سذكرها بمش ص ٢٣٢. قال المهرس يظهر من الإجازة أن المزار قرأ الكتاب على الشولستاني و قائل نسخه و صححها عنه.

«إجازة» ص ٢١١ رقم ١١٠٣ أقول نظر ترجمته في [الصياد اللامع ٨٨].

«إجازته» ص ٢١١ رقم ١١٠٥ أقول انظر [شرح الدروس ١٣ : ٢٤٢ فما بعدها] و نشرت هذه الإجازة عن خط شيخنا مصنفه و تعليقه عليها في كتاب [الإجازات

العلمية عند المسمى ٨٩ - ٩١] للدكتور عبد الله قباص مراجعه و راجع لراماً [مهرست
مركري ٥: ١١٧٢ - ١١٧٤]

«إجازة الشيخ نور الدين علي بن الحسين. للشيخ ظهير الدين» ٢١٢: ١١١١. أقول
عندنا صورة هذه الإجازة في مجموعة رسائل بخط الميرزا محمد بن عبد الله الخوانساري و
توجد أيضاً نسخة منها في مجموعة في لمرعشبة رقمها ٧٤٤٧ صورة رقم ٥٦٧٨، و لتاريخ
وفاة المجير المحقق يراجع الدريعة ح ٥ ص ٧٢.

«إجازته للشيخ أبي العباس أحمد» ٢١٣: ١١١٤. أقول صورة هذه الإجازة في «أعيان
الشعبة ١٠، ٤١». و أيضاً «إجازته أعني المحقق الكركي لسند الطاهر الحسب النسب
شرف السادات و الأشراف فخر درية عبد مناف العاقل النقي زين البستان ولدي علي
الملقب بالنقي بعل السيد الأجل العاقل الكامن لحسب السيب قدوة السادات و النبلاء
ناح الدين حسن الملقب بالعسكري النوسوي من سادات المشهد الأظهر الأقدس
الرصوي» كما وصفه كذلك في السحرة و تاريخها قوله أيضاً «في سابع شهر رجب
الحرام من سنة سبع و ثلاثين و سعمائة بمدينة الإيمان فاشان» انتهى، كتبها المحقق
للمجار بعد سماع المكار في حضوره الرسالة الجعفرية لمجبر طاب ثوابه، وجدت
نسخة الإجازة نقلاً عن خط المحقق المجير هامش الصفحة الأخيرة من نسخة للجعفرية
بخط محمد شمع بن آقا علي في سنة ١٠٨١ و نقلت عنها في (رياض الأبرار) و الحمد
لمستحقه.

«إجازته» ص ٢١٣ رقم ١١١٥ أقول صورة هذه الإجازة بخط جدنا العلامة الحاج
السيد محمد شقيق الإمام المحدث صاحب الروضات هامش وجه الورقة الثانية من نسخة
مصباح الأدعية للحد الأعلى الإمام الحاج مير أبو القاسم الفتوفى ١١٥٨ عليه الرحمة و
الرصوان و ذلك ما هو مكتوب بالوصف المذكور.

صورة إجازته المحقق الثاني الشيخ علي بن عبد العالي لأحمد بن معين الدين الخوانساري
المش بمرك الحمد لله و الصلوة و السلام على رسوله محمد و آله و بعد فقد وفد إلى
البلدة الطيبة المحروسة بلدة الإيمان فاسان حماد الله تعالى من ضوارق الخدنان افتخار
الفصلاء في الرمان نظام الملة و الدين أحمد بن المعظم للمكرم افتخار الأفاضل معين الدين
الخوانساري المشتهر بمرك أدام الله توفيقه و تردد ط إلى مجلس الدرس الجامع لجملة

الأفصل و شارك في سماع هذا الكتاب الشريف المشهور بالفصول ثمانية صنفه الشيخ الأجل الأعظم الأفخم الأفصل محمد بن محمد بن العمان عليه من الله الملك المآل الرحمة و الرضوان فسمعه من أوله إلى آخره و قد أخرج له أن يروي عن هذا الكتاب إمامك بالاساد الذي لي إلى شيخنا بلشار ربه كتب ذلك الفقير إلى الله تعالى علي بن عبد العالي في البلدة المذكورة في ناسع شهر رجب الحرام لسنة سبع و ثلثين و تسعمائة حامداً لله رب العالمين مصلياً على رسوله محمد و آله الطاهرين مسلماً كذا نقل عن خط المجهز به ظاهراً في ظهر الفصول

انتهى حكاية ما كتبه الجدة الحاج مير السد محمد طاب ثراه بهامش المصباح و السخنة في مجموعة متناصرة الأجزاء، و طي أن نسخة الفصول المذكورة أيضاً كانت عند جدنا السيد المعظم و أن بعد وفاته رحمه الله بسى باعها و المجموعة بعض الورثة للعالم العاقل الحاج ميرزا يحيى بن مير شمع المستوي البیدآبادي الإصفهاني المتولد ١٢٥٠ صديق المحدث التوري صاحب مسندك الوسائل عليهما الرحمة و ترجمه في مكرم الآثار (ج ٤ رقم ٧٧٦) و أن بعد وفاة الحاج ميرزا يحيى في ١٣٢٥ تفرقت حراسه و بيعت شيئاً فشيئاً حتى أن ورقاً الله سبحانه نسخة المجموعة الشريفة الدعائية باسم في عام ١٣٩١ و إذا فيها نقش خاتم مستوي «شمع يحيى في الآخر محمد و العتره الطاهره» صلوات الله و سلامه عليهم أجمعين و كتب هو حاشية في إحدى صفحات المجموعة تاريخها «١٧ شهر رجب المرجب ١٣١٨».

ثم إنه كتب حول نسخة نفصول حاشية على هامش نسخته المخطوطة من حاشية مسندك صديقه المحدث التوري و نُقِصَ تلك الحاشية إلى الطبعة المحققة للحاشية (ج ٣ ص ٢٣١ طبعة مؤسسة آل البيت في قم) و دويكم بص ثلاث الحاشية، قال:

«و قد منحي الله تعالى ولي نعم نسخة شريفة من فصوله هذا للسيد المرتضى المختصر من كتاب الغيوب و المحاسن شيخنا المريد أعني الله مقامه و في آخرها إجازة بخط المحقق الثاني الشيخ علي بن عبد الله الكركي إجازة رواية الكتاب لبعض سادة العلماء المعروف بميرك من أجداد السيد معاصر صاحب الروايات و من خطه أنه كان بلكة فاشان و كان السد في جماعة العلماء الحاضرين فرأوا له كتاب الفصول من أوله إلى آخره و أجاز له روايته و لم يعلم العلماء الحاضرون اسمه و لا رسمه فإنه لا يفي من

العلم إلا اسمه محرّره يحيى بن محمد شبيب عمي عنهما».

تمت الحاشية و نقول إن في كلامه رحمه الله مواقع لسطر الأول قوله «لعمري سادة العمداء المعروف بميرك» و أيضاً «و كان السيد في جمعة العمداء» فيه أنه لا دلالة في الفاظ الإجازة على سيادة المنجّار مطلقاً و إذا كان سيّداً من أولاد الرسول صلى الله عليه و آله لم يدخل جناب المنجّير طاب ثراه من وصف الرجل بنسبته قطعاً. الثاني قوله «من أجداد السيد المعاصر صاحب الروضات» فإن هذا خطأ فاحش و رتبة كبيرة و المنجّار لا نسبة له بأجدادنا الأعلام المعصومين بأسمائهم الشريفة. الثالث قوله «سيد المعاصر» هذا التعبير يردن بالترفع و الإعجاب بالنفس و الحال أن القائل أصغر سنّاً من الإمام المجدد المولود ١٢٢٦ قنّس الله روحه بمثل ربع قرن فهو معاصر لعلامة الحجة السيد ميرزا محمد مهدي المتولد ١٢٥١ محل الإمام المجدد طاب ثراهما هذا و من الله التوفيق و العصمة من الزلل بحمّ و كرمه

ثم إننا نظراً أن الحاج ميرزا يحيى عليه الرحمة قد استصحب نسخة فصوله في بعض أسفاره إلى العراق فراها العلامة الحجة الشيع ميرزا محمد الطهراني السامرائي رحمه الله عنده و استنسخ الإجازة لمستندرك إجازات نغاره و اطّلع عليها بعد شيخنا المرحوم صاحب التريفة قد كرها في عداد إجازات المحقق الكركي قنّس سرّه في المجدد الأول رقم ١١١٥ قالاً «إجازته لنظام الدين أحمد بن معين الدين الخواساري المشهور بميرك مختصرة كتبها له بكاشان في تاسع رجب سنة ٩٢٧» انتهى

ثم ذكر المنجّار و الإجازة في إحياء لسان مرص ١٢ بقوله «أحمد الخايساري المولى بنظام الدين بن معين الدين. كتب المحقق الكركي إجازة له على طهر «الفصول المختارة من العيون و الخفاس» للشيع المعيد بعد قرنته بكتاب عليه بكاشان في تاسع رجب ٩٢٧ وصفه بافتحار الفصلاء في الرمان نظام سنة و الدين أحمد بن المكرم المعظم افتحار الأفاضل معين الدين الخايساري المشهور بميرك أدام الله تعالى توفيقه»

انتهى ما ذكره شيخنا المرحوم في ضيقاته و لا يخفى أن في صلب الإجازة سماع الفصول دون القراءة و قد فرغنا من كتابة هذا المقال في صبيحة يوم الثلاثاء الخامس و العشرين من شهر صفر الخير عام ١٤٣٦ و الحمد لله ربّ العالمين و صلى الله على محمد و آل الطاهرين و سلم و حرّره العبد سيّد محمد علي روضاني عفا الله تعالى عنه في رابطة بيته بإصفهان.

«إجازته للشيخ زين الدين علي بن عبد الله المكي» ٢١٥ : ١١٢٣. أقول سيأتي المحار مجزاً برقم ١١٤٣. و أما «إجارته للنقاصي مني الدين عيسى» : ١١٢٥ فقد رأيت صورها في «عوامل العلوم و المعارف» و هي بحر إجازات العوامل و الظاهر نقلها من إجازات بحار الأنوار مأخذه الوحيد في تأليفه المجد.

«إجارته للسيد شمس الدين محمد المهدي» ٢١٥ : ١١٢٧. أقول في «كشف الحجب ص ١٧» شمس الدين محمد بن السيد مهدي، فراجع نسخة الأصل من البحار، و أما السيد كمال الدين محسن والد السيد المهدي فهو ابحار عن الشيخ ابن أبي جمهور الآتي في ص ٢٤١.

«إجارة» ص ٢١٦ رقم ١١٢٣. نظر الدريعة (٩ رقم ٥٠٥٠) و الناس ص ٢٠٧ مع التعليق.

«إجازة» ص ٢١٨ رقم ١١٤٣، علي : المذكور في رقم ١١٢٣ ص ٢١٨ س ١٨ إجازات البحار ص ٨١ و التاريخ فيها ثلث و تسعمائة و الصواب ثلاثين و تسعمائة كما في المتن وفقاً لنسخة الأصل من البحار و ط ٢
«إجارة الشيخ زين الدين علي المكي لعمول حسن الاسترآبادي» ٢١٨ : ١١٤٤ : ١١. قوله سنة ٩٠٧. أقول راجع ص ٢٤١ نسخة.

«إجارة الورير الصنبر الكبير هاء الدين الارمني» ٢١٨ : ١١٤٧ أقول راجع الدريعة ١٨. ٤٧ و «الأنوار الساطعة : ١٠٧» و كشف العمة المطبوعة. و قوله في ص ٢١٩ س ٥ «امير الدين» بالراء كذا في النسخة ح ١٨ : ٤٨ و الصواب «أمير الدين» بالتون كما في الكشف المطبوعة. و قوله (في ص ٧) «و السيد حمزة الدين» الصواب «شمس الدين» كما يأتي في ج ١٨ و كما في الكشف : ١٣٤.

«إجارة» ص ٢١٩ رقم ١١٤٩ : أقول جئت طبع هذه الإجارة الدكتور حسين علي محفوظ الكاظمي سنة ١٣٩٠ في «كتاب إجازات الشيخ أحمد الاحسائي. ط المحف» ليس فيها تاريخ و نظر أنها صدرت في عام ١٢٠٩ تاريخ إجارة السيد محمد مهدي الشهرستاني و إجارة بحر العلوم للمحار.

«إجارة» ص ٢٢٠ رقم ١١٥٥ إجارة جدنا الشيخ علي بن محمد بن الحسن بن الشهيد الثاني قس الله أسرارهم و هو المذكور في المتن لمن وصفه في الإجارة بالأخ في الله الفاضل

الكامل الدكي مولانا محمد باقر لشتنر بالألموني تاريخها ١٦ ح ٢ سنة ١٠٨٣ كتبها له علي نسخة من كتاب الروضة للشيخ الكليني ره في صفحة واحدة طبعت مصورة عن الأصل في مقدمة الروضة ط طهران سنة ١٣٧٧ و أما إجارته للعلامة المجلسي المذكورة في المتن فهي موجودة في مجلد إجازات بحار الأنوار [ح ١١٠ : ١٣٢ - ١٣٤ ط طهران العمر المتقدمة بالتعليق التابعة].

﴿إجازة علي بن قاسم المعروف بعلمه﴾ ص ٢٢٠ للشيخ هبة الله عطية بن تمام الأسدي تاريخها ١٧ محرم ٩١٤ كتبها في الصفحة الأخيرة من نسخة «الأمالى لنصديق» التي هي بخط البحار و مرع منها في ٩١٣ في نسخة الرئيسة بالخط كما في «فهرس جامع گوهرشاد ١ : ٢٤٥» المشحونة بالأخطاء و الأرقام شأن كثير من هذه المهارس المطبوعة في الأرمية المتأخرة.

«إجازة» ٢٢٠ : ١١٥٧ ١٠. أقول صورته في إجازات البحار ص ٤٥.

«إجازة» ص ٢٢١ رقم ١١٦١. أقول هذه الإجازة في مجلد الإجازات من «بحار الأنوار ١٠٩ : ١٦٢ ١٦٤» و يأتي للمحبر «شرح الإثنى عشرته ١٣ . ٦٠ . ١٩٠» و سألني ذكر إجازة جدّه لأمه (ص ٢٥١ . ١٣١٧) و أما الإجازة الآتية (تحت الرقم ١١٦٢) والذي نظمه أن صاحب أمل الآمل أراد بها الاسم المذكورة في مفتح شرح الإثنى عشرته المشتملة على ذكر الإجازة لولده محمد و لم يتحدّد له من الأولاد و لكن من يريد منه ذلك على حدّ تعبيره في مفتح الشرح المذكور و الله العالم.

«إجارته» ٢٢٢ : ١١٦٤ ٦. انظر ما مرّ في ص ١٢٧ : ٦١٠ و ما يأتي في ص ٤٣١ : ٢١٩٨

«إحادة الشيخ علي بن هلال الكركي الإصفهاني لعملي ملك محمد بن سلطان حسين الإصفهاني» ٢٢٣ : ١١٦٨. أقول المحار هو صاحب «رسالة الجبر و المقابلة» كما يأتي في ج ٥ : ٨٨ و مذكور في «روصات الجنات ص ٣٨٩ ط ٢» و راجع «فهرست نسخهای خطی فارسی ١ : ١٥٦» للماصل متروى.

«إجازة» ص ٢٢٣ رقم ١١٧٠ س ١٣. الشرايع: أقول يريد به النسخة النسخية التي كانت عند الشيخ أبي الفصّل الرحادي كما في الحقائق الراهنة ص ١٨٧ ثم انتقلت إلى مكتبة مجلس الشورى بطهران فتحدّد وصفها و صورة الإجازات التي فيها في مقدمة داشيزوه للمجدّد الرابع من ترجمة شرايع لإسلام بالعارسية ص ٥ - ٦ و للمحبر يراجع

التكملة على ما يأتي في «العدد القوية ١٥ : ٢٣٢ : ١٥١٤».

«إجارة السيد علي بن النقي الهدي» ٢٣٤ لصديقنا العلامة السيد محمد صادق آل بحر العلوم النحوي. تأتي بعنوان اسمه «أقرب الجارات»

«إجارة» ص ٢٢٥ رقم ١١٨٠ مر ذكره صفي الدين في ص ١٩٩ : ١٠٤٠.

«إجارة» ص ٢٢٦ رقم ١١٨٢، الأربعين الأربعة حديثاً في ص ٤٢٧ رقم ٢١٨٥ و انظر «التبسيهات العلوية» في ح ٤ ص ٤٥٢ رقم ٢٠١٥.

«إجارة» ص ٢٢٦ رقم ١١٨٤ : راجع ح ١٨ : ١٤٣ : ١١٢٣.

«إجازات السيد محمد كاظم العطار الهدي» ص ٢٢٧ : ١ - برأي ميرزا عطاء الله بن صاحب الروضات عدداً يحطى في الرياض.

«إجارة» ص ٢٢٧ رقم ١١٩٠ عدد في كتابا «رياض الأبرار» نسخة الأصل من إجارة السيد كاظم الشيعي هذا للسيد حسين بن السيد تقي في خمس صفحات تاريخها شهر ذي الحجة ١٢٥١ و اسمه في سجع مهره فيها (محمد كاظم الحسيني) و تصوير الصفحة الأخيرة من الإجارة مطبوعة في (مكارم الآثار ٥ : ١٠٦١) و راجع لگوهر (ح ٩ : ٩٣٦) تكملة النواوين.

«إجارة» ص ٢٢٧ رقم ١١٩٢ أقول راجع «إجارة» رقم ١٠٨٧ ص ٢٠٨.

«إجارة السيد ماحد بن هاشم البهروزي» ص ٢٢٨ لمولانا عبدالكريم بن محمد الطوسي تاريخها أوائل شهر شعبان ١٠٢٨ ثم إجارة المحدث محمد شمع بن محمد مقيم كلتاهما في آخر نسخة أصول الكافي التي فرغ من مقالته محمد شمع المذكور في الخميس ٢٩ ربيع الأول ١٠٨٧ و السحرة في المرعية بقم رقمها ٧٢٥٦ كما في فهرسها ١٩ : ٥١.

«إجارة» ص ٢٢٨ رقم ١١٩٤ أقول انظر لجميع إجازات الفيص المذكورة في الما (شرح معاني الشرايع ١٤ : ٧٨ و ٧٩ : ١٨١٤ و ١٨١٦) و ما ذكرناه في التكملة هناك و في هذا الجزء الرقمان ١٣١٨ و ١٣٧٤

«إجارة» ص ٢٣٠ رقم ١٢٠٥ : انظر «ميراث التقدير الشرعية ٢٣ : ٣٢٣ : ٩١٥٦» و راجع كتاب «ماضي الحنف و حاضرها ٢ : ٤٣٠».

«إجارة» ص ٢٣٠ رقم ١٢٠٩ : راجع [صناء اللامع ص ١٢٤].

«إجارة الشيخ محمد بن أحمد العامري للسيد ميرزا ابراهيم الحماني» ٢٣١ : ١٢١٠. أقول

بأن ذكر المخار في ح ٢: ٤٠٩ و ج ٦: ١٤١ و نسخة الإجارة في إجازات البحار: ١٢١ ط
١. و قوله طاب مصحفه المنقوش سنة ١٠٢٦ أقول عذ وفاته مؤلف «تاريخ عالم أرا» من
جملة وقايح سنة ١٠٢٥.

«إجازته للسيد ماجد بن هاشم» ٢٣١ ١٢١١ قوله «ذكرها سيديا الحسن الصدر في
التكملة». أقول ذكرها قبله جذا الإمام محمد في «الروضات» في ترجمة أحمد بن
حاتون.

«إجارة المولى جلال الدين الدواني للمولى كمال الدين حسن» ٢٣١: ١٢١٢. أقول:
انظر «إشراق هياكل النور ٢ رقم ٢٠٤» و «ديوان النواي ٩ ٣٢٩ ١٩٥٧»
تدبير لا يعمى أن المؤلف ره لم يذكرها بعنوان «محمد بن اسمعيل» و لا في
«أبي على» إجارة للشيخ أبي على محمد بن اسمعيل الرجالي صاحب «منهى المقال» و
نظراً أنه الراوي عن السيد الشهرستاني بإجارة مكتوبة بخط البحر في آخر نسخة من
كتاب «مباح الصلاح» كما وصفها في كتابنا «مهرست كتب خطي ح ١» و ليراجع
«الاسناد المصنف: ٢١» لشيوخنا المؤلف طاب نره

ص ٢٣١ س ١٢، في الرياض - ج ٢ ص ١٠٣ ط هم كالتي مر (إجارة الأمير جمال الدين
عطاء الله ٢٠٨: ١٠٨٤).

«إجارته» ص ٢٣١ رقم ١٢١٣. أقول إجارة مهمته يراجع [النساء اللامع ١٣]
«إجارة الشيخ محمد بن جابر بن عباس النحلي» ٢٣٢. للمولى عزيز الله بن محمد تقي
المجسسي ره تاريخها العشرين من شهر رمضان ١٠٤١ متوسطة في صفتين كتبها له في
الحج الأشرف ط بآخر نسخة كتاب الاستبصار لشيخ الطائفة ره موجودة في الرصوة
كما في فهرسها (ح ٥ ص ١٩) و مر في هامش ص ٢١٠ إجارة الشوبستاني للمخار المذكور
أيضاً

«إجارة المولى بهاء الدين محمد للسيد ناصر الدين أحمد» ٢٣٢: ١٢٢٠. هذه الإجارة
مكتوبة بخط البحر على الورقة الأولى من نسخة كتبه «المناهج السوية» و إجار هو الذي
يروى عنه الميرزا إبراهيم القاسمي كما مر في (رقم ٦٣٣).

«إجازته» ص ٢٣٢ رقم ١٢٢١ س ٢١، المولى حميد رقم ٩٣٥

«إجارته» ص ٢٣٢ رقم ١٢٢٢: أقول راجع ما ذكرناه هامش ص ١٥٠ الرقم ٧١٤.

«إجازته» ص ٢٣٣ رقم ١٢٢٤: أقول انظر ح ٢٣ ص ١٩٩ س ٢.
 «إجازة الشيخ محمد بن الحسن آخر معلمة المحسني» ٢٢٣. غير مرقمة بلا وجه ظاهر
 مسحتها في نسخة الميرزا أيطاب و قد مر ذكر السمية هذه في ص ١٥١ - ٧٢٦ و يأتي
 وصفها في ج ١٢: ١٩٢ و صورة الإجازة أيضاً في إجازات البحار ٢٦: ١٥٨. و صورت
 إجازته المورّخة ١١٠٠ بحظه للمير محمد تقي بن محمد صادق الموسوي في آخر «ممرات
 خراسان».

«إجازة» ص ٢٣٤ رقم ١٢٢٩: أقول انظر ح ٢٤: ٤٥٠ - ٢٠٠٩ و ح ١٣: ٣٩١ س ٢٣.
 ص ٢٣٤ س ٧، أفوشير: الصواب أردشير.
 «إجازته» ص ٢٣٦ رقم ١٢٣٩. أقول انظر (ص ١٣٤ رقم ٦٢٧).
 «إجازته» ص ٢٣٧ رقم ١٢٤٤: يأتي وصف هذه الإجازة و وصف نسخة الخلاصه
 هذه في (ح ٧ ص ٢١٥ رقم ١٠٤٠) و كما في «أعمال الشيعة ١٠: ٣٠٣» مع صورته الإهداء و
 نصّ الإجازة فراجع و انظر صورة إجازته في فهرست المحققين ره لعمور و ابادي صاحب
 العاموس في (المعانيق الراهة ١٨٥) و لنظام ندين محمد حفيد علاء بن الحسن فيه ١٩٢.
 «إجازة الشيخ مهدي الدين محمد العاملي نسيب أحمد بن زين العابدين» ٢٣٧ - ١٢٤٦ أقول
 عندما نسخة هذه الإجازة بخط جدنا العلامة الخاج السيد محمد و تاريخها ١٠١٨ و معها
 إجازة السيد الدمام له ره

«إجازته للمولى كمال الدين حاج بها لقروبي» ٢٣٧ - ١٢٤٨ أقول راجع «حبل المتين»
 في ج ٦: ٢٤١

«إجازته للمولى بديع الزمان القهبائي» ٢٣٧ - ١٢٤٩ أقول الصواب القهبائي و الرجل
 شارح «الصحيفة الكامنة» بالعاصية

ص ٢٣٨: أقول لم يذكر إجازة للمير رفعا السيد محمد بن حيدر الطباطبائي الذي
 يروي عنه العلامة المحسني مولانا محمد باقر و السيد يروي عن الشيخ الهائي و أملاً
 عبد الله التستري عليهم الرحمة.

«إجازته للسيد كمال الدين شاهير» ٢٣٨. ١٢٥٤. أقول راجع الذريعة ٤: ١٩٩.

«إجازته» ص ٢٣٨ رقم ١٢٥٩ س ٢٢، الإثنى عشرية أقول يأتي في دين (البوسفة ٢٥
 ٣٠٠: ٢٤٠) أن هذه النسخة موجودة مكتبة الصدر فلاحظ

«إجارة الشيخ بهاء الدين محمد العاملي» ٢٣٩ مولانا محمد هاشم الخراساني من تلاميذه تاريخها العشر الأول من شهر رجب سنة ١٠٣٠ هـ أي قبل وفاة المخير بثلاثة أشهر تقريباً. طُبعت مصورة عن خطه طاب ثراه في كتب «كتابخه‌های استان خراسان: ٧١» لمحمد بيك‌پور.

«إجارة امام الحرمين محمد بن عبدالوهاب بن داود الهمداني» ٢٤١. جُذِّبَ العلامة الحجة السيد ميرزا مسیح ابن الإمام المجدد صاحب تروصات أعني الله مقامه سبختها بخط المخير في كتابا «رياض الأبرار» و ذكرنا هدمش ص ١٥٩ أنه يروي عن والد المزار هدا. و يروي عنه بالإجارة المبسوطة حالنا الإمام السيد اسماعيل الصدر كما يأتي في ج ٥ ص ١٣٨. ٥٧٥ و ج ١١: ٢٥: ١٤٥.

ص ٢٤٠. م يذكر إجارة جدنا السيد صدر الدين محمد الموسوي العاملي و في الرسالة الخط باسم علماء الاسره عطف جدنا صاحب الروصات في أوائل شابه أنه (المعركي العاملي) فيبحث و ليبحث عن أجاز السيد صدر الدين أيضاً.

«إجارة الشيخ محمد بن محمد زمان الكاشاني» ٢٤٠. ١٢٧١: ١٤ أقول و من إجازات هذا المخير ما يأتي في «القول المديد» في حرف العاف من الكتاب.

أقول و مرّ ذكرها أيضاً في الرقم ٦٩٨ و عندنا مسوده تلك الإجارة بخط المخير ره «إجارة ملا محمد بن عبدالفتاح المشهور بسراب» ص ٢٤١. للملا عبدالباقي السبرواري تاريخها أوائل جمادى الأولى ١١٠٦ بأخر نسخة (كتاب من لا يحضره العقيه) في المكتبة المرعشيّة بقم رقمها ٧٤٧٤ كما في فهرسها ٩: ٢٧٦.

«إجارة السيد ميرزا محمد بن علي بن ابراهيم الحسبي الاسترآبادي إلى آخر كلامه» ٢٤١: ١٢٧٧. أقول إن في كلام شيخنا طاب مشواه حول العلامة المخير مواقع للنظر و وصفه بالسيد الحسبي هدا و مما مرّ (ص ٤٣ رقم ٢١٩) و فيما يأتي (ج ٤: ٤٢٠) و (مصفى المقال. ٤٣٠) فإن الرجل لم يكن من السادة المسمين لآل البيت عليهم السلام من جهة أبيه بقبلاً بل لم يشب نسباً إليهم ع من طرف الأم أيضاً كما حققناه في حواشي الروصات عند ترجمه عليه الرحمة و الرضوان و في كتابا الآخر أيضاً «فهرست كتب خطی» في مواضع منه، و لم يصفه شيخنا نفسه أيضاً باستياده مطلقاً في مواضع منها في (ج ٦: ٢٢٥) و (ج ٢٣: ١٩٨) و وصفه بالمر الحسبي في (ج ٢٥: ٤٢). ٢ - قوله رحمه الله

أن وفاة الميرزا «١٣ دي الحجة ١٠٢٨» هذا أيضاً خطأ كما أن ما مرّ في ص ٤٢ من أن وفاته ١٠٢٦ مائياً إلى السلافة أيضاً غلط بشأ من اعتماده على «أمل الأمل» حيث نص وفاة الرجل بالصورة الأخيرة عنها مع أن في السلافة المخطوطة عدداً و المطبوعة (١٣ دي القعدة ١٠٢٨) و كتاب السلافة أقدم مأخذ بل المرجع الوحيد لتاريخ وفاة الميرزا عند أصحاب التراجع إلى عصر شخص المؤلف به و إظهاره التردد في المصق في غير محله ٣ - قوله «لعمولي كمال الدين حسين العاملي» أقول لم يذكر شخصاً مكان هذه الإجارة ها و لكنّه ذكره في «ج ٤: ٤٢٠: ١٨٥٢» و المبحر موصوف هناك بالأملي (باهمة) قال «الشيخ كمال الدين حسين الأملي» فليأمل

«إجارة السيد محمد علي بن ولي الإصطهاني» ٢٤١: ١٢٧٨. قوله أيضاً مختصرة أي مختصرة أيضاً كسابقته. و اعلم أن المبحر هو الموسوي الحسيني الذي رأيت صورة نسبه إلى جدنا السيد خليل المكرم المظوم عند الله ابن الإمام الحجة المعصوم موسى الكاظم صلوات الله و سلامه عليه أنها بخطه في مفتاح مجموعة رجاله استنسخ كنها بخطه في مكة المعظمة و ذكر هناك أيضاً أسماء كتب كتبه استنسخها بخطه و منها «مهج المعال» لشخصه الأخير فقال عند ذكره «كتاب الرجل الميرزا محمد الاسترآبادي و قرأته عليه» انتهى، فعمل الإجارة كانت على ظهر تلك السحرة و لكن لم يذكر شخصاً المصنف مسنده، و قد ذكرنا صورة نسب المبحر و بعض آثاره في «جامع الأساب». ثم لا يخفى أن لنا الرواية عن العلامة ميرزا محمد الاسترآبادي الرجالي الوحيد بطرقنا الكثيرة عن العلامة مولانا محمدتقي الحسيني بحق روايته عن شيخه شرف الدين عبي الطباطبائي الشولستاني (الرقم ١٠٩٢) عن الميرزا (قتل الله تعالى أرواحهم). و من آثار السيد المبحر كتابه نسخة من «كتاب رجال» لابن داود عدداً.

«إجارة الشيخ محمد بن زين الدين عيني .. للسيد محسن» ٢٤١: ١٢٧٩. أقول صورة هذه الإجارة في إجازات البحار. ٤٧ ط ١ و يروي عن السيد محسن البحار ولده السيد محمد مهدي الذي مرّ ذكره في ص ٢١٥ و روايته عن والده مذكورة في إجارة السيد حسين الكركي الموجودة في البحار أيضاً

و قوله (في ص ٢٤٢ من ٣): و إجارته لثلاثة له أيضاً. أقول صورتها في إجازات البحار: ٥١ و ذكرها في كشف المحجب: ١٦. و لا يخفى أن لنا كلاماً طويلاً حول ابن أبي جمهور

و كتابه «عوالي اللآلئ العربیة» في كتابا «مهرست كتب خطی ج ١» المطبوع قديماً بإصفهان جمعا فيه مطالب همة و الحمد لله رب العالمين.

«إجازته» ص ٢٤١ رقم ١٢٨٠: صورها في إشارات الحار ص ٥١ و ذكرها في كشف الحجب ص ١٦.

«إجازة للسيد شرف الدين محمود» ٢٤٢ ١٢٨١ ١٠ قوله «وما في كشف الحجب» الخ أقول كلام الكشف (في ص ١١) مأخوذ من «بحار الأنوار ٢٥ ٥٠» فإيراد المؤلف وارد على البحار في الحقيقة.

«إجازة ابن شهر آشوب المذكور» ص ٢٤٣: للسيد حيدر بن محمد بن ريد الحسيني النقيب كمال الدين الموصلی سنة ٦٢٩ اطر «لأنوار الساطعة ص ٥٨».

«إجازة» ص ٢٤٣ رقم ١٢٨٣: أقول براجع (الصياء التامع: ١٠٣ و ١٢٦).

«إجازة العلامة السيد محمد المجاهد ابن أمير سيد علي صاحب الرياض ابن الأمير محمد علي الطباطبائي» ص ٢٤٤: للإمام أحمد طريهاني صنعت في مقدمة طبعني «مرآة الأحوال» نقلاً عن «أعيان الشيعة ٣: ١٣٦» و هي مختصرة ليس فيها تاريخ و لا اسناد.

«إجازة السيد محمد بن ميرزا معصوم» ٢٤٦: ١٣١٠ أقول يأتي للسيد محمد القصور «قلائد العوام في التنفيذ و الأحكام» في ح ١٧ ١٦٠ و «الجمعة الرضوية» في ح ٣. ٤٣٤ و التوامع الرضوية في موضعه في ح ١٨ ٣٦٧ و تفصيل ترجمه الرجل في «مكارم الآثار ٥: ١٤٨٧ فما بعدها» و «شجرة طيبة: ٣٢٨ فما بعدها» للمدرس الرضوي.

«إجازته» ص ٢٤٦ رقم ١٣٠١، سنة ١٢٧٦: الصواب سنة ١٢٧٥ عند طلوع فجر يوم السبت العاشر من جمادى الآخرة كما هو محقق و مذكور في ترجمته في «مكارم الآثار ٦ رقم ١٣٠٦» و نسخة الإجازة المذكورة بخط المرحوم آية الله السيد ميرزا أحمد ابن الإمام المجدد آية الله العظمى صاحب الروضات أعني الله تعالى مقامهم عندما ليس فيها تاريخ و من القرائن يظهر أن السيد المحبر كتبها حين إقامته بإصفهان حوالي سنة ١٢٢٢ أو غيرها أما نسخة خط المحبر فلم يذكر شيخنا المصنف مكان وجودها و الله العالم. م ع ر في أو آخر ح ٢ سنة ١٤١٥

«إجازة» ص ٢٤٧ رقم ١٣٠٢ اطر وصف كتابة قصة شهادة الشهيد هذا في (ح ٧ ص ٢١٤ رقم ١٠٤٠) و نص الإجازة المذكورة في «رياض العلماء و حياض الفضلاء ٣:

٣٧٤» و تاريخ الإجارة فيها «يوم الأربعاء لآسي عشرة ليلة خلت من شعبان» من السنة المذكورة و قوله «و هي بخطه كانت عند صاحب الرياض» أقول الصمير راجع إلى الإجارة و نكر لم يدع الأهدى وجود نسخة عنه بل قال «رأيت» الخ و قوله (الكرواني) أقول في الرياض المطبوعة بقم (بكر دامي) بالمدن و الميم و كلاهما غلط و الصواب [الكسرواني] كما يتناه لمولد من عشره في «روصات الختات ١ الاستدراكات ٣٤٧: ٢١» فراجع و السلام بحر مختار.

«إجارة» ص ٢٤٨ رقم ١٣٠٧ أقول نظر الإجارة رقم ١٠٨٧ في ص ٢٠٨ و الآية رقم ١٣١٥ ص ٢٥٠

«إجارة الشيخ محمد بن موسى بن الحسين بن العود» ٢٤٩ ١٣٠٨ أقول راجع «الحقائق الراهنة: ٥٩».

«إجارة الإمام العلامة الحاج الشيخ مرتضى الأنصاري» ص ٢٥٠ لحدّ العلامة الحجة الشيخ محمد باقر ابن صاحب هداية المسترشدين في صفحين مع مدح طبع للمعارج في سنة ١٢٦٢ ط رأيت نسخة أصدها في يوم الجمعة السادس من ذي الحجة عام ١٤٠٥ عند الشاب موسى يحيى ثم اتهمى بمصوّرة عنه في شهر رجب ١٤٠٦ و «نظر هامش ص ١٦٩».

«إجارته» ص ٢٥٠. لتسديد مقرر محمد باقر بن الحاج ميرزا علي قبي الرنجاني الإصفهاني بخطه في مجموعة من آثار البحار و إجارته موجودة عندنا.

«إجارته» ص ٢٥٠: لتلميذه العلامة سبّيد محمد بن هاشم الهندي النحوي المتوفى ١٣٢٣ قال سبّيد مشايخنا في «أعيان الشيعة ٤٧: ١١١»

«إجارته» ص ٢٥٠ رقم ١٣١٥ س ٤، المذكور آنفاً الرقم ١٣٠٧.

«إجارة» ص ٢٥٠ رقم ١٣١٧ قد مرّ ذكر هذه الإجارة رقم ٦٦٠ و وصف البحار في الرقم ٩٩٩ و طبعت تلك الإجارة في البحار ط جديدة ح ١٠٨ ص ١٧٣ و مرّ ذكر إجارة بحسب الدين (ص ٢٢١ - ١١٦١ و ١١٦٢)

«إجارة» ص ٢٥٠ رقم ١٣١٨: انظر ما مرّ في ص ٢٢٨ رقم ١١٩٤ و ما يأتي في ص ٢٦٠ رقم ١٣٧٤.

«إجارة القاضي معز الدين محمد للمولى حسيني» ٢٥٠ - ١٣١٩ صورته في إجازات البحار: ١٤٠ و ترجمة البحار في «الروضة نصرة» ٥٠٠ و البحار فيها ص ١٥٠ و طبع تاريخ

الإجازة هناك خطأ سنة ١٠٣٥ ميصحح.

(في ص ٢٥١ س ٤) كما يظهر من شيخنا العلامة النوري يعني يظهر الاتحاد بين الرجلين من المحدث النوري في حاشية المستدرث ٤١٧ انظر ص ١٣٥ ٦٢٩ من هذا الجزء و ما علقنا عليه

«إجازة الشيخ مصحح بن الحسن» ٢٥١ : ١٣٢٠ هـ أقول أيضاً «الحسن» و في «الأمل» و «الروصات» الحسين مصحراً و رأياً توقيع لرجل في نسخة من «مناهج اليقين» بهذه الصورة «مالكه مصحح بن حسن» هكذا و بدون لام اسم والد المجير في ج ٤ و ٥ «إجازة» ص ٢٥١ رقم ١٣٢٣ راجع (ماضي السجف و حاضرها ٢ ٤١٠) و فيه تفصيل عن آل الشهد الأول عليه الرحمة و لرصوان و يأتي لرجل (سقية نوح) في موضعه (ج ١٢ ٢٠٤ ١٣٤٧) و (الروضة العلية ١١ ٣٠١ ١٧٩٥) و ذكر إجازته المذكورة أيضاً في (ج ١٤ ٢٠٠) دبل عنوان (الشفاء) و عند مجموعة منها رسائلنا من مسائل و الأجوبة، الدريعه ٥ ٢٢٩ ١٠٩٢ و ج ١٢ : ١٢٤٧ ١٦٢٤) و في ختامها صورة الملكة نخط المجير المذكور و حاشية و تاريخها تاريخ حاشية و هو هذه الصورة (من ولد الشريف أبي عبدالله محمد بن مكّي العامري الشهد ١٠٦٤)

«إجازة محمد مؤمن بن شاه قاسم السبرواري» ص ٢٥٢ : للسيد مرتضى بن المرحوم السيد مصطفى البربري قرأ البحار على مجير نكتب الأربعة المقدسة في المشهد الرصوي فكتب له تلك الإجازة على ظهر نسخة كتب الكافي الشريف الموجودة في مكتبة الأميني في السجف الأشرف و هي إجاره جينه تاريخها عام الستين بعد الألف في المشهد المقدس الرصوي بشر تلك الإجاره المذكور عبدالله فيأص في كتابه [إجازات العلمية عند المسلمين ٩١ - ٩٤].

«إجازة السيد مير محمد مؤمن بن دوست محمد الحسيني الاسترآبادي للعلامة المجلسي» ٢٥٢. ١٣٢٧. أقول أورده البحار في مجلد إجازات البحار ١٦٣ و أشبه الأمر على مصحح الكتاب في طبعة أخرى حديثة فترجم و طرأ أن المجير هو العلامة ميرزا محمد الاسترآبادي الرجالي، و أمّا ترجمه المجير فتوجد في كتاب «شهداء الفصيلة» للعلامة الأميني، قلّس الله تعالى أسرارهم جميعاً

«إجازة المولى محمدمهدي بن أبيذر الرقي لولده الحاج ملا أحمد» ٢٥٢. أقول م يعثر

على نسخة هذه الإجازة و لم يذكر للمعجز رأي عنه سوى ولده المذكور أبيهما الله تعالى حلل النور في دار السرور.

«إجازة السيد ميرزا محمد مهدي بن أبي لقاسم..» ٢٥٢: ١٣٢٩. ٢٣. قوله «انتوفى بها سنة ١٢١٥». أقول وفاة المعجز صاحب نزه الخائر الشريف بكر بلاء في هذه السنة نص «مكارم الآثار» سابقاً ثم عدل عنه حين طبع [١٢: ٦١١] إلى سنة ١٢١٦ على ما في حاشية المستدرك: ٣٩٦ و مؤلفات محدث نفسي و ربحه الأدب و انجار بهذه الإجازة حديثاً الأعلى العالم العاقل الورع السيد أبو قاسم جعفر المعروف حباه بأقا ميرزا و هو والد صاحب الروضات قدس الله تعالى أرواحهم و قد ذكرنا إجازة أخرى لهذا المعجز في كتابنا «فهرست كتب خطي ١٠٦. ١ ط إصفهان» و انجار بها مولانا أبو علي و لعنه صاحب منتهى المقال.

«إجازة السيد ميرزا محمد مهدي الشهرستاني المذكور» ص ٢٥٣. لنبلاً أبي علي يراجع كتابنا «فهرست كتب خطي ١: ١٠٦».

«إجازته» ص ٢٥٣ رقم ١٣٣١ أقول ثم حدّد طبعها الاسناد الدكتور حسين محفوظ الكاظمي في كتاب إجازات الشيخ أحمد الاحساني ط السجف ١٣٩٠.

«إجازته للعلامة السيد دندار علي» ٢٥٣: ١٣٣٢. ١٣. قوله كما يأتي. أقول و ذكر في إجازة السيد الشهيد له أن أول إجازته الحمد لله الذي نور فلوبنا بأنوار هدايته و فتح مسامع ألبابنا بمقاليد عبادته الخ.

«إجازته للمولى محمد علي بن آقا محمدباقر المزار جريبي» ٢٥٣ ١٣٣٣. أقول راجع ج ١١ ص ٢٧. ٢٠.

«إجازة» ص ٢٥٤ رقم ١٣٤٢ أقول نص ما يأتي له «الأرجوة في تاريخ المعصومين ٤٦٧: ٢٣٢٧» و انظر ترجمته في الكواكب المسترة ٧٥٧ و ما ذكرناه بهامش مسخفاً منه

«إجازته» ص ٢٥٥ رقم ١٣٤٤ أقول حدّد طبعها عن رسالة ترجمة الشيخ الدكتور حسين آل محفوظ في «كتاب إجازات الشيخ أحمد الاحساني. ط السجف ١٣٩٠» و في تلك الإجازة وصف انجار بقوله «ربة لعناء العامين و نحة العرفاء الكاملين الأح الأسعد الأبعد» إلى غير ذلك من الأوصاف السعة كقوله «لما ظهر لي من ورعه و تقواه و فصله و نبه و علاه» الخ و الله بصير بالعباد.

«إجارة آية الله ببحر العلوم» ٢٥٥: ١٣٤٥ قول نسخة هذه الإجارة و التي تليها برقم ١٣٤٦ و المرقعات ١٣٤٩ و ١٣٥٠ و ١٣٥١ كن هذه الإجازات الخمس في آخر نسخة من الموائد الرجالية للمجبر عندما.

«إجازته» ص ٢٥٥ رقم ١٣٤٨: نسختها في أربع صفحات بخط جدنا الإمام المجدد صاحب الروضات في آخر نسخة أمل الأمل بخصه مشريف و تاريخ الإجارة فيها (أواخر شهر شوال المكرم من شهور سنة ١١٩٩) و تاريخ الامتساح (أواخر ذي القعدة الحرام سنة ١٢٧٩) و معها إجارة المحقق ميرزا أبي القاسم القمي لنجاح محمد ابراهيم الكرباسي كما ذكرناها في بحثها.

«إجارته» ص ٢٥٥ رقم ١٣٤٩ نشرت تحت الإجارة في الفصل الثاني من كتاب [الإجازات العلمية عند المسلمين ٦٥ - ٧٢] للدكتور عبدالله قباص ط بغداد ١٩٦٧م مع تصدير هام للسيد العلامة العسكري و بعد الإجارة تعيقها

«إجارة الحاج ملا مهدي بن المولى المحقق لنجاح ملا محمد مهدي بن أبي در البراقى» ص ٢٥٦: لنجاح السيد حسين بن الحاج مير محمد علي الكاشاني تاريخها ١٢٦٢ طبعته مصورة عن خط المولى حبيب الله الكاشاني في أوائل كتاب «جامع الأحكام أو الرسالة الشككية» لوالد الكاتب في أريد من ثلاث صفحات ثم طبعت إجارته المختصرة عن خطه و عاتمه للمولى علي محمد والد المولى حبيب الله و أيضاً إجارة السيد حسين بن الحاج مختصره للمولى حبيب الله المذكور تاريخها ١٢ حجة ١٢٧٩ عن خطه و عاتمه و أيضاً إجارة ملا حبيب الله لصهره الجليل السيد فخر الدين الكاشاني تاريخها ع ٢ سنة ١٣٢٨ بخطه و عاتمه و انظر ما علقناه على الإجارة رقم ١٠٦٨ و على الإجارة رقم ١٠٠٩ و ذكرنا الحاج سيد حسين بهامش ص ١٨٨.

«إجازته» ص ٢٥٦ رقم ١٣٥٠ أمول نسخه هذه الإجارة الشريفة أيضاً في آخر [الموائد الرجالية] للسيد المجير طاب مثواه و سحضان مه موجودان عندما و قد أرح هذه الإجارة في آخرها بهذه الصورة [يوم الأربعاء سابع عشر ذي الحجة الحرام] ثم ذكر اسمه و لم يذكر عام التاريخ إلا أنه يوافق سنة ١١٩٢ حيث ذكر و ستمتد العرة يوم الإثنين.

ص ٢٥٦ س ١٣، بخط مصنفه الحجاز، أقول يعني في المجموعة النفيسة الموصوفة في

«مجموعة الإجازات الكبيرة ٢٠ : ٦٠ : ١٩٠١».

«إجازة السيد ميرزا الجزائري» ٢٥٧ ١٣٥٤ هو صاحب «جوامع الكلم» الذي في ج ٥ : ٢٥٣ : ١٢١٣.

«إجازة السيد نصرالله المدرس القاتري الحائري» ص ٢٥٨ : المذكور في كتابها [جامع الأسانيد ١٦٣ ١٦٣ رقم ٣٣٤] للسيد علي بن ميرزا عبدالحق الحسيني الرازي تاريخها ١١٥١ راجع الدرر ٨ : ٢٠٤ . ١٨١٩ و ٢٠ : ٦٧ : ١٩٥٠.

«إجازة الشيخ نعمان علي الخ» ٢٥٨ ١٣٦٠ أقول راجع ما ذكرناه هامش الروضات ١ : ١٨٧ . و يأتي ذكر هذه الإجازة في «الكفاية ١٨ : ٩٦ ٨٤٤» و راجع «إحياء الدائر ٥٢».

«إجازته» ص ٢٥٩ رقم ١٣٦٤ أقول طعت هذه الإجازة في كتاب «نابغة فقه و حديث : ١٧٢ - ١٧٥»

«إجازة السيد نورالدين بن السيد نصرالله الحائري» ٢٦٠ . ١٣٦٩ . أقول طعت هذه الإجازة في كتاب «نابغة فقه و حديث ٢٧٥» . و ذكر المحدث القمي طاب ثراه في «منتهى الآمال ٢ : ٥٥» أن السيد نورالدين هذا «رسالة الإجازات» ثم نقل عنها ترجمة مدير استماعيل خانوآبادي ره بأواسطه كما ذكرنا في هامش ح ١١ ص ١٣

«إجازة السيد نورالدين علي بن محمد محمد محسن الاسترآبادي» ٢٦٠ : ١٣٧٢ أقول هذه الإجازة مندرجة في مجلد إجازات بحر الأنوار ١٤١ ط ١ «إجازته» ص ٢٦٠ رقم ١٣٧٣ : بعية الراغبين ح ١ ص ١٠٥.

«إجازة» ص ٢٦٢ رقم ١٣٧٩ : انظر ص ٢٠٣.

«إجازة الشيخ نجيب الدين أبي بكر بن يحيى بن أحمد» ٢٦٣ : ١٣٨١ أقول راجع «الأنوار الساطعة : ٦٤» للمصنف ره في ترجمة حسين بن اردشير عليه الرحمة.

«إجازته» ص ٢٦٤ رقم ١٣٨٣ أقول نشرت هذه الإجازة عن نسخة شيخنا المصنف في كتاب [الإجازات العلمية عند المسمين ٨٧ - ٨٨] للدكتور عبدالله فياض و راجع «الأنوار الساطعة ٢٠٤».

«إجازة» ص ٢٦٤ رقم ١٣٨٦ أقول انظر للمحارج إلى ما علقناه على ما يأتي بعنوان «تهذيب الأحكام ٤ : ٥٠٤ : ٢٢٦٣» و لم يذكر المصنف مكان وجود نسخه التهذيب

المذكورة لاها و لا هك و لا في العوان الذي عقده لورام بن نصر في «الثقات العيون ٣٢٧» و وهم المصنف و الناشر هك في وصف امرجل بالسيادة و الله العاصم.

«إجارة صاحب الحدائق الشيخ يوسف بن سيد عبد العزيز الحمصي ..» ٢٦٥ : ١٣٩٢ .
أقول السيد انجار هذا هو الذي مرّ له إجارة الشيخ أحمد بن اسماعيل الجزائري بالرقم ٦٥٧.

«اجتماع الأمر و النهي» ص ٢٦٨ رقم ١٤٠٧ . أقول عددا نسخة منه بخط تميمه العلامة الأستاذ الحاج مير محمد صادق خانو آبادي الإصمهي

«اجتماع الأمر و النهي» ص ٢٦٨ رقم ١٤٠٨ . أقول يأتي له «التقريرات ٤ ٣٨٤ ١٦٨٦» و «المقه الاستدلالي ١٦ . ٢٩٠ . ١٢٦٦» و ترجمته في «مكارم الآثار» في عام وفاته و انظر «أعيان الشيعة ٤٢ : ...»

«الاجتهاد و التقليد» ٢٧٠ ١٤١٩ ٢٠ . أقول رأيت في نسخة مخطوطة من الكتب ما صورة المخططة بعد السمعة «الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطيبين . هذه رسالة في الاجتهاد و الأحكام و ترتيبها على سعة فصول» الخ.

«الاجتهاد و التقليد» ٢٧١ : ١٤٢١ . قوله علامة المعاصر الشيخ محمد حسين الخ . أقول هو آية الله الكياني الموقى بالسجف الأشرف في ٥ ذي الحجة سنة ١٣٦١ (قدس الله روحه) و تأتي حاشيته على كتاب امكاسب في ح ٦ ص ٢١٩ .

«الاجتهاد و التقليد» ٢٧١ - ١٤٢٦ . لميرزا عبد الرحيم . أقول راجع في ح ٣ كتابه مهجة العاوين .

«الاجتهادية» ص ٢٧٣ رقم ١٤٣٥ . أقول يكرر هذا العنوان في (ح ١١ : ٣٠ : ١٧٦) و ينقل جددا الشيخ الحرّ ره المتوفى سنة ١١٠٤ عن هذه الرسالة في ردّه على رسالة فارسية لبعض معاصريه في الاجتهاد و الردّ هو القائمة ٩٢ من كتابه «العوائد الطوسية ٤١٧ - ٤٥٨ ط قم» قال الحرّ ره (في ص ٤٣٨) ما نصّه [و قد صرح الشهيد الثاني في رسالة الاجتهاد] الخ.

«الأجناد الاثنا عشرية الحمديّة» ٢٧٥ راجع «شيد المطاع» في (ح ٤ : ١٩٢) .
«أجل التواريخ» ص ٢٧٥ رقم ١٤٤٥ . طبع على الحجر بطهران بقصص صغير في ١٢٨٣ في (١٦٢ ص) .

«الاجوبة العلية» ص ٢٧٧ رقم ١٤٥٤ يراجع (قامعة أهل الباطل ١٧ : ٨٩) مع التكملة

«كتاب الأحاديث» ص ٢٧٨، يأتي في الكاف أقول لم يذكر هناك سوى «كتاب الأحاديث النبوية ١٧ : ٢٦٣ : ١٨٥» فحسب و لكنه ذكر كتب الحديث في حرف الحاء بعنوان «كتاب الحديث ٦ : ٣٠١ فما بعد».

«الأحاديث القدسية» ٢٧٨، ١٤٦٢. قوله (في ص ٢٧٩ : ٢) مكرراً. أقول: من جمها طبعة إصعها سنة ١٣٢٩ و عليها تقرير و حواشٍ لخلاصة العلامة المحجة الحاج الشيخ محمدتقي آقا محمى الإصعها ر.ه.

«إحالة النظر في القضاء والقدر» ٢٨٠ ١٤٦٦ أقول لعل العتوب «إحالة» بالجمع. «الأحاديث النافعة» ٢٨٠ : ١٤٦٥ : ٥ قوله: بمجموعة التذكارات. أقول تأتي في (ج ٤)، (٢٠).

«الأحباب - كتاب» ٢٨٠. يذكره في حرف الكاف (ج ١٧ : ٢٦٣). «أحسن الأدعية» ٢٨٥. في الأدعية اقرأة، للممررا اسمعيل الآشاي الملقب في شعره «شعله». ذكره في مقدمة «ديوان أميري موزركوهي ١ : ٤٣» و يأتي ذكر شعله في موضعه من (ج ٩).

«أحسن القصص» ص ٢٨٨ رقم ١٥١٠ أقول يراجع إعيان الشيعة ٥٣ : ١٠٠ : ١١٥٦٧.

«أحسن الكبار» ٢٨٨ : ١٥١١. أقول كانت عندما مه نسخة قديمة و صفاها و نقدا عنها في بعض مؤلفاتنا كجامع الأسباب المطبوع ١ : ٨١ : ٨٢ و «مهرست كتب عطلى». و راجع: (ج ١٥ : ١٥ : ٤٤ و ح ٢٣ : ٣٦٨ و ح ٢٤ : ١٢٣) و انظر مقالة «يادگار سمر قم» في كتاب «عامري نامه: ٢٥٨».

«أحسن الوديعة» ص ٢٨٩ رقم ١٥١٥. انظر «الحواشي عليه ٧ : ١٠٥. س ٢٣»

«الاحقاق» ص ٢٩٠ رقم ١٥١٨. أقول انظر «نهاية البحار ٢٤ : رقم ٢١١٨».

«إحقاق الحق» ٢٩٠، ١٥١٩. يأتي ملوعه «لقصاصة ١٧ : ٨٣» لم يذكره في «القضاء» و ذكره في «بررگان و سنجسرایان همان ٢ : ٩٦» و كلا مشار في «المؤلفين ٢ : ٢٤٨» مع عطفاً له. و قد كنا قیدنا في حوالي سنة ١٣٦٥ مامش هذا الموضع من البريقة ما

صورته: «قال الله الأديب الكاتب ربّ المجدد الثاني من هذا الكتاب (الإحقاق) عليه بحظ المؤلف وفقه الله لطبعه و نشره» هذا ما كتبه قديماً و لا أتذكر الآن شيئاً أكثر منه، و سبحان من لا يسهو.

«إحقاق الحق» ٢٩٠: ١٥٢٠: ٩. أقول هذا لكتاب موجودة في مكتبة الحاج شيخ الخيدري (في بلدة سدة و الآن موجودة في جامعة الإصمهان مكتبة المركزية) و الكتاب هذا في الردّ على الشيعة.

«أحكام الأرضين» ٢٩٣: ١٥٣٠. أقول يأتي في (ح ٧ ٢٥١) أنّ الشيخ نعمة هذا توفي في شهر صفر سنة ١٢٩٣.

«أحكام الإيمان» ٢٩٦: ١٥٤٤ أقول صرح جدنا المؤلف الإمام العلامة في آخر كتابه المذكور بأن اسمه «أحكام الإيمان» بإثبات اللام، و قد طبع هذا الكتاب القيم في حياة مؤلفه مرتين في المطبعة الحجرية بإصمهان

«أحكام الجهاد» ٢٩٦ أنظر «الجهادية» متعدداً في (ح ٥) و «غاية المراد» و «فتحنامه» في (ح ١٦).

«أحكام الحدود الشرعية» ٢٩٧: ١٥٤٩. أقول يأتي لمؤلفه «الإرث» في ص ٤٤٧ و في الرأي «ريدة المعارف» و قوله في س ١٠ و في الرسائل أيضاً أقول لا يذكر في حرف الراء مطلقاً بل يذكر في الحاء و المأل.

«الأحكام الشرعية» ٢٩٨ يأتي في الرقم ٢٢٢٨.

«أحكام النواصب» ٣٠٢: ١٥٨٠ يأتي لمؤلفه «القائمة للبدعة»، و مجموعة رسائله في

٢٠: ١١٤

«كتب الأحمدي» ص ٣٠٤ أقول لم يعنوه في الكاف بل ذكره باسم «مختصر

الأحمدي ٢٠: ١٧٦: ٢٤٧١» فلاحظ

«أحول الصحابة» ص ٣٠٥: مؤلفه السيد عبيد خان الشيرازي شارح الصحبة.

«إحياء الأحاديث» ٣٠٧: ١٥٩٦. قوله في س ٣: (قال ره). أقول من هنا إلى قوله في

س ٧ (و صرح ولده) عين كلام «كشف الحجب و الأستار»، و رأيتُ أنا نسخة الأصل من هذا الكتاب القيم بحظ مؤلفه ره عند أحد شاعري الكتب

«إحياء الموات» ٣٠٧: ١٥٩٨. صرح تربيت في «دانشمندان آذربايجان ٢٤٤» بوجود

نسخة أصله عنده.

«إحياء الملوك» ٣٠٩. تاريخ فارسي مصوغ. أنظر «فهرس أحمد متروى ٦. ٤٢١٧»
«أخبار الأوائل» ص ٢٢٢ رقم ١٦٦٧ س ١٤، طبع سنة ١٣١٢. في معنى كما في
فهرست المشار.

«أخبار زياد ابن أبيه» ص ٣٣١ رقم ١٧٢٥ أقول يراجع الأعلام للزركلي ج ٣ ص ٥٣
في (زياد ابن أبيه) و مسدركات الساري فيه أيضاً (ج ٤ رقم ٥٨٤٨).

«أخبار الزينيات» ص ٣٣٢ رقم ١٧٣٣. طبع مؤخراً في بلدة قم سنة ١٤٠١ و انظر
(ج ١٢: ٢٧٦) عنوان (السيدة ريس) و (ج ١٥: ٣٠٧ ١٩٦٢) عنوان (عقبة الوحي) و يأتي
له أخبار المدينة. ٣٤٩ ١٨٣٤ و (أسباب أبي صالب) في ج ٢ ص ٢٧٨ و (الرد على أولي
الرفض و المكر) في ج ١٠: ١٨٦. ٤٢٩ و راجع (مرقد العقيلة ريس ص ٧٥ وما بعدها) و
(بكصد و ده برمش) لسند الحجة مهدي الميلاني ره و (تحقيق دربار اول اربعين
ص ٧٦ وما بعدها)

«أخبار عبدالعظيم» ص ٣٣٩ رقم ١٧٧٣: أقول انظر [الخصائص العظمى ٧: ١٦٩:
١٨٩٦].

«أخبار الفضائل» ٣٤٤. ١٨٠١. ١٢ قوله «داود بن هاشم بن القاسم». أقول هذا
خطأ و الصواب «داود أبو هاشم بن قاسم» كما في «كشص ١١٨» و «بلح ٢٢».
ص ٣٤٤ س ٢١، الجواهر النظامية: لرجع ح ٥ ص ٢٨٥.

«أخبار القرامطة» ٣٤٥ هو لعبد الرحيم بن محمد بن عبد الرحيم الزهري أبي الحسن
الحراساني بريل مكة المكرمة المتشيع ذكره في «لسان الميراث ٤: ٩» هراجه.
«أخبار قصة بغداد» ٣٤٥: ١٨٠٧. قوله في ص ٣٤٦ «ذكره القاضي صفي الدين» الخ.
أقول ذكره أيضاً في كتاب «المشعر، كشف لأصول السادة الأشراف» المطبوع بمصر
الذي ربما له «كشص».

«أخبار المدينة» ٣٤٩: ١٨٣٤ للسند الشريف يحيى الخ أقول راجع مقدمة كتابها
«جامع الأسباب ١. ٩» و رأيها في تأليف محطوط لصاحب «فضائل السادات» انطباع
المشهور أنه بعد ما نقل شيئاً عن كتب «جواهر العقدين» للسيد عبي بن عبدالله
السمهودي المتوفى سنة ٩١١ قال إن من جملة ما أخذ السيد في كتابه المذكور هو «كتاب

أخبار المديفة» تصيب السيد يحيى جدّ الشيخ الدارقضي المشهور عندهم و جدّ السيد مهنا صاحب «المدنات» الثلاث الخ أقول و لفظه بالعربية هكذا «جدّ شيخ دارقضي» و لكن هذا خطأ و النسخة معطوبة و لا يمكن أن يكون السيد يحيى شيخاً للدارقضي المتولد ٣٠٦ و لا أن يكون جدّه، المهمّ إلّا من قبل الأمّ ثم إن قول شيخنا المرحوم (في ص ١٤): كما أُرّخه في «الثبت للمصان»، أقول لا بدّ أن يكون هذا النقل مع الواسطة، و الواسطة كلمة الناشر المصري لأخبار الريسات

«كتاب الاختصاص» ص ٣٥٨ رقم ١٨٨٩: أقول بمراجع لأمر الواعظين هذا (داشمدان إصفهان ص ٥١) و (مكارم الآثار ج ٦ ص ٢٠٩٢)

«كتاب الاختصاص» ٣٥٨ ١٨٩٠. الشيخ أبي عبد الله.. المعبد الخ. أقول إن السيد العلامة المعاصر الخوئي دام عمره قد مرّ إلى القول بعدم ثبوت نسبة كتاب «الاختصاص» المعروف المشهور المطبوع إلى الشيخ المعبد كتاب نراه، راجع «معجم رجال الحديث ٧: ١٢٦ و ١٠: ٣٦٩». و من العريب قول شيخنا العلامة قبل سرّده (في ص ٣٦٠ من ٣) أن «هذا الكتاب الموجود هو من «العبود و الخاس» الخ. فتأمل. و نسخة جدنا الشيخ محمد الحرّ صاحب لوسائن ره من كتاب الاختصاص بخطّ حاجي ميرزا محمد بن الخاجي شاه محمد استنسخها بصمها و فرغ منها في حجة ١٠٨٧ معها عدة رسائل للأقدمين هي الآن في حراة كتب الإمام السند محسن الحكيم بالسجف الأشرف. قال بعضهم عن تلك النسخة «كتاب اختصاص تأليف ابن عمران و هو المنسوب إلى الشيخ المعبد» انتهى من مقدّمة رسالة أبي غالب الرراري ص ٨٤ ط قم. و ممّا ذكرنا ظهر وجه عدم ذكر الاختصاص في نكت مصنفات المعبد في مقلّعة الطبع لأماله و تذهيب الشيخ.

«اختيار مصباح السالكين» ص ٣٦٣ أضبه في [شرح النهج ١٤: ١١٤٩ ١٩٩٩]

«اختيارات الأيّام» ص ٣٦٧ رقم ١٩١٨ راجع (ردگنامه علامه مجلسي) بسند المهنوي ج ٢ ص ١٣٥.

«اختيارات بديعي» ٣٦٨ ١٩٢١. في طبّ بلطيب اناهر المعروف بالناح رين العابدین. أقول يأتي له في ج ٢: ٥٦ كتاب «أسرار الكاح و النساء».

«أخذ النار» ص ٣٦٩ رقم ١٩٢٨ من ٢١، كما يأتي: انظر ما ذكرناه في التكملة على

«دوب النصار ١٠: ٤٣: ٢٤٦».

«أخلاق واعجب» ٣٧٤: ١٩٥١. قوله «كف في أخبار البشر» أقول هذا كقوله «لأن في عنوان (الذريعة ١٠: ٢٨: ٧) أيضاً» و شيخنا المصنف نقل هذا التاريخ عن كتاب الروصيات الذي هو السابق الوحيد عن «أخبار البشر» كما صرح بذلك المصنف في عنوان (جامع التفسير ٥: ٤٦: ١) و نكتة فتن سره ما أسقط واسطة النقل و لم يسم مرجعه في هذا الموضع بوجه مباشر الكتاب أن اسم المأخذ «أخبار البشر» خطأ فأبدله في جدول الاستدراكات إلى «أخبار الحكماء» خطأ موهوماً كما أبدله أيضاً في (ج ٥) رأساً في المتن و سمي التبديل في (ج ١٠) و كذا في المحاصرات ٢٠: ١٢٨: ٢٢٣٧ فبقي الاسم في الموضعين على حاله إلا أن الشرح أو ولده بدل التاريخ في الموضع الأخير من (٥٦٥) إلى (٥٠٢) داهلاً عن أنه مراراً من نظر إلى الميراب و باطل من وجوه، و هذا عين ما فعله في «الثقات العيون ٨١» حيث جاء هناك في ترجمة الرابع ما لفظه [المتوفى سنة ٥١٢ كما أرحه في أخبار البشر] و الرابع من أفاضل أهل السنة و الجماعة فقد صرح الشيخ بهاء الدين محمد العاملي ره في بيان الحديث الآخر من كتابه الأربعين حديثاً بذلك قال «و من الأشاعرة الرابع الإصمهاني و أبو حامد العراقي و الصخر الراري» انتهى. و نحن بسطنا الكلام حول ترجمته في «شرح روضات الجنات» و حققنا هناك و في مقال مفرد لنا أن الرابع كان من المعاصرين نصاحب ابن عباد المتوفى ٣٨٥ و أصحابه الباقين إلى حوالي عام ٤٣٠

«أخلاق كندي» ص ٣٧٧ رقم ١٩٦١ يرجع لروم [الأعلام ٨: ١٥٩] للزركلي ط كبيرة.

«أخلاق نظام العلماء» ٣٨١: ١٩٧٤ رجع «الشهاب الثاقب» له في (ج ١٤، ٢٥٣: ٢٤٣٩).

«كتاب الإخوان» ٣٨٢: ١٩٧٩ قوله في ص ٣٨٣ ١٤-١٦ «و يأتي أن الأمر في كتاب الإمامة و التبصرة» على عكس ذلك فإنهم نسبوه إلى والد الصدوق مع أنه ليس له جرماً» الخ. أقول هذا الحرم خطأ نشأ ثم رأى من تدخل روايات «الإمامة و التبصرة» الذي هو لوالد الصدوق و يأتي ذكره في (ج ٢: ٣٤٢) مع روايات كتاب «جامع الأحاديث» كما يتناه في مواضع و نسخة العلامة المجلسي من الكاين في مجلد واحد.

عبدنا و الحمد لله و راجع أيضاً (ج ٢٤: ١٨٨).

«إخوان الصفا» ص ٣٨٣ رقم ١٩٨٠ أقول انظر «دائرة المعارف ٨: ٩ ص ١٦» و «رسائل إخوان الصفا ١٠: ٢٤٦ ص ١٥» عدد الان الأجزاء الأربعة للكتاب طبع على صفحة العنوان ما يبي [رسائل إخوان الصفا و حلال الوفاء - عني بتصحيحه خير الدين الرركني يطلب من المكتبة التجارية لصاحبها مصطفى محمد - المطبعة العربية بمصر ١٣٤٧ هـ مصدرة بمقدمة صافية بقلم الدكتور طه حسين ... مفصاة بملخصة تاريخية يقدم العلامة أحمد ركي باشا ...] انتهى و يعجبني نقل كلام عن الكتاب في الجزء الرابع ص ٩٨ - ٩٩ من تلك الطبعة بعين اللفظ و هو هكذا [فصل و مما يدل على أن أهل بيت نبينا عليهم السلام كانوا يرون هذا الرأي «بمعنى اعتقاد بقاء النفس و صلاحها بعد مفارقة الجسد» تسببهم أجسادهم إلى الفناء يوم كربلاء لم يرضوا أن يتولوا على حكم يريد و رياء و صبروا على العطش و الضم و الصرب حتى فارقت نفوسهم أجسادهم] و لكن في الكتاب ما يخالف آراء الإمامية ككلمة الساحة و ريادة القبور و عدم التقيّد بمذهب و إنكار الإمام المنصور و أمثال هذه الأمور مذكورة في مواضع من الجزء الرابع خاصة مما تنادي بأعنى صحتها بأن الكتاب من وضع غير علماء الشيعة الإمامية ثم أقول إن من الطريف ما وقفنا عليه من تأثر جلال الدين محمد البلخي في كتابه «المشوي ١٩: ٣٠٣ ١٣١٤» ببعض آراء هؤلاء الإخوان حتى إنه صرح باسم «إخوان الصفا» في كتابه المذكور «مشوي - دفتر ٥ بيت ٢٦٤٣» و قد ذكرنا شيئاً من ذلك في رسالة خاصة حول عقائد ابن عربي و صاحب المشوي و لله العالم. و نعارف تاجر [حقيقة إخوان الصفا و حلال الوفاء] في خمسين صفحة طبعت سنة ١٩٥٧ في المطبعة الكاثوليكية ببيروت ذهب عارف فيه أيضاً إلى القول بأن الكتاب من آثار الإسماعيلية و هو من الأخصائيين بآثار تلك الفرقة و ليراجع مقر «إخوان الصفا» في «دانشنامه ايران و اسلام ١٠: ١٣٥٤ ١٣٦٣ ط قرا، ١٣٦٠ش» و التحقيق للتأخر حول إخوان الصفا و رسائلهم في حواشي [مهرسة المجلوع الإسماعيلي ١٥٤ فما بعدها]

ص ٣٨٤ م ٢، في القوائد: «القوائد المدنية ٢٧٩ ط تبرير ١٣٢١».

«أدب الإمام و المأموم» ٣٨٦: ١٩٨٧: ١٩ قوله «في روض الجنان». أقول يعني به كتاب جدنا الشهيد الثاني ره في شرح «برشاد الأدهان» كما يأتي في «الإمام و المأموم»

و الشهيد نقل عنه حديثاً جليلاً في فصل صلوة الجماعة ثم نقل ذلك عن الشهيد جمع من المقهاء و المحدثين في كتبهم كالبحار ٨٨ : ١٤ و المستدرک ٦ : ٤٤٣ و رساله الجماعة لمحقق الأنصاري المطبوعة في مسجده في مسجده المتاجر

«أدب النديم» ص ٣٨٨ رقم ١٩٩٧ أقول يأتي به «الشعر الباسم ٥ : ٧ : ١٩» و «ديوان أبي الفصح ٩ : ٤٦» و للميرزا محمدخان قزويني مقاله جامعة حول كشاحم نشرت في [يادداشتهاى قزوینی ٦ : ٢١٦ - ٢٢٧].

ص ٣٨٩ : سيأتي ذكر كثير من كتب الأدعية بعنوان (المجموعة) في ج ٢٠ و فيها ما هو مذكور في هذا الجزء و فيها غيرها ملاحظ و انظر «الدعاء» في ج ٨ و «المصباح» في ج ٢١.

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠٠٤ كثر في ج ٢٠ : ٦٦ : ١٩٣٩

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠٠٦ كثر في ج ٨ : ١٩٩ : ٧٨٣ و سيأتي له «الأربعون حديثاً» في ص ٤٠٩ : ١٢٦.

«كتاب الأدعية» ص ٤٠٩ رقم ٢٠٠٧ كثر في ج ٢٠ : ٦٦ : ١٩٤٠ و ١٩٤١.

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠٠٨ كثر في ج ٢٠ : ٦٦ : ١٩٣٨

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠٠٩ كثر في ج ٢٠ : ٦٦ : ١٩٣٧

«كتاب الأدعية» ص ٣٨٩ رقم ٢٠١٠ كثر في ج ٢٠ : ٦٦ : ١٩٣٦

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٢ أقول يكرر هذا الكتاب في ج ٢٠ : ٦٤ : ١٩٢٤.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٣ كثر في ج ٢٠ : ٦٦ : ١٩٤٢

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٥ كثر في ج ٢٠ : ٦٧ : ١٩٤٦

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٦ كثر في ج ٢٠ : ٦٦ : ١٩٤٣

«كتاب الأدعية» ص ٣٩٠ رقم ٢٠١٩، للسيد عميد الدين عبدالمطلب : انظر ترجمته في

الحقائق الراهنة ص ١٢٧ و يأتي له (نهاية البادي) في ج ٢٤ : ٣٩٦

«كتاب الأدعية» ص ٣٩١ رقم ٢٠٢٠ كثر في ج ٢٠ : ٦٧ : ١٩٤٧.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩١ رقم ٢٠٢١ كثر في ج ٨ : ١٨٣ : ٧٢٣.

«كتاب الأدعية» ص ٣٩١ : ٢٠٢٥ السيد محمد مؤمن أقول مرّ له في هذا الجزء (٩٤)

إثبات الرجعة.

- «الأدعية والأحزاب» ص ٣٩١ رقم ٢٠٢٧: يكرر هذا الكتاب في ح ٢٠: ٦٣: ١٩٥١.
- «الأدعية والأخبار» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٢٩: يكرر ذكر هذا الكتاب في ح ٢٠: ٦٣: ١٩١٥.
- «الأدعية والأدوية» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٣٠: يأتي له «الدعوات الخ» في ح ٨: ٢٠٢: ٨٠٢.
- «الأدعية والأذكار» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٣١: كثر في ح ٢٠: ٦٣: ١٩١٨.
- «الأدعية والأذكار» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٣٢: كثر في ح ٢٠: ٦٣: ١٩١٩.
- «الأدعية والأذكار» ص ٣٩٢ رقم ٢٠٣٣: كثر في ح ٢٠: ٦٤: ١٩٢٠.
- «الأدعية والأوراد» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٣٥: كثر في ح ٢٠: ٦٤: ١٩٢٢.
- «الأدعية والأوراد» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٣٦: كثر في ح ٢٠: ٦٤: ١٩٢١.
- «الأدعية والتعقيبات» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٣٨: كثر في ح ٨: ٢٠٣: ٨٠٨.
- «الأدعية والختوم» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٤٠: كثر في ح ٢٠: ٦٤: ١٩٢٣.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٤١: كثر في ح ٢٠: ٦٤: ١٩٢٥.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٣ رقم ٢٠٤٢: كثر في ح ٨: ٢٠٥: ٨٢٨ و ح ٢٠: ٦٥: ١٩٣٠.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٣: كثر في ح ٢٠: ٦٤: ١٩٢٦.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٤: كثر في ح ٨: ٢٠٢: ٨٠٧ و أيضاً في ح ٢٠: ٦٤: ١٩٢٧.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٥: كثر في ح ٢٠: ٦٥: ١٩٣٤.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٦: كثر في ح ٨: ٢٠٥: ٨٢٧ و ح ٢٠: ٦٤: ١٩٢٨.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٧: كثر في ح ٢٠: ٦٥: ١٩٣٣.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٨: كثر في ح ٨: ٢٠٥: ٨٢٩.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٤٩: كثر في ح ٢٠: ٦٥: ١٩٢٩.
- «الأدعية والزيارات» ص ٣٩٤ رقم ٢٠٥٠: فيه نسب أعرجي نقلناه في الصراط الأبلح ص ٢١ و يأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً بمراراً في ح ٢٠: ٦٥: ٩٣٥ ملاحظ. و بين

النصين بعض التعاوت.

ص ٣٩٤ س ٢٣، عميد الدين: الحقائق ١٩٠: ١٥.

ص ٣٩٤ س ٢٣، ضياء الدين الحقائق ١٢٤ و وُلد في ٤١: ٩ و في الصياء ٨٤ و أيضاً أخوه نظام الدين فيه ١٠٨: ١٤ و وُلد الأخير فيه ١٠٩: ٦.

ص ٣٩٤ س ٢٣، مجد الدين: الحقائق أبرهة ١٩٣ و ٩ و ٥ و كشف ١١٩.

ص ٣٩٥ س ١، أبي الفوارس: أخوه محمد بن أحمد ص ٩.

ص ٣٩٥ س ١، محمد: هو ابن محمد بن (الحقائق ١٤٦) علي بن عبد الله محمد بن أحمد بن علي الأعرح (الحقائق ١٠٨).

«الأدعية الثلاثون» ص ٣٩٦ رقم ٢٠٥٨ س ٥، السُّورِي: أقول سنة إلى السُّورِي و هي من قرى حله كما في الروضات.

ص ٣٩٦ س ٩، بكّة الحسين: اطلبه في «إحياء الدائر ٣٧»

«أدعية السر» ص ٣٩٦ رقم ٢٠٦١، ضياء الدين فصل الله: أدعية السر هذا يأتي باسمه عجل البرّ و سأل له الأربعون حديثاً في ص ٤٢٣.

ص ٣٩٧ س ٤ قوله الكرمدي أقول عجب للرجل في [أعيان الشيعة ٥٤: ٩٦، ١١٦٥٣] استناداً إلى أدعية السرّ فحسب و لم يرد شيئاً و (كرمدي) حرية مذكورة في عدّة مواضع من الكتب القديمة و لنا معانة حوها كانت من نواحي راوند كاشان في طريق إصفهان غير معروف في هذه الأزمان و انظر ما ذكرناه هامشاً بسختنا من كتاب الدعوات ليراويزي ص ٢٩ ط قم.

ص ٣٩٧ س ١٩، الأحاديث القدسية. أقول الظاهر أنّ أدعية السرّ أكثر مما هو في المسح انطبوعة من «الجواهر السيّة ٥ ١٢٧٩» فلاحظ و انظر الأدعية المباركة في «نهار الأوار ٩٥: ٣٠٦».

«أدعية سعة الرق» ص ٣٩٨ رقم ٢٠٦٢ أَوْها بعد البسملة هذه ورقيات فيها أسرار أدعية يختصّ بأداء الدين و سعة الرق و آخرها «و لكن الله ألف بينهم أنّه عزيز حكيم هذه صورة عخط مؤلفه الفقيه العالم لأعظم شيخ مشايخ الإسلام و الإيمان الشيخ أبي اسمعيل إبراهيم بن سيمان الغضيري رحمه الله كتبه العبد محمد الموسوي عمر له فرع منه سحر ليلة الثلاثاء ليلة مصت من الشتاء سنة ١٢٤٥» انتهى و النسخة في ١٥ ص في

إحدى مجموعات عمّ جدنا و جدّ جدنا العلامة الحاج سيّد محمّد شقيق جدنا الإمام
المحمّد صاحب الروضات قلّس الله روحيهما رحم المجموعة عددا ٥٩١٣
«الأدعية الكافية» ص ٣٩٨ رقم ٢٠٦٧ أقول يأتي لمؤنّه [الكتاب الميز ١٧ : ٢٧٩ :
[٢٨٤] فراجع.

«الأدعية الماثورة» ص ٣٩٩ رقم ٢٠٦٩ : كرّر في ح ٢٠ : ٦٤ : ١٩٤٤ .
«الأدوية القلبية» ٤٠٣ : ٢٠٩٩ : ١٨ . قوله «وَه» أقول يعني بعد الخطبة و الديباجة و
قوله في (س ٢٢) : أبي الحسين بن علي أقول الصّواب أبي الحسين علي، كما هو واضح و
يدلّ عليه ما في نسخة المخطوطة و «مهرس ندكتور يحيى مهدي ٢٣» .
«الأديان و الملل» ص ٤٠٤ رقم ٢١٠٣ : لراجع أيضاً الجزء الثاني ص ٣٧٩
ص ٤١٥ س ٤ : قوله و مرّ الخ أقول لا دخل هذا الكلام بترجمة صاحب العنوان
فلا تعمل

«الأدانية» ص ٤١٥ رقم ٢١٠٩ يأتي ذكرها أيضاً [رسالة في الأدان ١١ : ٤٨ : ٢٩٢] و
م تطّلع لها على نسخة و انظر [تحقيق مصوّل لأذان] ح في [التكملة ٣ . ٤٨٥] .
«أذكار الإخوان» ٤٠٦ : ٢٦١١ : ٦ . قوله (نكر جكي) أقول الصّواب (الكراحيكي)
ها و في مواضع كثيرة من الكتاب، أعني أنّ التّسبئة إلى كراحيك و هو باجيم العربية
دون المارسية
«الأربعون حديثاً» ص ٤٠٩ رقم ٢١٤٦ : مرّ لمؤنّه أيضاً كتاب الأدعية في ص ٣٨٩ :
٢٠٠٦ .

«الأربعون حديثاً» ص ٤١٣ رقم ٢١٤٠ س ١١ ، سنة ١٢٨٢ يراجع لراماً مكارم
الأنار ج ٧ رقم ١٥٢٧ .
«الأربعون حديثاً» ص ٤١٥ رقم ٢١٤٨ أقول و يأتي لوالده الأربعون حديثاً برقم
٢١٦٩

«الأربعون حديثاً» ص ٤١٦ : للمرحوم محمد رمان الأعرجي الشاه حسيني السمناني يأتي
[شرح الأربعون حديثاً ١٣ : ٦٩ : ٢٢٤] .

«الأربعون حديثاً» ٤١٧ : ٢١٥٦ : ٨ . أقول يأتي لمؤنّه الفاضل محمد سعيد الرقم ٢٢٠٩
و أيضاً في ج ٦ : ١٢ و ٤ : ٤٨٢ و ١٦ : ٣٤٠ .

﴿كتاب الأربعين﴾ ص ٤١٨: في فصول مولانا و سيدنا و شافعا و حبيب يلها
 أمير المؤمنين و سيد الوصيين و أشرف الأئمة و الآخرين من الأسياء و المرسلين عدا حاتم
 النبي صلى الله عليه و آله الأطهرين» كتب وصف الكتاب في آخره و بعده أيضاً «قد
 اتفق الفراع من كتابة هذه النسخة الشريفة الربيعية و هو من تأليفات دولي الكامل العالم
 العلامة مولانا محمد شمع الأسترايادي في صحوة يوم الثلاثاء ثامن عشر شهر صفر المظفر
 ١١٣٦ ... على يد ... ابن قوح عني نوردين محمد السبائي مولداً و الإصمهايي متوطاً
 ...» و أول الكتاب بعد البسملة «الحمد لله و سلامه على عباده الذين اصطفى محمد و
 عترته الطاهرة ... أما بعد فهذه أربعون حديثاً استخرجتها من كتب العامة و ذيلت كلاً
 منها بشيء اقتضى المقام إيراد» الخ. أقول مولانا محمد شمع هذا ابن تحت العلامة
 المحسني مولانا محمد باقر صاحب بحار الأنوار المتوفى سنة ١١١٠ قنس سره و يروي عنه
 السيد محمد بن علي بن حيدر الموسوي العملي [الروايات ٤٠٣ من ١٢ و أيضاً ٦٣٢
 من ١٨ ط ٢] و كذا هو من مشايخ مولانا آقا محمد أكمل والد الشيخ البهائي كما
 ذكره المحقق في إجماعه مادحاً له و تسير مشايخ والده و ذكره سيد مشايخنا في «أعيان
 الشيعة» مقتصرأ على ما رواه في إجماعه تحقيق ثم إن مع نسختنا من كتاب الأربعين عدة
 فوائد هامة في العسر و الحديث و الفقه و غيرها بخط كاتب الأربعين أيضاً من دون قيد
 اسم مؤلفها و نظر أن جميعها من إقادات المولى محمد شمع المذكور و الله العالم بحقائق
 الأمور و توجد مجموعة بخطه ره في مكتبة المركزية بجامعة طهران تدرجها ١١٨٦ فيها
 مطالب من المناقب منقولة عن العامة و في المكتبة المذكورة أيضاً نسخة من منتخب
 كتاب الأربعين للمولى محمد شمع استنسخها ميرزا محمدعلي بن ميرزا محمد كاظم
 الأناسي المحسني بمجموعة جميلة بخطه لاحظ فهرس المكتبة (ح ١٢: ٢٧١٠ و ج ١٣: ٣٢٩٢)
 و راجع كتاب «رندگسامة علامه محسني ح ١: ٣٧٣ و ح ٢: ٣٤١ - ٣٤٣»

«الأربعون حديثاً» ص ٤١٨ رقم ٢١٥٧ أقول إن الأربعين للشيخ السيماني هذا كتاب
 يديع نفيس في موضوعه و عندنا منه نسخة بقلم علي بن لطف الله الجشي فرع من
 كتابتها في ٤ شهر رجب ١٢٣٤ ها حوش كثيرة و عليها صورة ملكة عبدالله بن مبارك
 بن علي بن عبدالله بن ناصر آل خميدان لاجسائي أصلاً و الخطي مولداً في سنة ١٢٣٤
 ثم ملكية محمد بن علي بن عني بن محمد محمدي البحراني في حدود ١٢٤٢ ثم صارت في

حرارة احتاج سيّد عبدالله خبيبة (انظر عن حررته عائمة الصياء الالامع ١٦٦) ثم في حرارة العلامة ابن حنبل الشيع أبي الجحد محمد الرضا النحوي المسجدهاشي و يأتي ذكر عدّه نسخ أخرى للكتاب في (ج ٢٠: ٢٣٨) فراجع.

«الأربعون حديثاً» ص ٤١٨ رقم ٢١٥٩ س ١٨، هو تميم آية الله بحر العلوم: أقول كذا ذكره صديقه العلامة السيّد محمد صادق بحر العلوم في «مقدمة رجال السيّد بحر العلوم ره ص ٦٨» في فهرس أسماء تلامذة جدّه ره قديلاً «المولى محمد شمع الأسر آبادي المتوفى بعد سنة ١٢٣٨» انتهى و لا يخفى أنّه غير سمّي له يدكره بعد هذه التعليقة فلاحظ.

«الأربعون حديثاً و دليلاً» ص ٤١٩ رقم ٢١٦٢ يأتي أيضاً في ص ٤٣٤ - ٢٢٠٤

«الأربعون حديثاً» ٤٢٠: ٢١٦٧: ١٦ يرجع «الإمامه و الردّ على المخالفين فيها ٢». ٣٢٩: ١٣٠٥ و في س ١٩ قوله «الشيع تاج يدّين حسين بن شمس الدين الصاعدي». أقول يأتي له كتاب «گنجسه گرانمایه» و عندنا بحظه مجموعة (ج ١) مسوطة

«الأربعون حديثاً» ٤٢١: ٢١٦٨: ١٠ قوله «الذي استظهر صاحب الروضات» أقول تحقيق الكلام حول هذه المطالب هو كقول أبي تعلقات على «روضات احسان» و الله المتوفّق.

«الأربعون حديثاً» ص ٤٢٤ رقم ٢١٦٤ يرجع «الروضة النيرة ٤٤٣ - ٤٤٤» و عندما نسخة الأصل بحظه.

«الأربعون حديثاً» ٤٢٦: ٢١٨١: ١٢ قوله «المعروفة بالأهوارية» أقول راجع (ج ٢: ٤٨٥) و قوله «و أخرجهما مه الشهيد الثاني في كشف الريبة». أقول بل نقل عنه عدّة أحاديث و ذكر سيده إليه في الحديث الأوّل من الأحاديث الإثني عشر المذكورة في آخر كشف الريبة و طبع كتاب الأربعين هذا بقم سنة ١٤٠٥ مع مقدمة مبسوطة و جميعه في ١٠٧ ص و عنوان المطبوع «الأربعون حديثاً في حقوق الإخوان» و ذكر ولادة مؤلّفه حدود ٥٦٥ و وفاته حدود ٦٣٩.

«الأربعون حديثاً» ص ٤٢٧ رقم ٢١٨٣: أقول يأتي باسمه «الكفاية المهتدي ١٨: ١٠١: ٨٦٧».

«الأربعون حديثاً» رقم ٢١٨٥ ص ٤٢٨ س ٣، المروي في صحيفة الرضا هو الحديث ١١٤ من الصحيفة و لا اختصاص بها و حدها فقد ورد الحديث أيضاً في عيون أخبار

الرصاص صلوات الله عليه و هو الحديث ٩٩ و روته العامة كذلك انظر كثر العقال ١٠:
٢٢٥ الحديث ٢٩١٨٥.

ص ٤٢٨ س ٧، أقدم نسخة: أقول عندما نسخة من الأربعين بخط سلطان حسين
البيهقي كتبها في مشهد الرضا عليه السلام و فرع منها ١٥ شهر رمضان ٩٦٠ و عليه
بعض القيود بامضاء سيف ستمه الله و نضاهر أنه الذي كتب هذا بيني الأربعين إجارة
لجعفر بن إمام الدين الطهراني و امضائه سيف الدين محمد الخادم ابن المصنوم الحسيني و
تاريخها شهر رمضان ٩٦١ في مشهد الرضا عليه السلام و شيخه و استاده في تلك
الإجارة الشهيد الثاني المقتول بأيدي النعمانيين الكفار سنة ٩٦٦ و عبارته كالآتي قال
«بعضها سمعاً و بعضها إجارة عن شيعي شح الإسلام بركة المؤمنين و هو أعظم
علماء الخاصة في زمانه ريس المنة و الدين العامي أبدت ميامن بركاته إلى يوم الدين»
الخ و هذا الإكبار و التعظيم حين ما لم يمحض عن عمر الشهيد أكثر من خمسين عاماً.
ثم بعد الإجارة طائعه من الروايات و الأحاديث المتفرقة أكثرها بخط أحمد بن محمود
الحسيني في سلخ شوال ٩٦١ و على ظهر نسخة تمسكات البحار المذكور هكذا بالخمسة
«من متمسكات العبد الخاني جعفر بن إمام الدين علي طهراني عمر ديوهنا» و لاحظ
وصف نسخة أخرى من الأربعين في «أعيان الشيعة ١- ٨٩» لسيد مشاعنا الأمين
العاملي فتنس سره.

«الأربعون حديثاً» ٤١٢: ٢١٣٦. قوله سمول محمد باقر بن محمد جعفر. أقول المظنون
أنه المشاركي الإصفهاني مؤلف «آداب شريعة» المار ذكره. و في س ١١ (يسى) خطأ
صوابه (يُسمى).

«الأربعون حديثاً» ٤١٤: ١. انظر ص ٤٣ الرقم ٢١٩١.

«الأربعون حديثاً» ٤٢٣. ٢١٧٣. لسيد خ. أقول مرّ له قريباً «أدعية السر. ٣٩٦».

«الأربعون حديثاً» ص ٤٣٠ رقم ٢١٩١ يأتي ذكره مكرراً في ح ٧ من الكتاب منها
في ص ١٢١ و قال إنه ولد حدود سنة ١٣١٣ فلاحظ.

«الأربعون حديثاً» ص ٤٣٠ رقم ٢١٩٣ س ٢٢، الملقب بحاج عماد. أقول انظر ترجمة
الحاج عماد في مكارم الآثار ٨: رقم ١٦٨٩.

«الأربعون حديثاً» ٤٣١. ٢١٩٤. قوله س ٣. ما لمعه. و ابن حقير الخ. أقول الذي في

النسخة المطبوعة لكتاب أصول العقائد قوله، و حفيظ در جهل حديثي كه. الخ و راجع
الدرية ج ٢ ١٩٨ و الظاهر أن شيخنا المرحوم لم يطلع على أصول العقائد و أنه نقل
دلت عن كتاب «وقائع الأيام» ما يأتي في الموضع المذكور من ج ٢ و هكذا يستفاد من
ترجمة المرحل في «الكواكب المنتشرة» ص ٨٠٦.

«الأربعون حديثاً» ص ٤٣٦ رقم ٢١٩٨: انظر ما مرّ في ص ١٢٧ و ٢٢٢ و [المر النظام
٨: ٨٦: ٣٠٨] و راجع «أعيان الشيعة» ٥٢. ٧٦ ٧٨ ط ١ و ١٠ ٣١٩ ط الكبيرة» نقلاً
عن مکتوب شيخنا المصنف و راجع أيضاً [الأبواب الساطعة ٢٠٧].

«الأربعون حديثاً الخ» ٤٣٣. ٢٢٠٢. قوله س ١٢ «و المتوفى سنة ٥٨٥». أقول الذي
ذكره في «مصفاي المقال» و غيره أنه المتوفى بعد تلك السنة أي بعد ٥٨٥.

«الأربعونيات» ص ٤٣٦ رقم ٢٢٠٩، القاضي محمد سعيد: مصفى ذكره في ص ٤١٧ و
بأني في الجزء السادس ص ١٢ و الجزء الرابع ص ٤٨٢ و الجزء السادس عشر ص ٣٤٠.

أقول العبارة الممولة عن أول الأربعينيات في ص ٤٣٧ لما نقلها شيخنا المرحوم بواسطة
الروايات فقد وقع فيها بعض الخطأ و السهو فبصر

«الإرث و العرائض و الميراث» ص ١٣٩ س ٨، في حرف الفاء: ح ١٦ ص ١٤٥ فما

بعدها

«الإرث» ٤٣٩. ٢٢١٤. قوله في ص ٤٤٠ ٢ «نسخة بخط مير علي» أقول يأتي في
(ص ٥٢٥ الرقم ٢٥٦٤) أن النسخة (بخط مير علي) أي بإساء الفارسية فتدبر.

«الإرث» ٤٤٢. راجع «البيات» في ج ٣: ١٩٥.

«الإرث» ٤٤٢: ٢٢٢٣ أقول يأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً في ج ١٨. ٥٥.

«الإرث» ٤٤٣. ٢٢٢٧ للعلامة العقبه صاحب الجواهر. أقول فيه التصريح بأن أصل
صاحب الجواهر قدس سره من إصفهان و أن وفاته ظهر يوم الأربعاء أول شهر شعبان
١٢٦٦.

«الإرث» ٤٤٧: ٢٢٤٥. للمولى علي أكبر بن محمد باقر الايجي. أقول هذه نسبة إلى
إِثْر من قرى إصفهان و كتاب الإرث هذا بالفارسية موجودة عندنا، و مرّ له الرقم
١٥٤٩.

«ارجوزة» ص ٤٥٩ رقم ٢٣٠٤: و يأتي له رجوزة في المعاني أيضاً.

«ارجوزة» ص ٤٥٩ رقم ٢٣٠٥. أقول نظر «مظومة في أصول الفقه ٢٣: ٨٤. ٨١٠٤» و ما ذكرناه في التكملة.

«ارجوزة» ص ٤٦٧ رقم ٢٣٢٧. أقول مرّ له «الإجارة ٢٥٤: ١٣٤٢» و يأتي له «نتائج الأفكار ٢٤: ٤٢: ٢١٠» و راجع «الأسانيد المشجرة ٢: ٣٨٨ ١٥٤١» و ما ذكرناه هناك في التكملة و لا يعمل.

«ارجوزة» ص ٤٧٠ رقم ٢٣٤٣: أقول راجع ج ١٧ ص ١١٣ رقم ٦٠٦. «ارجوزة في الرضا» ٤٧٦: ٢٣٦٧. ه قوله «و بعلمه فاعلم». أقول في نسخة المخطوطة هكذا «و بعد هذا اعلم». و خلف تلك الارجوزة نسخة «الأرجوزة في الرضا» الرقم ٢٣٦٨ جدي العلامة الكبر السيد صدرالدين محمد (طاب ثوابه) و راجع «الدررعة ١٣: ٧١»

«ارجوزة» ص ٤٧٦ رقم ٢٣٧٠ نسخة هذه الأرجوزة عندنا في مجموعته صغيره المحم نوها الدرّة لبحر العلوم ثم خلاصة الأبحاث لجدي الحرّ و غيرها «أرجوزة» ص ٤٨٠ رقم ٢٣٨٤ س ١٣. و الذي: أقول إن صاحب «أعيان الشيعة» ح ١١ مع ١٢ ص ٢٧٢» قد استعاد من يده هذا العنوان و التحقيق الذي ذكره شيخنا و لم ينوّه بذكر مأخذه و هذا ظنّ قاحل.

ص ٤٧٦ س ٢٣، الناظم: أقول و قد ضبط اسم صاحب الأرجوزة أيضاً الأمام عباس أقبال في كتابه (خاتبات نوحى) سمعيل و قال إن مأخذنا كشف الحجب و نسخة مخطوطة من كتاب أمل الآمل، و لكن عندي نسخة من كتاب الأمل بخط جدنا الأمام الأوحد صاحب الروضات و ضبط فيها أحمد و الله أعلم.

«ارجوزة» ص ٤٩٣ رقم ٢٤٢٨. سيأتي له «الأرجوزة في المطلق ٤٩٨: ٢٤٥٥» «ارجوزة» ص ٤٩٦ رقم ٢٤٤٤. أقول انظر «شرح أرجوزة ١٣. ٧٢ س ١٦» و «المظومة ٢٣: ١٣٦ ١٣٧٨» و جاء في بحته «تراثا ٢ ٤ ٢٠ ٢٢» نقد للصبغة الحديثة من الأرجوزة نفسها في «تراثا ١: ٤: ٢٠٩ - ٢١٧» و هناك نقد لسبب الأرجوزة إلى القمي و أن الصواب أنها لعنه و طبعت في مصر منسوبة لاس الشحنة الحسيني و إنما القمي شارحها فراجع.

«ارجوزة» ص ٤٩٨ رقم ٢٤٥٥. أقول مرّ له أيضا «الأرجوزة في الكلام ٤٩٣: ٢٤٢٨»

و انظر «الشریفة ١٤ : ١٨٨ : ٢١٢١»

«ارجوزة» ص ٥٠١ س ٨ أقول انظر العروس في ح ١٥ رقم ١٦٣٢ مع التعليمة لراما
«ارجوزة في النحو» ٥٠١ : ٢٤٧١ لسيّد محمد تقی القروي. أقول أوّل الارجوزة
على ما في كتاب «امائر و الآثار ١٧٩» قوله: قال التقی بن المقی بن الرضا مفتعراً
بالمصطفي و المرتضى و تأتي حاشيته على الرياض في «ج ٦ : ١٠٠»

«ارجوزة» ص ٥٠٥ رقم ٢٤٨٧ أقول رجع «صوء الرشيد ١٥ : ١٢٠ : ٨١٠» مع

التكملة

«الارشاد في أحوال الصاحب بن عباد ره» ص ٥٠٧ يأتي في ح ٧ ص ١٢٠ مراجعه.
«الارشاد في معرفة حجج الله على العباد» ٥٠٩ : ٢٥٠٦. للشيخ المفيد ره أقول ذكره
مرّة العلامة المحسني في الحار باسم «ارشاد لعباد» و ذلك في (ح ٢٥ : ١٥ س الأخير. ط
١) الموافق (ح ١٠٧ : ٢٥ ط ٢) و يأتي مختصره باسمه «المستجد من الارشاد ٢١ : ٢».

ص ٥١٠ س ٥، سنة ١٣٠٨ : طبعه ١٣٠٨ هي المصححة بعناية السيّد الفاضل من
بيت القاضي الطباطبائي التبريزي كما وضعها جندا في التعليقة على كتاب التوامع الإلهية
ص ٣٣٩ و ذكر انشار في فهرسه أن الطبعة المذكورة في ١٠٠ ص بالحجم الوريزي و
طبع في المطبعة الحجرية تبريز و ذكر أيضاً سایر ضعفات الكتاب مراجعه.

«ارشاد الأذهان» ص ٥١٠ رقم ٢٥٠٨ : الظاهر أن هذا الكتاب للمولى محمدصادق بن
آقا محمد برادكاهي لكراني و هو من الكتب المبسطة في هذا الفن حيث أنشئت فيه الإمامة
الخاصة من الأدلة و الأحبار المروية عن العدة بصرفهم في ص ٤٢ آية من كتاب الله
تعالى و ٢٢ حديثاً من كتب العامة المعتمدة موثقة عندهم و غير ذلك من الأدلة العقلية
رحمه الله و فرغ من تأليفه ١١ ديقعدة سنة ١٢٧٩ و طبع في تبريز سنة ١٢٨١. قد ذكره في
هذا المجلد في ص ٦١ و ص ٨٣ و يأتي له (مراسم الشرعية) في ح ٢٠ ص ٢٩٨ و راجع
مكارم الآثار ٧ رقم ١٦٢٣.

«ارشاد الأذهان» ٥١٠ : ٢٥٠٩. قوله في ص ٥١١ : ١٧ «شرح الشيخ عبد الله حسين
بن عبد الصمد والد الشيخ البهائي». أقول و في وصفه صاحب «نظم الاقوان» ما
لعظه «و حاشية الارشاد عاقته عن انتماء عوائق النهر الخوان» انتهى. و الظاهر أنهما
واحد و يأتي في الخواشي أيضاً (ج ٦ : ١٥).

«شرح إرشاد الأذهان» ٥١٢: ١٥ قوله «شرح الإمام العلامة الأنصاري الشيخ المرتضى شرح لكتاب طهارته». أقول يأتي هذا الكلام أيضاً في الشروح (ج ١٣: ٨٠: ٢٥٨) وأنه «هو المعروف بالطهارة المطبوع مكرراً» انتهى وهكذا وقع في كتاب سبط العلامة الأنصاري دام عزه «ردگانی و شخصیت شیخ انصاری: ١٣٢ ط ٢» و لكنّ الحق أن كتاب الطهارة للشيخ شرح كتابي ١ شرح للشرائع من أوله إلى آخر مبحث الوضوء و ٢ - شرح للإرتداد من مبحث الدعاء اثنته إلى آخر كتاب الطهارة، أقصع لنا هذا قديماً بعد التأمل ثم رأيناه في «مكارم الآثار ٢: ٤٩٨» نقلاً عن «فهرس ص ٥٩٦». و أما كتاب الركوة و الخمس و فليس من الصّوم المطبوع كلّها حذف كتاب الطهارة الموصوفه فجميعها شروح لإرشاد الأذهان

«إرشاد الجُهلة» ص ٥١٣ رقم ٢٥١٣ من ١١، الجزيرة الخضراء: أقول يأتي كتاب «الجزيرة الخضراء» متعدداً في ح ٥ ص ١٠٥.

«إرشاد العباد» ٥١٥. يراجع فيكونا في هامش «الإرشاد» للشيخ المصنف ره (رقم ٢٥٠٦).

«إرشاد العوام» ص ١٥ رقم ٢٥٢٤. قول انظر «تسبيح الأنام ٤: ٤٤١: ١٩٦٢». «إرشاد المتعلمين» ص ٥١٩ رقم ٢٥٣٣. أقول يراجع لراما «الروضه النضره ص ٣٤ - ٣٥».

«إرشاد المسترشدين» ٥٢١، ٢٥٣٩. لمخر المحققين. نفس عنه و اعتمد عليه حديثاً الشهيد الثاني «طاب ثراه» في أواسط كتبه «تخفيف العباد في بيان أحوال الاجتهاد». «إرشاد المسترشدين» ٥٢١ قال العام المعاصي المور محمد علي بن محمد رضا التوحي الإصفهاني في هامش فهرس نسخة الأصل من كتابه «انتهاء في شرح هداية» في السحر بعد بقية كلاماً لابن شهر آشوب (رحمة الله عليه) في مابقه، ما نصّه: «نقت من كتاب إرشاد المسترشدين لأسادي المحدث العالم العامل الراهد حاجي محمد حسين البعمجي المشهدي بعمج قرية من قرى مشهد الرضا (ع)» انتهى المقصود من كلامه

«إرشاد المسلمين» ٥٢٢. إلى أولاد امير المؤمنين. لسيد مشايخا العلامة السيد عبد الله المدرّس الشهير بشفه الاسلام رحمه الله يأتي في الرء بعنوان «رسالة إرشاد المسلمين». «إرشاد القلّبين» ٥٢٢. هو رساله فارسيّة لعمل المقدّين مؤلّفه سيد مشايخ إجارة

شيخنا المؤلف ابن عمنا السيد ابو محمد الحسن صدر الدين الموسوي العاملي الكاظمي المذكورة إيجاراته في ص ١٧٤ و الإرشاد رسمه موجره (في ١٣٣ ص) مشتملة على مسائل الظهارة و الصلوة و الصوم و الركوة و الخمس، ذكر في آخرها أنه فرع من تأليفها يوم الثلاثاء سلخ شهر رجب ١٣٣٨ و هذا التاريخ بعد وفاة خالنا المرجع الشهير ابن عم السيد و روح شقيقته آية الله السيد السميعي الصنبري قنس سرّ (في ١٨ ح ١ - ١٣٣٨) و مع أنه لم يذكر عني النسخة محض طعنها ولكن لا نشك أنها طبعت في إحدى مطابع بغداد و نشرت نسخها في البلاد النائية دون العراقين فإن لم نجد هذا الكتاب ذكراً في واحد من العهارس و كتب التراجم التي رأيناها، و يراجع «مكارم الآثار ٦: ٢٠١٦».

«رسالة في الأرض المفتوحة عوة» ٥٢٤ راجع (ح ١١: ٦٠) و (ح ٢١: ٣٥٨)

«إرعام آتاف الخصوم في تحقيق ترويح أم كنوم» ص ٥٢٤: المنقّب بالرسالة الإهامية بالممارسة لبعض علمائنا الأعلام في البلاد الهندية مستخرج من كتابه «ذهب السيران لإحراق محرقي القرآن» الذي هو في الرد على أحد نواصب الهدى في رسالته «طعن السان على من جرح في القرآن». طبع الإرعام في ١٦ ص سنة ١٢٩٦ في عمى و عندما نسجه مصوره عن المطبوع و وصفه المشار في فهرسه كما وصفناه و لم يذكر مصنفه أيضاً.

«الأركان في دعائم الدين» ٥٢٥ - ٥٦١ انظر ما علمنا على «عمود الدين ح ١٥

٣٠٣

«أركان الإيمان» رقم ٢٥٦٤ - ٥٢٦ ص ١٨، كما مر ذكره: في ص ٤٣٩ و ذكرها اسم الكاتب مير علي بالميم.

«إراحة الشكوك و الأوهام» ٥٢٧. عن مشروطة دولة الإسلام. للشيخ عبدالحسين (نجفي) الدرهمولي المذكور في (ح ٩: ١٦٧). ذكره في «مكارم الآثار ٦: ٢٠٦٦».

«إزالة الأوهام» ٥٢٨. ٢٥٧٩. قوله المتوفى حدود سنة ١٣٤٩. أقول توفي الشيخ أحمد الشهرودي ره في محرم ١٣٥٠ كما يأتي في (ح ٨: ١٤٦ - ٥٦٣ ٤) بعد التصحيح.

«أرهار الرياض الربية» ٥٣٠: ٢٥٨٩. أقول التصواب أنه «أرهار الرياض الربية و تفسير ألقاظ المحاورة و الشريعة» بحمد واحد لأبي الحسن البيهقي كما ذكره في «معجم الأدياء ١٣: ٢٥٥» عن «مشارب التجارب» و أيضاً أقول راجع كتابا [جامع الأنساب ١: ٦٠: ٥٩ و بلقمة ٧٥ و الربية في «باب لأساب ١٨: ٢٧٧: ٩٣»].

«أزهار بستان الفاضل» ٥٣٣ : ٢٦٠ ١٤. قوله «يقول عنه كثيراً المحدث البهائي» المتبحر الشيخ عباس العمري المعاصر في كتابه «كحل العسر» الخ أقول يقبل هو عنه أيضاً في «منتهى الآمال ١ : ١٣٦»

«أزهار الرياض» ص ٥٣٤ رقم ٢٦٠٣. أقول راجع (رياض الأزهاري) في ح ١١ : ٣١٩ و (مجموعه الماحوري) في ح ٢٠ : ١١٦ : ١٨٥ و يذكره الشيخ سليمان في أربعين السائق الذكر (ص ٤١٨ : ٢١٥٧) باسم «أزهار الرياض» أيضاً

«أزهار الفاضل» ٥٣٦ : ٢٦٠٦ ٨. قوله عنه الرحمة و الرضوانة: «سببه إليه في بعية الراغبين». أقول ذكره السيد عباس نقه في كتابه «مرآة الخليل ١ : ٢١٨ ط ١».

ثم و الحمد لله تبين تعليقات المجلد لأول من الدررمة و نقلها الى هذه الاوراق في السادس عشر من الربيع الآخر ١٤١٥ هـ. و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد مصطفى و آله الطيبين الطاهرين و سلم و يملوه تعليقات المجلد الثاني

السجف الأشرف سنة ١٣٤٥ و الرسالة من ص ٢٠٦ إلى ٢٠٩ و لم يعرفها الناشر لنقصان أولها كما لم يعرفها أحد من الباحثين فيما أعلم و الحمد لله على ما أنعم علما و علما و لكن لا يخفى مع ذلك أن في تلك الرسالة المطبوعة المأقصة المملوطة ما دلنا على معرفتها و معرفة مصنفها ففيها ص ٢٠٧ من ١٧ قوله [إذن قلت... و هو على ما أصلتهم في كتاب من لا يحصره لسيه في شرح من لا يحصره الفقيه] الخ. فهذا الكتاب كما ذكره شيخنا المصنف في موضعه (ج ٢٢ ص ٢٣٢ - ٢٣٩) للشيخ عبد الله السماهجي المذكور و أيضا جاء في آخر الرسالة (ص ٢٠٩ من المجموعة المطبوعة) ما لعظه «و كتب مؤلفها عبد الله بن صالح البحري و كنهه راهيم بن حمد بن محمد آل عصفور» فالأول هو المصنف و الثاني هو كاتب السجفة و أما التاريخ المذكور في هذا الموضع أعني قبل الأقدم اسم المؤلف و هو هذه الصورة [سنة ١٢٣١ الهادية و الثشين و المائين و الألف] فلا شبهة في التحريف به و سأل الله سبحانه التوفيق للعثور على نسخة كاملة معتبرة من الرسالة إن شاء الله و انظر ما نقلناه عنها في (الاشعثيات)

«أسامي مشايخ الشيعة» ٢٤٥٠. أولها هو الرسالة المطبوعة في «بشرية داشكده ادبيات بربر العدد ٨٤» ببولن «أسماء و بشهود من العلماء» و راجع «تراجم» في ج ٤

«أساور من ذهب» ١١ من مؤلفات العلامة الحاج الشيخ مهدي النجفي المسجد شاهي الإصفهاني ابن خالها العلامة الحاج الشيخ محمد علي ابن العلامة الكبير جدنا الأعلى من قبل بعض الأئمة حاج الشيخ محمد باقر ولد العلامة الأكبر الشح محمد تقی صاحب «هداية المسترشدين» رحمة الله عليهم أجمعين. و الأساور مطبوع. «الاستبصار» ١٤: ٣٠٤٢ قال الفقيه ابن ادریس الحلي رضي الله عنه في أوائل حج سرائره بعد نقل ما أراد من الاستبصار ما لعظه [و هذه طريقته في هذا الكتاب أعني كتاب الاستبصار يقدم في صدر الباب ما يعمل به من الأخبار و يعتمد عليه و يعق به، و ما يخالف ذلك يؤخره و يتحدث عنه، هذه عادته و سجيته و طريقته في هذا الكتاب فمذهبه في الاستبصار ما هو ما احترا به و قد رجع عن مذهبه في نهايته و جملة و عقوده و اختار في استبصاره ما ذكرناه] انتهى.

«الاستبصار فيما اختلف من الأخبار» ١٤: ٤٣ أقول بذكر نسخة الأصل من الاستبصار في التعقيب على [اندر المثنون] حديثاً ينسج على الشهيدي [ج ٨: ٦٧] فراجعه قوله (في ص ١٦) و قد أحصى بعض العلماء أقول لعل هذا البعض هو العلامة الشيخ يوسف البحراني صاحب الخبائث الذي أحصى أحاديث كتاب الكافي و الفقيه و التهذيب و الله العالم.

ص ١٤ س ٢٠، قد طبع بالهند. قال (م هديت حسين) في دائرة المعارف الاسلامي الذي ألّفه المستشرقون (المسيحيون) و ترجمه جماعة بالعربية ثم ترجمه محمد علي الخليلي إلى الفارسية عند ذكره لما أخذ شرح أحوال بن بابويه: (٢) - استبصار طوسي چاپ شهر نژد شماره ٦٦١ و بشماره ٤٧١ بير مرجعه شود) و الظ أنه طبع الاستبصار باهتمام هذا المستشرق في بلاد الهند (راجع ترجمة دائرة المعارف ج ١ ص ١٤٥ ط طهران سنة ١٣٥٨).

ص ١٤ س ٢١، و النسخة أقول (توجد مصورة هذه النسخة في المرعشيّة بعم في ١٧٢ ورقة كما في فهرس مصوراتها رقم ٦٠٧٧١ رقم ٦٧٧)

«استحباب التماسر لأهل العراق» ١٨: ٤٩. (راجع ج ٤ هامش ص ٥١٧) و أقول حديثاً نسخة هذه الرسالة بخط محمد صادق بن محمد علي السركاني في أواخر مجموعة له تمامها بخطه و معظمها ترجمته لرسائل هامة من العربية إلى الفارسية و تاريخ بعضها سنة ١٠٤٣ فهو من فصلاء عصره و علماء مصره و الرسالة مختصرة جداً في ٧ صفحة من المجموعة المذكورة أولها بعد البسملة [جرى في أثناء فوائد النوى الإمام أفصل علماء الإسلام و أكمل فصلاء الأمام نصير الدنيا و ندين] الخ و راجع كتاب [أحوال و آثار خواجه نصير ٢٠٢] و اشته الأمر على مؤلفه حيث ذكر أن حديثاً صاحب «مدارك الأحكام» طاب مثواه أيضاً ثم أورد في كتابه الرسالة بأسرها و لكن هذا وهم منه و إنما المذكور في صدوة المنار أصل القصة دون إيراد الرسالة.

«الاستدراك لما أغفله الخليل» رقم ٧٣ ص ٣٣ س ١، ص ١٢٧؛ و أيضاً السيوطي في البعية ص ٢٨.

«الاستدراك على العمدة» ٢٣. في فصائل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عصوات الله و

سلامه عليه للشيخ أبي الحسين يحيى بن محمد بن الحسين بن علي بن أبي طريق الحنفي متوفى سنة ثمانمائة، كما في «كشف الحجب و الأسرار» ٤٣».

«الاستشارات» ١٩. راجع «رسالة في الاسخارة» في (ج ١١: ٦٥).

«الاستشارة» ٧٧: ٢٣. يأتي لمؤمه أيضاً «لاعتذار» في ص ٢٢٣.

«الاستصحاب» ص ٢٤ رقم ٨٤ أقور عندما قطعة من هذه الرسالة بخط جدنا الأقرع مؤلفها طالب ثراه.

«الاستعانة في بدع الثلاثة» ص ٢٨ رقم ١١٢: عندنا نسخة جيدة من كتاب الاستعانة كتب في آخرها من ذكر عنه «كتب عدة ابرصوي مختصرها الحسيني للموسوي» ان هذه النسخة كتبها له «أخ المخصوص بالعصر الأندلسي والأرمني نسخة الفصلاء العظام و سلالة القضاة و العلماء الكرام قاضي محلي» ثم قال إنها «خُرِّرَ و قوبل من نسخة كتبها عمي الماجد المحضوف برجمة القادر أمير محمدباقر» ثم أراح ذلك بشهر محرم ١٠٦٤ ثم إنه ذكر في صفحة العنوان ما يظن أنه «كتاب الاستعانة في بدع الثلاثة مصنف الشيخ الإمام العام العلامة كمال الله بن الحسين بن محمد بن الحسين حرره الفقير إلى مولاه العبيد حادام الشريعة البليضاء كلب عتبة أرض ابن سيدجاني الحسيني ثم الموسوي مختصرها» ثم كتب الحاج ملا محمدباقر النيهائي مؤلف «الدمعة الساكنة» هامش هذا الموضع أن كتاب الاستعانة هذا لعلي بن أحمد الكروي أبي انعام الخ. و انظر كلام الشيخ سديمان الماحوري حول هذا الكتاب في [أنوار البدرين ص ٦٣] ثم استدرارك مؤلف أنوار البدرين في ص ٦٦ و قد ذكرنا ترجمة الشريف نكوي في «جامع الأسباب ٥٧ ٥٩» و أصمّا إليه أشياء بعد الطبع

«استقبال الميت» ص ٢٩ رقم ١١٨: أقول راجع «تحقيق القصة ٣: ٤٨٤»

«استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار» ٣٠ ١٢٠ يعني به كتاب الاستبصار لنسج الطوسي المذكور في ص ١٤. ٤٣ و يأتي ذكر هذا الشرح أيضاً في الشروح (ج ١٣: ٨٧ ص ٦) و قال شيخنا في «مصفى المقال» ٤٠١ «عند ترجمة جلدنا هذا إن شرح استبصاره مشحون من التحقيقات الرجالية و قد أوردت المقالة مستقلة ذكرها المصنف في البرقة ١٦: ٣٢٢: ١٤٩٦ ملاحظ و يأتي شرح نفسه في ج ١٣. ١٥٧.

رأينا من الاستقصاء نسخة في مخطوطة صحفه مشتمل على الجزئين الأول و الثالث منه
 فخط و تمامها خط أحد الكتاب الإصحاحيين مرع من الكتابة في ٢٦ دي الحجة ١٢٤٤ و لم
 يكن فيها أثر التصحيح و المقابلة، و هذا كلام الشارح في نهاية الجزء الثالث، قال: «و
 ليكن هذا آخر الجزء الثالث. . و ينتوه .. في اربع كتاب الركوة... و اتفق بتوفيق الله
 تمام هذا الجزء في أواخر شهر صفر من شهر السنة السابعة بعد الألف.. و ذلك في
 مشهد سيد الشهداء... و كتب بيده مؤلفه» انتهى و الطاهر وقوع التحريف في نقل
 التاريخ. و توجد نسخة أخرى من الاستقصاء في مكتبة مدرسة الميمنية بقم كما في
 فهرسها (ح ٢ ص ٣٦٨ - ٣٧٠) و (تربت پاكان ١: ١٥٦)

ص ٣٠ س ٢٠، كتب في آخره. و ذكر هذا اسم الكتاب «استقصاء الاعتبار لشرح
 الاسفار» في النسخة المذكورة و في آخر الجزء ثالث كما في المتن
 ص ٣١ س ١، و هي مخطوطة الشيخ حسن م يذكر شيخا ره أن تلك النسخة لأي جزء
 أو أجزاء من الكتاب.

ص ٣١ س ٧، و على النسخة أيضا أقول كانت هذه النسخة عند جدنا الشيخ علي
 ابن المصنف فعل تاريخ الوفاة عن مخطوطة الشيخ يوسف ففصلًا في كتابه الدر المنثور ٢
 ٢١٢ ط قم

«استقصاء الافحام» ص ٣١ رقم ١٢١ س ١٦، عشرة مجلدات ذكر في (برهة الخواطر)
 أنه في مجلدين كبيرين و طبع جزئه الثاني أولاً سنة ١٢٨٠ في مطبع مجمع البحرين (لوديانه)
 كما رأينا عند صديق الماحد الحاج السيد محمد علي مسلاي في مشهد و عدنا و عدده
 أيضاً الطبعة الثانية لجزء الثاني المذكور كصعته الأولى.

«استباط المحشوية» ص ٣٤ رقم ١٣١. انظر ما ذكرناه في «شرح روحيات اجنات ١.
 ٣٠٩» و أضفنا إليه بعد الطبع أيضاً.

«الاستيعاء» ص ٣٦ رقم ١٤١: قال شيخ الطائفة رحمه قلنس سره في التبيان
 ح ١ ص ٥٤٨ ط حجر في تفسير آية ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ﴾ الخ ما لفظه [و قد استوفينا ما
 يتعلق بالشهاد المذكورة في الآية في كتاب الاستيعاء و حللها بعدة ما يمكن فمن
 أراده وقف عليه من هناك] انتهى. م ع ر في ليلة ١١ شهر رمضان المبارك ١٤١٨

«إسداء الرغائب» ص ٣٧ رقم ١٤٥: أقول عبارة المصنف كهذه في المقدمة «و سميت باسماء الرغائب في مشكلة الحجاب عن وجه الله و الكتاب بإثبات وجوب التستر على النساء و الاحجاب» و هو كتاب قيم جداً أثبت فيه تحريم النظر حتى على الوجه و الكف و فيه فوائد بمجموعة لا توجد في غيرها جراه الله تعالى بحراً.

«الأسدية» ص ٣٨: يراجع «الرسالة الأسدية» في ح ١١ ٦٦ ٤١٧.

«أسرار الإمامة» ٤٠ ١٥٧ أقول يظهر أن شيخ المصنف لم يطبع على نسخة لهذا الكتاب الشريف كما لم يطبع بحسباً، و لما بحث حول عدة من مؤلفات العماد الطبري «فتى الله روحه» في أجزاء فهرس المخطوطة و مواضيع أخرى منها في تعديلات الرياض و الروضات و بعض أجزاء الدريعة لآية و راجع «درجات التولي لأولياء الله» في (ح ٨، ٥٩). و يريدك ها بأننا حول لأسرار أنه قال صاحب «فصائل السادات: ٣٧٧ ط ١» ما لفظه: «و قد الشرح حسن من علي الطبري صاحب كتاب كامل الهائي ره في كتابه «مساف الظاهرين» المشتهر بكتاب «الأسرار في إمامة الأئمة الأظهر» الخ أقول و أنت خير بأن «مساف الظاهرين» بالغة الفارسية و لكن ما نقل في «فصائل السادات» عبارات بالعربية، و الله العالم قوله في (ص ٤١ من ١): و كذا نقل عنه الصمغ السروراني أقول إن الصمغ السروراني نقل ذلك في «الدخيرة» بواسطة جدينا الشهيد الثاني (رضوان الله تعالى عليه) في رسالته المذكورة من دون تصريح به كما نقل بواسطة أيضاً اخذت الميعص في «الشهاب الثاقب: ٣٨» و لا دليل في كلام هذين العالمين و لا غيرها على رؤية كتاب الطبري الذي اسمه عند الشهيد الثاني «معج العرفان».

ص ٤١ من ١٢، و عنها أقول و منها ما نقله صاحب الرياض عن الأسرار في ترجمة الراغب الإصعھاني و انظر ما يأتي (الرقم ١٥٨).

«أسرار الزبدة» ٤٥ ١٨٠ راجع ما ذكره حول «حقائق الأسرار» في ج ٧: ٢٩ «أسرار الشهادة» ٤٦: ١٨٦. أقول لم يضع هذا الكتاب و ذكرنا ما أخذ ترجمة مؤلفه في تعليقات «الكرام البررة». و راجع كتاب «شيخكري و بايگري» ص ٨٩ و ما بعدها لتبديق الفاضل مرتضى مدرسي جهردهي.

«أسرار الصلاة» ٤٧: ١٩٢. للشيخ جمال الدين ابن فهد. أقول الظاهر أن هذا الكتاب

هو المعروف بمقدمة في معاني أعمال الصلوة الآتي في السريعة بحوال «ترجمة الصلاة».

«أسرار الصلاة» ٤٨ : ١٩٧. لسيّد الأمير محمّد صالح. أقول ذكره أولاً ولده في «مقابب الفضلاء».

«أسرار الصلوة» ص ٥٠ رقم ٢٠٠ : راجع (ج ٢٤ : ٢٧٤ ص ٢).

«أسرار الصالحين» ٥١ - ٢٠٣. للقاضي محمّد سعيد بن محمّد سعيد. أقول لم يعثر نحن في أسماء آثار القاضي سعيد على هذا الاسم طول فحصنا حول آثاره و أحواله أريد من ثلثين عاماً، و لكن المولى رجعلي الإصفهاني أستاذ القاضي سعيد ذكر هامش كتابه المتصف بالأصول الأصيلة في حاشية نسخة لمخطوطة أن لحسابه (أعي المولى رجعلي) كتاباً بهذا الاسم ثم أطراه و مدحه، و ذكرنا كملاً حول ذلك أيضاً هامش نسخة من «كليد بهشت».

«أصوار النجيبين» ص ٥٧. هو الاسم الذي أتته أحدهم على أطراف نسخة من «الدر الثمين في أسرار الأربع الطوبى».

«أسرة العترة» ٥٧ : ٢٢٩. أقول ذكره جدنا الإمام المجدد في «الروصيات» من جملة تصانيف جدنا العلامة السيّد صدر الدين العاملي ربح الله تعالى مقامهما و ذلك قبل باليف «النكحلة»

«أسس الأصول» ٥٧ : ٢٣٠ أقول راجع السريعة ج ٣ : ١٧٦ : ٦٢٨.

«الاسطرلاب» ص ٥٨ : يراجع كتاب «أحوال و آثار خواجه نصير الدين ص ٤١٤ وما بعدها» لتفصيل القول حول الاسطرلاب.

«الإسطبولة» ٥٩ : ٢٣٢. أقول انظر ما ذكرناه هامش (ص ٢٢٨ : ٨٩٥) و راجع ج ١١ : ٧٣ و ج ١٥ : ٢٦٨ : رقم ١٧٣٥.

«أسماء من استبهر من العلماء» ص ٦٨ رقم ٢٧٦ ص ٢٢، السيّد المعاصر في ووصيات الجئات: أقول ولد شيخنا المصنف في ١١ ع ١٢ سنة ١٢٩٣ و توفي سيّدنا اجّد الإمام المجتهد المجاهد المجدد آية الله العظمى السيّد ميرزا محمّد باقر الموسوي الإصفهاني طيب الله تربيته في ليلة الإثنين الثامن من جمادى الأولى ١٣١٣ فكان الشيخ حين وفاته صاحب الروصيات ابن عشرين سنة و اشتغل بتأليف كتاب السريعة هذا في ١٣٢٩ كما في المقدمة و كان

بدء عمله استخراج أسماء المصنفات من كتاب الروضات فصار وليده و رضيعه و بركة من بركاته الكثيرة و له قصيدة المسوق بكما هو و الحمد لله رب العالمين.

(أسماء المجتهدين) ص ٦٩ انظر (مذكرات المجتهدين ٤ : ٤٦ : ١٨٢).

«الاسماعيلية» ص ٦٩ رقم ٢٧٧ أقول صبح بطهران سنة ١٤٠٧ رسالة الاسماعيلية هذه مصورة عن نسخة معبودة خفف أحمد لأول من كتاب [شجرة خاندان مرعشي] للسيد علي أكبر المرعشي و ذلك من ص ٣١٠ إلى ص ٤٥٨ من الكتاب. و قوله (ميرزا محمد شاهير) أقول إلى ميرزا محمد شاهير هذا ينتهي نسب السيد ميرزا محمود المعروف بالمعلم صاحب مسلك الإمامية الاثني في (ج ٢١ : ٢٢ : ٣٧٥٥)

«الإمام المصطفى» ٧٠ : ٢٨١. راجع ح ٣ : ٤٩١ من ١٠.

«الأسنة» ص ٧٠ رقم ٢٨٣ أقول نص «الرد على ابن الألويسي ١٠ : ١٧٦» و يأتي في «المناظرات مع ابن الألويسي ١٢٢ : ٢٨٣. ٧١١٢» أن اسم الكتاب «الأسنة في فلوب السمة» و مر لمؤلفه «كتاب الإجازات ١ : ٢٢٩ ٦١٥»

«الأسئلة الأئمية» ٧٢ : ١٩٠ أقول يأتي ذكر هذه الأسئلة أيضاً في ح ٥ : ٢٠٤ بعنوان «جوابات السيد حيدر» و انظر ما ذكرناه هناك في الطامش و قوله طاب ثراه في ص ٧٣. ١٤ «و على كل هاشم حيدر صاحب الكشكول» الخ أقول ذكر شيخنا المؤلف ره في كتابه «الحقائق الزهية. ١٢١» ما لفظه: «عبدالله بن اسماعيل بن عباس المعمار الأسدي المعروف بابن المعمار نَحْتَمِلُ أن يكون الرجل هو مؤلف «الكشكول» فيما جرى على الال رسوم» المذكور في الذريعة ح ١٨ ص ٨٢» الخ و يرجع مقدمه كتاب «جامع الأسرار: ٢٩» المطبوع.

«أسئلة ابن رهرة» ص ٧٤ رقم ٢٩٥ راجع «مسائل السيد علاء الدين» في (ح ٢٠ :

٣٦٠ ٣٤٠٧).

«الأسئلة البروجردية» ص ٧٧ رقم ٣٠٨. راجع (ج ٢١ : ٢٩ : ٣٧٩٧) و (ج ١٤ : ١٧٦ :

٢٠٦٢) و (ج ٢٥ : ٢٢٠ : ٣٧٠) وقف شيخنا المصنف ره على النسخة عند الحاج الشيخ علي أكبر الهاوندي طاب ثراه في مشهد خراسان و نقل عنها الهاوندي نفسه في كتابه [راحة الروح ص ٢٦ فما بعده] و ليس فيما بين أظهرنا سوى ما ذكرنا أيّ غير عن الملاء

كلبيعي المذكور فما ذكره في «تاريخ روجرد ٢ ١٠٢» تحت عنوان محاصر للرجل من دون أية إشارة إلى مأخذه ليس إلا نقلاً عن هذا الموضع من الدررمة كما نراه أيضاً في «ردگيامه علامه مجلسي ٢: ٣٩١ و ٤١٢» استمأ تخالياً عن ترجمة.

«الأسئلة الجليلية» ص ٨٠ رقم ٣١٧: انظر هذه الأرقام الثلاثة (ح ٢٠: ٣٧٢: ٣٤٧٦).

«الأسئلة الخيلية» ٨٢: ٣٢٤ ٦ فوله كف في آخر المجلد الثالث من وقايع الأيام أقول يعني مجلد الصيام من ذلك الكتاب ص ٦٤٨، ولكن لما كلام مع شيخنا المرحوم حول أجوبة المسائل الخلقة هذه ذكرناه في ملاحظاتنا حول تراجم المجلسيين و آثارهم. «أسئلة السيد ركن الدين» ٨٣ ٣٢٩. راجع كتاب «احوال و آثار خواجه نصيرالدين: ٥١٤ ط ٢».

«الأسئلة الشريفة» ٨٧ ٣٤٢ أقول يأتي ذكرها أيضاً في ح ١٣١ ٨. و قال في ح ٢٠٧ إن السيد شَر هذا توفي في الصر سنة ١٢٨٨ و أما «الأسئلة الشريفة» رقم ٣٤٣ فيذكرها المؤلف أيضاً في ح ٢٠٧.

«الأسئلة الشلمية» ص ٨٨ رقم ٣٤٦ يأتي ذكر جواباتها في ج ١ ٢١١.

«الأسئلة الظهيرية» ص ٨٩ رقم ٣٥٥: أقول و باقة التوفيق إن شيخنا المصنف يكرر هذه الأسئلة بعنوان «جوابات المسائل الظهيرية ٥ ٢٢٧: ١٠٨٣» و كما أسمى الله سبحانه بعصمه و منه و م يتعطف له قبلي أحد مد طبع كتاب [الموائد المدية ١٦ ٣٥٨: ١٦٦٣] بتبرير سنة ١٣٢١ إلى هذا الأوان و هو يوم خمسة ٣ محرم ١٤٠٨ إن نسخة الموائد المطبوعة انقطعت في وسط السطر الرابع ص ٢٨٣ بقوله [لهذا لا يحتاج اتباعهم معهم] و ما بعده [في غالب] إلى آخر النسخة في ص ٢٩٥ [انتهت المسائل] كل هذه الصفحات الثلاثة عشر نص «الأسئلة الظهيرية» مع نقد أوثا من النسخة المخطوطة التي طبعت عليها تلك المطبوعة ولاحظ تنمة الكلام في التكملة على «الموائد المدية» ثم إن الظاهر أن قوله في السطر ٢٠ - ٢١ «يوسف بن محمد بن ظهيرالدين» خطأ و أن الصواب «يوسف بن ظهيرالدين» الخ. و يأتي للرجل [السؤال و الجواب ١٢ ٢٤٥ ١٦٠٩] فراجع و ذكرنا كلاماً حول الظهيري في التكملة بدمش «رسالة في صلاة الجمعة ١٠ ٧١: ٤٨٠» و السلام.

«الأسئلة المازحجة» ص ٩١ رقم ٣٦١ أقول يأتي ذكرها أيضاً بعنوان «جوابات الشيخ أحمد ٥: ١٩٩: ٩٢٢» و توجد نسختها مكرّره في مجموعتين و الرسالة في ٨ صفحة

«الأسئلة المهانية» رقم ٣٦٦ ص ٩٣ من ١، حرف الجيم: (ج ٥: ٢٣٦ - ٢٣٨ الرقمان ١١٣٦ و ١١٣٧).

«الأسئلة الهندية» ٩٤: ٣٧٢. للمولى عبدالله بن المولى محمّد تقى المجلسي. أقول توفي المولى عبدالله هذا حوالي سنة ١٠٨٤ كما ذكره الصديق الجليل معلّم الحبيب آبادي و عندي نسخة الأسئلة هذه في مجموعة كانت في خزانة جدّي الإمام المجدّد طاب ثراه و نشرت في هذه الأواخر مصعقة إلى كتاب «ردّ گيامه علامه مجلسي ره».

«الإشارات» ص ٩٥ رقم ٣٧٧ من ٧، طبع طبع باسم الإشارات و الدلائل على ما تقدّم و يأتي من الوسائل.

«إشارات الأصول» ٩٧ ٣٨٣. قوله في (ص ٩٨ من ١) طبع بالخطبة المعتمدية. أقول طبع من كتاب الإشارات هذا بمحمّد الأوّل فقط و عندي نسخة بخطوطه جيّدة من المجلّد الثاني.

«الإشارة» ٩٨: ٣٨٦ للسيد كمال الدين أقول ذكر شيخنا المصتف ترجمه في نقباء النشر: ١٦٩.

«كتاب الاشتقاق» ١٠٠ ٣٩٢ لابن ذرير طبع مرّة في أوروبا و أخرى بمصر طبعة أبيّة.

«الإشراف على سيادة الأشراف» ١٠١: ٣٩٨ راجع ج ١٦: ١٧٨. أقول نسخة من الإشراف في مجموعة من رسائل مؤلّفه مكتوبة سنة ١٠٦٩ في مكتبة مسجد گوهرشاد كما في فهرسها ١: ١٩٧. ٢٣٠. و انظر [رسالة في السيّد و السيادة و تحقيق معناها ١٢: ٢٧٥] و أيضاً [سيادة الأشراف ١٢: ٢٦٩ و ٢٧٠. ١٧٩٥ - ١٧٩٩] و هما عالمة جليلة قال جدّي الإمام الأفقه الشيخ جعفر كاشف العطاء طاب مثواه في كتابه [الحق المبين ص ٧٧ ط ١] عند ذكر بعض المنعرجات الأخيارية ما لمطه [و منها قول أكثرهم بأن أولاد بنات هاشم «...»]

ص ١٠٢ من ١٠، السماوي. أقول انظر ج ١٦ ص ١٧٨ هناك وصف نسخة السماوي أيضاً.

﴿إشراق الحق من مطلع الصدق﴾ ص ١٠٣: فهرست مركزي ٣ ٥٢٥ و الترركلي

عه

«إشراق هياكل النور» ص ١٠٣ رقم ٤٠٤ انظر (هياكل النور) في موضعه (ج ٢٥: ٢٥٣: ٥٩١) و لإجارة الدواني (ج ١: ٢٣٩: ١٢١٢).

«كتاب الأشربة» ص ١٠٤ رقم ٤٠٨: توجد ترجمته أيضاً مفصلة في معجم الأدبا لياقوت ج ١ ص ٢٣٢.

«أشرف المقاب» ص ١٠٧ رقم ٤٢١ من ٣، شرح في تأليفه سنة ١١٠٢: و فرع منه سنة ١١٠٣.

﴿أشعه شعاعه﴾ ص ١٠٩ انظر [ديوان شعاع الشيرازي ٩: ٥٢٦: ١٩٢٠].

«الأشعيات» ١٠٩: ٤٣٦. قوله في (ص ١١٠ من ١٥): مع شدة تقيها للكتب. أقول الصواب نفسيهما ثم إذا قول يمكن أن يحدث آخر أعرض عن النقل عن الأشعيات تعميلاً فقد قال العميد المحدث الماصل الشيخ عبد الله بن الحاج صالح السماهيجي المتوفى ١١٣٥ في كتابه (أسالة الدمعة) عند رد التتميمك يحدث من الأشعيات ما لفظه في جملة كلام له «و من ثم لم ينقل منه [أي من كتاب الأشعيات] العلامة المجلسي ره في البحار و لا شيخنا الحرّ في الوسائل مع حرصهما على النقل من كتب الحديث فما صحح نسخته عندهما بوجه من الوجوه و خصوصاً صاحب البحار و من البعيد جداً كونهما لم ينفرا عليه إلى أن قال ره [و إنما تطابق روايته في الأكثر روايات العامة] الخ و أما جدنا الإمام العلامة المجهّد المجاهد المجدّد آية الله العظمى في العالمين السيّد محمدباقر الموسوي الإصفهاني فقد عول لصاحب الأشعيات في «روصات الجنات رقم ٥٧٠» و هو أوّل من أشار إلى الكتاب قائلاً بأنّ الجعفریات «لم يكن عند مولانا المجلسي ره من جمعه لكتاب البحار و لا عند صاحبي الوائي و الوسائل فضلاً عن غيرهم» و صرح أيضاً بحصول نسخه عنده بقوله «و قد نظرنا به في هذه الأواخر من العمر البائر» الخ. فتمام الفصل في الكشف عن هذا الكتاب راجع إلى سيّدنا الحدّ طب مشواه و إن كنتم المحدث الوري ثم إنّ سيّدنا الحدّ نور الله صريحه قبل في آخر العنوان في حقّ الكتاب المذكور ما نصّه الشريف «و ظنّي أنّ ترك الطائفة لاشاعته و تروجيّه من جهة اشتماله على شواذ

الفتاوى و غرائب الأحكام و ما لا يوجد نظيره في شيء من مصنفات علمائنا الأعلام و الله العالم» انتهى كلامه رفع الله تعالى مقدمه كما أن سيد رعماء الإسلام في عصرنا هذا قد أثبت عدم اعتبار الأشعثيات «الجعفريات» في كتاب فقهه الجليل «مباني تكملة المساح ١: ٢٢٥ - ٢٢٧ ط الحنف لأشرف ١٣٩٦ هـ» فإنه بعد أن نقل رواية عن «الدعائم» و «الأشعثيات» قال ما لعظم الشريفة «ففيه أن ما في دعائم الإسلام لإرساله لم يثبت، و أما الأشعثيات لم يثبت عليها بالجعفريات فهي أيضاً لم تثبت بأن ذلك... إلى أن ذكر بعد بحث له حول كتاب ما بصره. «فالشبهة أن الكتاب الموجود بأيدينا لا يمكن الاعتماد عليه بوجه» انتهى كما أنه قد هناك أيضاً روايات كتب الدعائم بقوله حفظه الله. «أن ما في دعائم الإسلام لإرساله لم يثبت» انتهى فمن أراد تحقيق الحق فعليه بمراجعة كتاب السدي و التأمل في تمام كلامه المسمى على ما في مقدمة «الأشعثيات» المطبوعة حنف «قرب الإسناد» فهذا حال الناعب الأول لتأليف كتاب المستدرك كما اعترف به صاحب التزييه ره فحصل نسخة من الأشعثيات و نسخة من «دعائم الإسلام ٨ ١٩٧ ٧٧١» ندي نكتلما حوله أيضاً في موضعه باختصار فاستخرج رواياتهما في قراطين و ألف منها و من جمع ما جمعه الإمام العلامة المجلسي ره في «نهار الأنوار» مما يتعلق بأبواب الوسائل كتاباً سماه مستدرك الوسائل و مستسط للمسائل و الله من وراء القصد. و تراجع ترجمة ابن الأشعث المفصلة في «أعيان الشيعة ٤٥ ٣١٣» و من اللارم الرجوع إلى ترجمة العاصي أبي الخامس عبدالواحد بن اسماعيل الروياني في «الثقات العيون ١٦٨» فلاحظ.

أيضاً قوله في (ص ١١١ ص ١٣) قدس الله أصرارهم. أقول لا يحمي أن احتجاج شيخنا المؤلف طاب ثراه برجوع بعض الأعلام إلى أحاديث المستدرك «مستدرك الوسائل لشيخه المحدث التوري ره» لا يسمع لحجة ما في المستدرك و اعتبار أخباره، بل يرفع ذلك إذا كان الإنسان في موضع حماسي و في مقام الدبة عن مؤلفه المحدث التوري، و لكن الحق أحق أن يتبع ثم بر الصاهر أن الناعث لشيخنا العلامة على وقوفه في هذا الموقف مع أن مكانه في حرف الميم بعد السين هو ما قرأه في كتاب «أحسن الوديعه» من التأمل في كتاب المستدرك و بية مؤلفه، و الله بصير بعباده

«الإصباح» ١١٨: ٤٧٤. قوله الكندي.. أقول صبطه في (ج ٦) أيضاً كذلك بالسوء
ثم رجع عنه في الجندول و صبطه الكندي بالياء.

«إصباح الشيعة» ١١٨ ٤٧٥ أقول و للإمام السيد أبي محمد الحسن صدرالدين
العاملي الكاظمي ره «رسالة في أن مؤلف مصباح الشريعة إنما هو سليمان الصهرشي
تلميذ السيد المرتضى اختصره من «كتاب شفيق السحي» كما في ترجمة السيد ابن عماد
العلامة المطبوعة في مقلعه كتابه «تأسيس لشيعه لعلوم الإسلام: ١٩» و ليراجع
«مصباح الشريعة» في ح ٢١ من الشريعة و أيضاً مقدمة صديقنا العلامة (محدث) الأرموي
لكتاب «شرح مصباح الشريعة» ط جامعه طهران.

«اصطلاحات الصوفية» ص ١٢٢ رقم ١٩٠ س ٤، بعد سنة ٧٨٧. يراجع لزوماً ما
ذكرناه في التكملة على رسالة [العلوم العامة ١٥، ٣٢٦، ٢١٠٢]

«اصطلاحات الصوفية» ١٢٢ ٤٩١ أقول إن لنا في مواضع مما ذكره شيخنا العلامة
في هذا العنوان مواقع للنظر بل المنع و قد تعرضنا لكل ذلك في مقال لنا حول كتاب
«لطائف الأعلام» و في القسم المحفوظ من فهرستنا و في شرح الروضات، و يأتي
للكاشي «تأويل الآيات» في موضعه، و راجع «مصطلحات الصوفية» في الميم في ح ٢١
من الدرعية و يراجع (اصطلاحات صوفيان) في «مهرست أحمد المروي ٢ ١ ١٠٣٤».
ص ١٢٢ س ١٠، عبدالرزاق بن جمال الدين الكاشي أقول إن الرجل كمعاصره
صاحب [مصباح الهداية ٢١: ٤٣٧] من أصحاب النصوف العامي خارجون عن دائرة
التشيع و فاعلته و إن استعدت ما نقول فانظر إلى كلام الرجل معه.
ص ١٢٢ س ١٢، النصوص: الصواب المصوص بالفاء.

ص ١٢٢ س ١٣: قوله (في كتابه لطائف الأعلام) إلى قوله (ثم لخصه و اختصره) هذا
رائد و خطأ محض لم يتعمه به أحد مطلقاً و لعل النقوى هو الذي صار مسأ لوقع
للمؤلف في هذا الاشتباه العاجل فلان نسخة المطبوع أيضاً كانت عنده و توجد الآن
النسختان في مكتبة مجلس الشورى و رأيت نسخة هك و على أي حال فاللطائف
لعبد الرزاق الكاشي كما يتأكل ذلك و غيره في مقالنا الخاصة و يأتي [اللطائف
١٨: ٣١٣، ٢٦١] كما ذكره ولد المصنف في ترجمة الرجل في [الحقائق الراهة ١١٢].

«اصطلاحات المحدثين» ص ١٢٣: أقول بظن [دراسة الحديث ٨: ٥٤ - ٥٦].

«الأصل» ص ١٢٥. باسمه تعالى؛ قال ملا محمد أمين بن محمد علي الكاظمي ره في كتابه «هداية المحدثين» هامش ترجمة ابن المصنف بعد نقل جملة من خطبة المهرست لشريح الطائفة ما لمعه [الفرق بين المصنف و الكتاب و الأصل أن الأولين كتبوا بعد انقضاء زمن الأئمة عليهم السلام بخلاف الثالث فإنه كتب في زمنهم عليهم السلام (م)] انتهى يعني امين.

ص ١٣٥ س ٢، لتكميل الموضوع راجع عنوان «الوادع» في ٢٤ ٣١٥: أيضاً عنوان [النسخة ٢٤: ١٤٧].

«أصل أحمد الدهقان» ١٣٩. قال استوفى عليه الرحمة في «كمال الدين» ما لمعه. «حدثنا المطهر بن حمزة العلوي (رحم) قال حدثت جعفر بن محمد بن مسعود عن أبيه قال حدثنا أبو القاسم قال كتب من «كتاب أحمد الدهقان» عن القاسم بن حمزة» الخ فليأمل.

«أصل سليم بن قيس الهلالي» ١٥٢: ٥٩٠ أقول مر ذكر هذا الكتاب في «ح ١: ٦٣» بعنوان «أخذ الشيعة» و راجع «تنقيح المقال ٢: ٥٢» للعلامة المامقاني و «سبحة البحار ١: ٦٥١» و مقدمة الطبع لكتاب سليم بقلم صديقه العلامة السيد محمد صادق الطباطبائي السحفي و «العتير ١: ١٩٥» للعلامة الأميني، عنهم الرحمة، و عندها نسخة منه بخط جدنا العلامة الخاج السيد محمد شقيق جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات رضي الله تعالى عنهما تختلف قليلاً عن المطبوعة

ص ١٥٧ س ١، و كذا نسخة شيخنا العلامة النوري التي هي بخط السيد محمد الموسوي الخوانساري. بسم الله تعالى؛ أقول بظن و ظن الألمي يقين أن كاتب نسخة العلامة النوري هو جدنا السيد العلامة الحبيب آية الله الماهرة الخاج مير سيد محمد المتولد ١٢٢٢ المتوفي ١٢٩٣ بإصعها شقيق جدنا الإمام العلامة المجهد المجاهد المحدث آية الله العظمى السيد ميرزا محمد باقر الموسوي الإصعها صاحب الروضات أعلى الله مقامهما و عندها نسخة من كتاب سليم هذا بخط جدنا الخاج مير سيد محمد أيضاً مرع من كتابها في ١١ ح ١ سنة ١٢٨٨ و هي أيضاً موافقة للنسخة التي استكتبها سنة ١٢٧٠ كما في المتن و لا

شبهة أن سيّداً الجَدَّ استنسخ السّختين عن نسخة العتيقة التي كانت في مكتبة أخيه الإمام صاحب الروضات و قد أشار هو قنّس لله روحه إلى ثلاث النسخة في ترجمة سليم قال [و عندما منه نسخة عتيقة تبيّن على أربعة آلاف بيت] الخ. و الحاج مير سيّد محمّد قد أحيا بهمته العالية و كدّه الأكيد طول حياته عشرات من الكتب و مات من الرسائل استكتاباً و إكمالاً للواقص و ترميماً و تجسّداً ثمّ شرّ كالدرّ طائفة منها بين الخواصّ من أهل العلم ها و هناك و عدداً و عدد غير واحد من بني أعمامنا كثير من الكتب الكثيرة و الصغيرة و كتب الرسائل و المجموعات ثمّ أحياه هذا الجَدُّ الأجدد العلامة المتشعّر الماهر جراه الله تعالى خير الجزاء آمين.

ص ١٥٨ من ١٣، بخط أبي محمّد الرماني كان في أصل الطبع [الريحاني] فأصلحها المصنّف في الاستدراكات المطبوعة بأخر ح ٤ بالرماني و هذا هو الصواب وفقاً لتنقيح المقال ح ٢ ص ٥٤ و لم يذكر شجعا المصنّف في [الأبواب الساطعة] أنا عمّد الرماني مع أن من دأبه ذكر أمثاله كما لم يذكر العلامة انصافاني ما جدّ مكافئه عن العلامة المجلسي طاب ثراه قال: [بل أرسل المجلسي ره في حقّ الكتاب ما يستحقّ نقله قال وجدت نسخة قديمة من كتاب سليم بن قيس بروايتين بينهما اختلاف يسير و كتب في آخر إحدىهما: تمّ كتاب سليم بن قيس بحمد الله و عونه عمره ربيع الآخر من سنة سبع و ستمائة كنه أبو محمّد الرماني] الخ

ص ١٥٨ من ١٦، الفاضل المعاصر الشيخ شير محمّد: أقول و عن هذه النسخة للشيخ شير محمّد قنّس سرّه طبع الكتاب حوالي سنة ١٣٧٠ في المطبعة الحيدرية في السجف الأشرف و إن لم يصرّح باسمه تقيّة و كذا لم يذكر فيها تاريخ لطبع و الذي قام بهمته هو صديقنا السيّد الفاضل البارع المجتهد محمّد السيّد محمّد صادق الطباطبائي آل بحر العلوم طاب ثراه على تهيئته النسخة للمطبعة ثمّ مقابلتها و تصحيحها وفقاً لنسخة الشيخ شير محمّد و نقل تعليقاته الثمينة عنها إلى هامش الصفحات أي يديها مخنومة بقوله (عن الهامش) و كذا نقل فوائده التي وصفها شيخنا المصنّف إلى أوّل المطبوعة في ٥٤ صفحة و قد أشار إلى كلّ ذلك السيّد محمّد صادق في كلمته في صدر مقدّمة الطبع و هي الأسطر العشرة و قوله هناك تقيّة (بعض الأساندة) و (الأسناد المحقّق) هو الشيخ

شير محمد و أمّا التوقيع في آخر المقدمة بعنوان (العوي الحسي الحمي) فهو الإشارة إلى نسبه أعني السيد محمد صادق كرم الله نفعه و هذا ما اهدينا إليه بعد التأمل النام و الحمد لله رب العالمين. ثمّ يعلم أنه بعد ما نشرت ثلث الطبعة الأولى اسجفة استمداد من تحقيقات الشيخ شير محمد طاب ثراه بعض الكتاب من أصحاب القلم و العلم و لما لم يكن في السجفة اسم صاحب المقدمة و التحقيقات لعنة النقيّة لم يعن هؤلاء بشأنه فقلوا بعض ثلث التحقيقات في آثارهم كالمسب إلى أنفسهم تجد مثال ذلك في تعليقه لبعضهم على [جنة المأوى] لشعنا الإمام آل كاشف العطاء و كذا في تعليقه به أيضاً على [أنيس الموحدين] للمحقق الرافعي فتس الله أرواحهم كما أنه طبع الكتاب عن الطبعة الحميّة في ايران و لسان كراراً من دون رعايه حقّ التقدّم بشبح و السيد و الإشارة إلى قصصهم كلّ ذلك سهو و جهل اسمهما في الطبعة الأصليّة عتوفاً و نقيّة من السلطة الحاكمة الجارية ألا فبعض الله على نفوس الصالحين م ع ر في ٢٨ حجه ١٤٠٩

«أصل» ص ١٥٩ رقم ٥٩٥: راجع كتاب «معالم المدرسين ٣ ٢٥٩ ٣١٤ ط ٤
سنة ١٣١٢ طهران» و المقدمة التي كتبها العلامة السيد مرتضى العسكري لكتاب مرآة
العقول (ح ٢ ص ٣٥٧ فما بعده).

«أصل الاصول» ص ١٦٨ رقم ٦٢٠ نقول راجع (الفصول ١٦: ١٢٤١ ٩٥٩) و انظر
كتاب (وحيد مهران: ٢٤٥ ط ٢) للسوي.

«أصل الاصول» ص ١٦٨ رقم ٦٢١ راجع الكرام البررة ص ٥٧٧ و ما ذكره بهامش
«جواهر الأصول» في (ح ٥. ٢٦٣. ١٢٦٣)

«الأصل الاصيل» ١٦٩. هو لتحكيم بدلاً رجيعي البريري، طبع مسحب منه في
المجلّد الأوّل من كتاب «مستحبات آثار حُكماء ٢٤٤ ٢٧١ ط طهران» و يأتي بعنوان
«الاصول الاصفية» و نظر أنّ كلا الاسمين خطأ و أنّ المصنّف لم يسمّ كتابه بشيء
مهماً. و أمّا عنوان الكتاب فهو «مقدمة في أنّ الواحد لا يصدر عنه إلا الواحد» كما
يظهر من النسخة المخطوطة الموجودة عند و ينلونها أيضاً «كليب بهشت» ثمّ «رسالة في
إثبات الواجب تعالى» و ليس في تلك مجموعة بحينة اسم للمؤلّف و لا للكاتب و لا
تاريخ الكتابة و من المخطويع استنساخها في حياة مصنفها.

«أصل الشيعة وأصولها» ص ١٦٩ رقم ٦٢٥: أقول راجع في هذا الموضوع عنوان [الشيعة ١٤: ٢٧١ - ٢٧٤] متعددًا مع الكلمة.

«الأصلاح وفيه الفور والفلاح» ١٧٠ ٦٢٩ أقول يأتي ترجمته باسم «مصباح الطريق» و انظر [جامع المسائل ٥ ٧٠ ٢٧٥] و ترجمة السيد المجاهد في كتاب [وحيدهم] ٢٥٩ فما بعدها ط ٢ [للخطيب الخاج شيع علي النوازي مشتملة على العرائث والعجائب.

«أصلاح الرسوم» ١٧٢ ٦٣٣ يأتي لمؤلف «دفع الإنكار» في (ح ٨).
«الأصول» ١٧٤. ٦٤٨. لشيع العترة أبي محمد يحيى أقول الرجل مذكور في «المنتقلة» ٣٣٨ ط الصحف و «المشتر الكشاف ١٤٥» و «موارد الإنخاف ٢. ١٩١» وغيرها.
«الأصول الأصغية» ١٧٦: ٦٥٠. راجع ما ذكره حول «الأصل الأصيل» أنها. و الأصول الأصغية طبع منتخب منه في المجلد الأول من منتخبات آثار حكماء انظر ما ذكرنا في هامش ص ١٦٩.

«أصول آل الرسول» ص ١٧٧ رقم ٦٥١. أقول يأتي اطراء شيخنا المصنف بهذا الكتاب أيضا في (ح ٤: ٥١٢ س ١٢-١٤) و هذا المصنف و ابن حاله المعظم العلامة الحجة السيد محمد مهدي الموسوي الإصفهاني لأصل النكظمي المولد و المشا و الوفاء الذي عثر على قطعة من هذا الكتاب الصحيح بمحم أعني أصول آل الرسول في كتابه «أحسن الوديعه...»

«الأصول الأصلية» ١٧٨ ٦٥٦ راجع مقدمة النصح لكتاب بقلم صديقنا العلامة الخاج السيد جلال المحدث الأرموي (ط طهران ١٣٩٠) و قوله في (السطر ٢١) يظهر منه أن فرائعه كان سنة ١٠٤١، الخ أقول الحق في ذلك مع شيخنا المصنف طاب مثواه
«أصول الدين» ١٨٦ ٦٩٤ قوله (في س ١٢) و له نصايف ذكرت في ترجمته. أقول ترجمته في «دروسات اجنات: ١٥٠» و تكتمنا نحن حول بعض آثاره و منها «بحمه سلطان» المطبوع بطهران سنة ١٣٨٠ في حواشيها بخطوة على الروايات و كذا في فهرسا للمخطوطات و الكواكب المنشرة ص ١٣٩.

«أصول الدين» ١٨٨: ٧٠٨. قوله (في س ٢٢) سيديا المعاصر محمد. أقول ذكر المؤلف

ره في (ح: ٧: ٢٣٠) أن اسمه الشريف محمد علي و هو سيد مشايخنا الحجة الآية السيد صدر الدين الصدر طاب ثراه.

«أصول الدين» ١٩٠. ٧٢٠. للمولى محمد علي بن محمد باقر أقول هكذا لم يعرفه المشار في كتابه «فهرس المؤلفين» ١٣٧٠ أيضاً وقد استظهرنا في تعليقه «مكارم الآثار» ١٩٧٤ أن هذا المؤلف هو بعينه عبد العلامة الحجة الحاج لشيخ محمد علي المشتهر بثقة الإسلام المتوفى ١٣٦٨.

«أصول الدين» ١٩١: ٧٢٥. اسوب إلى أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام. أقول عدنا منه نسخة يظهر من كفتها أنها من مجموعة تفرق باقها و أنها استسخت في القرن الحادي عشر اصحري و في طرفها بالحمرة ما لفظه. «كتاب تمام الشريعة عن الإمام المصطفى علي بن موسى الرضا عليه التحية و الناء» انتهى و في آخرها: «تمت هذه الرسالة في الأصول من (ملاء رمان و مولانا) الخ

«أصول الدين» ١٩٢ ٧٢٦ للسيد كاظم قوله (في س) سباس و سباس أقول بعده في نسخة «(في قناس) الخ و قوله (في س) و عتره في بعض الفهارس بأصول العقائد و أنه مطبوع أقول نعم طبع كتاب السيد كاظم هذا في تبرير سنة ١٢٥٩ في خمسمائة و خمس و ستين نسخة كما في حاشية الطبع منه و نسخته موجودة عدنا و لم يسمه السيد فيه باسم خاص بل ذكر في و نه أن بعض الطالبين سأله أن يصف رسالة في أصول الدين الخ، و لكن عنوانه في صرة الكتاب هكذا «كتاب اصول عقائد من تصنيفات حقه» الخ و الظاهر عدم ذكره في «فهرس كتب مشايخ شيخه» المطبوع «أصول العقائد» ١٩٧. أقول راجع «محرر المرائد» في موضعه و يأتي «التوحيد» في حرف التاء متعدداً.

«أصول العقائد» ١٩٨: ٧٢٢ للسيد محمد هادي بن النوحى. قوله (في س: ٢٣). و استشهد في بعضها بيت لآية الله بحر العلوم أقول هذا أمر غير معقول فالسيد محمد هادي قد توفى سنة ١١١٣ و ولد السيد البحر سنة ١١٥٥ فلما راجع «وقايح الأيام» و كذا «أصول العقائد» المذكور المطبوع على الحجر حتى يجلي الأمر. و يذكر له في التكملة «اعلام الأحياء في حرمة العناء» و قد طبع أصول العقائد على الحجر في إصمهان باعتناء

المرحوم الحاج السيّد سعيد الطباطبائي الثاني لإصعها في اشعدي سنة ١٢٥٢ في ٣٢٤ ص بالحجم الكبير عن نسخة أوقفها مؤخرًا على خزانة جامع گوهر شاد بالمشهد الرضوي (المهرس «...» و توجد منه نسخة في المرعشبة بقم كما في فهرسها ٢٤: «...» و ترجمة الهادي في «الكواكب المشترة ص ٨٠١» و هناك قوله «و أصول العقائد فرع منه ٢٣ رمضان ١٠٨٣» إلّا أنّ عبارته في آخر النسخة المصنوعة كهذه قال «في ليلة الثالث و العشرين من شهر رمضان المبارك و هي الثانية لثالثة من العشر الثالث من الشهر التاسع من السنة الثانية من العشر التاسع من المائة الأولى من الألف الثاني من الهجرة» إلخ و من الجدير بالذكر أنّ الرجل يذكر اسمه و اسم والده و سبته كالدي في المتن مرّة في مقدّمة كتابه و أخرى في الخاتمة بهذه الصورة «محمّدهادي بن اللوح الموسوي الحسيني السرواري» انتهى. و قوله (ص ١٩٩. ١) كما مرّ يعني في (ح ١ ص ٤٣١).

«أصول علم الحديث» ص ١٩٩ رقم ٧٦٦: أقول راجع «معرفه علوم الحديث ٢١. ٢٥٨: ٤٩٣» و «المدخل ٢٠: ٢٤٦ ٢٨٠٠ و ٢٨٠١» مع النكحلة
«أصول فصول التوضيح» ص ٢٠٠ رقم ٧٧١: يرجع (الردّ على الصوفية) في ح ١٠ ص ٢٠٦.

ص ٢٠٠ س ١٨، يأتي في: ج ٤ ص ٤٩٥.

«أصول الفقه» ٢٠١: ٧٧٢ و ٧٧٣. أقول يأتي ذكر هذين الكتابين أيضًا في ج ١٤ ص ٣١٧.
«أصول الفقه» ص ٢٠٤ رقم ٧٨٧، الشيخ محمد حسين يرجع بقاء الشر.
«أصول الفقه» ص ٢٠٥ رقم ٧٩١: يرجع «مكارم الآثار ٧ رقم ١٥٩١».
«أصول الفقه» ٢٠٧ ٨٠١ للسيّد علي بن عبدالكريم. أقول السيّد علي هذا كان من أعلام الدين و توقّى في يوم الخميس العاشر من شهر المذكور قال الشاعر «رحمة» الإصعها في رثائه و تاربخ وفاته

رحمة حق ار بي تاربخ گفتم / إنّ لديها لعلّي عظيم

ثمّ إنّ ولده الخليل المذكور في متن مات في صبيحة يوم الجمعة ثامن عشر ذي القعدة سنة ١٣٤٨ (عام ولادة هذا الصّغير) و للسيّد حسين الحسيني ذكر في «تذكرة القبور»
«أصول الملاحم» ٢١٢. راجع «الملاحم» و «المنحة» في حرف الميم.

«الأصيلي» ٢١٣. راجع «مشحَر الأصيلي» في (ح ٢٠: ٤٣).

«أضواء الدرر العوالي» ٢١٦ ٨٤٤. أقول نسخة العلامة المجلسي من هذه الرسالة و معها نسخة «الناسخ و المصح» لسعد بن عبد الله الأشعري حصلت عند جدنا الإمام العلامة المجدد صاحب «روصات محدث» و انتقلت إليها بواسطة الآباء الأماجد طيب الله مراقبتهم. ثم إنه يأتي في (ح ١٥: ١٢١) «صوُّ اللآلي في عصب فلك و العوالي» و أظنهما واحداً و الله العالم

«الأطرعش» ٢١٦: ٨٤٤ في نسخة لايس خالويه السحوي. أقول هكذا ورد اسم الكتاب في «سبعة النعامة» ٢٣٢ ط ١ - ح ١. ٥٣١ ط ٢ و ذكرنا في «تعليقات البعية» ما صورته «أقول جاء في «الروصات» بعلأ عن هذا الكتاب «المرعش» مكان «الأطرعش» و بعلأ الصواب و ذكر في السبعة أن في بعض النسخ كـ «المرعش»، و لكنها بالعين المعجمة، و في «القاموس» المرعش من يعم نفسه لغة في السير و لأطرعش عسا لانشعب، انتهى و لم يذكر فيه غير هاتين الكلمتين من ثلث المادة، و في «إسناد الرواة ١: ٣٢٥» كتاب «أطرعش» و في التعليقة: «بما أن أطرعش المرعش أطرعشاً، إذا برى، و أطرعش من مرصه إذا قلم و تحرك و مشى» الخ. ثم لا يخفى أن اسم الكتاب في المآخذ المذكورة بصيغة الفعل الماضي و بدون اللام أي «كتاب أطرعش» فلا يعمل

«الاطعمة والأشربة» ص ٢١٨ رقم ٨٥٢ من ١١، السيد شيرازي جامع الأسباب ح ١ رقم

٢٦٩.

ص ٢١٨ س ١٥، هو أي كتاب الأطعمة و الأشربة.

«إظهار الحون المتراكم» ص ٢١٩ رقم ٨٦١ أقول يأتي له [مقتل العباس عليه السلام

٢٢: ٣٣: ٥٩١٠].

«إظهار الحق» ٢٢٠ للسيد أحمد النعوي يأتي بعنوان «رسالة إظهار الحق» في الرء

و أيضاً يذكر في (ح ٤: ١٥١)

«الاعتبار» ص ٢٢٢ رقم ٨٧١ س ٦، سنة ١١٢٨ أقول الذي في «تذكرة شوشتر

ص ١٢٨ ط كلكنه ١٣٤٣ق» سنة ١١٤٧ و عبارته «در سال چهل و هفت در حویره

وفات عمود» و انظر ما ذكرناه أيضاً في الكلمة على «تفسير المولى يعقوب ٤ رقم

١٣٥٠» و تاريخ كتابه الاعتبار موافق لتقوم و مستعمل.

«الاعتقادات» ٢٢٣ : ٨٧٥. قوله (في س ٣) و أليم، أقول هذا خطأ مطبعي و الصواب و أليم. ثم إنه سيأتي للمؤلف «إعلام الوري» و «الإنسان الأول» في (ص ٢٤٠ و ٣٨٩) «الاعتقاد» ص ٢٢٤ رقم ٨٨٢. أقول ندي في كتاب الرجال ص ٤٤٧ ط المحف لديشيخ الطوسي قلت سره بعين ما ذكره في فهرسه و قد ألف الرجال بعد الفهرس فقال بعد ما عود الرجل ما لفظه [و له دعاء الاعتقاد نصيبه] انتهى و هذا نها عليه في التكملة بعنوان [دعاء الاعتقاد ٨ ١٨٧]. و السلام مع ر ليلة الإثنين الخامس من شهر رمضان المبارك ١٤٠٧

«الاعتقادات» ٢٢٤ : ٨٨٣ للعلامة المجلسي ادولى محمدباقر... المنوقى سنة ١١١١ أقول الصواب سنة ١١١٠ كما يتاه في موضع عديدة من حواشيا و مؤلفاتنا. ثم إنه توجد عددا نسخة الأصل من هذه الرسالة الشريفة و من أقدم طبعاتها نسخة طعت خلف «شرح شافية أبي فراس» عيسى المحرر بطهران سنة ١٢٩٦ هـ. و يأتي «ترجمة اعتقادات المجلسي» في (ج ٤ : ٧٩) مطبوعاً

«الاعتقادات» ٢٢٦ : ٨٨٧ لشيخ أبي جعفر المنوقى «منوقى ٣٨١. قال قلت لله روحه في (س ٣-٤) طبع مكرراً... رأيت في نسخة في مجلس يوم الجمعة الخ أقول هذا من أعجب العجائب فإن كتاب الاعتقادات للمنوقى طاب مثواه كتاب مفرد لا دخل له بمجلس يوم الجمعة المذكورة الذي هو المجلس ٩٣ من كتابه المجالس أو «الأمالي» و هذا المجلس يعرف بوصف دين الإمامية و هو في كتاب الأمالي من ص ٣٧٩ إلى ص ٣٨٨ (طبعة طهران سنة ١٣٠٠). و أعجب من هذا أنه لم يتعطل بعد أحد هذا الخلط فيما أعين و الحمد لله على ما أعين عليا و علم و من جهة من لم يكشف له الحجاب عن أمر المجلس و الكتاب هو السيد السد الرندي ره مصحح «ترجمة اعتقادات ابن بابويه. ط طهران. سنة ١٣٧١» فراجع و الله العاصم و يأتي تنق الكلام في «وصف دين الإمامية».

«الاعتقادات» ص ٢٢٦ رقم ٨٨٨. أمول سيأتي ذكر هذه المقالة بعنوان «أقل ما يجب الاعتقاد به» في ص ٢٧٤ س ٩ كما يأتي في (ج ١١ : ٩٣ : ٥٧٢) بعنوان «الرسالة الاعتمادية» و في (ج ١٥ : ٣٠٦ : ١٩٥٦) باسم «العقيدة سميدة المختصرة» و عددا منها عذة نسخ و

طُبعت في كتابي المدرّس الرضوي و استرسي الرباعي حول ترجمة الخواجة و أما «الوجيز» فيأتي في (ج ٢٥ ٥٢ ٢٧٢) و بعضها شرحاً لاعتقادات الخواجة كما يظهر من اسمها فلاحظ.

«الاعتقادات الحقة» ٢٢٧-٨٩١. راجع «لوائح المكتبة» في (ج ٢٥ ٣).

«الاعتقادية» ص ٢٢٨ رقم ٨٩٥. يأتي أيضاً في ج ١٩ ٢٦ ١٢٩ عنوان «ما لا يسع» الخ و عندنا مصوّرة نسخة منها في الرضوية من مجموعة فرق بين أجزائها و هذه الرسالة في ٢٦ ص و آخرها [فرع منها مؤلفها في سنة ٩٥٢ في خمس واحد و كان الخلاص في ١٢ شهر صفر] الخ ثم بديل الصفحة ما نصّه «تمت الرسالة المسماة الاصطوبولية تصييف الشيخ ريس الدين رحمه الله عليه» انتهى و هو الاصطوبولية في (ص ٥٩ ٢٣٢).

«الاعتقادية» ٢٢٨ ٨٩٨. للشيخ همام الدين محمد قوله الموقى سنة ١٠٣١. أقول الصواب أن وفاة الشيخ همام الدين محمد العملي ره سنة ١٠٣٠ كما ناه في مواضع عديدة و نسخة من «الاعتقادية» هذه كتبها جدّي و شقيق أجدادي الأعلام الكرام الحاج السيد محمد الخواساري ثم الإصفهاني الجهارسوقي في ١٦ شهر رمضان ١٢٥٣ في مجموعة من الرسائل الجيلة كتبها بخط السيد هاشم بن ابراهيم الحسيني السمراني من المعاصرين للشيخ السهائي ره

«الاعتقادية» ٢٢٩ ٨٩٩ للشيخ الشهيد (صاب مشواه). راجع «مهرس دانشگاه تهران

٩: ١٣٢٤».

«الاعتكافية» ص ٢٣٠ رقم ٩٠٦. أقول انظر [الوثاق ٢٥ ٢٦ ١٢٥]

«الاعتماد في شرح واجب الاعتقاد» ٢٣٠: ٩٠٨. أقول عندنا نسخة مخطوطة من كتاب الاعتماد هذا و معها «الرسالة الجعنية في سهو اليومية» المذكورة في عملها من الذريعة و كانت هذه المجموعة سابقاً في يد العلامة المرحوم ابن خالبا الشيخ محمدرضا أبي المجد الحفي ره ثم انتقلت إلى بالبيع و أحمد الله و أمّا كتاب الرسائل فهو محمد بن قمر علي مراري و فرع من كدبة الأولى في دي القعدة سنة ١٠٢٣ و من الثانية في ١١ شهر رمضان ١٠٢٥ و ليس في النسخة اسم المؤلف للرسالتين مطلقاً. ثم إن قول شيخنا العلامة طاب ثراه (في ص ٢٣١ ص ٢) و يظهر من بحث التسليم من هذا الشرح أنه ألّفه في

حياة أستاذه فخرالمحقق الذي توفي سنة ١٧٧١، انتهى أقول و ذلك لأن في السبعة المطبوعة من الاعتماد (ص ٧٠) دعى له بقوله «مولانا فخرالدين محمد أدام الله أيامه» و لكن في نسخة المخطوطة الموصوفة هكذا «مولانا فخرالدين محمد رحمه الله» و الله العالم. و لا يخفى أن السبعة المطبوعة من الاعتماد كثيرة العلط لا يحسن الاعتماد عليها قط. و من فوائد هذا الكتاب أنه يظهر منه منهج الشارح العلامة في أمر صلوة الجمعة و هو قوله (في ص ٧٢) عند حصول شرايضا و هي حضور الإمام العادل، الخ.

«الأعداد و الأوقات» ٢٣٣ : ٩٢٤. لميرزا محمد بن سليمان الشكابي المعاصر المتوفى قبل سنة ١٣٢٠، ذكره في قصصه. أقول توفي صاحب «قصص العلماء» في الثلثاء الثامن و العشرين من جمادى الآخرة (١٣٠٢) كما ستعاده صديقا اعلم الحبيب آبادي ره من كلام ولده الميرزا مهدي آقا الصوفي في طهران عام ورودها في سنة ١٣٥٢ (أصح ورود المعتم بظهران) و كتب المعتم هذا الخبر بشيخنا المؤلف طاب مثواه إلى السجف الأشرف فأورد وفاته كما ذكرناه في (ج ٤ : ٤١) و لكن ولادته في حدود سنة ١٢٣٠ كما في الموضع المذكور فيخالف ما ذكره الميرزا نفسه في القصص (ص ٧٣ ط الأخرى) مرددا بين عامي ١٢٣٤ - ١٢٣٥ و اتفق ولادته و وفاته في قرية سليحان آباد من قرى تكاس

«إعلام الأحياء في حرمة الفناء» ص ٢٣٧ : للسيد مير محمد هادي ابن الميرلوحى الموسوي السيرواري الأصل الإصفهاني صاحب «أصول العقائد ١٩٨ : ٧٦٢» و كلاهما بالفارسية توجد نسختها في خزانة ملث التجار بظهران كما في فهرسها «...» و (فهرس أحمد ٥ : ٣٨٨٦).

«إعلام الدين في صفات المؤمنين» ٢٣٨ : ٩١٩. أقول ينقل عنه شيخنا البهائي ره في أوائل المجلد الثالث من كتابه «الكشكول» ٢٥٧ ط بحمد دوله، قال: «من كتاب أعلام الدين تألف أبي محمد الحسن بن أبي الحسن الديلمي» الخ. و ذكر الشيخ عبدالعزير آل صاحب الجواهر في كتابه «دائرة المعارف حرف الألف»، أنه مطبوع و الظاهر خطأه.

«إعلام الوري» ٢٤٠ : ٩٥٦. لمشيخ سراج لدين حسن. جاء في «أعيان الشيعة ج ٢٣. ٢» اسمه الكامل «إعلام الوري لموائد دهاني سري» و يأتي به «الافتخار» و «إكمال المنة» و مرّ له «الاعتذار».

«إعلام الوري» رقم ٩٥٧ - ص ٢٤١ م ٢، صرح به في أوله: أقول صرح بذلك أيضاً في «مرآة العقول» ٦. ١١٩ ط جد» قال [و في إعلام الوري عطف مصنفه أيضاً «استقله» و في ربيع الشيعة «استبل» بالباء الموحدة و هذا أسب] انتهى
 «أعمال السنة» ٢٤٥. لنحاج مهرا جواد آقا التبريزي موفى (١٣٤٣) المدفون قرب مرار الخفقي طاب ثراهما (بقم)، رأى سحنته السيد العلامة الفقيه الخاج السيد أحمد الرحمانى طاب ثراه) و نقل عنه في كتبه «الكلام بحر الكلام» ٢. ٣٧.
 «الأعيان العارفة» ص ٢٤٨. انظر [شرح إحدوث القدسي كت كراً محمياً ١٣ ٢٠٥ م ١٨].

«الأغاني» ص ٢٤٩ رقم ١٠٠٢. يراجع مقالة الدكتور محمد حسين مشايخ المرادي حول الأغاني في مجلة (كبهان فرهنگي) - رقم التأسيس ٤٧. ٣٦ - ٣٨) و أورد المصنف ترجمه صاحب الأغاني في [توابع الرواة ٨٣] كما ذكره صاحب [مئة تراغين ٢١٢] فراجعها وصنفه المصنف في التوابع أيضاً بالريادي الشيعي و لم يذكره في [مصغى المقال] مطبوعاً ثم إن ابن النسيم ذكر ترجمه الرجل و أسماء كنه في كتابه [المهرسة ١٢٧ ط بغداد] و قال [و توفى سنة سيف و سنه و نشمنة] و في (ص ١٥٨) قال [حدثني أبوالمريح الإصفهاني] الخ

«الأغراب» ص ٢٥١ رقم ١٠٠٦ م ٦، الاغراب: و ضبطه الخدث الحرّ ره في الأمر بالعين المعجمة نقلاً عن المنتخب ملاحظ.

«الافصحار بمكاتب الكبار» ص ٢٥٦ رقم ١٠٣٧: و مرّ له إعلام الوري.

«الافصحار بامه حيدوي» ص ٢٥٦ رقم ١٠٤٠. أقول انظر ترجمة الناظم في «مؤلفين كتب جاني لشار ٦: ٢٠٤ - ٢٠٦» و «مقدمة ١٤ رساله فارسي لنحاج مهرا أحمد الآشتياني: ١٥ ط قم».

«إفحام الخصوم» ٢٥٧: ١٠٤٥. نُشر في هذه الأيام قسم من هذه الكتاب القيم في طهران (١٨٦ص) و هذا عنوانه الكامل المصروع: «إفحام الأعداء و الخصوم بتكذيب ما افتروه على سيدتنا أم كلثوم، عليها السلام من الحقي القيوم». جاء في مقدمته المبسوطة السابعة ما لعظه الشريف: «أمّا ما جاء في التريفة ٢ ٢٥٧ من أنّ كتاب إفحام الأعداء و الخصوم مطبوع في لكهنؤ (الهند) معبر صحيح و لا أصل له» انتهى.

«الألق المجلد» ص ٢٦١ رقم ١٠٦٣: أقول هذا العنوان رائد كله كما في ح ٧ ص ٢٤١: ١١٦٩ مراجعه.

«إقامة الشهود» ٢٦٣: ١٠٧٧ في الرد على يهود أقول راجع ما قصنا حول هذا الكتاب القيم في تعقيقاتنا على «مكالم الآثار» ١٠٧١.

«الأقبال» ص ٢٦٤ رقم ١٠٧٨ أقول و للعلامة المرويني محمد بن عبد الوهاب كلام حول الإقبال شبع فيه على مؤلفه فلتس سره راجعه في «بادد اشهاى قروينى ح ٣ ص ٨» و رد عليه أعلوا الشيخ رضا امتادي في «...»

«الاقتصاد» ٢٦٧: ١٠٨٧ في معرفة المبدأ و المعاد. أقول تسمية الكتاب في نسخة التي بخط جدنا العلامة الخاج السيد محمد شفيق جدنا الإمام المجدد صاحب الروايات في إحدى مجموعاته المبيعة بهذه الصورة «... و هذه رسالة موسومة بالاقتصاد و الإرشاد إلى طريق الاجتهاد في معرفة المبدأ و المعاد و تحكم أفعال الصاد» الخ

«الاقتصاد» ٢٦٩: ١٠٨٩ الهادي ابن طريف المرحوم طبع هذا الكتاب الشريف عن نسخة المخطوطة بقلم جدنا العلامة المذكور أعني الخاج السيد محمد فلتس سره و نسخة أخرى في بلدة قم سنة ١٤٠٠ و إسم الكتاب في نسخة «الاقتصاد الهادي إلى طريق الحق و سبيل الرشاد» و مرع من كتابتها سنة ١٢٦٧

«أفضية أمير المؤمنين عيسى السلام» ص ٢٧٣ رقم ١١٠٥: أقول قال شمس الدين أبو عبد الله محمد بن قيم الجوزية المتوفى سنة ٧٥١ و هو حبي المتعصب بلعيد ابن تيمية للعاد المردود في كتابه القيم «الطرق الحكيمة في السياسة الشرعية» ص ٦٠ ما لفظه [و فرأت في كتاب أفضية علي رضي الله عنه بعير إسماد ن امرأة رفعت إلى علي و شهد عيها أنها قد بعث] الخ و في كتاب الطرق كثير من أفضية أمير المؤمنين صلوات الله و سلامه عليه.

«إكليل المهج» ٢٨١: ١١٤١. كان نسخة أصل هذا الكتاب النعيس عند جدنا الإمام المجدد طاب مثواه كما صرح بذلك في «الروايات» حين ذكر الرجل في ديل ترجمة التولى خدائي وردي و لا تدري إلى من انتقلت النسخة بعده. راجع الدرر ١٥. ١٤٥ و ٢٣: ٢٢٩: ٨٧٥٥.

«إكمال الأعمال» ٢٨٢ : ١١٤٤. يأتي مؤلفه أيضاً «الجامع في أعمال شهر رمضان» في ج ٥ ص ٢٨.

«إكمال القلة» ٢٨٣ : ١١٤٨. طبع الإكمال خطأ و قوله (في س ٨) كما مرّ. أي في (ج ١ : ١٨١) كما مرّ للمُحَارِبِ المذكور «علام لورى» في ص ٢٤٠.

«إكمال منتهى المقال» ص ٢٨٣ رقم ١١٤٩ أقول انظر ما يأتي في «منتهى المقال ٢٣ : ٧٨٤٥» و التكملة.

«الألباب» ص ٢٨٥ رقم ١١٥٤ س ١٠، كذلك: أي بصورة (الألباب) و لكنه لا يذكره المصنف في اللام و انظر ما ذكرناه بهامشي (ج ٢٤ : ١٣٣) استدراكاً بعنوان (كتاب السب).

«الانقطاع في الفقه» ٢٨٥ : ١١٥٦ رأينا في خاتمة كتاب العصب منه المطبوع بصهران سنة ١٣٢٢ ما نصّه: «ثم لا يخفى بأن كتبه صدر من مطالب هذا الكتاب بموله طاب ثراه: التقاط، التقاط، كانت من تصانيف إمام المعصية و المجتهدين و مؤسس أسس الأصوليين الشيخ مرتضى الأنصاري (أعفى الله مقامه) التي قد قرّر في مجلس درسه و أئده منه و حطه و قرّره مؤلف هذا الكتاب و كان من أعظم بلائته و بلغ بعده في أقصى مدارج العهم و الاجتهاد و كذا كان من عباراته و مصدّره بقوله «من و شرح» أو كانت مصدّرة بعبرها كانت من تنهج أفكاره و رغبة ما وهبه الله له بمه و كرمه» انتهى.

«الإرام الواصب» ٢٨٩ : ١١٧٠ يعمل عنه العلامة المجلسي طيّب الله مراده في «بحار الأنوار» مجلّد الف و هو الثامن في طبعة أمير الصرب رحمة الله عليه. هذا و أمّا «الإرام الواصب» المنسوب إلى السيّد الشهيد القاسمي نور الله المرعشي طاب مثواه في بعض فهرس آثاره فلا شكّ أنّه خطأ و اشتباه يكتب «مصائب الواصب» له قده. كما أنّ نسبة «إقام الحجر» أيضاً إليه فاسد.

ص ٢٨٩ س ٢٣، المطبوع ببيروت ١٣٠٣. حذف كتاب [قواعد العقائد ١٧ : ١٨٦ : ٩٨٥] للمحقّق بصير الدين الطوسي قنّس الله تعالى روحه و بعد الإرام «مهاج السالكين» للشيخ محمد الدين الطائفة الكري فاعواعد إلى ص ٥٢ ثمّ الإرام من ص ٥٤ إلى

ص ١٣٥ ثم المنهاج إلى ص ١٦١ و قد تمت المجموعة التي تم استكمالها للطباعة الحجرية بالحجم الصغير سنة ١٣٠٣ و طبعت في مطبعة علي قلي خان قاجار

ص ٢٩٠ س ٨، بأنه للشيخ مفلح «رسالة ترجم بعض علماء البحرين» هي الرسالة الثابتة المطبوعة بقم سنة ١٤٠٤ في مجموعة عنواها «فهرست آل بويه و علماء البحرين» و لكن ليس فيها (ص ٧٠) سوى اسم «رسالة برام النواصب» في رمرة مؤلفات الشيخ مفلح طاب ثراه فعلها غير المذكورة في المتن و الله العالم.

«ألفه الفرقة» ٢٩٢ ١١٨٤. عندما منه نسخة في «بياض السيد محمد معين بن السيد محمد مهدي الحسيني» و الطاهر أن تاريخ كتابه لألفه شهر صفر ١١٠٥ و تنوها «معالة في النعمان الناطقة» للميرزا حسن المذكور أيضاً.

«ألف جارية و جارية» ص ٢٩٤ رقم ١١٨٦ أقول و بأنه الوفيق أولاً عنون شيخنا الرجل في الأنوار الساطعة ص ١١١ و كرر هناك م طه ها بلعظ لعل و نحن لانواقفه فما احتمله أو طه بوجه و محمد بن الرضا أيضاً معون في الثقات العيون ص ٢٦٤ و لعله عم الذي قسه في ص ٢٠٠ باسم علي بن القاسم بن الرضا فكلاهما موصوفان في فهرس المنتخب عليه الرحمة بلعظ واحد من دون ذكر انسابهما إلى بلد و ثانياً أن سيد الأعيان عقد عنواناً للرجل في «أعيان الشيعة ٤٢ ٢٦ ٩١٥١» من دون إشارة إلى مأخذه و نظمه الطريقة هذا فقط و وقع وضعه هناك «المعروف وأده بدقر بحوان المعالي» و هو غلط مطبعي أو تحريف حين النقل إلى البياض و ثاك توجد ترجمة الرجل و شيء من نظمه في «الوافي بالوفيات للصمدي ٢١ ٤٦٦ : ٣١٧» و باهامش مأخذ ترجمه و نحن نظن أن الرجل من بيت أميركا الطوسي من أعقاب هرون بن الإمام موسى الكاظم عليه السلام و التفصيل في تعيقات جامع الأنساب المشأخرة بن شاء الله. م عر عمي عنه في ١٢ حجة

١٤١٥

«ألف ليلة و ليلة» ص ٢٩٤ رقم ١١٨٩ س ١١، طبع ١٢٧٥: عائدة أول من طبع كتاب «ألف ليلة و ليلة» بالعربية في دروب و باشر بشره سنة ١٨٢٥م («...») هو المستشرق هاجت (١١٨٩ ١٢٥٥) كما في ترجمه في [الأعلام ٥ : ٢٥٧].

«ألفية الشهيد» ٢٩٦ : ١١٩٥. أقول الأحسن أن يعون الكتاب «الرسالة الألفية» كما

أنَّ المعهود أنَّ شيخنا الشهيد الأوَّل طاب مصححه هو أبو عبد الله محمد بن مكِّي، أعني أنَّ اسم والده مكِّي، دون محمد بن مكِّي ثمَّ إنَّ «شرح الرسالة الأنعية» لشيخ أحمد بن فهد الحلبيَّ ره المذكور في ص ١٩ يسمَّى «لجواهر المعينة، في شرح الدرّة الألفية» بذكره في موضعه من التكملة، والله الموفق.

«كتاب الألفين» ص ٢٩٨ رقم ١١٩٩ يرجع «إحفاق الراهة ص ٢٤٠»

«ألقاب قريش» ص ٢٩٩ رقم ١٢٠٤ انظر له «أسباب قريش» في ص ٣٨٢ و «الجمهرة» في ج ٥: ١٤٧: ٦٢٠ وما بعده.

«القام المحجّر» ص ٣١٠: الذي سبه السيّد السجّي المرعشي في مقدّمة كتاب إحقاق الحقّ ص ٩٠ و في ديل ص ١٤ من أصل الإحقاق (ج ١) و هو اشتباه منه كما ذكرنا هناك في هامش.

«الألواح السماوية» ١٣٠١ ١٢١٢ أقول ذكره المصنّف الخانوبادي طاب مرقده في بحاربه الجميه «ماف المصلا» و رأيا في قائمه حرانه كت جدنا الأعلى الآية العظمى السيّد مهرا محمّدهاشم انجهارموفي المتوفى في النصف الأشرف سنة ١٣١٨ قدّسنا الله بسرّه كتاباً اسمه هذه الصّورة «ألواح سماوية» و أطلقه هذا المذكور و اتعنت نسخة في سهم إحدى بيانه الطاهرة

و نسخة منه في المركزية طهران جاء وصفها في فهرسها ١ ٢١١ كما في رركلي ٦. ١٠٤

«الأمالي» ٣٠٧ ١٢٢٩. للشيخ ابراهيم بن سيمان القطبي. أقول انظر أن الأمالي هذه هي بعينها المجموعه التي يأتي ذكرها في (ج ٢٠ ١٠٨ ٢١٥١) و انظر «فصائل السادات: ٣٢٨ ط ١».

«الأمالي» ص ٣٠٩ رقم ١٢٣٦ أقول عندما نسخة جيّدة لثلاث الأخير من كتاب الأمالي هذا يندء مجلس يوم الجمعة الرابع من المحرم سنة ٤٥٧ الموافق للصفحة ٢٣٤ من النسخة المط المحرّرة] و تنتهي بانتهاء الكتب فرع منها كاتبها الذي لم يذكر اسمه فيها سنة ١٠٩٠ و محمّد تقى دانش يزوه كلام حور الأمالي في مقدّمة كتاب النهاية لشيخ ره رح ٣. ٢٠ ط طهران] و انظر وصف نسخة ثنية من الكتاب إجمالاً في «الأنوار الساطعة ص ٥٨».

«الأمالي» ص ٣١٢ رقم ١٢٤٢: أقول سيأتي في «الأمالي» رقم ١٢٥٧ لأبي طالب يحيى بن الحسين الحسيني أن السيد ابن طاوس رضي الله عنه ينقل عنه في كنهه والظاهر أن هذا الأمالي المذكور برقم ١٢٤٢ ليس إلا هو وأن علي نصحيح يحيى كما حرم به في كتاب «كتابخانه ابن طاوس ص ١٨٢ - ١٨٤» أقول ولعله الكتاب الذي نقل عنه الشيخ الطوسي رضي الله عنه في «مكارم الأخلاق ص ١٠٦ ط حجر سنة ١٣١٤» حديث خطبة النبي صلى الله عليه وآله حين رُوح فاطمة من علي صلوات الله عليهما و نصّه هكذا: [من أمالي السيد أبي طالب الهروي عن ربي العباسين عليه السلام] و عليه هاروي نصحيح هاروي و الله العالم م ع ر في ليله ٢١ شهر رمضان ١٤١٧ حامداً مصلياً مستمعاً والسلام

«الأمالي» ص ٣١٤ رقم ١٢٥١: أقول يراجع كتاب (طقات الصوفية ص ٤٨ للسلمي) و أعلام الزركلي ٦: ٢٢٥ - ٢٢٦.

«الأمالي» ٣١٥ ١٢٥٢: لتشيخ المعبد نور الله تعالى مرقده الشريف قوله في ص ٣١٦ س ١: و مجموع مجالسه ثلاثة و أربعون مجلساً أقول في السبعة المطبوعة بطهران (سنة ١٤١٣) إثنا و أربعون مجلساً مرقمة فحسبها.

«الأمالي» ص ٣١٨ رقم ١٢٥٧: انظر ما كساه هامش ص ٣١٢

«الإمام الثاني عشر» ٣١٩. ١٢٦٠: السيد محمد سعيد. أقول على أثر ما جدد بشر بعض أجراء كتاب «عقبات الأنوار» في بلدنا إصفهان بإشرافها و مشاركتها، بلغ نبأ ذلك إلى السيد السد العالم الجليل المشهور بالسيد سعيد العيني المذكور و هو حميد الإمام البارع السيد مير حامد حسين الموسوي البشايوري صاحب عقبات عليه سلام الباري، و كان السيد السعيد يومئذ في العراق فعاد إلى إيران و شرّفها في بيتا بإصفهان يوم الجمعة ٢٤ ذي القعدة سنة ١٣٨٢، و أراما بعض أجراء كتاب جده بكميل والده الأمير ناصر حسين قنّس روحه الطاهر و أسسا حديثه أياماً قلائل و ذكر أنه كان من تلامذة والده العلامة الحجة السيد ميرزا محمد هاشم الرّوضاني طاب مثواه في التحف الأشرف و تذكّر يوم شهادته عريقاً في شريعة الكوفة تمرّى منه و مسمع و ذلك في هار يوم الخميس ٢٧ جمادى الأولى سنة ١٣٥٦، و لا حول و لا قوة إلا بالله، ثم سافر السيد

سعيد إلى قم و طهران و رار مشهد الرضا عليه السلام و عاد إلى بلاده و بلغا بيا وفاته
 ره في سنة ١٣٨٧ و سيأتي له «الإيمان الصحيح».

«الإمامة» ٣٢٠. قال شيخنا المؤلف ص ٢٠٣ : (ح ٢٠٣ : ٢٨٣٤) إن العلامة
 الكبير العظم النظم السيد هاشم البحراني ذكر في أول كتابه «مديحة المعاجز» المطبوع
 الكتب المؤلفة في الإمامة في أريد من مائة كتاب، انتهى و تأتي رسائل في الإمامة في
 ح ١١.

«الإمامة» ص ٣٢١ رقم ١٢٧٢ أقول هذه الرسالة بعين نسختها مما ررقي الله سبحانه
 شراء من بغايا مكتبة صدر الأفاضل لصوي قنص الله روحه و هي في ٥١ ورقة بحجم
 الثمن و المكتوب منها ١٠٢ صفحة و عني طهرها صورة الملكية لميرزا محمدتقي المجلسي
 المعروف بالماسي و لولده ميرزا عريفة ثم لميرزا حيدرعلي بن عزيزالله المجلسي
 الإصفهاني و عليها أيضاً خاتم الأحمرين و النسخة بخط مؤلفها و مرع منها في أوائل
 شهر رجب ١١٠٦ و ذكر اسمه في أولها (محمدأمين بن محمدسعد بن محمدصالح حسام) و
 في آخرها (ابن محمد السعيد الأشرفي محمد أنقب بالأمين و صدرها باسم الشاه سلطان
 حسين و مدحه مدحاً طبعاً و قوله (أشرفي) نسبة إلى شخص والده محمدسعيد في شعره
 بأشرف كما يأتي له [ديوان أشرف مارندرانى ٩ : ٧٨ : ٢٥١] و للملا محمدأمين [شرح
 تهذيب الكلام ١٣ : ١٥٩ : ٥٣٧] و لإجارة ميرزا حيدرعلي قنص سره يراجع ح ١ ص
 ١٩١-١٩٠.

«الإمامة» رقم ١٢٧٥ - ص ٣٢٣ س ٤، ليك ثرد حديقة الشيعة است: استراق حديقة
 الشيعة كما رعمه انحدث البوري و الأمر بخلافه و عدا من الورقة الأولى فليمة وصبتها
 خوف النسخة المخطوطة الكبيرة للحديقة و أيضاً مصورة عدة أوراق من مخطوطة أخرى
 وصبتها في الحديقة أيضاً.

«الإمامة» ص ٣٢٧ رقم ١٢٩٩. أقول اطلبه في «مهرس متحج الدين ١٠٠ : ٢٠٢ ط
 قم» و لانشك أنه الذي وقع التحريف في اسمه بالبربري و البربري و لم يسج منه صاحب
 [أعيان الشيعة ٣٢ : ١٧٢] مراجعه

«الإمامة» ص ٣٢٩ رقم ١٣٠٥ : يراجع (أحياء الدائر ١٢٨ ١٢٩) و ما علقاه عليه
 في نسختنا.

«الإمامة» ص ٣٢٩ رقم ١٣٠٨: أقول يأتي أيضاً بعنوان [المبسوط ١٩-٥٣: ٢٨] فراجع.

«الإمامة» رقم ١٣٢٠ - ص ٣٣٢ من ٨، الآتي. أقول يأتي في ج ١١ ص ٣١٦ رقم ١٩١١ و انظر (مناظرة السيد فتح الله الشيرازي) في ح ٢٢ ص ٢٩٨ رقم ٧١٧٧ و كتاب الإمامة هذا موجود ط عندنا صرح فيه بتاريخه سنة ١٠٨٨ و لم يذكره أحمد المتروى في فهرسيه في عنوان الإمامة لعدم عثوره على نسخة من الكتاب كوالده فلم يعلم أنه بالعربية و راجع [الذبيح ٣: ٧١: ٢١] و [رسالة في المحرم ٢٤: ٧٦، ٣٨٧] و هي بخدة.

«الإمامة» ٣٣٣: ١٣٣٤. للسيد محسن الكوهكمري راجع ح ٤ ٣٨٣ و للسيد ترجمة في «أرمغان إصفهان» ١١٥ فما بعدها و «تاريخ روابط ايران و عراق: ٢٤١» «الإمامة الكبرى» ٣٤١ في إثبات الإمامة، للسيد حسن الموسوي القروي كما يأتي في ح ٤: ٣٧٥: ١٦٤٠.

«الإمامة و البصرة من الحيرة» ٣٤١-١٣٦٠. قوله في ص ٢٤٢ س ١ و هو عم ما ينقل عنه في «البحار» كما يأتي .. إلى آخر ما في القصور الثاني (الرقم ١٣٦١) أقول إن الذي حمل شيخنا المؤلف طاب ثراه على هذا الإقعاء - أعني نقل انتساب كتاب الإمامة و التبصرة للروي عنه في «البحار» عن والد الصدوق عليهما الرحمة إنما هو بسبب تسمية صاحب البحار مأخذاً بعض روايات «جامع الأحاديث» الآتي وضعه باسم «الإمامة و التبصرة» و إلا فكتاب الإمامة المذكور للوالد هو عين ما نقل عنه العلامة المجلسي طاب مضجعه في «بحار الأنوار» كما سأأتي بيانه

قوله في ص ٣٤٢: ٨: «و لكن بالرجوع إلى مسد روايات هذا الكتاب» الخ. أقول الأسانيد المذكورة التي لا تلائم مشيخة الوالد كتبها نكتب «جامع الأحاديث» المذكور في ح ٦: ٣١: ١٤٥ «دول الإمامة و البصرة» و بحسب القول في بيان ذلك أنه قد رغبنا الله سبحانه في تاريخ ١٣ شهر صفر ١٣٨٥ مجموعة مخطوطة وحيدة كانت فيها رسالتان أولاهما «الإمامة و التبصرة» من الحيرة لوالد شيخنا الصدوق طيب الله تربتهما و الثانية نسخة ناقصة من «جامع الأحاديث» لشيخ العقبة أبي محمد جعفر بن أحمد بن عبي الفمي صاحب «العروس» و «العايات» و «مسلمات» المطبوع مجموعاً في طهران

سنة ١٣٦٩ و هذه المجموعة المخطوطة المذكورة هي بعينها التي كانت عند العلامة المجلسي قس سره و نقل عن رسالتيه في البحار، و قد استنسخها بأمره الشريف أحد تلامذه عن نسخة قديمة مخرومة ناقصة، فأنت نسخة لإمامه و التبصرة فقد عرفها العلامة الميرور بسهولة كما عرفها حيث إن اسمها و اسم مؤلفها كان مثبتاً عليها في النسخة القديمة و نقلها الكاتب الجديد كما رآها في هذه النسخة أيضاً و أما نسخة «جامع الأحاديث» فلم يعرفها مؤلف البحار عليه رضوان الله حرماً و نقصان طرفيها من المقدم مصافاً إلى عدم اطلاعه عن وجود كتاب لنفسي باسم جامع الأحاديث بمرّة نسخها في العاية هذا توقمها «أصلاً من الأصول لوالد الصلوق» أو لبعض معاصريه البحار ١ ٧ ط ٢» أو «للتعكري ١ ٧» أو «مؤلف جميل ١: ٢٦» أو «كلاًهما لوالد الصلوق ١، ٤٦»، و أما نحن فقد عرفنا بالعور حيث ذكرنا أن نسخة جامع الأحاديث مطبوعة من قبل و مشهوره و نأتم يعرف العلامة المجلسي ره هذا الكتاب ربما نقل عنه في البحار باسم «كتاب الإمامة و التبصرة» من باب التمام أو من باب العيب، حيث ذكرنا أن نسخة الجامع مدققة بنسخة الإمامة في المجموعة القديمة بخط واحد و هكذا استسبح الكاتب الجديد نسخته.

ثم إن شيخنا المؤلف صاحب النريعة عليه الرحمة لما رأى في البحار المطبوعة أحاديث كثيرة بأسانيد لاتلائم مشيخة والد نصروق عهد، لم يجد بداً من الإنكار فقال إن الكتاب الذي ينقل عنه العلامة المجلسي باسم الإمامة و التبصرة مع أن سد بعض الروايات صحيح بلا إشكال و لكن بعض الأسانيد لا يلائم مشيخة والد الصلوق، فهذا أنكر طاب ثراه مجموع الكتاب رأساً من أن يكون لوالد الصلوق فضلاً عن أن تكون النسخة المنقول عنها في البحار كتبه الإمامة و التبصرة مع أنه كان يؤسعه القول التفصيل حيث قد صرح العلامة المجلسي ره في أوّل كتابه بأن مع نسخة الإمامة و التبصرة لوالد الصلوق أصلاً من أصول القدماء، الخ.

و قد مرّ هذا الإنكار من شيخنا طاب ثراه في (ج ١: ٣٨٣: ١٤ - ١٦) و تكرّر منه في كتابه الآخر «نوايع الأعلام و الرواة في أربعة المآت» و خاصة في ص ٢٠٧ منه، و تبعه في ذلك ناشر النوايع و النريعة فدعى في مقدمة النوايع: الخ، فقلنا نسخة الإمامة و

التبصرة بل بسبب عواصير بحار الأمور عليه الرحمة إلى الخطيء جرماً و ما احتمل أنه يحكر أن يكون هناك من هو أبصر منه و أعرف بانوقع، مع أن فوق كل ذي علم عليم.

فلما وصل إلى النوايع و أحطنا حراً في هالكت كتبنا إليه وقوعه في الخطأ و البهتان و نجرأه على جرح أعظم عنماثنا الأعيان من عمر حجة و لا برهان، و ذكرنا له أن لا اعتبار بعدم الوجدان، بل أرسلنا له نسخة مصورة من نسخة الكتاب الإمامة و التبصرة، و أعطينا بعده مصورة أخرى أيضاً لصديقنا الماحد المخلص في ولاء المعصومين عليهم السلام السيد جلال الدين محدث الأرموى طاب ثراه بطب منه، و ثالثة لأحد المشتغلين بقم.

و الخاصل، بعد ملاحظة الأدلة و البراهين النفاطة و رؤية عين نسخة كتاب والد الصديق في المصورة التي أعطيناها إليها رجع عن قوله في تعليقه له على «الدرجعة ٢٤: ١٨٨» و نكتة مع التأسف لم يدعه إصافه و صداقته أن يذكر حقيقة الأمر كما وقع فتناسي الفصل لمن سن و ادعى أن حنايه هو الخائن لثمت العصبية و أنه الذي وجد نسخة الكتاب عندما في بلدنا بصفهان مع أنه كتب في معناه بلستان، فقال مأجوراً: «ثم لما وجدت أحداً نسخة المجلسي المذكورة عند السيد بصفهان». إلى آخر ما قال، و الله تعالى من وراء القصد.

بقي أن نذكر أن كاتب نسخة من الإمامة و الجامع و هو محمد قاسم بن محمد رضا اهرازي جري من تلامذة العلامة المجلسي طاب ثراه ذكر في آخر نسخة الإمامة و التبصرة أنه فرغ من استكمالها في شهر رجب ١٠٩٧ و نقل هناك خاتمة نسخة الأم بهذه الصورة قال «تم كتاب الإمامة.. و كتب الحسين بن علي بن الحسين الحميري في شهر المحرم سنة ١٢٧٩» انتهى و أمّا نسخة الأم تلك المخرومة القديمة فقد كانت في يد السيد العلامة جامع المعقول و المنقول المير محمد أشرف ابن عبدالحسين بن أحمد العلوي الإصفهاني المجرار من العلامة المولى محمد باقر المجلسي المتوفى ١١١٠ صاحب البحار قدس الله روحيهما فنقل عنها في كتابه القيم «مضائق السادات» ٢٢٩ ط ١ و كذا نقل عن كتاب الإمامة أيضاً صاحب كتاب «عوامل العلوم» كما ينقل عنه غيرهما في غيرهما و الله سبحانه العالم بمصير النسخة القديمة العتيقة و نصيبها، و إلى الله تصير الأمور، و السلام.

«أمان الخليل في دراية الخليل» ٣٤٤. لدجاج عماد المهرسي الطهراني الشيخ محمد مهدي المتوفى ١٣٥٥ ذكره العلامة معتم. يأتي بعنوان «رسالة». في ح ١١: ١١٢. و عدي نسخة منه.

«أمانت إلهي» ٣٤٥ ١٣٧٠ طبع هذه الرسالة في مجموعة الرسائل الثمان راجع «فهرست المطبوعات العربية ٤١٩» و «فهرست المطبوعات الفارسية ١١ ٤٩٢» للمشار. «الأمثال السائرة من شعر أبي الطيب» ص ٣٤٦: للصاحب بن عباد اطله في «كتاب الأمثال ١٧: ٢٦٨: ٢١٠».

«الأمجدية» ص ٣٤٨. يأتي بعنوان [رسالة الأمجدية] في (ح ١١، ١١٥: ٧١١). «الإمكانية» ص ٣٤٩ س ٢٢، الترتيب الصواب الترتيب كما يأتي في ح ٤ ص «...» «أمل الأمل» ص ٣٥٠ رقم ١٤١٠: أفل تكمنا بكلمة وحيرة حو «أمل الأمل» في «شرح روضات الجنات ١ ١٧٢ ١٧٣» و في المعلقة لبحرء المذكور ص ٢٦ و لنا على الكتاب تعليقات كثيرة و يأتي «مسحوق أمل الأمل ٢٢ ٣٧٥ ٧٥١٦» و عندما الآن نسخة من الأمل تمامها ماً و سألنا عنها أحدنا الإمام العلامة المجاهد المجتهد المحد صاحب الروضات فرع من كتاباتها بخط الجليلي [عصر يوم النشاء الواقعة في العشر الأوائل من شهر رمضان المبارك ١٢٤٨ بعصمة خواسار] فل هجرته و هجرة والده و جمع من الأقارب إلى إصمها و أشار في القائمة إلى وقوع فتنة عامة في البلدة و قد استنسخ الجدل الأجل تلك النسخة عن نسخة التي استنسخها أخوه العالم الفاضل السيد محمد جواد مع حواشي الأمير محمد ابراهيم القروي كما يأتي في «تتميم أمل الأمل ٣: ٣٣٧: ١٢٢٢» و نسخة السيد محمد جواد الآن في خزانة الكتب مدرسة سبها سالار العامة بطهران و قد رأينا هناك و تاريخها «عصر يوم الإثنين ٤ ح ٢- ١٢٤٨» و رأيت نسخة من الأمل مع حواشي العلامة الميرزا عندته أفدي صاحب «رياض العلماء» عند السيد العلامة المرعشي النجفي في قم استعيد منها عند طبع الرياض بقم

و أما طبعات أمل الأمل فذكر المشار في فهرسيه أنها مطبوعة أولاً ملحقه بالطبعة الأولى لرجال «مستهل المقال» طعة حجرية بطهران سنة ١٢٦٨ و لكن لا يصح هذا فيها نظراً فإن نسخة منه خالية عن الأمل و لم يقل به غير المشار و هو رحمه الله كثير الوهم

في كتبه و إنما طبع معه الطبعة الأولى لكتاب «توضيح المقال» والطبعة الأولى للأمل هي المنقحة بالطبعة الثانية مسهية المقال الحجرية الظهرانية أيضاً في سنة ١٣٠٢ و معها الطبعة الثانية المكتملة لتوضيح المقار و أيضاً «وجيزة الدراية» للشيخ البهائي ثم طبع طبعة أخرى سنة ١٣٠٧ حلف مبهج المقار ثم طبعة جديدة في مجلدين سنة ١٣٨٥ في الصحف الأشرف كما طبع قسم من تكملة الأمل لشح مشايخنا العلامة الحجة السد أبو محمد الحسن صدرالدين سنة ١٤٠٦ مدينة قم المشرقة كلامهم باعضاء الحاج السيد أحمد الحسيني الإشكوري النجفي الذي اهتم بطبع قسم من رسائل العلماء أيضاً في قم
ص ٣٥٠ من ١٢، الشيخ عبدالله: توفي الشيخ عبدالله آخر سنة ١٣٦٨ بجمع، كما في ترجمته في النقاء ص ١٢٠٢.

ص ٣٥٠ من ١٤، مقتضياً. قال جندنا المؤلف للأمل في عاصمة كتبه «العاشره اعلم أن هذا الكتاب يلحق أن يكون متعمداً للكتاب الكبر في الرجال لمؤرخ محمد بن علي الاسترآبادي المشتهر.

﴿آيات النبي صلى الله عليه وآله﴾ ص ٣٥٢ يراجع (موارد الانتخاب ص ١٨٩).

«الأمير حمزة» ٣٥٢: ١٤١٤ له ترجمة بالعربية كتاب كبير مطبوع أدبي.

«انتخاب تلخيص الخصال» ص ٣٥٧ رقم ١٤٤٤. أقول يراجع كتاب [أحوال و آثار

خواجه نصيرالدين: ٢٦٢ - ٢٦٦]

«انتخاب الجيد» ٣٥٨: ١٤٤٥ من تسيهات السيد لشيخ حسن الخ. أقول ترجمة

الشيخ حسن هذا في «أنوار البيرين» ٢١٧ و لم أجده في «الكرام البررة» و نسخة من اسماحه الجيد مما اشريهاها من بغداد مكتبة ابن حاتم العلامة أبي الجحد محمد الرضا رحمه الله، و سواني للشيخ حسن «أوراد الأبرار».

«الانتصار لبي فاطمة الأخيار» ٣٦١ شيخ شرف العبدلي ذكره في عمدة الطالب:

ص ٢٣٢ ط الصحف الأشرف على مشرقه أفاضل تحفة و التحف

«النجس بحاقل» ٣٦٥: ١٤٨٠. نسخة منه في خزانة كتب مجلس الشورى بطهران و

نسخة أخرى كانت في ملك الحاج الشيخ أحمد بيد الواعظين في إصفهان قال في مقدمة

كتابه «مجلد برين ٤٢» إن المظنون هو أن نسخة نخط المؤلف، و ذكر أن المؤلف

لأنجس خاقان توفي سنة ١٢٥٢.

«إنجيل أهل البيت» ص ٣٦٥ رقم ١٤٨٢: أقول يتعلق على كتاب «الصحيفة الشريفة السجادية سلام الله على مشتها» «إنجيل أهل البيت و ربور آل محمد» كما يطلق عليه أيضاً «أخت القرآن الكريم» راجع «النبرعة ١٥: ١٨-٩٥» و ما ذكرناه في التكملة.

«إنجيل برنابا» ٣٦٦، ١٤٨٣. راجع مقدمة بحثي لسوي عنوانها «اسلام ار دريجه چشم مسيحيان» طبعث في المجلد الثاني من كتب «محمد حاتم يماميرك ٢٤٧» و في كتاب [الأعلام ٢: ٣١٨] لبرركسي أن لكتاب الطيب السابي الأصل خليل سعادة مجاعص (١٢٧٣ - ١٣٥٣) المسق من مصر إلى بربريل و انتوفى بها صاحب تأليف مطبوعة منها [ترجمة إنجيل برنابا - ط].

«أنس الخواطر» ٣٦٧، ١٤٩٠. أقول راجع (نسم العريد) في ح ٢٤ ص ١٠٤.

«أنس الزاوي» ص ٣٦٨ قال لبرركسي في [الأعلام ٤: ٢٧٧: ٢].

«أنس الخواطر» ص ٣٦٨ رقم ١٤٩١. أقول الصواب أن اسم الكتاب «عيون البلاء» في أنس الخاصر و تعله المسافر» كما يأتي في موضعه ١٥، ٣٧٧، ٢٢٧٥.

«أنس العالم» ٣٦٨: ١٤٩٢ ذكره الشيخ الطوسي فتنس الله تعالى روحه الشريف في كتاب المهرست باسم أنس العالم و تأليف المتعلم.

«أنس الوحيد» ص ٣٦٨ رقم ١٤٩٦. أقول ذكر الشيخ الأخر يحيى ابن البطريق الحنفي رضي الله تعالى عنه و ارضاه المتوفى سنة ٦٠٠ في مقدمة كتابه «العمدة ص ٧-٨ ط قم» ما لفظه الشريف [و أيضاً ما ذكره الشيخ السعيد أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي المقدم ذكره في كتاب أنس الوحيد في عشر قائمة الجزء الأول من الكتاب المذكور] الخ.

«أنس الوحيد» ص ٣٦٨ رقم ١٤٩٧: راجع (بور البراهين ٢٤: ٣٦٣: ١٩٥٩).

«الأنساب» ص ٣٦٩. انظر (مع الأنساب) في (ح ٣١: ٢٩٤: ٥١٣٦) و لعل الصواب (مع) بانهملة ثم المعجمة منشده. و مر [لاكس في الأنساب ٢٨٠: ١١٣٧] و ذكرنا [البحث في النسب] في موضعه من التكملة.

«الأنساب» ٣٧١، ١٤٩٨. راجع ح ٢٤، ٤٣٠، ٢٢٥٦ و قد سنده شيخنا المصنف مؤخراً «حديثه السب ٦: ٣٩٠: ١٩» و لا أدري الآن مشأ تلك التسمية إلا أنه قال في أواخر هذا العنوان (في الصفحة الثانية) إن بعض الفضلاء عبر عنه بهذا العنوان و قد

توجد ترجمة الملائ أبو الحسن هذا الذي كان مدرّس العربي في «مكارم الآثار ٥». رقم ١١٠١ مناً و هامشاً و بعد الطبع أيضاً و ذكره صاحب «مئة الراغبين ص ٤٥٩» مختصراً و من أخطائه في ترجمته أولاً حذف اسم محمد بن عبي و معترف في أجداد الرجل و ثانياً رعمه أن أمه بت الأمير محمد صالح و غير ذلك و كأنه لم ير نسخة من كتابه الأسباب و الله العالم. و من جملة آثاره الهامة «بصائع سوك ٢٤، ١٢١ ١٨٨٨» فراجعه و نحن نقلنا في كتابنا «جامع الأسباب ٧٥» تعليقه عن هدمش «عمدة الطالب ١٨٦ ط السجف» المقولة عن هامش نسخة مخطوطة معتبرة حدث بصتها «و قد ذكر صاحب المشخّرة القديمة التي هي الآن عند بعض سادات آر طمعه في مشهد كربلا إلى سنة ١١٦٤ التي انتخب منها شيخنا أبو الحسن مدرّس العربي بوز الله رسمه» انتهى موضع الحاجة فظهر من هذا الكلام أن الرجل كان في عصره مدرّساً مشتهراً في السجف الأشرف و أن كتابه و هو هذا المصون بالأسباب منتخب مشخّرة هدمه كانت نسخة تلك المشخّرة الأصلية موجودة في سنة ١١٦٤ ثم إن نظراً إلى كلام الشرف أبو الحسن في مقدمة كتابه هذا استحسناً سمّيته «كتاب الأسباب الكاشف للنقاب عن خدائق الألباب في معرفة الأسباب» فكتبنا هذا العنوان على الورقة الأولى من صيغتنا المصوّرة

ص ٣٧١ س ١٧، خدائق الألباب: أقول يأتي ذكر خدائق هذا في (ج) مستمداً من الأسباب هذا من دون زيادة اطلاع ما و عنده نسخة مصوّرة من كتاب الأسباب المذكور للشيخ أبي الحسن و لراجع «ماضي السجف و حاضرها ٣ ٤٨».

ص ٣٧٢ س ١٠، رأيت منه النسخة أقول رأيت أنا نسخة من هذا الكتاب بخط العلامة الحجة الحاج السيّد أحمد الرضائي قلّس سرّه عند ولده العلامة الحجة صديقنا الحاج السيّد موسى الشيرازي الرضائي دام ظنه في قم و في بينه في شهر رجب ١٤٠٢. ثمّ أتني طبيب من السيّد الصديق أن يحيرني في أحد صورة من نسخته فأرسل إليّ النسخة مشكوراً و حصلت نسخة مصوّرة كاملة منها و الحمد لله ربّ العالمين. و ذلك في ١١ ع ١ سنة ١٤٠٣

ص ٣٧٢ س ١٧: (راجع ح ٢٤ ص ٤٣٠ ٢٢٥٦) و (جامع الأسباب ص ٧٥ متر و

حاشيه قلمي).

ص ٣٧٢ س ٢٠، شجرة السيفين: أقول يأتي في موضعه ١٣: ٣١ ٩٨ و هو الذي سماه في مقدمة الطبع للمجلد ٢٠ ص ٢٠ يب «تشجير حديقة نسب للاهوي»
 «الأنساب» ٣٧٢ - ١٤٩٩. سيّد أبي طالب الرضائي. أقول لا يخفى أنّ عمود نسب السيّد أبي طالب المذكور في المن مصابيح تماماً لما أخذ القس «مصورة نسخة الرضويّة، في ١٦٤» و لكن يختلف عن الصورة المذكورة في «لشجر الكشاف» فراجع كتاب «جامع الأنساب ١. ٩١» و (مئة الراعي ٢٨٦) و لم يذكره المصنف في طبقاته اللهم إلا أن يكون هو المذكور في «فهرس الشيخ منتجب الدين رقم ١٢٨» بقوله [نقيب الحسين بن محمد الرضائي (الرضائي. ح) المجاور بالحرمين صالح] انتهى فقله عنه شيخنا المصنف في (الثقات العيون ٨١) من دون إشارة إلى ما احتسبه و هو بعد و الله العالم و يأتي للرضائي هذا (المعارف ٢١ ١٨٦) ثم إن مصنف عود الرجل هنا يأتي طالب الرضائي و أنه ابن الحسين و في (المعارف ٢١ ١٨٦) أيضاً يأتي صاحب الرضائي الموسوي فقط و ما في المن موافق لما أحده كما قسناه و لعنه من غلط السجدة و أن الصواب أن أناطال كنه للحسين فأبو طالب الحسين هو ثقب المحضرة و صاحب الأنساب و المعارف و علّ وصفه بنقيب المحضرة من جهة ما ذكره المنتجب و الله العام. م ع ر في ٢ ع ٢ س ١٤١٣
 «الأنساب» ص ٣٧٣ رقم ١٥٠٠ أقول بل يأتي بصواب [أنساب آل أبي طالب: ٣٧٦. ١٥١٤].

«الأنساب» ٣٧٣ ١٥٠٢ لعن لأصحاب، فارسي كير أقول سيأتي في ص ٣٨٤ الرقم ١٥٣٥ سخنان من «الأنساب المنشجرة» موجودان في مكتبة مدرسه سيهسالار المذكورة.

«الأنساب» ٣٧٤ ١٥٠٥. لاس الصوي. أقول هو المذكور في «عمدة الطالب ٣٦١ ط ١ النصف» و انظر الرقم ١٥٢٨ في ص ٣٨١ من هذا الجزء و أيضاً الرقم ١٥٣٨ في ص ٣٨٧.

«الأنساب» ص ٣٧٤ رقم ١٥٠٦ شيخ الشرف الديوري، انظر (مئة الراعي ٢٦٧) و (الباب ١٨٣) و يأتي له (جرائد السد ٥ ٣٩١) و ولده أحمد مذكور في (مئة الراعي ٢٣٧).

«الأنساب» ٣٧٤: ١٥٠٨ لشيخ الشرف أبيه أقول هو المذكور في «العمدة: ٣١٤» و له أيضاً «تهذيب الأنساب» التي ذكره في ج ٤ و قوله في س ١٩: ٢٠ (الحسن بن ابراهيم) أقول الصواب (الحسن بن عبي بن ابراهيم) مع كما يأتي في ج ٤: ٥٠٨: ٢٢٧٢ عند ذكر كتابه الآخر «تهذيب الأنساب».

«الأنساب» ص ٣٧٥ رقم ١٥٠٩ س ٣، استشهد شهاب الدين: أقول سيأتي للولد الرقم ١٥٣٠.

«أنساب آل أبي طالب» ٣٧٥: ١٥١٢ على مع عمدة الطالب. أقول يأتي ذكر هذا الكتاب أيضاً في ج ٢٤: ١٣٤ بعنوان «نسب آل أبي طالب» و يراجع لنسب مؤلف العمدة و الاختلاف في بعض الأسماء «الدريعة ١٥: ٣٣٦» و مقدمة «المفصول المخترية» ١١ ط طهران «بقلم الأستاذ الباقية جلال الدين المحمدي ره و مقدمة العمدة ط السجف و مقدمة المجلد الأول من كتابنا «جامع الأنساب» و مع تحف بها بعد الطبع في هوامش نسخا الخاصة و انظر أيضاً المفصول المخترية ج ١٨١. ص ٣٧٦ س ٥، كما ذكره: انظر (الدريعة ٤٦ رقم ٧١٠) و راجع «المفصول المخترية» لابن عتبة ص ١٨٠.

«أنساب آل أبي طالب» ص ٣٧٦ رقم ١٥١٣ س ١٤ قوله الحسيني، أقول كذا فيما يأتي له في (ج ١٣ ص ٤٢: ١٣٣) باسم (شعرون لأحاديث) و كذا أيضاً في كتاب (النايس ص ٣١) لشيخنا المصنف ره و لكن الصواب (حسيني) بفتح الحاء كما يأتي في (ج ١٢: ٧٤: ٥١١) عند ذكر كتاب آخر له اسمه (رهرة برباص) و كما في كتاب (مبية الراعيين ٢٣٧) و (مهرست منتخب الدين ص ١٠ ط قم) و التعبيقة اهامة عليها

«أنساب آل أبي طالب» ٣٧٦: ١٥١٤ لأبي طالب المروري أقول هذا هو كتاب المخري كما يأتي في كلام مصنف ره و لكن يكتب يُعرف دائماً باسمه «المخري في النسب» و ليس هو ما يقص عنه السيد عبدالرزاق كموه قنن سره في كتبه التسمية كما سنده و انظر لربما ما مر في (ص ٣٦٣: ١٥١٠)، و يأتي المخري في موضعه من ج ١٦: ١٢٥ و لا يخفى أن نسخة المخري هذا لم يكن عند صاحب العمدة و غيره من النسابة المشهورين سوى ما يوجد من عباراته في «مشتر انكشاف» بلا عرو و لعلها

أيضاً بواسطة «الثبت للصاب» والله أعلم و أما مطالب و العبارات التي ينقلها السيد الجليل الكمونة السجفي في مواضع من كتبه «موارد الأنحاف» مثل قوله عند النقل «ذكره أبوطالب اسماعيل المروري في أنساب الطالبية» فلا يريد بذلك كتابه «العصري» لأنه محال عن تلك العبارات، و لم يتفوه الكمونة به بشيء حول وصف نسخته المذكورة في شيء من كتبه فاطر ما سذكره في المتعلقة على الرقم ١٥١٧ و لا تس الرجوع إلى ما ذكرناه أيضاً بhamش ح ٢٤ ص ١٣٩ رقم ٦٩٩ ثم إن من جملة ما أحد ترجمة السيد أبي طالب المروري المذكور هو «لأبواب الساطعة ص ١٨» لشيخنا المؤلف به و «مئة الراعي، ٣٢٤» للسيد كمونة فليس لقه روحهما.

«أنساب آل أبي طالب» ص ٢٧٧ رقم ١٥١٥ أقول و يأتي الكتاب أيضاً في (ح ٢٤:

١٣٩ : ٦٩٨) من غير توضيح.

«أنساب آل أبي طالب» ٢٧٧ ١٥١٧. علم أن الذي ظهر لنا بعد التأمل في كتاب شعاع النصف به أنه بعد طبع الجزء الأول من الكتاب هذا وقف بعض أصدقائه الأفاضل على ما حرره في هذا الموضع و استشكل عليه في بعض مطالبه منها نسخة الكتاب إلى الشيخ أبي نصر البجاري فاستقرت نسخة ذلك في ملاحظته له أوردها في خانة (ح ٣: ٤٩٠) ثم إنه طاب مصححه لم يتوقف عن العمل و السط في تحقيقه و توضيحه حول هذا الكتاب المجهول إلى زماننا هذا، فأعاد الكلام عليه في (ح ١١. ١١٩ بعد الرقم ٧٤٨) و أكد به عن المحض و التقييد فتراه أيضاً قد بسط القول حوله في (ح ٢٤. ١٣٩. ٦٩٩) فصدق قوله عليه الصلوة والسلام: «مهما كان لا يشعاع، الخ. و أما عن عدم يصحنا تحقيقاته «شكر الله مساعيه» في المواضع الأربعة فإننا لم نثر على شيء من التسهيلات الموصوفتين للكتاب: نسخة سيدنا الحسن صدر الدين في بغداد و نسخة العلامة الشيخ علي كاشف الغطاء في السجف الأشرف و لم ينقل شيخنا به و لا جملة من ألقاظ الكتاب مطلقاً كما أننا لم نثر على كلمة للسيد الصدر «طاب مصححه» حول هذا الكتاب و نسخته منه في شيء من تأليفه مطبوعة فيما علمنا، و لا على كلمة لغيره من فعلاء العراقيين حول الموضوع. و بعد استبنا و التي نقول إن الذي نظمه في أمر ذلك الكتاب القيم الموجود منه نسخة في بغداد و السجف الأشرف (كما مر) أنه بعينه هو

الذي يأتي في (ح: ٢٤: ١٣٥: ٦٦٦) بقوله «سب آل أبي طالب، مؤلف مجهول آله حدود عام ٦٠٠ نسخة ناقصة الأول و الآخر استنسخها عبدالرزاق كمونه بخطه»، إلى آخر ما ذكره مما هو مطابق لأوصاف السختر، من دون الثمات شيخنا إلى هذا الأمر. فلو أن السيد الكمونة أخير شيخنا بمكان أصل نسخته - و لا يظنه سوى نسخة كاشف العطاء ره لا رتمع النزاع من البر، و لكن السيد ره 'حفي الأمر و لم يُظهره لشيخنا المصنف و لا في مؤلفات نفسه، و نظراً أن الكتاب الذي ينقل عنه السيد دائماً في كتبه السببية باسم «أنساب الطالبية لأبي طالب المروزي» يسرّ إلا هذا الكتاب المجهول الذي يستبعد كونه تأليف التسابة المروزي و ليس إلا الكتاب الذي ذكر شيخنا أنه مؤلف مجهول و بخط السيد كمونة ره، و الله سبحانه العام، و قد بحث حول الموضوع أيضاً في القسم المخطوط من كتابنا «جامع الأنساب» و يأتي أيضاً في مواضع المذكورة من الدرجة و في تعقيقات عليها، و لا يجوز لنا إطالة الكلام في هذا المعام أكثر من ذلك

قوله طاب مصحفه في السطر ١٩ «آله آدم الحاصر بالله» الخ أقول يريد به الحاصر لدين الله أبا العباس أحمد بن المستنصر بأمر الله، يوتغ بالخلافة ٥٧٥ و مات ٦٢٢ كما في كتاب «الصخري في الآداب السلطانية لابن الطقطقي» ٣٧٤ فما بعدها ط بيروت و كذا في كتاب «تجارب السلف لعلو شه بن سحر» ٢٨٣ فما بعدها. طبعنا بإصعها». أمّا الورق ناصر بن مهدي فهو السيد بصير الدين أبو الحسين العلوي الرازي المذكور في «ابن الطقطقي ٣٢٥ و التجارب: ٢٩٥ و موارد الاتحاف ١: ٨١» فوّست إليه الورادة حوالي ٥٩٣ و قُبض عليه في ٦٠٤ و مات تحت الاستظهار في ٦١٧ و دفن بمشهد الإمام موسى الكاظم صلوات الله و سلامه عليه. و أمّا السيد شرف الدين محمد بن حرّالدين يحيى فهو و والده الشهيد في ٥٨٩ أيضاً مذكوران فيما سُمّياه من المآخذ، و بواريج و فصوص الجميع أيضاً مبسوطة مسطورة في «تكملة لابن الأثير» و «مرآة الزمان للسيط» و «التكملة لوفيات الفقه» و «التاريخ المصور» و أمثاله في مواضع عديدة و السلام.

قوله فتن سرّه في س: ٢٣: «ينقل عنه كثير في (عمدة الطالب)» الخ. أقول إن الذي ينقل عنه كثيراً في عمدة الطالب إنما هو أبو بصير البخاري التسابة الشهير كما هو

معلوم، فعود الصمصرة في قول شيخنا «يقول عنه» إلى البخاري لا إلى الكتاب الذي مرّ و
يأتي فساد سبته إلى البخاري.

«أنساب آل أبي طالب» ٣٧٨ : ١٥١٨. لشيخ رشيد الدين. انظر «مئة الراعي» ٣٠٦.
«أنساب آل أبي طالب» ٣٧٨ : ١٥١٩. لأبي الحسن يحيى راجع السريعة ٢٤ : ١٣٥ رقم
بعد ٦٦٦.

ص ٣٧٨ س ١٧، ألفاً: في ص ٣٧٤ س ١ و ٢.

ص ٣٧٨ س ٩، أبو محمد الحسن: راجع (مئة الراعي: ١٩٨)

ص ٣٧٨ س ١٨، السيد أحمد: انظر ص ٣٨٢ : ١٥٢٢

«أنساب آل أبي طالب» ٣٧٨. السيد خراج مورا كاظم الطباطبائي التبريزي وكيل
الرعايا المعروف بالحاج وكيل ثم اعتصم الامانة، من فصلاء طائفة المشهورة في تبريز.
أورد ترجمته مهدي قائم في «تاريخ رجال ايران ٣ : ١٤٩» بعلاً عن «تاريخ تبريز»
٢٥٥ «لنادر ميرزا و قال في وصف كتابه المذكور ما تعريه. لم يصنف في علم الأنساب
نظيره من حيث الكمال و الحامضة و الشرح و البسط، انتهى و قال: من آثاره تصحيح
كتاب «كفيه و دمه» بإشارة من حسيني صاحب أمير نظام گروسي و أبي أدرياجان و
طبعة في سنة ١٣٠٥ و كان السيد في ١٣٠٩ حاكم دهنوارقان، انتهى

«أنساب آل أبي طالب» ٣٧٨ : ١٥٢٠. راجع [مهرس الشيخ منتخب الدين ص ٢٠٠

٢٠٢ ط قم] تحقيق العلامة السيد عبدعزير الطباطبائي

«أنساب آل الرسول» ص ٣٧٩ رقم ١٥٢١. أقول مرّ للسيد عبدالله [الأديان و الملل
١ : ٤٠٤ : ٢١٠٣] و يأتي به [الحلال و الحرام ٧ : ٦١ : ٢٢٦] و ذكره شيخنا المصنف ره في
[الناس في القرون الخامس ١١١] و لكن السيد كحوة أورده في القرون الرابع من [مئة
الراعيين ٢٠٨] و هو ضعيف. و ذكرنا نرجل حماسة في كتابنا [جامع الأنساب ١ : ٨١.
١٠١] و خرج من الطبع عتلاً فسقط اسم أحمد بن موسى الميرقع من الذين و رقم
الصفحة للسريعة صوابها ٣٧٩ و لا حول ترجمة الرجل و عقبه و آثاره تحقیقات معتبرة
في بطون المعاني و حواشي الكتب مطبوعات و مخطوطات و إلى الله المصير. حرّرت
هذا في يوم الأربعاء الثالث من شهر رمضان المبارك ١٤٠٨ هـ قلقاً مضطرباً تمامها من

إصابة الدبابات السارية الهدامة العراقية في بسن إصبيهان على الاستمرار آخرها الساعة الواحدة تقريباً صباحاً ليوم الماصي و لا ممحاً من الله إلا إليه و صلى الله على سيدنا محمد المصطفى و آله الطاهرين.

«أنساب الطالبين» ص ٣٨١ رقم ١٥٢٨: أقول انظر «الشجر ٤: ١٨٣. ٩٢٠»

ص ٣٨١ س ٨، في كتاب الأنساب لوالده: رقم ١٥٠٥

«أنساب الصفوية» ٣٨١. أقول اسمه «سعد الأنساب» مظلوم يذكر في ج ٩: ٣١٨:

١٨٨٣.

«الأنساب العلوية» ص ٣٨١ الذي سمى شيخنا المصنف في (الناس ٦٨ و ١٢٢) إلى حسين بن محمد بن أبي طالب ابن طباطبا و الذي ذكره في الكلمة بعوان (عمر الأنساب ١٣ ٣٢) و هو الذي ذكره المصنف بعوان «تهديب لأساب ٤: ٥٠٨: ٢٢٧١». م ع ر في ٢٥ ع ١ سنة ١٤١٣

«أنساب العلويين» ص ٣٨١ رقم ١٥٣٠: أقول مرّ لوالده الرقم ١٥٠٩ و في كلا الموضعين وصفهما بالحسيني التبريزي.

«أنساب المجلسي» ٣٨٢ ص ١٢ قوله: مرّ بعوان إجازة مهدياً حيدر علي. أقول مرّ في ج ١: ١٩١ و راجع «الكرام البررة ٤٥١» و «مكارم الآثار ٢: ٥٢٩» و «زبد گينامه علامه مجلسي ١: ٣٤٧» و لا يخفى عليك أن بحارة الميرزا حيدر علي عمر رسالته في أنساب عشيرته و انظر أيضاً «تذكرة المجلسي».

«الأنساب المشجرة» ص ٣٨٢ س ١٦، و يأتي في ج ١٣ ص ٢٩

«أرجوزة في سلسلة نسب» الخ ص ٣٨٢: عوان لتسعة مظلومات مرّ ذكر جميعها في ج ١ ص ٤٧٧ - ٤٧٨ فليراجع لراماً.

«الأنساب المشجرة» ٣٨٢. ١٥٣٢ لسند أحمد بن محمد بن الهيثم. أقول: نسخة من كتاب السب المشتر لأحمد العبدلي هذا موجودة في الخزانة الرسولية بمشهد عراسان و عندما مصورة كاملة منها، ذكر المؤلف اسمه و عشيرته في «الورقة ١٠٤ ط» و تاريخ تأليفه سنة ٦٥٧ في وجه الورقة ٩٥ و الرّجس مذكور في «المشتر الكشاف ١٢٣ ط مصر» و ربما يُذكر الكتاب بعوان «بحر لأساب» و كذا «تذكرة الأنساب» و

«تذكرة السب» و رأينا نسخة أخرى لنكتاب أيضاً في الخزانة المذكورة في شهر رجب ١٤٠٢ و انظر في هذا المجلد ص ٣٧٣ س ١ و يأتي ذكر الكتاب أيضاً في ج ٢١ : ٤٥ بعنوان «مشجر السب» و راجع «مدتيل مشجر السب» في ج ٢٠ ص ٢٥٩ و انظر «ج ٨ : ٢٧٣» و تعليقاتنا هناك. و المؤلف المذكور في «لأنوار الساطعة. ١٢» و كتاب «منية الراغبين: ٣٦٨».

أقول انظر ما ذكره المصنف في «تدبير الأسباب. ٤. ٥٠٨ : ٢٢٧١» و انظر لراما «دين الأسباب المشجرة ١٠ : ٤٧. ٢٦٨» و «مدتيل مشجر السب ٢٠ : ٢٥٩ : ٢٨٦٧» و قد رأيت مصورة بعض أوراق للمتن المذكور (عنى الظاهر) عند شخص ادعى أن أصلها المخطوط عند ولد الشيخ «...» حذر انتهى بطهران و وعدني بحبر عن إرادة بيعها في عام ١٤١٢ و لم يعد بعد ذلك. م ع ر في ٢٥ غ ١ سنة ١٤١٣ ص ٣٨٣ س ١١. النسابة العقيقي انظر ص ٢٧٨ : ١٥١٩.

ص ٣٨٤ س ٢، و كتب اسمه بالذهب في وسط الصفحة. أقول و هكذا نسخة الخزانة الرضوية في ظهر الورقة ٦٣ كما هو المشاهد في نسخة المصورة، و الله اعلم. «الأنساب المشجرة» ٢٨٤ : ١٥٣٣ : ٥. حوله في أنساب الطالبيين أقول بل في «أنساب آل أبي طالب: ٢٧٦ : ١٥١٤» ملاحظ.

«الأنساب المشجرة» ص ٢٨٤ نسخة موجودة في الخزانة الرضوية و عنها اخذت تصويراً كاملاً في ١٩٠ ورقة و في آخرها توقيع هذه الصورة «أحسن بن عبد الله ابن أحمد الحسيني النسابة الشهير بسيد ركن الدين نقيب الأشراف و ذلك في شهر محرم الحرام سنة ٨٧٣» انتهى. و الظاهر أنها الصورة انقصة لما جدد و طبع المجلد باسم «بحر الأنساب» باهتمام الخاج السيد محمود الحسيني المرعشي في طهران سنة ١٣٨٥ فليتحقق إن شاء الله و عل «الأنساب المشجرة» لجدد و «بحر الأنساب» للمجدد.

«الأنساب المشجرة» ص ٢٨٤ رقم ١٥٣٥ : أقول مرّ في ص ٣٧٣ ذكر نسخة من كتاب الأنساب في تلك المكتبة و يأتي المشجرتان في (ج ٢١ : ٤٦. ٣٨٩٢).

«الأنساب المشجرة» ٣٨٤ : ١٥٣٦ أقول توجد نسخة قديمة من هذا الكتاب الكرم المبسوط في إحدى مكتبات تركيا و عندها مصورة منها.

ص ٣٨٥ س ٣٢، كما في هذه النسخة: ق ٣ من نسخة منصور.

«الأنساب المشجرة» ص ٣٨٧ من ٢، العربي «صواب العربي بالعين المعجمة و الفاء».

ص ٣٨٧ س ٥، شجرة النبوة و الشجرة النقية. أقول كلاهما مذكوران في موضعهما بالتصويل.

«الأنساب المشجرة» ٣٨٧: ١٥٣٨ لأبي الحسن علي. أقول راجع الرقمين ١٥٠٥ و ١٥٢٨.

«الأنساب المشجرة» ص ٣٨٧ رقم ١٥٤١، انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان «المشجرة المهدية ٢١: ٤٥».

«الأنساب المشجرة» ٣٨٨: ١٥٤١ نسطح أبي صالح محمد المهدي أقول هو تلميذ ابن عمه الملا أبي الحسن المذكور في ص ٣٧١ رقم ١٤٩٨ من المصنف في «مصطفى للمال ٤٧٤» عند ترجمته [له أرجورة لطبعة في توزيع طبعه بمكة عليهم السلام و كتاب مشعر في أنساب دراريهم رآه سيّدنا الحسن صدر الدين قوله: أحمدك اللهم باري السم، مصلياً على رسولك العظم] انتهى أقول أولاً إن هذا الشيخ أول ما افتتح به «الأرجورة ١: ٤٦٧ ٢٣٢٧» كما مرّ و كما في «ماضي السجف ٣: ٥٤» و «معارف الرجال ٣: ٨٤» دون غيره و ثانياً إن سيّدنا الحسن صدر الدين هـ يذكر عند ترجمة الرجل في «تكملة أمل الأمل ٣٩٢ ط قم» كتاب النسب المشعر به كما لم يذكر أرجورته و الذي يطلب على طي أن السيّد حين كتابه الإجارة لشيخنا مصنف اشتبه عليه الأمر حسب كتاب «الأنساب ٣٧١: ١٤٩٨» للاستناد سواء رآه أو لم يره إلى تلميذه المهدي و بهذا الاعتبار يعني اعتماداً على المصنف ذكره صاحب «مئة ترايعين ٤٧٥» و لا عبرة به و بما ذكره صاحب «معارف الرجال ٣: ٨٣» من عدّ «الأنساب المشجرة» من مؤلفات الرجل من دون استناد و بطل أن مأخذها كتاب الذريعة و شبهه كما هو الحال في «معجم رجال الفكر و الأدب ٣٢٨: ١٣٣٦» للأسي و هـ صريح كلام صاحب «ماضي السجف ٣: ٥٤» حيث قال عند ترجمة أبي صالح ما نصّه [آثاره به الأنساب المشعر كما في الذريعة]. و بما يؤيد ما ذكرناه في أمر السيّد صدر و ما صدر عنه في إجارة شيخنا

للمصنف أن صاحب «أعيان الشيعة ٤٧: ٤٩ ١٠٧٤٧» لما عيون الشيخ أباصح ابتداء بقل ترجمته عن تكملة الصدر فقال ما نصه [في تكملة أمل الأمل للعقبه المحدث السانية شمع المشايخ في عصره] الخ و لكن هذا الكلام لا يوجد في النسخة المطبوعة من التكملة فيظهر من المطابقة بين النصين أن السيد الصدر حرر ترجمة الرجل أولاً حسب ما نقلها عنه سيد الأعاب ثم عطف خطاته في عدة الرجل سانية فقير و بدب ترجمته و حررها ثانياً كما تراها في النسخة المطبوعة و ليس فيه ما يشعر أو يوهم سانية الرجل و يريدك بياناً أن الصدر لم يذكر في ترجمة الملا أبي الحسن كتابه في لأسباب و لا تعرض لعنه بالنسب و لم يصمه بهذا العنوان مطلقاً فعلم من ذلك أن الصدر لم ير كتاب أبي الحسن في الأسباب أبداً بل سمع من البعض أن للصوى كتاباً في النسب فحسبه لأبي صالح و أنه في إجارة المصنف و سرى الوهم من تلك الإجارة إلى آثار شعاعه و منها إلى سائر المؤلفين و أما السيد الصدر فراجع أنه عطف خطاته في ذلك و لم يعده في سائر آثاره كما أنه لم يرد في وصف الرجل في [ظلمات الإمامكم بالروايات] على قوله الشيع المحدث و المحدث البوري في عاتمة المسدرك ٣٨٧ و وصف بقوله [عنه العصلاء و المحدثين و ربهدة العلماء العاملين أبوصاح] فقط و «لله الإمامكم بحقيق للأمر» م عر عمي عنه في ١٤ محرم ثم في ٢١ شهر شعبان المعظم ١٢٠٨

«أسباب النواصب» ص ٣٨٨ رقم ١٥٤٣ أقول راجع (عوائد المطالب في رد أسباب النواصب) في ج ١ ص ٣٥٩ رقم ١٦٦٦ ثم بد لم يجد للرجل ترجمة في (رياض العلماء) و لكن الأملدي ره ذكره في كتابه الآخر «نعمه ضروريه شعاعه في ١٤٠» بقوله ترجمة [و مولانا علي داود الاسترآبادي الحادم لمرصه المقدسة الرصوية العاقل المعتبر المعروف المجتهد في كتاب أسباب النواصب] انتهى ترجمه موضع الحاجة. و راجع لراماً [مرأة العقول ٢٦: ٤٨٨] للعلامة المحسني فتم سره في شرح الحديث ٥٢٣ من كتاب الروضة «انسان العين» ص ٣٨٩ رقم ١٥٥٢. قال سيد مشايخنا المحسني الأمين العاملي ره في «أعيان الشيعة ٤٥. ٢٩٤» بعد عنوان لأبي أحمد الأخباري هذا و م يذكر شك في ترجمته ما لفظه «و له كتاب مخطوط رأينا منه نسخة في طهران في مكتبة شريعمداد الرشي قال: أما بعد فهذه تعليقات لكتاب العاقل المعاصر أبي القاسم بن الحسن الذي شرح به

في مقام النقص وجبرئيل المعروفة بقبسة العجور لمنقمة عمية الصحول و سماء بعين العين ردّ للمعشّين فينت عشرات أقلامه و وسختها بعين العين و لميتها بعواصف الحين و لعلّ المجموع حريّ بأن يسمّى بإسناد العين معرفة الرئيس و الشين و عوت المتى بقلت و الشرح يقال و الجواب بأقول».

«إنشاء الاشتياق» ١٣٩١ : ١٥٥٨ لعلامة محسني قوله (الموفى سنة ١١١٠). أقول هذا هو الصحيح في تريح وفاة العلامة المحلي نعمته الله سبحانه بعمرانه و اسكنه بحوحة حياته دون ما في بعض المواضع من هذا الكتاب و غيره (١١١١). و أمّا الإنشاء هذا فلم يذكر صاحب «ردّ گيناه علامه محسني» أيضاً أنه نسخة و لا مأخذ النقل كالذي في المتن.

«إنشاء الصلوات» ٣٩٢ : ١٥٦٤ قوله. لتعرف امتنح أمين الحق معين الإسلام كما كتب على ظهر النسخة دون حسن برهان إصمهان، طبع سنة ١٢٧٥ أقول هذا من عوامص العاراب في التريعه، استفاد منه في «دانشندان و بررگان إصمهان ٢٥١ : ٣٤٨» أن لأوصاف المذكورة للمولى حسن محمد له عنواناً خاصاً و لم يرد على مأخذه التريعه هذا شيئاً و لم أعرف الرجل لهذا الآن. و قد طبع كتاب إنشاء الصلوات المذكور أيضاً سنة ١٣١٦ طعة حجرية ملحقاً بكتاب «شرح الصلوات» للسيد أحمد بن محمد الأردكاني و رقم صفحات الإنشاء من ص ١٢٠ إلى ص ٢٤٧ و نسخته عندها موجودة و ليس في ظهر الكتابين من هذه الطبعة عنوان أو تعريف و اعلم أن من رجال إصمهان العارفين الفاضلين جداً هو الحاج ملا حسن بن زكريّا الأرسدي الثاني الموفى سنة ١٢٧٠ كما هو مذكور في «الكرام البيرة ٣٠١» و «دانشندان ٢٦٢» و الله سبحانه العالم بحفايق الامور.

«إنشاء الصلوات» ص ٣٩٢ رقم ١٦٥٦ ص ٩، شرح زيارة الجامعة أقول هذا سهو و الصواب [شرح زيارة عاشوراء ١٣ : ٣٠٨ : ١١٣٠] و سيأتي له «الأول ٤٧١ : ١٨٣٥» هـ راجعه.

«إنشاء قائم مقام» ص ٣٩٣ رقم ١٥٧٢ راجع (رسالة إنشاء قائم مقام ١١ : ١٢١) و (مشائته ٢٣ : ٣٥ : ٧٩٤٠) و (ديوانه ٩ : ١٨٥ : ١١٦٥) و (محرر الإنشاء ٢٠ : ٢٢٤ : ٢٦٨٢).

«إنشاء وقائع الروم» ص ٢٩٣ رقم ١٥٧٥: انظر ترجمة الميرزا عمر بن الله في «رد گيهامه» علامة مجلسي ح ١ ص ٣٦٦ الرقم ٣٤»

«الانصاف» ص ٣٩٥ رقم ١٥٨٥: قال صدرائتألهي في «الأسفار ٤١ ط ١» ما نصه
[أو كذا لا يجمع الاعتدال عما وُجد في مسودات بقيت من الشيع الرئيس سماها بالانصاف
و الانصاف] الخ.

«الانصاف» ٣٩٦: ١٥٨٨: ٥ قوله و صورة الإحارة الخ. أقول هي المذكورة في
ح ١: ١٢٩.

«الانصافية» ص ٣٩٩ رقم ١٥٩٨ يرجع بحقه حوره ٥٥ ص ١٤٤
«انقلاب طوس» ص ٤٠٢ رقم ١٦١٣ س ٣، طبع ١٣٣٦ و ألحق في خلال الكتاب
به أرجوزة مسماة بالوجهرة الطوسية في مقام التروسية له من ص ٣١ إلى ص ٦٣.
«أهمودج العلوم» ص ٤٠٤ رقم ١٦٢١. راجع «رسالة في المعقولات الثابتة ٢١، ٢٦٦
٤٩٧٦»

«أهمودج العلوم» ٤٠٦: ١٦٢٥ في المنطق و الحكمة الخ أقول: الذي رأياه في مأخذ
النقل و هو «روحان الجملات. ٦٢٢ ط ١ = ٦٠٥ ط ٢ بتصحيحها» قوله: «كتاب
الأهمودج في المنطق الخ» ثم العتوب في س ١٤ «نعم الله عني» اسم لواحد.
«الأنموذجة الإبراهيمية» ٤٠٩: ١٦٣٣. راجع (ح ٦، ١٦١) و (ج ١: ٢٣١).
«كتاب الأنواء» ٤٠٩. أقول لشيخ أبي العباس الجاشي عيه الرحمة كتاب «مختصر
الأنواء و مواقع النجوم التي سمتها العرب» كما ذكره في ترجمة نفسه في «كتاب
الرجل».

«الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار» ٤٠٩: ١٦٣٨. انظر «مقتل أمير المؤمنين
ع عليه السلام ٢٢: ٣٠: ٥٨٨٣» و «مويد النبي صلى الله عليه و آله ٢٣ ٢٧٦ س ٣» و أيضاً
مجلد الصيام من كتاب «وقائع الأيام: ٦٤٧» لنجيباني ره.

و أقول انظر «الدرر المشور ٢. ١٦٣ - ١٦٥ ط قم» لجدهما الشيخ عني الشهيد فثس
سره و يرجع «الكواكب السائرة بأعيان لذات العاشرة للمعري ح ٢ ص ١٩٤» و الأعلام
للزركلي ٧: ٥٧ ط الكبيرة و إحياء المائت للمصنف ص ٩٠ - ٩٢.

«الأنوار الإلهية» ٤١٥. في احكامه الشرعية. قوله في م١٧ سنة ٧٩١. أقول مأخذ شيخنا للمؤلف طاب ثراه هذا التاريخ مجهول عندما مع أن رواية ابن فهد عن السيد المذكور غير مذكورة في الإجازات، إلا أنه يقول في «مهدت البارع»: حدثني... و التاريخ المذكور هو لإجازة الشيخ عمي بن عبد حميد كما مرّ في (ح ١: ٢٢٠) هذا وقد صرح ابن فهد نفسه في إجازته لاس العشرة بأنه حدثه مشافهةً، وهذه الإجازة في «أنيس للمسافر ١: ٣٩٧».

«الأنوار البهية» ص ٤١٩ رقم ١٦٥٧: نسخة عصر المجلسين عليها خط المحقق الحكيم ملا علي النوري توجد في المكتبة المركزية لجامعة طهران كما في فهرسها ٩: ١٣٢٦: ٢٥٢٧.

«الأنوار البهية» ص ٤٢٠ رقم ١٦٦١ م ٢٢، الشيخ عباس المتوفى سنة ١٣٥٩
«الأنوار البهية» ٤٢١. ١٦٦٢ في شرح الإثنى عشرية قوله في م ١ للسيد نور الدين أقول هو جدنا العلامة صاحب الشواهد الحكيمة ذكر نفسه شرحه هذا في إجازته للمولى محمد محسن الاسترآبادي كما في «إجازات حار الأنوار» ١٤١ ط ١ و ذكره في كشف المحجب ٣١٩ و عنه في كتاب أحوال الشيخ البهائي ١٥٩ لعفسي و أخطأ في ذكره.

«الأنوار الجلالية» ص ٤٢٣ رقم ١٦٧٠ م ١١، جلال الدين: أقول لم يذكره المصنف في الصياء اللامع و ليراجع «موارد الانحاف لسيد كمونة ٢: ٥٣».

«أنوار الخدائق» ٤٢٤. هو اسم لشرح فارسي للفوائد الصمدية لشيخنا البهائي. نسخته عندما.

«أنوار الديق» ٤٢٦: ١٦٨٠. في أنواع الديع راجع ج ٣: ٧٦ و ج ٤: ٩.
«أنوار الرياض» ٤٢٧: ١٦٨٣ أقول توجد بعض أجزاء هذا الكتاب و جملة من سائر مؤلفات مؤلفه السيد الشهبهائي طاب ثراه عند و بعضها بخطه الشريف.

أقول انظر له «جامع السعادة ٥: ٢١٩» و ما ذكرناه في النكلمة و قوله في ص ٤٢٨ م ١: الخاج الشح علي «قمي» أقول هو العالم الراهب الخليل الذي كان مشهوراً بالورع و التقوى و العدة و التحجب عن الدخول في أمور الدنيا و

الاشتغال بما لايعبه كما كان قدس لله روحه مثالا بكلام المعصوم عليه السلام «كوبوا دعاة بعير أليستكم» الأمر الذي انعكس صنفه في آخر الزمان فاعلم «مر دین الناس و دبیاهم و ناجمطة نوقی الزاهد القمي في تحجب الأشراف بعد مرض طويل المدة في سنة ١٣٧١ عام تشرف بالعتبات.

«الأنوار الشاهية» ٤٣٠. راجع ج ١٣: ٣٩١س٤

«أنوار العقول» ٤٣١. ١٦٩٧ من أشعر وصي الرسون. راجع «كشف الحجب و الأستار: ٦٨» و «كلمة طيبة ١٢٠» و كلاهما ط احمد، و انظر الديوان المطبوع بهامش «فتح البلاء» طبعة المرحوم اخاخ السيد سعيد الطباطبائي الثاني الإصفهاني المشهدي الخاتمة تعمله الله بعمرانه.

«الأنوار العلوية» ص ٤٣٤ رقم ١٦٩٨ س ١٤، ٢١ - ح ١ - ٨٥٣. في روصات اختات بشرحها ١ ١٦٠ ط إصفهان بعلأ عن نسخة عتقة من هذا الكتاب ما نصه «اخرها عصر السب الثاني عشر من حمادي الأولى أحد شهور سنة ثلث و خمسين و سعمائة» و سعمائة هناك غلط لا تدري مشأه تأتي وحدث التاريخ كذلك في نسخة الأصل غلط المصنف (مصنف الروضات) و أما ذكر تاريخ اليوم فلم يحد إلى صوابه و لعل ما في متن الدريعة من غلط للطبع و الله العالم و انظر «شرح أعية الشهيد ١٣: ١٠٨ و ٣٣٩ و الذي قبله»

«أنوار القلوب» ٤٣٨ ١٧١٠. سيّد محمدباقر الخ. أقول هو الملا باشي الشراري صاحب «بحر الجواهر خافقي» المذكور في ح ٣. طبع كتابه الأنوار في مجلدين بظهران. راجع «مؤلفين مشار ٢. ٧٢».

«الأنوار القدسية» ص ٤٣٨ يراجع «ديوان الشيخ محمدحسين ٩ ١٢٤٧ ١٤٩٨» «أنوار المشارقي» ٤٤٠ هو كتاب درسي في القراءة و التحويد طاهراً ذكره مؤلفه في رسالة عربية له ألّفها في بيان اختلاف لقرات للآيات القرآنية الموجودة عندنا «الأنوار المشرقة» ٤٤٠. ١٧١٦. أقول ذكره ابن مؤلفه الأمير محمدحسين في «مساب المفضلاء».

«أنوار المشعشين» ص ٤٤١ رقم ١٧١٨ يراجع «كتاب شمسى آثار مربوط به قم» للسيد المدرسى الطباطبائي.

«الأنوار المضيئة» ٤٤١: ١٧٢١. أقول ذكره حديثاً الإمام المحدث في الروضات فقال: و في بعض إجازات الأصحاب أن له كتاب الأنوار المضيئة، الخ

«الأنوار المضيئة» ٤٤٢: ١٧٢٣. قوله في ص ٤٤٣ من ١٧: كما يأتي أقول يأتي في ج ١٦ ص ٧٧ و راجع ج ٢٠ ص ١٨١.

«أنوار الملكوت» ص ٤٤٤ رقم ١٧٢٥ و انظر وصف نسخة نسخة من الأنوار إجمالاً في تعيقة مالكها السيد محمد علي «فاصي طبطائي» التبريري عنى كتاب النوامع الإلهية ص ٧٩.

«أنوار الزول» ٤٤٦ كتاب لنجاح آقا محمد بن النجاح محمد إبراهيم الكراسي الإصفهاني، كما في المكارم.

«أنوار الهدى» ٤٤٧. في تحرير كلام السيد مرتضى. الشيخ أبي محمد علي بن عناية الله السطامي الشهير بسايريد الثاني ذكره في كتابه «رسالة في الفصاء و القلر». انظر ما أورده في مقدمه الطبع لرسالة «الحبر و لتعويض» تصدر المتألهين. طبعه إصفهان.

«أنوار الهدى» ص ٤٤٧ للعلامة النجاح الشيخ محمد بن محمد رمان الكاشاني كما يأتي في «قوله أتى عشره ١٧: ٤٤٣».

«أنواع الجماع» ص ٤٥٠ رقم ١٧٤٤ انظر ترجمة المستحي في الباب ١٦٨ و الأعلام ٢٥٩: ٦.

«أنيس الأدباء» ص ٤٥١ رقم ١٧٥٣ يرجع ما كتبه بخاصة منتخب التواريخ ص ٦٣٠ ط اسلاميه و يراجع فهرس مشار

«أنيس الأعلام» ص ٤٥٢ رقم ١٧٥٦ من ٢٢. ميرزا محمد صادق: أقول إن الذي جاء في عاصمة كتابه الشريف النيس «أنيس الأعلام ٢: ٥٧٨» هو التعبير عن هذا الخبر المحرر بالشيخ محمد صادق دون الميرزا محمد صادق لأن منرا في اصطلاح أهل الإسلام لا يجوز إطلاقه إلا على من كان من ولد سيدنا و مولانا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب صلوات الله و سلامه عليه و على الأطياب من آياله و أولاده و هذا الفصور قد وقع في بعض كتب التراجم أيضاً نظير «علماء معاصرين» نواعظ الحياياتي الذي رأى بحس وعظ فخر الإسلام في تبرير و انظر له «خلاصة الكلام ٧: ٢٣٢: ١١٢٢» و يذكر له «تعيين الحدود» في موضعه.

«أنيس المجلس» ص ٤٥٤ رقم ١٧٦٤ مكرّر لعدد ١٤٨٩ من هذا الجزء.

«أنيس الشيعة» ٤٥٨ : ١٧٧٨. أقول من جملة ما ذكر مؤلف هذا الكتاب فيه أن ولادة أبي الفضل العباس ابن أمير المؤمنين صلوات الله عليهما كانت في الرابع من شهر شعبان سنة ٢٦. نقل ذلك عنه السيد بنقرم في كتابه «العباس» ط الحف الأشراف.

«أنيس الصالحين» ٤٥٨ : ١٧٧٩ أقول ينقل عنه صاحب كتاب «وسيلة الشفاء».

«أنيس الليل» ٤٦٤ : ١٧٩٩ قوله في س٦: و امرأة المصنف، كلها نه أقول لا يحى أن «مرأة المصنف في أحوال المؤلف» رسالة أمها المرحوم ميرزا يحيى المدرّس البيهقي الإصفهاني في ترجمة شيخنا مؤلف أنيس سل، قس الله روحيهما.

«أنيس المتقين» ٤٦٤ : ١٨١١ أقول عندما نسخه من هذا الكتاب الجليل خلف باب الركوة و الخمس من «جامع السعادة» بسيد الشهباني رحمه و كلاهما بالفارسية و رقم الكتاب في نهاية جامع السعادة و اسمه محمد بن المرحوم الحاج محمد علي في السبت ١٣ شوال ١٢٨٤ و الأيس مرتّب على مقدمة في بيان معنى التقوى و ثلاثة أبواب ١ في المعاصي الكبيرة ٢ في المعاصي الصغيرة ٣ في علم الأخلاق، و الخاتمة في بيان العدالة و المروءة و لكن نسخة لا تتجاوز الباب الأول و وضعت إلى الكبيرة العشرين و المائتين

«أنيس المسافرين و جلس الخواطر» ٤٦٥ : ١٨٠٧ : ٢٣. قوله «من حرف الألف». أقول هو إلى حرف الجيم و هو عدم التحدّ لأوّل من الهديات العشر لرياض العلماء و لكن السج المطبوعة من الكشكول طعة بميني و كذا طعة الحف الأشراف غير تامة محرّفة معلومة يلزم الرجوع إلى المخطوطات المعتمدة و توجد نسخة منه عند (محمود مرهاد معتمد) بطهران كما في «بشرته كتابخانه مركزي دانشگاه تهران ٣ : ١٥٥» و نسخة الحاج مرهاد ميرزا في مكتبة مسجد گوهرشاد كما في فهرسها ١ : ٧٢ : ٨١ و راجع الدررعة ١٨ : ٨١ ديل عنوان الكشكول

أقول نحن لم نجد تاريخاً مصرّحاً به لتأليف الكشكول إلا أنه حصل لنا الظنّ بأنه كان مشغولاً به في السنين الأخيرة من حياته فقس الله روحه. انظر التكملة على ما يأتي في «الرجال الصغرى ١٠ : ١٢١».

«أنيس المسحوحين» ٤٦٦ : ١٨٠٨. يراجع ح ٥ : ١٧٩ : ٧٧٨

«أنيس المشتغلين» ٤٦٦: ١٨٠٩ عندما منه نسخة معلوطة و ليست في أواخرها المطالب المذكورة في المتن فلعلها ناقصة الآخر أيضاً.

«أنيس الموحدين» ص ٤٦٦ رقم ١٨١٤ أقول أحسن طبعاته ما أشرف عليه الفاضل الشهيد السيد محمد علي القاضي الطباطبائي و حشاه و أضاف إليه مطالب هامة في مختلف الجهات و طبع في تبريز سنة ١٢٩٤ مع مئة إلى في ترجمة المصنف و المجموع في قريب من ثلثمائة ص.

«أنيس المؤمنين» ص ٤٦٧: لصاحب [مصحح الفاضل ٢٣ ١٩٤ ١٨٠٩] كما في ترجمته في [حيا الناصر ١٧٤]

«أنيس الوحيد» أو «الأنيس الوحيد» ص ٤٦٩ انظر [انس الوحيد ٣٦٨: ١٤٩٥].
«أنيس الوحدة و مجلس الخلوة» ٤٦٩ ١٨٢٦. أقول تأمل فيما ذكره شيخنا طاب ثراه في حق مؤلف هذا الكتاب هبتشع و لا يعمل إن شاء الله و لا سيما في سنة و سنة و مدهبه

ص ٤٦٩ س ١٢، الحسيني الكلستاني. أقول كانت العدة في أصل الطبع (الحسيني الكاشاني) فصحت في الجدول آخر الكتاب (الحسيني الكلستاني) و هذا هو المطابق للطبعة المحققة من كشف الطوبى و أيضاً (الحسيني) كانت أولاً (الحسيني) فصحت في الجدول إلى (الحسيني).

«الأواني» ص ٤٧١ رقم ١٨٣٥ س ١١، ميرزا محمد حسن الاشعاري: أقول مر له أنها «إنشاء الصلوات ٣٩٢: ١٥٦٥» و ذكر أنه المتوفى ١٣٢٣ و هو الصواب فإنه يستعاد من «خاطرات شيخ الملك: مجموعة خطابات و حيد ٢ ٧٢٥» و شيخ الملك ولد للملا عبد الرسول و أيضاً نقلاً عن الرجل في «مهرس الرضوية ٦ ٣٣٢» أنه توفي في الرباء العام في طهران يوم الخميس ٢٢ ع ٢٤ سنة ١٣٢٢ عن ٩٧ سنة و من عجائب ما ذكره المشار طاب ثراه في ترجمة الرجل في كتابه «المؤمنين ٣: ٨٥١» نقلاً عن هذا الموضع من الدررمة أنه مات بعد ١٣٣٢ ذكر ذلك مرتين و هو باطل كما لا يخفى و أمّا شيخنا المصنف طاب مثواه فذكر ترجمة مختصرة للرجل في «القباء: ١١١٥» و قال إنه توفي في حدود سنة ١٣٢٣ فراجع و انظر ما ذكرناه في انتكاملة حول «شرح ريادة عاشوراء ١٣: ٣٠٨: ١١٣٠» و السلام.

«كتاب الأوائل» ٤٧١: ١٨٣٦. قوله لأبي عبد الله. المعروف بابن الحجاج. أقول كذا صغره العلامة دامقاني طب مشواه في «تصحيح المقال» أعني بالحاء المفتوحة و الحيم المشددة، ولكن صغره جماعة منهم ابن داود الحلبي في رجاله بالجيم المضمومة و الحاء المهملة.

«كتاب الأوائل» ٤٧٢ هو الكتب كبير الممتع بالعربية و الفارسية الذي جمعاه و رأساه و ألفاه من مسودات العام الجليل الحاج آقا محمد الشهر ثقف الإصفهاني ابن عبدالحسين بن حسن بن إبراهيم الحسيني السمرقاني، المتوفى في إصفهان يوم الخميس ١١ ع ١٤ سنة ١٣٧٨ عن ثلث و سبعين سنة صغ الكتب في عام ١٣٨١ باصفهان في ٦٠٨ صفحة عاشرنا و إشرافا و كانه مقننة في ١٦ صفحة و المهارس في ٣٠ صفحة، و الحمد لله على التوفيق.

«أوائل المقالات» ص ٤٧٢ رقم ١٨٤٤ أقول طبع هذا الكتاب الجليل في نير سنة ١٣٧١ و معه «تصحیح الاعتقاد» تصحيحاً لكيفيه قد باعناه المرحوم الشيخ عباسي الواعظ الحرزاني مع مقدمات آل عاتيق هامة أو لكن المجموع يحتاج إلى تصحيح و تحقيق جيد جديد إن شاء الله.

«أوصاف الأشراف» ص ٤٧٧ رقم ١٨٦٦ أقول اسطره دانشيزوه أن أوصاف الأشراف لنحواجة مستفاد من رسالة درسية في التصوف لأبي منصور المظفر بن أردشير العبادي المتوفى ٥٤٧ هـ ، انظر [شربه كتابخانه مركزي دانشگاه تهران درباره نسخهای خطی ١٢٥: ١٢٧] ثم قدم الدمش بشر الرسالة في ١٤٠٣ باسم [مناقب الصوفية] و تكلم في المقدمة حول أوصاف الأشراف من دون التعرض لما ذكره سابقاً من أن الأوصاف مستفاد من المناقب و نعل سكونه عن ذلك لتبني صاحب مقدمة طبعة أخرى للمناقب على خطائه في ذلك و على كل حال نقول إن رسالة كأوصاف الأشراف و حتى كتاباه [اخلاق محتشمي] و [اخلاق ناصري] كتبها على جانب من معتقدات المحقق الطوسي فتس الله روحه أعني إذا أراد لإسان الوقوف على عقائد هذا الرجل العظيم الشأن فلا بد له على مراده هذه الكتب الثلاثة بل أنه عنه الرحمة و الرضوان أودع ما كان يدين به في كتب أخرى مثل تجريد العقائد و قواعد العقائد و رسالته في الإمامة و

نظائرهما و تراه حتى قد قصر في شرح الإشارات عن البحث حول مباحث مقامات العارفين هناك مع أن معاصره المعتزلي ابن أبي الحديد في [شرح معج البلاغة] قد بسط الكلام حول المبحث المذكور بسطاً صوفياً عرفياً و نكتم حول كلام الشيخ أبي علي في الإشارات و غير ذلك بأبسط ما يمكن فلا يطرأ أحد التصوف العشقي الوحداني الملائم مع جميع الأدل و الحل سوى التشيع الإمامي في حق التحقق الطوسي مملوح تسميته العلامة الحلي قدس الله روحيهما و لخصوص في هذه المطالب مكان آخر و الله العاصم. و ذكر دانش پزوه في مقدمة المفاصص ص ٢١ أن أوصاف الأشراف طبع مع ترجمته بالعربية لركن الدين محمد الخرجاني في ١٣٤٥ هـ في طهران و ذكر مدرّس رضوي في [أحوال و آثار حواجه ٤٥٨] أن ثلث الترجمة طبعت بتصحيح محمد المدرّسي الرنجاني فراجع الكل. و السلام معر في ١٠ ع ١ سنة ١٤٠٩

و قد نقل الشيخ محمد الحلبي الأوصاف إلى العربية و طبعه في السجف الأشراف سنة ١٣٧٥ في ١١٠ ص استفده الشيعي في [شرح ديوان الخلاج ٢٠٢] مراجعه. «الأوليات» ص ٤٨١ رقم ١٨٨٩ مكرّر للعدد ١٨٨٢ في ج ١.

«إهداء الخضر» ٤٨٢ - ١٨٩٤. للسيد مرتضى النول توفى العام الكبير المرحوم الحاج السيد مرتضى الشهير بخسرو شاهي أعنى الله مقامه في أواسط شهر رجب ١٣٧٢ كما في بعض مذكراتنا و كتب في «مكارم الآثار» دين ترجمته في تاريخ ولادته ليلة الثلاثاء ١٤ من شوال المكرّم سنة ١٢٩٩ و العامان موافقان لما في «مؤلفين كتب جاني ٦: ١٣٨» للمشار، فلا عبرة بما في «معجم رجال الفكر و الأدب في السجف ١٥٥» من أن وفاة السيد سنة ١٣٥٦. و يأتي له قده أيضاً «نشرات الكواكب» في النون، و قال العلامة المجاهد الأميني رضوان الله عليه في كتابه «العدير في الكتاب و السنة و الأدب ١: ١٥٧» ما لعظه الشريف: السادس و العشرون [من المؤلفين في حديث العدير] الحاج السيد مرتضى خسرو شاهي التبريزي المعاصر. أفرد كتاباً في دلالة الحديث و أسماء «إهداء الخضر» في معنى حديث العدير طبع في العراق، أعرق برعاً في التحقيق و لم يبق في القوس مترعاً انتهى، و رحم الله معشر الماصين و حفظ السافين من كيد الخائنين و مكر الماكرين الباغين.

«أهم ما يحمل» ٤٨٤. ١٩٠٢. قوله في ص ٢٣: محمد بن المرتضى. أقول راجع ج ١: ٢٢٨: ١١٩٤ فما بعدها.

«الأهوارية» ٤٨٥: بلا رقم. أقول لأهوارية رسالة قيمة عجسة يجب الرجوع إليها والاستفادة منها والعمل بما فيها دائماً إن شاء الله. قوله في ص ٧-٨: «نقلها بعينها السيد محيي الدين في أربعيه». أقول مرّ ذكر هذا الأربعين في ج ١ ص ٤٢٦. قوله أيضاً في ص ٨: «و يأتي شرحها للسيد علاء الدين. أقول إني لم أعتز في الذريعة على موضع يذكر فيه شرح الأهوارية مطلقاً لا لعلاء الدين ولا لغيره و الظاهر أنّ السيد الأمين طاب ثراه ناقل عن هذا الموضع من الأربعيه حيث إنه عدّ في «أعيان الشيعة» ٤٣. ٢١٩» من جملة تصانيف علاء الدين «شرح الرسالة الأهوارية احتدقيه». و الظاهر أنّه اشتبه الأمر على شيخنا المؤلف طاب مصحفه فظنّ أنّ كتاب «شرح وصيّة الإمام الصادق عليه السلام إلى الشيعة» للسيد علاء الدين ككتابه الذي سماه «مصحح اليمين» و يأتي في ج ٢٣ هو شرح الأهوارية. و من الغريب أيضاً أنّ أهدت المعنى ره كذلك نسب شرح الأهوارية في كتابه «الفوائد الرضوية» إلى السيد علاء الدين و لم يسه إليه في كتابه الآخرين «الكفى والألقاب» و «هدية الأحياء» و «الفوائد الرضوية ألقت في سنة ١٣٣٣ فهو أقدم في ذكر ذلك من شيخنا المؤلف و سيد مشايخ الأمن طيب الله ترسهم و أمّا دعاء مؤلف «مستدرك معية البحار ١ ١٦٥» في ديل عنوان «رسالة مولانا الصادق عليه السلام إلى أصحابه و أمره إليهم بممارستها الخ» حيث قال: «أقول و شرحها بالمعاريض السيد الأجل الميرزا علاء الدين ككتابه شارح نهج السلاعة و منهاها مصحح اليمين» فلا يتجاوز ما ذكره مشايخنا الأقدمون قوله في ص ٩: قال المحقق الداماد في الراشحة الخ. أقول هذا الكلام المنقول عن الداماد بعينه لعلامة حنّي قدس الله برّه العرير في كتابه «إيضاح الاشتباه» عند ترجمة أحمد بن عليّ التجاشي. و الداماد أعلى الله مقامه ناقل عن العلامة لا محالة و إن لم يصرّح بذلك و الله العاصم.

«إنجاء المقال» ص ٤٨٧ رقم ١٩٠٩: أقول توجد نسخة من كتاب أمل الأمل بحدوث الإمام الخضر العاملّي طاب ثراه في عرانه كتب السيد الإمام الحكيم ره في السجف الأشرف و كانت تلك النسخة في مكتبة المآثر الخ لرحمته المذكور فكتب في موضع ترجمته

بالهامش ما نصّه [لنا لقب مشهور في شيراز و هو شيخ الوقت] الخ. قوله ره [السيد المعاصر] أقول توفي جدنا الإمام العلامة آية الله العظمى المجدد السيد محمد باقر الموسوي الإصفهاني صاحب الروضات في سنة ١٣١٣ عن ٨٧ سنة و للشيخ المصنف حينئذٍ دون عشرين سنة و تعبّره بهذا الشكل ليس إلّا اقتداء بشيخه المحدث الوري الذي كان معانداً للسيد الخدّ طاب مثواه من غير سب، لا الخفد و الحسد و متابعة نفس الأتارة بالسوء حين ترى المصنف ره كيف يواضع و يحضّع لشيخه الوري دون أن يتصوّره بكلمة [الشيخ المعاصر] خشية خطئه عن مقامه الكاذب بل برجحة على مثل العلامة المجلسي قدس الله روحه [انظر ما ذكره حول مستدرك ج ٢١ ص ٧ - ٨] يستحير بالله سبحانه و الوري من مواليد ١٢٥٤ فهو أصغر من السيد الخدّ طاب مثواه بشان و عشرين سنة لأنّ ولادة جدنا الإمام ١٢٢٦ و لم تطل حياة الوري بعد إتمام كتابه المستدرك الخافل ختامه بالبل عن اخذ العلامة قدس الله روحه بن توفي قبل إتمام طبعه فمات في ١٣٢٠ عن ٦٦ سنة و تمّ طبع كتابه المذكور بعدها في ١٣٢١ و لانعسن الله عافلاً عما يعمل الظالمون.

ص ٤٨٨ س ١، تماسك شاه وردية. انظر [المناسك المشاه ورديه ٢٢، ٢٧٦، ٧٠٨٣]

«الإيضاح في الردّ على سائر الفرق» ٤٩٠ - ١٩٢٦ قوله في ص ٤٩١ س ٧ - ٨ «و ذكر في تذكرة النوادر وجوده في خرابة أياصومية و بانگي فور و اسكورمال و الخديوية» انتهى. أقول هذا المطلب بأسره لا دخل له بإيضاح ابن شادان بل هو متعلّق بكتاب الإيضاح في النحو للشيخ أبي علي الفارسي الاتي ذكره في الرقم ١٩٣١. نبتل مكانه خطأ عند تبييض المسخّعة، فسيحان من لا يسهو.

«إيضاح الاشتباه» ص ٤٩٣ رقم ١٩٤٣ عدد منه نسخة كتبها لطف الله بن عطاء الله

الخويزي في مجموعة رسائل كتابة إحداها سنة ١١٠٤

«إيضاح الأبناء» ٤٩٣ نقول يأتي الإشارة إليه في ج ٤: ١١٦ مراجعه.

«إيضاح دلائل النواصب» ٤٩٤: ١٩٤٢ قوله قدس سرّه في س ١٢: قال الكراجكي في

تصانيفه الاستبصار أقول رأيت في كتاب الاستبصار المذكور ما نصّه: [و قد كان الشيخ أبو الحسن محمد بن أحمد بن شادان القمي رضي الله عنه و له تقدّم واجب في

الحديثين و علم ثاقبٌ لصحيح التقيين - وصنع كتاباً سماه «إيضاح دلائل النواصب» جمع فيه أخباراً أخرجهما من حديثهم أي من حديث العامة و أنا لاستخرجها من طريقهم في فصائل أهل البيت صواب الله عليهم، منها ما يصح النص بالإمامة على الأئمة الإثني عشر صواب الله عليهم و جمعاء مه في سنة إثني عشر و أربعمئة بالمسجد الحرام و أنا موردٌ بعضه إذا انتهيت إليه ما أذكر طرفاً مما روته الشيعة في معناه و يعتمد عليه] اه و قد أورد الكراچكي في كتابه هذا مطالب عن كتاب الإيضاح بعضه و قصته، رحمة الله تعالى عليه و عيه. و راجع ج ١٩ ص ٢٠١ و ج ٢٢ ص ٣١٦ و ٧٢٥٤ و ما كتبه في مفتاح سخي من المناقب المطب بالتحف و لنا مقالة مستغنة حول الموضوع.

«إيضاح الدلائل» ص ٤٩٥ رقم ١٩٤٣: انظر ج ٧ ص ٩.

«إيضاح الفوائد» ٤٩٦: ١٩٥٠. أقول إن أحسن نسخة توجد هذا الكتاب القيم هي التي كتبها الشهيد الأول محمد بن مكي العاملي فتنس الله روحه، صورة خالفتها في «مؤلفين مشار ٤: ٨٣٥».

«إيضاح مخالفة السنة» ١٤٩٨ - ١٩٥٤ قوله (ي ص ٤٩٩ س ١) و توجد في حرة.... إلخ. أقول راجع كتاب «تحقيق دربارہ نور ربیع» ٧٧٣ - ٧٨١. و قوله (ي س ٣): السيد آقا میرزا الإصمھانی أقول هو الذي يأتي ذكره أيضاً في (ج ١١ ص ٣٣١ ١٢) و ذكره مختصراً سيد مشايخنا الأمين العاملي فتنس سره في «أعيان الشيعة ٤٩ ١٠١» و أمّا شيخنا المؤلف فانظروا أنه ترجم له في حرف انكاف من نقاء الشر باعتبار اسمه الكاظم و لما يطبع بعد.

«إيضاح المسترشدين» ١٤٩٩ - ١٩٥٦ ١٤ قوله لكن صاحب الرياض سماه بما ذكرناه. أقول و كذا سماه جدنا الإمام المحدث رفيع الله درجته في روضات الجنات نقلاً عن «لولوة البحرين».

«إيضاح المقاصد لفرايد الفوائد» ٥٠١. أقول راجع «العوائد الشهادة» في ج ١٦ ص ٣٢٦ «إيضاح النافع» ص ٥٠٢ رقم ١٩٦٤. أقول لعن الصواب «الإيضاح النافع» بإثبات اللام و الله العالم و يأتي ذكر كتاب آخر بهذا الاسم في ج ٢٥: ١٦٨: ٨٥.

«إيقاظ العلماء» ٥٠٤ - ١٩٧٣ لنجاح المولى أحمد أقول يأتي له «روضة الأمثال» في

«إيقاظ النائم» ص ٥٠٥ رقم ١٩٨٠ ص ١٦، ثم أمل الأمل: الصواب «تتميم» و
انظر رسالة القاضي في (ح ١١: ١٣٨ . ٨٥٨)

«الإيقاضات» ص ٥٠٨: ربما يظن على [كلمات الطريقة ١٨: ١١٦ ٩٧٠] للعرض
كما في نسخة.

«الايقان» ص ٥١٠ رقم ٢٠٠٠ ص ٤، خربت الصاعقة خربت الصاعقه يا شيخ
المورخين هو الإمام العلامة المنتبج المجتهد المجاهد أحمد آية الله الباهرة صاحب الروضات
قلّس الله تعالى روحه و لكن الصعائس النعية بيد عارضها في قلوب أصحابه باقية بامية
إلى الأبد و الناس إلى أمثالهم أشه عصما لله سبحانه من الخطأ و الزلل امين. و غير
خمي على الناظر في نسخ الأصل من الكتاب أن الرصاص كتاب جمع و تنوع و استقصاء
و الروضات كتاب تحقيق و تدقيق و اجتهد و تعميق

«إيمان أبي طالب» ص ٥١٠ بسم الله تعالى أقول يأتي في ديل عنوان «حساب عمود
الأمان» ١٧: ٩٢٤ بحث جليل حول بطلان عنه السلام حساب الحسن و للعلامة السيد
محسن الأمين العاملي ترجمة أبي طالب عليه السلام مبسوطه في كتابه «أعيان الشيعة ٣٩:
١٢٣ - ١٦٧» أربعة و أربعين صفحة يجمع فيها قلوب عن بومها بعض أشعاره عليه السلام و
انظر «ديوان أبي طالب و ذكر إسلامه ٩ ٤٢ ٢٤٣» و «شعر أبي طالب عليه السلام ١٤
١٩٥: ٢١٦١» و لسيدنا العلامة خاتم المجهدين السيد عبدالحادي الشيرازي (١٣٠٥-
«...») قصيدة طريقة في مدح شيخ الأباطح عليه السلام أوردها الخاقاني في [شعراء
العري ٦: ١٤١] مراجعه. و من المحصرات الحثه التي أتت في زماننا حول إيمان
أبي طالب عليه السلام و ترجمته و الدب عنه كتاب [أبو طالب عم رسول الله صلى الله
عليه و آله تأليف محمد كامل حسن المحامي بإشراف و مراجعة عادل بويهض] نشره
المكتب العالمي في بيروت سنة ١٩٧٩ في ١٢٥ ص في سلسلة [عظماء الإسلام] و من
غرائب هذا الباب كتاب «السهم الصائب بكبد من أدى أبا طالب» للشيخ أبي الهدى
الصيادي الرفاعي الدعري الخليلي المهاجر إلى الأستاذة المتوفى ١٣٢٨ و هو مطبوع كما
يظهر من «الأعلام ٦ ٩٤» ألا فجرى الله تعالى جميع المدافعين عن الحق و الدائين عن
أهله بحر الجزاء.

و لكاتب الآخر في بعض التعليقات على بعض الكتب المؤلفة حول سيّدنا أبي طالب عليه السلام و الحمد لله ربّ العالمين

«إيمان أبي طالب» ص ٥١٣ رقم ٢٠١٦ أقول و طبع كتاب الشيخ المفيد قدّس الله تعالى روحه في مجموع «نقائس المستوصات ٦٥ - ٨٤ طبعاد ١٣٨٣» بتحقيق صديقنا الاستاذ العلامة الخير الحاج شيع محمد حسن آل ياسين جراه الله تعالى خيراً و أطال بقاءه و أدام علاه.

«ابن سلطان المؤمبي» ٥١٧ ص ١٩ قوله طاب ثراه (ابن أبي طاهر بن الحسين القطعي) أقول لا يخفى أنّ أبا طاهر المذكور هو عبد الله بن أبي الحسن محمد المحدث الديوريّ و هو ابن أبي الطيّب طاهر بن الحسين القطعي، فقط اسم الرجلين المذكورين من الناس سهواً. و يأتي بسط في ترجمة المؤلف عند ذكر كتابه «تبيين وس العيون» في ج ٤: ٤٤٩ فراجع.

تمّ بحمد الله سبحانه و منه تبيّض تعلقات المجلّد الثاني من الدررعة و نقلها إلى هذه الأوراق في ليلة الخميس الرابع عشر من الحُماديّ، الآخرة عام ١٤٠٥ هـ. حامداً مصلياً مسلماً مسعراً سائلاً من المولى سبحانه حسن الخاتمة و يبلّوه إن شاء الله الجزء الثالث.

الجزء الثالث

«باب الأبواب» ٤ : ٣. لمرزا مهدي خان اسكندر. أقول توفي المرزا مهدي خان في الرابع من المحرم سنة ١٣٣٣ كما أرّخه القروي في ترجمة الرجل في «محلّة مادگار ٥ : ١ - ٢» وراجع «مؤلفين كتب چاپی ٦ ٣٩٩» لبشار و مقدمه ترجمة معصاح باب الأبواب بالفارسية و من العرب ما ذكره صاحب كتاب «فهرست نسخه های خطی فارسی ٦ : ٤٤٣٨» فراجع.

«الباب المفتوح» ٧ : ٨. أورد العلامة محسن طاب مشواه هذه الرسالة في «بحار الأنوار» كما ذكره شيخنا المصنف طاب ثراه، تحملها في الطبعة القديمة ح ١٤ : ٤١٢ - ٤١٧ و في الطبعة الجديدة ح ٦١ : ٩١ ١٣١ و توجد نسخة مخطوطة من الرسالة في مجموعة موجودة في المكتبة المركزية بجامعة طهران (المهرس ١١ : ٢١١٠) و تلك النسخة منقولة عن البحار كما وضعها للمهرس

«بارقه حقيقت» ٩ : ١٥ أقول يراجع براماً ما كتبها بهامش عنوانها في «مؤلفين مشار» و «ريحانة الأدب»

«البقيات الصالحات» ١١ : ٢٥. لعمولي أحمد بن الحسن البردي. أقول هذا الكتاب في التفسير و المعجرات بالفارسية، عدنا بحفده الأول.

«البقيات الصالحات» ١٢ : ٢٩. قوله في ص ٨ (طبع مكرراً سنة ١٢٧٦ و ١٣١٦ و ١٣٤٧) أقول و أيضاً سنة ١٣٠١.

«البقيات الصالحات» ١٢ : ٣٠. لشهيد لأول طاب ثراه عدنا نسخة منه في

بمجموعة جليلة بخط جدنا العلامة الحجة الحاج السيد محمد شقيق جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات قدس الله روحيهما، كما أن عدداً أيضاً «الكلمات الساعات» في شرح الباقيات الصالحات» يأتي.

«بانت سعاد» ١٣: ٣٣. قوله ذكره كشف الطوبى في انقاف الخ. أقول كما يأتي في هذا الكتاب أعني الذريعة أيضاً في ح ١٧ ١١٠ بالمعنى المذكور فراجع و انظر قصته بورد النبي صلى الله عليه وآله في كتاب «حرب السلف» ٣٠٧ من طبعنا بإصفهان سنة ١٤٠٢.

«بحار الأنوار» ص ١٦ رقم ٤٣ أقول هل العلامة المجلسي قدس سره أخذ اسم كتابه هذا من عبار العموم الآتي؟ و يأتي في (ح ٤، ٤٢١) تلخيص البحار معتدداً كما أن في المجلد الرابع أيضاً ترجمت محمّدات البحار و في (ح ٢٢، ٣٧٦، ٧٥٢٣) منسوب البحار ثم إنه لم يعرض شيخنا بمصنف هذا لبيان كيفية مأخذ البحار و لكن قال عند ذكره بكتاب [تفصيل وسائل الشيعة ٤: ٣٥٢-١٥٥٠] لفظه [أو اقتصر البحار على ما عدا الكتب الأربعة مع كون جلّ أحاديثه في غير الأحكام] انتهى و هذا الكلام غير تام فإن العلامة المجلسي قدس الله روحه ينقل عن الكتب الأربعة الكافي و العيبة و التهذيب و الاستبصار و جعل للجمع رموزاً كما فعل غيره و تالياً في كتابه أحاديث الأحكام و غيرها كما هو و صح.

«بحار الأنوار» ١٩ ص ١ قوله «في سنة عشر ألف بيت، فرغ منه سنة ١٠٨٠». أقول رأيت نسخه مخطوطة من هذا المجلد الربع لسبحار و قد قيد كاتبها أنها في ١٨٨٠ بيتاً تحميصاً و تاريخ الفراغ من التأليف في ثلث النسخة في شهر ربيع الآخر من السنة المذكورة.

ص ٢٠ س ١، محمد نصير. انظر ما ذكرناه هامش (صحيحه المتفق ١٥-٢٣-١١٧)

«بحار الأنوار» ٢٥ ص ٢١ قوله «مير فصل الله بن شيخ الإسلام الربحاني» أقول توفي الميرزا فصل الله هذا بطهران في يوم الإثنين ١٦ من شهر رجب سنة ١٣٧٣ و قد كان من أقطاب العلم و الفضل، ولادته في يوم الجمعة ٢٣ شوال ١٣٠٣ فعمره يوم وفاته كان سبعين سنة. ذكرنا ترجمته في مقالة نشرت بعد وفاته بأيام في جريدة «جهلستون

العديد ١٢٣ و ١٢٤» الإصمهاية، و له تأليفات يذكر بعضها في المتن، و توجد ترجمته أيضاً في كتاب «علماء معاصرين» ٢٢٤ و «شهداء الفصيلة: ٢٥١» و المقدمة لكتاب «أوائل المقالات» و المقدمة لكتاب «عظمة حسرت بن علي عليه السلام» و غيرها. أفاض الله على قريته الرحمة.

ص ٢٦ س ١٠، حتى أن شيخنا العلامة الوري أقول المحدث الوري لم يرد في مستدرک الوسائل على ما وحده البحار إلا برراً قليلاً بل كل ما في المستدرک مأخوذ عن البحار طبعة أمين الصرب و إن لم يصرح بسبب في طول كتابه و هذا دأبه في سائر ما ألفه.

«بحار النوائب» ص ٢٨ رقم ٤٦: يراجع مكرّم الآثار ح ٨ رقم ١٧١٩
«بحر الأسرار» ٢٩: ٥٠. للطبيب العارف ميرزا محمدنقي. أقول ترجمته في «مكارم الآثار ٢ ٥٥٦. ٢٢٣» و يأتي في «ديوان طريقتي كرمان ٩ ١٦٤٨ ٤٥٨٩» أن بحر الأسرار هذا في تفسير سورة العنقة طبع في كرمان سنة ١٣٢٩ في ٣٣٥ ص و يأتي أيضاً بموايه الآخر «السبع المثاني ١٢. ١٢٩-٨٨٣» و كلها في «مشوى بحر الأسرار ١٩: ١٢٥» و انظر له «خلاصة العلوم ٧-٢٣٠: ١١٠٩» و «ديوان مظفر علي شاه ٩: ١٠٦١» و ذكرنا له «جامع البحار» في موضعه من التكملة.

«بحر الأسباب» ٣٠. قال في «ترجمه تاريخ بروكلمس ٦. ٤١ ط مصر» ما لفظه: «مستور البار الأشهب بن موسى الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علي بن ريس العابدين بن حسين، توفي بالعراق في ثاني جمادى الأولى سنة ٥٧٨ = ٣ - ٩ - ١١٨٢م] له «بحر الأسباب» في أسباب الغلويس - القاهرة. ثان ١٥٢/٥». انتهى ما في بروكلمس من العرائب و المعائب و قال حرجي ريدان في «تاريخ آداب اللغة العربية ٣. ٢١٣ ط داراهلال» ما لفظه: «بحر الأسباب في دارالكب المصرية نسخة من كتاب اسمه بحر الأسباب يُنسب إلى البار الأشهب لسطحاني في مجلدين صفحتهما ١٤٥٠/ صفحة، الأول منهما في السبب العليم من آدم ولأبناء كالعادة. و الثاني في سبب السيد البليوي و كراماته. و هو غير «بحر الأسباب» لاس عتبة (كذا) و «بحر الأسباب» للسجفي السبابة (يعني المشخر الكشاف) المتقدم ذكرهما (يعني في ص ١٨٩ و ١٩٧ من تاريخ آداب اللغة). انتهى و الله تعالى العالم.

«بحر الأنساب» ص ٣٠ رقم ٥٣ أقول و صاحب مئة الراعيين ص ٣٧ ذكره استناداً إلى هذا الموضع وحسب.

«بحر الأنساب» ص ٣٠ س ٢٠: انظره في ج ٢١ ص ٤٤.

«بحر الأنساب» ٣٠: ٥٥. مشحّر كثير الخ. أقول يمكن أن يكون هذا البحر عين «الأنساب المشحّرة» لسيد أحمد العيسى المذكورة في (ج ٢: ٣٨٢ - ١٥٣٢) فإنه يُطلق أحياناً هذا الاسم على كتابه.

«بحر الأنساب» ٣١. للعلامة السبابة أبي محمد الحسن المشتهر بركن الدين الحسيني الموصلي طبع في طهران سنة ١٣٨٥ و انظر أن هذا الكتاب تحرير آخر لذي ذكرناه بعنوان «الأنساب المشحّرة» استدرأ في موضعه أو أن أحدهما لوالد و الآخر لولد و لعلّ هناك نسخة ثالثة هي للحميد و سمها «لدرّ الصيد» توجد أصلاً في مكتبة مجلس الشورى بطهران. والله العام.

«بحر الأنساب» ٣٠، ٥٥. قوله في ص ٣١ س ١٤ «و بعده ثلث ابنه السيد جعفر» أقول: توقى السيد جعفر هذا سنة ١٣٣٤ كما في «بقاء الشريعة» ٢٩٥. و قوله في ص ٢١ «الشريف العتوي في كتابه» نقول قد ذكر كتاب الشريف هذا بعنوان الأنساب في (ج ٢: ٣٧١).

«بحر الأنساب» ص ٣١ رقم ٥٦ س ٢٣، ذكره في كشف الظنون. أقول ذكره بعين هذا اللفظ إلا قوله (عليه السلام) في الط الأحيوة (١ - ٢٢٤) رضي الله عنه و لست في سائر المآخذ إن شاء الله لتعرف بالكتاب.

«بحر الأنساب» ٣٢. هو كتاب أبي عبدالله الحسين ابن محمد بن طباطبا السبابة الموجودة عندنا مصورة نسخة الرضوية و الاسم ثاب في أوّلها و ذكره شيخنا المصنف في كتابه (الباب ص ٦٧ - ٦٨) عند ترجمة لرجل باسم «الأنساب العتوية» و في (يعية الراعيين ص ٢٤٤) عند ذكر ترجمته خمسة غير عنه بقوله كتاب «تهديت الأنساب» المسمّى بحر الأنساب منسوط» و ذكر أيضاً أن نسخة الرضوية منقولة إليها من النصف الأشرف من مكتبة الإمام السيد أبي الحسن موسوي الإصفهاني قدّمه المتوفى ١٣٦٥ و أنه رأى النسخة في حياته عنه و ذكر ولادة الرجل في ٢٨٠ و وفاته في ٣٤٩ و يأتي

التهديب في ح ٤: ٥٠٨. ٢٢٧١ و يأتي له أيضاً جريدة بيشابور في ح ٥: ١٩٨ ٤٠٢ و لكن لا يخفى أن في نسخة بحر الأسباب هذا عموص و إشكال يحتاج إلى التأمل و التصحح في النسخة فإن المؤلف تراه يقول دائماً (صاحب الكتاب) كذا و كذا و في الورقة ١٦٣ ما نصه «لم يذكر صاحب الكتاب عقياً لأولاد صلح و ذكر ابن طباطبا ذكر أولاده و عقبهم» و في الورقة ١٦٤ قوله «لم يذكر صاحب الكتاب اسماً الولد من إدریس و إنما ذكره ابن طباطبا» و في موضع آخر منه في ق ٣٤ «هذا ما ذكره صاحب الكتاب ابن أبي جعفر» انتهى و أمثال هذه العبارات فيه كثرة و الله العالم. ثم إلي كتبت آخر تحقيقاتي بهامش النابس ٦٨ فراجع و ليصحح عليه.

«بحر الأسباب» ٣٢: ٥٧. أقول راجع مقننة كتاب (شوة السلافة ٥١) و راجع أيضاً ما ذكره في التكملة حول كتاب «سبك الذهب ١٢ ١٣٣» و سبقتها. و ررقي الله تعالى في حوالي عام ١٤٠٤ مصورة نسخة الخديوية و لم أجد في صلب الكتاب اسماً له و لكن وضعه مختصر في أسباب بن هاشم الكرمي كم ذكر سبب نصه في ق ٤٨ ط إلا أن في طرة النسخة ما صورته [كتاب بحر الأسباب المؤلف عمدة الطالب] أوله بعد البسملة [الحمد لله الذي حصن نبيه محمد المصطفى بحب البیوت كما حصنه بحر العروس] الخ و النسخة في ١٣٧ ورقة و عليها خط العلامة ربيدي صاحب تاج العروس و النسخة المذكورة هي التي رآها جرجي زيدان فوصفها في [ماریح آداب اللغة العربية ح ٣ ص ١٨٩ ط دارالاحلال] كما مرّ و استعاد من كلامه المحدث القمي في [الكفي و الألقاب ١: ٣٦١ ط بحف] ثم إن الطاهر أن ابن عسّة ألف «عمدة الثالثة المذكورة في (ح ١٥ ٣٣٨ ٢١٧٠) بعد تأليف بحر الأسباب هذا بمعنى أنه حصن البحر في الثالثة و قدّمها لأحد المشاهير في عصره كما كان دأبه في كل ما بقي من آثاره و افتتح العمدة الثالثة عما افتتح به البحر من الخطية ولاحظ.

«بحر الجواهر» ص ٣٢ رقم ٦٣ ص ٢٣، لشاهشاني: الصواب الشاهشهاني راجع (دانشمندان و بررگان اصفهان ٤٢٥) و (مؤتمر مشار ٤، ٢٥).

«بحر الجواهر» ٢٣: ٦٥. في الطب. قوله في ص ١١: ميرزا سيد رصي الطيب الشهير. أقول هو الذي أشرف أيضاً على طبع كتاب (القانون) لشيخ الرئيس سنة ١٢٩٦ ق.

بطهران و كتب به خاتمة للطبع تدل على براعته في العلم و الأدب، و السيد مذكور في «الكرام البررة: ٥٧٥» و لكنه لم يرد شحنا لعلامة أعلى الله مقامه هناك أيضاً شيئاً على ما استماده من (بحر الجواهر) هنا. و قد ذكرناه في ديل (تاريخ سمنان) المنطوع في نسختنا الخاصة

«بحر الجواهر» ٦٦، ٣٣ قوله في ص ٣٤ من ٧ رأيت النسخة عند الشيخ محمدباقر الخ أقول الشيخ محمدباقر هذا مذكور في «نساء البشر: ٢٠٧». و قوله في ص ٨: الآتي في الميم. يعني (ج ٢٠: ٧٦).

«بحر الحقائق» ص ٣٦ في المعه لعنه جماعة المشككين الخاج ميرزا ابراهيم الجهد ابن الخاج ميرزا جاني السيد الحسن بن محمد بن محمد ابن السيد عليخان شارح الصحيفة السجادية الحسيني الشيرازي صاحب «الحاشية على المعالم ٦: ٢٠٤. ١١٣٢»

«بحر العلوم» ص ٤٢ رقم ٩٠: أقول ذكره التبريزي في «مرآة الكتب ٢: ٩٨» مراجعه.

ص ٤٢ من ١٩، الشهر مجلدي المتوفى في عشر شهر صفر سنة ١٣٦٧ رحمه الله. راجع (رد گای محمد صلی الله علیه و آله) ط بواعص الجرداني ص يب و ما علقا عنه. «بحر الفوائد» ص ٤٤ رقم ١٠٠ أقول توجد منه نسخ في المرحشنة بقم منها نسخة رقمها ٤٣١٠ و أخرى ٧٢٤٣ و يرجع كتاب مئة الراعيين للسيد كمونة ص ٤٥٥ و ما كتبه بهامشه.

«بحر الفوائد» ص ٤٥ رقم ١٠١، يرجع «مكارم الآثار ج ٨ رقم ٨٠٠» «بحر المعارف» ٤٧: ١١١. قوله طاب ثراه. «طبع مرة» الخ أقول النسخة التي طبعت سنة ١٢٩٣ هي بعينها الطبعة الحجرية التبريرية للكتاب في ٥٥٠ صفحة بالحجم الكبير، و أمّا طبعة عملي فالظاهر أنها اشتباه و إن قلنا المشار أيضاً فبطله نظراً إلى ما في الدرعية و الحاصل أن بحر المعارف هذا طبع بتبرير فقط على ما نظر، و هو كتاب جمع فيه مؤلفه كل رطب و يابس في طريق التصوف و لما حوله مقالة مفردة

«بحر المصائب» ص ٤٧: أقول نقل عباسي بحال في «الطرار المنقب» عن «بحر

المصائب» أن زبيب ست أمير المؤمنين عليهما السلام توفيت و دفنت بالمدينة المنورة. انظر كتاب «الذكر في الأدب و العلم و الاجتماع» ص ٤٥ ط بيروت ١٣٧٧» للشيخ موسى عز الدين العاملي و فيه تحقيق حول المراتب معروفة باسم الرييعة» أمّا مؤلف بحر المصائب «...»

«بحر المعارف» ص ٤٧ رقم ١١١، عبد الصمد أقول انظر [ديوان صمد ٩: ٦١٨-١٤١٠٧].

ص ٤٧ س ١٣، ترجمه في الروحانيات. ذكره أيضاً في شهداء الفصيحة ص «...»
«البحر» ٥٠ ١٢٥. راجع «تاريخ بحرة» في ٣. ٢٤١ ٨٨٨ و استدراكه من حاشية ج ٧.

«البداء» ص ٥٢: البداء عند الإمامية و تفصيل الكلام حول الموضوع عند الخاصة و العامة في كتاب (استقصاء الإحكام ج ١ ص ١٢٩ فما بعدها) فيه عني و كفاية شكر الله سمي مؤلفه ره فليراجع ثم اعلم أن من جملة من سكن في عصرنا هذا من المسلمين بأهل السنة - و ما أدراك ما هم - هو الدكتور مصطفى زيد ألف كتاباً سماه «السج في القرآن» الكريم فقال في طي كلام له (ص ٢٢ ط مصر ١٣٨٣) ما هذا لعظه [و ليسا ندري مع هذا كيف استمع الرافضة حذلقم الله أن يربطوا بين السج و البداء] إلى سائر كلماته المشعرة بالنصب و البصر و لا يحق المكر السيء إلا بأهله و يحق لنا أن نحاطب هذا الدكتور و من سلك مسلكه بما نظمه القصي نظام الدين محمد بن قاضي القصاة اسحق بن المطهر الإصعهاقي صاحب «شرف ابون البيان ١٤: ١٨١: ٢٠٧٣» من قوله قل للنواصب كفوا لا أبأ لكم / لشيعه الحق يأتي الله توهيباً و نحن لا نعجب من هذا الناصب و أهل علقته و إنما العجب ثم يسقى هؤلاء و يصفهم بالإخوان و يدخل عن قول الله سبحانه و تعالى ﴿و من يصل الله فلا هادي له﴾ فإنما المؤمنون إخوة و إخوان الشياطين ليسوا بإخوان المؤمنين و إلى الله امشكني و يأتي رسالة في «السج ٢٤: ١٤٦: ١٧٣٦».

«البداء» ص ٥٤ رقم ١٣٩: به فهرست خودمان شماره ١ رجوع شود.
«البداء» ٥٥: ١٤٠ قوله «المولى محمد رفيع جيلاني». أقول هذا الرجل مذكور في

«رسالة ترجمة آقا حسين الخوانساري» لسميررا آبي المعالي الكرباسي رحمة الله عليهم (ص ٨ من النسخة المخطئة) و اسم والده فرح بالخاء كما نبأه في كتابا دو گمار «بداية النراية» ٥٨ : ١٥٩ عبدنا نسخة محضوطة سنة ١٠٥٠ من البداية و يأتي شرحه في ح ١٣ : ١٢٤. أقول و قد اشتبه الأمر على كاتب مقنمة «سلسلة الابريز» ص ٩ فسب البداية للشهيد الأول هذا.

«بدايع الأحكام» ٦١ : ١٧١ قوله في ص ١١ «استقّب في شعره بلاهوتي» أقول ذكر في كتابه الآخر «بدايع الأنوار» أنه يتخصّص مُخلص، و يظهر من آثاره أنه من العرفاء القائلين بلوق التآله.

«بدايع الأخبار» ص ٦١ هو (تاريخ افعان) تذكره في موضعه.

«بدايع الأشعار» ص ٦٢ رقم ١٧٥ أقول انظر «ديوان قوامي گنجوى ٩ : ٨٩١ : ٥٩١٦ و «صايع الأسفار ١٥ : ٥٨٩».

«بدايع الأفكار» ٦٣ : ١٧٩. عتدنا من هذا الكتاب نسخة و في مكتبة مجلس الشورى بطهران أيضاً منه نسخة هي من كُتب السيد محمدصادق الطباطبائي المهداة للمكتبة و به نسخ أخرى.

«بدايع الأنوار» ٦٣ : ١٨٢ ذكر مؤلّفه في حياته (ص ٢٣٢) أنه فرع منه في ٤ ع ١٤ سنة ١٣٠٢ ثم طبع ١٣٠٦.

«بدايع الحكم» ٦٤ : ١٨٥. يراجع «نفس كلّ القوي» في ح ٢٤ : ٢٦٤.

«بلور الدجى» ٦٨ : ٢٠١ قوله في ص ٧. «العلامة ميرزا محمد كامل صاحب البرهة الانبي عشرية». أقول لا يخفى أن سم كتاب العلامة ميرزا محمد الدهوي المتخصّص بكامل هو «رُرهه إنا عشرية» الموفق جمع أرقام حروفه ١٢٠٤ و هو عام تأليفه و الكتاب باللغة الفارسية و في غاية النعاسة. و انظر موجز ترجمته في «الكرام البررة ٥٣٦» (دبل بحوم السّماء و كتاب تراجم عبدالحى ديدنه شوبد احتياطاً) و انظر «برهان الصادقين» و كتبنا حاشية في الكلمة حول البلر هذا

«البلور الباهرة» ٧١ : ٢٠٩. قوله في ص ١٢ «و سُمّي جميع يوفيات الأعلام» الخ أقول ثم عدل عنه و سمّاه حين طبع أوّل جزء منه «طبقات أعلام الشيعة»

«بلبع الموايخ» ص ٧٢ رقم ٢١٣: أقول راجع [كجج زر ١٨ : ٣٣٧ : ١٨٨] مع النكلمة.

«بلبع اللغة» ٧٣ : ٢١٦. طبع هذا الكتاب سنة ١٣٦٢

«البدعيّة» ٣ : ٧٦ : ٢٢٨. راجع ح ٤ : ٩.

«البدعيّة» ص ٧٧ رقم ٢٣٠ س ٢٥، الملا الحلبي: أقول يراجع فهرس أعلام السريعة ص ١٨٣٧.

«كتاب البرّ والإثم» ص ٧٨: للنسخ أبي عبي ابن سيبا يقال إنه [المبصر الإلهي ١٦ : ٤٠٦ : ١٩٣٨] قال في أواخر كتاب «الشفاء ٢، أماله ١٠، الفصل ١» : [و اعلم أن أكثر ما يقرّ به الجمهور و يمرع إليه و يقول به فهو حقّ و إنما يدعوه هؤلاء لانتشبهه بالفلسفة جهلاً منهم بعلمه و أسبابه و قد عملنا في هذا سبب كتاب «البرّ و الإثم» فليتأمل شرح هذه الأمور من هناك] انتهى و انظر «فهرست نسخ مصنفات ابن سبّا» للمهدي

«البراهين الساطعة» ٨٠ : ٢٤٣ أقول عندنا مجموعته من بعض رسائل الملا حسن بن علي الشهير بگوهر و فيها تقرّبط شيخه أحمد الاحسانى لكتابه «مخارن جواهر أسرار التنزيل» المشتغل على الإحارة في الرواية و كذا تقرّبط و إحارته السيّد كاظم الرشتي، و يأتي بعض آثاره في ح ١١ : ٤ - ٩ و ح ١١ (أبصاراً) ٢٠٥ و ح ٥ : ١٧٤

«البراهين الجلية في شرح القصيدة العلوية» ص ٨٠: انظر [السيف المنتصبي ١٢ : ٢٨٩ : ١٩٤٥] و «نقاء البشر : ٩٦٦».

«البركات الرضويّة» ٨٧ يعمل عنه سيّد مشايخه الأمين طاب مصححه ترجمة ابن المتوّج البحراني في «أعيان الشيعة ٩ : ٢٦».

«البرهان» ص ٩٢ رقم ٢٩١ س ٥، البغدادي: أقول يأتي في [مصادر الأنوار ٢١ : ٩٦ : ٤١٠٦] إتيها طبعاً في النصف الأشرف

«برهان الصادقي» ٩٧ : ١١. راجع ما ذكره في «بسر الدجى».

«برهان قاطع» رقم ٣١٧ - ص ٩٩ س ٢، سنة ١٣٠٥. و ثالثة في محبتي سنة ١٢٧٢.

«البرهان القاطع» ٩٩. للمولى محمد طاهر القمي كما في هامش «روصات الحقائق:

«برهان المراتبي» ص ١٠١ رقم ٣٢٥: أقول راجع لزوماً [حكمة العارفين ٢٦: ٢٧٩: ١٣٩٩].

«بستان الخطباء» ١٠٤: ٣٣٧. أقول كانت نسخة من البساتين هذا عند مير محمد مهدي سلطان العلماني آخر إمام لجمعية في زماننا من بيت الخاتون آهاديي و قد توفي إلى رحمة الله تعالى في سنة ١٣٩٥ بإصفهان.

«البسامة الكبرى» ص ١٠٤ رقم ٣٣٨ س ١٨، بابن عبدون أقول يراجع لزوماً «النكي» و الألقاب» للمحدث الفسي قنص سره في (ابن عبدون).

«البستان في تفسير القرآن» ١٠٥: ٣٣٩. راجع «تأسس الشيعة: ١١٦ و ٣٤٠».

«البستان» ص ١٠٥ رقم ٣٤٠: يرجع الكواكب المنتشرة ص ٤٨١ و ص ٦٧٥ و ما علقاه عليه في نسخة الخاصة.

«بستان دار و گلستان نيار» أو «غني نامه و حاجات نامه» ص ١٠٦ باستظم و الشر العارستين للسيد السعد الأفندي السيد محمد كاظم الطباطبائي اليردي المحقق الموقى ١٣٣٧ طاب ثراه طبع في محنة «نور علم» ص ٢ ع ٣ ١١٢ ١٢٧.

«بستان السباحة» ٢٠٦: ٣٤٦. قوله «شبه وافي العارف». أقول أراد شيخنا رحمه الله بهذا الوصف أعني العارف أن الرجل صوفي، و إلا فتهتك الرجل بالنسبة لحرمة الله و النيل من الفقهاء و رجال الدين و العصيلة في كتابه المذكور و عمره يناهز حقيقة العرفان و الخوف من الرحمن.

«بستان العقول» ١٠٧. لناصر خسرو العلوي الشاعر الحكيم ذكره في كتابه المطبوع «راد المسافرين: ٣٣٩: ١٧» و في مقدمة النص ليراد أنه لم يعثر على نسخة لبستان تحت الآن.

«بستان الكرام» ص ١٠٧ رقم ٣٤٩ س ١٢، للعقنص المنسوب إلى المفضل. ابن فصولي مانند سایر استدراکات ح ٢٥ عموماً ر عینقی غوصی است

«بستان الواعظین» ص ١٠٨ رقم ٣٥٧: در [رد گیسامه علامه بحرینی ص ١٣٣] گوید اشباه است. باید بآنجا و ریاض و شماره فوق ٣٥٦ رجوع و دقت شود و درباره همه تألیفات سید هاشم باید ارجاع شود.

«بشارات الشيعة» ١١٢ ٣٧٩ أقول التردد من شيخنا ره في تاريخ وفاة الفاضل الخاجوتي ره (في س ١٨) في غير محله انظر «روصات الجئات ١: ٣٠٦» بشرحنا. و قوله (في س ٢٣): و هي بخط الأمير محمد اسماعيل الخ أقول لم يرد في «رندگيامه علامه مجلسي ١: ٣٢١» حول هذا الرجل على ما نقل عن هذا الموضع شيئاً. و تذكر في تعليقات ح ٤ نسخة «ترجمة بشارات الشيعة» هذا باللغة الفارسية.

أقول عندما مه نسخة قال مصنفه في آخره [شرعت في تأليفه عمرة شهر الله المعظم سنة ١١٥٥] الخ و قال كاتب النسخة [استكملت من النسخة التي بمقها الأستاذ المحقق العارف المدقق المصنف دام طله العالي و فابت معها من أوله و آخره و أنا الضعيف ابن أبوالخس الإريه الرويدشني من أقل تلامذة صاحب المصنف المذكور سلمه الله تعالى] انتهى و عندما أيضاً ترجمة البشارات محمد ابراهيم بن محمد باقر النجم آبادي ليس في آخره تاريخ رقم النسخة ٦١٨٩ غير محدد إلى الآن.

ص ١١٣ س ١، محمد اسماعيل بن الأمير . گلستانه محمد السد گلستانه ره (لم يرد المهنوي في كتابه للمجلسي ح ١ ص ٣٢١ على ما نقله من المتن شيئاً سوى ذكر والده. «البشارة لطالب الاستعارة» ١١٣: ٣٨٢. قوله (في س ٢٠) و فرغ منه في الأربعاء ١٧ ح ٢. ١١٠٠. أقول الصواب ما في خاتمة نسخة صاحب «رياض العلماء» طاب ثراه، و هي ضمن مجموعة في الاسحارات موجوده عند و هذه صورة ما في آخر تلك النسخة قال: «و كان ذلك صبحي يوم الأربعاء التاسع و عشرين من شهر رجب لسنة التسعين و ألف» الخ و يؤيد ذلك ما نقل في هامش تلك النسخة عن الاصل المنقول عنه. «البشارة» ١١٤ ٣٨٤. لسيّد محمد الدين قوله (في س ١٢) قال في «عمدة الطالب». أقول راجعه ص ١٧٩ (طبعة النجف الأشرف لأولي) و راجع الجزء الأول من كتاب «آثار الشيعة الإمامية: ٣٥».

«بشارة المصطفى» ص ١١٧ رقم ٣٩٨ س ٩ أقول قد أعرض شيخنا المصنف هنا عن كلام شيخه في خاتمة المستترك (ح ٢١ ص ١٦ ط قم) حيث ذكر أن شيخه الطبري التاسع و العاشر أخيراً سنة ٥٦٠ فإن هذا باطل لا مربة فيه و كان المأمول من شيخنا أن يكشف هنا عن خطأ شيخه و لكنه حبه المصراط له طواه كشحاً و الحق أحق أن يتبع و الله العاصم.

ص ١١٨ س ٦، ليس تمام الكتاب. أقول في هذا الكلام ردّ على استعراب شيخه المحدث النوري في خاتمة مسنده (ح ٢١ ص ١٣ ط قم) حيث نسب كلام الإمام الحرّ إلى طبعان القلم و ردّه و هو ق كل دي علم عليم.

«بشارة المؤمنين» ١١٨. قال الميرزا عبدالله أهدي الإصفهاني رحمه الله في أواخر مقدّمة كتابه «نحمة حسبيّه» الذي هو في شرح «الصّحيفة الإدريسيّة» ما لفظه بالعارسيّة: «و ما خود شطري وافي اربن مطالب را در منظوي كتاب «بشارة المؤمنين» كه بفارسي در ردّ مذهب باطله اهل عالم نوشته ام و در طيّ قسم دوم از كتاب «وثيقة النجاة» كه بعربي در باب اصول دين و مروع دين تأليف نموده ام، بعون الله تعالى كما هو حقّه - منبرج ساخته ام» انتهى.

«بشرى الضّالّين» ص ١٢٠ رقم ٤٠٧ عدي نسخة مصحّحة من رجال ابن دود و تصحيح ابن الصايغ و معانته على نسخة استاده الشهد الثاني و صطه فيه هكذا (كتاب بشرى الضّالّين في العمدة مستمجة)

«بصائر الدرجات» ١٢٤ - ٤٦٦ أقول ذكرنا في القسم المخطوط من كتابها «فهرست كتب خطّي» نسخة من «البصائر الكبري» كما ذكرنا هناك أيضاً نسختين من البصائر الصغرى.

«بصاعة الفردوس» ١٢٧ : ٤٢٣. قوله (في س ٥) ذكره في الروضات. أقول هذا منّي على ما رآه جدنا الإمام المحدث طاب ثراه من النقل عن هذا الكتاب في هامش نسخة من كتاب «مواقف الظاهرين» لعماد نفسه قلنس رسمه و بلث النسخة موجودة عندها و الحمد لوليّه.

«بصاعة النجاة» ١٢٨ - ٤٣٢ أقول نعت الصّوّب «البصاعة المرحاة» و الله العالم.

«بعض مثالب الواصب» ص ١٣٠ رقم ٤٤٠ انظر «النقص ٢٤ : ٢٨٣»

«بهيّة الراغبين» ١٣١ : ٤٤٥. قوله (في ص ١٣٢ س ٤) كما تأتي في الرسائل. أقول لم يجد في حرف الراء في الرسائل (ح ١١) مؤلفاً لاس فهد و لا لغيره في موضوع الشكّ و السّهو مطلقاً و لكن يذكر طائفة من سكّ المصنّعات في (ح ٧ ص ٢٤٧ - ٢٥١) بعنوان «الخلل في الصّورة» و أيضاً في السّين بعنوان «السّهو» في (ح ١٢ : ٢٦٦ - ٢٦٧) و ثالثة

بعنوان «الشك» في (ج ١٤ - ٢١٠ - ٢١٣). و اعلم أنه لا يوافق ما نقل في المتن من أوّل النسخة على ما يفعله عن رساله ابن فهد في الموضوع المذكورة إلا في بعض الكلمات و الله هو العالم بحقايق الأمور.

«بغية الطالب» ص ١٣٣ رقم ٤٥٠. انظر ما سيأتي في التكملة على «بغية الطالب

١٣٥: ٤٥٦»

«بغية الطالب في معرفة المفروض و الواجب» ١٣٣ - ٤٥١ أقول هذه الرسالة في الحقيقة أمّ الرسائل العلميّة المؤلّفة بعدها فإنّ مؤلّعها الإمام البرع جدنا الأكبر الشيخ جعفر قدّم راسخ في الفقه الجعفي و أصوليه مع سوع و ابتكار و انتاج لم يسفه في ميراثه سابق، و عندما عدّة نسخ من كتابه هذا و يأتي بكلام على حواشيه في ج ٦ - ٢٨ أيضاً فراجعوه و من نسخ ما هي بخط جدنا العلامة محمّد السيّد خلال الدين ره.

«بغية الطالب» ص ١٣٥ رقم ٤٥٦ أقول قوله [في بيان أحوال أبي طالب] هكذا يأتي في [كتاب في الأسباب ١٧ - ٢٦٨ - ٢١٣] و هكذا كونه في [دائرة المعارف الإسلامية إيران ٤ - ٢٩٥] للشيخ عبد العزيز الخواري و لكن في أمّ نصي السجف و حاصرها ٣: ٣٣] و صممه بقوله «بغية الطالب في سب آل أبي طالب» و لم يعل صاحب [مبة الراعيين ٤٧٠] اعتمد على المصنف فذكر الكتاب بالوصف المذكور و عقد عنواناً لمؤلّفه بهذه المناسبة و عدّه في جملة السّائرين و خلافاً لسيرته لم يذكر ماحداً لتلك الترجمة مطلقاً و وقع في خطأ آخر حيث لم يهم على ما يظنّ كلام صاحب المصنف فقال في دين العوان أعني عنوان السيّد محمّد بن حيدر ما لفظه [و له تعالى كثره عن عمدة الطالب تدلّ على طول باعه و علوّ كعبه في السب و له كتاب بغية الطالب في سب آل أبي طالب] الخ و نحن لا نشك في خطأ صاحب المبة على ما يتّباع مصافاً بأنّه لم يذكر أحد غيره أن السيّد محمّد بن حيدر هذا تعليفه على العمدة و إنّما التعليفه لشيخ محمّد كاظم العميدي السبابة المذكورة ترجمته في «المبة» عقيب عنوان السيّد محمّد بن حيدر و تعليقاته موجودة في نسخة العمدة بخط السيّد حسين بن مساعد كما هو معلوم كرّر ذكر تلك النسخة في «الدرية» و ذكرها في مقلّعة جامع الأسباب أيضاً و أمّا السيّد محمّد بن حيدر و كتابه المذكور فليس له ذكر في [تكملة أمل الآمل] للسيّد حسن صدر الدين ره كما لم

يذكره شيخنا المصنف في «مصطفى انقلب» بل ذكر في «للمصطفى ٤١٦» صحته و معاصره السيد محمد بن علي بن حيدر الموسوي العاملي المكي (ل ١٠٧٦ هـ ١١٣٩) صاحب «تبيين وس العيون ٤. ٤٤٩: ٢٠٠٧» و كلا الرجلان معاصران معونان في أمل الأمل و طئهما في «أعيان الشيعة ٤٤. ٣١٨: ٢٠٩٣» واحداً و هذا خطأ منه و قد خلط بين الترجمتين و خبط و أما سيد مشايخنا الإمام صاحب «بعية الراعيين ١: ٤٨ - ٤٩» فذكر كنيهما و بته علي تعابرها و أما شيخنا صاحب الدرر فذكر الأول في «الكواكب المشرقة: ٦٥١» صحيحاً و والده السيد حيدر في (ص ٢٢٩) كما ذكر الثاني في (ص ٦٦١ - ٦٦٣) و من المؤسف أنه جاء في غتام ترجمته المكي (ص ٦٣٣) قوله (و ذكرنا له «بعية الطالب في احوال أبي طالب في الدرر ٣ رقم ٤٥٦» و الظاهر أن هذا الخطأ من المباشر و الله العالم فقد قلنا إنه أورد ترجمة صاحب بعية الطالب في ص ٦٥١ صحيحاً و سبحانه من لا يسهو و اعلم أنه قد مرّ أن [بعية لطالب في أسباب آل أبي طالب ١٣٢. ٤٥٠] و نعلمه من الأوهام أو الأحبار الدخيلة و لله العالم بحقائق الأمور ثم انظر ما يأتي في «بحر الأبرار ٤٠٥: ١٤٥٤» و ما يأتي في «عمدة الطالب ١٥ - ٣٣٧ - ٢١٦٩» و تكملتها و اعتم هذه العائدة و لاتس الدعاء لنا و طلب الغفران و قد كتبت هذه الأسطر في بيتنا بإصمهان صبحي نهار الأربعاء ١٨ شهر شعبان ١٤٠٨.

«بعية المرشد» ١٣٦. ٤٦٢. قوله في (ص ٢١) سنة ٩٤٥، أقول ربما يُقرأ في نسخة القديمة من رساله البعية و كنا في نسخة المخطوطة من «اندر المشرق» هكذا: سنة ٩٤٠، أي الأربعين و التسعمائة قوله (ص ٢٢): كما يظهر من كتابه هذا. أقول: نص كلام ابن العودي هكذا: إلى يوم انفصالي عنه ينسفر إلى حراسان في عاشر ذي القعدة، الخ، و هذا في أن ابن العودي هو الذي سافر إلى حراسان أظهر من سفر الشهيد الثاني إليها ثم إن ابن العودي أدرج في رساله قطعة وجدها بخط سيده الشهيد رُوح الله روجه، تنصص مولده و جملة من أحواله، و أن جدنا العلامة الخاج مير سيد محمد شقيق جدنا الإمام المجدد صاحب روضات الحداث أعلى الله مقاميهما استنسخ هذه القطعة مستخرجاً من نسخة رساله ابن العودي في إحدى بحاميه النعيسة و هي المذكورة في الدرر ج ٤ ١٥٧: ٧٦٣ و راجع «شهداء العصابة».

ص ١٣٧ م ٢، ظفر: أقول و رآه أيضاً حديثاً الإمام الحرّ عليه الرحمة و نقل عنها قال في كتابه أمل الآمل عند ترجمة ابن العودي هد ما نصّه « »
«بغية الوعاة» ٣ : ١٣٧ : ٤٦٤. أقول ذكر في (ح ١ : ١٧٤ : ٨٧٤) أنّ البعة هذه مطبوعة.

- «بلايل و القلاقل» ص ١٤٠ رقم ٤٧٧ فهرست مرعشي ١٤ : ٢٢١ : ٥٤٤٠.
«البلاغ المبين» ص ١٤١ رقم ٤٨٢ يراجع (جواهر السية ٥ : ٢٧١ : ١٢٧٩) و ذكرنا ترجمة الرجل و بيته و نسبه في كتابنا (جامع لأساب ١ : ١٣٤).
«البلاغ المبين» ص ١٤١ رقم ٤٨٤ يراجع [نقص الوشعة ٢٤ : ٢٩١ : ١٥١٥].
«بلايل غلة المطالب» ١٤٢ : ٤٩١. أقول لبلال منشة اسم معنى التدوّة و الماء و الغلة العطش الشديد. قوله للسيد مصور. أقول في فضائل السادات ص ٣٨٠ : للسيد أبي مصور، و ترى كلنا الصّورين في المواضع بلحتمه للمصائل حتى في نسخه الأصل بخط السيد محمد أشرف و الله العالم، و عندنا مصوّة عن الأصل المذكور.
«البلد الامين» ١٤٤ : ٤٩٤ راجع ح ٩ : ٩١١ : ٦٠٢١. «ديوان كشمي الداراي».
«البهجة» ص ١٤٦ رقم ٥٠٢ أقول ذكر العلامة المامقاي ره في [سفيح المقال ٢ : ٣٣٠ - ٣٣١ : ٨٦٩٩] بعد نقل توثيق المحقق البحراني في «البيعة» لعمر و بن ديار المكي ما لفظه [و توثيق المحقق البحراني إياه مع عاية تدقيقه و عدم مبادرته إلى توثيق الرجال إلا بعد المحصص الأكيد] و هذا الكلام من مثل العلامة المامقاي في حق صاحب البيعة و كتابه يمكن من الاعتبار ثمّ أنّه يأتي [البيعة الصافية ١٤٧ : ٥٠٦] أيضاً في الرجال و هو لعالم بحراني معاصر لشيخ سبهاان هذا كما يأتي له [معراج أهل الكمال ٢١ : ٢٢٨ : ٤٧٤٨].
«بناء المقالة العلوية» ١٥٠ : ٥١٩. راجع «مقالة العلوية» في ح ٢١ ص ٣٩٥ رقم ٥٦٣٥ و يأتي متعلّداً «النقص على العثمانيّة» في ح ٢٤ : ٢٨٨ و ٢٨٩.
«الهوراني» ص ١٥٣ رقم ٥٣٢ : يراجع كتاب كتابشاسي آثار مربوط بقم للسيد المدرّسي الطباطبائي.
«الوارق الإفيّة» ص ١٥٣. لعالم العارف محدّد سعيد بن محدّد سعيد الشريف القاصي القمي. أحال إليه في أواخر كتابه «شرح الأربعين حديثاً ص ٦٢٧ ط ١».

«مُهْجَةُ الْأَمَالِ» ١٥٩-٥٦٣. أقول طبع مؤخراً من أجزاء هذا الكتاب الضخم بعضها في طهران و من الحديث بالذكر أن المؤلف كثيراً ما يقلع عن كتاب روضات اختات لجلد الإمام المجدد طاب مثواه بعين عباراته من دون إشارة ماء و هذا ما يقتضي منه العجب و بسئل الله سبحانه العصمة. ثم إن الميرزا محمدحسن العلياري (ص ١٦٠ س ٦) مذكور في «مقباه البشر. ٤١٦» لشيخنا المؤلف ره.

«مُهْجَةُ الْأَمَالِ» رقم ٥٦٣ - ص ٦٠، س ٦، محمدحسن. ترجمة الميرزا محمدحسن هذا مذكورة في نقاء الشر ص ٤١٦.

«مُهْجَةُ الْأَوْلِيَاءِ» ١٦٠: ٥٦٧ قوله (في س ٢٣) نور العين. أقول الصواب (نور العيون) الموجود بسخته عندما و قد ذكر مؤلفه المُهْجَةُ في كتابه في الحكاياه العاشره من حكاياه و ترى ذكر المُهْجَةُ أيضاً في كتاب «مأثر و الآثار: ١٤١» و انظر «رندگيامه علامه مجلسي ره ٢: ٣٢١ فما بعدها».

«مُهْجَةُ الْخِدَائِقِ» ص ١١١ رقم ٥٦٩: عندما سحان من هذا الشرح الجليل و راجع (ج ٦: ٢٨٤: ١٥٤٣) و (ج ١٤، ١٤٥ س ٦٣-٦٢)

«مُهْجَةُ الصَّنُورِ» ١٦٢. التاريخ الذي يقر عنه جمع من المعاصرين كلاماً في ترجمة «كريمخان الشيعي الكرمانى، ليس من كتب الشيعة و لا سائر فرق المسلمين، بل هو من حملة مهملات حيدرعلي اتبع انبهاً تنقّى متوفى ١٣٣٨ في بده عكاً طُبع المُهْجَةُ بنفقة الأعيان في عملي على الحجر سنة ١٣٣٢ في ٥٣٠ ص كما طبع هناك أيضاً أباطيه الموسومة بدلائل العرفان سنة ١٣١٢ و الذي لا يوجد في منقبات هذا العبي و سائر أهل محله رائحة علم و لا عرفان بل كنهها صلال و هديان

«مُهْجَةُ الشُعْرَاءِ» ص ١٦٢ رقم ٥٧٣ أقول راجع (رسالة حديقة الشعراء ١١-١٧٢، ١٠٧٠ و ١٠٧١).

«مُهْجَةُ الطَّالِبِينَ» ١٦٣. شرح درسي برمسالة الكبرى في علم المنطق السيد الشريف المرحلي. و الشرح للسيد محمد بن محمود الحسيني البيردي. طبع على الحجر بطهران في ١٣١٧ و رقم صفحاتها ٩٤ بالحجم الصغير و هامشها من الكبرى ثم نظمها لور عليشاه الصوفي المشهور. كتاب عندما نسخة من هذه المجموعة اللطيفة ثم سُرق هي و غيرها متاً.

«هجة العنانيين» ١٦٣: ٥٧٦. قوله في ص ١٣ «حدود سنة ١٢٧٢». أقول ذكر ترجمة الرجل في «مكارم الآثار ٦: ٢٠٢٠: ١٢٤٤» و هناك ولادته في يوم الخميس الخامس من ذي الحجة سنة ١٢٧٢ نقلاً عن كتاب «شيعه جه مي گوید» لولده السراج، و راجع «نقباء البشر: ١١١٠».

«هجة المباحج» ص ١٦٣ رقم ٥٧٧: أقول رأيت نسخة من هجة المباحج في بعض البيوت بإصفهان فيها نقص في أولها و آخرها على أعلاطها الكثيرة يظهر منها أنها من مکتوبات القرن ١٠ أو ١١.

«هجة المباحج» ص ١٦٣ منظومة لمولانا حمدي المروي الخراساني أصلاً من أشهر شعراء عصره بل المقدم على جميعهم خاصة في مباحج المعصومين صلوات الله عليهم و التبري من أعدائهم و توفي بكاشان أنر سقوطه عن السطح في ٩٦١ ذكرناه أيضاً هامش «ديوان المولى حمدي الفروي ٩: ٢٧٦: ٣٦٥٥».

«البياض» ١٦٦. قال سيد مشايخ الأمير العظمي ره في «أعيان الشيعة ١ ق ٢: ٢٧٩» في وصف نسخة «مجموعة الأمثال الشعرية» الموجوده في الخزانة الرسولية ما لفظه: بقطع كبير جداً و حطّ على ورق كلامي في غاية جودة عدد أوراقه ٢٦٧ بشكل ما سميّه سمية و يسميه الإيرانيون بياضاً أي بشكل مستطيل و أسفل الكراريس من جهة العرض لا من جهة الطول و كلّ صفحة منه عشرة أسطر و له هامش كبير جداً من الجانبين» انتهى المقصود من كلام سيد نجس الأمير، و يأتي في الدريعة من قبل البياض «التدكارات» و «جُكُت» و «السعيه» و بعض «المجاميع» المذكورة في حرف الميم.

«البياض الابراهيمي» ص ١٦٦ رقم ٥٩٠ انكتاب الصبح المعجم في المناظرات. «بياض الكعالي» ١٧٠: ٥٩٦. الصواب البياض الكعالي و قوله في ص ٦ «شرح الشاعرة الموسوم بالقيود الواهية» أقول يأتي بكل واحد من العوائين في (ج ١٣: ٣١٤: ١١٥٩) من دون إشارة إلى القيود و في (ج ١٧: ٢٢٧: ١٢٤٨) و فصل الكلام بحس حوله في كتابها المطبوع «مهرست كتب خطي ١: ٣٨٥» و يأتي شرحه لفصيدة دعبل الخراساني رضي الله عنه في (ج ١٤: ١٢: ١٥٢٦) و راجع «رد گيهامه علامه مجلسي ٢: ٣٥١ - ٣٥٣» و تتكلم

على «شرح الشافية» أيضاً في تعاليفها على الجزء (١٥ : ٢٢٠ : ١٤٥٠ : العاجلة في شرح الشافية).

ص ١٧٠ من ٧، سنة ١١٠٣ في عصر يوم السبت الرابع عشر من شهر رمضان المبارك من شهور السنة المذكورة كما في آخر نسخة من شرح القصيدة بخط جدياً العلامة الحاج ميرزا زين العابدين الخواساري رحمه الله

«البيان في أنواع علوم القرآن» ١٧٢ : ٦٢١. قوله (ص ١٢) ذكره النجاشي. أقول و كذا ذكره سيد مشايخ الصدر في كتابه الآخر «تأسيس الشيعة» إلا أنه أشار بعد ذلك إلى فهرس مصنفات شيخنا المعيد في كتاب نجاشي، فليس الله تعالى أرواح الجميع تجاه النبي و عترته الطاهرة صلوات الله عليهم

«البيان» ١٧٤ : ٦٢١. في الفقه لشيخ السعيد أبي عبد الله محمد بن محمد بن مكّي أقول والد الشيخ (أما الله برهانه) هو جمال الدين أبو محمد مكّي بن محمد، كما هو المعلوم بديهياً، وإنما الشيخ محمد بن محمد بن مكّي هو ابن الشهيد، فتكرار محمد سهو من قلمه الشريف و جنّ من لا يسهو. ثم يبيّ و فقت لرياره نسخة الأصل من كتاب البيان عطف مؤلفه الجليل عام زيارتي للحجف الأشرف سنة ١٣٦٦ عند العلامة السيد حسون بن علي بن أبي طالب الحسيني نعماني مؤلف «هدية الملوك» على ما بالمأ، و عطف الشهيد ره في نهاية العمود و لم تكن النسخة تامة فكتب الباقي بحظه العلامة الشيخ ابراهيم البلاغي.

«بيان الاوراد» ص ١٧٦ رقم ٦٣١. مصر ترجمته في مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٤٨٣

«البيان المبدع» ص ١٧٧ رقم ٦٣٢ : نسخة عندنا رقم ٤٠٦١.

«بيان الغيب» ١٨٣ : ٦٤٨. أقول يأتي بسيد العصر «التأملات» في (ص ٣٠٢

من ١١٢٣) و «الحجج الرصونة» في (ج ٦، ٢٦٤، ١٤٤٤) و بعض حواشيه في (ج ٦، ١٧٣ و ١٨٥ و ١٨٦) أيضاً.

«البيان المبرهن» ص ١٨٣ رقم ٦٤٩ : و يأتي له في نفس الموضوع «جواب السؤال ٥ :

١٨٣ : ٨٠٦» كما يأتي «القاسمية ١٧ ١٤ ١٩» و طبع معاله في الرد على المسألة في بضرة «كنز جرح ٥ : ١٢» كما طبع الرد عليها في نشره أيضاً (١٢ ٠٧) و السلام.

«البيان الشافي» ١٨٢. هو في حل أحاديث كتاب الكافي راجع (استقصاء الافحام ١: ١٤٥).

«بيجون نامه» ١٨٦: ٦٦٣ راجع «دانشمندان ادبیت ح ١ ٥٠٢» و «فهرست مشار ١: ٢٨٥» و كتابه الآخر «مؤلفين كتب جایی ٣- ٧٢٣».

«بَيِّنَةُ الْفَلَاحِ» ١٨٦: ٦٦٦. يأتي تحقيق في اسم مؤلفه في (ح ٦. ١٥٠: دليل الصفحة).
«بیدل» ١٨٦: ٦٦٧. اسم هذا القتل المعروف «سحاب البكاء» يأتي في موضعه أيضا.

«بيست مقاله» ١٨٩: ٦٧٥. راجع (ح ٦- ١٠٦ باهامش).

«بی سَوَنامه» ١٩٠. يأتي في ص ١٩٨: ٧٢٩.

«بيتش عرض آفریش» ١٩٥: ٧٠٦. أقول طبع هذا الكتاب في برد سنة ١٣٨٠ هـ. أو حواليها في ٦٢ صفحة باهامام العاقل المخلص السيد جواد الطباطبائي (مدرسي يردی) عن نسخة فرع الكاتب عن كتابها في يوم السبت السادس من ذي الحجة ١١٣٦ في قرية عبور ميرك التي فر إليها الكاتب مع الأهل و العيال خوفاً من الأفاعي، و هي من قرى مهربر برد. ذكر هذا الكاتب أن المؤلف للكتاب هو الفاضل المهدي هاء الذي محمد بن تاج الدين حسن الإصفهاني، و طبع مع تلك النسخة رسالتان لصدر الدين محمد بن نصر الطباطبائي حنّ السيد المدرسي و هما «عبر الحقيقة» و «لسان الصدق» كلاهما في تفسير بعض السور المباركة (التوحيد و الدهر و الفدر) بالعربية مع مقدمة في ترجمة المفسر (ص ٦٣ ١٥٢) و يراجع «آية دانشوران. ط ٢» لترجمة المفسر أيضاً. و عندنا نسخة من كتاب بيتش عرض آفریش بخط جدنا الأعلى واند صاحب الروايات رضي الله عنهما و ليس في تلك النسخة اسم المؤلف كمنسختي الرابعة. و لم يحده في فهرس أحمد لثروي و ذكره مشار في مهارسه.

«كتاب بیوت السخاء و الكرم» ص ١٩٥: ذكرناه في التكملة في الكاف.

«بهد اهل دانش و هو» ١٩٩: ٧٣٨. أقول النسخة للطبوعة بمصر موجودة عندنا و الذي ظهر لنا بعد التأمل النام فيها أن الكتاب من ملفقات بعض الأعياء من الطائفة البهائية المتحدة غير المسلمة ألقوه و بشروه في انحط عن شأن علماء الإسلام و فقهاءهم

برحاء ترويح اللادينية و تليح أفكارهم لإلحادية الاستعمارية كما أن طابعها و باشرها
 مرج ١. ركي الكردي اشهور أنه الرنديق البهائي، و لا توجد للكتاب نسخة مخطوطة في
 الظاهر، مع أنه لو كان من مؤلفات شيخنا البهائي هاء الدين محمد بن الحسين بن
 عبدالصمد المتوفى سنة ١٠٣٠ لا نشرت منه مآت نسخة طول أربعة قرون مصت من
 عهد الشيخ و لراجع «مناظره فار و سؤر» في (ج ٢٢: ١٩٨).

«بهاش يوسف» ص ٢٠١ رقم ٧٤٥ راجع «دمع دردف ٨: ٢٦٤: ١١١٤» مع
 النكسة.

«النالية» رقم ٧٥١ ص ٢٠٢ س ٦، لبيبي. البيس نالاء المكسورة ثم النون قرية في
 قرب شستر (بريز) و البيس بصحيف أيضاً كذا في آخر ج ٦ من الدريعة اسدراكاً هذا
 الموضع.

«تاج الأشعار» ص ٢٠٥ رقم ٧٥٨: أقول يأتي «سورة الشيعة ١٢: ٢٢٣. ١٤٧١» و
 «ديوان المحكردي ٩: ٨٤٩ ٦٨١» و قال لموق بن أحمد الخوارزمي المتوفى ٥٦٨ في
 كتابه «مقس الحسين صموات الله و سلامه عليه ٢: ١٢٨ طبع الجف» ما لعظه «و
 للإمام السيد الأديب أبي الحسن علي بن أحمد البشائوري جامع كتاب «تاج الأشعار في
 النبي المختار و اله الأظهار. أما سائس عن مذهبي و طريقتي - بحبة أولاد النبي عفيدي»
 إلى تمام ١٥ بيتاً

«التاج الشرفي» ٢٠٦: ٧٦١ هو في س ١٣ من دلائل الإمامية الخ. أقول في نسخة
 من كتاب «المجموع الرائق» هكذا: من دلائلهم عليهم السلام و دلائل صاحب الأمر
 ع. و لا يخفى أن كلما ذكره شيخنا العلامة طاب ثراه حول «التاج الشرفي» هو مقول
 عن (المقنع) المدرج في طي «المجموع الرائق»

«تاج التواريخ» ص ٢٠٦ للحواشي محمد بن حسن خان الإصهاني المشعري. يعمل
 عنه هذا الوصف واقعة لما بعد سنة ٩٢٠ في «تشكده اردستان ج ١ ص ٢٠٦».

«تاج الأنساب» ص ٢٠٦. محمد بن أسعد المعروف بابن الخوالي السابة المصري
 الآتي له «طبقات الطالبيين ١٥: ١٥١ ٩٩٢» و بعدها «طبقات السائين: ١٠٠٣» ذكر
 الثلاثة شيخنا المصنف في «الثقات العيون ٢٤٩» و لكن صاحب «مئة الراعيين ٣٠١» قال

بالتحاد الناج و طبقات الطائيتين و انظر «جواهر المكنون» في «تكملة الدرر».

«التاريخ» ص ٢١١: قال حمزة الإصطهاني في [تاريخ سبي ملوك الأرض و الأنبياء ص ٨ طبع برلين ظ] ما لمظه «و أما لمظ التاريخ فمحدث في لغة العرب لأنه معرب من ماه رور و بذلك جاءت الرواية» ثم نقل الرواية و قال في آخره «ماه رور و معناه حساب الشهور و الأيام فعربوا الكلمة ففقدوا مورج ثم جمعوا مصدره التاريخ و استعمالوه» انتهى و انظر التفصيل حول تعريف التاريخ في [مجلّة باستان شناسي و تاريخ ١: ٢: ٥١ - ٥٦ طهران ١٣٦٦ش].

«تاريخ ابن أعثم» ٢٢٠ ٨١١ جاء في معناه عنوانها «ترجمة فارسي تاريخ أعثم و دو مترجم آن» لكتابها الماصل محمد دبير سياتي المطبوعة في «مخبره راهباني كتاب ١٩: ١١-١٢ ٨٩٣ - ٨٩٥» تاريخها «فهرست اسعد ١٣٥٥ش» أن محمدحسين روحاني بحثاً متمماً حول الموضوع أيضاً طبعت في المجلة المذكورة (الأعداد ٤ ٦ من السنة نفسها) فراجع إن شاء الله.

«تاريخ ابن العميد» ص ٢٢٤ رقم ٨٩٧: أقول انظر لربما «رسائل ابن العميد ١٠: ٢٤٠: ٧٦٧».

«تاريخ الغاني» ص ٢٣٥ هو (بدايع الأحبار) في ذكر فتنة الأفعان في عهد الشاه سلطان حسين الصفوي لعبدالله البهبهاني المشي انظر مقالين حول الكتاب في نشرة «كیهان فرهنگی» س ٣ ع ٤ و ٥ ع ٥ تير و مرداد ١٣٦٥ش.

«تاريخ الأنبياء» ٢٢٦: ٨٧٠. أقول من «عرب عبد شبحا رحمه الله مؤلفات الأمير عليشیر النوائی و أقرانه كعبد الرحمن الجامي من جملة آثار الشيعة فإن الرجل بعيد في أحواله و آثاره عن الشيعة بعد المشرقين، و يذكر له «مجالس العائس ١٩: ٣٧٢: ١٦٥٧» «تاريخ أولاد الأطهار» ص ٢٣٧ رقم ٨٧٥ عمود نسب مؤلف «تاريخ أولاد الأطهار» و طائفة مذكور في (آشكده اردستان ج ١ ص ٧٥)

«تاريخ ايران» ٢٣٩. ٨٨٥. قوله في (ص ٢٤١ ٨) مالكم عان. أقول هو مؤلف «بهر و جوان» و يأتي ذكره في (ج ٨ ٢٢٥) و اسم أبيه يعقوب، و الرجل من عمال الأجانب و أيادي الاستعمار.

«تاريخ بانهد ماله خورستان» ص ٢٤١ رقم ٨٨٧ س ١، أحمد الحسيني: يأتي ذكره العمير الشريف أيضاً في ج ٧ ص ٢٨٥ فلاحظ.

«تاريخ بحوة» ٢٤١: ٨٨٨. مر ذكره في هذا المجلد أيضاً (ص ٥٠: ١٢٥).

«تاريخ تبريز» ص ٢٤٢ رقم ٨٩٩. يرجع لرام مكارم الآثار ح ٦ رقم ١٥٤٧.

«تاريخ لستر» ٢٤٣. ٩٠٠. قوله (في س ١٠) صاحب الإجارة الكبيرة. أقول مر ذكر هذه الإجارة في (ح ١. ٢٠٦: ١٠٧٧) و يأتي أيضاً ذكر نسخة منها في (ج ١٨: ٣٧٩ س الأحمر) كما أن عندنا أيضاً نسخة منها كتبها محطاً قبل ثنين عاماً و يأتي للسيد الخبير «ديوان فقير جرائري» في (ح ٩: ٨٤٢).

«تاريخ تيمور» ص ٢٤٥ الكوركاني قد أتى حول تاريخ هذا الأمير عدة كتب و لكن المعجب من العلامة المرحوم السيد محسن الأمين العاصمي حيث ملأ الرابع عشر من كتابه [أعيان الشيعة ٣٤٢ ٤٤٨ ط ١] أي ١٠٦ صفحة حول ترجمة هذا الختار و الله العاصم.

«تاريخه ادبيات ايران» ص ٢٤٧ رقم ٩٠٩ س ١٢، (ج ٧ و ٨ و ٩): و إلى الآن التي سنة ١٣٢٥ الشمسي يشره.

«تاريخ جهاد آراء» ص ٢٤٧ رقم ٩١٤. أقول إنه الذي نقل عنه صاحب رياض العلماء «٢: ٣٦٧» تاريخ شهادة الشهيد ثني بأبي كفا الرومية فلاحظ.

«تاريخ حسامي» ص ٢٤٩. قال الحاج الشيخ محمد حسين الآبي البروجندي في كتاب بهارستان.

«تاريخ حزين» ٢٤٩. انظر ما سذكره بعنوان «تاريخ الصفوية» على هامش ص ٢٦١.

«تاريخ الحرمين» ٢٤٩: ٩٢١. أقول لم يمر بح أيضاً على نسخة من هذا التاريخ الجليل و لكن كثيراً ما يجد الإحالات عليه في كلام مصنفه العلامة في مواضع من أجوبة مسائله الموجودة عندنا بخطه ره

«تاريخ عافواده اسفندياري» ص ٢٥٠. لأسد الله بن مهدي النوري الإسفندياري طبع بظهران عام ١٣٢٩ ش في ٢٠٠ ص ذكره مشار.

«تاريخ الدخانية» ص ٢٥٢ رقم ٩٧٣: راجع «الدخانية» في ج ٨ ص ٥٠ و انظر كتاب «انديشه ترمي» لفریدون آدمیت ص ٣٤٣ و كتاب الدكتور عبدالمطادي الحائري الأخير.

«تاريخ الري» ٢٥٤. لأبي الحسن بن بابويه نقل عنه بهذا العنوان ابن حجر في «لسان الميراث» تراجم جمع من الأعيان، منها ما في ج ١ ص ٨ - ١٣٦.

«تاريخ سامراء» ٢٥٥: ٩٥١. الموسوم بمآثر الكرماء يأتي بهذا العنوان أيضاً في ج ١٩.

٦.

«تاريخ سلطاني» ٢٥٨ راجع «مجله وحيد» العدد المسلسل ١٩٧.

«تاريخ سيستان» ص ٢٥٩ رقم ٩٦٣ و ص ٢٥٩ «بتصحيحه و تقييده و كتب له مقدمة ناعه.

«تاريخ شاهنشاه ملوي» ص ٢٥٩ رقم ٩٦٧ نظر ما مرّ بعنوان «تاريخ ملوي» ٢٤٢ ص ٥.

«تاريخ الصفوية» ٢٦١ لشعخ علي حرمي (اللاهجي) كما عرّعه في التريفة ٩: ٢٣٥ ص ١٨ و هو الاي باسم «سوابح الحمري» في (ج ١: ٢٥١)

«تاريخ طبرستان» ص ٢٦٢ رقم ٩٦٢: راجع لتصحيح المتن و تكميل مطالعها السبعة المطبوعة للتاريخ سنة ١٣٦٠ في طهران و مقتطفها لعلم إقبال و لها عليها بعض العيود و راجع لوصف نسخها المخطوطة و مسح سائر سوابح الفارسية «فهرست نسخهای خطی فارسی لأحمد متزوي ج ٦».

«تاريخ عالم آراء العباسي» ص ٢٦٣ رقم ٩٨٧ ص ٢١، أو سنة ١٣١٤: بل في كلنا السنتين تدريجاً و تاريخ إمامه سنة ١٣١٤.

«تاريخ العلماء» ص ٢٦٥ رقم ٩٩٣: راجع «دمع دروف ٨: ٢٦٤: ١١١٤» و مكارم الآثار ٧: رقم ١٥٥٣.

«تاريخ العلماء» ٢٦٥: ٩٩٤ ١٠ قوله «ترهه الإثني عشرية». أقول قد بيّنا فيما سلف من الكلام حول «يندر الدجي» أن هذا هو الاسم التاريخي لذلك الكتاب الجليل و صوابه هكذا: «ترهه إثنا عشرية». فاعنوان تركيب فارسي الشكل و إن كانت الأجزاء بالعربية. و الكتاب أيضاً بالفارسية.

«تاريخ علماء البحرين» ٢٦٦: ٩٩٥ يقل عنه في «أنوار البحرين» المطبوع في المحف الأشرف وراجع «لؤلؤة البحرين» هامش ص ٨ ط المحف.

«تاريخ غاراتي» ص ٢٦٩ رقم ١٠٠٤ فوه في آخر العنوان ٢٧١ ٤ كما أن جهة من الأصحاب الخ. أقول يا ليتة ذكر أسماء مشاهير هذه الحملة من الأصحاب على الأقل. وراجع ما ذكره إن شاء الله حول «وصيتنامه رشيدى» المذكور في (ج ٢٥، ١٠٨) هامش «الوقفية الرشيدية» في ج ٢٥: ١٤٠.

«تاريخ فارسنامه» ص ٢٧١ رقم ١٠٠٦ أقول يأتي ذكره أيضاً بعنوان [فارسنامه ناصرى ١٦ ٩٤: ٥٢] مراجعه و ترجمة الرجل في «مكارم الآثار ٤. ١٠٤٣» و «دانشندان و محققان فارس ٢. ٢٥١»

«تاريخ القرآن» ٢٧٥، ١٠١٩. أقول توفي مؤلفه الشيخ أبو عبد الله الرضائي في يوم الخميس السابع من جمادى الآخرة عام ١٣٦٠ في بلدة ربحان و كانت ولادته في ربيع الأول سنة ١٣٠٩ كما في مقدمة كتابه «ريدگان محمد صلى الله عليه و آله» المطبوع لسرة السادسة في تبريز و يا ليتة لم يُفقد يومئذ كرامته في تسميته كتابه بهذا الاسم و كان الأحسن أن يسميه بما لا يمس كرامة القرآن العظيم كما لا يحفى على متدرب

«تاريخ قصص الخافان» ٢٧٥، ١٠٢١ رجع «قصص الخافان» في (ج ١٧، ١٠٦).

«تاريخ قم» ٢٧٦: ١٠٢٥، ١٠. قوله «المهاج الصموي». أقول هو كتاب في فصائل و مناقب السادة الأشراف كما في حاشية مستدرك. ٣٦٩ و يأتي في كلام شيخنا المصنف طاب مصحفه إلى ص ٢٧٨ ما يعيد في المقدمة و يأتي المهاج الصموي في (ج ٢٣: ١٦٣) و لم يذكر له نسخة و كذا لم يذكر في فهرس أحمد و بحثنا حول الكتاب و حول تاريخ قم في بعض رسائلنا و مقالاتنا و في تعبقة س على نسخة من فصائل السادات (ص ٣٦٢ ط ١) و ليتأمل في نص كلامهم محمد أشرف هناك، و يراجع أيضاً «جنة المأوى الحكاية ٨» للمحدث الثوري و كتابا «فهرست كتب خطى ١. ١٦٤» و الله سبحانه الموفق للعين.

في مقدمة «فهرست نسخ خطى كتابخانه آستان مقدسة قم» بحث طويل جامع الأطراف حول كتاب تاريخ مدينة قم و نسخها الموجودة بسعي الرجوع إليه.

«تاريخ قم» ص ٢٧٧ رقم ١٠٢٧: «كتابشاسی آثار مربوط به قم» للسید المنیرسی الطباطبائی.

ص ٢٧٨ ص ١٣، في خاتمه المستترك: ص ٣٦٩؛ و في فصول السادات ص ٣٦٢ نسيد محمد اشرف بن عبدالحسين بن أحمد بن زين العابدين المذكور في المتن ما نصه «ار آن جمله حکایتي است که در تاريخ مدينة المؤمنين قم که از حسن بن محمد قمی است باین عبارت وارد است [رويت عن مشايخ قم ن الحسين بن] إلى آخر ثلاثة عشر سطرًا نقلها بالعربية فقال بعدها [و آنچه در بعضی تواريخ فارسی مدينة المؤمنين مرقوم بنظر رسید در بیان این روایت که ترجمه مصواب احمد و دلیل تداول و شهرت این مقال می تواند شد باین مضمون است که در زمان امام حسن عسکری صلوات الله و سلامه علیه سیدی بود مسمی بسید حسن] الخ [راجع ج ١ من کتابها «مهرست کتب خطی ص ١٦٤» و [راجع «حثة المأوى» الحکمة شامة للمحدث الموری ره

«تاريخ القاضي قوام الملک الأبرقوهي» ٢٧٩ ص ١٠٣٦ ١٥ قوله «نقل عنه في تاريخ نگارستان» أقول يأتي في النون و هو المصنفاري. و نقل عن تاريخ القاضي أيضاً شيخنا البهائي في «الكشكول» ج ٤ «معروف «تاريخ قوام لمكي» و يظهر من نقل الشيخ أن الكتاب مرتب على حوادث السير انظر «الكشكول ٢: ٢٣٠ ط قم».

«تاريخ كربلاء» ص ٢٨٠ رقم ١٠٣٦ طبع عام ١٣٤٩ كما جاء في ترجمة مؤلفه بقلم المرحوم السيد صالح الشهرستاني المطبوعة في «أعيان الشيعة ٥٠ ١٢٤ - ١٢٥» و استترك في «ج ٥٦ ٤٤» أن وفاة الرجل في ١٢ شوال ١٣٨٠ و ولادته في كربلاء سنة ١٢٩٩ و مؤلفاته الكثيرة موجودة عند ولده السيد عبدالصالح حمزة المولى.

«تاريخ مختصر الدول» ٢٨٦ مؤلفه ابن العربي اليسوعي أبوالمرح غريگوريوس بن أهرون الملقب بالمسيحي النوفى بمراغة سنة ٦٨٤ و عمره يساهر الستين. هذا التاريخ و إن لم يكن لشيعة و لكنه مهم جداً حيث إن مؤلفه معاصر للمحقق نصرالدين محمد الطوسي أثار الله برهانه، فذكر وقایع زمانه و قبله و أورد فيه ترجمة جماعة من الأفاضل و ذكر فيه أسماء طائفة كبره من كتب الحكماء الأقدمين و مقالاتهم و استفاد فيه من غرر أخبارهم و آثارهم، فيحسن الرجوع إلى هذا التاريخ مع ملاحظة ما ذكره الشيخ

العلامة الأميني نور الله مصححه في كتاب «لعمير في الكتاب والسنة والأدب» ١٦: ٢٩٩
و أيضاً ما ذكره صاحب المقدمة لكتاب «التاريخ المصوري: ٢٤ ط دمشق»

«تاريخ ملل شرق و يونا» ٣. ٢٨٨. ١٠٦٣ مؤلفه عبدالحسين بن وثوق الخلوة
محمد، وُلد في حدود ١٣٢٢ و قتل في حمة عراء سيد الشهداء صوات الله و سلامه عليه
في مسجد سيهسالار بظهران في يوم الجمعة ١٢ محرم الحرام ١٣٦٩ و دفن يوم السبت
بعدها بخوار مرار سيدنا عبدالعظيم الحسيني عليه السلام تم صُلب قاتله بعد أيام في ليلة
١٧ من المحرم. و هزير بالصم و العنح معى الداهية و عمرها. و طبع له أيضاً «بطرربورع
تا فسططيه» و «تاريخ قرون وسطى» و «حافظ تشريح». و له ترجمة في «الذويعين
للمشار ٣: ٧٦٤» و «تاريخ بامداد ٢: ٢٥٨» و «مكارم الآثار» و عمرها.

«تاريخ ملوك الأرض» ٢٨٨. ١٠٦٥. صنع في برلين باسم «تاريخ سبي ملوك الأرض و
الأساء» و راجع «أعيان الشيعة ٢٨. ١٤١. ١٤١»

«تاريخ ملوك الكلام» ٢٨٨ : ١٠٦٦ راجع «كلام الملوك» في الكاف و «ملوك
الكلام» في الميم.

بسم الله الرحمن الرحيم

سرحت النظر في هذه التعالوق القيمة و احواشي الثمينة لسيدنا الأستاذ المحقق البهجة
فقرت العين و سرّ القلب و دعوت له بالتوفيق و التأيد و التعاون و التمسيد لا رال
راشداً مسدداً و اسهل إلى الله أن يمدّ في عونه و يأخذ باصره في إكمال هذا جهود
الثقافي العظيم فلا يقوم به إلا هذا العملاق مائة فارس ميدانه وفقه الله لإبحاره و كان ذلك
في ١٤ ربيع الثاني سنة ١٤٠٦ عبدالعزيز الطباطبائي

«تاريخ نضر بن مزاحم الكوفي» ص ٢٩١: انظر (صغير ١٥ : ٥٢ : ٣٤٤).

«تاريخ نسب و كش» ص ٢٩١ رقم ١٠٧٦ راجعه ما يذكره حول طب النبي في
(ح ١٥ : ١٤٤ : ٩٥٩).

«تاريخ وصال الحضرة» ص ٢٩٤: يأتي في ص ٣٥٨ رقم ١٢٨٨.

«تاريخ وقائع الأيام و السنين» ص ٢٩٥ رقم ١١٠٩٣ يأتي في حرف الواو مراجعه.
«تأليف المحبة» ص ٣٠٠ رقم ١١١٨ س ٤، الرياض و توجد نسخة عندنا برقم ٥٩١٥.

«التأملات» ص ٣٠١ رقم ١١٢٢. يراجع مكرم الأندلس (رقمي ٦٩٤ و ١٤١٣).
«تأويل الآيات» ص ٣٠٣ رقم ١١٢٧ طبع بأوبلات باهد و القاهرة و لكن اسمه
عندهم الأمر فسبوه إلى ابن العربي فلا تعجل. و يأتي لعبدالرزاق «شرح مسارل السالكين»
في ح ١٤ : ٨٨ : ١٨٤٨. و يراجع مشترك السفيه ٣ : ١٨١
«تأليف النبوة و تسديد الإمامة» ص ٣٠٩ : تأليف يونس بن عبدالرحمن فعي، ذكره
الشيخ عبدالحلِيل في كتابه النقص ص ٢٧٠
«التبديل و التعريف» ص ٣١١ رقم ١١٥١ انظر ما يأتي في (ص ٣٩٤ ١٤١٥ فما
بعدها) و (ح ١٦ : ٢٣١ : ٩١٢).

«التبر المذنب» ص ٣١٢ رقم ١١٥٢ أقول انظم كم «تذكرة الشعراء المعاصرين ٤. ٣٧
١٣٦» و هو غير كتاب [التبر المذنب لبي بياب ترقب الأوصحاب] للسيد أحمد بن محمد
الحاجي الحسيني نسباً الشافعي مذهباً المذنب نقل عنه الشهيد الحاح ملا محمد تقي بن محمد
البرعاني المروزي المستشهد في محراب مسجد جامع الصغور بفروين سنة ١٢٦٣ في كتابه
النيس [محال المتقنين في ٦١ ط ١٢٧٠] الذي أعده سنة ١٢٥٨ قال [و أمّا الثاني في كتب
العامّة منها التبر المذنب لأحمد الشافعي] انتهى و نقل عنه أيضاً جدنا الإمام فطرس الله
روحه في ترجمه محمد بن إدريس الشافعي في «روصات الحجاب» و في «فهرس المرعشيّة
بقم ١٩ رقم ٧٣٣٠ التعريف بنسخة من «التبر مذنب» في مناقب المعصومين عليهم السلام
من طريق المخالفين و أسماهم و تواريخهم في ٧١ ورقة لم يذكر مؤلفه أمّا تاريخ كتابه
النسخة سنة ١٣١٦ ق كانت أيضاً نسخة من كتاب الحاجي عبد الحاح ملا علي الواعظ
الحياياني التبريري كما ذكره في مجلد الصيام من كتبه «وقائع الأيام: ٦٥٢ ط ١».

ص ٣١٢ س ٤، محمدصادق: انظر (ردگي نامه علامه مجتبي ٢ ٤٢).
«التبصرة في معرفة المذهب الشافعي و الإمامية» ص ٣١٤ لنسح أسعد بن أبيروح
المذكور في لسان الميراث ج ١ ص ٣٨٦ و به كتب آخر مراجع.

«تبصرة الفقهاء» أو «تبصرة الفقهاء» ص ٣١٤، انظر «المقنة الاستدلالية» في ج ١٦، ٢٨٣: ١٢٢٨.

«تبصرة الحكماء» ص ٣١٧، للمطب لديهي المنشرب الميرزا صاحب «ديوان قطب الديهي ٩: ٨٨٤: ٥٨٧٣» ذكره في «مرآة لكتب ١١٧: ٢» و نقل عنه في (ص ١٩٥ ما قبله) ما مش «حديثه الشيعة ٦: ٣٨٥: ٢٤٠٨» مراجعه.

«تبصرة الطالبين» ص ٣١٨، لميرزا محمد بن سلطان محمد الباعث نفسه بالتحقق الأردبيلي الصوفي له أيضاً في الصوف (تذكرة الداكيني) يراجع كتاب «حاكسار و اهل حق ص ١٩٣ ط ٢»

«تبصرة العوام» ص ٣١٨ رقم ١١٧٧، راجع ما ذكره ولد المصنف فيها يأتي بعنوان «برهة الكرام و بستان العوام ٢٤: ١٢٣: ٦٢٤».

قال المولى محمد طاهر المكي المتوفى ١٠٩٨ في كتابه (تحفة الأخبار ص ١١٨)، ما يظنه «و سيد اجل اعظم ابوتراب مرتضى بن الداعي الحسيني الرازي عنه الرحمة كه ار اكابر فصلاى شيعة اماميه است در كتاب تبصرة العوام» الخ. و اعرض عليه الجاهل العبي محمد مؤمن السكاسي المطيب صاحب الطب المعروف بنحمة حكيم مؤمن الذي كان من اشد أعداء الفقهاء و المجهدين و من انتصوفة الملحدين المنتظمين على مائدة الحكماء و السلاطين في حاشية له على كتابه المسحوف المسمى صلاً «تبصرة المؤمنين» و هذا على عبارته قال «عجب تر آنكه تبصرة العوام را نسبت به جناب مير مرتضى علم الهدى به جهت قبول عوام داده و حال آنكه جناب سيد السادات فارسي طاهراً على فهميده اند چه حاي آنكه به فارسي كسد». انتهى كلامه الكاشف عن خرافته و عدونه متوقفاً أو موهماً أن المولى محمد طاهر يريد بالرجل السيد المرتضى علم الهدى البغدادي صاحب الشافعي و الأمالي قلنس الله روحه مع أنه صرح بسببه الرجل إلى الري و لكن حب الشيء يعمى و يعمى و الله تعالى العاصم. لتبصرة العوام راجع «فهرست دانشگاه ح ١٥: ٤٠٩٧: ٥٠٥١».

ص ٣١٩ س ٢١، (مناهج اليقين): انظر «مناهج اليقين» في ج ٢٢: ص ٢٥١ رقم ٧٤٠١. «تبصرة المعلمين» ص ٢٢١ رقم ١١٨١ أقول رأيت في ظهر نسخة من كتاب

الشرائع ما لعظه «اعلم أن تصرة الأحكام أربعة آلاف مسئلة» الخ.
«بصرة المؤمنين» ص ٣٢٥ رقم ١١٨٨ و يأتي ذكره في ص ٤٠٢ من ٢٠ في هذا الجزء
أيضاً. و يراجع ما كتباه في هامش ص ٤١٧.

و نسخة في مجموعة اكتتبها عاسعي درويش النعمة اللهي الصوفي الكرمانلي في
١٢١٥ كانت عند الميرزا طاهر النكاسي فانتقلت بعد وفاته إلى مكتبة مجلس طهران كما
في فهرسها (١٠: ٤: ٢٠١٠ - ٢٠١١) و نسخته القديمة عددا.

«البيان» ص ٣٢٨ رقم ١١٩٧: أقول راجع م ذكره شيخنا المصنف طاب مصححه
بعنوان «تفسير البيان ٤: ٢٦٦» و انظر وصف نسخة عربيه من انكتاب أيضاً في
«الثقات الميوس. ٢٩١» و انظر «مختصر الباب ٢٠. ١٨٤. ٢٥٠٤» و ذكر جدنا الإمام
الأفقه الأصلح آية الله العظمى السيد محمد شقيق الإمام المجدد آية الله العظمى
السيد محمد باقر صاحب الروضات الإصفهاني روضات الله عبيهما في كتاب النكاح من
أجوبة مسائله أن البيان آخر مصنفات شيخ الطائفة الطوسي فتمس الله روحه
«لجئ المحقة» ص ٣٣٤ رقم ١٢١٤ من ١٠. محسن. (مذكور في رجال آذربايجان
ص ١٠٥).

«تتميم الافصاح» ص ٣٣٦ رقم ١٢٢١ أقول لما كان هذا الكتاب من أمس آثار هذا
الباب و حصل لدينا ثلث صفحات من أوله بخط أحد أجدادنا الأعلام الحاج مير سيد
محمد شقيق آية الله العظمى الإمام صاحب روضات الخات أعلى الله تعالى مقامهما
رأيت إلحاق تلك الصفحات الثلاث بهذه مكتبة لمكان التتميم من الأهمية التامة و
الصفحات تصوير خط وجد المبرور بعينه فلاحظ و اعلم و تدبر فيها

«تتميم أمل الآمل» ص ٣٣٧ رقم ١٢٢٢ من ٥، حسين: في ص ١٩٩ من الطبعة الثانية
لروضات و ما نقله في الروضات توجد في حواشي نسخة موجودة عددا و كلها متاً و
هامشاً بخط جدنا الإمام العلامة المجدد آية الله العظمى سيد ميرزا محمد باقر الموسوي
الإصفهاني صاحب الروضات نقلاً عن نسخة لآمل التي استكتبها أخوه الأكبر مه متاً

السيد محمد جواد و هو عن خط الأمير محمد إبراهيم القروي صاحب الحاشية كما ذكرناه بهامش موضعه «أمل الأمل ٢: ٣٥٠: ١٤٠٠» و الأمير محمد معصوم والد المحشي من المترجمين في أمل الأمل رحمة الله عليهم أجمعين.

«تتميم أمل الأمل» رقم ١٢٢٤ - ص ٣٢٨ س ٩، الظاهر. أقول هذا الاستظهار كقوله في «الكرام البررة ٧٩٩» في عمر عمه بل نسخة المحدث النوري عين نسخة شيخه المذكور كما صرح به في حاشية مشتركة ص ٣٨٦ في السطور الأخيرة و نظر أن المحدث النوري استعارها من شيخه المذكور و هي اليوم عند السيد هاشم بحر العلوم في الحنف الأشرف كما يأتي في (ج ٢٠: ٦٠) و قد مر ذكر هذه المجموعة في [كتاب الإجازات ١: ١٢٦: ٦٠٥] و [كتاب الإجازات ١: ١٣٠: ٦١٧] و يأتي في [اللزوة السحرية ١٨: ٣٧٩: ٥٣٦] و في [مجموعة الإجازات الكبيرة ٢٠: ٦٠: ١٩٠١] و يرى وصف الكتاب و مؤلفه أيضاً في مفتاح كتاب العنصر القدس للمحدث النوري.

ص ٣٢٨ س ٢١، هناك الترتيب و هذا من اعوجاج السقفة.

ص ٣٣٩ س ٥، النصف: انظر في ج ٦ ص ١٣ كتاب الإجازات و ح ١٨ ص ٣٨٠، ٣٧٩ و ج ٢٠: ٢٦٣ س ١.

«تتميم أمل الأمل» ص ٣٣٩ رقم ١٢٢٥. أقول نقل عنه في [أعيان الشيعة] بصواب [تمة أمل الأمل] منه في ترجمة [أحمد بن عبد الله البلادي ٩: ١٧].

«تتميم الجامع العباسي» ص ٣٤٠ رقم ١٢٢٨. لمراجع ج ٥ من الدريرة في ديل الجامع العباسي.

«تتميم المعجرات» رقم ١٢٤٢ - ص ٣٤٦ س ١، الشيخ عبد الوهاب: الشيخ حسين بن عبد الوهاب، صحيح ايضاً است.

«تجارب الأمم» ص ٣٤٧ رقم ١٢٥٢: يراجع مقالة [مسكويه و كتاب غارب الأمم] بقلم محمد جاودان بالعربية في مجلة [كبهان فرهنگي] رقم التسلسل ٤٩ الصادرة في طهران في شهر شعبان المعظم ١٤٠٨ (فروردين ٦٧ ش) ص ١٥ - ١٨ فإنها نافعة من حيث الدلالة على ما أخذ التجارب و صاحب أخرى حول الكتاب و تحقيقه.

«تجارب السلف» ص ٣٤٨ رقم ١٢٥٤: أقول اعلم أولاً أن «تجارب السلف» هذا

مؤلفه من العامة بل من متعصبيهم فلا يجوز عند كتابه في مؤلفات الشيعة و ثابت ليس الكتاب ترجمة لمخبري المطبوع بل هو كما يأتي في [مبة العصلاء ٢٣ : ٢٠٦ : ٨٦٥] ترجمة لسمية هذه للمقودة بسختها بعد عصر الترجمة و قد صدرت الترجمة أعني التعريب في ٧١٤ كما بيّناه في مقدمتنا للكتاب صبعة إصفهان سنة ١٤٠٢ في ٤١٠ ص و مقدمتنا في ١٦ صفحة و طبعنا هذه للتعريب بالأوقست عن النسخة القديمة الوحيدة المحصورة الموزعة سنة ٨٤٦ الموجودة في إصفهان و سائر السبع كلّها جديدة استنكت عن هذه النسخة في النصف الثاني من القرن ١٣ و بعضها أساس طبعة الأستاذ عباس إقبال و كلّ هذه السبع محرّفة معروضة فاعتمد نسخة إصفهان فقط و لم يظهر لحدّ الآن نسخة أخرى قديمة و الله العالم.

«تجربة الأحرار» ص ٢٤٩ رقم ١٢٦١ : و ص في ح ١٢ ص ١٢٠ [و في تجربة الأحرار في علماء قزوین المولى إسماعيل الحاجوي ..] ثم نقل عنه ترجمته و كذا ذكره أيضاً في (ح ٤٥ ص ٣٢١ و ٣٢٦) و الله العالم.

«تجريد البلاغة» ص ٣٥٢ رقم ١٢٧٥ : أقول طبع بحريد البلاغة هذا في سنة ١٤٠١ (١٩٨١م) في القاهرة (دار الشروق) بتحقيق الدكتور عبدالقادر حسين كما في مجلة معهد المخطوطات العربية ٣٦ : ١ : ٢٧٢.]

«تجريد الكلام» ص ٣٥٢ رقم ١٢٧٨ : بتجريد هذا انظر كتاب (احوال و آثار بحواجه بصير ٤٢٢ فما ٤ بعدها ط ٢ للسيد محمدتقي ميرزا رضوى و هناك تفصيل في شروحه) و أيضاً انظر كتاب (مولوى نامه ٢ - ٩٧٩ بهمانى) و يأتي ذكر شروح التجريد في (ج ١٣ : ١٣٨ فما بعدها) و من الشروح (علاقة لتجريد) و (نهاية التجريد) المذكورين في موضوعيهما و غيرهما.

ص ٣٥٣ ص ٢٢، قال في أوله: أقول ليس في أول نسخها القديمة من هذا الشرح القلم شيء من هذه المطالب بل ليس فيها ذكر لشرح العلامة الحليّ ره و لا لغيره و الله العالم. (بايد در مقدمه قوشجی نگاه کنیم و کذا در فهرس دانش پژوه و غيره و کتب راجع به خواجه). نسخه من هذا الشرح مذكورة في «نسخه‌های خطی دفتر ٧ ص ١٢١ بشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران».

قال الإصمعياني المذكور في مقدمة شرحه. (فاشار إليّ من طاعته فرض يجب عليّ أدائه إليّ أن قال (و أتبه عني ما ورد عليه من الاعتراضات و اشير إلى أجوبة ما أورد فيه من الشبهات خصوصاً على مباحث الإمامة فإنها قد عدل فيها عن سمات الاستقامة الخ) و قد ظلم في حق نفسه هذا الرجل نعمي شمس الدين محمود بعلة تعصّبه و عماه في مذهبه الباطل و قد تجاوز عن طريق الحق تجاوزاً محوفاً و تجاوزاً [] كما لا يحصى على البصير الذي طالع هذا الكتب على الخصوص في مباحث الإمامة و الخلافة و ليس لقابل المقايسة مع العاقل القوشجي و إن كان هو أيضاً في التعصّب لكنّه ذكر في شرحه أحصاء كثيرة موافقة من كتبهم في أدبه لإمامه و الأئمة و لكنّه يوجتها بالأباطيل و لم يكلف نفسه باستخراج المرحفات و الأقوال كما فعله شمس الدين من ذكر توجيهات فبيحه و تأويلات شيعة في الأخبار الواردة عن النبي (ص) في الإمامة عليّث مطالعة هذه الشروح كلّها حتّى يبيّن لك طريق الحق و كثيراً اقرا شرح العلامة الحلي رحمه الله و شرح المولى أمير سيّد اشرف الحلي رحمه الله

ص ٣٥٤ س ١٩ القوشجي انظر (ج ٦ ص ١١٣).

ص ٣٥٥ س ١٣، يوم الخميس أقول و في هذا اليوم بعثه بوقي العلامة البارع السيّد حيدر ابن خالسا الإمام السيّد اسماعيل الصدر قدس الله روحيهما في الكاظمية على مشرفها العلامة عن نحو ١٧ سنة من العمر كما في ترجمته في [النقاء ٦٨٣] و كانت ولادة والدنا العلامة الحقّ جامع معقول و انقول المجتهد البارع في الفروع و الأصول آية الله الباهرة سيّدنا السيّد ميرزا محمد شمس الروصاني عطر الله مرقده في يوم الجمعة منتصف المحرم سنة ١٣١٩ بإصمهان كما ذكرناه عند ترجمته في كتابنا [ردگان آية الله چهارسوقى ١٠٥ - ١١١].

«تجزئة الأمصار» ص ٣٥٨ رقم ١٢٨٨ قال في كتاب ربيع ص ٢٠٩ «نسب مؤلف كتاب و صاف كه در رساله رد و شطريح ذكر كرده: عبدالله بن فضل الله بن أبي نعيم بن زوريه الشيرازي» انتهى و لتراجع كتاب «طبقات ناصري ٢: ٣٥٨» و مقدمة جلال الدين هماني لكتاب «انفصول المعجزة» ٦ عما بعدها» و انظر ما يأتي في «وصاف المحصورة ٢٥: ٩٤».

«تجويد القرآن» ص ٣٦١: أقول يأتي من هذا انجيل عدة كتب في القراءات (ج ١٧، ص ٥٢ . ٥٩) كما يأتي أيضاً عدة كتب بعنوان المردة في (ج ٢١، ص ٣٦٥ - ٣٦٨).

«تجويد القرآن» ص ٣٦٤ رقم ١٣١٧ س ١٨، الآتي يراجع (اللوثة ج ١٨ ص ٣٧٧).

«تحت راية الحق» ص ٣٧٥ رقم ١٣٦٣ س ١٢، بصيدا ١٣٥١: انظر ج ٧ ص ١١٤ من الدريعة.

«التحرير» ص ٣٧٧ رقم ١٣٧٢: أقول راجع (الشث و السهو و التلافي و التحرير) في (ج ١٢: ٢١٣ - ٢٢٤٤) و (مسئلة في الاعتكاف) في ج ٢٠: ٣٨٣: ٣٥٤٨.

«التحرير» ص ٣٧٧ رقم ١٣٧٣ مثل «الدمعة لسبعة» قال في أواخرها «كما يشاه في عدة من كتبنا و ثلة من ربنا كما في رسالة تحرير في مسائل الدهاج و التحرير.

«تحرير الأحكام الشرعية» ص ٣٨٧ رقم ١٣٧٥: هو المفتاح رأيت حوالي عام ١٣٧٠ على ظهر نسخة مخطوطة من كتاب الشرايع عدد مسائل عدة من كتب الفقه و منه ما قال «تحرير الأحكام مائة ألف مسئلة و ستون ألف مسئلة» انتهى و الله العالم.

ص ٣٧٩ س ١٢، و حكى. أقول جعل المصنف الكتاب في أربعة أجزاء و رأيت في آخر نسخة السيد العلامة حسين بن مساعد الحسيني صاحب «حفة الأبرار ٤١٥: ١٤٥٤» و المذكور في [إحياء الدائر ٧٢ - ٣] و تفصيل نقول في حقه في كتابها (شرح روضات الجنات) التي استنسخها عبدعلي بن علاءدين بن عبدالحسن المصري سنة ٨٥٤ هـ كما فرغت من تنويره في ثامن شوال سنة سبع و تسعين و ستمائة و كتب حسن بن يوسف مطهر (كذا) مصنف الكتاب و أحمد الله و في آخر جرده الثالث «تم الجزء الثالث من كتاب التحرير و يتلوه في الرابع بعون الله تعالى و منه كتاب الميراث و كتب حسن بن يوسف بن مطهر مصنف الكتاب في صفر ختم بالخير سنة سبع و تسعين و ستمائة و الحمد لله».

«تحرير أكر لثاودوسيوس» ص ٣٨٣ رقم ١٣٨٣: مفتاح نسخة من كتاب الأكر استنسخت حوالي عام ١٠٧٤ ما نصه (بسم. أحمد راني قوله) علي محمد و آله و صحبه أجمعين كتاب الأكر لثاودوسيوس و هو ثلث مصالاة و تسعة و خمسون شكلا و في بعض النسخ بفصان شكل في العدد و قد أمر ببقه من اليونانية إلى العربية أبو العباس

أحمد بن المعتصم بالله و تولّى نفسه قُسط بن لوقا العلقي إلى الشكل الخامس من المقالة الثالثة ثم تولّى نقل نافية غيره و أصححه ثابت بن قرة الخرائى المقالة الأولى اثنين و عشرون شكلاً و السخة في كتب السيد مصطفى الحسي.

«تحرير الطاووسي» ص ٢٨٥ رقم ١٣٩١. تصديقاً لمرحوم العلامة السيد محمدصادق البحر العلوم السجعي كلمة حول «التحرير الطاووسي» في تعليقه على «رجال السيد بحر العلوم ١. ٣٠٤ ٣٠٦».

«تحرير القواعد الكلامية» ص ٣٨٧ رقم ١٣٩٤: عدداً منه نسخة كتبها محمدتقي بن محمدحسن الخواساري الإصفهاني ١٢٨٤ بأمر السيد الخليل الحاج ميرزا عبدالعظيم الحسي التويسركاني الإصفهاني و فيها حواشي المؤلف بخط السيد و فيها اسم والد المؤلف (ملاً مير) و معها نسخة (المؤلف في فصول السادات) لفاضل الخواجهنوي و يذكره في محله و هي بخط السيد السكوري و هو من أصدقاء جدّه الإمام محمد صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقامها

«تحرير القواعد المنطقية» ص ٣٨٣ رقم ١٣٩٥ يقول أولاً لم نجد في تأليفات المعصم الرازي الكثيره دليلاً على تشيعة مطلقاً بل في تأليفاته و تأليف غيره ما يدل على خلافه يمكن ان يشير إلى بعضها في هامش ما يأتي من وصف كتبه «الخواشي المعطية ٧: ١٠٢ ص ٢١» و (لوامع الاسرار ١٨. ٣٥٩: ٤٧٢) و (الحاكمات ٢٠: ١٣٢ ٢٢٥٧) و مر ذكر إجارته من العلامة الحلي قلّس الله تعالى روحه (ج ١ ١٧٧ ٩٠٧) و لم نجد إجارته للشهيد الأول طاب ثراه و ثانياً في اسم صاحب الشمسية اختلاف في المصادر هل هو علي أو عمر كما ان في اسم الشارح أيضاً اختلاف هل هو محمد أم محمود و ليس هذا محل البحث و ثالثاً ما ذكره شيخنا العلامة انه فرغ من الشرح في اواخر ج ٢ سنة ٧٩٢ فلا يخفى انه لا يوجد بين اظهروا هذا الشرح مصدر سوى ما نقله مؤلف [فهرست كتابخانه آستان قنس رضوي بمشهد خراسان ١. ٣٤] عن خاتمة نسخة من الكتاب رقمها في المكتبة (١١٩) و الله العالم بجمع اعتبارها و اما غير هذه النسخة من النسخ المخطوطة فوق حدّ الاحصاء منها ما ذكر في [فهرست مخطوطات دار الكتب الظاهرية

الفلسفة و منطق و آداب البحث] و غيرها و منها النسخ المطبوعة الكثيرة فلا يوجد في

شیء منها تاریخ التألیف و الله العالم و يأتي تنمة الكلام حول هذا الكتاب عند ذكره مرة أخرى في «شرح الشمسية ۱۳، ۳۳۷» و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين في ليلة ۲۳ شهر صیام ۱۴۰۶.

«تحریر المخطی» ص ۳۹۰ رقم ۱۴۰۲؛

عنوان کتاب در روی ورق اول نسخه ابیعی حقیر در کتابخانه مسجد شاهي

هذا صورة خط المحرر طاب ثراه

نقلت من نسخة

تحریر المخطی

حرره احوج خلق الله إليه محمد بن محمد بن الحسن الطوسي

بخطه نسخه

و أقول و اد وفقني الله تعالى أمياً لأحمد ما قصدته و أجاز ما وعدته فلاقطع الكلام حامداً له على الآله و مصلياً على جميع أوليائه خصوصاً على خاتم أنبيائه و البررة من آله و أحياله نقلت هذه النسخة من النسخة التي كانت بخط المصنف قدس سره و قد وقع الفراغ منه في خامس شهر صفر ختم بالخير و الظفر من شهور سنة الف و عشرين هجرية و كاتبه العبد محمد مؤمن الإصمهي. قد تشرف بمطالعة هذا الكتاب الشريف و قرائته صاحبه العقيم إلى الله العلي أبو جعفر كافي بن عتشم بن عميد بن محمد بن شاهنشاه العائني رحم الله له بالحمسي باصیب البلاد و اعظمها و اشرفها و هو إصمهان حصه الله فملوا بحورات حسان سنة سبعة و عشرين بعد الألف ...

قال أرسطو فوت الحاجة خير من طلبها إلى غير أهلها

۲ علامه روضانی همانگونه که در سطر بعدی خواهد آمد نسخه‌ای در تحریر المخطی را در اختیار دارند که از روی نسخه خط مؤلف استنساخ شده است. برای اینکه تصویر و حاشی و هوای آن در مقابل دیدگان خواننده قرار گیرد، یک برگ را در نسخه چندی منبریه قرار دادند که روی آن را عنوان کتاب و حاشیه و پشت آن را آغاز کتاب «تحریر المخطی» با همان کیفیت نسخه خطی بحسب خویش استنساخ کرده‌اند. ما نیز سعی کرده‌ایم همان وضعیت را حفظ نماییم. م

بسمه تعالى شأنه

[مفتح كتاب تحرير مجسطي للخواجه قنص سره]

بسم الله الرحمن الرحيم

أحمد الله مبدأ كل مبدأ و غاية كل عابه و مفيض كل حم و ولي كل هدية و أرجو
حسن توفيقه في كل بداية و نهاية و صني على عباده المتخصصين بالصاغة و الداراة
سبها محمد و آله الموسومين بالسوة و بولايه سعادين من كل عناية و عناية و بعد فقد
كنت برهة من الزمان عارماً على أن أحرر نفسي و لسائر طلبة العلم من الإخوان كتاب
المجسطي المنسوب إلى بطليموس القنودي الذي هو المنسور العظيم لأصحاب صناعة
الهيئة و الحجم تحريراً لا يقرنه مقاصد دس الكتاب الصرية و مباحثه العمية حتى
ترتيب الفصول و أبواب الحساب و رسوم خداول و أوصاف الأشكال و لا يشوبه شيء
خارج منه غير ما يحتاج إلى تقديمه في مسمى عسير أو حل إشكال و أشم إلى بعض ما
استسطه المحدثون أو ذهب إليه المؤخرون مما زادت النظريات به حساً و بناءً أو نقصت
العمليات منه كذاً و بناءً بشرط التنازل و الاختصار و الاحتراز عن الإسهاب و
التكرار و ذلك لأنني لم أكن الظاهر في إحصاء هذا الكتاب على كثرتها مستجمع لهذه
الشروط نجعلها و كانت العوائق شائعة يدي دونه حائلة بي و بيته إلى أن استسعدت
بلقاء أصحاب الربيع و الأح العرب أمص العصر و أوجد الدهر حُسام الدين و سيف
المناظرين الحسن بن محمد السواسي أدبه (أدام ط م ع) الله فضله و كثر في الإفاصل مثله
فرادي رعبته في ذلك رعبه و جدّه و جدّه في همة فعملت ذلك مع قلة البصاعة و قصور
الباع في الصناعة بحسب ما أعاد عليه الوقت و ساعد التوفيق و البخت و نبهت صريحاً
على ما هو خارج من أصل الكتاب ثم اصغت إليه لحصل الوقوف بأسير السعي عليه و
خالفت بين أشكال المن و غيرها مما أوردته بنون الخطوط و الأرقام ليتمرا [ليتمرا] ظ
م ع] في بادي النظر من غير احتياج إلى زيادة اهتمام و إنما تكففت ذلك لكون
الكتاب علماً بين أهل العلم بمصون عليه في محارقاتهم و يشيرون إلى مواضع مسايله من
الفصول و الأشكال في حوالاهم ثم أتى رسمته بتحرير المسجطي حين انجمته . و أقول
الكتاب مشتمل على ثلث عشرة مفاة و مائة و أحد و أربعين فصلاً و مائة و ستة و

تسعين شكلاً على ما في النسخة التي نقلها اسحق بن حبيب و اصلها ثابت بن قرّة كما سيحيى مفصلاً

للمجسطي ثلث نسخ مشهورة إحديها من نقل الخجاج و الثانية من نقل اسحق و قد صحّحها ثابت و الثالثة مسوبة إلى ثابت وحده و موسم الفصول في نسخة الخجاج بالانواع و في نسخة ثابت بالابواب و قد يحذف نسخ في أعدادها و أعداد الاشكال في بعض المقامات منه. نقل من خط المصنف فليس سرّة^٢.

ثم إني رأيت في حمادى الآخر عام ١٣٩٤ نسخة أخرى من كتاب تحرير المجسطي في كتب مكتبة السيد الخانوبادى وقع الكتاب العبر المعلوم اسمه بتاريخ الفراع من استنساخه في آخره (عصر يوم الاحد الثاني و العشرين من شهر دى القعدة الحرام سنة ثمانية و عشرين من الهجرة) و اظه اراد سنة ١٠٢٨ و لما رأيتها في هذه النسخة ان الكاتب نقل نواريح عديدة من اصله الذي استكتب عنه بالواسطة أو من دون الواسطة في خاتمه كل مقالة من مقالات الكتاب احس ان أراد نقل النواريح ها و إن كان في بعضها خطأ ظاهر فقد قال اولاً. (و ليكن هذا آخر كلامي في تفسير المقالة الأولى من كتاب تحرير المجسطي و ذلك قبل روال يوم اجمعة العاشر من شعبان الواقع في شهر سنة تسع و عشرين و سبعمائة) و قال ثانياً. (و ليكن ... و ذلك ليلة الاربعاء لثلاث عشرة ليلة خلت من شهر حمادى الآخرة لسنة ٧٥٣) و قال ثالثاً. (و ليكن ... العصر من يوم السبت عرة شهر ... رجب ٧٠٣) و قال رابعاً. (و ليكن ... و ذلك من صباح يوم الجمعة لاربع عشرة ليلة خلت من شهر رجب سنة و سبعمائة) و قال خامساً. (و ليكن ... لخمس ليال مخلون من شهر شعبان ٧٠٣) و قال سادساً (ثم تفسير المقالة السادسة من كتاب تحرير المجسطي و تم بتمامه اسمع الأول من هذا الكتاب و الله ... لسبع ليال تبين من شهر ربيع الأول سنة ٧٠٤) و تراجع بقية كلامه ها) و قال سابعاً (و هذا آخر الكلام ... يكرة يوم الاثنين السادس عشر من شهر ربيع الآخر سنة ٧٠٤) و قال ثامناً

٢ ابن پاراگراف، مانند نسخهای خطی در حاشیه آمده است. ب

٤ بتمام حروف نوشته.

(و ليكن ليلة الاربعاء الثالث من جمادى الأولى ٧٠٤) و قال تاسعاً (قد تمّ . صباح يوم السبت لثلاث بقين من جمادى الأولى ٧٠٤) و قال عشاراً (و ليكن صباح الاثنين لسبع ليال بحلول من شهر جمادى الآخر ٧٠٤) و قال في آخر المقالة الحادية عشرة (ضحوة يوم الجمعة لثمانية عشرة ليلة خلت من شهر جمادى الأخيرة ٧٠٤) و قال في آخر ١٢ (ليلة الثالث لست حلول من شهر رجب ٧٠٤) و قال في آخر الكتاب من السخنة الموصوفة (و يرحم الله عبداً قال آمينا أئق الفراغ من تمة تعبقة [...] جمادى الأولى سنة ٧٣٠ هجر) و لا يخفى ان هذه السخنة حيث استسححت من نسخة قديمة رديّة الخط قد وقع فيها أعلاط كثيرة و مما نقلنا من التوزيع أيضاً فراجع السجح الأخرى

ص ٣٩١ س ١: قوله رحمه الله تعالى (تعلت إلى أوروبا) الخ أقول إني نظرت في ١٩ فعده ١٤٠٤ إلى كتاب السيد محمدنقى مدرس الرضوي في ترجمة الخفق الطوسي الطبعة الثانية سنة ١٣٩٤ مرأيه لم يرد في ص ٣١٨ بعد نقل كلام الشيخ هذا شيئاً و لو كانت تلك السخنة في يد واحد من العريش لشهرها و لم يحتملها و الله عالم بمراد شيخنا و حقيقة كلامه و حقيقة حال نسخة الاصيل بخط الخفق.

«تحريف القرآن» ص ٢٩٤ رقم ١٤١٥. انظر كلام شيخنا النصف طاب ثراه حول هذا الموضوع فيها مرديل عنوان (السلبين و التحريف ٣٦١ فما بعدها) و مما يأتي بعنوان (فصل الخطاب ج ١٦: ٢٣٩: ٩١٢)

«تحريم الارتماس على الصائم دون نفسه» ص ٣٩٥: للشيخ سليمان بن عبدالله الماحوري ذكره في اللؤلؤة.

«تحريم الخمر في الإسلام» ص ٣٩٥ رقم ١٤١٨. و يأتي له حيات رضوان مكان في

ج ٧

«تحريم الديعة» ص ٣٩٥. انظر «لديحيه» في ج ١٠

«تحريم النظر في التوراة و الانجيل» ص ٣٩٥. اسمه «الاصل الاصيل» و ليس لعلمائنا بل هو تأليف شمس الدين محمد بن عبد الرحمن السعدوي الشافعي المتوفى ٩٠٢ كما في كشف الطوبى و لكننا احببنا أن نعت حر فقهاؤنا الأعلام إلى هذه المسألة المهمة و من الله التوفيق.

﴿تحريم حلق اللحية﴾ ص ٣٩٥ انظر «حق سحبة» في ح ٦٣٠٧
 ﴿تحريم القروض بشرط البيع المشتعل على الخدابة﴾ ص ٣٩٥ انظر [القرص ١٧ : ٧٦ : ٣٩٦].

«تحصيل المنافع» ص ٣٩٨ رقم ١٤٢٨ : يراجع (إيضاح المنافع) في ج ٢
 «التحصي» ص ٣٩٨ رقم ١٤٣٠ : أقول نقله إلى «العارضة محمد صادق بن محمد علي
 السركاني مترجم طائفة من الكتب و الرسائل عددا بمجموعة منها بخطه شكر الله مساعيه
 و فرغ من هذه في يوم الجمعة ١١ ع ١٤٣ سنة ١٠٤٣ و توجد لهذا المترجم الفاضل الصادق
 مجموعة أخرى أيضاً نقله إلى العارضة ذكره أحمد بن شيخنا المصنف ره في فهرسه
 الكبير [ج ١ ص ٦٥٥] بعنوان [ترجمه مسائل فقهی و كلامی] فراجع
 «نعم الأخبار» ص ٣٩٩ رقم ١٤٣٣ : أقول يأتي به [تفصيل وقائع الأيام ٤ : ٣٥٥ :
 ١٥٥١].

«نخبة الأبرار» ص ٤٠٤ رقم ١٤٥١ : رأيت في نسخة مخطوطة سنة ١٢٤٨ هكذا
 (مسمى نسخة الأبرار المنتقط من آثار الأئمة الاطهار لتوير فلوب الاختيار) و النسخة في
 مكتبة السيد مصطفى الحسيني.

ص ٤٠٤ س ٩، عراقي : النسخة الموصوفة فوقها كتب فارسيه و كذا نسخة صاحب
 الروضات اعلى الله مقامه.

«نخبة الأبرار» ص ٤٠٥ رقم ١٤٥٣ : يراجع ص ١٨١ رقم ٦٤٠ و توجد من النسخة عدة
 نسخ أخرى فانظر (فهرس المركزية جامعة طهران ح ١٦ ص ٣٢) و انظر ما ذكره المؤلف
 في «العمدة ١٥ : ٢٣٣ : ٢١٥٤» و في «معرب نخبة الأبرار ٢١ : ٢٣٩ : ٤٨٠٩»

ص ٤٠٥ س ١٦، لمجف : كان في الأصل مطبوع عنم قبلناه (بجف) وفق جدول
 استدراك الخطاء المطبوع ح ٤ و لكنه يأتي في الموعد (ح ٢١ : ٢٣٩ : ٤٨٠٩) على ثم
 استدرك في جدول الجزء الآخر عنم و بحث شيخنا حول هذا الاسم و سبه و كتابه
 المذكور أيضاً في ح ٤ : ٨٨ : ٣٨٩ فراجع.

«نخبة الأبرار» ص ٤٠٥ رقم ١٤٥٤ : أقول انظر ما ذكرناه بهامش [تحرير الاحكام
 ١٣٧٩ : ١٣٧٨] و راجع [الحاشية على عمدة النصاب ٦ : ١٥٠ : ٨١٥] و مقدمة كتابنا [جامع
 الأنساب ١ : ٧٠]

ص ٤٠٦ س ١، الكفعمي: في كتابه (مرح الكرب ١٦ - ١٥٦ - ٤٢٣).

«تحفة الأبرار» ص ٤٠٧ رقم ١٤٠٧: أقول يأتي له (درية نثار ٨: ٥٦: ١٦٨) و له غيرها.

«تحفة الأجندة» ص ٤٠٨ رقم ١٤٦٣: توفي سردار الكابلي قلنس سره في كرمانشاه صبيحة يوم الثلاثاء الرابع جمادى الأولى ١٣٧٢ ذكر ترجمته الشيخ محمد حسين (خليلي كرمانشاهي) في (جريدة كرمانشاه - العدد ٣٠٠٦ - الصادرة في ١٢/١ ١٣٩١ش) و تفصيل ترجمته في (ريحانة الادب) و غيرها و بلاستاد علامرضا (كيوان سمعي) تلميذ سردار كتاب محيل مطبوع في ترجمة اساده هذا.

«تحفة الاحياء» ص ٤٠٩ رقم ١٤٦٦: قال في المجلس الخامس من مجالس المؤمنين - ج ١ ص ٥٢٨ (مؤلف گويد كه صورت عقيدة امر جمال الدين ار كتاب تحفة الاحياء كه بام حواحه مظفر بيكجي اسرآبادي نوشته و عم ان ظهور تمام دارد و هذا محسوم المثلث لاهوري بعضى ار نسخ ان كتاب هم حكم بسوحن نمود) انتهى أقول و قد حصل عدي بعصل الله تعالى نسخة عتيقة لنفسه من هذا الكتاب المستطاب و لله الحمد و ذلك في أواخر شهر صبا ١٢٨٩ هـ. ثم بعد التمع في النسخة رأيتها ناقصة جداً بل لا يكون فيها من التحفة سوى عدة أوراق.

«تحفة الاحياء» ص ٤٠٩ رقم ١٤٦٧ س ١١، ١٢٨٢: أقول هذا هو الصواب في تاريخ ولادة الرجل كما ذكره في ترجمة نفسه في كتابه (عمداء معاصرين ص ٤٠٦) و انه كان في ٢٨ شوال و يأتي كتابه المذكور في ح ١٥: ٣١٧: ٢٠٢٩ بمروان (عمدای معاصر) خطأ و هناك ولادته في ١٢٨٣ خطأ أيضاً و أما وفاة اخاه ملا علي طاب ثراه فاتفق في يوم الاحد ١٤ صفر ١٣٦٧ في تبريز و ذكر لواعظ الجرساني في مقدمة كتاب «ريدگانی محمد صلى الله عليه و آله» لشيخ أبي عبد الله الرباعي (ص ١١٦) تاريخ وفاته كما ذكرناه و لكن وقع اشتباه له أو من المطبعة في عامها فطبع (١٣٦٨) و الصواب (١٣٦٧) و يأتي بعض ناليقاته الاخر في مواضعها من اجراء الدرر و لم يذكر شيخنا ره جميعها و ذكره نفسه في كتابه المذكور و مر ذكر الرجل في هذا المجلد ص ٤٢ س ١٩.

«تحفة الاخوان» ص ٤١٥ رقم ١٤٩٠: و ذكره أيضاً في آخر ترجمة القاضي سعيد

القمي و ليعلم أنّ هذا الرجل (يعني الفاضلي سعيد) غير العاقل المحدث المتبع الماهر مولانا سعد المردي صاحب كتاب تحفة الإخوان في الاحاديث المتعلقة ببعض آيات القرآن و العالب عليه ذكر ما ورد في شأن نعتره الطاهره من الأخبار السارة و الله العالم. انتهى

«تحفة الإخوان» ص ٤١٥ رقم ١٤١٩: تراجع (صوب بامه)

«تحفة الأخيار» ص ٤١٧ رقم ١٥٠٠: و تاريخ تأليف الكتاب سنة ١٠٧٥ كما يقوله في أواسطه.

أقول و آني قد تأملت في هذا الكتاب و في سيرة المؤسس للحكيم مؤمن قطهر لي أنّ التبصرة في ردة هذا الكتاب أعني تحفة الأخيار و لموبا محمد طاهر أيضاً غير هذا الكتاب في الرد على الصوفية علىراجع.

«تحفة الأريب في الرد على أهل القلوب» ص ٤١٩ للفاصل الصفي المولى من عبد الله سبحانه الشيخ محمد صادق الأرومي الميرزا المعروف بمخبر الإسلام ذكره في كتابه العيس [النس الأعلام ٢: ٢٠٧ ط ١].

«تحفة الأزهاري» ص ٤١٩ رقم ١٥٠٧: تراجع (مهرست مركزي دانشگاه ج ٢ ص ٥٣٠) للمزوي فيها وصف الأقسام الأربعة الموحدة من الكتاب في تلك المكتبة و مصورة الأجزاء الأربعة في المرعشيه بقم كما في مهرست مصوراها ١: ٢٣٢ - ٢٣٤. و يأتي له [ربذة الأنوار ١٢: ٧٢: ٥٠٥] و انظر ترجمه الرجل في [مبىة الراعيين ٤٤٥] باختصار فانظر مصادره.

«تحفة الاشراف» ص ٤٢٠ رقم ١٥٠٩: أقول عدّ القطب الراري مؤلف كتاب التحفة هذا من الشيعة متابعة من شيخنا المعصّي لشيخه المحدث النوري في عاتمة كتابه [مستدرك الوسائل] مال إلى تشييع الرجل محدمة و معاداة لجندنا الإمام الراهد المجتهد المجدد صاحب روضات الجنات قدس الله تعالى روحه شأنه في جميع المواضع الصعبة فيختار النوري خلاف رأي جندنا الإمام العلامة و بالجملة دون اثبات تشييع القطب هذا حرط القناد كما يتّبع الأمر في شرح الروضات و رأيت في آخر المجلد الثاني من كتاب الكشكول للشيخ البهائي ص ٢٤٣ قوله [مقول من حواش الكشاف للقطب رحمه الله] الخ.

«تحفة الأعيان» ص ٤٢٦ رقم ١٥١٥ أقول هو مصصح (كشف الخجب و الاستار) و ذكر كتابه هذا في معلمة الكشف.

«تحفة الإمامية» ص ٤٢١ رقم ١٥١٦. يراجع «مكارم الآثار ج ٦ ص ٢١٨٥، الرقم ١٢٦٩».

«تحفة الأمير» ص ٤٢١ رقم ١٥١٩ س ١٣، محمد بن مهدي + الحسيني الحافظ؛ كما ذكره نفسه.

و اعلم أن هذا الكتاب طبع في بربر في سنة ١٢٦٠ و قد مات من شيعتنا ذكره و راده المصنف بعد ما كسه إلى ابيه و عندما به نسخة خطية أيضاً
«تحفة الأمير» ص ٤٢١، يأتي في ج ٨ ص ٦٧.

«التحفة الجلالية» ص ٤٢٤ رقم ١٥٣٥ ذكر السيد جلال الدين الارموي الشهير بمحدث رحمه الله في مسميته لكتاب «الفصول المختريه» تأليف صاحب «عمده الطالب» أن «التحفة الجلالية في تصانيف الفضائيه» بالمعاريض أيضاً لصاحب العمدة و ان عمده يستعان به و هو بصدد طبعه كالفصول و لكنه لم يقدم على طبعه و توفي إلى رحمة الله تعالى

«التحفة الجمالية» ص ٤٢٤ رقم ١٥٣٦ س ٢١، أقول. و قد مرّ ذلك أيضاً في ج ٢ ص ٢٧٥ مراجعه.

ص ٤٢٥ س ٢ ص ٤٢٥، الآتي: في ص ٤٤٨.

«تحفة الخاتمة» ص ٤٢٥ رقم ١٥٤٠: أقول للصواب أن الشيخ توفي سنة ١٠٣٠ و طبعت التحفة مؤخرأ سنة ١٤١٢ بمشهد ارضاء عبه السلام طعة بحفقة جيدة في ازيد من مائة صفحة و فيها تاريخ الكتاب يوم الخميس ١٢ ربيع الاخر ١٠١٨ و لعله تاريخ التأليف و الله العالم.

«تحفة الحسينية» ص ٤٢٧ رقم ١٥٤٩ س ٢٣، يأتي: في ص ٤٣٠.

«تحفة حسبيته» ص ٤٢٨. در برحه صحيحه اخريسيّة لممورا عبدالله بن عيسى بيك بن محمد صالح بيك الإصفهاني الشهير بالافندي صاحب (رياض العلماء) فرع منه في ١٧ ع ١ سنة ١٢٢٢ عملها للشاه ملط بحسين الصفوي و نسخه الاصل بخطه طاب ثراه

كانت عند الحاج ميرزا فخر الدين بصري (سبي بظهران كما في (ريحانة الادب) ثم باعها للمكتبة المركزية بجامعة طهران على ما يظهر من فهرسها ٨، ٦٨٣ و النسخة الميصة منه عندنا و انظر ج ٤ ص ١١١ رقم ٥٢٠ و ح ١٥ ص ١٣ رقم ٦٦.

«التحفة الحسية» ص ٤٢٩ رقم ١٥٥٦ ليراجع ج ٢ «فوائد الرضوية» للمحدث القمي جزئه الثاني ص ٤٣٣

«التحفة الحسية» ص ٤٢٩ رقم ١٥٥٧. أقول نقل عن هذا الكتاب ج ٢ العلامة الحاج مير سيد محمد شفيق صاحب الروضات في بعض تعليقاته على نسخة مخطوطة من كتاب عمل السنة (رقم ٩٧٤٧) و اطلنا النسخة التي رآها شبحا عند خالها السيد العلامة الحاج مير سيد محمد بن ابي ج ٢ المدكور طاب ثراها و راجع (شرح الصحيفة) في ج ١٣ ص ٣٥٦ رقم ١٣١٩.

«التحفة الحسية» ص ٤٣٠ رقم ١٥٥٨ س ١٦، مؤ في ص ٤٢٧

ص ٤٣٠ س ١٨، المسالك الجامعة: طبع بماتر الفوائد النية للشهيد الثاني و منه نسخ في الرضوية منها في ج ٥ ص ٦١٢.

«تحفة الخاقان» ص ٤٣١ رقم ١٥٦٢ و يشبه هذا التفسير في التقسيم بالانواع تفسير معاصره المولى محمد رضا بن الملا محمد امين الصوفي المتوفى في جمادى الاولى سنة ١٢٤٧ كما في ستان السياحة ص ٦٤٤ ط ٢ و يأتي في ج ٨ ص ٨٣

«تحفة درويشان» ص ٤٣٢: وجيزة بصرايين بن محمد باقر سموت بالكشف المرتاض الصوفي الدر فولي صاحب (صراط الحق) و (قاصم اخبارين) و غيرها من كتب الضلال اولها بعد البسملة (بجته حصول مهمات عظيمة و مقاصد حسيمة) بسختها في آخر مجموعة من رسائله عندنا و في جمعها بدع و حرافات و تحرافات و اصلال عصما الله تعالى عنه و كرمه آمين.

«تحفة الدهر» ص ٤٣٢: أقول وصفها ولد مصنفها في كتابه «الدر الثور» تجددها في ح ٢: ١٠٠ ١١٨ طبعة قم.

«تحفة الرازي إلى المجدد الشيرازي» ص ٤٣٣ مؤلف هذا الكتاب الشيخ آغا بررگ الطهراني ذكر في الكي و الألقاب المطبوع سنة ١٣٥٨ ح ٣ ص ١٨٥ و هذا الكتاب في

أحوال مولانا السيد محمد حسن الشيرازي قدس سره و لكن في مقدمة ح ١ من هذا الكتاب عبر عنه بحدية الرازي و هو الصحيح

«تحفة الرجال» ص ٤٣٣ رقم ١٥٧٢ أقول نقل عنه بعد موته بعض تلامذته في همدان نسخة من [تلخيص المقال] و هي الآن عندنا كلاماً طويلاً مفتحة بهذا العنوان [قال الشيخ العاقل الآواه شيخنا الشيخ عبدالله بن صالح في حواشي [تحفة الرجال]: لها ذكرت حماد بن عثمان بن عمرو بن محمد الرازي في ترجمة] الخ و شيخنا المصنف لم يذكر للتحفة نسخة لا لها و لا في [مصفي المقال ٢٤٨]

«تحفة الرضا» ص ٤٣٤ رقم ١٥٧٤: رأيت في (١٣٦٥) في المكتبة و فيها مسائل الصلاة الإجماعية منه و غيرها للسيد معزالدين محمد بن أبي الحسن الموسوي. تاريخه (الرضا = ١٠٣٢) الإجماعات ٧٤٢ و ما حظر به (٣٧٦ مسألة) صبح و تفصيل الكلام حول الكتاب و مصنفه في الجزء الخامس من فهرس الرضوية ص ٣٧٩ فراجع.

«الشفعة الرضوية» ص ٤٣٤ رقم ١٥٧٧ من ١٢، محمد للسيد محمد القصر راجع إيجازته في ح ١: ٢٤٦: ١٣١٠.

«الشفعة الرضوية» ص ٤٣٦ رقم ١٥٨٢ من ٩، الكرامات. و فيه أيضاً القصيدة الثانية لدعبل و ترجمتها بالعربية كما تقدم.

«تحفة ربيع» ص ٤٣٧ رقم ١٥٨٥: أوه بعد الخطبة العربية «أما بعد جوارق عباد محمد قاسم ساوفاي الشهير به خلدحش همگی و تمامی اوقات خود را برد علماء کرام امامیه و فقهاء ذوی الاحترام اثناعشریه صرف عموم دینیه .. جمعی از صلحا و اتقاي ساوه .. التماس نمودند . جوارق این مکيه روز شبه دوم شهر صفر ... ثلاث و ثلاثين بعد الف .. شروع نمود ... جدولی چند مشتمل بر پانصد و پنجاه خانه در ذکر مراتب آباء و اولاد یا ازواج ... و نیمه و برکات این رساله را بام نامی ... امیر رفیع الدین محمد الموسوي الحسینی .. مؤلف ساخته به تحفه ربيع موسوم گردانید ... و این رساله مشتمل است بر مقدمه و دوازده فصل و خاتمه» و آخره هکذا «فرغت من تألیف هذه الرسالة الموسومة بتحفة الربيعية في يوم الخميس رابعة عشر ... حجة ثلث و ثلاثين بعد الف» انتهى. و عدي نسخه القلعة في ١٤٦ ورقة و نسخة منه

أيضاً عند روح عمّتي الحاج السيّد محمد مهدي الخروصاتي و هي محرومة. و لا يخفى أنّ التاريخين لشروع التأليف و ختمه كما مرّ مصرّح بهما في نسخة و ادا صحّ ذلك كان مدّة اشتغاله بالتأليف اثنا عشر يوماً و هذا من لعرائب فان الكتاب مبسوط كبير و في موضوع هامّ جدّاً و الله الموفق.

«تحفة الزائر» ص ٤٣٨ رقم ١٥٨٨. الصوب سنة ١١١٠ كما تبين لنا و لا مجال للشك فيه بعد و انظر «تحفة الزائر ٤٨٨: ١٨١٦».

«تحفة السامي» ص ٤٤٠ رقم ١٥٩٥، ترجم الشعراء شعراء اوائل رمن الصغوية. ص ٤٤٠ س ٤، شاه اسماعيل الصفوي لتولد في يوم الثلاثاء ٢١ شعبان سنة ٩٢٣ و المتوفى سنة ٩٨٣ و تمّ تأليف كتابه هذا سنة ٩٥٧ كما أرّخ كلّ ذلك في مقدمته المطبوعة

«تحفة السعيد» رقم ١٥٩٨ - ص ٤٤١ س ٥، المهرجاني. أمول للمهرجاني هذا هو الاعلمي صاحب «مفتيس الابر».

«تحفة السلطان» ص ٤٤١: لصاحب منهاج العارفين. كما يأتي في ح ٢٣ ص ١٦٧
«عمه سلطان» ص ٤٤١: للشيخ جعفر القاسمي الذي مرّ له «اصول الدين» في (ج ٢: ١٨٦ ' ٦٩٤) و لعمها واحد. انه في الحكمين العمية و النظرية بأمر الشاه سلطان حسين الصفوي (المستشهد سنة ١١٤٠) كما مصرّح به في المقدمة و وصف نفسه فيها في ص ٥ بقوله «محمد جعفر شيخ الإسلام دار السلطنة إصفهان» و وصف استاده في ص ١٠٨ بقوله «و حق در مسئلة حركت آنست كه استاد محقق و ربّاني مدقق كه متدّرس در زمان فلاسفه تا بحال بهم برسيده آقا حسين اّدام الله فيض افادته و افاض على قبره سجال رحماته در كتب خود تفريح آن نموده» الخ. طبع بظهران سنة ١٣٨٠ و عندنا منه نسخة مخطوطة و ما اظن المؤلف صاحب «مورورية» الا في ح ٢٤، ٣٨٢: ٢٠٥٥ و «رياض الاشراف» المذكور في تعليقاتنا في موضعه من حرف الراء بل هما جعفران فاضلان متعاصران من اعيان علماء إصفهان احدهما كمرّني الاصل و هو صاحب النجفة و اصول الدين و راجع له «دخائر العنقي» في (ج ١٠: ٦: ٣٧) و له غيرها و الاخر ميرزاوي الاصل و له الرياض و المورورية و الله انعام بحقايق الامور.

«التحفة السلطانية و الهدية الحسينية» ص ٤٤١ الاسم الخفي الواقعي الذي سماه به مؤلفه كتابه «شرح الأسماء الحسنى» ١٣ ٨٩ ص ١٨. و المؤلف هو السيد مير علاء الدين گلستانه الاصمهاني و قد طبع محرف و محدوها منه باسم [كاشف الأسماء ١٧، ٢٣٥ : ٤٣] و مرة أخرى باسم [روضة العرفاء ١١ : ٢٩٩ : ١٧٩١].

«التحفة السليمانية» ص ٤٤١ رقم ١٦٠٣ ذكره المشار في فهرسة فراجعته و عندما السبعة المطبوعة على الحجر في طهران في ٢٦٤ صفحة عجم الشمس و اسمه في تلك السبعة [تحفه سليمانيه] و ألحق بها في الطبع [ترجمة رسالة علم الفرس ١٥ : ٣٢٤ : ٢٠٨٤] فراجعته أيضاً و راجع الكلمة هناك. و يأتي «ترجمة العهد» المذكور في ج ٤ متعلداً كما يأتي شروحه أيضاً في (ج ١٣).

«التحفة السليمانية» ص ٤٤٢ رقم ١٦٠٤ ذكره المشار في فهرسيه فراجعته.

«تحفه شاهجهاني» أو «التحفة الشاهجهانية» ص ٤٤٣ و هي حاشية و شرح على تذهب المطلق و الكلام للسعد التتري طبع بكابور الهند سنة ١٢٩١ و الشارح هو الشيخ عبدالله بن الحسين البردي ذكر كل ذلك في «معجم المطبوعات: ١٩٤٦» و أقول هذا هو كتاب المطلق المعروف بحاشية ملا عبدالله و يأتي ذكرها في ج ٦ ص ٥٣ الرقم ٢٦٨ فراجعته.

«التحفة الشاهية» ص ٤٤٤ رقم ١٦١٢ تحفه شاهي كما في السختين المخطوطتين من هذه الرسالة قال مصنفها في المقدمة «سمي تحفه شاهي».

ص ٤٤٤ س ٢١، گه - گوباني كته دانائي كما في السبعة المخطوطة المورخة سنة ١٢٤٠ عند السيد آقا طه الهشقي و في نسخة السيد مصطفى أيضاً (گوباني) مكان (دانائي) و تاريخ هذه السبعة سنة ١٠٦٦.

«تحفة الطالب» ص ٤٤٨ رقم ١٦٣٠ س ١٤، الأمل: نقلاً بالمعنى و لاحظ النص في «أمل الأمل ١: رقم ١٧٣ ط النصف» و يجب لتأريخ الرجوع إلى النسخ المخطوطة. «تحفة العابدین» ص ٤٥٠ رقم ١٦٣٧: ذكر في الروايات في ديل ترجمة الشيخ عليقي الكمرئي فلاحظ.

«تحفة العابدین» ص ٤٥٠ رقم ١٦٤٠ س ٢١، بيروت: راجع معجم المطبوعات.

«تحفة العالم» ص ۴۵۱ رقم ۱۶۴۳ س ۱۷، المولود: ذکر في ص ۱۱۲ من تحفة العالم ولادته في اليوم التاسع من ذي الحجة سنة ۱۱۷۲ و ذکر الآی أحمد الکرماتشاهی في مرآة الاحوال جهان نما وفاته في خامس ذي القعدة سنة ۱۲۲۰ علی ما نقله مولينا المعلم ص ۴۵۲ س ۱، أبو القاسم: يأتي له كتاب حديقة العالم في الجزء السادس ص «...».

«تحفة العباسي» ص ۴۵۲ رقم ۱۶۴۴ أقول هذا نعيه كتب تحفه عيسى الآبي للمولى طاهر القمي و عدي منه نسخة.

﴿تحفة العشاق﴾ ص ۴۵۴: في أحوار بعض مشايخ الصوفية من الشيعة و مناقبهم تأليف المولى محمد كرم الشريف القمي في رمان شاه سليمان كما قال في أوایل كتابه. قال في أوله هذا لعظه (أما بعد این رساله ایست موسومة بنحفة العشاق در بیان حال و احوال عاشقان بجان و دل مشتاق .. مرتب عنی ۱۴ باب و خاتمه، مقلعه در مواعظ و نصایح، باب ۱ در توحید، باب ۲ در سر شریعت و طریقت و حقیقت، باب ۳ در بیان ولایت، باب ۴ در بیان تصوف، باب ۵ در بیان عشق عصف، باب ۶ در بیان ذکر خفی و جفی، باب ۷ در بیان صوت حی، باب ۸ در بیان فقر، باب ۹ در بیان جوار کم خوردن، باب ۱۰ در بیان جوار تنهایی و انعکاف حیوانی و کم خوردن، باب ۱۱ در جوار شال پوشیدن، باب ۱۲ در بیان کشف کرامات و الهام و حوایهای مؤمنان، باب ۱۳ در بیان شطح و طامات و کنماتی که اسرار ربوبیت در او مندرجست و باب ۱۴ در بیان احوال رجب العجب، خاتمه در بناء فی الله) في أوائل الكتاب ما هذا لعظه و غیر از دلائل مذکوره دلائل چند که در رد قول فقیه بیان فرموده در هنگامیکه با حفر ماطره می نموده در ماه رمضان المبارک سه هزار و بود و هفت بعد از هجرة ... قال أيضاً في أوایل الکتب مصبیح القلوب که از مؤلفات شیعه واقعی ملا محمدحسین کاشفی صاحب تفسیر و مؤلف روضة الشهداء مذکور است الخ. و تلو هذا الکتب رسالة آداب المعانی و فهرست کتب این مینا و في آخر کتاب آداب المعانی الذي هو أيضاً بخط کتب التحفة (در در اسلطة اصمهان بسرعت تمام از روی نسخه ای که حضرت ابوی قیس لله روحه از جهت داعی تحصیل نموده قلمی شد و نسخه اصل برد حضرت وحید الزمانی دام طله اعتماد الدولة العلیه است و به ایشان تکلیف نمود (سنة ۱۰۱۷).

نسخه دیگر این کتاب در فهرست دانش پژوه بر دانشگاه ص ٤١٨ به بعد یاد شده.
 «تحفة العقلاء» ص ٤٥٤: قال مولانا محمد ظاهر القمي المتوفى ١٠٩٨ في كتابه «تحفة
 الاختيار ص «...» ما لفظه «و ما در كتاب تحفة العقلاء بيان كذب و مكر و حيله
 داود طائي كرده ام» الخ و قال في ص ٢٠٧ «و ما در كتاب تحفة العقلاء ذكر آن
 كرده ام» انتهى. و بظهور ما في ص ٩٦.

«تحفة العليل» ص ٤٥٦ رقم ١٦٦٣: أقول قد وصفا نسخة تحفة العليل في كتابها
 «فهرست كتب خطی کتابخانه های اصفهان ح ١ رقم ٣٠» و قلنا إن التحفة مكتوبة
 بـهـامش نسخة من كتاب منهاج الصالح العلامة آخى قلس الله و وصفا تلك النسخة
 هناك و ذكرنا ان النسخة كتبت بهامش انورقة ٢٢٨ إلى ٢٣٢ و لما سَمَّ التحفة لعقد ما
 بعدها من النسخة و لا شئت في ان جدنا الإمام محمد طاب ثراه ذكر التحفة في كتابه
 الروضات استناداً إلى تلك النسخة بعينها و كانت عندها إلى هذه الأواخر إلى ان
 ارسلها إلى إحدى المكتبات العامة. و النسخة للموجودة الان عندها بخط جدنا العلامة
 محيى ما اندرس من آثار الإمامية اخراج السيد محمد الموفى سنة ١٢٩٣ شقيق جدنا الإمام
 صاحب الروضات اعلى الله مقامهما في ثلث و ثلثين صفحة صغيرة اولها «في بعض
 الكتب القديمة المكتوبة في زمن العلامة الحلى اعلى الله مقامه هكذا من كتاب تحفة
 العليل تصيب الشيخ قطب الدين الراوندى قلس روحه. بسم . اما بعد حمد الله الذي
 جعل ذكره شعاع العليل و رداء العيب و نسلوة على رسوله محمد و اله المعصومين من
 كثير المعاصي و العليل من الصادق عليه السلام قال ان الله عز و جل ليتعاهد المؤمن
 بالبراء» و آخرها «و قال النبي صلى الله عليه و اله ادا رايتم المحدثين فاسألوا العامة» و
 كتب جدنا كاتب النسخة في الحاشية «الى هنا وجدنا من هذه الدعوات» و أيضاً «بلغ
 قالاً ورضا الله لا كماله» ثم أقول ان في النسخة حالاً بياضات في أواخرها و قد عرضنا
 النسخة على كتاب «سلوة الخريز» المعنوع سنة ١٤٠٧ بقم فظهر لنا ان تلك النسخة
 كتبت بعين و منتخب للسلوة و تفيد تصحيحها و اصلاحها في بعض المواضع و هذه
 النسخة استكتبها الجد المرحوم عن النسخة للمخطوطة اعلاها و السلام. و حرر في ليلة
 ١٧ شهر شعبان ١٤٢٠.

«تحفة العوام» ص ٤٥٧ رقم ١٦٦٥: فهرس المشار ح ١ ع ١٠٤٤.

«التحفة الغروية» ص ٤٥٨ رقم ١٦٧٤. نرى ما نقله المحدث البوري ره عن أواخر
مبحث الخلل من التحفة هذه في كتابه [دار السلام فيب يتعنى بالرؤيا و المنام ١. ٢٠٣
٢٠٥] فيه فوائد هامة.

«تحفة العاطمين» ص ٤٦٠. يراجع (كتاب شمسى انار مربوط به قم) للسيد المدرسى
الطباطبائى ص ١٧٣ ١٨٩ و هو غير «تحفة العاطمين لموسويه» في نفس الموضوع و
المذكور في كتاب شمسى ص ١٦٠ عما بعدها

«تحفة الفقهاء» ص ٤٦٠: رحمة (سفرنامه) الميرزا على صفاء السلطنة المشتاقى
المتصوف من المشهد المقدس الرضوى إلى صهران في سنة ١٢٩٩ - ١٣٠٠ فيها طرائف و
فوائد طبع في مجموعة «فرهنگ ايران رموز ١٦ ٩٠ ١٩٠» و يأتي له «ديوان مشتاقى
نائبى» و لولده «مقدمة ديوان مشتاقى نائبى».

«تحفة فيروزيه شعاعيه مجتهد سده سيبه حسيه» ص ٤٦١: كتاب مسوط في
التفري و مطاعن الاعداء صراحة للممردا عدا الله ائدى صاحب رياض العلماء فتس الله
روحه. الفه بالمعارسة سنة ١١٢٢ باشارة الشاه سلطان حسين الصفوى في تحقيق حال
أبي لولو فيروز و مقتل عمر ابن الخطاب الخ في طلبها مباحث جديله و مطالب انعيده
منها ما ذكرناه بامش [عقد الدرر] و لما كان الفه بعد فرائعه من الرياض لهذا يوجد
اسمه فيه كتابيه الاخر [التحفة الحسيه] و لم نثر له على ذكره في كتب التراجم و
ساير فهارس المكتبات و النسخة الموجودة ناقصة من حيث فقدان بعض اوراقها من اولها
و آخرها بل و اوسطها أيضاً و ذلك لكثرة استعادة اهل انطالعه من النسخة و تاريخ
التأليف مصرح به في الورقة ٧٤ ظ. و هي مبينه الاصل فيها بعض التصحيحات بخط
الايدى شكر الله مساعيه احوال فيه إلى بعض مؤلفاته الاخر كترجمة «جاماسب نامه» و
غيرها و لا يخفى ان عام تأليف التحفة هذه هو عام تأليف التحفة الحسيه له أيضاً كما
مر في موضعه و مما يحدث به فيه سفر حجه لمره الأولى و يظهر منه انما كانت حوالي
عام ١٠٨٣ و مما بحث حوله (في ١٧٩٩ عما بعدها) مؤلفات الشيعة و الاصول الاربعمالة و
الحسائر الواردة على آثار الطائفة و مآثرها و أشار هناك إلى سياحته طول أربعين عاماً و
التفصيل حول ساير المطالب موكول إلى موضع آخر.

«تحفة القراء» ص ٤٦٢ س ٩ يراجع فهرستنا لكثرة و الصغيرة.

«تحفة لب الالباب» ص ٤٦٣. در حجة المعيم في احوال مولانا عبدالمعظيم ار اين
 كتاب نقل می کند و اسم مؤلف را هم می برد در اواخر آن
 «التحفة الحمديّة» ص ٤٦٧ رقم ١٧١١. أقول ذكره في [أعيان الشيعة ٤٧. ١٥٢:
 ١٠٨٤٩].

«التحفة الحمديّة» ص ٤٦٨ رقم ١٧١٢ س ٤، محمود هو الأمير محمد الحاج السيد
 محمد بن السيد مهدي بن السيد عبدالفتاح كما فصل دلت في خاتمة كتابه هذا و ذكر
 ان هؤلاء كانوا كلهم من القراء و قرأ كل واحد منهم على والده و الآخر على عمه
 السيد رضا و هو على والده السيد محمد و هو على استاده الحاج محمدرضا السرواري
 و هو على جده عمادالدين على الشريف القاري و هو على السيد حسين المغربي و هو
 على الشيخ محمد المغربي و هو على الشيخ محمد الحرري المشهور اه.
 ص ٤٦٨ س ٥. طبع بظهران: في سنة تأليفه

«تحفة المراد» ص ٤٦٨ في شرح القصيدة الحكيمة للشيخ أبي القاسم المدرسكي و
 الشارح الميرزا عباس الشريف اسارني متوفى حوالي ١٣٠٠ يأتي في الشين (ج ١٤) ١٥
 (١٥٤٤).

«تحفة المسافر» ص ٤٦٨ رقم ١١١٨ س ٣٣، ١٣٥٣. أقول هذا التاريخ صحيح دون
 ما في «نساء الشجر ٣٤١ و ٨٩٤» من أنه توفي سنة ١٣٥٢.
 با تقويم پارس کاملاً مطابق است به يد مصفي الحنف و شعراء الغري هم ديده
 شود اگر شرح حال دارد ارجاع شود

«تحفة الملوك» ص ٤٧٢ رقم ١٧٣٤. راجع (شجرة طيبة ص ٢٩) للمدرس الرضوي
 ص ٤٧٢ س ١٢، سهالار: الصواب سهالار.
 «تحفة من الطالب الغالب إلى علي بن أبي طالب» ص ٤٧٢: هذا عنوان كتاب من الله
 تعالى يذكره بيقيناً و يتركه تحديثه قال بن شيرويه «...» (كفاية الموحدين ٢: ٢٨٣
 حديث ٢٥).

«تحفة المؤمنين» رقم ١٧٤٥ - ص ٤٧٤ س ٤، مفصلاً: أقول ليس هناك تفصيل فترجمة
 الرجل في نسخة الاصل من الرياض لا تتجاوز ثلثة أسطر من خط مؤلفه (ص «...» فم
 ٣٦٢) و في النسخة المطبوعة (٢: ٤٥٤) عن تسعة أسطر.

ص ٤٧٤ س ١٦، الرياض: ج ٢ ص ٣٠٠ و نقل كلام الرياض بالواسطة و إن لم يصرح بها في سمية البحار ج ١ ص ٥٠٦ معلوطاً.

«اللمحة المهدية» ص ٤٧٤ رقم ١٧٤٩ س ٢٣، ١٢٩٩: يأتي لمصنف الدر الثمين في ج ٨ ص ٦٦ و ذكر هناك انه ولد حدود سنة ١٢٩٧ و اما لم ار تاريخ ولادته في كتاب ربحانة الادب عند ترجمة نفسه و لكنه ذكر في م كتبه في شرح احواله في خاتمة ديوان المعصومين و نقل عنه احيابى في علماء معاصرين ص ٤٠٤ ولادته في سنة ١٢٩٦ كما في المتن.

«تحقيق دلائل الاحكام» ص ٤٨٣ رقم ١٧٩١ أقول نسخة م في الصلاة أيضاً في المرعشية بقم سب في فهرستها ج ١٧ رقم ٦٤١١ رلى الشيخ مشكور عنه.

«تحقيق غيبة المنتظر» عجل الله تعالى فرجه ص ٤٧٤: للاشرف بن الاعمر بن هاشم العلوي الحسني الرمي الحنفي النوفى سنة ٦١٠ صاحب «وجه الباطن ٥. ١٦٠: ٦٨٠» ذكره شيخنا المصنف بعنوان كتاب «العيه للوحة ١٦: ٣٧٦»

«تحقيق القبلة» ص ٤٨٤: أقول عدداً ترجمة هذه الرسالة الجلبه محمدصادق بن محمدعنى السركنى بخطه و هو الذي نقل طائفة من الرسائل و الكتب و المعالات العميه و الكلامية في حوالى سنة ١٠٤٣ إلى فارسيه و عدداً منها مجموعة و ذكر أحمد ولد المصنف ره له مجموعة أخرى في فهرسه بكم (ج ١ ص ٦٥٥) فالرجل من المفصلاء المصارين القادرين على نقل المطالب المهمة من العربية إلى الفارسيه و بالجملة فترجمة تحقيق القبلة في ٧٠ صفحة إلا ان المترجم لم يكمل ترجمة التبيه الثامن من التبيهات الثمانية و لعله لنقصان في نسخه العربية و ذكرنا آنفاً ترجمة التحصين في صفات العارفين للمترجم.

«التحقيق المبين» ص ٤٨٤ رقم ١٧٩٩ أقول عدداً نسخة رقمها ٥٧٠٣ من هذا الكتاب الشريف في (٢٧٢ ورقة أي ٥٤٤ صفحة) تاريخ كتابتها في آخرها بعد ذكر تاريخ التأليف كما في المتن سابع عشر شهر محرم الحرام سنة ١١٠٥ خمس و مائة بعد الالف لم يذكر الكاتب اسمه اول الكتاب بعد البسملة و غيرها (بمحمدك النهم يا رافع العلوم باحسن الكلام هجا للمسترشدين).

﴿رسالة وجيزة في تحقيق فصول الاذن و الإقامة خصوصاً تحليل آخر الإقامة﴾ ص ٤٨٥ للملأ أبي الحسن الشريف العاملي لأصفهاني الحفي المرحم في «مكارم الآثار ٥»
 ١٨٢٧» رسالة نفيسة عندما في ٢٦ ورقة صححها انصف و كتب في هوامشها الخواشي بخطه الشريف قال في قول الخواشي ما نصه [قد استعدت برهة من فوائدها كما افاده السيد السد العلامة و العاقل الصالح نعمانه و حيد عصره و فريد دهره خدلي و شيخني و امتادي و من يليه في جميع العلوم اسدي شيد الله به اركان الايمان و حشره مع آبائه الطاهرين خلعاء الرحمن في رسالته المعمورة في تحقيق تحليل آخر الإقامة و اثبات تشيته. منه عني عنه] انتهى كلامه و الرسالة مذكورة انصها في [النهلية ٤. ٥١٦. ٢٢٩٢] و الصفحة في مجموعة كانت قديماً في مكتب العلامة مير محمد حسين بن مير محمد صالح الحسين اخاتون آبادي الاصفهاني الذي كتب على ظهر ما نصه [رسالة لواحد من المعاصرين و هو ابن عمي العلامة مولانا ابوالحسن الشريف سلعه الله في سان و حده تحليل آخر الإقامة] انتهى و اعظم الله [بصالح الميرك ٢٤ ١٦٧١-٨٨٨]
 «تحفة اهل القبور» ص ٤٨٨ رقم ١٨١٤: راجع به مقدمه رجال سيد بحر العلوم [كما في ريدي نامة علامه خراسان ص ٧٠ و ٧١] في باورقي ص ٧٠.
 «تحفة الزائر» ص ٤٨٨ رقم ١٨١٦: تحفة الزائر على ما يظهر من فهرس المشار طبع مرتين بطهران على الحجر في ١٣٢٠ و ١٣٢٧ و مرة بتبريز في ١٣٢٣ و انظر ما ذكرناه في التكملة حول «البؤل و المرجان ١٨: ٣٨٨: ٥٧٢»
 ص ٤٩٠، ص ٢١، شرف الدين محمد: راجع الدريعة ح ١١ ص ١٠٩ ص ١١ و راجع (موارد الانتحاب) ج ١ ص ٨٠.
 ص ٤٩٢: قد صححت المجلد الثاني عني هذا الاستدراك و استدراكات أخرى إلا ما زاغ عنه البصر و مال عنه النظر صححه صاحبه.
 ص ٤٩٦: الحمد لله و له المنة قد صححت هذا المجلد على هذا التصحيح و على تصحيحات أخرى في سائر مجلداته. صححه مالكه.
 ثم نقل جميع الاستدراكات المطبوعة بحاشية ح ٢٥ على هامش هذه النسخة كسائر الأجزاء و الحمد لله في ليلة ٢٩ صفر ١٤٠٥.

الجزء الرابع

«التحجيل من حرف الالحيل» ص ٣ رقم ٣ يرجع معجم المؤلفين للكحالة ح ه
«تخريج الايات و الاحاديث» ص ٤ رقم ٦، لتوصيح كمننى الاخبار و التحريج
راجع «رندگانی سردار كابلې ص ١٠ من الخاتمة»

«تخليص التلخيص» ص ٤: لمعاصل العميدى كذا نقل عنه صاحب «جواهر الكلام
١١ ١٧٦ ٣» في مسئلة صلاة الجمعة و الظاهر انه في المعه و الله العالم بمراده فتمس الله
بعالى روحه.

ص ٥ س ١١، ما طاب اصل لا يطيب مرعه / ما طاب فرع لا يطيب اصله.
ص ٩: فصلة الردة مع ترجمتها بالنظم و رسى في كتاب المشكول المطبوع ص ٣٥
فما بعدها و توجد نسخة مخطوطة من الردة و الترجمة المذكورة عندنا في مجموعة و انظر
شروح القصيدة في حرف الشين ج ١٤ ص ٦ - ٧.

«تخميس الفيلوسوفية» ص ١١ رقم ٢٧، يراجع ج ١٧ ص ١٣٣
«تخميس لامية العجم» ص ١٢: في رثاء لإمام السبط الشهيد أبي عبد الله الحسين
صلوات الله و سلام عليه و على آيائه و اولاده المعصومين لابس علوان الرفاعى الخلى
المتوفى ١٣ شهر رجب ٦٠٦ رحمه الله تعالى و رضى عنه حقه الاستاد اسد مولوى
مشكوراً و نشره في مجلة (ترانا ٢: ١: ٢٠١ - ٢١٦) و يذكر له «العديرية» في موضعه
مراجعته.

«تخميس افاتية الادوية» ص ١٣ رقم ٣٥ قول انظر «دُرر الآلى ٨ ١٣٢. ٤٩٢» مع
التكملة.

«تكملي الأعمار» ص ١٤ رقم ٣٩ رجع (مكاتب قطب محي) في (ح ٢٢: ١٣٦: ٤١٥) و ما ذكرناه بمامشه و ديوانه في (ج ٩: ٨٨٤).

«تداخل الاغسال» ص ١٧ رقم ٤٥ نظر «المسائل التداخلية ٢٠: ٢٣٩ ٣٢٩٨» و يذكر «حنو التناول» في موضعه.

«تلويح الآثار في أحوال علماء خوانسار» ص ١٩ رقم ٦٢، محمدحسن يأتي له تعيين ساعات الليل و النهار.

«التذكاوات» ص ١٩ رقم ٦٤: أقول قد مر من هذا القليل «الرياض» في ج ٣ و راجع من هذا القليل ما يأتي أيضاً في حرف الجيم (ج ٥ ص ١٦٥ فما بعدها) بعنوان (جنگ). ص ١٩ س ١٥، صاحب الروضات: / صاحب الرياض.

«التذكاوات» ص ٢٠ رقم ٦٦ راجع الروضة البصرة لمصنف ص ٥٨٣ و عباسامه و خلاصة السير.

ص ٢١ س ٤، بصير: راجع لبصير هذا (ج ١٣: ٣٦: ١٢٠) و (ح ٢٥: ٥٥: ٢٩٥).

«التذكرة» ص ٢٢ رقم ٦٩ س ٩، المولى باقر: راجع القضاء ٢١٨: ٤٧٢.

«التذكرة» ص ٢٥ رقم ٧٧ س ٨، كشكوله: أقول ينقل المحدث البحري عن التذكرة في كشكوله «ابن المسافر» مراراً عديدة منها: «.

«تذكرة ابن العراق» ص ٢٧ رقم ٨٥ قال العاصي الشهيد صاحب محال المؤمنين عليه الرحمة في كتابه الآخر «مصائب ومواصب» في حديثه منه على قوله «و اما السادس عشر فلان ما ذكره من تحيل اصحاب الدحول في ذير المرأة» قال ما نصه [و يلحق إلى مقدمات ما ابي به مالك و طي العلامة الشعر الذي سبه الشيخ نورالدين على بن عراقى «كذا في نسخة م ع ر» لمصري الشافعي في تذكرته إلى القاضي الاديب ابوالحكم مالك بن مراحل] الخ أقول فهذا الرجل هو المذكور في كتاب «الأعلام ٣:

١٢» للبركتي بقوله ابن عراق (٩٠٧ - ٩٦٣) على بن محمد بن علي بن عبدالرحمن ابن عراق الكاظمي نورالدين فقيه متصوف به نظم و فيه قوة على نقد الشعر الخ و ذكر عدة من مصنفاته دون التذكرة و والد الرجل محمد بن علي بن عبدالرحمن (٨٧٨ - ٩٣٣) أيضاً صاحب مصنفات و ترجمته في الأعلام ٦: ٢٩٠ م ع ر عمي عنه في ٥ شهر رمضان

«تذكرة الأنساب» ص ٢٩. ربما يظن عني «الأنساب المشجرة» لأحمد العبدلي المذكور في ج ٢ ص ٢٨٢ و يأتي بعنوان (تذكرة النسب)

«تذكرة الأولياء» ص ٢٩ رقم ٩٩: يأتي بعنوان روضه الأبرار انه مطبوع.

«تذكرة الأولياء» ص ٢٩ رقم ١٠٠: أقول عمر حمي على دوى المسكة و الهى بأن القاصي الشهيد «نور الله صريحه» لم يذكر الرجل في محال المؤمنين إلا لدواعٍ خاصة دون الشهادة بتشيعهم كما يتبينه مختصراً في كتمه هذه فيما يأتي من الكلام على بحالته و إذا كان العطار السابوري عني مذهب التشيع كما توهمه انصف ره ها و في «الانوار الساطعة» ص ١٤٧ «فليس على وجه لأرض سني قط و لكن انظر إلى ما قاله القاصي الشهيد نفسه في كتابه إحقاق الحق ما لفظه «و كذا روى شيخ اهل السنة و ولهم فريد الدين العطار في تذكرته» إلى آخر كلامه الذي نقضه في «شرح الروضات» و أمّا يدعي الزمان مروراً من المخلص في احوال و آثار الصوفية و العرفاء مع انه كان كما رأينا من اهل الدنيا و حباً رعاها و ربانها فقال أولاً بسن الرجل و تعصبه و تصلبه في حب الخفاء الثلاث و ذكر شواهد هذا الأمر في كتابه «شرح احوال عطار ص ٥٧» ثم مال إلى تشيعه و إماميته مع توجيه كلام القاصي الشهيد المرعشي ره في محال المؤمنين و لم يأت بشيء و لكنه رجح أن يكون العطار كسائر اهل الصوف و العرفاء غير مقيد بمذهب و دين لأنهم عشاق و ديههم العشق (و مذهب عاشق ر مذهبها جداس) و هذا تمام الكلام و عني (إسلام السلام

«تذكرة مير نقي الكاشي» ص ٣٠ رقم ١٠٢ نصر الرقم ١١٠ في الصفحة الآتية.

«تذكرة خلاصة الأفكار» ص ٣١ رقم ١١٠ ص ٢١، هو: خلاصة الأشعار و حالتها.

«تذكرة خوشگو» ص ٣٢ رقم ١١٢ يرجع «سفيه خوشگو» في موضعه و قال في مقدمه مرهنگ سخوراد إنه ألف بين سنة ١١٣٧ و ١١٤٧ و رقم السحفة في مكتبة سپهسالار ٢٧٢٤.

«تذكرة دولتشاهية» ص ٣٢ رقم ١١٤ أقول لم نثر لحد الآن عني تاريخ ولادة دولتشاه و لا على وفاته إلا أنه صنف كتابه تذكرة الشعراء هذا عام ٨٩٢ و عمره حينئذ ما يقرب من الخمسين و انظر «ديوان دولتشاه» ٩ ٣٣٢ ١٩٦٨.

«تذكرة الداكزين» ص ٣٣ في النصفون للميرزا محمد بن سلطان محمد المتخلص
بمحقق الأردبيلي! له (سصرة الصالين) و غيرها يوجد التذكرة عند الدكتور السيد أحمد
التويسركاني و ليراجع (كتاب الخرائن يترافق ص ١٣٤) و ما ذكرنا هناك هامش بسختنا.
بإدداشت اصلی را در ح ٢ رندگیامه علامه بحسبی گزارشام بین ص ٣٦٦ - ٣٦٧.

«تذكرة شاه طهماسب» ص ٣٥ رقم ١٢٧ عدنا نسخة مطبوعة بولن. و يراجع
(رورنامه شاه طهماسب) في ح ١١ ص ٢٧٠.

«تذكرة شعاعيه» ص ٣٦. انظر [ديون شعاع الشيرازي ٩ ٥٢٦ ١٩٢٠].

«تذكرة الشعراء» ص ٣٦ رقم ١٣١ قال السيد محمد المشكوة في مقدمة الطبع لكليد
بمشب إن هذه التذكرة آلت ١٠٨٣ ١٠٨٦ و بسختها البعیه موجوده عند منك
الشعرا هار.

«تذكرة الشعراء المعاصرين» ص ٣٧ رقم ١٣٦ أقول انظر «تدبیر تذكرة الشعراء
المعاصرين ١٥٤ ١٣٢١».

«تذكرة الشعراء المعاصرين» ص ٣٨ رقم ١٣٨، الخرين أقول انظر لتحرير أيضاً
ص ٤٠ رقم ١٥٢ و ص ٣٣٤ رقم ١٤٢٧ من هذا الجزء و ح ٩ ص ٢٣٥ و ح ١٢ ص ٢٥٤ و
ح ١٣ ص ٢٢ رقم ١٠٧ و مقدمة تاريخه و تذكره المطبوعين حوالی سنة ١٣٧٢ باصفهان
«تذكرة شمس التواريخ» ص ٣٨ رقم ١٤٠ يأتي أيضاً بعنوان شمس التواريخ في ح ١٤
ص ٢٢٠.

«تذكرة العابدین» ص ٣٩ رقم ١٤٩ قال في الروضات و قيل إن من جملة نلامدة
هذا الجباب (يعني المير محمدباقر الداماد) هو السيد الامير محمدتقي بن أبي الحسن الحسيني
الاميرآبادي صاحب كتاب تذكرة العابدین في الفقه و رسالة في وجوب صلوة الجمعة
و رسالة في شرح خطبة الشرايع و غير ذلك انتهى

«تذكرة العاشقين» ص ٤٠ رقم ١٥٢ انظر لتحرير ص ٣٨ رقم ١٣٨.

«تذكرة العظيمة» ص ٤٠ رقم ١٥٦ توفي الحاج الشيخ محمدابراهيم الكلبياسي
بتهران في (٢٠ ٢٤ سنة ١٣٦٢) و كات ولادته في (١١ شوال ١٣٠٢) كما في مكارم
الآثار.

ص ٤٠ س ٢٠. يراجع ما عتقته أخيراً على روصاتنا الجديدة
 «تذكره علوي» ص ٤١: بالمعربيه ترجم ١١٠ شاعراً و ملحقاً لأمر المؤمنين
 عليه السلام ألقها رضا بن عبدالحق الثاني ط صهران في ١٣٧٤ في ٢٠٠ ص كما في فهرس
 مشار.

«تذكره علوية» ص ٤١ في ترجمة نظام نعماء التبريري لعلی بن أحمد طبع بتبرير
 سنة ١٣٢٤ في ١٥٦ ص كما في فهرس المشار.

«تذكره الكعالي» ص ٤٤ رقم ١٧٤ يراجع نقاء البشر ص ٥٧٧ فما بعدها.
 «تذكره المنقي» ص ٤٦ رقم ١٨٠ انظر كلمة شيخ السيد الأمين حول الشيخ محمد
 البهاري في «أعيان الشيعة ٤٥: ٣١٢» و طبع في تبرير سنة ١٣١٣ مقدمة و تعليقات
 لكتاب «مناقب أمير المؤمنين عليه السلام ٢٢: ٣١٥، ٧٢٥٣»

ص ٤٦ س ١٩، بتأليف: أقول انظر «ديوان سائب ٩: ١٦٣، ١٠٢٢» و له ترجمه في
 «مخبرين ٢٥٢» لبيان الواعظين

«تذكره المجتهدين» ص ٤٦ رقم ١٨٢- أقول طبع في مجلة كلية الآداب بتبرير «شربه
 دانشكده ادبيات تبرير الرقم المسجل ٨٣ عام ١٣٤٦ ش. ٣٠٤ - ٣٢٠» مع مقدمه رسالة
 «مشايخ الشيعة أو أسماء المجتهدين» للشيخ شرف الدين جبي بن عزالدين المذكور في المتن
 و رقم التراجم المذكورة فيها ١٠٩ و الرسالة المنصوغة عن ما ذكره شيخنا المصنف بقوله
 [و الظاهر انه غير رسالة في تراجم مشايخ الشيعة] الخ. ثم طبع في العدد بعده من المجلة
 المذكورة أيضاً (ص ٤٠٩ - ٤٢٢) رسالة عنوانها [أسماء المشهورين من العلماء] و فيها ١٠١
 ترجمه و لم يذكر هناك مؤلف الرسالة و قد تبين لنا بعد ما قارنا بين الرسالتين المطبوعتين
 ان الأولى مأخوذة من الثانيه كماً و كيفاً و لله العالم بحقايق الاحوال و راجع [الصبا
 اللامع ١٤٢] و السلام. ٤ صفر ١٤٠٨.

ص ٤٧ س ٥، كما يأتي يعني «تراجم مشايخ الشيعة ٦٠: ٢٤٩»
 «تذكره المصائب» ص ٤٨ رقم ١٩٠: يأتي له «سبيل اسحاة ١٢: ١٤١: ٩٥٣» و يراجع
 مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٦٢٤.

«التذكره الصورية» رقم ٢٠٣ ص ٥١ س ٣، (الموقى ٩٣٣): يأتي في ج ١٣ ص ١٤٤
 سنة ٩٨٤ و في آثار الشيعة الإمامية ج ٤ ص ٦٢ سنة ٩٢٤.

«تذكره نقل مجلس» ص ٥١: تأليف محمود ميرزا ابن فتحعلي شاه قاجار (نقل عنه في خيرات حسان ج ٢ ص ٢٣).

«تدليل سلافة العصر» ص ٥٤ رقم ٢٧٣: أقول شاكرًا و محدثًا لعمه مولاي ربي جل شأوه إنه قد حصلت النسخة الوحيدة من التدليل هذا عندنا خط ولده السيد بهاءالدين محمد و قد الحق بأخوه [الرحمة ١١، ٣٤٨، ١٥٢٠] أيضاً لوالده فوضعنا المجموع في اجراء كتابنا الكبير [رياض الابرار ١١: «...»] و أنسخنا أيضاً نسخة خطّ عنه و انعمناها لبعض الإخوان (الحاج آقا محمود المرعشي في شهر شعبان ١٤٠٩).

«التراية» ص ٥٥ رقم ٢٢٦ ص ١٨، في نهاية الصواب (بها) بالفارسية بلا مد.

«تراجم آل المجلس» ص ٥٧ رقم ٣٣٠ يراجع المجلد العاشر ص ١١٤.

«تراجم علماء البحرين» ص ٦٠: مرّ بعنوان (تاريخ علماء البحرين) للشيخ سليمان بن عبد الله.

«تراجم مشايخ الشيعة» ص ٦٠ رقم ٢٤٩. انظر «تذكرة المجتهدين ١٦ ١٨٢».

ص ٦١ س ٩ قوله (أخيراً) أقول يريد به كتاب «مقاب أمير المؤمنين عليه السلام» المطبوع على الحجر في تبريز سنة ١٣١٣ و معه مقدمة لشيخ محمد الهادي صاحب «تذكرة المتقين ٤٦: ١٨٠» و يأتي الكتاب بعنوان «المطبوع ٢٢ ١٣١٥ ٧٢٥٣» مراجعه

«تراجم مشايخ الشيعة» ص ٦١ رقم ٢٥٢ س ٢٤، ما مرّ مراده «تذكرة المجتهدين ٤٦: ١٨٢ و انظر رقم ٢٤٩».

«تراجم ولاية الخويرة» ص ٦٢ رقم ٢٥٦ س ١٥، في رسالة يراجع (رسالة في نسب السيد عليخان) في ج ٢٤ ص ١٤٠.

«رسالة في العرق» ص ٦٤: تأتي متعددة في الرأ

«توتيب خلاصة الأقوال» ص ٦٥. للشيخ ميرزا محمدجواد طبع بابران سنة ١٣١٢

«توتيب مسائل علي بن جعفر» ص ٦٧ رقم ٢٨٢. أقول راجع مسائل علي بن جعفر ٢٠: ٣٦٠، ٣٤٠٦.

«توتيب مشيخة من لا يحضره الفقيه» ص ٦٨ رقم ٢٨٣. و نسخته أخرى عدي و الط

ان نسخة الاصل هي التي كانت عند جد صاحب الروضات و انتقل أخيراً إلى مكه الإمام أميرالمؤمنين بواسطة شيخنا الأمين رحمه الله.

«ترتيب النجاشي» ص ٧٠ رقم ٢٨٧: رأيت منه نسخة تامة مصبغة إلى الخلاصة و الإيضاح و رجال الشيخ و دراية الشهيد و المجموع محمد محمد عبي بن ولي الموسوي الاصمهاني بريل مكة كتبها سنة ١٠١٦ و م ر في نسخة الترتيب المذكورة اسماً للترتيب اصلاً و لا تاريخ الترتيب.

«ترجمان اللغة» ص ٧٢ رقم ٢٩٦ يراجع «فهرست نسخه‌های خطی فارسی ٣: ١٩٧٥» و مقالة لدانش‌پژوه في بحه «هر و مردم ١٨١ ٢٢» و توجد عدة اوراق كتبها عبدالله المشي الطبري مصحح ترجمة الفموس في مجموعة عددا رقمها ٥٦٥٤ و هي مجموعة من رسائل شيخنا الهائي و غيرها و على الورقة الأولى محمد عبدالكريم بن محمد يحيى القروي ولاحظ

«ترجمة الآثار الباقية عن القرون الخالية» ص ٧٣ رقم ٢٩٧ س ٩، أيضاً: توجد نسخة هذه الترجمة في مكتبة انك بطهران كما في مقدمه «ترجمه آثار البايع النورجاني بيروني» لأكبر داماد شرف صير في طبع طهران سنة ١٣٢١ هـ
«ترجمه ابصار العين في ابصار الحسين عليه السلام» ص ٧٣ رقم ١٠٣. أقول يراجع حتماً (ابصار العين) في ج ١ ص ٦٥

«ترجمه احقاق الحق» ص ٧٥ رقم ١٣١٣ يراجع لراماً مجموعة (مراث اسلامي ايران دفتر هشتم).

«ترجمة أخبار الاستطاق» ص ٧٥ رقم ٣١٤ مباني له التشجير الفاطمي في ص ١٨٤ و نأني حاشيته على رياض المسائل في ج ٦ ص ٩٩.

«ترجمة اربعين البهائي» ص ٧٦ رقم ٣٢٢ أقول صرح المترجم في اول الكتاب بأنه سماه هذا الاسم اي «ترجمه قطب شاهي» و سيأتي في موضعه اشارة و اما العنوان الآتي في حرف العاف ح ١٧ ص ١٥٦ باسم «قطب شاهي» فانظروا انه من الحاقات احد المصححين و لا وجه له و فيه تعريف بكتاب و نسخة قديمة منه فيلاحظ.

ص ٧٧ س ١٣، مطبوع: مرة سنة ١٣٠٩ بمبئي و أخرى سنة «...» بطهران.

«ترجمه اعتقادات الصدوق» ص ٧٩ رقم ٣٢٧ يراجع ح ١٣ ص ١٠١ و حاشيه دين

«ترجمه اعتقادات المجلسي» ص ٧٩ رقم ٣٣٨: أقول ماخذه كشف الحجب ص ١١٢

فقط لم يذكره هنا ولا في كثير من مواضع نقله عنه و قوله «جواهر رواهر كه» الصواب «جواهر رواهر حمد كه» كما في لأحد و مر ذكر رسالة الاعتقادات للعلامة المجلسي في ح ٢ ص ٢٢٤ و من جملة من نقلها إلى الفارسية المترجم العلامة الميرزا ابوالقاسم بن أحمد البردي فرع من الترجمة سنة ١٢٤٢ كما ذكره صديقنا العاضل الميرزا جعفر سلطان القرائي التبريزي في مقلته لترجمته اعتقادات الصدوق للميرزا محمد علي (رقم ٣٣٧) المطبوعة بظهران في ١٣٧١ و اظهر وجود السخة عنده. و يأتي للمترجم أيضاً ترجمة شرايع الإسلام.

«ترجمة الفقه الشهيد» ص ٨١ رقم ٣٥٢. أقول سيأتي (رقم ٦٧٢) ترجمه مكارم الاخلاق و راجع (إحياء الناصر: ١١٩ و ١٢٠)

«ترجمة الانوار النصائية» ٨٢ رقم ٣٥٨. أقول هذا خطأ و الصواب ان الكتاب المطبوع هو المجلد الأول من ترجمة الانوار و مشتمل على ٥٩٠ صفحة و في آخره ما لم نقله «ان آخر ترجمه جلد اول انوار است. بحكم دوم از كتاب نكاح است كه ترجمه می شود حرره الاقل ميرزا محمد في ١٢٩٦» الميرزا محمد هذا هو كاتب السخة في سنة ١٢٩٦ على الورق المحصور في المطبعة الحجرية و اصلها طبعت في المطبعة الحجرية ناصهات و المشهورة في زمانها مطبعة درو ره تولت و طالعة من الكتب المسونة لعلامة الحجة آقا محمي الاصهات ره طبعت في نكت المصنعة و لم يثر على المجلد الثاني من ترجمه الانوار هذه و يعلب على الظن انه لم يطبع بعد و اما خطأ شيخنا المؤلف رحمه الله في نسبة الترجمة فليعلم أولاً ان في اول المجلد الأول ما يلي نصه قال بعد الخطبة «و بعد حين گوید بنده محرم عاصی محمدتقی بن محمدباقر بن محمدتقی» الخ و هذا هو العلامة الحجة الشيخ محمدتقی المعروف بأقا محمي متوفى سنة «...» دور جدّه صاحب حاشیه المعالم المذكور في المن و لكن لا يحتمل ان هذه الترجمة للميرزاين العائدين ابن السند حسن بن السيد محمد بن مير علي اكبر الرضوي الخوساري المذكور في ح ٧ ص ١٣ من ٣ فقد صرح بذلك و باسمه و عمود نسبة السند المذكور في ص ٤٥١ من السخة المطبوعة و ذكرنا ما يتعلق بذلك في مسختنا فليرجع و الحمد لله رب العالمين. حرره المحمّد محمد علي روضاني في ليلة السبت ٩ شهر رجب ١٤٠٠.

«ترجمة الباب الحادي عشر» ص ٨٣ رقم ٣٦٤ س ٥، سامان: سامان هذا ليس مذكوراً في اجراء احمد التاسع من السريعة و لا في فرهنگ سخوران و يأتي ذكره أيضاً في (جواب بعض العامة ٥: ١٧٨: ٧٧٥) و في مواضع أخرى مذكورة هناك.

«ترجمة بحار الانوار» ص ٨٣ رقم ٣٦٩: يرجع أيضاً (ترجمة اول مجلدات البحار) و (ترجمة عاشر البحار) و مر ذكر البحار و ترجمه ساير اجرائها في الساء

«ترجمه بشارات الشيعة» ص ٨٤: للعاصم الخاجوني المذكور في ج ٣: ١١٢: ٣٧٩. عندنا نسخة الترجمة كما مر ذكرها هناك

«ترجمة البلد الأمين و المروع الحصين» ص ٨٤ رقم ٣٧٤ رأيت في السحف و هو تألف المير محمد باقر بن الأمير اسمعيل المدرس الخاتون بيدي الموقى (١١٢٧).

«ترجمه تحفة الانوار» ص ٨٨ رقم ٣٨٩: مر ذكر أصل التحفة في ج ٣: ٤٠٥: ١٤٥٣ و يأتي الترجمة هذه أيضاً بعنوان المعرب في (ج ٢١: ٢٣٩: ٤٨٠٩)

«ترجمة تفسير العسكري (ع)» ص ٨٩ رقم ٣٩٧ يأتي في ج ٥ ص ٢٦٤ جواهر الإعان في ترجمة تفسير القرآن.

«ترجمة توحيد المقصص» ص ٩١ رقم ٤٠٩: أقوم كقطعة الاحيرة لترجمة التوحيد صورت عن خط (عبد الرحمن دلعراقي) المعاصر في ١٧١ ص رقعة و طبعت في طهران حوالي سنة ١٤٠٥.

«ترجمة جاماسب نامه» ص ٩٣ رقم ٤٢٢ س ٩، الخويري. و كذا أحال إليها في كتابه الآخر «تحفه حسبيه» و ليراجع الجزء الخامس في جاماسب نامه ص ٢٢.

«ترجمة الجامع عباسي» ص ٩٣ رقم ٤٢٥: جاء في دبل ص ٣٨ من السنة الثالثة من تقويم (كشور ايران) في مقالة لسعيد نصيبي هكذا «نار چند كتاب ديگر در تاريخ گرجستان نوشته شده و در ايها بير داستانهاي ايراني را به ميان آورده اند و از آن جمله كتابيست از «فادسادان زئورزيجانيدره» كه جامع عباسي كتاب معروف شيخ بهائي را هم به زبان گرجي ترجمه کرده و مؤلف فرهنگ گرجي به عربي و فارسي بير هست» انتهى.

«ترجمة الجزيرة الخضراء» ص ٩٣ رقم ٤٢٨: أقول انظر (الجزيرة الخضراء ٥: ١٠٥).

«ترجمة الحسنية» ص ٩٧ رقم ٤٥٢. يرجع (الحسنية) في ح ٧ ص ٢٠ و في فهرس مشار
 (ترجمة رسالة الحسنة) في ح ١ ص ٢٩٠ و يرجع فهرس أحمد المتزوي ايضاً
 «ترجمة الحقايق» ص ٩٧ رقم ٤٥٣ ص ١٧، نبيه و رأيت أنا ايضاً نسخها إليه في بعض
 المراجع ولكن لم ينقل عن ترجمه شيئاً
 «ترجمة خطب أمير المؤمنين ع» ص ٩٩ رقم ٤٦٦. و يأتي في ح ٢٤ رقم ١٢٩ و ١١٩٠
 و انظر ديوانه في ج ٩.

«ترجمة الخواص» رقم ٤٧٢ - ص ١٠١ س ٥. الصواب في الموضوعين (فصل إله)
 «ترجمة رهر الربيع» ص ١٠٦ رقم ٤٩٧: و الطبعة الأولى مخطوطة اصله العربي في مكتبي
 «ترجمة سلوان المطاع» ص ١٠٧ رقم ٥٠٢ أقول و توجد نسخة منه في المكتبة
 جامعة طهران كما في فهرسها ح ١٦ ص ٤١ و ذكر ان اسمها مرالد الاصقاع فراجع.
 «ترجمة شرايع الإسلام» ص ٦٠٨: و سرحه بالفارسية سوى مباحث العادات
 لأبي العاسم بن أحمد البردي شرح فيه من كتب الجهاد إلى آخر كتب الشرايع و فرع
 منه في سنة ١٢٤٣ و جعل مقدمته كتابه في مباحث الدراية كما ذكرناها في النكمة
 بعنوان «رسالة رجالية» بكثير المترجم الشارح في المعانيات من النقل عن فقهاء عصر
 العسة لا سيما العشرين شخصاً منهم و أهم موارد الذكر فائدة حين نقل آراء الشيخ
 الطوسي و ابن ادريس و جدنا المحقق الكركي المتوفى ٩٤٠ و لم يذكر فيه بعد جدنا
 الشهيد الثاني المستشهد ٩٦٥ أحداً سوى علامة السيروري المتوفى سنة «...» في عدة
 مواضع و ذكر المترجم معاصره صاحب رباص المسائل المتوفى سنة «...» مرة واحده
 فقط و يحس نظراً ان الكتاب كنه كترجمة لربااص و الله تعالى هو العالم بحقائق الامور و
 قد طبع الكتاب في اربع مجلدات كنه في اريد من الصي صمحة من مطبوعات جامعة
 طهران و يأخر الاجراء فهارس الأعلام و الكتب

«ترجمة شرح نهج البلاغة» ص ١٠٩ رقم ٥١٠ س ١٩، ولايش: / درويش؛ كما في وقائع
 الأيام (حاشيه ص ٣٦٣)

«ترجمة الشقاء» ص ١١٠ رقم ٥٤ أقول راجع ما ذكرناه في النكمة بعنوان [شرح
 شعاعى بوعلی ١٣: ٣٣٦].

«ترجمة الشيعة و فنون الإسلام» ص ١١٠ إلى العارسية للسيد علي أكبر اليرقعي العام
ترجمته سنة ١٣٦٠ و طبعه بعد هذه السنة بطهران

«ترجمة الصحف الأدريسية» ص ١١١ رقم ٥٢٠ يراجع ما ذكرناه في هامش ص ٤٢٨
ح ٢ و يراجع ح ١٥ ص ١٢.

«ترجمة الصلاة» ص ١١٣ رقم ٥٢١ يعرف هذه الرسالة بعنوان «مقدمة في معاني
أفعال الصلوة» أيضاً كما تأتي في ح ٢٢ ص ٩٠ لاشارة إليها و الظاهر أنها المذكورة في
الروضات باسم «اسرار الصلوة» كما مرّ و عني بها نسخة بخط جدنا الإمام صاحب
الروضات و والده العمّام في مجموعته جليلة رقمها ٢٤٦٢ و كتب الجد اسمه على أحد
أطراف النسخة كالآتي (ترجمة الصلاة) و إن لم يذكر هو و لا غيره في النسخة اسم
المؤلف. و طبعت الرسالة بطهران سنة ١٣٠٠ ضمن مجموعة فيها اسرار الصلوة لشهيد
الثاني و رسالة الكرّ للسيد محمد الحسيني التتري كما في فهرس المشار و أيضاً عندها
نسخة أخرى مع شرح الآلية لاسم العهد رقم ٣٦٩ هي أيضاً كانت عند الجد و لعله
استنسخ من هذه و كتب الجد على ظهر هذه النسخة ما لعظه «رسالة في معاني أفعال
الصلوة و شرح العية الشهيد كلاهما لابن محمد الحسيني صاحب هذه الداعي رحمه الله»
انتهى.

«ترجمة طبائع الاستعداد» ص ١١٤ رقم ٥٤٢ و المترجم هو عبدالحسين ميرزا الفاجار
ابن مؤيد الدولة طهماسب ميرزا ابن محمدعني ميرزا دولتشاه، يراجع مقلّمنا في مفتاح
نسختنا من الطبائع.

«ترجمة طب الأئمة عليهم السلام» ص ١١٤ رقم ٥٤٣ يراجع فهرست أحمد ١ ٥٠٢.
«ترجمة الطوائف» ص ١١٥ رقم ٥٤٤ س ١٥، بعض هذا البعض هو الخاج ملا
محمدصادق الطيبي الطهراني كما يظهر من للريضة ح ٢٣ ص ١٩١ ديل عنوان كتابه
الأنور (مهج السداد في ترجمة بحاة العباد) و صرّح به اشارة في كتابه «مؤلفين كتب
جايي ح ٣ ع ٤٩٥» و قد ذكرنا ما يتعلّق بذلك في ظهر نسختنا من المترجمين و في هامش
كتاب المشار و كنا في هامش «بقاء البشر ص ٨٥٥» حيث عنوان للطبيسي المذكور رحمه
الله.

«ترجمة العتي» ص ١١٦ يراجع (ترجمته تاريخ العتي).

«ترجمة عهد مالك اشتر» ص ١٨٨ يراجع معارف طائفة صاحبة من ترجمات هذا العهد المبارك ديباجة محمدتقي دانش يژه لترجمة العهد بضم حسين العلوي الاوي ط طهران ١٣٥٩ش. والديباجة ممتعة من نواحي شئى ثم ان من جملة المترجمين للعهد هو صاحب «روضة الانوار عاسي ١١. ٢٨٩: ١٧٥٣» فراجع.

ص ١١٨ س ٢١، «تحفه سليمانى». يأتي بعنوان [التحفة السليمانية ٣: ٢٤١: ١٦٠٣].

«ترجمة عهد مالك اشتر» ص ١١٩ رقم ٥٦٩: أقول انظر «سلوك الولاة ١٢: ٢٢٧: ١٤٨٧» و «شرح العهد ١٣: ٣٦٤» و «شرح الهج ١٤: ١١٦ س ١٦» و راجع «رد گيامه علامه محلى ٢: ١٥٧ و ١٤٣ و ٢٠٩» و قوله (و ان) الصواب «ان» الشرطة بالتحريك و أطلق بصيغة المجهول. ثم ان عندما جرى في ثمانية اوراق للسيد عبدالحسين الحسيني الشهير بالخانوان آبادي جى من قرى كوره دارالسلطنة اصفهان (كما في اولها) و الاوراق كلها مقلدة لترجمته عهد مالك بالفارسية و هي نسخة الاصل و السيد هو صاحب «وقايح السنين» في مطلع على النامى و الورقة الاولى منها أيضاً معقودة و الله العالم

«ترجمة عهد مالك الاشتر» ص ١١٩ رقم ٥٧٠. يأتي أيضاً بعنوان «شرح العهد ١٣: ٣٧٤ ١٣٩٨».

«ترجمة عهد مالك اشتر» ص ١١٩ رقم ٥٧١ يكرر العنوان في «شرح العهد ١٣: ٣٧٥: ١٤٠١»

«ترجمه عهد مالك الاشتر النعمى رضي الله عنه» ص ١١٩: بالفارسية للمحقق السبروارى شيخ الإسلام محمد باقر بن محمد مؤمن المتوفى سنة ١٠٩٠ جعلها الباب الاخير من كتابه القيم [روضة الانوار العاسي] في ص ١٠٧٣ لاجل الشاه عالى الثاني الصفوى المتوفى ١٠٧٧ طبع الكتاب طبعة حجرية جيدة في طهران سنة ١٢٨٥ كما يأتي في موضعه و ترجمته للعهد طريقة ممتازة.

«ترجمة الدرر و الدرر» ص ١٢١ رقم ٥٧٨ قال في فهرست المكتبة الرضوية (نظم الدرر و بعد الدرر - فارسي - مترجم ملا عبدالكريم بن محمد بن يحيى القروي از

علماء عصر شاه سلطان حسين صفوى بوده و اين كتاب ترجمه غرر و درر عبدالواحد آمدى است و اين نسخه از باب ششم تا باب نهم) ٥٨.

«ترجمة الفهرستية النجفية» ص ١٢٢ رقم ٥٨٣. «نظر ما مرّ [تخميس الفهرستية ١٠، ٢٦] و يأتي [شرح قصيده الفهرستية ١٤، ١٣، ١٥٣٦ - ١٥٤١] و [قصيده الفهرستية ١٧، ١٢٣: ٦٤٨] و نظم الحامى مطبوع في «سلسلة السهب» من مطبوعات [هفت اورنگ ط طهران] إلا ان عبدالرحمن الحامى من النواصب عند فقهاء الإمامية و من المكفرين عند علماء اهل السنة المنصفين القائلين بكفر بعض أبي طالب عليه السلام و كذا كفر من ذكره بمكرهه كما سناه في شرح الروضات [هامش ط ٢ ص ٤٢٠]

«الترجمة القرآن» ص ١٢٦ رقم ٥٩٦: أقول صغ هذه الترجمة في بحثى مباشرة المور محمد ملت الكتاب في سنة « . » « إلا أنها ست إلى آفا جمال الدين و قال في آخره ما هذا لفظه چون اين كتاب مستطاب حرر الامام و ثمره شجرة حصرت سبحان المستمى بموائد الرحمن في ترجمة القرآن، كه جناب ... المولى محمد بن حسين ملقب بحمال الدين و معروف بأفا جمال و موصوف محقق محوسارى طاب ثراه حسب فرمان شاهنشاه ايران نادر شاه افشار از أعار تا المصنفين في زيادة و نقصان حرف بحرف و لفظ بلفظ از لعب عرب بريان فارسى ترجمه و [] ماسد ... سعى و اهتمام جناب حاج مورا موسى سياح إصفهاني بدست آمد هند در بوقت اين بنده . مورا محمدملك الكتاب ... كتاب را برپور طبع درآورده پس از همه هنر همان كه اين حسن حداداد ساختم بنام نامى نوبه عليه ... خورشيد بانو عربابعى معروف به خان قري شاهزاده قفقاريه ... إلى ان قال چون اين كتاب مستطاب موائد الرحمن از كتب خانه نادري بارث بيواب عليه عاليه موصوف رسیده لهذا حسب الاجاره آن مخذره در دفتر كورمت هندوسان بموجب قانون ٢٠ سنة ١٨٦٧ ثبت گردید .. انهي. أقول اما الترجمة فهو مكتوب في متن الكتاب و القرآن شريف مكتوب في هامشه فلاحظ. ثم أقول هذا اقدم حاشيه متى كتبها على السريعة بعد ما اشتريتها في سنة ١٣٦٧ و الحمد لله.

«ترجمة كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الفرائد» ص ١٣٠. جديداً الافقه لا كمر

الشيخ جعفر النعماني طاب ثراه توجد نسخة الترجمة بالفارسية بكتاب الصلوة إلى آخر الركعة و تاريخها سنة ١٢٢٨ عام الفحط العام في خزانة للمسجد الأعظم قم كما في فهرسها ٨٠ و ذكر ان الترجمة بعلامة الكبير الميرزا محمدباقر النواب اللاهيجاني الإصمهايي شارح النهج.

«ترجمة كشف المحجة» ص ١٣٠ رقم ٦٢٠. انظر هامش ص ١١٥.

«ترجمة كشكول البهائي» ص ١٣٠ رقم ٦٢١: الظاهر انه اس جاتول العاملي مترجم الأربعين البهائية فراجع مطارح الانظار.

«ترجمة ثنالي الأخبار» ص ١٣١ رقم ٦٢٧ يأتي له عند ٧٤٨

ص ١٣١ اس ١٧: (١٣٤٧): الصواب ١٣٤٨ كما في عند ٧٤٨.

«ترجمة اللغة التركية بالفارسية» ص ١٣١ رقم ٦٣٠: راجع ما ذكرناه في التكملة على [تاريخ الأنبياء ٣: ٢٣٦: ٨٧٠].

«الترجمة مسكن النواد» ص ١٣٩ من نسخة نجرى اسمها «خبرة المعاد» يأتي في هامش موضعها في ج ١٠.

«ترجمة مصائب الواصف» ص ١٣٥ رقم ٦٥٩ من ١١٤، اسمه. قال صديقا سير جلال الدين المحدث الأرموي في مقدمته الصوارم المهرقة ص ١١٤ بعد نقله كلام المتن ما نصه. أقول استدراك صاحب السريعة بلا مورد لما سيأتي من ان علاءالملك و علاءالدولة كليهما من اولاد القاضي ره انتهى

«ترجمة مصباح الشيعة» ص ١٣٥ رقم ٦٥٢ انظر ج ٢١ ص ١١٠

«ترجمة مصباح التهجد» ص ١٣٧ رقم ٦٥٧: لا يخفى ان في الصفحة الأخيرة (ص ٦٠٠) من المصباح المذكور ما اعطاه «د فرعا من نقابة و تصحيح هذا الكتاب مع كمال السعي و بذل الجهد في شهر جمادى الاخرى سنة ١٣٣٨ في مشهد الرضا» انتهى ثم بدله «در مطبعة عيسى بطبع رسيد» و غير خفي ان تلك المطبعة الحجرية كانت في طهران هذا.

«ترجمة معالم الاصول» ص ١٣٧ رقم ٦٦١: أقول طبع مؤخرًا في سنة ١٣٧٩ بطهران مع مقدمه لمرتضى مدرسي الجهاردهي في ٤٤٤ صفحة.

﴿ترجمه مكارم الاخلاق طبرسي﴾ ص ١٣٩ موسوم به (مكارم الكرام) للمولى عبي بن الحسن الرواري عليه الرحمة صاحب الترحم الكثيره و تفسير القرآن و غير ذلك عندي نسخة من هذا الكتاب و تاريخ كتابتها في ١٥ شهر رجب المرجب سنة ١٠١٢. ثم أتت وهبت هذه النسخة لخرابة كتب السيد الفاضل السيد محمد الشهير بمحيط الطباطبائي معصم طهران و اهداها هو بمجموعه قيمه نفيسة عزيزة عني و الحمد لله تعالى و ذلك في عام ١٣٧٧.

﴿ترجمه مهج الدعوات﴾ ص ١٤١ للسيد السيد الامير محمدباقر الداماد صاحب الرواشع رحمه بالتماس واحدة من صالحات حرم السطاد الصفوى كما صرح بذلك و باسمه و تاريخ ترجمته و هو (١٠٣٩) او (١٠٣٢) في قول الكتاب و رأيت نسخة الترجمة مكتوبة بخط مترجمه ظاهراً في هوامش نسخة جيدة من المهج عند ابن عم جدتي العالم الفاضل السيد محمدحسن بن العلامة السيد أحمد بن صاحب الروضات في ليلة النصف من شهر رمضان سنة ١٣٧٨ ثم أقول ان قد احدث تلك النسخة من السيد الخليل الحاج السيد محمدرضا بن مرحوم السيد محمدحسن الروضاني بعد عشرين سنة في اوائل دى القعدة ١٣٩٨ و تأملتها جيداً فظهر لي ان ما كتبه هما غير تام او غير صحيح و ليس في تلك النسخة ما يستعاد منه ان ترجمة المهج للسيد الداماد مطلق و بعد ان تكون تلك الترجمة المكتوبة في حواشي النسخة بخط السيد الداماد غاية البعد و ليس لترجمة مقدمة و لا خاتمة و ان فقدت الورقة الاخيرة من النسخة و عبارات الترجمة خاصة بعد ادعية الكتاب و ليس فيها ترجمة الادعية و عبارتها مطابقة لعبارات الترجمة المكتوبة على هوامش النسخة المطبوعة المذكورة في ح ٢٣ برقم ٩٠٠٩ و اما التي فيها اسم السيد الداماد فهي الصفحتان ١٠ و ١١ من تلك النسخة مخطوطة و قد كتبت في حواشيهما حرر للسيد الداماد و هي التي رسم في آخرها ما يقته «و كتب بماء ... محمد انباقر الداماد الحسيني ... در عشر اخير شهر محرم الحرام ١٠٣٩ حسب الحكم نواب مستطاب آفتاب احتجاب وثية الاعامى سية الاكرمي عليه عاليه متعاليه عند الله طلاله مبسوطة بالتظليل عني البرية مرقوم شد». انتهى كلامه و لا ربط لذلك ترجمه الكتاب أصلاً و مطلقاً و ان كتبت نسخة اخر في خلال الحواشي و هذا ما ظهر لي بعد التأمل التام و

قد تصفحت النسخة جيداً و لم أعثر سوى ما ذكر عني اسم السيد الدمام في أي موضع آخر من النسخة و ما ذكرناه سابقاً من أن الترجمة للسيد المبرور فهو سهو متى و متى بعد الاعتماد على قول مالكها في ذلك على خلط حواشي النسخة بالحرر المذكور و عدم الدقة اللازمة في أمثال تلك الأمور ليس إلّا و الحمد لله الذي هدانا إلى حقيقة الأمر ثم لا يخفى ب كل ما سطره هنا إنما هو لأجل تصحيح ما كتبه سابقاً أي قبل عشرين سنة في هامش تلك الصفحة من بني دلالة العبارة المنقولة على كون ترجمه المهج للسيد داماد فقط فإذا تبين من موضع آخر و نسخة أخرى أن الترجمة أيضاً له فلا كلام و دون إثباته حرط الفساد و نعل هذه الترجمة هي التي للمولى كمال الدين حسين الأبي الآتية في ص ١٤١ و الله العالم بحقائق الأسرار. في التاسع من فعلة ١٣٩٨ حامداً مصلياً.

«ترجمة بشر اللاقي» ص ١٤١ رقم ٦٨٧ عدنا منه نسخة في أواخر مجموعة رقم ٢٢٠٩ و في موضعين من مقدمة نظمه أنه (بديهي) لا (بديهي)

«ترجمة بحاة العباد» ص ١٤٢: أخذنا الإسم أحمد صاحب الروضات قدس الله تعالى روحه نسخة الأصل منه بحظه الشريك أحمد

«ترجمة بحاة العباد» ص ١٤٢ رقم ٦٩٠. أقول نسخة منه موشحة آخرها بخط يد صاحب الجواهر طاب منواه في حرارة المسجد الأعظم بقم كما في فهرسها ٥٣٢ و نسخة من الترجمة الموصوفة عدنا بخط كاتب فرع من كتابها سنة ١٢٦٢ في السجف الأشرف و في مفتاح كتاب الصوم و بحاشية الاعتكاف آخر الكتاب تصديق صحة النسخة بخط المرحوم صاحب الجواهر و بحاشية

«ترجمة لفحات اللاهوت» ص ١٤٣ رقم ٦٩٦ من ٨، روضات الجنات في الروضات ط ٢ ص ٣٩١ من الأعتد في دليل ترجمة المحقق الكركي و الظاهر بقده أعلى الله مقامه عن الرياض كذلك (ح ٣ ص ٤٤٢) و عنه نصّ في ح ٢٤ رقم ٢٩١ في عداد آثار الملا محمد بن أبي طالب حمي السيد

«ترجمة لمحة الهمي» ص ١٤٣ رقم ٦٩٧ من ١٣، (١٣٣٩): حالاته في ج ١ تاريخ گویدگان اسلام لبيان الواعظين ص ٢٧٩.

«ترجمة بواقض الروافض» ص ١٤٣ رقم ٦٩٩: طبع هذه الترجمة بطهران في سنة ١٣٦٨ مع مقدمة طويلة للمفيد المذكور اندرا مرتضى المدرسي

«ترجمة النهاية» ص ١٤٣ رقم ٧٠٠ راجع «نهاية ٢٤: ٤٠٣» و ما كتبها حولها لروماً و توفي الحاج السيد نصر الله التفوي في « محرم سنة ١٣٦٧.

«ترجمة فتح البلاغة» ص ١٤٥ من ١٤: اسمه منهاج البراعة كما أن شرح القطب الراوندي أيضاً اسمه كذلك.

«ترجمة فتح البلاغة» ص ١٤٥ من ٢١، تلميذ: أقول راجع ما ذكرناه بمشمح ح ٢١: ١٠٦: ٤١٥٢ عند ذكر كتابه الآخر (مصباح الذاكرين).

«ترجمة وفيات الأعيان» ص ١٤٦ و شرحه اسمه «مشكاة ادب ناصري» يأتي في ح ٢١ ص ٥٢.

«تواجم الاشخاص على ترتيب اسمائهم» ص ١٤٧ يراجع ما نقلناه في مفتاح سسختا المطبوعة من مجموعة الرسائل المذكورة عن كتب أعيان الشيعة ح ٤٧ ص ٨.

«ترجمة أبي بصير» ص ١٤٨ رقم ٧٢٤ شمع محمد بنقي السري [الدرر البصر في المكين أبي بصير] مسطرة جداً طبع في المجلد الحادي عشر من كتابه [قاموس الرجال ٥٩ - ١٧٦].

«ترجمة أبي الحسن السهني» ص ١٤٩ رقم ٧٢٨ أقول و تأتي رسالة أخرى في ترجمة السهني هذا في (ح ١١ رقم ٩١١)

«ترجمة أبي مسلم المروزي» ص ١٥٠ رجع «رسالة زهاق الباطل» في ح ١١، ٦٢. ١٣٨٦. و السيد عبدالحسيب المذكور هو مصنف [سيرة المنتهى ١٢ ١٥٤ ١٠٣٦] و غيرها.

«ترجمة الشيخ البهائي» ص ١٥٣ من ٨ بل اسمه (رشحات سمائي) و هو فارسي كما شافها به مؤلفه دام عمره.

«ترجمة المولى جعفر شرف الدين» ص ١٥٤ رقم ٧٤٨: مصى له عدد ٦٢٧.

«ترجمة السيد جمال الدين» ص ١٥٤ رقم ٧٥٠. انظر «حاضرات السيد. ٧. ١٢٣: ٧٣٣» و الاحالات الكثيرة هناك حين الطبع و بعده في الاستدراكات و راجع «مكارم الآثار ٥: ١٤٥٥: ٨٣٠».

«ترجمة سلمان الفارسي و فضائل» ص ١٥٧ اسمه نفس الرحمن في فضائل سلمان للحاج البوري.

«ترجمه السيد شير» ص ١٥٨ رقم ٧٧٠: يأتي مفصلاً في ج ١١ ص ١٤٣ و يراجع (رسالة في سب السد عليخان) في ج ٢٤ ص ١٤٠ و انظر ص ١٦٥ الآية.

«ترجمه السيد عبدالله» ص ١٦٠ رقم ٧٨١. أقول م يذكر المصنف وصف المسحة و قد نقل عن هذه الرسالة صاحب أعيان الشيعة منها في ترجمة الشيخ حسين بن علي بن محفوظ (ج ٣٧ ص ٦١).

«ترجمه عبدالله بن العباس» ص ١٦٠: سمعته العلامة السد عني ابن السيد محمد حسن المنلقب بالمعالي الإصفهاني « . » و بعد محمد ههمار السني [عبدالله بن عباس رضي الله عنه الإمام الحر عام العصر] فرغ منه في ٢٠ شهر رجب ١٣٩٨ و طبع في بيروت في ١٢٨ ص و لكاتب الاحرف تعليقات على الكتابين

«ترجمه آقا محمد علي بن آقا باقر اهرار جريبي النجفي» ص ١٦٠ رقم ٧٨٣. أقول يأتي أيضاً بعنوان [رسالة في تذكره] جوان ١١١ : ١٤٢ : ٨٩١.

«ترجمه محمد بن فضل علي الشهير بالفاضل لشريفي» ص ١٦٥. تولده اشهر بريل تبريز كما يأتي في ص ٣٨٥ رقم ١٣٨٣.

«ترجمه السيد محمد بن الفلاح» ص ١٦٥ رقم ٨١٧. ذكرنا في جامع الأسباب ص ١٢٦. يراجع (رسالة في سب السد عسخان) في ج ٢٤ ص ١٤٠ و ما ذكرنا هناك في الهامش.

«ترجمه يربد بن معاوية» ص ١٦٧: سمع الله عنه و علي معاوية كتاب [يريد بن معاوية فرغ الشجرة الملعونة في القرب] نثر هام حاند صفعه أبو جعفر أحمد المكي في مكة المكرمة و طبع في بيروت سنة ١٣٩٨ في ١٩٢ ص جراه الله تعالى خيراً و يربد انظر كتاب [تجارب السلف ص ٥٧ و قلها و بعدها طعة بصمها سنة ١٤٠٢ بعناية راقم الاسطر] و أيضاً تعليقات السيد حسن قاضي صاحب السري رحمه الله على التجارب ط تبرير و كذا راجع الباب الخامس من كتاب [اسباب الواصب] و لا يزال هذا الكتاب مخطوطاً لم يطبع بعد و أيضاً [الرام الواصب صفحه ١٠٠ ط صص مجموعة صغيرة] و أيضاً كتاب [جديه ولايت ٩٢].

«ثرفة الصمدية» ص ١٧٠ رقم ٨٣٨: الذي تبين لنا انه هذا الكتاب للشيخ

محمد حسين البروجردى من فصلاء أوائل القرن ١٤ شرح هو الصمدية بالفارسية و سماه
ثروة الصمدية و صتره و حتمه باسم المهر حسين خان بن الحاج آقا عيسى ابن على
الاصفهانى الذي يظهر من آخر هذا الكتاب و حاتم كتاب (الص الجلى) الآتي في
موضعه انه كان «عمدة الاقران معتمد المنصب» فيما كان هذا الرجل من أعيان زمانه
و أثرياء أوانه فلذا استفاد منه الشيخ محمد حسين البروجردى في طبع الكتابين المذكورين
لأداء نفقة طبعهما و لكني للأسف ان لم يعرف هذين الرجلين مطلقا لعل الله يحدث بعد
ذلك امرا.

«ترياق فاروق» ص ١٧١ رقم ٨٤٥ يرجع طرائق الحقائق ج ٣ هامش ص ٢١٧ و
فهرس المشار ح ١ ع ١٣٣٢ و قد رث على السرياق هذا المهر محمد باقر الهمداني الشيعي
بكتابه «الاجتناب» كما مر في ح ١ و يأتي تسيد أيضا تنبيه الانام مراجعه.

«ترويح ام كلثوم» ص ١٧٢ رقم ٨٥٠ من ١ يعنى لعمر بن الخطاب و لم يذكره
شيخنا نعمة من الاعداء فانلهم الله و ذكره في التتبع ص ٣٢٥ بعنوان «رسالة عدم ترويح
ام كلثوم» أقول انظر «فهرست كتب محتاجين نسخة ح ٢ صفحة ٤٥٨ رقم ٥٤» و انظر
أيضا «سؤال و جواب در حوار ترويح هيات دونو» في ح ١٢ من الدرعة ص ٢٤٦.
أقول و اما كتاب الحجة البلاغي فمم بعثر عن و لا صديقا الشرح رضا الاسادي في
معائه حول ترجمة البلاغي في مجلة «مشكوة ١» على نسخته و قد ذكره شيخنا المؤلف
في كتابه الآخر «اعلام الشيعة» أيضا من دون إشارة إلى نسخته ثم ان المسألة العاشرة
من «المسائل السرويه» هي في ترويح امير المؤمنين عليه السلام بنته من عمر و ترويح النبي
صلّى الله عليه و آله بسبه ريب و رقبه من عثمان فاجاب عنها شيخنا المفيد عليه سلام
الله في ص ٦١ من «أجوبة المسائل السرويه» مطبوعة سنة ١٣٧٠ في النصف الأشرف و
هي ضمن مجموعة جليبه من آثاره و قد نقل كلام المفيد ره السيد ناصر حسين الموسوي
طاب ثراه في كتابه الكبير النقيس عاية العدة المسمى «افحام الاعداء و الخصوم»
بتكذيب ما افتروه على سيدتنا ام كلثوم عليها سلام الله الخ القيوم ص ١٥٦ و
للبياضى ره بحث حول الموضوع في كتابه الصراط مستقيم ج ٢ ص ١٢٩ في فصل خاص
ناقلاً فيه عن الشافى للمرتضى و عن غيره.

قال السيد الميرزا محمدباقر الرضوي مدرس في كتابه «شجره طيبة ص ٢٢» ما نصه «محقق كركي در رساله ترويجيه كه رقيه و ام كلثوم دختران صليبي پيغمبر بودند يا دختران خديجه اسم علي بن احمد را به احترام تمام ياد کرده فرموده «اورد الشيخ العارف الاجل بالسير و آثار اهل البيت الاظهر ابوالقاسم علي بن أحمد الكوفي ره في كتاب البدع المحدثه بعد رسول الله (ص)» سهى. أقول يريد بكتاب البدع المحدثه «كتاب الاستغاثه في بدع الثلاثه» المطبوع بسير السائر ذكر ما نقل عنه في اواسطه مراجعه و نقل الحاج ملا محمدباقر مؤلف (الدمعة ساكنة) عظه في هامش مستخفا من الاستغاثه كلام صاحب الانوار المصينه حول الموضوع بواسطة «الانوار العمانية» للسيد الجزائري ره. ثم اى عشرت محمد الله تعالى على الرسالة المذكوره في المن (الرقم ٨٥٢) فرأيت العبارة المقوله في كلام السيد للمدرس في ص ١٠ من ثلث النسخة المطبوعة خفف ابيكارم و تن لى بعد ذلك ان في مكتبا نسخة مخطوطه من الرسالة بعها صمى مجموعة من الكتب و الرسائل و اجوبه المسائل كثير منها للمحقق الكركي (و رقمها 3504) و صرح جامعها عبدالحاج السيد محمد شقيق صاحب الروضات في فهرس المجموعة ان تلك الرسالة للمحقق الكركي ههنا. و قال في تلك الرسالة ما نصه «اما ترويج ام كلثوم فقد ذكر السيد الاجل الميرضى في كتبه لتسمى بتزويه الايلاء» و قد ذكر في كتابنا الشافي الجواب عن هذا الباب مشروحا» الخ و لمراجع ح ١١ ص ١٤٦ و ح ٢٠ ص ٢٩٦ و عبدالحاج محمد تعالى بمجموعة أخرى بخط عم الحاج سيد محمد المذكور و فيها (الورقه ٢٥٧ - ٢٥٦) (مسألة من املاء السيد الميرضى في انكاح امير المؤمنين ابنته عمر بن الخطاب) في ثلث صفحات. و عبدالحاج أيضا رسالة (ارغام ابو الخصوم) المطبوع في اهد حول هذه المسائل كما ذكرناها في موضعها و لصاحب مقامع الفصل (رقم السؤال ل رلب) كلام طويل حول ترويج النبي و كما الولي و يعترف بالوقوع في الموارد الثلاثه اضطراراً و تقيّة مهما صدوات الله عليهما فليراجع. و يأتي في ح ١١ ص ١٤٦ قوله «رسالة في ترويج عمر لأم كلثوم بنت علي ع لشيخ سيمان بن عبد الله الماحوري للتوقي ١١٢١» الخ مراجعه و كما في ح ١١ ص ١٩٦ «رسالة في رجي عثمان بن عثمان» فليراجع

﴿تزيوج التي من عايشه و حقه﴾ ص ١٧٢ - يأتي باسمه «القيصرية» في ج ١٧ ص ٢٢٥.

«التسامح في أدله السي» ص ١٧٣ رقم ٨٥٧ س ١٤، (١٣٣٧) - أقول هذا خطأ و الصواب سنة ١٣٤٦ قبل ظهر ٢٦ ح ٢ كما أنه عليه العلامة المعلم في ترجمة الرجل في «مكارم الآثار ج ٧ رقم «...»».

«تسديد المكارم و تفصيح الظالم» ص ١٧٥ رقم ٨٦٨. يراجع خاتمه مكارم الاخلاقي ط طهران سنة ١٣١٤ و «مكارم الآثار ج ٦ رقم ١٣٥٦»

﴿تسيع مسائل فقهية﴾ ص ١٧٧: للشيخ حسين بن عبدالصمد نسجه في مجموعه عندما رقم ٥٦٥٤. راجع ح ٢٠ ص ٢٤٠

«تسليه القلوب الخيرية» ص ١٧٩ رقم ٨٨٤ أقول انظر مقدمة كتاب الإيضاح للمصل بن شادان ص ٣٥. و يأتي ذكر المولى فتتضمن في ج ١٦ ٣٤٤ ١٥٩٨

«تسليه المجالس الموسوم برونه المجالس» ص ١٧٩ رقم ٨٨٥، للتسديد: أقول صرح العلامة المحمدي ره في عاشر البحار بسنة الموسوي و إنما ما نسبته شيخنا المصنف ره إلى الأخباري فقد استعاده من كتاب «روايات الحياتة» ط ١ ص ٥٩٨ ط ٢ «ليس إلا و لكنه على عادته لا يراعى حق سيدها الإمام شجده اقتداءً بشيخه المحدث النوري فكل يعمل على شاكلته و ذلك ظاهر من اشتباهه أولاً في ذكر اسم كتاب رجال الأخباري ثم تصحيحه احتمالاً في الجداول و ثانياً لا شئت فيه أن الأخباري ذكر السيد المذكور في كتابه استناداً إلى ما رآه في فصل مصادر البحار (ص ٢١ ط ح) و لم يطلع على أكثر مما فيه و ظنه التعدد وهم و عليه فإليم في الأور بالصم و في الآخر بالفتح و اما نسخة كتاب التسليه فلم يطلع عليه لحذ الآن و الله تعالى المستعان و عذراً أحدث القمي اعني الله مقامه في مقدمة كتابه «تسليه الاحرار» من حمه مأخذ نقله الظاهر أنه نقل عنه بواسطة البحار فقط دون المباشرة.

«تسمية من شهد مع أمير المؤمنين» ص ١٨١ رقم ٨٩٨ س ٥، في الفهرست: أقول و ذكر الشيخ هناك سند روايته لهذا الكتاب عن مصنفه فلا بد انه كانت نسخته موجودة في عصره و قد توفي الشيخ رحمه الله سنة ٤٦٠ كما هو معلوم و انظر ما ذكرناه حول لفظ

الصحابي في التكملة على [صحابة النبي صلى الله عليه وآله ١٦٠٩-٤٩]

«تسهيل الفوامض» ص ١٨٢ س ٢٠، للمولى عبد الواسع: بدر مير محمد صالح خاتون آبادي نامش عبد الواسع است بايد تحقيق كرد شايد همين شخص باشد.

«نشجر حديقه السب للأخوي» ص ١٨٤: لشيخنا المصنف كما ذكر في مقدمة (ج ٢٠ ص ١١) و يأتي «الحديقة ٦: ٣٩٠ س ١٩» و يأتي ذكر التشجير بعنوان [شجره السبطين ١٣. ٣١: ٩٨].

«تشریح الاصول الصغير» ص ١٨٥ رقم ٩٣٢: أقول عند نسخة من المجموعة المذكورة و هي طعة تبرير و معها رسائل أخرى

«التشريف بالمس في التعريف بالحق» ص ١٨٩ رقم ٩٤٤ س ٨ قوله محمد الطاوس النوادي أقول الصواب محمد بن محمد انصاروس النوادي كما في «الانوار الساطعة ٤٩» و فيه أيضاً ١١٦ عند ترجمه «علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن محمد بن محمد الطاوس» ثم ان التشريف بالمس هذا غير كتابه «التشريف بتعريف وصف النكلى» الذي تكتم حول نسخة في «الانوار الساطعة ٤٩-٥٠» و كذا في «مستدركات الدرر».

«تشيف الأذان» ص ١٩١ رقم ٩٥٢ أقول و لم يذكر في فهرس المشار

«تشويق المسالكين» ص ١٩٢ رقم ٩٥٤ س ٩، جواهرات يأتي بعنوان جواب المسائل الثلاث في ج ٥ ص ١٨٧ س ١٧. و طبع تشويق أيضاً في المجلد الثاني من كتاب جنتان منها متان لسهارودي ره ص ١٨.

«تصحیح اعتقاد الإمامية» ص ١٩٣ رقم ٩٦١ أقول طبع هذا الكتاب الجليل حلف «اوائل المقالات» للمفيد أيضاً في تبرير سنة ١٣٧١ باعتناء المرحوم الشيخ عباسقلی الواعظ الجرجاني ره مع مقدمات و تعاليف هامة و لكن يحتاج الكتابان إلى تحقيق دقيق من جديد و عندنا نسخة من التصحيح مكتوبة في بلدة الكاظمين سنة ١٢٢٣ صححها جدنا العلامة الحاج السيد محمد شفيق الإمام المجدد صاحب الروضات قدس الله روحيهما و النسخة في مجموعة «...» و تراجع [وصف الاعتقاد] في التكملة ٢٥: ٩٨.

«تصحیح غير رد الشمس لعلي عبيد السلام» ص ١٩٤ رقم ٩٦٦ س ١٩: رأيت ترجمته في تاريخ الإسلام للدهلي في ع ١ سنة ١٤١٨.

«تصفح الصحيحين في تحليل المعاني» ص ١٩٨ رقم ٩٨١: مرّ في ح ١ عند ذكر اتفاق صحاح الآثار انه توفي سنة ٦٠٦ و وجد في عفات الأتوار وفاته نقلاً عن لسان الميراث لابن حجر سنة ٦٠٠ و الظاهر نقل شيخنا سلمه الله ههنا أيضاً من هذا الكتاب و لم أر وفاته في كتاب آخر فيستبع. نعم ذكر في «كشف الحجب و الاستار» ص ٤٣ و مواضع أخر منه» ان وفات ابن بطريق سه ستمائة و لا أشد في أنه أيضاً نقلها عن لسان الميراث فان صاحب الكشف هو اخو صاحب العقبات.

«التصوف و العرفان» ص ١٩٩ رقم ٩٨٧ ص ١٨، (في ١٠٠٨): مرّ ذكر الإحارة في ح ١ ص ٢٣٨ و انظر بحثنا اجمالاً حول التصوف في كتاب شكيب شاهنشاهی صموية للدكتور نظام الدين محمد شيباني ص ٤١ و كذا في كتاب (تاريخ ايران از اسلام تا سلاجقه ٤. ٣٨٤ فما بعدها) ترجمه حسن اوشه قان الدكتور عني اصغر حريري في مقال له نشر في (مجلة بعما ٥ ١٩) ثم في كتاب [عصار ص ٩٧ للدكتور مهدي حميدى] ما اعطه بالدراسة [اصلاً شيعيان اشاعري ثمى نواصد تصوف را تا دين خود تطابق بنهد. صوفيان در اصل گروندگان دين بُت هيولان بودند كه پس از تسلط اسلام براي حفظ هسنى خود در كسوت تصوف در آمدند و آنرا به اسلام ييوند زدند] انتهى كلام الدكتور حريري فتدبر بسئل الله سبحانه التوفيق متابعة الرسول و المعصومين من عترته و الاستئان بسمتهم صلوات الله و سلامه عليهم و التحجب عن كل وليعة دولهم و كل مطاع سواهم آمين. م ع ر ٧ شهر شعبان ١٤٠٦.

«تضمين الالفية» ص ٢٠٠ رقم ٩٩٥. نظر ترجمته في بناء البشر ص ٢٨٠.

«التطبيقية» ص ٢٠١ رقم ٩٩٧: طبع عني بحجر بظهران سنة «...»

«تظهر الحصر و البواري» ص ٢٠١ رقم ١٠٠٢ أقول راجع (الحصر و البواري ٧: ٢٣

ص ٢٤) و عندنا منه نسخة بخط لطف الله الخويري في مجموعة المكتوبة سنة ١١٠٤.

«تظلم الزهراء» ص ٢٠٢ رقم ١٠٠٥: راجع (تحقيق درباره اول اربعين ص ١٣٤).

«العاري» ص ٢٠٥ رقم ١٠٢٤ ص ١١، في مستلركه: ح ٣ ص ٣٧٠ و كذا تلميذه

المحدث القمي في سفينة البحار ١ ٥٣٤ في (رقى) و سسته ههناك أيضاً الحسيني خطأ مكان الحسيني جهله بسبب السيد و هو حسنى و هو صريح المستلرك و هو كما سرد بسبه

ابن الجوزي في المتظم في ترجمة أبي بغايم الرسمى و نقل عنه شيخنا رحمه الله في الباب ص ١٧٠ و عنه في مقنعة كتاب فصل ربيعة الحسين عليه السلام ص ١١ و الكتاب أيضاً لصاحب التعاري طبع بقم سنة ١٤٠٣ و صورة السب المقول عن المتظم مطابق لما في المشجر الكشاف ص ١٩٩ - ٢١٠ فنقل صاحب المشجر أيضاً ما نقل عن ابن الجوزي و الله العام.

ص ٢٠٥ س ١٨، بالغري: بالشهد المقتصر بالعري على ساكنه السلام، صح كما في المستترك و لعل الحذف و التصرفات من الناشر.

«تعريف الرؤيا» ص ٢٠٨ رقم ١٠٤٢ و قد نقل عن النعم هذا شيخنا يوسف البحراني في كتابه الكشكول المطبوع.

«تعريف طيف الخيال في تحرير مضطرة العلم و المال» ص ٢٠٨ رقم ١٠٤٣ س ١٥، الشيرازي المولد: المولود ١٧ رجب ١٠٨٤ «من استراكات ح ٢٥» و هذا خطأ بلا شبهة راجع (ح ١٢ - ٧٣ رهرة الحجة) و (ح ١٩ - ٣٥٧ بحال الأختار)

«تعريف المسيحيين في تأييد بوهان المسلمين» ص ٢١٠ رقم ١٠٤٥ أقول الصواب [تعريف المسيحيين] و يذكر له «تعريف الخلق».

«تعديل الميراث» ص ٢١١ رقم ١٠٤٨ و قد طبع تعديل أميران هذا في حاشية كتاب (الحاشية على التهذيب) في المطلق في سنة «...» رأيته.

«تعريف الشيعة» ص ٢١٧ رقم ١٠٨٤. أقول يراجع في هذا الموضوع عنوان [الشيعة ١٤: ٢٧١ - ٢٧٤] متعلداً.

«تعزية الحسين عليه السلام» ص ٢١٧ رقم ١٠٨٦: أقول من اراد الوقوف على أسماء بعض المآخذ حول تعزية سيد الشهداء صلوات الله و سلامه عليه فليراجع مقاله «گزیده كتابشامسي تعزیه» بالفارسية للدكتور أبي القاسم رادفر المطبوعة في مجلة [كیهان فرهنگي ٤٣: ٣٣ - ٣٤ و ٤٦: ٥١].

«تفقيت الصلوات» ص ٢١٨: للسيد مير محمد باقر بن اسماعيل الحسيني الخاتون آبادي الاصفهاني المتولد ١٠٧٠ الموافق ١١٣٧ ظ صاحب [تورورنامه ٢٤: ٣٧٩، ٢٠٤٢] ألف التفقيت بالفارسية حسب الأمر الأشرف الاعلى يعني بامر الشاه سلطان حسين

الصغوى و السبعة عندما يحط حس في ٤٠ ورقة بالحجم الصغير استنسخت في عهد المؤلف كما هو الظاهر و ليس فيها تاريخ و لا اسم الكاتب و السبعة تنو [آداب صوة الليل ١، ٢٣ التكملة] و ترجمة السيد في [مكرم الآثار ١: ١٣١] و [زندگى نامه علامه مجلسى ١: ٣٢٤ فما بعد].

«تعلية المشتاق» ص ٢١٩ رقم ١١٠١ أقول استفاد صاحب «مبة الراعيين ٢٩٩» في ترجمته من هذا الموضع من السريعة و ترك ذكر المأخذ و لكنه اشار إلى موضعين آخرين يذكر الرجل فيهما اجمالاً كتابان اخراى للابوردى هما «فلسفة العجلاان ١٧، ٣٥، ١٩٣» و «كتاب الأنساب ١٧: ٢٦٨: ٢١٢» و الله العاصم

«التعيق العراقي» ص ٢٢٢ س ١٩، كما يأتي في ح ٢٣ ص ١٥١ و يراجع «المرشد إلى التوحيد» في ح ٢٠ ص ٣٠٥.

«التعليقة البهبائية» ص ٢٢٣ رقم ١١٢٠ س ١٠، «الرجال الكبير»: و قد أدرجها الشيع ابو على الرجالى في رجاله منتهى نقول /

«التعليقة على التعيقة» ص ٢٢٣ قد بحث عفيفى اندروى ولد المصنف في فهرس مكتبه المشكوة ح ٢ ديل ص ٣٧١ حول الفرق بين التعيقة و الحاشية فراجع

«التعيقة السجادية» ص ٢٢٣ رقم ١١٢٢، يأتي مؤلفه للأمراد فليس الله روحه في ح ١١: ١٢: ٥٥ رسالة في اثبات الواجب تعالى و [الحاشية على المختلف ٦: ١٩٦: ١٠٧٣] و نسخة كتابا العمدة لابن البطريق استنكست من نسخته و نقت فيها حواشيه الكثيرة إلى بعضها

ص ٢٢٣ س ٢٥، لوبدة: أقول هذا التعبير موجود في الروايات.

ص ٢٢٤ س ١، التفريشى: يراجع لسبته ما ذكرناه بهامش نسختنا من [بإدداشتهائى قروبي ٥: ٢٨٥ فما بعدها] و غيرها.

ص ٢٢٤ س ٨، يوم الاثنين: نصّ الشارح كالتى «في السحر من ليلة الاثنين السابع عشر من شهر ربيع الأوّل» الخ كما في نسختنا

«الصعقات» ص ٢٢٤ رقم ١١٢٤. أقول انظر «منتخب التعليقات ٢٢: ٣٨٦: ٧٥٥٤»

و قال الدكتور يحيى مهدوى «...» و راجع «فهرست مركرى ٣: ٢٠٥ - ٢٠٧».

ص ٢٢٥ من ١، السيد أحمد: هو الذي ذكرناه في كتابنا «فهرست كتب خطي ١: رقم ٤٢ و ٤٣»

«التعصيم والتقية» ص ٢٢٧ لأبي محمد الحسن بن حمزة الحسين ص ٥٩٥
«تعويد المطالع .» ص ٢٢٧ رقم ١١٤٣ تراجع ج ٦ ص ٧٦ و ١٣٤ و تراجع (توير
للمطالع) في ص ٤٧٢.

ص ٢٢٧ من ٢٥، الخزانة الرضوية كتب في فهرسها ج ١ ص ١٠ فصل ٢ مطلق.
«تعين المخلود على النصارى واليهود» ص ٢٢٨: لمحر الإسلام ره قال في أواخر
كتابه العيس الشريف «ايس الاعلام ٢ ٥٦٥» إته في حكاية مناظرته مع جماعة اليهود
و إته فصل فيه شرايط الجريمة و الكتب في احد عشر الف بيت تقريباً و مر له «تعجير
المسيحيين ٢١٠ : ١٠٤٥».

«تعين ساعات الليل و النهار» ص ٢٢٨ رقم ١١٤٨، محمد حسن: هو صاحب تدوين
الانار المذكور في ص ١٩ و مر جته في نفس الكتاب

«تعين الفرقة الناجية» ص ٢٢٨ من ٢٠، متعدد: منها اشهرها للشيخ ابراهيم (رقم
٤٧٣) و يأتي في الغاء.

«تعين المخالفين لأمر المؤمنين و سيد الرضيين عنه من الله أفضل الصلوات و أكمل
التحيات» ص ٢٢٨: رسالة موجزة لخدم شيخ علي بن عبد العالي المحقق الكركي طاب
ثراه سبحانه عندما في مجموعة جليلة كانتها جدنا العلامة الخجة الحاج المير سيد محمد
شقيق جدنا الإمام المجدد صاحب الروضات و توجد أيضاً نسخة في (كتابخانه مركزي
دانشگاه تهران) كما في فهرسها ٨ ٥٨١ و هي أيضاً في مجموعة جليلة.

«تفريج المقاصد لتوضيح المقاصد» ١٥٩ رقم ص ٢٣٠ من ٥، توبل قم: و يقل عنه
المرحوم الحاج مير سيد علي بن الحاج سيد محمد بن الحاج ميرزا زين العابدين الموسوي
جدنا الابعاد في بياض عندما بخطه و كد يعمل عنه والده المرحوم الحاج مير سيد محمد
شقيق صاحب الروضات في بعض مجاميعه فلا شك في وجود النسخة عندها و يكتب
هو التفريج بالحاء فلاحظ. و راجع ما ذكرناه هامش ح ١ ص ١٥٠ رقم ٧١٤.

«تفريج الكربة عن انتقم هم في الرجعة» ص ٢٣٠: أقول يأتي له رسالة في [عدم
صعود جنة الإمام عليه السلام إلى السماء ١٥ : ٣٣٨ : ١٥٤٧].

ص ٢٣٣ من ٢١، الراجب الاصفهاني. أقول عند راعب في رجال الشيعة المفسرين من العرائب كما ذكرنا همامش [احلاق راعب ١، ٣٧٤، ١٩٥١] و سيأتي [تفسير الراجب ٢٧٤ من ١٣].

«تفسير الائمة لهداية الامة» ص ٢٣٦ رقم ١١٦٨ يأتي مختصره في ج ٢٠: ١٨٨-٢٥١٩ و لأخي هذا المفسر المولى محمدتقي [العقار ١٥، ٢٨٠: ١٨٣١].
ص ٢٢٧: تراجع ح ٥ ص ١٥١ و أيضاً (مهرس گوهرشاد ١، ٣٦).

ص ٢٣٧: برای شرح حال مورا محمدرضا (واقعه بویس) رجوع شود بریاض العلماء محمدین که مفهود الآثار است چون مؤلف ریاض تمام یا قسمی از این تفسیر را داشته و حقیر ثلث او را بر چند جلد از آن دیدم و این تفسیر معروف بوده است به تفسیر واقعه بویس و یک نسخه کبیر از محمد هشتم (یا چنانکه خیلی قلم در روی برگ اول آن نوشته. جلد هشتم تفسیر واقعه (کنا و معصودش واقعه بویس است) تفسیر سوره بقره سوره یس سوره النور) در برد حقیر تا سال ١٤٠٢ قمری موجود است. بشماره (6474) و روی برگ اول بخط تعلیق بسیار زیبا چنین نوشته است (هو مما استكتبه العبد الاقل محمد ابراهيم بن ربي العابدین النصیری الطوسی مرجنا من الله تعالى توفيق مطابعتة و فهمه و ضبطه) مهر (علی بن است ظهیر محمد ابراهيم ١٠٨٧) هـ و لابد لقب این شخص ظهیر الدین بوده. پس از نوشتن این شرح نسخه موصوفه را به آقای حاج آقا محمود مرعشی دادم و بقیه نسخی که دیده‌ام در فهرست حسینی نوشته‌ام.

«تفسیر ابن الجعاف» ص ٢٤١ رقم ١١٧٩ قدس الشیخ محمدهادی الطهرانی فی مبحث تحریف الکتاب من جزء الادلة العقیبه لکتابه محجة العلماء ص ١٤٢ فی جملة أسماء من اورد لاثبات التحریف بالتصیف ما نصه: «میر محمد بن العباس بن علی بن مروان الماهیار المعروف بابن الجعاف صاحب التفسیر المعروف اندي قالوا فيه إنه لم یصف فی اصحابا مثله». انتهى.

ص ٢٤٢ من ٦، و غیره: أقول مثل عایة لفرام.

«تفسیر ابن عباس» ص ٢٤٣ رقم ١١٨٥: النظر مدح تفسیر ابن عباس فی کتاب [اس

التائبين ١: ٨] للشيخ أحمد جدام المتوفى ٥٣٦ ذكر انه المعول عليه في التفسير و التأويل و انه اجلي من الشمس دون غيره. و رأينا في كتاب [محجة القراءات «...»

«تفسير ابن التوج» رقم ١١٩٢ - ص ٢٤٧ من ٢٢، (المتوفى ٨٢١): يراجع تعليقا على الروصات ط ٢ ص ٦٣٩ عن ج ١ ص ٤٢٩ هناك ٨٢٦ و هو الصحيح «تفسير أبي الجارود» ص ٢٥١ رقم ١٢٠٢. يراجع ما سيأتي في «تفسير علي بن ابراهيم ص ٢٠٣».

«تفسير اهل الظهور» ص ٢٦٣ رقم ١٢٢٧ أقول و يأتي أسماء سائر تفاسير العلامة في ص ٢٩٣

«تفسير الجرجي» ص ٢٦٩ رقم ١٢٤٨. أقول اسمه «أمّ الحقائق في كشف اللقائق» انظر وضعه في فهرس مكتبة السيد.

«تفسير المولى الحكيم محمد حسين» ص ٢٧٢ رقم ١٢٦٥ يراجع الكواكب المستره ص ٢١٥.

ص ٢٧٢ من ٢٢، تفسيره أقول و ذلك في دليل رحمة الله رجعتلى ح ١ ص ٢٨٤ ط قم و يلاحظ ان سعيد أيضاً مذكور هناك و لم يسمه الاصدى بالقاصي بل قال مكرراً (الحكيم محمد سعيد) و وضعه بالحكيم كوچك كما لم يذكر اسم ايها و أمّا القاصي سعيد فهو رجل آخر هو صاحب الأربعين و الأربعينات و شرح توحيد الصدوق و هذا الخط و الخطاء قد ابحر ديله إلى هذا الرمز و الله المستعان مع في ٢٧ صيام ١٤١٥ و قد بحثنا حول هذه المطالب مسوي في مقدمة بحثنا من كليله بحث و حواشيها و في مواضع أخرى أيضاً فليراجع راما. ثم بعد كل ذلك صبغنا رسالة خاصة حول هذه المواضع باسم الرسالة السعيدية بالعربية و طبع في مجموعة «دومين دو گفتار» و الحمد لله رب العالمين.

«تفسير السيارى» ص ٢٧٧: أي عبد الله أحمد نسخة منه عدي في مجموعة بحث صفوت الصفات لنكفعمي بخط جدنا ادح عمروه العلامة الحجة المحقق الحاج السيد محمد شقيق الإمام صاحب الروصات ثم أقول هكذا سماه جدّي في آخر النسخة و نعله (نواب الاعمال) للسياري المذكور في الدررعة ج ٥ ص ١٩ و الله العالم.

«تفسير شاهي» ص ٢٧٧ رقم ١٢٧٨ نصير شاهي طبع في مجلدين بتريز و مرّ لمؤلفه (تاريخ الصفويه) في ج ٣ ص ٢٦١ و يأتي له «الحديثه على شرح المطالع ٦ : ١٣٣ : ٢٧١» و راجع ترجمته في [دانشمندان و سخنرايان فارس ٣ : ٢٥٩ - ٢٦٠] و هناك تراجم عدّة من اقاربه و انظر لأبيه الناصب [ديوان اشرف جرجاني ٩ : ٢٧ : ٤٤٦].

«تفسير الإمام الصادق عليه السلام» ص ٢٧٨ و هذا العنوان متى انظر تفسير على بن ابراهيم القمي رقم ١٣١٦.

«تفسير المولى صدرا» ص ٢٧٨ رقم ١٢٨٣ : يرجع ج ٢٠ ص ٧٦

«تفسير الشيخ عبدالحق» ص ٢٨١ رقم ١٢٩٠ : أقول انظر لروماً [ديوان اشرف الطوسجي] ٩ : ٢٧ : ٤٤٧

«التفسير العرفاني» ص ٢٨٢ رقم ١٢٩١ : شاهد كشف الاسرار ميلدي باشد.

«تفسير العسكري» ص ٢٨٥ رقم ١٢٩٥ : في قاموس الرجال ج ٤ ص ٤٥٤ في ترجمة سالم بن قيس بعد اثبات صحة كتابه قال (والكتاب الموضوع ان اشمل على شيء صحيح يكون في الاقلية كما في التفسير الذي اختروه عن العسكري عليه السلام).

باید تمام عبارات نقل شود و أيضاً در ج ٦ ص ٣٣٦ و رجوع بشرح حال حضرت عسكري هم در آن كتاب شود و كتاب لأخبار الدخلة او و همجين كلام شيخ ميرزا ابوالحسن شعراني در آخر تفسير مجمع البيان چاپ اسلاميه

المائدة ٤٩ من الفوائد الطوسيه للشيخ الحرّ في سحتنا المخطوطة بيان حال تفسير العسكري عليه السلام و راجع الدرر ج ١١ ص ١٥٢ رسائل حول التفسير و إن من العجيب عدم ذكر شيخنا المصنّف نسخة مخطوطة لتفسير الإمام العسكري صلوات الله و سلامه عليه و قد رأيت في كتاب [دايرة المعارف الإسلامية ايران ٨ : ١٦٣] للشيخ عبدالعزير آل صاحب الجواهر دليل عنوان (ج ٥) و عند عدّه الخرائن الكتب و منها خرائنة البلاط الصفوي في اصفهان فعند انحرار الكلام إلى نسخة من القرآن الكريم في تلك الخرائنة يحط الإمام العسكري عليه السلام عنى حد رعمه ذكر ان نسخة مخطوطة معضرة من تفسير العسكري هذا موجوده في كسحاه بشيرآغا في اسلامبول و الله اعلم.

[مقدمه كثر العرفان ص ١٧ دیده شود].

ص ٢٨٨ باورقي باورقي س ١٢ «كتاب الصغفاء» لابن العصائري ره و يأتي في «رجال ١٠ ٨٨ و ٨٧: ١٦٤ و ١٦٣» و قال السيد العلامة الخولي في «معجم رجال الحديث ٧ ١٢٥» ما لفظه [علي أنا بن عمنا بأن مشأ شهادته (أي شهادة الجاشي) شهادة ابن العصائري لم يكن بد من الأخذ بها فإنه من مشايخ الجاشي و هم ثقات و نحن إنما لانعتمد علي النضعيات المذكورة في رجال ابن عصائري لعدم ثبوت هذا الكتاب عنه و أما لو ثبت منه تصديق بقل الجاشي أو مثله لاعتمادنا عليه لا محالة] انتهى و لراجع (الناس ص ١٥) مع الخاشية.

«تفسير العلامة الخولي» ص ٢٩٣ أقول و مر ذكر تفسير آخر للعلامة باسم الإصحاح في ص ٢٦٣ مشيراً إلى محله في ج ٢

«تفسير غياث ابن ابراهيم» ص ٢٩٦ رقم ١٣٠١ س ٢، الكوفي: انظر ص ٢٩٩ س ٨.

«تفسير القمي» ص ٣٠٢ رقم ١٣١٦ يأتي في ص ٣٠٤ انه توفي ٣٢٨

ص ٣٠٣: قال المغفلاتي في لسان الميراث ح ١ ص ٢٣٣ الرقم ٧٣٤ م لفظه [ر - أحمد بن علي بن ابراهيم بن هاشم بن الجليلي القمي ابو عمى تربل الري ذكره ابن بابويه في تاريخ الري و قال سمع ابيه اسعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر الحميري و أحمد بن ادريس و غيرهم و كان من شيوخ الشيعة روى عنه ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه و غيره] انتهى. و راجع الثقات العيون/٣٢.

ص ٣٠٣ س ٢٢، ما للفظه: قابلت ما يقفه عن التفسير بمسبعة مخطوطة لنا من محفوظات القرن العاشر في الظاهر (رقم 6478)

ص ٣٠٣ س ٢٣، العباس: للعباس يرجع المحدثي ص ١١٧ ط قم و الثقات العيون ص ١٤٥.

ص ٣٠٤ س ١٥، (المؤلفي ٣٢٨): انظر ص ٣٠٢

«تفسير الحافظ محمد» ص ٣١٣ رقم ١٣٢٨ س ١٩، يأتي في ج ٢٤ ص ١٠٦

«تفسير نيل فروش» ص ٣١٨ رقم ١٣٤٣. أقول انظر خاتمة المستشرق ص ٣٨٨.

«تفسير واحد» ص ٣١٩. انظر المختصر التماسير ٢٠: ١٨٨: ٢٥١٦.

«تفسير ملا يعقوب» ص ٣٢١ رقم ١٣٥٠ س ١٨، الآتي: أقول إن الآتي بعد هذا

بالعربية.

ص ٢٢١ من ١٩، (المؤلف ١٠٤٧) أقول انصواب ١١٤٧ كما يأتي في «النور الساطع» ٢٤: ٣٦٩: ١٩٨٠» مع التكملة يراجع

«تفسير آية البسطة» ص ٣٢٥ رقم ١٣٧٢ قول هو لذي ذكره جديدا الشيخ علي سبط الشهيد الثاني في [الدر المنثور ١٢: ١٨٩] عند ذكر مصنفات جدّه المبرور ذكره بعنوان [رسالة في شرح بسم الله الرحمن الرحيم عني خط والدي رحمه الله] انتهى و يشير إليه شيخنا انصف بعنوان [شرح السبعة ١٣، ١٢٦، ١٢٧] و لم يذكر له نسخة إلا ان نقده عنه يشهد برؤيته لنسخة.

«تفسير آية الكرسي» ص ٣٢٩ رقم ١٣٩٩ يراجع فهرس الرصوف ح ٤ ص ٤٤٣ و رجال اصعها ص ٢٠٠ و انظر ح ١٥ ص ٢٤٩ عنوان «عروة المتقين»

«تفسير آية النور» ص ٣٣٤ رقم ١٤٢٩ من ١٣، (١٣٩٩): و اوردها تمامها شيخ هادي الكوره كافي في كتابه (روضة الامثال من ص ٢٢١ إلى ص ٢٣٥) و ان لم يصرح باسم مؤلفها مع انه بالغ في اطرائه

«تفسير آية يوم يأتي بعض آيات ربك» ص ٣٣٤ رقم ١٤٣٠ من ١٩، ايضا ذكر هذه الحاشية في ح ٦ ص ١٢٥ ع ٦٧٦ فليراجع

«تفسير سورة الاخلاص» ص ٣٣٥ رقم ١٤٣٨ ذكره ابنه في إجارته مناقب العصابة.

«تفسير سورة الاخلاص» ص ٣٣٦ رقم ١٤٤٢ من ٩، القياس: / نفاس: كما في نسخة المكتوبة سنة ١٠٩٥ في ضمن مجموعة من رسائل الهادي و غيره رقم ٥٠٥٤ و الحمد لله.

«تفسير سورة البقرة» ص ٣٣٧ رقم ١٤٥٢ و راجع رقم ١٤٨٢

«تفسير سورة الفاتحة» ص ٣٣٩ رقم ١٤٧٩: ذكره ابنه في مناقب العصابة.

«تفسير سورة الفاتحة» ص ٣٤٠ رقم ١٤٨٢ و راجع رقم ١٤٥٢

«تفسير سورة هل أتى» ص ٣٤٣ رقم ١٥٠٨ يراجع الروضة البصرة ص ٥٧١

«التفصيل وسائل الشيعة» ص ٣٥٢ رقم ١٥٥٠: هذا الكتاب الكريم شرح عظيم يسمى [نهاية التحصيل في شرح مسائل التمهيد] اشير إليه و يلي نسخة في فهرس المكتبات الملحوق بآخر ح ٧ ص ٢٩١. ٣٩ من الدرعية فراجع و من العريب عدم تعرضه له لا في حرف النون و لا في المستدرك و سبحان من لا يسهو.

ص ٣٥٣ م ٣: قوله (و اقتصار البحر) أقول في هذا الادعاء نظر كما يتناه عمد ذكر «نهار الانوار ٣ ١٦ - ٤٣» ثم اعلم أن الحاج كبرى خان الشيعي المتوفى ١٢٨٨ نقل في كتابه الكبير [فصل الخطاب ١٦: ٢٢٩، ١٩٥] جميع احاديث الوسائل هذا بخلاف الاسناد الا من كان من العامة فذكر اسم ذلك الراوي العامي تاركاً لما كان مكرراً فيه لفظاً او معنى واستقصى جميع ما فيه فائدة مؤسفة كما يشه في مقدمة كتابه ص ٩ مراجعه و الظاهر أن الحان نقل عن نسخة الوسائل المطبوعة لأول مرة في سنة ١٢٦٩ إلى ١٢٧١ و على اي حال يدرم لساحت الرجوع إلى فصل الخطاب أيضاً و لا يعمل. م ع ر في ١٤ فعده ١٤٠٩

ص ٣٥٤ م ٨، السيد حمزة بررگش حوسد اهل خرد / كه نام بررگان برشي برد
ص ٣٥٦ م ١٥، م رعم: الظاهر أن تراجم هو الشيخ السككي الطهراني.
«تفصيل السادات على المشايخ» ص ٣٦٠ رقم ١٥٦٨ أقول يأتي في نفس الموضوع
[فصائل السادات ١٦: ٢٥٨ فما بعدها مكرراً]
«تفصيل القراءة على الصحابة» ص ٣٦١ رقم ١٥٧١ أقول لم يرد على ما في المتن في
«الانوار الباطنة ٧٣» شتاً مني بل ليس عمننا العلامة السيد أبو القاسم ذهب تنك
النسخة و سائر ما كان يهلكه إلى بلاد هند حين انتعاليه إليها و توطئه فيها
«التقريبات» ص ٣٦٧ رقم ١٦٠١ مصى ذكره في ج ٢ ص ٢٠١.
«التقريبات» ص ٣٧٤ رقم ١٦٣٤ أقول يأتي ذكره أيضاً في [شرح طهارة الوافي ١٣: ٣٦٦]

«التقريبات» ص ٣٧٤ رقم ١٦٣٦. أقول يأتي ذكره أيضاً في [شرح طهارة الوافي ١٣: ٣٦٦] قال في [أعيان الشيعة ٣٣: ٢٢٧] في ترجمة جدنا الشيخ حسن صاحب المعالم قلنس سره ما اعظه [و كان بحر العلوم الطب صدي يدرس كتاب الوافي في العصر الذي قبل عصرنا و ألف صاحب مصاحح الكرامة محمداً في تحرير بحث استاده المذكور لكتاب الوافي مشحوناً بالموارد] انتهى موضع الحاجة

«التقريبات» ص ٣٧٤ رقم ١٦٣٧ م ٢٥، الآتي ذكره رقم ١٦٤٣.
«التقريبات» ص ٣٧٦ رقم ١٦٤٣ م ١٢، اهلاني: انظر رقم ١٦٤٨.

«التقريبات» رقم ١٦٤٨ ص ٣٧٧ س ١؛ انصر رقم ١٦٤٣.
«التقريبات» ص ٣٨٢ رقم ١٦٨٠ س ٢٣. يعنى الاعلمي صاحب مقتبس الآثار فتنس
سره.

«التقريبات» ص ٣٨٤ رقم ١٦٨٦ أقول راجع (ح ١: ٢٦٨: ١٤٠٨) و التكملة.
«تقريب اللغات» ص ٣٨٧ رقم ١٧٠٢: أقول مر ذكر هذا الكتاب خطأ بعوان
«تعريض اللغات» ٢١٤: ١٠٧٣» ثم تعطل شيخ المصنف طاب مصححه للخطأ واستمركه
في مواطن عديدة و يأتي للشيخ في هذا الجزء «تهديب الطبع ٥١١: ٢٢٧٩» كما يأتي
«ديوان ابن طاطا ٩: ٢٦: ١٥٢» فاستغنى عن الجميع و من الله التوفيق و انظر لراماً
بوابغ الرواة ص ٢٤٣ و ما هامشها.
ص ٣٨٨ س ١، في محله: ص ٣٦٢.

«تقليد و طهارات» رقم ١٧٢١ ص ٣٩٠ س ٣، (جلود ١٢٩٥) في شهادته انه
ولد في ١٢٨٧ هـ راجع.

«تقليد الميت» ص ٣٩٢: أقول عدنا منه نسخة في مجموعة كتابة بعضها سنة ١٢٤٣ و
نسخة أخرى قديمة في مجموعة من رسائله و غيرها رقم ٧٧٠ و لم يصرح الشهيد الثاني
باسم السيد حسين في الرسالة و كلام كشف المحجب في التسمية مسد إلى تصريح
الشيخ ابن العودي رحمه الله في رسالته المعهودة المدرجة في كتاب الدر المنثور لجدنا
العلامة الشيخ علي سبط الشهيد المصنف فتنس سرهما.

ص ٣٩٢ س ١١، خامس: في نسخة خامس عشر،

«تقليد الميت» ص ٣٩٢ رقم ١٧٣٩: نُسخها عدي في مجموعة لطف الله الخويري.

«تقويم الآيات» ص ٣٩٤ رقم ١٧٤٨ نسخة منه في مكتبة السيد مصطفى فهرستها.

«تقويم الأيمان» ص ٣٩٦ رقم ١٧٥٢ س ٤، تجلّت و الصواب تمجّدت.

ص ٣٩٦ س ٦: أقول و يأتي شرحه «كشف الحقائق ١٨: ٥٢٢» فراجع.

«تقويم يارس» ص ٣٩٦ رقم ١٧٥٣ توفي الشيخ حبيب الله في عصر يوم الخميس ١٢

صفر سنة ١٣٦٧ و كانت ولادته في يوم الاربعاء ٢١ دى القعدة ١٢٧٨ كما ارخه في «..»

و كد في مختصر المكارم ولكن يأتي في ج ٨ ص ٢١٩ ولادته في سنة ١٢٨٢ و نقه عن

تاريخ سرتيب عبدالرافعخان و انظر ترجمته في «مكارم الآثار» ١٦: ٢٢٠٤ رقم ١٣٨٠ و راجع التعليقه المطولة الآية في ذيل ص ٣٩٧ - ٤٠٣.

«نقوم العوج» ص ٣٩٧ رقم ١٧٦١: نقوم العوج للحاج محمد رحيم خان ابن الحاج محمد كرم خان الكرماني المشهور المتوفى سنة «...» هو في الرد على البابية و البهائية و له أيضاً رسالة أخرى في الرد عليهم لعهم الله و رد على نقوم بعض حُققاء البهائية في كتابه المطبوع بمضى سنة ١٣١٣ المسمى بدلائل العرفان.

ص ٤٠٢ س ١١، «التقاويم» يأتي ذكر التقويم مفصلاً في ح ٨ ص ٢١١.

ص ٤٠٢ س ٢٤، الشيخ راجع [مقدمات البشر ٩٥] و [أعنان الشيعة ٥٤: ١٠١].

«التقية» ص ٤٠٣ رقم ١٧٦٩ أقول صرح شيخ الفقهاء فليس الله روحه في «جواهر الكلام» ١١: ٢٥: ١٤ ط الحنف «بان اشارة قد جعل حكم التقية في الواقع دليلاً انتهى».

ص ٤٠٣ س ٢٢، «مردود» انظر ما مرّ آنفاً «نقوم پارس ٣٩٦: ١٧٥٣»

«التقية» ص ٤٠٥ رقم ١٧٨١: انظر رقم ١٧٨٤.

«الطية المنطقية» ص ٤٠٥ رقم ١٧٨٤: انظر رقم ١٧٨١

«التكليمية» ص ٤٠٨ رقم ١٧٩٩: أقول رأيت (ترجمة الرسالة الكلبيّة الشهدية) في

مجموعة أخرى (اتصالات الكواكب) كما ذكرناها في موضعها و الترجمة المذكورة مجهولة من جميع جهاتها و إنما عرّفها بضقة مصحون خطبتها و فصلها مع ما في المتن. ص ٤٠٨ س ٩، يأتي: في ح ١١ ص ٢٣٠.

«تكملة الأخيار» ص ٤١٠ رقم ١٨٠٨: أقول راجع [ديوان نویدی شیرازی ٩: ١٢٣٦:

٧٠٢٦] و انظر لروماً كتاب [مهرست اسامي و آثار خوشنویسان قرن دهم هجري و نقد و بررسی گلستان هنر] تأليف قزور منصوري.

«تكملة الاسماعيلية» ص ٤١١ رقم ١٨١١ يأتي له «جهار دفتر» في ح ٥ ص ٣١٢

«تكملة اهل الأمل» ص ٤١١ رقم ١٨١٢: أقول قد مرّ تنعيم أمل الأمل في ح ٣ متعلّفاً

فراجع.

«تكملة بغية الطالب» ص ٤١٢ رقم ١٨١٣: انظر ما ذكرناه بجامش ح ١١ ص ٢١٤ رقم

١٢٨٢ و ص ٢١٦ رقم ١٣٠٨.

«تكملة رجال أبي علي» ص ٤١٣ رقم ١٨٢٠: انظر ما ذكرناه في التكملة «منتهى المقال ٢٣: ١٣: ٧٨٤٥» وراجع [رجال الشيخ درويش علي الحائري ١٠: ١١٥ ص ٢٢].

«تكملة الذريعة» إلى نصاب الشيعه ص ٤١٣. هو هذا الكتاب الذي بين يديك.

«تكملة الروضة البهية» ص ٤١٣: هي إحشائية عليها المذكورة في (ج ٦ ص ٩٥) و تأتي باسمها (عنوان الاسرار المعهيه).

«تكملة عقد الدرر في أخبار المظفر» ص ٤١٥ متر بعنوان [أهمل الدرر ١: ٧٩ ص ٣٧٩].

«تكملة منهج المقال» ص ٤١٦: و هو «رجال الكبير للمعبر محمد الاسترآبادي و التكملة هي «أمل الأمن» لجذنا آخر العامل في نفس الله أسواره كما صرح بذلك في خاتمة الأمل فراجع.

«تكملة نجوم السماء» رقم ١٨٣٤ ص ٤١٧ س ٣، محمد سعيد: توفي المرحوم السيد محمد سعيد في عام ١٣٧٧ و نصب له في طهران مجلس فاتحة «...» و قد اطعت أنا على وفاته من «...»

«ال تلخيص» ص ٤١٩ رقم ١٨٤٦ س ٩، مرآة الجنان. التدوين.

«تلخيص الاحكام» ص ٤١٩: للعلامة الحلي يأتي في ص ٤٢٧ بعنوان تلخيص المرام.

«تلخيص اخبار شعراء الشيعة» ص ٤١٩ رقم ١٨٤٧، أبي عبد الله اگر صاحب معجم الشعراء باشد كه چاپ شده كنيه و تاريخش با اينها فرق دارد

«تلخيص الاقوال» ص ٤٢٠ رقم ١٨٥٢ أقول وصف نسختين نفستين من هذا الكتاب في كتابنا «مهرست» كتب خطي كتابخانه های اصفهان الرقمين ١٣ و ٣٣ و قوله (الذي فرع من جرنه الثاني) الصواب من جرنه الثالث و هو الآخر كما بيناه في موضعه فلاحظ (ج ٢٣: ١٩٨: ١٦٢٠)

و انظر الخواشي عليه في ج ٦ ص ٤٧ ٤٨.

ص ٤٢٠ س ٢١، (مد ظله): و في آخر نسختنا في التلخيص هكذا فرع منه مولاه الراجي عمر و به اهادي محمد بن علي الاسترآبادي في عاشر شهر جمادى الآخرة سنة ٩٨٨ حامدا مصليا له.

«تلخيص تحفة الابوار» ص ٤٢١ رقم ١٨٥٧ أيضاً للحاج ملا محمد جعفر بن محمد

صفي الآبادلي سنها الوجيرة كما في الروصات و هو مطبوع. و يأتي وسيلة النجاة في نفس الموضوع في (ج ٢٥: ٩٠: ٤٩٤).

«تلخيص حديقته الشيعة» ص ٤٢٢ رقم ١٨٦٠ من ٨ و قل النوري حكاه عنه صاحب الروصات (قله) في ترجمة بصير الدين عني بن حمزة الطوسي ص ٣٨١ ط ٢.

«تلخيص الخلاف» ص ٤٢٢ رقم ١٨٦١ مؤلفه مذکور في ج ١ ص ٢٥١ و ج ٤ ص ٤٣٨ و ج ٥ ص «...»

ص ٤٢٢ من ١١. و هو من مصادر كتب فضائل السادات فلنلاحظ.
«تلخيص الفوائد الخاتمية» ص ٤٢٥ يأتي شرحه باسم (تنقيح المقاصد الاصولية) فليراجع

«تلخيص الفصل» ص ٤٢٦ رقم ١٨٨٠، «تلقد المفضل»: كما يأتي في محله و مر (استحاب تنخيص المفضل) لا بر كمونه في (ج ١٢: ٣٥٧)

عندي نسخة من هذا الكتاب و هي بخط العلامة العهدة رئيس الطائفة الشيخ جمال الدين العلامة الحلبي ره و على ظهرها و هامشها تصديق السيد الداماد رحمة الله عليه بأنها بخط العلامة و لعمرى انها نسخة عمرية بنسبة فيه المطالب الكثيرة المعيدة و قدما الله لمطالعة هذا الكتاب و ساكن الكتب.

«تلخيص المفاتيح» ص ٤٢٨ رقم ١٨٨٨ عندي منه نسخة عنه

«تلخيص المهنة» ص ٤٢٨ رقم ٨١٣، من ٢٤، (١٣٥٠): ١٧ رمضان يوم الثلاثاء.

«تلقي أولاد المؤمنين» ص ٤٢٩ رقم ١٨١٨ أقول و كذا نسبه إليه الدهي في العبر ج ٣ ص ٢٢٠ في ترجمه ره.

«تمام الشريعة» ص ٤٣٠، يراجع ما ذكرنا في هامش ص ١٩١ من ج ٢.

«التمحيص» ص ٤٣١ رقم ١٩١٣ من ٢٣، الوافية. أقول لا يخص ال كتاب الوافية للشعب ابراهيم هو الذي اشتهر بالرسالة في تعيين المرفقة الناجية و يأتي ذكرها في حرف الفاء و عندي نسخ منها و في اوائل نكت الرسالة أيضاً ما نصه «روى ابو محمد الحسن بن علي بن الحسين بن شعبة الخزازي في كتاب التمهيد» الخ.

«التمهيد» ص ٤٣٣ رقم ١٩٢١ أقول و كذا حال إليه في «تصحيح الاعقباد ٧٠» نقلنا كلامه عند ذكر «مصابيح النور ٢١: ٩٢: ٤٠٩١».

«تمهيد القواعد» ص ٤٣٤ رقم ١٩٢٤: أقول انظر ما ذكرناه في التكملة على كتابه «شرح هج البلاغة ١٤: ١٤٠: ١٩٨٠».

«التمهيدات» ص ٤٣٤. راجع ما ذكرناه بدمش النوايع في (ح ١٨: ٣٧٢: ٥١٠).
«التميز بين صواعق الكاظمي و تحفة عبدالعزير» ص ٤٣٥ رقم ١٩٣٢: راجع (ح ١٥: ٢١٤ عفات الانوار) و (ح ٢٤: ١٠٨ مرهة السعشرية) و ما ذكرنا هامش الموصعين.
«التباكية» ص ٤٣٦ رقم ١٩٣٨. أقول انظر رسالة في تحليل التمر و القهوة ١١: ١٤٠: ٨٧٦.

«التبديد بالمعلوم من البرهان» ص ٤٣٧. راجع الرقم ١٩٥٤ الآتي في ص ٤٣٨.
«التبديد في التوبة» ص ٤٣٨ رقم ١٩٥٤. صاع باسمه الاصل في قم سنة ١٤٠١ في ١٠٤ ص و مقدمة في ٨ صفحات و هو من جلال الكتب و نفايس الآثار و يحتاج طبعه إلى عناية أكثر و فهارس و تعليقات هامة و من الله الواسع
«التبديد لمن يتفكر فيه» ص ٤٣٩ قال السيد الخليل علي بن طائوس رص في «مهج الدعوات ص «...»» و من ذلك دعاء قضاة عليهما السلام لما استدعاه المصور مرة سابعة» إلى أن قال «و هو دعاء سليل مصبون الإحاطة بقياه من كتاب فاليه نصف النمس يشمل على عدة كتب أولها كتاب السب من يتفكر فيه و هذا الدعاء في آخره» الخ فراجع.

«التبديد و الاشراف» ص ٤٣٩ رقم ١٩٥٦. أقول ان كتاب المروح غير مذكور في موضعه من التريفة لسبب لا نعلمه فذكرنا شيئاً في مكانه من التكملة كما ذكرنا بعض الكلام حول كتابه الآخر «سر الحياة ١٢: ١٦٧: ١١١٢» فراجعهما.

«تبديد الأنام» ص ٤٤١ رقم ١٩٦٢: أقول و توجد منه أيضاً مسختان في المرعشية بقم رقمها ٣١١٧ و ٥٨٤٥ و مآل السيد الخليل الشهرستاني في نفس الموضوع أيضاً كتاب (ترياق فاروق) في ص ١٧١ و قد ذكرهما في الطرائق ح ٣ هامش ص ٢١٧.

«تبديد اهل الكمال و الانصاف» ص ٤٤١ رقم ١٩٦٤. قوله «الزهة الاثنى عشرية» أقول هكذا اورد الاسم في موضعه «٢٤ ١٠٨ ٥٧٠» و هو سهو كما يتناه هناك في التكملة فراجع.

«تبيين الخواطر» ص ٤٤٢: يراجع بروصات ص ٧٣٥ حتماً.

«تبيين الرافدين» ص ٤٤٢ رقم ٩٧١ يراجع لراماً ترجمه الرجل في «نقاء الشجر» ٥٤٢ رقم ٩٧٣.

«تبيين الرافدين» ص ٤٤٣ رقم ١٩٧٢ رأيت نسخة مه في بياض بخط محمد مجيد بن حاجي محمد شميع النوي سركاني مرع من كتابها في ٣ قعده سنة ١٠٨٢ ليس فيها تاريخ التأليف و ذكر الكاتب في مفتحتها ما لمعه «هذه رسالة تبيين الرافدين من مصنفات مجتهد الرماني مولانا محمد طاهر آدم الله تعالى أيام إقامته» و النسخة عند حاج محمد علي الحاج حيدري رأيتها في شوال ١٤٠١ ثم منكي الله تعالى بلطفه نسخة ممزقة من تته المولى محمد طاهر ره في اوائل محرم ١٤٠٤ وهي ايهاا عمي السيد محمد حفظه الله و صرح المصنف في آخرها باسمه و انه لعه في سنة قم في ليلة ٢١ محرم ١٠٦٦.

«تبيه الرافدين» ص ٤٤٣ من ٧. يأتي بعنوانه الاصلى (الرواء).

«تبيه العاقلين» ص ٤٤٤ (رقم ١٩٨٠ من ١٣) (١٢٧١) و مه ١٣١٠ ايضاً

«تبيه العاقلين» ص ٤٤٥: لشيخنا في الرواية الحاج الشيخ محمد رضا الخرفوشي الاصمعي الحائري كما في الترجمة دليل كوديع الحكم ٢٥ ٦٢ ٣٣٤ و فهرس المشار.

«تبيه العاقلين و تذكر العاقلين» ص ٤٤٦. لجدا العلامة القصبه العجل الشيع عني بن محمد السبط صاحب (اندر المشور) كانت النسخة عند جدنا الإمام المجدد صاحب الروصات نقل عنها في ترجمه المحقق «سيرواري» (ص ١١٧ ط ٢) ثم حصلت لنا النسخة بخط المصنف ره و الحمد لوليه و ذكره شيخ المصنف ره بعنوان [رسالة في تحريم العاء] في ج ١١: ١٣٩: ٨٦٢ فراجع.

«تبيه وسن العين» ص ٤٤٩ رقم ٢٠١٧ انظر «مصطفى المقال ١٨٠ و ٤١٦» و «مبة الراعيين» ٤٧٢ و لراماً [الأعلام لبرركني ٦ ٢٩٥] و هناك صورة حطه عن كتاب له. الواسن ثقة اليوم (مجدد) و الثقة ثقة تعليق (مجدد).

«السيئات» ص ٤٥٠ رقم ٢٠٠٩ انظر (ح ١٣: ٣٩١ من ٢٣) و قال شيخ مشايخنا العلامة سيد ابو محمد الحسن صدرالدين قنن سره في «تكملة الأمل ٣٥٦» في دين ترجمة صاحب «المدارك» ما لمعه «و كنيث ما اشتهر من سيرة شرح العلويات السبع لابن

أبي الحديد إلى السيد صاحب المدارك لا اصل له إنما هو لسيد محمد بن الحسن بن أبي الرضاء العنوي كما نصّ عليه في كشف الظنون» انتهى و اشارته في نصي التساب إلى صاحب المدارك إلى قصبة اصنف مذكور في العبيد علي كتاب «احقاق الحق ٣: ٢٢٩ ط الحديثة» من ان الشرح طبع مسوياً إلى صاحب المدارك قبل سنين في بلدة تبريز ملاحظ.

«التيهات العلية» ص ٤٥٢ رقم ٢٠١٥ أقور ذكر في التيهات في أسرار صلوة الجمعة (ص ٥١ - ٥٦) ان تلك الصلوة افصل الاعمال (ص ٥٦ س ١١ ط العصار) (ص ١٦٤ س ٦ ط ١٣١٣) و هي الطعة الي في مجموعة «رسائل العشر» لشهيد الثاني ره و عددا منه نسخة مع مسكن المؤاد له بخط نطف الله منسوب بافصل كتبها في ١٠٩٥. «التيهات المتجملين» ص ٤٥٢ رقم ٢٠١٧ س ٢٥، في النصف: و طبع بطهران عام ١٢٨٤ في ٣٠١ ص.

«التويل و التعريف» ص ٤٥٤ راجع [انقراآت ١٧ ٥٢ ٢٨٤] مع التكملة.

ص ٤٥٦: ارقم ابن صفحه درمستل بيست

«تريه الأنبياء و الانمة عليهم السلام» ص ٤٥٦ رقم ٣٠٣٢ س ١٤، غير فيه: ص ٧ و ص ٢٦٤

«تريه الحق» ص ٤٥٦ لنجاح ميرزا موسى آقا الاسكولني اخثري ابن محمدباقر بن محمد سليم بالمعارسية في «...» طبع في «...»

«تريه ذوى العقول» ص ٤٥٧ رقم ٢٣٠٧: و نقل كلام الشهيد عنه في الرجال الوسيط و في الروصات ص ٣٧٥ ط ٢ و راجع مية الرعين و السؤال و الخواب للسيد حجة الإسلام في اوائله في مسئله الأولى من (الجدائر).

«تريه القلوب» ص ٤٥٧. كتاب نقل عنه العلامة امير محمد حسين الخاتون آبادي الاصمهاني في كتابه «عرائس الجواهر السنصى» حديث في فصل احياء ليلة النصف من شهر رجب الاصب.

«تريه القمين» ص ٤٥٧ رقم ٢٠٤٢. يراجع كتاب كتابشاسي آثار مربوط به قم لسيد المرسي الطباطبائي و طبع الكتاب لمره الثانية بقم في مجموعة «ميراث اسلامي ايران. دفتر ٦».

«تنسوقى نامة ايلخاى» ص ٤٥٨ رقم ٣٠٤٦: طبع «تسوخنامه ايلخاى» بظهران سنة ١٣٨٩ (١٣٤٨ش) و بعناية الامتاد السيد محمدتقى (مدرس رصوى) مع مقدمته الطويلة و تعليقات و فهارس عديدة ثم جدد طبعه بالاوقست في ١٤٠٥ و ما نقله المصنف ره من اوله لايمطبق على النسخة المطبوعة بالعمق فلراجع. و انظر مقالاً للافشار في كتابه «مجموعه كعبه ١٨٨ و ٣٥٤» عنوانه «جواهرنامه نظامى مأخذ تسوخنامه و غرايس الجواهر» و يأتي «جواهرنامه ٥: ٢٨٣» متعلداً.

ص ٤٥٨ س ٨، في محله: في ص ١٩٢.

«تنظيم العقود السية» ص ٤٥٨ رقم ١٠٤٧ س ٢٤، و لما استطرفت: أقول هذه العبارة من جملة ما نقله شيخنا المصنف عني المحدث الوري في هامش كتابه [كشف الاستار ١٤٤ - ١٤٦ طبع قم ١٤٠٠] فانظر تمام الكلام فيه مع كلام النجم باشى الحفي حول الحديث الشريف المذكور في المتن.

ص ٤٥٩ س ٥، منها: و منها في مجلد ٢ من حديث السعة ص «...» ط هـ نقل منه ما استطرفه شيخنا دام ظنه.

«تنظيم العقود» ص ٤٥٩ رقم ٣٠٤٨: أقول تراجع (مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧١١)
«تفصيح الابحاث» ص ٤٦٠ رقم ٢٠٥٤: اعلم ان ابن كمونة هذا يهودى مرور ما شتم راحة الايمان قط انظر ما ذكرناه بهامش [للمعة الجوهية] في (ج ١٨: ٣٥١، ٤٣٨) و «المطالب المهمة ٢١: ١٤١»

«تنقيح الاصول» ص ٤٦٠ رقم ٢٠٥٦: ذكرنا بهامش (ج ١: ١٤٥) إجابة العاصل التراقي لأخيه مؤلف التقيح هذا.

«تنقيح المقال» ص ٤٦٦ رقم ٢٠٦٩: كتاب في الاصول و في مقدمته ترجم جماعة لم يذكرهم الاسرآنادي في رجاله الكبير رأيت نسخة منه في قم عند السيد شهاب الدين السحفي السابة «كذا في ماضي الجف و حاضرها» ج ٢ ص ٦٨ و نسخة منه كانت عند المرحوم الحاج السيد مصطفى الصفائى الخوانساري القمي انقلت بعد فوته إلى مكتبه الأستاذة الرضوية في مشهد طوس و معها جزء من أجزاء رياض العلماء كما في (فهرست ١٥٠٠ نسخة خطي للامتادي)

«تنقيح المقال في علم الرجال» ص ٤٦٦ رقم ٢٠٧٠ س ١٥، مستحق: قال ربه في حاشية
 المجلد الثالث من التنقيح ص ١٢٤ بعد أن أورد مستدركاً لتراجم الكتاب إلى حروف الراي
 و اعتذر من إتمامه لمصايقه الطبع و انحراف مراحه جداً ما لعظه [و قد آل الأمر بي إلى
 هذا في الثالث الأخير من ليلة الجمعة رابع ذي القعدة الحرام سنة ١٣٥٠ فكانت مدة
 اشتغالي بتصنيف هذا الكتاب من البدو إلى الخدم مع إعادة النظر فيه مرة بعد أخرى
 ستان و ثمانية أشهر تقريباً] الخ أقول و الأمر المهم الذي تبين لنا أن العلامة المامقاني
 قلّس سرّه م يعتمد على كتاب مستدرك الوسائل و حاشيته مطلقاً فلم ينقل عنه شيئاً في
 طول كتابه و لا يوجد اسمه فيه. أين مطلب ر ايحدا نوشم اما بايد موضع آن مرحوم را
 با حاجي نوري و مستدرك و همين مطلب فوق را ب آقای محي الدين ممقاني و مرشدشان
 صحبت كنيم كه اگر اشتباه کرده‌ام قدم بريم در هاشم عنوان مستدرك هم نوشته‌ام.
 ص ٤٦٦ س ٢٢، تعليقات تنقيح المقال، و طبع باسم «قاموس الرجال» في اجراء
 كثيرة.

ص ٤٦٨ باورقي، اتفاقاً غير ان كتاب لول بعده را هديه استعمال کرده‌اند.
 «توير المرأة» ص ٤٧١ رقم ٢٠٩٢ أقول توفي العلامة الكبير للرحوم الحاج الشيخ
 علي الراهد القمي ليلة الاربعاء ٢٢ ح ٢ سنة ١٣٧١ في النجف الأشرف و كانت ولادته
 بظهران في ٧ شهر رمضان ١٢٧٣ كما في ترجمة المسروطة العالية في «بقاء البشر ١٣٢٣
 ١٣٢٩». و قد كما بهام وفاة الشيخ الراهد في كربلاء المشرفة و كان التور لسة ١٣٢١
 الشمسية موافقاً ليوم الجمعة ٢٤ ح ٢ من ثلث السنة اعى ١٣٧١ و نرى كما هناك بالحضور
 في الحرم انطهر الحسيني سلام الله على توابها و احمد الله.

«توير المطالع» ص ٤٧٢ رقم ٢٠٩٤: يراجع (تعويذ المطالع) في ص ٢٢٧.
 «لواريح الانعة» ص ٤٧٣ س ١٤: يراجع (كتاب المواليد) في ج ٢٣ ص ٢٣٥ س ١٠.
 «التوحيد» ص ٤٧٩ رقم ٢١٢٩: يراجع ج ١٩ ص ٣٥٣.
 «التوحيد» ص ٤٨٢ رقم ٢١٥٤ س ٨، محمد سعيد. مر ذكره في ص ٤٧٩ و يأتي ذكره
 أيضاً في ج ٦ ص ١٢ و مواضع أخرى.
 «التوحيد» ص ٤٨٢ رقم ٢١٥٦: قال السيد العلامة الخوئي في [معجم رجال الحديث
 ١١٧: ٣٩] إن المعصّل بن عمر مطعون.

«التوضيح الأنوار» ص ٤٩١ رقم ٢٢٠٤: أقول نسخة من كتيّب الناصب الأعور عندنا في مجموعة من الردود النواصب على الشيعة النكروم و اسمها [العارضة على الرافضة] كما في «أعيان الشيعة ٤٥: ٣٤٤» في ترجمة الشيخ عبدالدين محمد بن محمد بن نبيع الحلي المذكور في مواضع من التوضيح فراجع و انظر ترجمة الشيخ خضر في [النصاء الامع ٥٥] و في موضعه من الأعيان و يوجد عندنا نسخة من التوضيح الأنوار ناقصة من اولها و اوسطها و كما نقص الورقة الاخيرة المشتملة على اسم الكتاب و تاريخ الكتابة احتمالاً و اما تاريخ التأليف فعبه في نسخة اضطراب و بسبب المسحة بتلك الصفحة و الاعتبار و اما ما نقله شيخنا ره عن الرياض في ترجمه حلرود فهو ملخص و محصل الكلام الافندي و الله المستعان.

«توضيح البيان» ص ٤٩١ رقم ٢٢٠٥ هو بعينه تسهيل الاوران المذكور في (ص ١٨٢ ص ٢) مه.

«توضيح الدلائل» ص ٤٩٣ رقم ٢٢١٣. نوضح الدلائل على ترجيح المصائل للشهاب أحمد سبط قطب الدين الابجي بنقل عنه كثيراً في عقاب الانوار و قد ذكرناه في فهرس مأخذ اجراء حديث الثقلين من العيقات و توجد نسخة في المكتبة المليّة بشيراز و تصويرها في المرعشيّة بقم.

«توضيح المشريين» ص ٤٩٥ رقم ٢٢٢٨: يراجع اصول فصول التوضيح في ح ٢ ص ٢٠٠ و (الرد على الصوفية) في ح ١٠ ص ٢٠٦ و (سيرة الشيعة) في ح ١٢ ص ٢٢٤

«توضيح المطالب» ص ٤٩٨ رقم ٢٢٣١. آيا سيد است؟ سسر در ذيل احوال جدش ميرمدرسكي در ربحانة الادب است البته فقط تا جدش

«توضيح المقاصد» ص ٤٩٨ رقم ٢٢٣٢. أقول و طبع أيضاً غير ما ذكر في ايران و عندنا منه نسخة بخط جدّ جدّنا و عمّ والد جدّنا الحاج السيّد محمد شفيق الإمام صاحب الروضات ره فرع من كتابته يوم التروية سنة ١٢٧٩ و صنعتها في مجموعة من الرسائل الصغار و ينقل السيّد القاضي في كتابه حول الأربعين المطبوع بتهرير عن طبعة مصر و اما صاحب معجم المطبوعات فعم يعثر عليه فعم يذكره في كتابه و عن ذكرناه في هامش نسخة من المعجم ع ١٩٩٠ فراجع. م عر أواخر شهر صفر ١٤٠٤.

«توضيح المقال» ص ٤٩٨ رقم ٢٢٣٣ نسخة في الرصونة كما في الريحانة.

«توضيح المقال» رقم ٢٢٣٤ ص ٤٩٩ س ٢، التوضيح، فرغ من تأليفه في سنة إثنين و ستين بعد الف و مائتين كما في خاتمته و جاء في آخر النسخة المطبوعة لأول مرة منه ما نصه «و كان المراءع من تحريرها في سنة سبع و ستين و مائتين بعد الألف بقلم الجاني الماني محمد بن حسين الحسيني القمي» انتهى و هذا الرجل كاتب النسخة بطبعة الأولى و من الجدير بالذكر أن كلام من الصغرى عمر مصححة و فيها اغلاط كثيرة فلا يجوز الاعتماد على الكتاب إلا بعد التصحيح، ثم اعلم ان قوله (و هو ترجمة تسعة و خمسين شيخاً) أقول وقع في كلام شيخنا مصنف بعض الخط و التداعيل و الصواب المصرح به من كلام المحقق الكلي في آخر التوضيح في الطبعة الأولى انه ذكر نفسه تسعة و خمسين شيخاً رجائياً فتممهم بترجمة نفسه فصار اعداد ستين ثم استدرك عليه السوري تسعة و خمسين غيرهم أيضاً فلما طبع التوضيح للمرة الثامنة و الحق به استدرك السوري مع مقدمة و خاتمة لمصنف الكلي صاحب الكيم أيضاً إليهم الملا ابراهيم الخوي لصغر العدد في الاستدراك أيضاً مكمل السنين و منهم ان السوري لم يذكر في استدراكه حقناً و حسداً و عباداً اعظم من الف و صنف في التراجم و الرجال الا و هو جدنا الإمام العلامة الشهيد المجدد المجاهد العقيد المحسن جامع لمقول و المقول حاوي الصروع و الاصول صاحب المناقب و المعاصر سيدي ميرزا السيد محمد باقر الموسوي الاصمغاني قلّس الله تعالى روحه و نور مرقده فانه الذي اتى تأليفه «روصات الجنات» ما لم يأت به الاوائل و الاواخر كما هو الظاهر الباهر و لا يكره الا كالسوري المعاند المكابر و لولا كتاب الروصات لم يكن للسوري و امثاله و اخره دليل و معنّاح و لكن من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور فهو من مصاديق قوله سبحانه ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله.

«الروصيات» ص ٤٩٩ رقم ٢٢٣٦: يراجع (يدگار نامه حبيب يهاني) ص ٣٤٧ بعد.

«التهديب» رقم ٢٢٦٢ - ص ٥١٤ س ٣، تلميب المسترشدين: أقول نقل عنه هذا

العنوان الاخير جدنا الشهيد الثاني في رساله صوره الجمعة ص ٨١ ط الحجرية كلام القاضي الكراچكي في المسئلة و عنه تلميذه الشيخ حسين بن عبدالصمد في رسالته أيضاً

فلاحظ ج ١٥ : ٧٠ : ٤٧٤. و كذا السدهيحي في أواسط «القائمة لبديعة» و العاقل السراب في خاتمه رسالته المعمولة في وجوب الجمعة و غيرههم أيضاً و لا شبهه في أن الجماعة كلهم ناقلون بواسطة رساله الشهيد الثاني دون مباشر لرؤية نسخة التهذيب و الله العالم.

«تهذيب الأحكام» ص ٥٠٤ رقم ٢٢٦٣. أقول إن لسد اساتيدنا و مشايخنا آية الله العظمى الخا آف حسين الطباطبائي ليروجردي فقتل الله روحه كلام متون حول تهذيب الاحكام هذا و غيره من مصنفات شيخ الطائفة فقتل الله روحه و ترتيب تصنيف كل منها أورده الأستاذ في مجلس درسه بديعة قم حين البحث في مشكلة الخمس يجد تقرير بيانه في كتاب [ريده نفعان في خمس الرسول و الآن ٦١ - ٦٢ ط قم ١٣٨١] فراجع.

رأيت في آخر كتاب المهدى البارغ في شرح المختصر النافع ما لفظه (قال فخر الدين لما قرأت على والدي التهذيب في طرقة الدائم ثم طرق الخواجا في سنة ثلاث و عشرين و سبعمائة سألته عن هذه الرواية لما بلغت عليه الخ. و مراده بالتهذيب تهذيب الاحكام هذا ثم لا يخفى ان من الجدير بالذكر أن ابن أبي عمير في نسخة ٣٨١ قد سبق الشيخ الطوسي انار الله برهانه في تسمية كتابه انكسر به تهذيب فلعل الشيخ تبعه في التسمية و سيأتي كتاب ابن الجعدي باسمه «تهذيب الشيعة لاحكام الشريعة» و الله العالم و يأتي الاشارة إلى نسخة جليلة أخرى للتهذيب في (ج ٥ : ١٩٦ : ٩٠٤) هي بخط الشيخ زين الدين (علي) بن ادريس المعروف بابن مروح من تلامذة جده الشهيد الثاني المستشهد سنة ٩٦٦ و انظر وصف نسخة من التهذيب في كتاب [أعيان الشيعة ١٤٦ : ٣١ : ٢٤٥] و كذا في (الروضة النيرة) في ترجمة الميرزا محمد الاسترآدي و السيد محمد علي الاصفهاني و لم يذكر المحققان مكان وجود تلك النسخة الثمينة.

و رأيت في نسخة من التهذيب من رله إلى آخر كتاب الركوة مع الزيادات عند ابن خالنا العلامة السيد الخا آفا حسين الموسوي الشهير بخادمي في اصفهان ليس فيها اسم الكاتب و لعله و الله العالم هو الشيخ زين الدين بن ادريس المذكور و في آخر تلك النسخة انهاء و إجازة الشيخ حسين بن عبد الصمد العاملي ره هامش الصفحة الأخيرة

مها و ليس فيها أيضاً اسم الحجار و تاريخ الائمة و الإجارة [يوم الجمعة عشري شهر شعبان سنة تسع و خمسين و تسعمائة] و خط الشيخ حسين أيضاً اثناء باخر كتاب الطهارة من تلك السخة تاريخها [يوم الجمعة حادي عشري رمضان سنة ستين و تسعمائة] انتهى. و استكتب الكاتب تلك السخة عن سخة كان في آخرها ما لفظه [و يلوه الجزء الخامس و هو الرابع من كتاب الصيام وقع امرأع منه اخر هار الجمعة من سادس ذي القعدة من سنة خمس و سبعين و خمسمائة كتبه ورام بن نصر بن ورام بن عيسى بن ورام بن أبي النجم بن ورام] انتهى. و أيضاً نقل الكتاب لتلك السخة التي رأيناها هناك عن سخة مصححة لجذا الشهد الثاني ما نص الشهد في سخته [في محالس آخرها يوم الاحد لحسن مصت من شهر ربيع الآخر سنة خمس و خمسين تسعمائة] أقول و تلك السخة معي سخة بعد لشهد اليوم في مكتبة الملك بطهران و انظر «إجازه يحيى بن الحسن بن سعيد نورام بن نصر بن ورام ١. ٢٦٤: ١٣٨٦ و ترجمه ورام عن سخته من التهذيب فقط في «الثقات العيون ٣٢٧» و السلام حرّر في ١٨ صفر الحمر ١٤٠٨.

«تهذيب الاخلاق» ص ٥٠٧ للممرا محمد صالح بن ادم عبدالواسع الخاتون آبادي صاحب التهليلية ذكره في اواسط كتابه حدائق مصرتين في دليل عنوان سيم حلوص تيت ... إلى ان قال و تحقيق آن مراتب و معاني و توصيح ثوبت فصائل و قول في درجات [...] بسط و تفصيلي مي حواهد كه مناسب اين رساله بيست و در كتاب تهذيب الاخلاق ايراد عمودهام . انتهى. و لا يعد كون التهذيب هذا هو المذكور بمرة ٢٢٦٥ فلا بد من الرجوع إلى الإجارة.

«تهذيب الأنساب» ٥٠٧ رقم ٢٢٧١: أقول يأتي لابس طباطبا هذا (جريدة بيشابور) في ح: ٩٨: ٤٠٢ و ذكرنا له (بحر الأنساب) بدمش ح: ٣: ٣٢ و انظر التعيقة الثالثة و لم يذكر شيخنا للمصنف ره هبا مأخذ سخته كتاباً إلى الحسين السابة باسم تهذيب الأنساب سوى انه قال ينقل عنه السيد أحمد في كتابه الأنساب المشجرة و في مقدمة العلامة المرعشي النجفي للباب الأنساب ص ٤٨ عند ترجمه الحسين ما لفظه [و له من الكتب تهذيب الأنساب المسمى بحر الأنساب مبسوط و كتاب الكامل في السب و

كتاب الأسباب المشجرة و جريدة يشبور] انتهى و الله العالم بحقايق الامور. م ع ر في
 بيه ٩ صفر ١٤١٢. ثم اتي كتيب آخر تحقيقي بهامش الباب ٦٨ فراجع و لمراجع تكملة
 الدررعة ٣: ٢٢ و ليصحت جميع الموارد م ع ر في ٢٥ ع ١ سنة ١٤١٣

«تهديب الأنساب» ص ٥٠٨ ٢٢٧٢، لشيخ الشرف هو شيخ الشريف العمري
 صاحب كتاب المحدثي و ينقل عنه و عن كتيبه هذا كثيراً في المحدثي و مر له «الأنساب»
 في (ج ٢. ٣٧٤: ١٥٠٨) و يذكر له «الخاوي» في موضعه و من العريب رعم شهرة الرجل
 و مقامه انا لم نجد له عنواناً خاصاً في «سنة الراعي في طبقات السابيين» مع انه ذكر
 بعض تأليفه و ورد اسمه فيه عرساً و تحت تس ليا ان الكتاب الذي نقل عنه صاحب
 رياض العلماء في ترجمة الشريف المرتضى بعنوان «تهديب الأنساب و نهاية الاعقاب» هو
 اصل ما صنعه شيخ الشرف ابن أبي جعفر لعبدل و من المؤسف جداً فقد باب الميم من
 ابواب الرياض فهناك موضع ترجمه شيخ شرف و وصف مصنفاته و العبارات المدفوعة
 عنه في الرياض لا توافق تماماً ما في كتاب الحسن ابن طباطبا الذي هو في الحقيقة تلخيص
 و تحقيق و تكمل كتاب معاصره شيخ شرف المذكور و سمي في السبعة الموجودة في
 الرصوية «تحرر الأنساب» و الظاهر ان هذا هو الذي مرّ أنها باسم «تهديب الأنساب»
 ٢٢٧١» و راجع عمدة الطالب ص ٣٢٤ ص جعفر و ما ذكرنا هناك في الهامش

ص ٥٠٩ من ٣، (٢٣ ج ١ ٩٩٩) التاريخ صحيح كما في تعويها التاريخي و من
 العريب عدم تعرض شيخنا المصنف لكتاب التهذيب و نسخه هذا في ترجمة شيخ
 الشرف في الباب و الحواثري علامة كبير به ترجمة في النقباء رقم ٦٨١ و أبسط منها في
 ماضي السلف ٢ ٩٣ - ٩٥ و قد توفي ١٣٧٨ كما في مستدركات النقباء و لعل نسخة
 التهذيب المريدة انتقلت إلى ولده العلامة شيخ عبد الله الحواثري و الله العالم برقا الله
 سبحانه ينطقه نسخة منه آمين. م ع ر في ٢٥ ع ١ سنة ١٤١٣ هـ

«تهديب الشيعة» ص ٥١٠ رقم ٢٢٧٧: راجع «مختصر الأحمدي ٢٠: ١٧٦: ٢٤٧١».
 «تهديب الطبع» ص ٥١١ رقم ٢٢٧٩: أقول مرّ له في هذا الجزء «تقريب الدفاتر ٣٨٧:
 ١٧٠٢» فلاحظ.

«تهديب طريق الوصول» رقم ٢٢٨٠ ص ٥١٢ من ٦، الأخاوي. أقول ذكر هذا في
 كتابه «الموائد المدينية ٢٧٧ ط تبريز ١٣٢١».

«التعليق» ص ٥١٥ رقم ٢٢٩٠: عدنا سحتان من هذه الرسالة في مجموعتين رقم ٢٥٤ و ١١٢٤ الأولى كتبت مع الجبر و الاخضر للدواني و غيرها في سنة ١٢٥١ في بيدر كنيته و علي طرفها أنها للمحقق الدواني جلال الدين و الثانية كتبت في ٩٦٨ في اردبيل و في فهرس هذه المجموعة الثانية أيضاً أنها للدواني المذكور

ص ٥١٦ س ١، المعارف: الصواب العاوي كما في سحتين المخطوطتين

«التعليق» ص ٥١٦ رقم ٢٢٩٢ أقول لم يذكر انصف مكان السخنة و لم نثر عليها و لاس اعته العلامة الجليل ملا ابوالحسن الشريف أيضاً رسالة ذكرناها في التكملة بعنوان [تحقيق فصول الاداء و الاقامة ٣، ١٨٥] ذكر فيها انه استفاد من رسالة حاله المذكور و نقينا عبارته هناك فراجع.

«التعليق» ص ٥١٦ رقم ٢٢٩٤: انظر رقم ٢٢٩٠.

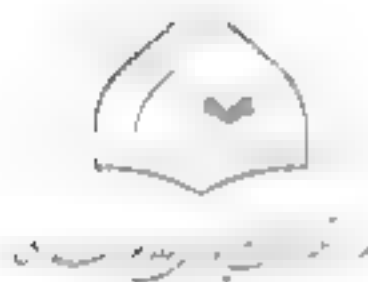
«رسالة التياسر» ص ٥١٧: في القلة للشيخ الاحل الشفق جعفر بن الحسن بن يحيى بن الحسن بن سعيد الحلبي صاحب كتاب شرح بسم الإسلام ذكره الشيخ الحر في الجلاء الثاني في رجاله المسمى بتذكره المتبحرين و لم يذكر بلعبده ابن داود رء في كتاب رجاله هذه الرسالة لكن بعد ما عدّ بعض مصنعيه قول وسيد كتب كثيرة غير ذلك ليس هذا موضوع استيعابها و الله اعلم.

بسم الله تعالى يقول العبد سيّد محمد علي روضاتي إني كتبت هذه المطالب حول رساله التياسر قبل خمسة و ثلثين سنة على ما يبلي و اليوم يوم الخميس ٤ ذي القعدة ١٤٠٤ عشرت بمناصبه ما على ما ذكره شيخنا مؤلف طاب ثراه حول الرساله في الجزء الثاني ص ١٨ بعنوان (استحباب التياسر) الخ فراجع.

«تيمورنامه» ص ٥١٨ رقم ٢٣٠٣ أقول انظر [ديوان شرف يردى ٩: ٥١٧: ٢٨٨٣] و ما في التكملة.

ص ٥١٨: صحّح الكتاب على جميع نصحيحاته.

قد صحّح جميع الاستدراكات في أجزاء لدرية و أحياناً اصغت إلى الكتاب ما جاء من الاستدراك في خاتمة ج ٢٥ و الحمد لله رب العالمين في آخر شهر صفر ١٤٠٥.



الجزء الخامس

«ثاقب المناقب» ص ٥ رقم ٨ س ١٠: قوله «و الشيخ يوسف البحراني في كشكوله» أقول: و أيضاً في كتابه درة السحابة ص « » حديثاً واحداً.

و قوله في س ١١ «و شيخنا العلامة الوري» أقول: شيخكم و علامكم هذا لم ير ورقة واحدة من الثاقب هذا وإنما «...»

و في س ١٢ «وقايع الأيام» أقول في ص ١٩١ و ذكره في فهرست ماخذ كتابه ص ٤ عدد ٥٦ و قال ألمه سنة (٥٦٠)

«ثبات نسب السائل» ص ٦ رقم ٩ «لقدعة للبلدة» في ح ١٧: ١٥ ٩٠ للسماعيني أيضاً.

«الثبت المصان بذكر سلالة سيد ولد عدنان» ص ٦ رقم ١١: أقول ينقل شيخنا في ح ١ ص ٣٤٩: ١٨٣٤ و ح ١٠. ١٨٦ ٤٢٩ تاريخ وفاة النسابة العبد عن الثبت المصان و لابد ان يكون النقل بالواسطة و يعتقدان الواسطة كلمة باشر احوار الريسات في الطبعة المصرية و اسم مؤلف الثبت هذا في المتن عبيد الله (ص ١٦ و ٣٣) و كما في المشعر الكشاف ١٢٦ مع اختلافات في نسبه أيضاً.

«الثغر باسم» ص ٧ رقم ١٩ س ١٧، ح ٢ - ص ٣٨٨: الصواب ح ١: ٣٨٨: ١٩٩٧.

«ثقات الرواة» ص ٨ رقم ٢١ س ٥، بخطه: و طبع بطهران ١٢٦٥

«الثقات العميون» ص ٨ رقم ٢٢، وثقات الأعلام: سماه أخيراً «طبقات أعلام الشيعة».

«لقوب الشهاب» ص ٨ رقم ٢٦ و يرجع شهاب المؤمن في ح ١٤ ص ٢٥٥.

«ثلاثون مسألة» ص ٩ رقم ٣١. لم يذكره المصنف في كتابه (حياة الشيخ الطوسي) كما لم يذكر شرحه الآتي في (ح ١٤ ص ٦٤) بعنوان (شرح المسائل الكلامية) للسيد عزيز الله المدرّس بحال هذا الكتاب يعرف بالمسائل الكافية أيضاً وقد عثرنا على شرحين آخرين له بالعربية كما يأتي وقد رأيت نسختين من هذه الرسالة في المكتبة المركزية لجامعة طهران و ما ترجمه هذه الرسالة و رساله أخرى في الكلام أيضاً للشيخ الطوسي بالعربية و رأيت نسخة ثالثة لها في المكتبة الرسولية و قدت السح كنها.

«ثمار المجالس» ص ١٠ رقم ٣٦. قدّ الأُمّدي رحمه الله في كتابه الآخر «شجرة حسبيّه» في شرح الصحيفة الإدريسيّة الموجودة نسخه الأصلية عند الحاج مهدي فخر الدين المصري الأُمّبي بطهران و نسخه انبصّه المصححة عندنا ما لفظه في أواسط الكتاب «مترجم گوید که من بخود در بعض مجلدات کتاب ثمار المجالس تفصیل احوال مَسُوخات و شرح عدد ابشار، هو عی تحقیق و استقصا نموده و بحرین نوشهام که گمان کلی دارم که این بیشتر تتبع نتوان نمود و الله يعلم» انتهى و ذكره أيضاً في مواضع أخرى منه فليراجع.

«ثمر الاسعداد» ص ١١. لشيخ عبد علي بن ناصر بن رحمة الخويزي ذكره في هامش كتابه «معارج الحقيق و مباهج القويين» الموجود نسخته في مجموعه من رسائله عندنا

«ثمرات الاوراق» ص ١٢ رقم ١٦: طبع في هامش تزيين الأسواق.
«الثمرة» ص ١٣ رقم ٥١ س ١٦. «لهمس القدسي». و وقع أيضاً هكذا في حاشية المسترك ص ٤٠٩ و طاهره النقل عن جامع الرواة للأردبيلي و يأتي في ص ٥٦ انّ النسخة التي كانت عند العلامة الوري هي من نسخة عن الأصل و على هذا فالاشتبه من كاتب جامع الرواة حيث انّ الموجود في النسخة المطبوعة على نسخه الأصل التي هي بخط مؤلفه و موجود في دانشگاه طهران سنة ١٠٧٩ و العبارة هكذا: نوّقى رحمه الله تعالى في شهر شوال سنة الف و تسع و سبعين رضى الله عنه و ارضاه. انتهى.

«ثمرة الحياة» ص ١٤ رقم ٥٥: + و ذخيرة الممات.

«ثمر القواد و سمر المعاد» ص ١٤. يحتاج مؤمن الجوزيري المذكور ذكره في طيف

الخيال.

﴿ثمرة الشجرة الإلهية﴾ ص ١٥: يراجع ج ١٣ ص ٧٩.

«ثمرة الفؤاد» رقم ٦٤ ص ١٦ س ١، الرسول: والدي عتر عه في الحديث و أورده صاحب الثمرة أن العقول هي الحجة الباطنة و يرسل و الأئمة هم الحجة الظاهرة.

«لواب القرآن» ص ١٩ رقم ٨٧: أقول و لعنه الموجود عند في مجموعة أولها صفوة الصفات لنكصمي و بخط جذا الحاح عموره و سماء بفسر أبي عبدالله محمد (أحمد ط) السيارى والله أعلم و انظر له كتاب القراءات في ح ١٧ ص ٥٢.

«جاء الحق» ص ٢٠ رقم ٩٤ أقول انظر ح ١٥، ٧١، ٤٧٥.

«جامع نامه» ص ٢٢ رقم ١٠٤ طبع بمشي سنة ١٣١٢ و در ٤: ٩٣ نوشته ام در (نصفه حسبه) ار آن باد کرده - در (نصفه ضروريه شجاعيه) مفصل تر نوشته است بايد عارتش نقل شود با خصوصيات جايي و رجوع بمشار.

«جام جم» ص ٢٣ رقم ١٠٥ س ٨ قوله (سبصر و له سنون سة) «...» و من مديحه في حق عثمان بن عفان، قوله «باهت عثمان ر شرم لكان رين» كانت وحي گشت و دوالورين» «...» و يأتي رد يون اوحدي ٩: ١١١: ٦٨٧.

«جام جهان نما» ص ٢٤ رقم ١١٠: لمقول لا يفتي أن [جام جهان نما] في اللسان القهوي هو عبارة عن الاسطرلاب كما في كتاب «احوال و آثار حواجه بصيرالدين ص ٤١٥» نقلاً عن حمزة الإصفهاني فراجع.

﴿جام جهان نماي عباسي﴾ ص ٢٤ انظر ص ٣٠١.

«الجامع في الأحاديث» ص ٢٧، يأتي انظر ص ٤٣ س ١٠ و يأتي في ح ٦ ص ٣١٢ ص ٣.

«الجامع في أعمال شهر رمضان» ص ٢٨ رقم ١٢٥ س ١٧ مير عبدالباقى: مرّ له «إكمال الأعمال» في ح ٢ و ذكر ترجمته في مكارم الآثار ح ٢ ص ٣١٦ و دانشمندان و بررگان اصفهان ص ٤٠٤ و مرّ ذكر جدّه (رقم ١٢٣).

«جامع الأحاديث النبوية» ص ٣١ رقم ١٤٥: لا يحمي أن العلامة المجلسي (قده) لم يذكر هذ الكتاب في بحاره و لكنّه وقعت بيده نسخة ناقصة منها لم يكن فيها اسم المؤلف و الكتاب و كانت النسخة تلو نسخة الإمامة و التصرة من الخيرة للشع على بن بابويه القمي فلم يعرفها و لكنّه نقل ظ كتما كان في النسخة في البحار بمصنوع أصل من أصول

القدماء (و غيره) و الذي أضرب أن تلك النسخة كانت في ملك المير محمد أشرف صاحب فضائل السادات فأعدها للعلامة المحمدي أستاذة فأمر هو أحد تلامذته باستنساخها فاستنسخها تماماً و هذه النسخة التي هي بخط محمد تقى بن محمد رضا تلميذ المجلسي و تاريخها ١٠٩٧ و صححها و قابلها العلامة المحمدي بنفسه قد كانت عند بعض علماء اصفهان فأهداها في سنة ١٣٨٥ أحد أعقبه إلى سعد ما طالعها و لاحظتها عرفت أن تلك النسخة مشتقة على الإمامة و النصره من الحجة للشيخ علي بن بابويه ره و على قطعة من جامع الأحاديث لما كان معروف عندي لأجل أن نسخة الجامع قد كانت مطبوعة من قبل في طهران كما قد حزن بذلك مشككة شيخا صاحب الدرعية في أمر الكتاب الأول أعني الإمامة و النصره ثم إن المير محمد أشرف قد نقل عن الكتاب الثاني و عن بعض تلك النسخة الناقصة (بلاشبهة في ذلك) في كتابه فضائل السادات ص ٢٢٩ طبع ١ السنة ٥٣ فراجع و ليظهر ما عنيها ها و إلى مقالة معقدة لنا في أمر الكتابين و الحمد لله رب العالمين و صلي الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين حرره السيد محمد علي روضاني في ٢٦ صفر الحرة ١٣٩٩ في بيته بإصفهان.

ثم إنه قال العلامة آقا محمد علي الهنائي المتوفى سنة «...» في تحقيقه حول مسألة المصنف في مجموعة له عندنا بخطه ضاب ثراه [بما مش في ١٣ من المجموعة] ما يعظه «روى الشيخ الفقيه أبو محمد جعفر بن أحمد بن علي القمي مؤلف كتابه العروس في كتابه جامع الأحاديث عن النبي (ص) أنه طرق مدعة من بني إسرائيل» و أظنه ناقلاً عن النسخة الكاملة التي تملكها سردار الكاظمي عنه و الله العالم و لعل الآقا محمد علي أورد المطلب في كتابه «مقام المصل» أيضاً فراجع و انظر ما ذكرناه حول الإمامة و النصره في موضعه و السلام. حرر في ليلة ٣ ع ٢٤ سنة ١٤٠٦.

﴿جامع الأحكام﴾ ص ٣٢: الرسالة لشكبة الآتية في الشين للملا عليمدد السروجي ستمت بذلك حين الطبع.

«جامع الأخبار» ص ٣٣ رقم ١٥١: قال الشيخ الحرّ في إجازته للشيخ محمد فاضل الشهيدي (ص ١٦١ من إجازات البحار) ما نصّه (و أجزت له أن يروي عني كتاب مكارم الأخلاق و كتاب جامع الأخبار لمحمد بن الفضل الطبرسي بالسند السابق عنه) انتهى.

ص ٣٣ من ١٢، من (١٢٨٧): بل من سنة ١٢٧٠ فقد طبع بظهران في هذه السنة نسخة بالقطع الوريدي على الحجر. تراجع «سخمهای خطی»، دفتر ٧ بشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ص ١٢٦.

ص ٣٣ من ٢١، جماله: / إجلاله (الثقات الميوني).

ص ٣٣ من ٢٢، الثاني: / الثامن (الثقات الميوني).

ص ٣٣ من ٢٣، املاء: / لما (الثقات الميوني).

و المتن موافق للنسخة المطبوعة من الجامع.

ص ٣٥ من ١: فيه الرد على صاحب المستدرک شیخ المصنف.

«جامع الأخبار» ص ٣٧ رقم ١٥٣ من ٢٠، مجامع الأخبار. أقول عدّ في الروصيات من جملة كتبه مجامع الأخبار فلاحظ.

«جامع الأصرار» رقم ١٦٤ ص ٣٩ من ٢، و يقل عنه: و يقل عنه حدّنا العلامة في

آخر المجلد الثالث من كتابه الروصيات في دليل أحوال كميل بن زياد المشهور به.

«جامع الأقوال» ص ٤٢ رقم ١٧٤ أقول ذكره العلامة السيّد أبو محمد الحسن قلنس

سره في [تكملة الأمل ٤٣٦ ٤٢٥] و هناك اسمه حدّنا الأعلى زين العابدين مكان زين الدين

و المتن موافق لما في ترجمة الرجل في إحياء النثر ٢٧٦ مراجعه. و انظر ما يأتي [قائدة في

الفاظ التعديل ١٦: ٧٨: ١٣].

«جامع الأنوار» ص ٤٣ رقم ١٧٥ جامع الأنوار ترجمه هفتم بحار بیست بلکه مختصر

آیست به عربی فتأمل. صحّحه المصنف بعد ما كتبه إلى امه.

«جامع البحار» ص ٤٣: بالمعاصرة للصوفي الضیّب محمدتقی الكرمانی المدعو بمطهر

علي شاه حسب طريقة الصوفية و ليس من دأب عدّ أمثاله في رجال الشيعة و لكن

المصنف به ذكر آثاره و منها «بحر الأسرار ٣ ٢٩ ٥٠» فتبعناه ذكر تفصيل أحواله مع

العلوّ و الأكاديب في «بستان السباحة ٥١٣ طبع اهست» لشيخروانی الصوفي المبدع للعائد

المكّم و ذكر فيه تصانيف الرجل و منها «جامع البحار» هذا و نقل شطراً منها فيه

(ص ٥١٤ ٥٣٥) و جلّها في دَم العلماء و الفقهاء الأجلّاء ولكنّه مدح العراقي الناصب و

بقوله [و كتاب إحياء العلوم لأسوة العرفاء محققين أبي حامد العراقي] انتهى. فاعرف

معتبر العرفاء المحققين عند القوم من هذا التعريف والله العاصم.

«جامع البرطقي» ص ٤٣، مرّ آنفاً. انظر ص ٢٧ س ١١ و يأتي في ج ٦ ص ٣١٢ س ٣
«جامع البين من فوائد الشرحي» رقم ١٧٧ - ص ٤٤ س ٧، بعلامة: الصواب بلا
شدة.

«جامع التأويل لمحكم التزويل» ص ٤٤ رقم ١٧٨ س ١٨، الحسيني الصواب الحسيني كما
هو معلوم.

و في س ٢٠ قوله ص ٧٢ الصحيح ص ٧٩.

«جامع التصور» ص ٤٥ رقم ١٧٩ س ٢٤: انظر ما ذكره في ج ١ ص ٣٧٤
ص ٤٦ س ٢، الحكماء: هذا خطأ والصواب (أخبار الشر) كما يّنه في التعليقة على
(أخبار واحد).

«جامع التواريخ» ص ٤٦ رقم ١٨٢: أقول طبع قسم مهم من [جامع التواريخ حسياً
في تاريخ اليمورية بعد يمحور و ينتهي إلى سنة ٨٥٧ في مطابع لاهور كما وصفاه في
الكلمة على [مقصد الإقبال ٣٢ ١١٠] و تشيع مصنعه غير معلوم بل يظهر تشبهه من
كتابه و إن مدح فيه أمير المؤمنين و أهل بيته الطاهرين سلام الله عليهم أجمعين و أمّا
قول شيخنا ره في فراع الرجل من سلف كتابه فالصّحّ الموجود و في آخره لا يلائم ما
ذكره لأن في ص ١٧٥ واقعة بتاريخ ليلة السبت الثامن من شهر ذي القعدة سنة سبع و
خمسين و ثمانمائة موافق لخاقوي ليل التركي و تم الكتاب في ١٧٦ ص و بعدها تعليقات و
تصحیحات و فهرس.

«جامع جهري» ص ٤٧ رقم ١٨٧ راجع «جامع مفیدی» في ص ٧٢؛ ٢٨٣ و ص ٣١٨
س ١٦ و قوله في س ٢٢ (رجح الآتي) الصواب (رجح الآتي)

«جامع الحساب» ص ٤٨ رقم ١٩٤. أقول سيأتي هذا الكتاب بعنوانه الأصحّ [جوامع
الحساب ٢٤٩] و انظر التمهيد في كتب [احوال و آثار خواجه نصير ٣٨٠] فما بعدها
للمرصوي.

«جامع الخيرات» ص ٥١، في شرح أسرار الصلوة، يعني التسيّهات العسة للشهيد الثاني

«جامع الدلائل» ص ٥٢ رقم ٢٠٦ س ٢٥، «في كشف المحجب»: + و روضات الجنات و بعض نسخ أمل الآمل.

«جامع الرواة» رقم ٢١٣ ص ٥٥ س ٣، هما كالشرح أقول هذا صحيح إلا أن الأردبيلي رحمه الله لم يقل في كتابه الحواشي الكثيرة التي أوردتها الميرزا نفسه على كثير من تراجم كتابه الوسيط هذا بحيث قلما توجد صفحة من صفحات الوسيط ليس فيها حاشية منه قدس سره و في ثلث الحواشي تعقيقات عالية جليلة و الظاهر أن النسخة التي كانت عند الأردبيلي من الوسيط و نقل عنها في كتابه كانت عملاً عن تلك الحواشي نظير عدة نسخ عدنا من الوسيط أهل السامخون عن نقل الحواشي و لكنها موجودة تماماً في نسخين عدنا أيضاً كتبنا في حياة الميرزا و عسى أكثر مواضعها حواشي الميرزا طاب ثراه و من هذه الناحية يجب الاهتمام بشأن الرجال الوسيط و إحيائه بتحقيق الكتاب بعد جمع ما أمكن من نسخه و طبعها مع جميع الحواشي و عرض المتن على جامع الرواة أيضاً و الله الموفق م عر عمره ١٤٠٩

ص ٥٦ س ٦، سليمان ليراجع مقدمة جامع الرواة للطبوع سنة ١٣٧٢ إلى سنة ١٣٧٥ بطهران في ص ٧.

ص ٥٦ س ١٢٤، (١٩ ع ١١٠٠). كما رأيت بخطه في فهرست مكتبة جامعة طهران ج ٢ ص ٧٤٤.

«جامع المتقين» ص ٥٨: مولانا عواجه صباالدين أحمد بن محمد بن ريد الطوسي هكذا نقل عنه الميرزا عبدالله الأمدي في كتابه (نعمه حسنيه) في ترجمة الصالح الإدرسية قال «و مولانا عواجه صباالدين أحمد بن محمد بن ريد طوسي در كتاب جامع الستين خود در قصص ابياء در احوال حضرت ادریس پيغمبر آورده كه ادریس فرزند مهلايل بوده» الخ.

«جامع السعادة» ص ٥٩ رقم ٢١٩: أقول مرّ للسيد الشهستاني أنوار الرياض ٢: ٤٢٧: «١٦٨٣» و سيأتي له «جّة المأوى ١٦٠، ١٦٧» كما يأتي له أيضاً غيرها منها «مشكوة الهداية ٢١: ٦٤: ٣٩٦٨» و عدد نسخة جامع السعادة و «...»

«جامع الشرايع» ص ٦١ رقم ٢٢٦: لا يخفى أن الصحيح الجامع للشرايع كما صبطه

الرجائيون في كتبهم.

ص ٦١ س ١٦، يوم غرقة: الصحيح لينة عرفة كما قاله تلميذ صاحب العنوان الحسن بن داود و صاحب الامل و النقد و المسجع و غيرهم فلا تغفل. (صحيحه المصنف بعد ما كتبه إلى أبيه)

و قوله (٦٨٩): فائده السيوطي في اسبعية نقلاً عن المهي.

و قوله (٦٩٠): فائده ابن داود و صاحب المسجع و النقد و غيرهم.

«الجامع العباسي» ص ٦٢ رقم ٢٤٢ من ٢٥، (١٠٣٩): الصواب سنة ١٠٣٠ كما بيناه مراراً و راجع ما ذكرناه في السكينة حول «شارع السجدة ١٣، ٤، ٧».

ص ٦٣ س ٦: أقول قد مرّ «ترجمة الجامع الفاسي» في ح ٤ ص ٩٣.

«جامع العقائد» ص ٦٣ رقم ٢٤٣: و ذكره أبيه في مناقب الفضلاء و قال إن قصده إمامه و الله أعلم.

ص ٦٦ س ١: يراجع حتماً (نقده هـ و حديث ص ٤٧) و (باريحه محله متواتر)

«جامع الفوائد» ص ٦٧ رقم ٢٦٢: يراجع جمع الفوائد في ص ١٣٩ و الظاهر اتحادهما و راجع «شرح حطّة قواعد الأحكام ١٣: ٢٢٤: ٧٩٥» و هو مشتمل على مطالب عالية و عبدنا منه عذّة نسخ لا يزيد صفحات لرئاسة على عشر في الغالب.

«الجامع الكبير» ص ٦٩: في العمدة الشريف للمسيّد محسن الأعرجي طاب ثراه. انظر (مقدمة الجامع الكبير) في مكانه.

«جامع المسائل» ص ٧٠ رقم ٢٧٥. أقول يأتي أيضاً مختصاً بعنوان «السؤال والجواب ١٢: ٢٤٩ س ١٨» و انظر لمسيّد «ترسالة العميّة بالفارسية ١١: ٢١٨: ٢٢١» و لغيرهما واحد و الله العام.

«جامع المسائل النحويّة» ص ٧٠ رقم ٢٧٧ س ٢٣، الترتيب المنثور: ذكرهما في كتابه «طيف الخيال» الذي مرغ منه المؤلف في ظهر يوم السبت ١٦ شوال ١١١٦.

«جامع المعارف و الأحكام» ص ٧١ رقم ٢٨١: أقول توجد عذّة مجلدات من هذا الكتاب الشريف عند الدكتور اصغر مهدي بطهران بعضها بخط المصنف كما فصل في «نشره كتابخانه مركزي داشگاه تهران ٢: ١٤٦ ١٤٧»

«جامع مفهومي» ص ٧٢ رقم ٢٨٣ تراجع (ح ٥ ص ٣١٨ س ١٦) و «فهرست أحمد متزوي ٦ ٣٠٢ مما عدلها» و (مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمه الله ولي كرماني) نشر ژان اوبن ط طهران ١٩٥٦م ١٣٧٦ق.

«جامع المقاصد» ص ٧٢ رقم ٢٨٤: أقول لتاريخ وفاة الحق الكركي ره تراجع إجارته في ح ١ و ما كسا هات في الحواشي ر أيضاً تراجع الدرّ المنشور للشيخ علي ح ٢ ص ١٦٠ و تعليقاتنا المخطوطة هناك و فهرسا الكبير رقم ٨٦٢ حول المطالب المظفرية.

«الجبر و الاختيار» ص ٨٢ رقم ٣٢٠ س ١٠، طبع: أقول مرّ ذكرنا في هامش ص ١١٨ ح ١٨ ديل عنوان (كلمات المحققين) أنّ هذه الرسالة لصدر الخاتمين الشيرازي و قد أعطى الناسخون في نسبتها إلى المصنف و لنا وضي الله سبحانه لطبع رسالة صدرنا في سنة ١٣٨١ باصفهان انعمت عن التعرّض لهذا الخطأ فاستدركت ذلك بعد الطبع في هامش نسحق الخاصة و الله العاصم

«الجبر و المقابلة» ص ٨٦ رقم ٣٤٩، اليهشقي: انظر إلى كتاب الحساب ج ٧ ص ٦ و رسالة في الحساب ح ١١ ص ١٧٦.
ص ٨٧ س ١، الآتي: رقم ٣٥٧.

«الجبر و المقابلة» ص ٨٧ رقم ٣٥٥ أقول ينظر التمهيد في كتاب «احوال و آثار خواجه نصير ٣٨٣» للمترجم الرضوي بعنوان [رساله در حساب و جبر و مقابلة]
«الجبر و المقابلة» ص ٨٨ رقم ٣٥٧ س ٨، آلف: رقم ٣٤٩.

«رسالة الجندري» ص ٨٩ رقم ٣٦٦: تراجع براماً «مكارم الآثار ح ٧ رقم ١٥٤٧»
«الجليل الأصم» ص ٩٢ رقم ٣٨٤: أقول انصر [صلاة الصلاة ١٥: ١١٣: ٧٥٦].
«جواند البلدان» ص ٩٣ رقم ٣٩١، أبو حروب: هو صاحب (الأسباب ٢: ٣٧٤: ١٥٠٦) و مبدكر في ص ٩٧ س ٢٣

«الجواب» ص ٩٤ رقم ٣٩٢ س ٣، المشارك معه: الصواب و المحرص له فأنه لم يشاركه في تأليفه شيئاً قط و هذا واضح من نظر في آخر الروصات و قد تكرّر هذا الخطأ الفاحش و الظلم للمحش من شيخنا المصنف في القضاء ١١٤٧ و لسفل أوصاف صاحب الروصات لرجل في إجارته له و من خاتمة الروصات و من السخة الروصات للسيد

عبدالمعار و يظهر من الأوصاف أنه لم يذكره بوصف عمي مطلقاً و حث الأصدقاء لأصحاب التأليف و التصنيف أمر شائع من القلم فتما يتفق خلافه و قد حث نفسه فصل الله الالعاطي المروزي صديقه و صاحبه السمعاني على إتمام كتابه الأنساب و يعجبه ذلك [رجل تاج العروس ص ٣ ٣٣٧] فهو احث بلام للمشاركة في التأليف يا هذا؟

(الجواب) ص ٩٤: للميرزا محمدحسين الحمداي الاصمهايي المتوفى (١٣٢٤) أيضاً كشكول كما في «مكارم الآثار» فيلاحظ ثم لا يخفى أنني ررت خرامة كتب منك التجار في طهران في ١٤ ذي الحجة ١٣٨٧ و طست نسخة الجراب من الطانقاني مدير الخزانة و كان هناك الميرزا أحمد المتروزي ابن المؤلف فلم يحده في المعارس فراجع في الوقت معه الحاج حسين آقا نيك و كان في البيت فتكلم معه في شأن الجراب و مالكة الحاج شيخ عبدالرحيم فأجابه بأنني ما سمعت اسم هذا الكتاب قط و لا أعرفه أصلاً و هذا من العرائف و لكه اعترف لطانقاني باشتراء بعض كتب الشجع عدا حسين و الله العالم.

«جريدة الأنساب» ص ٩٧ س ٢٤، كما مرّ يعني في ص ٩٣.

ص ٩٨ س ٢. «تذكرة النسب»: أقول مصوّرة نسخة من التذكرة هذه عندنا موجودة و أصلها في الرصوبة و المطالب المعونه عنها في الدرر في ١٦٥ منها في آخر النسخة و قوله (ج ٢ ص ٢٨٢) الصواب (ج ٢ ص ٣٨٢)

ص ٩٨ س ٣، من طبعة مشايخ مؤلف طبعه مشايخ العلامة، ترجمه مؤلف.

ص ٩٨ س ٤، ابن عنه. الصواب ابن عتة

«جريدة طهران» ص ٩٨ رقم ٤١٠، يحيى. أقول هكذا عمود نسب السيد أبي طالب يحيى في نسخة المصوّرة من كتاب المشجر المعروف تذكرة النسب حررها بحرف كما هو كذلك في الثقات العيون (ص ٣٤٠) إلا في عبيدالله الأعرح فإنه طبع في الثقات عبدالله و هو من خطأ الطبع و علاوة على ذلك عمود النسب في نسخة التذكرة غلط و الصواب «...»

«جريدة طهران» ص ٩٨ رقم ٤٠١: أقول هذا ليس كلام البيهقي و لا مراده فإنه بعد أن أورد نسب الرجل بقوله (فصل ديگر: فرید طهرانسی است و هو محمد بن

أبي البشار) إلى آخر السب قال بلا فصل ما لفظه (و عليه العهدة عن خروج سبه بالرجوع إلى جريدة طرابلس) انتهى و ليس في هذا الكلام دلالة على أن السيد أخذ سبه عن جريدة طرابلس و لا على وجود تلك الجريدة مطلقاً مع عر عمي عنه في ليلة ١٣ قع ١٤٢٤

«الجزء الفصل ابن حرم» رقم ٤٢٨ ص ١٠٥ من ١، صالح بن حمزة: / داود بن سلمان بن روح.

«الجزيرة الخضر» ص ١٠٥ رقم ٤٤٥ من ٢١، البحار: أقول و أسقطها المترجم المعاصر في ترجمته الفارسية المطبوعة طناً بظهران منه بأن القصة لا أصل لها سيما ذلك وكن الأمانة العسبة قاصبة بخلاف ذلك و لله العاصم و انظر حول الجزيرة الخضر (ج: ١: ١٦٥ - ٨٢١ في تكملتنا و أيضاً ح: ١: ٥١٣، ٢٥١٣) و لصديق الماخذ الجليل الشيخ أكبر البربري (على أكبر مهدي بور) كتاب [جزيرة خضر] و تحقيقي بزامون مثلث برمودة] ط بظهران سنة ١٤٠٤ و هو كتاب ممتع جداً و له فارسية و فيه الرد على المكربين بالكسر و المنكرات بالفتح في عدة من المؤلفات المطبوعة و من حملتها الرد على هذه التعليمة الطويلة على هذا العنوان كما أن له الرد على القاضي الطباطبائي في تعليقه على الأنوار العمادية حيث استشهد السيد بأسريه و حاشيها هذه و للسيد القاضي أيضاً كلام حول المسئلة في ما الحقه بكتاب [نيس الموحدين صبح تبرير] مراجعه و لما حول بعض هذه المطالب و غيره أيضاً نظرات و انظر «العمدة ١٥: ٢٣٣، ٢١٥٤» و أصلح في المتن (في ص ٢٠) الخضر بانصاف المعجمة و (في ص ٢١) الجند مكان جند.

«جريدة المعالي» ص ١٠٧ رقم ٤٤٦: + نقب حشر التمر. صح

ص ١٠٧ من ٣٠، (البربر - ١٣٠٩): أقول و في الطبعة الحديثة من الأنوار (ج: ٢: ٥٨) و يوجد التفصيل أيضاً في أواخر كتاب (عرائف الأخبار و نادر الآثار) للسيد نعمة الجزائري المذكور و نسخه المخطوطة عندما موجودة بخط أحد أجدادنا الكرام أعلى الله تعالى مقامهم في دار السلام و انظر «وسيلة النجاة ٢٥: ٨٨: ٤٨٤» مع التكملة.

«رسالة جعفر الصادق عليه السلام» ص ١٠٩ رقم ٤٥٣، الحجر: انظر «رسالة الجعفرية» في حرف الراء.

«الجعفرية» ص ١١٠ رقم ٤٥٧ ص ٢٣، خمسة أبواب: أقول الصواب أن الجعفرية مرتبة على مقدمة و أربعة أبواب و خاتمة.

و أما قوله (نسخة خط مؤلف) هذا أيضاً خطأ فإن السبعة الموصوفة ليست بخط المصنف بقياً اشتباه من مؤلف فهرس الرصونية ح ٢ ص ٣٣ رقم ١٠٩ فهي (حياة) تحقيق الكركي و آثاره ج ٤ ص ١٢٣) تصوير صفحة الأخيرة من تلك النسخة و فيها صريحاً (عاشر شهر جمادي الأول - لا الأولى و لا الأخيرة - ستة سبع عشر و تسعمائة) و هكذا الحال في النسخة التي ذكرها شيخنا بعدها في السطر الآخر فأنصفحة الأخيرة منها تصويرها في الكتاب المذكور ص ١٢٧ و هناك (عبدالمعالي بن نورالدين) و هكذا في فهرس المكتبة ح ٤ ص ٣٣ رقم ١١١ هذه الصورة (كاتب عبدالمعالي بن نورالدين بسر مؤلف است) و هذا أيضاً كما يرى و الله العاصم م غر في ليلة ١٩ محرم ١٤٣١

قال تحقيق الكركي في مقدمة الجعفرية (و بعد فان التماس من اجابته من أفضل الطاعات الخ) أقول رأيت في هامش نسخة مخطوطة في عام ١٠٨١ عند قول المصنف هذا ما نصه: (و هو السيد الأعظم أميرة الأكابر و الأعلى ملجأ الأفاضل مریدالزمان و وحيد الأوان السيد الحبيب السبب الأجل الأقل من مرید الدنيا و الدين مریدون (ك) جعفر الحسيني الشاهري أدام الله تعالى شرف معاليه و قرن بالسيادة و السعادة أيامه و لياليه بمحمد و دويه ١٢) انتهى و النسخة من كتب السيد الخاتون آبادي. أقول و لهذا سُميت الرسالة بالجعفرية.

ص ١١١ س ٢، المقاصد العلية: بل في حاشية العوائد الخلية المطبوعة عند المقاصد العلية.

ص ١١١ س ١٢، عبدالمعالي الميرزا: نسبها إليه شيخنا الحرّ في الآمل عند ذكره مراجع. ص ١١٢ س ١٢، الاشعيات. و تراجع عنوان «رواية الأبناء عن الآباء» في ح ١١ ص ٢٥٨.

«الجمعية الصادقية» ص ١٢٢: راجع (لرسالة الخلية) في (ح ١١ : ١٦٤ : ١٠٣٣).

«الجغرافيا» ص ١١٣ س ١٣ و يفتقر عنه الاصطخري كما في معجم المطبوعات

«جغرافياي نظامي» ص ١١٦ رقم ٤٨٠ س ٢٥، روم آرا: قتل على روم آرا عني يد تحليل طهماسي من عمال حرب فدائيان اسلام قبل الظهر من يوم الأربعاء ٢٨ ج ١ سنة ١٣٧٠ حين دخوله في المسجد السطاني بظهران لخم مجلس ترحيم آية الله انور محمد المير و وجه تسميته بالخاج عني أنه ولد في عيد الأصحى كما رأيت في بعض المنشورات و كان حيث رئيس الوزراء.

«الجفر» ص ١١٩ س ١٥، يعرفها: أقول تصواب (يعرفونها و يحكمون بها) أي الجمر و الجامعة كما نقل كلام الشريف في المقصد الثاني من نوع العلم عنه مفصلاً النهاية في «كشف اصطلاحات العلوم ١: ٢٠٢ - ٢٠٣ ط ١» و لاحظ الطبع المصرية أيضاً و الله ملوفق و انظر أيضاً كتاب «مجمع سورى ١: ٢٩٣ فما بعدها» و هو كتاب الجواهر للسيروري الواعظ فقد تكلم فيه حول الجمر و الجامعة و حول كلام شارح المواقف و أيضاً يراجع كتاب «معالم الميرمنى ٢: ٢٩٩ فما بعدها» قال صاحب «أعيان الشعة ٢٧، ٦٠» في ترجمة الملا حسنى الواعظ الكاشفي بعد عد مصنفاته السبعة و الثلاثين ما لفظه «هذا ما وصل إلينا من أسماء مؤلفاته و يلاحظ أن جلها أو كلها بالمارسية و أن جملة منها فيما لا محنة فيه كالبحر و البحر و أسرار الحروف و الأعداد و الجمر و غير ذلك مع أن الجمر لا يصح عدة عنه لأن الجمر هو الجدي و قد ورد أن النبي صلى الله عليه و آله ألقى عني عني عبيد السلام ما كتبه في جلد جمر كما أشار إليه المقرئ بقوله: لقد يحبوا لأهل البيت ما أروهم عنهم في مسند جمر و بقي هذا المكتوب مخروفاً بعد أئمة أهل البيت لم يطبع عنه إلا بعض خواصهم فتوهم أنه علم يمكن استخراجه بشيء من الحساب و نحوه توهم سخيف» انتهى كلام صاحب الأعيان حول الجمر و الله العالم. م غر في ٢٥ ج ٢ سنة ١٤١٤

«جلوات ناصوية» ص ١٢٧ رقم ٥٢٣ يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٤٩٨.

«جمال حديقة أنوار الجنان الناصرة و كمال حديقة أنوار الجنان الناطرة» ص ١٢٩: للكفعمي ره كذا في «صموة الصفات في شرح دعاء السمات» عند شرح قوله (ع) «و ركذت لها البحار و الأنهار».

«الجماهر» ص ١٣٢ رقم ٥٤٣: أقول انظر مقالة حول هذا الكتاب في مجلة (آينه).

مرداد سنة ١٣٦٢ش ص ٣٦٩ بعد).

«الجمع و التوفيق بين رأيي الحكيمين في حدوث العالم» ص ١٣٤. أقول بل يأتي في «حدوث العالم ٦: ٢٩٤: ١٥٦٩».

«الجمع بين رأيي الحكيمين» ص ١٣٥ رقم ٥٥٩. يراجع حدوث العالم للمير الداماد في ح ٦ ص ٢٩٤

«الجمع بين الفاطميتين» ص ١٣٧ رقم ٥٦٦ ص ٩، الرسالة: هذه الرسالة مذكورة في ح ٤ ص ١٥٨.

«جمع الشطاب» ص ١٣٨ رقم ٥٧٥ أقول و إجارة امام الحرمين لجندنا العلامة الحق السيد مهرا مسيح ابن الإمام المحدث و صاحب الروضات بخطه موجودة عدي في كتابي رياض الأبرار و راجع ح ١١: ٢٥: ١٤٥ إلى ١٤٨.

«جمع الفوائد» ص ١٣٩ رقم ٥٧٧: يراجع جامع الموائد في ص ٦٧
«كتاب الجمل» ص ١٤١ رقم ٥٩٨ ص ٢٤، كتاب صفين يأتي في (الصفين ١٥: ٥٢: ٣٤٤).

«جمل الاعراب» ص ١٤٣ رقم ٦٠٨ و عندنا نسخة مكتوبة سنة ١١١٤.
«جمل العلم و العمل» ص ١٤٤ رقم ٦٠٩ ص ١٣، لا يتأكد / لا يكاد يملك؛ كما في نسختنا و الظ أنه الصحيح.

«الجموع و المصادق» ص ١٤٦ رقم ٦١٧ عندنا نسخة بخط المرحوم الحاج آخوند الخورتنائي في مجموعته المرقمة ٢.
ص ١٤٦ ص ٩، لبلال: / ثلاث.

«الجمهرة» ص ١٤٦ رقم ٦١٨ يرجع ما علقناه على الروضات.
ص ١٤٦ ص ٢٥، فوأعلى: / قرأ علي.

«الجمهرة» ص ١٤٧ رقم ٦٢٠، النسب: انظر «أسباب قریش» في ح ١: ٢٨٢ و «نسب قریش» في ٢٤: ١٤١: ٧٠٣ و ما فيه و قد طبع

قال للسعودي في المروج ح ١ ص ٢٧٤ عند ذكره نسب النبي صلى الله عليه و آله هذا ما في نسخة ابن هشام في كتاب جمهرة النسب.

«جنات الخلود» رقم ٦٤٦ - ص ١٥١ من ٢. باغ عند لا يحصى أن (باع عدد) مطابق لسنة ١١٢٧ و في آخر النسخة المطبوعة سنة ١٢٧٣ أن تاريخ مدة الانتقام سنة واحدة بعد الشروع فيه (يكسأل بعد أن است) و الأستاذ أحمد المروى ذكر في «فهرست نسخه‌های خطی فارسی ح ٦ ص ١، ٤٤٥٠» عتة من نسخ الكتاب المخطوطة و الط أن أقدمها في الرصوية و المجلس من عصر المصنف ثم لا يفي أيضاً أن المصنف ذكر اسمه في خاتمة كتابه بهذه الصورة (محمد رضا امامي خاتون آبادي) و راجع «ابواب الهداية» في ح ١.

«جنات عدن» ص ١٥١ رقم ٦٤٧ س ١٩، طيف الخيال: موجود عددا محمد نعالی و الكتاب مذكور فيه.

«جنات الوصال» ص ١٥٢ رقم ٦٥١ س ١١، الفتوى: أرخ وفاته في نور الأبصار لشيع اسدالله و في مختصر المكارم سنة ١٢٣٠

«جنات الحان و روضة الأدهان» ص ١٥٣ رقم ٦٥٢ س ١٨، طالع. الصواب في اسم والد طالع رزك بتقدم الرء المهمة المضمومة و نظر بعض أخباره في كتابا جامع الأنساب ١: «...»

ص ١٥٧ س ٢٤، مسعود أقول الظاهر أن شيخ المصنف عنه الرحمة نسي أن يذكر مسعوداً و كتابه في الروضة البصرة مكتبه هامش سخطا.

«جنة المأوى» ص ١٦٠ رقم ٦٧٧: هذا الكتاب عددا موجود في مجلدتين كبيرين نامتير اوله «الحمد لله على الارشاد لبصرة الدين بالاجتهاد» و مر له «جامع السعادة» ٥٩: ٢١٩.

«جنة الناظر و جنة المناظر» ص ١٦١ رقم ٦٨٠ مذكر له «تحقيق عية المتظر» عليه السلام في موضعه من الهاء.

«جنة النعم و العيش السليم في أحوال سيدنا عبد العظيم» ص ١٦٠ رقم ٦٨١: أقول مر في هذا الموضع [جنات النعم ١٥٢: ٦٥٠] و غيره و يأتي [الخصائص العظيمة ٧: ١٦٩: ٨٩٦] و يأتي لنجاح ملا باقر [الخصائص الماضية ٧: ١٧٣: ٩٠١].

«جنگ» ص ١٦٥ س ١ أقول نقل الخاج فرهاد ميرزا في كتابه «رسيل: ٢٥٨/٩»

جنول مربعات عن جنگ نمیس وصفها بقوله «مربعات از جنگی که برای شاه سیمان جمع آوری کرده بودند نقل شد» انتهى.

«جنگ» ص ١٦٥ رقم ٧٠١: طبع هذه السمية بعنوان «..»

«جنگ نامه» ص ١٦٩:راجع فهرس المكتبة المركزية بجامعة طهران ج ١٦ ص ٥٢٤.

«جنگ هفتاد و دو ملت» ص ١٦٩: راجع العواصم في العاف و الهاء.

«جواب الشيخ ابراهيم حسنا» ص ١٧٢ رقم ٧٤٧: عدي نسخه مع جواب الجواب

ضمن مجموعة رسائل كتبها لطف الله الخوري عام ١١٠٤

«جواب اعتراضات سلطان العلماء» ص ١٧٤ رقم ٧٦٢: يأتي تفصيله في (الرد على

سلطان العلماء ١٠: ٢٠٠: ٥٢٤)

«جواب بعض الأشراف» ص ١٧٨ رقم ٧٧٤ س ١٤، للشيخ محمد: هو صاحب «شرح

اصول الكافي» المسمى (هذه المعبر ٢٠: ٢٠٢: ٢٧٠)

«جواب بعض العاقله» ص ٧٨ رقم ٧٧٥ س ٢٥: مجموعة: لم أحد ذكرها في

المجموعات في ح ٢٠.

ص ١٧٩ س ٣، جوابات: انظر ص ٢٠١ رقم ٩٣٩ و (ح ١٢: ٢٤٢: ١٥٩٠) و (ح ٤: ٨٣

: ٣٦٤).

«جواب السؤال عن نجاسة المحالين» ص ١٨٣ رقم ٨٠٩: راجع التكملة على [رفع

الالتباس «..»

«جواب السؤال عن وجه ترويح أمير المؤمنين ع ابنته عمر» ص ١٨٣ رقم ٨١١ يأتي

ذكره مختصراً أيضاً في ج ٢٠ ص ٣٩٧ و انظر أيضاً ج ٢٤ ص ٣٠٠ س ١٧ و نسخه عندنا في

مجموعة جلية كتبها بخط جدنا و شقيق جدنا العلامة الحاج مير سيد محمد الموسوي

الخوساري رقمها في المكتبة ٧٠٩ و أول رسائلها الاقتصاد للشيخ الطوسي.

«جواب شبهات إبليس» ص ١٨٤ رقم ٨١٥: نسخة منها بأخر نسخة جيدة من

المجالس في مكتبة مسجد گوهرشاد كما في فهرسها ١: ٣.

«جواب المسائل الثلاث» ص ١٨٧ رقم ٨٣٩، (١١١١): كما مر في ح ٤ ص ١٩٢

«جوابات ابن هروغ» ص ١٩٦ رقم ٩٠٤: أقول ذكره المصنف في (إحياء النائر ٩٠ و

١٥٩ مكرراً) من دون إضافة شيء آخر على ما في المتن و لم يذكر نسخة تهذيبه في موضعه «تهذيب الأحكام ٤ : ٥٠٥ . ٢٢٦٣» و انظر ما ذكرناه في التكملة هناك.

«جوابات أبي سعيد أبي الخير» ص ١٩٧ رقم ٦١٥ مكرراً لعدد (٧٥٢)

«جوابات الشيخ أحمد العاملي» ص ١٩٩ رقم ٩٢٢: أقول قد سبق ذكر هذه الجوابات بعنوان «الأسئلة لطارجه ٢ : ٩١ : ٣٦١» و عندما نسخها بخط عمّا العالم العاقل السيد محمد جواد شقيق الإمام المجدد صاحب بروصات قلنس الله تعالى روحيهما في مجموعة جيلة كتبها بخطه ره تاريخ بعضها ١٣٣٩ و عندما أيضاً نسخها في مجموعة رسائل أخرى بخط حبيب بن أحمد الاصمعي من القرن ١٣ و يأتي للشهد أيضاً الرقم ٩٥٩ و يأتي (جوابات المسائل الشامية) له أيضاً.

«جوابات بعض الافاضل» ص ٢٠١ رقم ٩٣٨ أقول توجد عندما رسالة الجوابات هذه في مجموعة من رسائل الحد الشهيد طاب مضجعه تاريخ كتابتها بعضها ١٢٤٣ أولها بعد التسعة «الحمد لله حق حمده» و هي في نسخة صهيحات.

«جوابات بعض فضلاء خراسان» ص ٢٠١ رقم ٩٣٩: انظر ص ١٧٩ س ٣ و يأتي التفصيل في [سؤال و جواب ١٢ : ١٣] ص ٢٥٤.

«جوابات ثلاث و ثلاثين مسألة» ص ٢٠٣ رقم ٩٤٨ س ١٩، مجموعة. أقول يأتي ذكر هذه المجموعة أيضاً في ج ٢٤ : ٢٥٤ : ١٣٠٩.

«جوابات السيد بدر الدين الحسين» ص ٢٠٤ رقم ٩٥١: انظر (الجوابات ٢٠٩ : ٩٧٣).

«جوابات السيد حميد» ص ٢٠٤ رقم ٩٥٤: أقول مرّ ذكر هذه الاجوبة أيضاً في ج ٢ ص ٧٢ : ١٩٠ بعنوان: (الاسئلة الآملية) و لا يخفى ان نسخة الاصل عن هذه الرسالة ضمن مجموعة جيلة نفيسة تجد تفصيلها في (فهرس مكتبة مشكوة المهلة جامعة طهران ج ١ ص ٧٠ و ج ٢ ص ٤٣) و هناك ان المشكوة اشتراها من مكتبة الآقا صباغ الدين النوري ره ثم ان اخذت النوري نقل عن هذه الاسئلة في الجزء الأول من مستدركه ص ٣٩٣ فراجعه و انظر أيضاً مقدمه كتاب جامع الاسرار للآملی ص ٣٢ فعل ما ذكره شيخنا ره من ان نسخة الاصل في الخزانة الرضوية خطأ او توجد في الخزانة أيضاً نسخة أخرى و الله العالم. و يأتي الإشارة إليها أيضاً في «المسائل الحيدرية ٢٠ : ٣٤٥» و راجع مقدمة محمد

الخواجه لكتاب [أمرار الشريعة] للمسيّد حيدر ٣٢ - ٣٤ طهيران ١٣٦٢ش. ثمّ اعدم أنّ عبدنا في مجموعته رساله في عشرة صفحات مشتمه على تسع و ثنين مسئلة اعتقادية او عمية و هذا عنوانها بعد البسملة «كتب اجوبة هذه المسائل شيخ المشايخ الفصل المتقدمين و المتأخرين شرح هذه و الدين مسئلة ما قول علماء الدين و الفقهاء المعصر» و آخرها هذه الصورة «كتب الاجوبة بأسرها محمد بن مظهر الحلّي تمّ»

«جوابات التي مألّه» ص ٢٠٥ رقم ٩٥٩ ص ٢٣، التوريّ - مرّ له عدد ٩٢٢.

ص ٢٠٥ س ٢٤، الرجل: أيّ الرجل؟ زوجها أم غيره؟ يمكن ان يقال بأنّ الشهيد ره لم يرد إلاّ الأوّل و الله العالم.

«جوابات ملار» ص ٢٠٦ رقم ٩٦٠ نظر رقم ١٠٦١ ص ٢٢٣.

«جوابات المولى علي» ص ٢٠٩ رقم ٩٧٣ أقول إنّ تلك المسائل و الاجوبة مهمة جداً مشتمه على أسماء جمع من العلماء و آثارهم بنماسته فعلى الطالب التدبر فيها و هي في نسخها المطبوعة سنة ١٣٠٣ على الحجر من كتاب [جامع الشهاب ٧٨٤ - ٧٩١] و تاريخ الجوابات يوم الاحد ٢٦ ح ٢ سنة ١٢٣٧ قبل وفاته انجيب بربع سنين تقريباً و يأتي للمسائل [جوابات المسائل الوفاية ٢٢٧: ١٠٨٤].

«جوابات السيد زين الدين علي» ص ٢٠٩ رقم ٩٧٣: انظر (الجوابات ٢٠٤: ٩٥١)

«جوابات المولى كلبعلي البروجردي» ص ٢١٠: أقول بل يأتي في الميم (ح ٢١: ٢٩) بعنوان [المستولات] و مرّ في (ح ٢: ٧٧) أيضاً.

«جوابات السلطان ابي محمد عا» ص ٢١٠ رقم ٩٨٠ س ١٦، و تجرّد - يشبه سؤال فتحعلي شاه رقم ٩٧٧.

«جوابات السيد محمد» ص ٢١١ رقم ٩٨٣. مرّ الأسئلة الشدقمية في ح ٢ ص ٨٨.

ص ٢١١ س ١٩، كما مرّ: + العدد ٩٧٣.

«جوابات المسائل الاسلاموية» ص ٢١٤ رقم ١٠٠١ ص ٦، محمدصادق: بعلة المتوفى دي القعدة سنة ١١٢٥ المدفون في صحن مرار السني فاطمة الكائنة بالقرب من محلة الجهارسو شيرازيها و كان الرجل من العلماء الاجلاء [داشمدان اصمها ١٦٩]

«جوابات المسائل البحرانية البحرية»: أقول يأتي ذكرها أيضاً عرساً [المسائل البحرية

٢٠: ٢٣٨] و طبع بقم سنة ١٤٠٩ في [الرسائل العشر] لابن مهدي قلنس الله روحه في ٢٦ ص
و رقم المسائل ١٨ و في تلك الأجوبة مصدات هامة منها في جواب المسألتين رقم ٨ و ٩
في ولاية الجور و في التأمر على الناس و من جهة أهمية الرسالة استدعى تلميذ العلامة
المجلسي أعلى الله مقامهما الحاقها بالبحار و يسر التلميذ المذكور الأهدى صاحب
الرياض رضي الله عنه كما توهّمه بعض بل هو غيره كما سنّ لنا ثم لا يحصى أنه جاء في
خاتمة الرسالة ما نصّه [و كتبت هذه الأجوبة في يوم سادس عشري شوال من سنة
اربعين و ثمانمائة] فإذا كان هذا التاريخ للمجيب فعنه هذه الرسالة آخر ما برر من قلعه
الشريف أو من أواخر آثاره و الله العالم. م ع ١٣ ج ١ سنة ١٤١١

«جوابات المسائل البهبهانية» ص ٢١٦ رقم ١٠٢١. تراجع أيضاً ج ٢ ص ٧٧.

«جوابات المسائل النجاشية» ص ٢١٧ رقم ١٠٢٣: تراجع «المسائل النجاشية» في

ج ٢٠: ٣٤١: ٣٢٩٩.

«جواب المسائل الثلاث» ص ٢١٧: كما في ج ١ ص ١٩٢ س ٩٩ مصى بعنوان جواب

المسائل الثلاث في ص ١٨٧.

«جوابات المسائل الجليلية» ص ٢١٧: أقول أنظر ما سباني في ص ٢٤٠ س ٤.

«جوابات المسائل الجرائرية» ص ٢١٨ رقم ١٠٢٩: أقول نقل عن هذه الرسالة السيد

نعمة الله الجرائري ره في [نور الأنوار ٢٣٥] و منها نسخ في المرحشبة بقم كما في فهرسها

رقم ١١٦١ و ٦٤٠٣. و انظر [جوابات المسائل النفهية ٢٢٩: ١٠٩٦]

«جوابات المسائل السروية» ص ٢٢٢ رقم ١٠٦٠ طبع هذا الكتاب القيم في النجف

الأشرف سنة ١٣٧٠ ضمن مجموعة من آثار الشيخ اميد عليه سلام الله الهامة و اعلم أنه

أحال إلى [أجوبة مسائل أصحابها من الآفاق] في كتابه «تصحیح الاعتقاد. ٧٠» و قال

صاحب كتاب «كشكول اللغة» الكثير الميسوط المخطوط الموجود عنده بأجرائه الستة

في مادة البرج ما لفظه [و قال السيد المرتضى ره في جواب المسائل السروية أمّا الكلام

في عذاب البرج فطريقه السمع دون العقل] إلى آخر ما نقله العلامة المجلسي في «مرآة

العقول ١٤: ٢٢١ - ٢٢٢» قالاً [قال الشيخ اميد قلنس الله روحه في أجوبة المسائل

السروية] الخ فكلام صاحب كشكول اللغة خطأ و الله العالم.

«جوابات المسائل السلارية» ص ٢٢٣ رقم ١٠٦١. انظر ص ٢٠٦ رقم ٩٦٠

«جوابات المسائل الشامية» ص ٢٢٤. مرّ له «الرقمان ٩٢٢ و ٩٥٩».

«جوابات مسائل شتى» ص ٢٢٤ رقم ١٠٦٦ س ٢٠، المتوفى ١٠٣٩: أقول يأتي في ج ٦

ص ١٧٥ س ٢٥ و ص ١٧٧ س ٨ و ح ٢٥ ص ٢٧٤ س ٢١ أن صاحب النيمة هذا توفي سنة

١٢٩٠ و يرجع مكارم الآثار ح ٤ ص ١٣٠٦ و [أعيان الشيعة ح ١٠ ص ١٢ ط رحلي]

«جوابات المسائل الشكوية» ص ٢٢٥ رقم ١٠٦٨. أقول يأتي أيضاً [المسائل ٢٠: ٣٥٣:

٣٣٧].

«جوابات المسائل الشواربية» ص ٢٢٥ رقم ١٠٦٩. أقول يأتي أيضاً بعنوان [المسائل

٢٠: ٣٥٣. ٣٣٧٩] و أيضاً لشيخ يوسف البحراني قدس سرّه بعدها.

«جوابات المسائل الظهيرية» ص ٢٢٧ رقم ١٠٨٣: أقول قد مرّ ذكر هذه الجوانب

بعنوان «الأسئلة الظهيرية ٢. ٨٩ ٣٥٥» مرجع ما ذكرناه هناك في التكملة

«جوابات المسائل العرفانية» ص ٢٢٧ رقم ١٠٨٤. أقول و له أسئلة في طي مکتوب

لطيف عن المحقق العمري فأجابها و طبع الجميع في جامع الشتات للمجيب كما مرّ

[جوابات المولى علي ٢٠٩: ٩٧٤]

«جوابات المسائل العمادية» ص ٢٢٨ انظر في التكملة [الحشرية ٧. ٢٣]

«جوابات المسائل الفقهية» ص ٢٢٩ رقم ١٠٩١. أقول يكرّر هذا العنوان في [السؤال

و الجواب ١٢: ٢٤٥. ١٦٠٩] و مرّ لمؤلفه أيضاً (رقم ١٠٨٣).

«جوابات المسائل الفقهية» ص ٢٢٩ رقم ١٠٩٢. أقول يعني (ح ١٢: ٢٤٧: ١٦٢٥) و

هناك عدّة رسائل من مسائل المحقق لكركي و عدداً بسعة من الجوابات هذه (في ٩٠

ص) خلف نسخة من مسائله الآتي في السير (رقم ١٦٢٤) و كانتها إبراهيم بن ناصر بن

موسى الاحساني و في الختام صورة منكية الشيخ محمد مكي من درّة الشهيد الأوّل و

صاحب «سنة نوح» الآتي في موضعه فراجع و انظر «المسموعة ٢١: ٢٥. ٣٧٧٢» و

ترجمة المحقق الكركي ره في الطبقات.

«جوابات المسائل الفقهية» ص ٢٢٩ رقم ١٠٩٦ س ٢٥، (١٠٣٩). الصواب سنة ١٠٣٠

و قد مرّ للشيخ [جوابات المسائل الجزئية ٢١٨: ١٠٢٩] الذي عبّوه في «كشف الحجب

١٦٤» بحواب المسائل المعقبة كما في كتاب «حياة الشيخ البهائي ص ١٦١» للنجاشي.
 «جوابات المسائل البهائية الأولى» ص ٢٣٦ رقم ١١٣٦ راجع «الأسماء البهائية ٢:
 ٩٢: ٢٣٦» و «المسائل البهائية ٢٠: ٢٧٠: ٢٤٦٣» و عندما نسخ مخطوطة من مسائل
 السيد مهدي و أجوبتها و طبع في قم و انظر وصف نسخة نفيسة عربية مشتملة على
 الإجازات و الموائد في «أعيان الشيعة ٤٩: ١٨ - ٢٢»
 «جوابات المسائل البهائية» ص ٢٤٠: أقول مرأياً في ص ٢١٧ س ٢١ و انظر ح ٢٠
 ص ٢٤٢ رقم ٢٣٠٩.

«جواز الباع السفر في شهر رمضان» ص ٢٤١ رقم ١١٥١: أقول أورد هذه الرسالة
 كما يأتي في (ح ٨: ٧٧ س ٥) جداً العلامة الشهيد في مفتاح الجزء الثالث من كتابه
 «الدر المنثور الذي طبع ناقصاً بقم في مجلدين» و الرسالة في خمس صفحات من نسخة
 المخطوطة تم دبلها الجدة بحوايه مختار الشهيد في نسخة و أرتجها هناك ثالث عشر شهر
 رجب ١٠٩٥.

ص ٢٤١ س ٩، إجماعاً: إجماعهم، كما في نسخة

ص ٢٤١ س ٩، تعالى عز و جل، كذا في نسخة

ص ٢٤١ س ١١: راجع ح ٨: ٨٧٧: ٥.

«جواز نقل الموتى» ص ٢٤٥. و عدي رسالة حول موضوع نقل الجنازة و أحكام
 القبور فارسية للسيد الامير محمد حسين بن الامير عبدالقاسم الحسيني الخاتون آبادي ره و
 كتبت في آخر النسخة بعض المطالب المعيدة و الحمد لله.

«جوامع الأصول» ص ٢٤٧ رقم ١١٩٢ س ٢٤، المتوفى ١٢٧٣: في ثالث ج ٢.

ص ٢٤٨ س ٥: نسخة منه في ملك ج ١ ص ٢٠٥.

ص ٢٤٨ س ٢٦، محله: أقول يأتي بعنوان رسالته في الرأى ١١ ٥٩.

«جوامع الشتات» ص ٢٥١ رقم ١٢٠٤ س ١٥، حدود ١٣١٠. آخر ج ١ سنة ١٣٠٨

صح

«جوامع الكلام» ص ٢٥٢ رقم ١٣١٠ س ١٩، بظهور: فهرس امك ج ١ ص ٢٠٧.

«جوامع الكلام في دعائم الإسلام» ص ٢٥٢. راجع ما علقته في ديل ص ٢٥٥.

«جوامع الكلم» ص ٢٥٣ رقم ١٢١٣ لم يذكر شيخنا المصنف تاريخاً للسيد ميرزا و لا لأجراء كتابه و سائر آثاره في هذا الموضع شيئاً مطعفاً.

ص ٢٥٣ س ١٣، المحمدي: مر ذكر إجازة العلامة المجلسي من السيد ميرزا قنص الله روحيهما في ج ١: ٢٥٧: ١٣٥٤.

ص ٢٥٣ س ١٨، جوامع الكلم: و يظهر ذلك أيضاً من حديث العلامة صاحب الروضات في بعض إجازاته و من سيد و مولانا السيد أبو محمد الحسن صدر الدين الكاظمي كذلك في إجازته الكبيرة لبعض أهل العصر عند ذكر مشايخ العلامة المحمدي. ص ٢٥٥ باورفي أقول و عدي خط السيد ميرزا الجرائري و هو إجازته للسيد محمد بن السيد حسن البحراني مورخه سنة ١٠٧٦ أو سنة ١٠٧٩ و في آخر الإجازة ما لعظه: «و أجزت له أيضاً طبع عمره أن يروي جميع ما صنفه و ألفه في الحديث و غيره من رسائل و مسابلي و مضماني خصوصاً كتاب جوامع الكلام في دعائم الإسلام مع الله به التوسمين الخ» هذا و الحمد لله رب العالمين حرره م ع ر عفي عنه في ٢٠ ححه ١٣٩٩. و ذكر في فهرس المكتبات للتحقق بآخر ج ٧ ص ٢٩١ من الدررمة أن عدة مجلدات من كتاب جوامع الكلم هذا في مكتبة العلامة السيد جلال الدين (محدث الاروميه نى) هذا. م ع ر حرر في ليلة ١١ شهر صيَّام ١٤٠٥

ص ٢٥٧: ملاحظه: أرقام اشتباه شده بصحيح شود م ع ر في هذه ١٤١٥
«الجواهر» رقم ١٢٢٥ - ص ٢٥٧ س ٦، المحمدي. الصواب الحسين و لم أر التبيه على هذا الخطاء في جداول الاستنساكات.

ص ٢٥٧ س ١١، النسخة. يأتي ذكر هذه النسخة الأخيرة أيضاً في «المراسم العلوية» ٢٠. ٢٩٨: ٣٠٦٥ كما ذكرها شيخ المصنف في «الثقات العيون ص ٧٤» في ترجمة الحسين بن سعيد.

«الجواهر و العقود» ص ٢٥٨ رقم ١٢٣٩ س ١٢، وله في هذا الموضوع ١/ و يسمى.
«جواهر الأخبار» ص ٢٥٩ رقم ١٦٤٧: أقول ذكر المشار في فهرسه (ع ٢٥٩) أن هذا الكتاب طبع مرة في ثلاث مجلدات بنويز سنة ١٢٨٠ و أخرى أيضاً بها سنة ١٣٠٩ و الطاهر أن الأولى خطأ و اشتباه بتاريخ تأليفه و لعنه م يطبع من الكتاب إلا ثالثه و الله العالم و المعاصم

«جواهر الأسرار و فواهر الأنوار» ص ٢٦١ رقم ١٢٥٧: أقول طبع الكتاب في بلاد الهند و يجلد منه في اصفهان قال بديع الزمان فروراني في «شرح حال مولوي ص ١٦٥» إن (جواهر الأسرار) احسن الشروح الفارسية لشمسوى على الإطلاق» انتهى و ذلك لاحاطة الرجل و جامعته و حضور ذهنه إلى حد و سيع و في رأي أن الرجل ما شتم رائحة التشيع مطلقاً مع تأليفه في الفصائل و الله العالم. انظر مقالة «شرح فصوص الحكم للخوارزمي» في مجلة «أيده ١١: ٤ و ٥ ٣٥٩ ٣٦٤» و راجع كتاب [شكوة شمس: ٥١٩ و ٥٥٤ و ٨٤٨].

«جواهر الاسرار و ذخائر الانوار» ص ٢٦١ رقم ١٢٥٩، أنوار التذليل مر ذكر الخواشي عليه [٦: ٤١ فما بعدها]

«جواهر الأصول» ص ٢٦٣: انظر «مقدمة في أصول الفقه ٢٣ ٨٤: ٨١٠٤» مع التكملة.

«جواهر الاصول» ص ٢٦٣ رقم ١٢٦٣: قوله مختصرة أقول كذا وصفها المصنف ره في الكرام البررة (ص ٥٧٨) ايضاً ولكنه قال عقيب ذلك ما لعظه «و هو تام من اوله إلى آخر التعادل و التراجع في مجلد كبير بخط دقيق يعرب من القوافي و علق عليه حواش كثيرة و له علامة» الخ. ثم إننا قد تأملنا فيما ذكره في الدرعية (٢: ١٦٨) حول أصل الأصول فتبين لنا أن ما ذكره في الكرام من قوله [و هو تام] إلى قوله [حواش كثيرة] متعلق بأصل الاصول وقع في اليأس سهواً و أمّا قوله [و له علامة] فالصحيح راجع إلى الجواهر كما هو صريح المتن فلاتعص.

«جواهر الايمان» ص ٢٦٤ رقم ١٢٦٨ س ١٨، الجودتاني الخورتاني به راء صحيح است.

«جواهر الايمان في ترجمة تفسير القرآن» ص ٢٦٤ رقم ١٢٦٩ س ٢٣، محمدباقر اليرودي: سلطان العلماء كما في فهرس المشار ص ٥١٤.

ص ٢٦٤ س ٢٤، طبع في ١٣٢٠: في مبني كما في فهرس المشار و مر في ج ٤ ص ٨٩ تراجم أخرى لهذا التفسير فراجع.

«جواهر التفسير لتحفة الأمير» رقم ١٢٦٨ - ص ٢٦٦ س ٢، الله عليهم.. بسم الله الرحمن الرحيم نبأ والله عليم.

ص ٢٦٦ س ٨، كما يأتي: في (ح: ٢٠: ١٩٣: ٢٥٣٦).

«الجواهر السنّة في الأحاديث القدسيّة» ص ٢٧١ رقم ١٢٧٩: للفقير العلامة آخوند ملا حبيب الله الكاشاني صاحب (رياض الحكايات) كتاب (اسرار الانبياء و انوار الاصفياء) في ترجمة جواهر هذا بالفارسية مع بعض التصرفات صنع بقم في ١٤٠٥.

ص ٢٧١ س ١٣، بالوان: في سنة ١٣٠٢ في ص ٢٩٢ طبع بظهران بحجم الربع قال الكاتب في خاتمه «تمّ كتاب جواهر (كذا) السنّة في الأحاديث القدسيّة من نسخة الاصل لمصنعه» و لكن ليس في هذه نسخة خاتمة المؤلف و في «مهرس المشار» ذكر طبعة واحدة للكتاب طبعة عملي في ١٣٠٢ في ص ٢٩٢ بحجم رقمي ثمّ إنه قد طبع الكتاب في الصحف الأشرف، سنة ١٣٨٤ في ص ٣٧٦ ويري فعلا عن نسخة طبع في سنة ١٣٠٢ و اعد طبعة الصحف بالافست مؤخراً في المشهد المعتمد الرضوي و في هذه فعلا عن نسخة عملي خاتمه للمؤلف و تاريخ التأليف «يوم الجمعة في العشر الاخير من شهر رمضان المعظم قدراً سنة ١٠٥٦» فعلى طبعة ظهران تجارية اصلها طبعة عملي و الله العالم بحقائق الامور و مرّ في «ادعية السرّ ١، ٣٩٧، ٢٠٦١» أن تلت الادعية المعراحة مقولة في «الجواهر السنّة» هذا. م ع ر في ١٨ شهر شوال المكرّم ١٤١٦

«جواهر العقول في شرح فرائد الاصول» ص ٢٧٢ رقم ١٢٨٣: أقول و عدي نسخة كتاب عبد أبي المجد الرضا رحمه الله و رجع حول ترجمة السيّد كتاب «دارالسلام فيما يتعلق بالروايات و المنام ١: ٢٣٥»

«جواهر العقول» ص ٢٧٢ رقم ١٢٨٤ س ٢٠، مطبوع. طبع في عملي.

ص ٢٧٤ س ٢٦، قدره: / قد رقي؟

«جواهر القوانين في أصول الدين» ص ٢٧٥ رقم ١٢٩١. أقول اورد العلامة المرحوم الحاج الشيخ علي اكبر المهادني طائفة من كلماته حول الإمام المنتظر عليه السلام في «الحجم الارهر ص ٩» من اجراء موسوعته الكبرى «العقري الحسن» و ذكر أنّه ألف الجواهر سنة ١٣٣١ هـ راجعه.

«جواهر الكلام» ص ٢٧٥ رقم ١٩٦: للعلامة الشيخ محمدجواد مُقْبِيه رئيس المحكمة الشرعية الخعفرية العليا بيروت معاه جلبة تحببته حور جواهر الكلام نشرت في مجلة (السجف. السة الأولى. الجزء الثالث. مورخة ١٥ جمادي الأولى ١٣٧٦) فليراجع.

ص ٢٧٦ س ١، حلود (١٢٠٠): و راجع الكرام البرة ص ٣١١ و ٣١٢ و ماضي السجف ح ٢ ص ١٣٢.

ص ٢٧٦ مجندات كثيرة من الجواهر توجد في مكتبة مدرسة الأخوند بهمدان مذكورة في فهرسها العبر المعتبرة.

ص ٢٧٦ س ٧، تلاميذه هكذا محملاً في الكرام و يا ليت ذكر المأخذ دفقاً و في ماضي السجف أيضاً (عرة شعان ١٢٦٦) من دون ذكر للمأخذ.

«جواهر الكلمات» ص ٢٧٨ رقم ١٣٠٤ س ٢٥، الوستمداري رستمدر دهي است كوچك ار دهستان فيه كثر نعرش مركزي شهرسان امل الخ (اعلام فرهنگ معين) و أما التادواني فلم أجده في الفرهنگ.

ص ٢٧٩ ٤، احارة و مر ذكر الإجازة في ح ١٢٠٢ رقم ١٢٠٢ و ليراجع إحصاء الدائر في مواضعه و لم يذكر شيخنا مكان تلك البسطة مطبوعاً و في الرصونة عذة نسخ من الكتاب.

«جواهر الكلمات» ص ٢٧٩ رقم ١٣٠٧، الخمس: راجع الجزء الأول ص ٢٥١ من هذا الكتاب. رأيت حظه علي ظهر مباحث اليقين معلومة في مكتبة «...»

«جواهر المسائل» ص ٢٨٠ رقم ١٣١٠: قال السيد المدرس الطباطبائي في كتابه «فهرست نسخهای خطی کتابخانه مدرسه رضويه قم ص ٦٣» إن جواهر المسائل هذا لمحمد مهدي بن محمدعلي الشلاني مختصر كتاب «نخبة الأبرار» لاستاد السيد الشفق الماكور بالعارسية و عرع مه في ٥ محرم ١٢٥٩ في قرية رانيا و ان ما في الذريعة هذا من انه تلخيص المطالع خطا، انتهى.

«الجواهر المضية في شرح الدرّة الألفية» ص ٢٨٠ رسالة لأحمد بن فهد الحلبي في شرح الفيه الشهيد عدداً نسختها (رقم ٣٤٦٩) و انظر «شرح الالصة ١٣: «...» و ملخص ترجمة ابن فهد في «الصياء الالامع: ١٠».

﴿جواهر المطالب في مسائل الإمام عيسى بن أبي طالب عليه السلام﴾ ص ٢٨١: لبعض علمائنا رأى نسخته صاحب البحار و صاحب «أعيان الشيعة» يراجع الأعيان ج ١ ق ٢ ص ٣٩٤.

«جواهر مكنونة» ص ٢٨٢ رقم ١٣٢٠ س ٥، طبع: يعنى (في ٨ صفحات) خلف كتاب گوهر شجرعاج للحاج ملا محمد حسن النائيني المذكور طبعة اصمهان. «الجواهر المنيرة في الأدعية المأثورة» ص ٢٨٢ رقم ١٣٢١: أقول ذكرنا المؤلف و بيته في كتابنا «مهرست كتب خطى ١: ١٥٩ و حوالها» و انظر [كتاب الدعاء ٨: ١٨٥: ٧٤٣].

«جواهرنامه» ص ٢٨٣ رقم ١٣٢٤. أقول راجع «مجموعه مكيبه ١٨٨ مما بعدها و ٣٥٤» لأفشر مقالة «جواهرنامه نظامى مأخذ تسوخنامه و غرايس الجواهر» و ذكر في «كشف الظنون ١: ٦٢٠» كتاب «جواهرنامه لأحمد بن يوسف اليعاشي» المرتب على ابواب خمسة فيها ذكر يكون الجوهر و محاصيته و ثمنه و ذكر بعض من اصناف بعض المطالب إلى الكشف و هذه السعداشي في سنة ٦٥١ و السلام. في ٣ ع ١ سنة ١٤٠٨ «جواهرنامه» ص ٢٨٣ رقم ١٣٢٥: أقول قد ذكرنا في مواضع عديدة خروج العطار الشاعر الصوفي عن دائره التشيع فهو من الاحباب كما أنه عليه القاصي الشهد قلنس سره في هامش كتابه إحقاق الحق.

«جواهرنامه» ص ٢٨٣ رقم ١٣٢٦. نسخة منه عند الامتاد السيد محمدتقي (مدرس رضوى) فاستفاد منها عند تحقيق و طبع كتاب «تسوخنامه ايلخاني» «جوايز السلطان و الحكام» ص ٢٨٦ رقم ١٣٣٤. عدي منها نسخة ناقصة في احدى مجاميع جذبا الحاج السيد محمد و بعدها حواشي الحاج السيد حسين على شرح الدعاء. «الجواهر الثمين في تفسير القرآن المير» ص ٢٨٨ رقم ١٣٤٥: طبع الكتاب مؤخرأ في بيروت في سنة اجراء بطباعة ابيقة و اخراج جميل و مقدمة كتبها الدكتور السيد محمد آل بحر العلوم جراهم الله تعالى حمدا كما ذكر خبره في بشرة (برائنا ٩: ٣٢٥).

﴿جواهر الجواهر﴾ ص ٢٨٩: كتاب كبير نفيس مطبوع في الامثال و الحكم والموارد بالفارسية و العربية لشيخ الأدباء و المورعين الحاج ميرزا حسخداد بن علي الجاهري

الأصمعي الأصفهاني المتولد في شيراز ليلة الجمعة ١٨ شهر رجب ١٢٨٧ المتوفى في
اصمهان صبيحة يوم الخميس ١٥ جمادى الآخرة ١٣٧٦ و دفن في إحدى مزارات تحت
قولا د باصفهان له تأليفات كثيرة مطبوعة ذكره في كتابا [رندگانی آیه الله چهارسوقی
١٣١ - ١٣٢] طبع عامة كتبه باصفهان و ناسی بعضها تعليقات انظر مقالة [أمثال و
حكم] في مجلة «كیهان فرهنگی» الرقم المسلسل ٤٧. ٥٠. ٥١

«الجواهر الفريدة» ص ٢٨٩ رقم ١٣٥٣ س ٢٤. كان: + كما في معجم الألقاب.

«جوهر اللسان في علم الميراث» ص ١٩٠ مررا صياغتين الاصمعي طبع بطهران
سنة ١٣٣١ في ص ١٠٠ بالمعجم الرابع.

«الجواهر المقصود» في اثبات الرجعة الموعود» ص ٢٩٠ رقم ١٣٥٤، البيان كان ره
يلقب بيان الواعظين و هو صاحب كتاب تحذير من المضوع بجلده الأول.

«الجواهر المكنون في القبائل و البطون» ص ٢٩٠ لشريف السادة محمد بن اسعد
الجواني - نقل عنه الطعن في المتسبي إلى عثمان بن عمر من الخطاب المعروفين
بالعمريين في مصر و أعمالها نقل عن عبارته في صفحة العنوان للمجرة الأول من كتاب
السلوك للمقري محطه تعد صورها في مفتاح كتاب طبعة مصر أقول محمد بن اسعد
الجواني هو الذي يأتي له «طبقات الطائين ١٥ ١٥١. ٩٩٢» و غيره ولكن البوري الذي
لخص الجواهر نسبة إلى الحسن بن محمد الجواني السادة فلراجع «ميه الرابعين ٢٨٥ و
٣٠٠» و ما ذكرناه هامش مسختنا. م ع ر ٢٧ شعب ١٤١٢.

«الجوهرة» ص ٢٩١ رقم ١٣٦٣، ١٢٨٥. ١٢٨٦ صححه المصنف بعد ما كتبه إلى

ابه.

«الجهادية» ص ٢٩٦ رقم ١٣٩٠، أبي الحسن. يراجع الكرام البررة ص ٣٦ و ما ذكرنا في
مخاشية على ج ١ ص ٢٩٦.

«الجهادية» ص ٢٩٦ رقم ١٣٩٢ س ١٦، الأكبر: أقول يراجع (عاليه اسراد في احكام
الجهاد) في (ج) ١٦ ص ١٦ رقم ٣٦٦.

«جهان نما» ص ٣٠١: في جغرافية العام بالدرسة تأليف فرعون رفائيل الانكليزي
طبع بتبرير سنة ١٣٦٧ نخط «جرعه» الشاعر الآبي ذكره في (٩-١٩٣)

«جهان نماي عباسي» ص ٣٠١ أقول و بصره الذكرى للمير صدر الشيرازي و

[رسالة في التداوي بالفسكر] فورا أبي المعالي الكرباسي المذكورين في موضعيهما من الدررعة. و للمعاصي يراجع مجله (كبهاد اندیشه العدد ٧١ ص ١٨٨ - ١٩١)

«جهية الأخبار» ص ٣٠٢: انظر (حصية الأخبار ٧: ٢٥ - ١٢٠).

«جهد النقل في أجوبة المسائل» ص ٣٠٢ رقم ١٤١٧ س ٤، وجب: / حمادی الأولى

«چشمه رنگی» ص ٢٠٧ محمد هادی بن محمد صالح الشيرازي الموجود عندنا

نسخة: يراجع «مجله هر و مردم ش ١٩١/١٩٢ ص ٩١ و ش ١٧٩ ص ٤٩ و «فهرست

کتابخانه آقای مرعشی قم ج ١ ص ١٦٦ رقم ١٤٧ و ج ١٩ ص ٣٠٢ رقم ٧٥٠٣».

«چهار آیه» ص ٣١١ رقم ١٤٨١ - کلمه چهار آیه اصطلاحی بوده است گویا و

این کلمه را خیلی حالت علامه مجلسی در مقدمه رادالمعاد استعمال فرموده نقل شود.

و باید بلمت نامه دهخدا و معین مراجعه شود - چهار آیه در فهرست احمد منزوی

هست ج ٢ (در فهرست نامهای ٢/٢ ذکر شده است) و هر سه کتاب برد آقای حاج

سید محمدرضا رنجانی (معروف بنجاح ملا رضا) ساکن تهران موجود است چهار آیه و

پنج صیقل را خود من در ملک بیاض درم و یک نسخه چهار آیه در مرعشی قم

هست (فهرست ١٩: ٣٣٥: ٧٥٢٩) و یک نسخه هم که گویا هر سه رساله را داشت

نزد سید «...» حسینی که در کتابخانه فرهنگ اصفهان بود دیدم یک روز آورد

میرزاان

«چهار مقاله» ص ٣١٤ رقم ١٥٠٠ س ١٦، تهران ١٣٩٩: و طبع ایضا فی عمی و فی

حواشیه و ایضا فی طهران سنة ١٣١٩.

«چهار مقاله» ص ٣١٤ رقم ١٥٠١ س ١٩، للشيخ أبي القاسم / للشيخ محمد حسين بن

أبي القاسم.

ص ٣١٩: قد صحح جميع الاستدراكات في أجزاء الكتاب؛ مصححه صاحبه.

ع. ٣٠

ص ٣٢٠: قد صحح الكتاب بنده على هذا التصحيح و سائر التصحيحات

المذكورة في باقي مجلداته و الحمد لله. ثم صححنا الاستدراكات المطبوعة مع الجزء ٢٥ في

هذه النسخة و الحمد لله في عره ع ١ سنة ١٤٠٥.

الجزء السادس

«حاجي باباي اصفهاني» ص ٥ رقم ٩: أقول ربي لاستبعد أن يكون هذا العنوان بأسره من فلم شيخنا المؤلف طاب مصحفه فإن الكتابين تألف أحدهما عن الإسلام معاند كما هو معلوم و أمّا الشيخ أحمد الرواحي المرحوم فهو أيضاً مسجود بابي ارلى كما صرح به المورخ المثبت محمد القرويني المعروف عند اصفهانيه بعلامة صرح بعقيدة الرجل انه بابي ارلى في مقالاته المطبوعة في (مجلة يادگار ٣: ٤ ١٨) و أيضاً (١٣: ١٠: ١٧ فما بعدها) و عنها في (لغت نامه دهخدا) و غيرها فإدخال آثار أعداء الإسلام فصلاً عن الشيع في هذا الكتاب الذي أسس بنيانه على التقوى من اوب يوم ليس إلّا من قبل صاحب التوقيع و راجع ما ذكرناه أيضاً حول سائر تصانيف التريديق في سائر الأجزاء كالذي يأتي في (هشت بهشت) في (ج ٢٥ - ٢٢٣) و غيره و لله العاصم. و انظر مقالة «حاجي بابا الاكراره اصفهاني» لجمال راده في مجلة «آينه ١١، ٩ - ١٠: ٦٧٠ - ٦٧٤» و هناك وصف الكاتب للرواحي البابي بالشهيد المظلوم و أيضاً قطعت من مكاتيب مجتبي الميسوي إلى الكاتب ذكر في إحدىها اشتباكه إلى تقبيل وجه جماراده و يد زوجته الاحسبة فانظر إلى نحو آثار الإسلام و الشعائر الدينية عن قلوب هؤلاء و جوارحهم و السلام لاله.

ص ٧: قد بحث عليقلى المتروى ولد المصنف في فهرس مكتبة المشكوة ج ٢ ص ٣٧١

حول الحاشية و التعليقة و الفرق بينهما فراجع

«الحاشية على القديمة منهما» ص ١٠ رقم ٢١ س ١٠، المطلوب: كذا في المهرس ج ٢

ص ٢٢٨ ولكن الصواب (المطلب) كما في نسخنا المخطوطة من اثبات الواجب و بعض حواشيه منها مجموعة مقيسة من كتب السيد علما.

«الحاشية عليه» ص ١١ رقم ٢٧، لغيت انظر ح ١٣ ص ٦٠ م ٤.

«الحاشية عليها» ص ١ رقم ٢٩ أقول يأتي ذكر هذه الحاشية أيضاً بعنوان «شرح الاثنى عشرية ١٣، ٦١، ١٩٣» و الصواب أنها حاشية عليها اي على بعض مواضعها كما وضعها الشيخ نجيب الدين على الجيعي لمحمد البهائي في مفتتح شرحه على الرسالة المذكورة و كما عونها في «فهرس جامعة طهران ٥ ١٨٥٥» حيث وصف نسخة المشكوة المذكورة في المتن و كدلت في كتاب «حياه الشيع البهائي ٩٨ و ١٦٦» للميسى و هكذا في «فهرس المكتبة الرضوية ٥ ٤١٥» عند وصف نسخة أخرى للحاشية فكأنهم عتروا عنها بالحاشية دون الشرح لدي أحصا في وصف الحاشية به النوري صاحب المذكر ٣ ٣٩١ بعد لصاحب الوثيقة مصافاً إلى ان البهائي نفسه وضعها في اولها و آخرها تعلق الحواشي ثم ان الصحيح في تاريخ وفاة الشيع سنة ١٠٣٠ كما بيناه في مواضع عديدة و كذا قوله «في ايام العدالة اشاركه الهدية» خطأ صوابه «في ايام العزلة المباركة البهية» كما في الفهرسين المذكورين.

«الحاشية عليها» ص ١٢ رقم ٣١ قر نصف في الجزء الرابع ص ٤٨٢ عند ذكره شرح توحيد الصدوق للقاصي سعيد هذا أنه المولود (١٠٤٩) و المتوفى بعد (١١٠٣) فليلاحظ. ثم تبس لي أن تاريخي القاصي في الدرعه مبيان على مقدمة السيد المشكوة ليس إلا مراجع ما كتباه مسوط حول القاصي و آثاره في مواضع عديدة و منها في فهرس مكتبنا.

ص ١٢ م ١١، (٩٠٧٧): الصواب (١١٧٧) كما في المأخذ.

«الحاشية عليه» ص ١٤ رقم ٣٩. أقول أورد فيها متن رسالة [استحباب النيامر ٢٠٢

١٨ ٤٩] كما في كتاب [احوال و آثار خواجه نصر ٢٠٣].

«الحاشية عليه» ص ١٥ رقم ٤٢ م ٣، نظام الاقوال: أقول راجع ما ذكرناه في الحاشية على الارشاد في ح ١ ص ٥١٢ قال فيه (و حاشيه الارشاد عارته من إتمامها عوائق الدهر الخوان).

«الحاشية عليه» ص ١٥ رقم ٤٧: أقول انظر «شرح الارشاد ١٣-٧٦: ٢٥٠» و أيضاً «ح ١٣: ٧٨ ص ٤».

ص ١٦ س ١، لاقية: و كذلك مسختان عند إحداهما كتبت سنة ٩٨١ [رقمها ١٢٦] و الأخرى كتبها علي بن محمد حسن خواجه علي في يوم الأحد هو يوم اليرور سابع عشر شهر جمادى الثاني (كدا) سنة ١٠٠١ (رقمها ٨٥٠٦)

ص ١٦ س ٥، قياص مذكور في «إحياء الدائر ص ١٨٢» استناداً إلى السبعة الموصوفة فقط و لكن هناك الربعي مكان العرب و العناني مكان العاني فراجع فهرس الرصوية بل اصل السبعة المخطوطة.

ص ١٧ س ٦، حسين بن الحسن: ليس هنا برجل مذكوراً في طبقات شيخنا المصنف. «الحاشية عليها» ص ١٧ رقم ٥١ أقول عندما أيضاً نسخة في مجموعة استسخت حوالي سنة ١٢٤٣ في اصفهان في ٦٤ ص و لهاها أيضاً صوم الحرب. ثم اعدم انه قد نبى لنا ان وفاة الداماد في عين سنة ١٠٤٠ فاعتبه هذا و سأل التاريخ الصحيح في كلام شيخنا المصنف ره انظر (الحاشية على المختلف ١٩٤-١٠٦٤) فالمصنف ره يلعب بالتواريخ المختلفة للاعلام كالداماد و الشيخ الهائي و علامة المجلسي ففس الله روحهم مرة بذكر هذا و أخرى داك و ثلاثة يجمع بينهم كما يأتي ١٠٤١ أيضاً في (الحاشية على [كتاب] من لا يحضره العقبة ٢٢٣: ١٢٥١).

«الحاشية عليه» ص ١٨ رقم ٥٢. أقول و لولده الشيخ محمد بن الحسن «استقصاء الاعتبار» مر في ج ٢ و ٣٠ و يأتي في ح ١٣: ٨٧.

«الحاشية عليه» ص ١٩ رقم ٦١: و يقل عنها السيد الجزائري في شرح التهذيب كثيراً فليلاحظ.

«الحاشية عليها» ص ٢٠ رقم ٦٨ س ١٢، حدود ١٣٩٠ ١٧ دى القعدة ١٣٠٧ «الأشياء و الظواهر» ص ٢١، (٩١٠): ٢٠ ح ١ (٩١١) صححه المصنف بعد ما كتبه إلى ابيه.

ص ٢١: حواشي اشارات شيخ الرئيس چه شده؟

«الحاشية عليها» ص ٢٣ رقم ٨٩: أقول عندما من هذه الحاشية الخليفة مسختان بالوصف و اصلها لا يريد على السبعين صفحة

«الحاشية عليها» ص ٢٤ رقم ٩٠. نسخة جايي مقاصد عليه و نسخة عطي ما كه به
شماره ١٠٩٦ و در يك مجموعه خودم گذاردم با مستك كبر شيخ حسن و ايقاعات
داماد حتماً ديده شود اين جا حاشيه مى خواند.

«الحاشية عليها» ص ٢٤ رقم ٩٤ س ١٨، كن: و كذا في النسخة المطبوعة بطهران
أيضاً و كذا في نسخها المخطوطة في مجموعة كانتها لطف الله اخوي ري ره تاريخ كتابه
بعض رسائلها ١١٠٤.

«الحاشية عليه» ص ٢٥ رقم ١٠٠ س ٢٢، بعد (١١١٣). كما في تحفة العالم ص ٦٤ أو
في (٢٣ شوال ١١١٢) كما في الروضات.

«بهدية الطالب في معرفة المفروض و الوجوب» ص ٢٨ يراجع ما ذكرناه بهامش النسخة
في حرف الباء و بهامش (تكملة النسخة) و ما ذكرناه بهامش (الرسالة العقلية) في ح ١١.
٢١٤: ١٢٨٢ و ٢١٦. ١٣٠٨.

«تاريخ بهمن» ص ٣٠ س ١٨، ابن هنيق هو ابوالحسن علي بن محمد البهمنى
المدكور قبل هذا العنوان.

«الحاشية عليها» ص ٣٢ رقم ١١٤٦ أقول قد حصلت لى بالشراء نسخة من حاشية
التحرير للمحقق الكركي من اولها لى قول المصنف «قوله اذا حصل الجنب عند عذير»
ثم شيء من شرح هذا الكلام و هذه نسخة مع حاشيه الكركي عني ارشاد الادهان
للعلماء أيضاً إلى أواخر بحث البيع في مجموعة و ليس لهما تاريخ الكتابة و لا اسم
الكاتب أو الكاتبين و الظاهر أن النسخة من آثار حوالى عام ١٠٠٠ هـ و رفعها في مكتبنا
(4182).

«الحاشية عليها» ص ٣٦ رقم ١٧٠. أقول انظر الأرقام ١٧٣ و ٣٨١ و ٣٨٢ و ٣٧٤
ص ٣٧ س ٨: أقول بل يأتي رقم ٥٨٦.

«الحاشية عليها» ص ٣٧ رقم ١٧٣ أقول انظر الرقم ١٧٠ و ما ذكرناه في التعليقة.

«الحاشية عليها» ص ٣٩ رقم ١٩٠ يأتي ذكره أيضاً مفصلاً في ج ٧ ص ١٥٢ مراجعه.
«تفسير البصاوي» ص ٤١ انظر ر ح شبه عني تفسير البصاوي ٥٩: ٣٠٠ و ٣٠١ و

[جواهر الاسرار ٥: ٢٦١: ١٢٥٩].

«الحاشية عليه» ص ٤٤ رقم ٢١١: انظر [شرح تفسير البصائر ١٣: ١٥٠: ٥١٠].
باسمه العليم؛ و أقول عندما من هذه الحاشية التي نقل مصححها أولاً نسخة فقدت
آخرها و الظاهر أنها بخط من كتب مكتبته على الورقة الأولى بهذه الصورة [الملتقى إلى
الله العارف العبي محمد بن الحسين الشهير بياقر جريادقاني عمي عنهما عبيهما بالبي و
الولي] و صرح خاتمه [عبدالله محمد بياقر ١١٣٠] و على النسخة حواش للشيخ المحشي و
حواش توقيعه بخط كاتب النسخة هكذا [حسين مذ طه] و امثال هذه التعابير كما
يدعو لشيخ في الحواشي بالبقاء و في الورقة الثانية حاشية ذكر في آخرها ما لم يظنه [شرح
المحشي مذ طه] فالنسخة مكتوبة في حيوه الشيخ و لكن لم يعرف الحسين صاحب
الحواشي على هذه النسخة و الظاهر أن الكاتب تلعب فلما و نسخها تنتهي بالتعليق
على الآية ٢٣ من سورة البقرة. أما النسخة التي اولها (ان احسن) الخ. فهي المطبوعة
بهاشمي تفسير البصائر الطبعة اعجوبة الطهرانية سنة ١٢٨٣ و هي لا تختلف عن نسخا
المخطوطة سوى في الحطية فلا بد أن الشيخ رده بعينه أنشأ لكاتبه خطين و ما كتبت
بهاشمي التفسير انقص من نسخا المخطوطة و تنتهي بص ١٦ و المخطوطة تنتهي بص
١٨. م ع ر في ليلة ٢٩ ج ١ سنة ١٤١٧

ص ٤٤ س ١٣، الشيخ لم يرد هناك على هذا شيئاً

«الحاشية عليه» ص ٤٦ رقم ٢٣١: توفي المرحوم السيد ميرزا هادي الخراساني (قده)
بكر بلا في «...»

«الحاشية عليها» ص ٤٧ رقم ٢٢٩ أقول ليس حاشية التكملة هذه ذكر في ترجمة
السيط و لا في ترجمة الخفري في نسخة الاصل من ريدص العلماء مطلقاً و إنما المذكور
فيه حاشيته على حاشية الخفري على شرح القوشجي للتجريد و سيأتي ذكرها برقم ٣٣٢
و انظر الكواكب المنتشرة ص ٣٩٢ و نض أن الخطاء من شيخنا المصنف وقع سهواً والله
العالم. م ع ر في ليلة ٢٧ شوال ١٤١٦

«تلخيص الأقوال» ص ٤٧: أقول ذكر شيخنا المصنف رده في «مضفى المقال ١١٠»
أن لعنه الاوحد الحاج ملا محمد جعفر بن محمد صفى الأبادلى الفارسي الاصفهاني
صاحب «نقود المسائل الجعفرية» حواش كثيرة معبدة على تلخيص الاقوال و النسخة

عبد شيعنا العلامة الشيخ محمد صالح البخاري بريل محمد صاحب كتاب «حكمت بوعلی».

«التهافت» ص ٥٠ س ٦، الطومسي: سيأتي ذكره في ص ٧٦ س ٢٣.

«الحاشية عليه» ص ٥٠ رقم ٢٤٧: أقول إن من المقطوع أنه لا يوجد أثر من التشيع في آثار هذا الحكيم و لا في آثار صاحب التهافت فلا ثمرة في ذكر أمثال هذه الكتب و مصنفها سوى تسويد الأوراق.

«الحاشية عليه» ص ٥١ رقم ٢٥٢: أقول إن الذي نظمه أن الأمر اشتبه على السيد جاح آقا و الصواب أن الكتاب الذي كان في مكة حذّه إنما هو حاشية الشيخ محمد ابن صاحب المعالم الآتي ذكرها (رقم ٢٦٢) دون الذي ادّعاه و نسبته إلى صاحب المعالم و سبب الاشتباه أن بعض الجهات كتبت على الورقة الأولى من نسخة حاشية الشيخ محمد ما لفظه «حاشية صاحب معالم صول بر تحديث حديث» انتهى و سبب اشتباه هذا الرجل كثرة اشتهار صاحب المعالم بين الناس دون ولده الشيخ محمد الذي عاش في البلاد العربية و توفي شاباً عن خمس سنة من عمره فقد ولد ٩٨٠ و توفي في مكة المكرمة سنة ١٠٣٠ و المحشي عنه قد صرح في مقدمة كتابه المذكور باسمه «محمد بن الحسن» و مع ذلك اشتهر الأمر عندهم و سيأتي تنقيح الكلام حول النسخة فانتظر و أمّا السيد جاح آقا المنكر ذكره في الدرر المعاني فهو الجاح السيد محمد باقر (الثاني) أي المسمى باسم حذّه حجة الإسلام الشقيق السيد أبي توفي في ٣ شهر رمضان ١٢٣٣ و ترجمته في دانشمندان اصغهان للسيد الهوى ص ١٥٦.

«الحاشية عليه» ص ٥١ رقم ٢٥٥: أقول و ينقل عنها كثيراً العلامة المحسني ره في [ملاد الأخيار] و لعلّه استقصاها و كما ينقل عنها العاقل الخاجولي مولانا محمد اسماعيل ره مش ما نقل عنها في رسالة له في حكم العمل قبل الاستبراء المطبوعة في مجموعة رسائله الفقهية ج ١ ص ٣٢٧ ط قم و كما ينقل عنها المحدث النوري شيخ المصنف ره في خاتمة مستدركه في ترجمة ابن داود الرجاء فيظهر وجود النسخة عند هؤلاء و لعلّها مدونة استقلالاً.

ص ٥١. حاشية ميرداماد و مير سید أحمد در نسخه ناقص الآخر ج ١ تحديث خط مير سید أحمد كه دارم.

«الحاشية على تذييل الأحكام» ص ٥٢. قال السيد العلامة السجسي المرعشي في تعليقات «تذكرة القور ٢٢٠» و عنها منحصراً في «دائمهات اصمهان ٢١٧» إن الميرزا عبدالمناج الأبا جعفري الطوسي كان من العلماء الرهاد و له تعلية نفيسة على تذييل جدّه شيخ الطائفة توفى سنة ١٢١٩ و دفن في واسط مرار تحت فولاد باصمهان انتهى. أقول هذا الرجل من بيت صاحب [تفسير الألف ٤: ٢٣٦] و ذكره شيخنا المصنف في «الكرام ٧٩٦» نقلاً عن «تعليلات التذكرة» فقط و حصص عبدنا بفصل الله تعالى مجموعة من رسائل المحقق البهبهاني المتوفى سنة ١٢٠٥ و هي بخط ولد لصاحب السموان اعني الميرزا عبدالمناج كما رقم في موضعين من مجموعة اوها بأخر [الموائد الجديدة] و هذا نص كلامه قال [تمت هذه الرسالة في يوم احد رابع شهر حمادى الأولى في يد اقل عبادالله محمد يحيى بن عبدالمناج الطوسي ابو جعفري سنة ١٢٣٢] انتهى

«الحاشية عليه» ص ٥٢ رقم ٢٦٢ أقول يأتي في الشروح ج ١٣: ١٥٧ من ١٦ و هناك تعليلنا حول نسخة فراجع.

«الحاشية عليه» ص ٥٣ رقم ٢٦٨؛ أقول سمعنا في معجم المطبوعات ص ١٩٤٦ نعه شاهجهاني أو السجدة الشاهجهانية - نقلاً عن نسخة الحاشية المطبوعة بكانپور سنة ١٢٩١ و لراجع الجزء الثالث هامش ص ٤٤٣.

«الحاشية عليه» ص ٥٤ رقم ٢٧٢ من ١٧، سمعنا كما في هامش نسخة من هذه الحاشية و انظره في ح ٢٤ ص ١٠٢ و راجع (المحالة) أيضاً في ح ١٥ ص ٢٢٠ و كتاب ترجمة النوائ للشيخ عني النوائ ص ١٦٤.

«الحاشية عليها» ص ٦٠ رقم ٣٠٧، اسحق. انظر الكواكب المنشرة ص ٥٥ و ٦٤١.

«الحاشية عليها» ص ٦٢ رقم ٣١٩: عندما مه نسخة كتبت عام ١٢٩٢.

«الحاشية عليها» ص ٦٣ رقم ٣٢٤. سألني «الحاشية على معنى اليب رقم ١١٩٢».

«الحاشية الخفية على الشرح الجديد للتجريد» ص ٦٤ من ٢٢، الآتي: في ص ١١٦ رقم

٦٢٣.

«الحاشية عليها» ص ٦٤ رقم ٣٣١: أقول و إننا رأينا نسخة من حاشية محمدابراهيم بن صدرالدين محمد الشيرازي هذه بعنوان [تعليلات حواشي المحقق الخفري على الشرح

الجديد للتحرير] كانت تاريخ كتابتها يوم الجمعة السابع عشر من شهر شعبان ١١٨٦
ص ٦٥: برای حواشی شرح تحریر رجوع شود به فهرست مجلس ح ٥ حملاً
«الحاشية عليها» ص ٦٥ رقم ٣٣٤ أقول لا يخفى أن هذا الكلام الذي الحقه المصنف
في هامش خطأ لا ربط بينه وبين ما في المتن فإن الرجل المذكور في المتن من اعظم
حكماء القرون الثالث عشر و سوف يتكرر ذكره و ذكر حاشيته هذه في ص ١١٤ بسط
بما ذكره ها.

و رأيت بخط هذا المحشى كتاب من لا يحضره الفقيه، مرع مه في (١٠٧٦)
«الحاشية عليها» ص ٥٣ رقم ٣٣٥. نظر ص ١١٤ و راجع كتابنا «ريدگانی آیت الله
چهارسوقی ص ٩٦».

أقول عدي منها مستخدمان أحدهما مع الحواشي الكثيرة منه عليها و من (محمد اسمعيل
الاصفهاني ره) و الأخرى أيضاً مع حواشي (مه) ضمن مجموعة فيها (حاشية المولى
عبدالرراق على الخمري) و (الرسالة الرومانية) بغايل الخواص
«الحاشية عليها» ص ٥٣ رقم ٣٣٦ توجد نسخة منها مصححة إلى نسخة آياته
المذكور في مكتبة السيد مصطفى الحسيني و ذكرها في فهرس المكتبة المذكورة.
«الحاشية عليها» ص ٦٦ رقم ٣٤١ أقول انظر كتابنا «ريدگانی آیت الله چهارسوقی
ص ٩٦».

«الحاشية عليها» ص ٦٦ رقم ٣٤٤: راجع فهرست مجلس ح ٥ ص ١٤٣
«الحاشية على الحاشية الخمرية على الشرح الجديد للتحرير» ص ٦٧ حاشية
محمد مسيح بن اسمعيل المدشكولي القسائي الشيرازي تلميذ المحقق آقا حسين
الخوانساري ثم شيخ الإسلام بفارس و متوفى سنة ١١٢٧ عن عمر يقرب تسعين سنة مر
له «اثبات الواجب تعالى ١: ١٠٩: ٥٢٨» نسخة حاشية كتبها جذا العلامة المحقق الكبير
الحاج أمير أبو القاسم جعفر بن السيد حسين الحسيني الموسوي الاصفهاني الجفادقاني
الخوانساري شرع في كتابتها في اسفند الأشرف يوم الخميس ١٩ شهر شوال ١١٤٥ و
مرع مه يوم الجمعة الثالث من السنة نفسها في ١٠٥ ورقة موجودة في مكتبة جامعة
طهران المركزية كما في فهرسها ٨: ٥٧٨.

«الحاشية عليها» ص ٦٨ رقم ٣٤٩. نسخة آد در فهرست كتب خطي كتابخانه سيد مصطفي نوشته شد.

«الحاشية عليها» ص ٦٩ رقم ٣٥٧ س ٦. الحاشية الفخائية: انظر ص ٧٠٨ رقم ٤٠١ و ما ذكرنا في الحاشي.

«الحاشية عليها» ص ٦٩ رقم ٣٦٠ رأيت نسختها مصححة برسالة أخرى في ٢٦ ح ١ سنة ١٤٠٦ في يد اخاخ حيدري من كتب شيخ الإسلام المروقه و الكتب لايق بالدقة و التأمل.

ص ٦٩ س ١٥، جمال الدين: [راجع ريدگانی جلال الدين دواني ص ١١٠].
«الحاشية الخطائية على الشرح المختصر شجص المصاح» ص ٧٠ س ١٦، المتوفى (٧٩٢): أقول هكذا يأتي تاريخ وفاة السعد في ص ١٩٢ و ص ٢٠٢ سنة الاثنين و التسعين و كذا في كلام مؤلف كشف الظنون ١. ٤٧٤ مصرحاً و لكن في معجم المطبوعات ٦٣٥ ذكر ولادته و وفاته بالرقم ٧٢٢ - ٩٣٣ طبعه.

ص ٧٠ س ١٧، كشف الظنون: ح ١ ص ٤٧٣ بعد ط البحر.
ص ٧٠ ياورقى: قال اسمعيل باشا في «أهلية العارفين ١. ٦٥٦» [الخطاني - عثمان بن عبدالله نظام الدين الخطاني الحنفي المعروف عملاً بأمراده المتوفى في سنة ٩٠١ له حاشية على التلويح للتعارفي في الأصول. حاشية على مختصر التعارفي لشرح التلخيص. حاشية على المطول في المعاني و البيان] انتهى أقول في طهر بنسختها من حاشيته على المختصر «الخطاني» باهمره لا بالباء الموحدة. رجع فهرسا الكبير رقم ٢٩٢
«الحاشية عليها» ص ٧١ رقم ٣٦٦ س ١٦، المتوفى (٩٨١) في اصناف كشف الظنون ط أخير أنه توفي ١٠١٥ (ج ١ ص ٤٧٦).

ص ٧١ س ١٦، جداً لم خلق الاسان. + و؛ كما في نسخة مخطوطة و في كشف الظنون ص ٤٧٦ ج ١.

ص ٧٢ س ٢، ٩٩٢: أقول هذا التاريخ في لروصات أيضاً سنة ٩٦٢ و لكن في نسخة السيد مصطفي الحانوي آبادي سنة ٩٧٢ و ايضاً نص الحاشية من تلك النسخة و ان كانت غير معتبرة قال (و قد اتفق المراجع من تعليق ما وسعه المجال مع توزع البال و نشئت

الحال لافق الخلق إلى عمرو ربه الأبدى عبدالله (كد) بن شهاب الدين يردى في السابع عشر من دى حجة النير و سبعين و سعمائة بنار الملك شوار حمت ... في المدرسة الصلورية المصورية)

«الحاشية الخطابية على الشرح المطبوع لتدخيص افتتاح» ص ٧٢ من ١٧، نظام الدين عثمان: / نظام الدين أحمد بن عثمان.

«الحاشية عليها» ص ٧٣ رقم ٣٧٣: أقول انظر ص ٧٤ الرقم ٣٨١.

«الحاشية عليها» ص ٧٣ رقم ٣٧٤: أقول انظر ص ٣٦ رقم ١٧٠.

«الحاشية عليها» ص ٧٤ رقم ٣٨١ من ١٨، مروت: أقول يعنى في ص ٧٣ رقم ٣٧٣ و

انظر الرقم اللاحق

«الحاشية عليها» ص ٧٤ رقم ٣٨٢، أوها، أقول هذا الابتداء انقول في المنع عن ما مرّ في الرقم السابق و هكذا ذكر الحاشيين أيضاً في (شرح رندگان دوان ص ١٦٤) و الطاهر وقوع الاشياء في ذلك و عددا من هذه الحاشية نسخة قديمة اسمى من رسم السوان و خطبتها مشتملة على ذكر وقائع و لعلها اشارة إلى ظهور دولة الصعوية وهي من أواخر مصنفاته ان لم تكن الأخيرة و لا عارخ في نسخها مطلقاً و رقمها 9755 و راجع ص ٣٦ رقم ١٧٠

«الحاشية على الشرح المختصر الخاضعي» ص ٧٥ من ٢٢، السيد الشريف: فهرسا

الكبير رقم ٢٩٩.

«الحاشية عليها» ص ٧٦ رقم ٣٩٠ من ١١، في (ص ٧٣) و أيضاً ص ١٣٣ من ١.

«الحاشية عليها» ص ٧٦ رقم ٣٩٤ من ٢٢، وأينها، أقول حواشي المولى عبدالله ره

مكتوبة على هوامش نسخها من الحاشية لدواية كما سيأتي بيانا في التعليقة الآتية.

«الحاشية عليها» رقم ٣٩٦ ص ٧٧ من ١١، أيضاً: أقول و مثلها أيضاً عند نسخ

عديدة مفتوح جميعها بعد السحطة هذه الصورة «قوله العبّاص الوهاب» كالمقول في المنع

و هذا الكتاب أيضاً مما صار معركة الأراء طول ثلاثة قرون بعد التأليف فعلق عليه جماعة

من مشاهير اهل العقول في ثلث القرون امثال المحقق جمال الدين الخوساري و شمس الدين

الجيلاني و المولى عبدالله اليردى من علمائنا الاعلام فتس الله تعالى ارواحهم.

ص ٧٧ س ١٣، الحال: أقول انظر ص ١٣٤ رقم ٧٢٤

«الحاشية الفيّاحية على شرح المطالع» ص ٧٨ أقول يراجع ص ١٣٣ رقم ٧١٥ و
التعليقة الآتية ثم ليصحّح المطالب المذكورة في المتن و انظر أيضاً «الفيّاحية» في ح ١٦
ص ٤٠٠.

«الحاشية عليها» ص ٨٧ رقم ٤٠١، فتح الله: أقول لا اشك أنا أن هذه الحاشية هي
التي تأتي في ص ١٣٤ رقم ٧٢٣ فيصحّح و مرّ لسيد المذكور حاشيته على الحاشية القديمة
على الشرح الجديد لتحريره في ص ٦٩ رقم ٣٥٧.

«الحاشية عليها» رقم ٤٠٤ ص ٧٩ س ٣ و يظهر من نسخة (رقم ٤٦٤٤) المورّحة
سنة ١١٢٦ وفاة المحشي قبل ذلك التاريخ حيث يدعو له الكاتب في الحواشي بقوله (مه
رحمه الله).

«الحاشية على المختصر و على المطول» ص ٧٩ س ١٣، مرقّ في ص ٧٠

«الحاشية عليه» رقم ٤١١ ص ٨١ س ٦، غريب لا عرانة فيه أصلاً

«الحدائق الناضرة» ص ٨١. أقول أنظر في هذا الجزء [مقدمة الحدائق ٢١٦ س ١٥] و
أيضاً [الحدائق ٢٨٩ ١٥٥٧] و [الرد على مقدمات مستأنق ١٠ ٢٢٥. ٦٧١ و ٦٧٢] و
[مقدمة الحدائق ٢٢ : ٥٤ : ٦٠٢٦].

«الحكمة الصادقية» ص ٨١: لراجع ص ٨٩ و مهرست رصوبه ج ١ ص ٦٦ حكمت و
ج ٤ ص ٧٣ و ص ٩٤ و رجال اصمهان ص «...» و ح ٧ ص «...»

«حكمة العين» ص ٨٢، عليّ نام او در كشف الظنون ح ١ ص ٦٨٦ و ح ٣ ص ١٠٦٣
به نحو دیگر است و باید تحقیق شود در همه مواضع و به شرح حکمة العين علامه
حلی طبع آفای متروی رجوع شود و أيضاً رجوع شود به حکمة العين و به عين
القواعد در كشف الظنون.

«الحاشية عليها» ص ٨٢ رقم ٤٢١: أقول أولاً أن الأرجح عدنا أن شهادة جدنا
الشهيد الثاني قلّس الله روحه في سنة ٩٦٥ و ثانياً أن نسخة الخلاصة الموصوفة حصلت
قبل الشيخ مساعد بيد العلامة الرجالي مولانا ميرزا محمد الاسترآبادي فقلّس عليها في
كتبه قال في آخر تعليق له على ترجمة الحسين بن اسكيب من الرجال الوسيط [تلخيص

المقال] ما لعظه الشريف [رجعه على صه] و ذلك بعد نقله تحقيقاً للشهيد الثاني حول الرجل و عندنا نسخة مخطوطة من الخلاصة عليها بعض تعليقات الجدل الشهيد طاب ثراه. «الحاشية عليها» ص ٨٣ رقم ٤٢٥ أقول قال الخشبي ره في اواسط نسخة حاشيته على كتاب من لا يخضره العقبة ما لعظه «و الآخر حسن لاشتماله على ابراهيم بن هاشم و هو غير مصرح بتوثيقه في كتب الرجال الا ان مدحه متظافر حتى ان والدي قدس الله روحه كان يقول ان استحيى ان اخرج حديثه من سنك الصحاح و قد اطبسا الكلام في توصيح حاله في حواشيا على خلاصة الأصول» انتهى ثم ان كتاب الرجال الكبير المذكور في المتن يأتي وصفه في ح ١٠ ص ١٠٢ بعنوان «رجال تلميذ الشيخ البهائي» و اعلم انه يظهر من الشيخ فخر الدين الصريحي المتوفى سنة ١٠٨٥ في ماده علم من كتابه «مجمع البحرين» ان نسخة الخلاصة مع حواش الشيخ البهائي عليها كانت عنده فنقل عنها كلاماً حول نسخة الاصل من شرح لاشارات للعلامة الحلبي ره كما يأتي في كلام المصنف حول «شرح الاشارات ١٢. ٩٠» وراجع.

«الحاشية عليها» ص ٨٦ رقم ٤٤١: أقول قال صاحب رياض العلماء ٣. ٢٢٦ ط قم في ترجمة السيد عبدالله المقرئ كار صاحب [العقبة ١٥: ٢٠٨: ١٣٧٣] ما لعظه [و لكن قد صرح الشيخ علي الكركي من عملائنا في بعض تعقيقاته على هوامش كتاب ذكرى الشهيد بان هذا السيد عملاء أصحاب] انتهى و قد سهى شيخنا المصنف ره في [احقائق الراهة ١٢٣] حيث عبر عما يقناه عن الرياض بقوله [حكى في الرياض عن خط المحقق الكركي انه من مبادات علمائنا] انتهى فقوله عن خط المحقق ليس بصواب

«الحاشية عليها» ص ٨٧ رقم ٤٥٣، ناصر الرجل المذكور بهذا العنوان في الروضات ص «...» و أعيان الشيعة ح ٥٢ ص ١١١ و لكن ذكره شيخنا الشهيد الثاني ره في أواخر شرح الدراية بعنوان ناصر الدين ابراهيم.

ص ٨٧ ص ٧، بحاشية: تأتي في ص ١٧٢.

«الحاشية عليها» ص ٨٧ رقم ٤٥٤: أقول انظر «رجال ابن داود الحلبي ١٠. ٨٤» ١٥٥ و النكمة و عندنا نسخة للمعلم صاحب «مكارم الآثار»

«الحاشية عليه» رقم ٤٥٧ ص ٨٨ ص ٦، بقلم: و رأيت نسخة الاصل من هذه

الحاشية بخط المير قنّس سرّه في مكتبة ملك بظهران في سنة ١٣٧٦.

«الحاشية عليه» ص ٨٨ رقم ٤٥٨، أبي العفضل: انظر «ديوان أبي العفضل للطهراني» في ج ٩ ص ٢٦٣. أقول نقل شيخنا المصنف في [مقصى المقال ٤٨٠] عن [رياض العلماء] أن الأمير نجم الدين من علماء عصر الشاه عباس الصفوي [التوفى «...» له تعليقات على رجال الحاشي كتبها بهامش نسخه.

«الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية» ص ٩٠ س ٢٣، (٩٩٩) الأصبوب أن حدثنا الشهيد الثاني قنّس سرّه استشهد سنة ٩٦٥.

«الحاشية عليها» ص ٩٠ رقم ٤٧٢: أقول سبّني حاشية والده (الرقم ٤٩٥).

«الحاشية عليها» ص ٩١: المطوعة في حقه من الحواشي بهامش «الروضة البهية» المكتوبة بخط «...» لطبعة الحجرية سنة «...» و الحاشية لأحمد. له «حاشية المعالم ٢٠٤ : ١١٣٣»

«الحاشية عليها» ص ٩١ رقم ٤٨١: يأتي له كتاب الشكيات في ج ١٦ : ٢١٨ : ٢٢٦٩.

«الحاشية عليها» ص ٩٢ رقم ٤٨٥ س ٢٣. واجهة الصواب أنه توفي في أثناء سفره من طريق العراق فريب السجف الأشرف و ذلك قبل أن يجمع.

أقول طبع حواشي الشيخ جعفر القاصي مع شرح النسخ ط عبد الرحيم اما بعضاً و اما تماماً و نسخة منها مخطوطة موجودة عندنا. و مرّ له اصول الدين و حقه سلطان.

«الحاشية عليها» ص ٩٤ رقم ٤٩٥: أقول و يأتي الرد عليه في ج ١٠ : ٢٠٠ : ٥٢٤.

«الحاشية عليها» ص ٩٦ رقم ٥١٣: أقول راجع لراماً «الروضة البصرة ص ٥١٧ و ٣٦٣» و عندنا من حاشيته نسخة مخطوطة.

«الحاشية عليها» ص ٩٧ رقم ٥١٧ س ١٥، ذكر: و كذا السيّد عبد الله الجزائري في إجازاته الكثرة و من العرب اتحاد تعريبهما عن هذه الحاشية ان لم يشتت الأمر على شيخنا المؤلف ره و الرجل المذكور في شهداء لفصيلة ص ٢٣٥.

«الحاشية عليها» ص ١٠٠ رقم ٥٢٣ س ٦، بقرون: مصى القيتة الحوية في ج ١ ص ٥٠١.

«الحاشية عليه» ص ١٠٠ رقم ٥٣٨ س ٢٣، محمود: توفي الميرزا محمود هذا بظهران في

أواخر شهر جمادى الأولى سنة ١٣٧٥ و أقيمت له عدة فوائح

«الحاشية عليه» ص ١٠٢ رقم ٥٤٩ س ١٥، لم يتيسر لي: أقول بل لعدم قابليته للاستجارة فان جده السيد السيد الإمام المجدد آية الله العظمى السيد ميرزا محمد هاشم قدس الله روحه كان قد تجاوز ٨٢ سنة من عمره الشريف و شيخنا المصنف حينئذ من أئمة الخامسة والعشرين.

«رعدة الأصول» ص ١٠٢ الصواب منه ١٠٣٠ كما مر مراراً و يأتي «الرعدة ١٢: ١٩: ١١٥» و شروحها في (ج ١٣: ٢٩٧ - ٣٠٢).

«الحاشية عليها» ص ١٠٣ رقم ٥٥٥ أقول نسخة من هذه الحاشية المنونة عندما تجري مجرى الشرح جاء في آخرها ما نصّه «مرع من نقله إلى الناص أقل العباد عملاً و أكثرهم رجاءً و أملاً محمد المشهور بهاء دين العامي عامله الله بلطفه الخفي و الجني في ثلث عشر أول شهور سنة الثامنة من العشر الثاني بعد الألف ١٠١٨» انتهى و هذه باقي ما بعلامه هاشم «الرعدة ١٢: ١٩: ١١٥» من تاريخ الاصل لبعضهم و هو ١٠٢٠ و الله العالم و أمّا كانت النسخة فهو على ابن كربلاي رضا علي ابرواني يظهر من كلامه انه كان من طلاب مدرسة «الجلّة» بالصفهان على حسب تغييره «مدرسة جده، كوچك ظاهراً بررگ ناساً» مرع من كتابها في يوم الخميس ١٦ شهر رجب ١٢٣٩.

«الحاشية عليه» ص ١٠٤ رقم ٥٦٢ س ١١، التدقيق: أقول نص كلام المرحوم في «التميم ص ١٢٠ ط قم» [في كل مرة كتب عليه حواشي بالغة] الخ

ص ١٠٤ س ١٤: أقول كلام شيخنا المصنف ره من قوله (و أظن) إلى (في حال الحياة) رائد لا دخل له بصاحب حواشي نكتاب الشافي فان صاحب الحواشي هو الملا محمد حسين بن شاه محمد و هو المراد به في تذكرة الملوك و اما المزار من الشيخ محمد امين هو ابن محمد علي و قد يئس الأمر في حواشي الكواكب المنتشرة و مواضع أخرى فليراجع. أمّا الملا محمد حسينا صاحب نسخة حاشية المعالم غير معلوم الأب فيمكن ان يكون احد الرجلين كما يمكن ان يكون ثالثاً هما و العلم عند الله سبحانه. في ليلة ١٠ ج ٢ سنة ١٤١٨.

«الحاشية عليه» ص ١٠٦ س ١٠، قزويني: توفي عمر الله له و عمي عنه في غروب يوم

الجمعة ١٨ رجب سنة ١٣٦٨ بطهران و دفن في جوار حصرة عبدالعظيم الحسيني عليه السلام في مقبرة الشيخ أبي الفتوح الراري (قده).

ص ١٠٦ س ١٠، مؤلف. نو عتر عنه بصاحب بيست مقاله لكان أسب حيث ان (بيست مقاله) مجلداً جمع فيهما مقالات لقرويي أولهما بعاية الأستاذ ابراهيم (پورداد) و طبع سمبثى سنة ١٣٠٧ش و الثاني بعاية الأستاذ عباس (اقبال) و طبع بطهران سنة ١٣١٣ش و الأول مذكور في ح ٣ ص ١٨٩.

ص ١٠٦ س ١٢، فويخت الصواب فويحق.

«الحاشية عليه» ص ١٠٧ رقم ٥٧٦: يراجع مهرسا الكبير.

ص ١٠٧ س ١٠، و هو الأعظم / و المراد به جامع البد و هي المسجد الأعظم هكذا العبارة في نسخة السيد.

«شرح آداب المناظرة و البحث» ص ١٠٩، همد شمس الدين الحسيني الحكيم المهندس توفي بعد سنة ٦٩٠ كما في ترجمه في الأعلام لبرركلي و قد اخطأ في قوله ان المن لبشاشي و الشرح لسمرقندي فراجع و له «اشكل التأسيس» تاني شروحه في الشهر كما يأتي هناك أيضاً شروح لأدب البحث المذكور في المن و يأتي له أيضاً «الصحائف الإلهية ١٥: ٤٦٠٩» لكن شيخنا المصنف ره لم يعرف صاحبه باسمه مطلقاً

«الحاشية عليه» ص ١٠٩ رقم ٥٨٦: أقول، نظر ما ذكرناه في التكملة على [الباب الحساب ١٨. ٢٧٩: ٩٩] و لا يصل.

«الحاشية عليه» ص ١١١ رقم ٥٩٨ رجوع به مطبوع كه در حاشيه روضات طبع ٢ ص ٣٠٢ نوشته ام شود.

«الحاشية عليه» ص ١١٢ رقم ٦٠١ س ١، (٧٧٥): الصواب (٧٥٥) كما في المأخذ (و هو إجازات البحار ح ١٠٧ ص ٢٠٦) و كما في تحقيق الراشه ص ١٤٩ و نقل في أعيان الشيعة ج ٤ ص ٤ التاريخ خطأ كما في المن و ان لم يصرح باسم ماخذه و راد عليه خطأ أكبر منه و هو ايراد اسم الرجل في المحمدين ثم نقل الخطأين عن الأعيان في معجم المؤلفين ح ١١ ص ٣٦ و راد عليهما في نسخة الرجل فوصفه بالخلي بزيادة الباء و الله العاصم.

«الحاشية عليه» ص ١١٢ رقم ٦٠٤ س ٩، المذكور. و يأتي ذكره أيضاً في ص ١٨٤ و ص ١٩٥ و ص ١٣٢ و ص ١٤٦.

«الشرح الجديد للتجريد» ١١٣، عني: انظر له «ميران الحساب ٢٣: رقم ٩١٠٨» مع التكملة.

«الحاشية عليه» ص ١١٣ رقم ٦١٢ س ٢٤ و عدد أيضاً منها نسخة صحن مجموعة من تعبيقاته ره.

«الحاشية عليه» ص ١١٤ س ٣، (رياض النفس). يأتي في ح ١١ ص ٣٣٤.

«الحاشية عليه» ص ١١٤ س ٥. أقول لا يخفى أن هذه الحاشية هي المذكورة بعينها في ص ٦٥ كما اشار إلى ذلك المصنف أيضاً في المتن و الكتاب المذكور في «فهرست دانشگاه ٣ ص ٢٣٦» و لم يذكر هناك أن النسخة بخط المؤلف فلعّل هذا الكلام من قول السيد المشكاه في كتابه إلى المؤلف وقوله (و تاريخ كفاية الشرح) يعني (شرح للمشاعر) و نسخة شرح المشاعر المذكورة في الفهرست ص ٢٨٢ و في الدررعة ح ١٤ ص ٦٥ و الله العالم. ثم لا يخفى أن الرجل من كبار الحكماء المشاهير و اروع العلماء الربانيين و كان ساكناً في اصفهان و توفي سنة ١٢٦٠ و في كونه معصلاً في فهرسنا يدل عنوان كتابه (شرح المشاعر) فلراجع في محرم ١٣٩٥ م عر عني عنه

«الحاشية عليه» ص ١١٤ رقم ٦١٤ س ١٨، الروضات: و نفس مؤلفها في إجازة مناقب المصلا.

«الحاشية عليه» ص ١١٦ رقم ٦٢٣، شمس الدين. ترجمه في دبل ترجمة منصور من روضات الجنات و ما علقاه عليها في نسخنا الخاصة ص ٦٤٦.

ص ١١٦ س ١٧: و أيضاً نسخة منها في مكتبة السيد مصطفى الحسيني و قد فهرستها و هي منصمة إلى نسخة من (اثبات الواجب القديم) و أيضاً نسخة أخرى بعينة منصمة إلى حاشية حاشية شرح المطالع للدواني موجودة عندي بخط مولانا اسمعيل الخاجوثي و أيضاً نسخة أخرى كذلك رقمها ٤٣٧٩.

«الحاشية عليه» ص ١١٦ س ٢١، النصيرية: يأتي هناك مجعلاً و سيأتي في ص ١٤٦ و في ١٣٤/٥ أيضاً و تفصيل الكلام في فهرس المكتبة المركزية بدانشگاه تهران ج ٣ ص ٢٣٢ و

أول ديباجة القديمة قوله «يا من وفقنا لتجريد الكلام في تقرير عقايد الإسلام» و بعد الديباجة هكذا «قوله» في الحاشية قبل لم يرد معينا إلخ. أقول مراده بالزيادة في اجمله الزيادة بوجه ما» نسخة من المصنف مع الديباجة عند الحاج شيخ مرتضى المدرس الاردكاني باصفهان.

«الحاشية عليه» ص ١١٧ س ٢٢ منها نسخة في الخزانة الأصصية كما في فهرسها ٢: ٣١٢ و قد اشبه الأمر على مؤلف الفهرس قطعها للمولى صدر

«الحاشية عليه» ص ١١٩ رقم ٦٣٩، محمد صالح الثاني: بأيد رساله انساب مجلسي و احتمالاً فهرست مجلسي ديده شود. اقدى مهموى در كتاب شرح احوال مجلسي نوشته اند مولى محمدصاح ثاني مررد مولى عبد ساقى مررد مولى محمدخان مارندرانى و معروف به آقا بررگ است.

«الحاشية عليه» ص ١٢١ رقم ٦٥١ أقول نظر [شرح حكمة الاشراق ١٣ ٢١١] ٧٤٩

«شرح حكمة العين» ص ١٢١ س ١٢: التكتي مذکور في مفتتح شرح ميرك هذه الصورة (بحم الملة والدين أي بكر بن عمر الكبي القرطبي) كما رأيت في نسخين من الشرح.

«الحاشية عليه» ص ١٢١ رقم ٥٦٣، (١٠٨١) لم أجد قائلاً لهذا التاريخ في غير هذا الموضع مع أن الأقوال في وفاته كثيرة و الصحيح توفي عام ١٠٧٩ أو ١٠٨٠.

«الحاشية عليه» ص ١٢١ رقم ٦٥٦، على هو ابن الشيخ فضل الله العمري الراهدي ط و نسختها موجودة عندي في مجموعة.

«الحاشية عليه» ص ١٢٢ رقم ٦٥٩ ص ٩، الحكمة- أقول هذا مفتتح حاشية الملا ميرزاخان الباعوى الشيرازي على شرح حكمة العين و عندها نسخة قديمة من هذه الحاشية و توجد أيضاً في الرصوفة (كما في فهرسها ١ ص ٣٨) و في سبهاالار (كما في فهرسها ح ٣ ص ٢٢٤) و غيرها. و عناوين حاشية الباعوى هذه (على ما في نسخنا المصنعة إلى شرح حكمة العين للميرك للرقمة 4658) هكذا «قوله قلنس سره - قال الشارح» و اظن ان منشأ اشياء نسخها المؤلف أو من تقدمه هو بشابه شهرتى الشيرازي و الباعوى فالأول المولى ميرزا و الثاني المولى ميرزاخان و الله العالم.

«الحاشية عليه» ص ١٢٢ رقم ٦٦٠ س ١٣، أنوما،/ رديا.

و س ١٤، فاشرو: / ناصر.

نسخة مخطوطة خاتون آبادي سنة ١٠٦٧ و نسخته الأخرى قليلة.

«الحاشية عليه و على الحاشية الشريفة عليه» ص ١٢٥ رقم ٦٧٦، معين: لمراجع ح ٤

ص ٣٣٤ ع ١٤٣٠.

«الحاشية عليه» ص ١٢٧ رقم ٦٨٨: هذا هو السيد صادق المخام المذكور ديلا كما

يأتي في ج ٨ ص ١٤٠.

«شرح مختصر ابن الحاجب المهدية» ص ١٢٩ س ٥، عبدالرحمن هو صاحب المواقف

الآتي ص ١٣٧ س ٤.

«الحاشية عليه» ص ١٢٩ رقم ٦٩٣: عندما منها نسخة ضمن طائفة من تعليقاته ره.

«الحاشية عليه» ص ١٢٩ رقم ٦٩٦ عندما نسختان من هذه الحاشية و هي للمولى

ميرزا محمد بن الحسن الشيرازي به نظر ~~بهم~~ ١٣٢.

ص ١٢٩ س ١٨، الدوالي هذا خطأ و الصواب ان شرح الشرح للسعد الشيرازي كما

لا يخفى.

ص ١٢٩ س ٢١، في غير ما وضع (في غير وضع أول) كما في نسختنا و نسخة

الرطوبة كما في فهرسها ج ٦ ص ٢٧.

«الحاشية عليه» رقم ٦٩٧ - ص ١٣٠ س ١، أوله: انظر ص ١٣٢.

و س ١، (المشكاة): (ج ٥ ص ١٦٧٣/٤ فهرست)

و س ١، قوله: أقول و هكذا مفتوح نسختنا من هذه الحاشية و آخرها (لا يصير

سبباً لأن يعمل به دون الآخر فتأمل فتأمل ثم بحمد الله و حسن توفيقه) و ليس فيها اسم

الكاتب و لا تاريخ الاستساخ و لكنها من القرن ١٢ ط و قد كانت من حراثة كتب

أبي الجعد ره و في ظهر النسخة ما نصه: حاشية ملا ميرزا جان بر شرح مختصر اصول

انتهى.

«الحاشية عليها» ص ١٣٠ رقم ٦٩٨: أقول كل ما مرّ و يأتي عنوانه «الحاشية عليه» و

هذا يقول «الحاشية عليها» فلعلّ هناك سقط و لمن الساقط قبل ذلك حاشية المير سيد

شريف الجرجاني وليهم حص.

ص ١٣٠ س ١١، قال: /: قيل: كما في نسخة السيد الناقصة.

«الحاشية عليه» ص ١٣٢ رقم ٧٠٨ س ٤، قوله هذا أول حاشية للملا ميرزا جاد الباعوى أيضاً كما مر في صدر ص ١٣٠ وفيه نقل جملة من كلام الخشحي حتى ينتهي الأمر. ثم أقول حاشية الملقق الشيرازي هي التي مرّ وصّعه في ص ١٢٩ ع ٦٩٦٤ و هي مطابقة للمسختين الموجودين عندها و كذا لمسختين الموجودتين في الرصويه كما في فهرسها ج ٦ ص ٢٧ فلا يعمل.

«شرح المطالع» ص ١٣٢ مقدمة كتاب مصابح الانوار للارموى نقلتها عن نسخة مخطوطة لسمه المنطقي قال: (بسم رب اعمت فزد، اللهم اني بحمدك و الحمد من الأتلك) إلى ان قال (و ينهل اليك في ان تصنى على محمد سيد مرسلين و بحاتم التبيين و على آله الطاهرين و بعد فهذا مختصر في العلوم الحقيقية و المعارف الالهيه سميته بمطالع الانوار و رتبته على طرفين الأول في المنطق و الثاني أربعة اقسام الأول في الامور العامه و الثاني في الخواهر خاصه و الثالث في الاعراض خاصه و الرابع في العلم الالهي خاصه). أقول و للسيد الشريف الجرجاني حاشية على لوامع الاسرار هذا لم يذكرها الشيخ المصنف هنا إلا ما سيأتي بعد أسطر و قد مرّ ذكرها مع الخواشي الكثيرة عليها في ص ٧٦ - ٧٨.

«الحاشية عليه» ص ١٣٣ س ١، المذكور (ص ٧٣)، و أيضاً ص ٧٦ س ٩.

«الحاشية عليه» ص ١٣٣ رقم ٧١٣: أقول نظر له «نفسه شاهی ٤ ٢٧٧» و توفي المير السيد شريف المذكور بشيراز سنة ٨١٦.

«الحاشية عليه» ص ١٣٣ رقم ٧١٥ س ٩. لا ينبغي أن هذه الجملة اعني قوله (الحمد لله قياس دوائر العوارف) بعينها كلام شارح مطالع في مفتاح كتابه فكان اللازم على شيخنا ره نقل شيء بعلمها في أول الحاشية ثم أقول يراجع ص ٧٨ س ٥ كما أشار إليه في المن أيضاً و كذا ص ١٣٤ رقم ٧٢٣ و يصحح لموضع المذكورة إن شاء الله.

«الحاشية عليه» ص ١٣٤ رقم ٧٢٣: أقول لا شئ في أن هذه الحاشية هي عين ما مرّ في ص ٧٨ رقم ٤٠١ فليحرر.

«الحاشية عليه» ص ١٣٤ رقم ٧٢٤: يراجع ص ٧٦ ع ٣٩٦٤.

«الحاشية عليه» ص ١٣٦ رقم ٧٣٩. نطن أن هذا العنوان خطأ من رأسه بشأ من جهل بعض المهرسين الذي نقل عنه شيخنا لتصف طاب ثراه كما نطن أن المشار أيضاً في المؤلفين نقل الخطأ عن هذا الموضع مؤلفين كتب چاپی ١١ ٥٤٥) و ان الصواب ان هذا الرجل كاتب نسخة حاشية هيدجى (رقم ٧٤١) للطبعة الحجرية و لما لم يكتب اسم الخشبي في اوائل الكتاب بل ذكر السيد الكاتب اسمه و سه في صفحة العنوان فهذا صار سبباً لوقوع من لم يكن من أهل حيرة في هذا الاشباه و الله العالم و السيد المذكور هو الكاتب لعدة كتب من المطبوعات الحجرية كالحصايف العباسية لسكرباسى و بعض اجراء و سابل الشعه ط ١٣١٤ و غيرها و قد اوضحنا ذلك أيضاً في تعليقاتنا المخطوطة على كتاب المشار و عنى مكارم الآثار ج ٦ ص ١٩٦٥ و الله اعرف

«الحاشية عليه» رقم ٧٤١ ص ١٣٧ س ١، ١٣٣٩. راجع ما ذكره في التعليقة على «ديوان الهيدجى» في (ج ٩، ١٣٠٤: ١٣٦٨)

«شرح المواقف» ص ١٣٧، عجلالدين مر ذكره في ص ١٢٩ س ٤ و لتراجع لرام كتاب «تاريخ كريد» ص ٦٩٩ طبع نواتى «حملاته استولى معاصر العصر»
«شرح الهداية الاثرية» ص ١٣٨. أقول انظر «هداية الحكمة» ١٧٣ ١١٤ ١٧٦ و عنى شرح صدرالحكماء أيضاً حواش ثم يدكرها المصنف و هي مكتوبة بموامش النسخة المطبوعة الحجرية سنة ١٣١٣ ب طهران.

«شرح هياكل النور» ص ١٤١: راجع (١٧٦: ١٧٨ ١٧٨ و ٢٤٠)

«الحاشية عليه» ص ١٤١ رقم ١٦٣، للسيد. انظر في ج ٢ ص ٤٠٩ «الامودجة الابراهيمية» و الرجل المذكور أيضاً في ج ١ ص ٢٣١.

«الحاشية عليه» ص ١٤١ رقم ٧٦٤ س ٨، (١٣٣٠): (١٣٠٣).

«الحاشية عليه» ص ١٤٣ رقم ٧٧٥ أقول عدي نسخة صاحب الرياض من هذه الحاشية و قد كتب في ظهر الصفحة لأوسى مه ما نصه [حاشية الهى شها ملاصدراى شيرازى من المقالة (كذا) إلى آخر المقالة السادسة و ليس في هذه النسخة شرح المقالة السابعة و الثامنة و التاسعة و العاشرة و نعتة رد م يؤلف ما بعد ذلك و اخرمه سون ولاحظ] ثم كتب بعد ذلك ما نصه [بسم الله بمرسى ميرزا رضى العابدین بحشيدہ شدہ

حرّره العبد الجاني عبدالله بن عيسى الإصهائي] و مسجع حاتمة (الراجعي لعفو الله عبدالله) و مرع الكاتب (طهاسب قني ولد ملا عزيز الله هراهي ساكن بده طيه قم) من استساح السخة في السادس عشر من ربيع الثاني سنة ١٠٧٤ و أضاف المهررا عبدالله بعد كلام الشارح [مع أيضاً يكون النظر في أحور العلل الغاية أفصلها] هذه العارة بخطه [قد فرغت من تعليق هذا الشرح على إلهيات الشعا لشيخ الرئيس أبي عبدالله حسين بن عبدالله بن سببا البخاري إلى هذه المقالة و قد بقي شرح المقالة السابعة إلى آخر الإلهيات] انتهى. و كانت هذه السخة في حرة أبي المجد الإصهائي رحمه الله و اشترتها أنا بعد عشرين عاماً من وفاته و انظر ما مرّ في رقم ٧٦٩

«الحاشية عليه» ص ١٤٣ رقم ٧٨٠. تأتي بعنوان «شعاع القلوب» مراجعه

«الحاشية عليه» ص ١٤٤ رقم ٧٨١: طبعت هامش الشوارق المطبوعة سنة ١٢٨٠ و عدنا منها نسخة بخط المرحوم الحاج ميرزا بديع.

«الحاشية عليه» ص ١٤٤ رقم ٧٨٤ ص ٢٠، الكيلاني: الطاهر أنه الحاج محمد جعفر الرشقي.

«الحاشية عليه» ص ١٤٤ رقم ٧٨٥: يراجع التكملة على [الشواهد ١٤: ٢٤٣: ٢٣٨٢] «الحاشية عليه» ص ١٥٠ رقم ٨١٥: للسند حسين بن مساعد و كتابه راجع [عمدة الطالب ١٥: ٢٣٦: ٢١٦٨] و التكملة و أيضاً. انظر ما كتباه هامش «نعمة الأبرار ٣: ٤١٥: ١٤٥٤» و راجع «إحياء النثر ٧٢».

ص ١٥١: حاشية علل الشرايع للعلامة المحمدي در نسخة خودمان بخطه الشريف

كتاب آقاي مهدي تفحص شود.

«الحاشية على عيون أخبار الرضا» ص ١٥١: لمعرك موسى المشهدي رأيتها على هامش نسخة من العيون و محشي مذكور في لأمل مراجعه.

نسخه مرحوم عمواقا مجتبي كه خودم خریدم و دارم بايد تكميل شود.

«الحاشية عليه» ص ١٥٣ رقم ٧٢٧، الجفي ذكره المؤلف في نقياء البشر ص ٩٧ و قال انه توفي حدود سنة ١٣٠٩ و ذكره سند مشائخا في الأعيان ج ٨ ص ٦٠ و قال انه توفي بالسجف ١٣٠٩ و يأتي له (يسابيع الأصول) في ج ٢٥ ص ٢٨٧ و هالك انه توفي

بالجحف ١٣٠٨ و لعل (١٣٠٨) من تصرفات ولد شيخ المؤلف و الرجل مذكور أيضاً في (معجم المؤلفين ج ١ ص ٢٠١) لعمر رصداً عن النجباء و الأعيان.

«الحاشية عليه» ص ١٥٦ رقم ٨٥٠ س ٨، المطبوع: لم اجد ترجمته في النتيجة و لكنه ترجم فيه استاده المروى فراجع.

«الحاشية عليه» ص ١٥٧ رقم ٨٥٥ س ٦، (١٣١٨) ١٣١٩ صح

«الحاشية عليه» ص ١٥٨ رقم ٨٦٥: ذكرها في لتأثر و الآثار.

«الحاشية عليه» ص ١٥٨ رقم ٨٦٦، (١٣٠٩): أقول هكذا رأيت تاريخ وفاة الأخوند ملاً على الخولي في مصادر أخرى أي سنة ١٣٠٩ و نقله كذلك شحنا المصنف ره في ترجمة الرجل في القاء (ص ٨ - ١٣١٧) عن مكتبة استاذ السيد الصدر الذي كان حاصراً في تشييعه إلا أن في اوائل حاشيته (أي في ص ١٧ من النسخة المطبوعة في تبريز خلف المشارق و تشريح الاصول) تصفة (مه) كتبت دهاش و نديها توصيح هذه صورتها [هذه الحاشية مصححة بخط الشريف رحمه الله ليس مت قبله ما رأيت من فاضلاً له وقد توفي في العري في العشرة الأولى من المحرم في سنة ١٢٨٩] انتهى و هذه التعديقة مكتوبة أيضاً هداية الطبع و بخط كتب النسخة و الظاهر أنها مقولة عن مخطوطة الاصل و الله العالم بحقيق الامور. ثم ان سائر المصادر أيضاً حال عن اسم والد ذلك الاساد المتقن الاصولي العجل اعني الاخوند ملا علي الخولي و العلم عند الله سبحانه.

«الحاشية عليه» ص ١٦١ رقم ٨٨٥ س ١٩، ٢٠: في سنة ١٣٠٥.

«الحاشية عليه» ص ١٦١ رقم ٨٨٦ س ٢١، يوم فاته: الصواب يوم وفاته.

«الحاشية عليه» ص ١٦٢ رقم ٨٨٩: أقول انظر ما سيأتي في «الحاشية على المكاسب

٢٢١، ١٢٣٨».

ص ١٦٢ س ١٦، حدود (١٣٥٨): (٢٧ - ج ١ - ١٣٥٦). صح

«الحاشية عليه» ص ١٦٤ رقم ٨٩٧ س ١٢، بالقاضي: هو الآتي في الرقم ٩٠٦ أيضاً و

٨٩٨.

«الحاشية عليه» ص ١٦٥ رقم ٨٩٨: مر ذكره آنفاً رقم ٨٩٧.

«الحاشية عليه» ص ١٦٥ رقم ٩٠٢: يراجع ما كتباه في مفتاح نسختنا من احبار

الاسرار و انظر رقم ٩٠٧.

«الحاشية عليه» ص ١٦٧ رقم ٩٠٦ س ١٥، نقضي: هو الذي مرّ ذكره في رقم ٨٩٧ و

٨٩٨.

«الحاشية عليه» ص ١٦٧ رقم ٩٠٧: مرّ ذكرها رقم ٩٠٢.

«الحاشية عليه» ص ١٧١ رقم ٩٢٨: بسمه تعالى، رأيت في شهر صيَّام ٩٤ نسخة من (حاشية الشيخ علي عبي قواعد الأحكام) كما كتب علي ظهرها في مكتبة السيّد مصطفى الخاتون آبادي واولها هكذا (بسم كتاب الطهارة. قوله رحمه فالتوضوء يجب للواجب من الصلوة و الطواف و مرّ كتابة القرآن وجوب الصلوة و الطواف ثابت باصل الشرع غير متوقف على احداث المكثف) و آخرها (و قوله و كذا يسقط العائت الخ المراد به سقوط في هذه الحالة و ان امكن و قوله يحتمل التكرار ولاء الخ اراد به في المستثنين جميعاً فيكون المراد بالتكرار ما هو اعم من الكل و البعض قوله و بي الشاك في العدد على الاقل) تمت.

«الحاشية عليه» ص ١٧٢ رقم ٩٣٠ س ١٤، مسائل الظاهرية: يأتي في (ج ٢٠: ٣٦٧: ٣٤٤٩) و انظر «شرح معطية القواعد للشيخ ٢٢٣: ٦٩٥».

«الحاشية عليه» ص ١٧٢ رقم ٩٣١ س ٧، القطعية: يأتي في (ج ٧، ١٠٢: س ٢١) فراجع.

«الحاشية عليه» ص ١٧٢ رقم ٩٣٣، لاضر. لمذكور في ص ٨٧.

«القواعد الكلية الاصولية و الفرعية» ص ١٧٢: يأتي باسم «القواعد و العوائد» في

ج ١٧ ص ١٩٣.

ص ١٧٤ س ٧، الكسرواني الكسرواني مذكور في المسند في الادب و العلوم ص ٤٣٨.

«الحاشية عليه» ص ١٧٥ رقم ٩٥٣ س ٢٥، بلا عقب: انظر ص ١٧٧ س ٨.

«الحاشية عليه» ص ١٧٧ رقم ٩٦٤، جعفر: ص ١٧٥ س ٢٠.

«الحاشية عليه» ص ١٧٧ رقم ٩٦٥: يأتي هذه الحاشية بعنوان حديفة البساتين و هما

واحد فلا تعمل.

«الحاشية عليه» ص ١٧٧ رقم ٩٦٦ س ١٦، (١٢٩٩): بل سنة ١٣٠٠.

«الحاشية عليه» ص ١٨١ رقم ٩٨٨، فقط: أقول نسخة هذه الحاشية موجودة عندما

استخرج حواشي السيّد عن هوامش نسخة اصول نكافي السيّد محمّد تقى بن محمّد صادق

الموسوي و فرع من استكتابها و جمعها و نقدها في نسخة صفحاتها ١٨٤ في سنة ١٠٩٤
قال الجامع في الخاتمة ما يفظه «و استثنى من الله ان يوصى لجمع حواشي الفروع في
محل آخر» انتهى و سيأتي للسيد بدرالدين «حجية الأخبار الرقم ١٤٦٥» كما يأتي ذكره
في (ح ٢٣ الرقم ٧٨٢١ ص ٧ - ٨) و لم يذكر له (حواشي انطولوجيا) هامش ص ٢٠٢ و انظر
«رسالة في صلوة الجماعة ١٥ : ٦٢ . ١٣٠». ثم ان الرجل ذكره معاصره محمد مؤمن بن
شاه قاسم البروارى اشهدى في إجارته للسيد مرتضى بن مصطفى النوري النورجة
سنة ١٠٦٠ في مشهد عراسان كما ذكرناها في موضعها من التكملة فقال (بجزر) أو اعلم
ان قد قرأت معظم الكتب الأربعة على شبحي المرحوم محمد الشاهر بصير المحدث
التون . . (الى ان قال) ثم قابلت نسخة مع السيد الد الحسين السيب رتبة المتقدمين
و اسوة المتأخرين القائل في صون لعربية و عدم الفقه و الحديث على اهل زمانه السيد
بدرالدين الحسيني العاملي المدرس في الروضة الرضة الرضوية و هو قد قرأ الاحاديث
على الشيخ الإمام العلامة محمد بن محمد العاملي الحارثي انتهى انقصود من تلك
الإجارة ثم لا يخفى ان السيد بدرالدين هذا لم يذكره جدها الشيخ الحر العاملي في [أمل
الأم] كما لم يذكره سيد مشايخنا في «تكملة أمل الأم» فكأنهما لم يعرفاه مطلقاً و
هذا من شيخنا الحر اعجب و هو غير العام الفقيه الاصول الكامل السيد بدرالدين بن
كمال الدين بن حيدر بن نورالدين العاملي فانه هذا متأخر عنه و مذكور في عنوان والده
في «التكملة ٣٢٤» و مستقلاً فيها ص ١١٠ و السلام.

«الحاشية عليه» ص ١٨١ رقم ٩٨٩: أقول بعض هذه الحواشي مكتوبة على نسخة
نقيسة من الكافي و هي الان عندي و الحمد لله وحده. و قوله [الطهرية] الصواب
«جوابات المسائل الطهرية ٥ : ٢٢٧ : ١٠٨٣».

«الحاشية عليه» ص ١٨٢ رقم ٩٩٤، يأتي في ح ١٤ ص ٢٤٢.

«الحاشية عليه» ص ١٨٣ رقم ٩٩٨، رجع (الدر مشور) في (ح ٨ : ٧٦ : ٢٦٩).

«الحاشية عليه» ص ١٨٤ رقم ١٠٠١: و يأتي أيضاً في ح ١٦ ص ٩٦ و ح ١٢ ص ٢٧.

ص ١٨٤ ص ٦، جرماً: و وقع أيضاً هكذا في خاتمة المستدرک و قد ذكرنا مشأ هذا
الاشتباه في الجزء الخامس ص ١٣ فلمراجع.

«كاشف الظلام في علم الكلام» ص ١٨٤: (تأخر ذكره سهواً).

ص ١٨٥ (كتاب من لا يحضره الفقيه) مذكور في حرف الميم بإسقاط كتاب و هو عطلاً.

ص ١٨٥: (الكشاف) ص ٤٦.

«الحاشية عليها» ص ١٨٧ رقم ١٠٢٣: أقول يراجع «الكلام بجزء الكلام ح ١ ص ١١٢) و (مكارم الآثار).

«الحاشية عليها» ص ١٨٨ رقم ١٠٢٦: أقول يأتي له «شرح الكفاية ١٤: ٣٤: ١٦١٧» و توفي السيد الحكيم بعد أن مال مرجعة الشيعة سبن عديدة في « . » سنة ١٣٩٠ و له ذكر في الأعلام للركلي ٥: ٢٩٠.

«الحاشية عليها» ص ١٨٨ رقم ١٠٣٠: أقول يأتي مكرراً بعنوان «شرح الكفاية ١٤: ٣٥: ١٦١٩».

«الحاشية عليها» ص ١٨٨ س ٢٥، السيد هاشم توفي قلنس سره في شوال المكرم سنة ١٣٦٧ في النصف الأشرف.

«الحاشية عليه» ص ١٩٠ رقم ١٠٣٩: أقول لعل هذا الحاشية بخداً لتحقيق الكركي صاحب جامع المقاصد و التي ذكرها جلدنا، الإمام محمد في الروضات

«مجمع الرجال» للفتاوى ص ١٩١: الحاشية عليه ملا أبي الحسن الشريف العاملي العروى [تفحيح المقال ٣ خاتمة الخاتمة: ١٣١] نقلاً عن رجال بحر العلوم فيسطر في رجال البحر.

«المجدي» ص ١٩١: يراجع «حواشي المجدي» مكرراً في ج ٧ ص ١٠٩.

«الحاشية عليه» ص ١٩١ رقم ١٠٤٦ س ٨ قوله، أبو الصواب أبيه أو (و هو أبو)

«الحاشية عليه» ص ١٩٢ رقم ١٠٥٤: يأتي له حاشية على معنى اللبيب في ص ٢١١

ص ١٩٤: شمارة هاي ١٠٦١ و ١٠٦٢ كه نوشته شد (متوفى ٩٤٠) فقط محقق كركي صاحب جامع المقاصد در ٩٤٠ فوت شده و هو علي بن حسين بن عبد العالي و ميسى در ٩٣٨ فوت شده و هو علي بن عبد العالي.

«الحاشية عليه» ص ١٩٥ رقم ١٠٧٠: قال ولده في الدر المنثور ٢: ٢١٣ ذهبت فيها

ذهب من الكتب انتهى. أقول عشر عبيها جدها الإمام العلامة السيد صدر الدين العاملي و
الظاهر أنها مما ورثته من أمه النكرمة بنت الشيخ علي بن الشيخ محيي الدين بن الشيخ
علي و هو صاحب الدر المنثور كتاب نزهة و بعد سبع اشراها من بعض اولاده
المرحوم ميرزا محمد الدين البصري و بعد وفاته رفق الله تعالى تلك النسخة الشريفة ابتاعاً
من بعض ياعى الكتب مع طائفة أخرى من مخطوطات خزانته ره و هي نسخة الاصل
بخط المحشى و لكنها اوراق قبيصة و الظاهر صياح الناقى في البيوت و معها فوائد كثيرة
رجالية و حديثة فهي مجموعة حبيبة بخطه ره و فيها أيضاً بعض المطالب ثراً و نظماً
بخط جده السيد الصدر المذكور البسه الله تعالى حلل النور و في النسخة خاتمان سجع
احدهما «نصر الله بن ابوالقاسم الشريف» و الآخر «عبد الله» و لم يعرف صاحبيهما
كما لم يعرف صاحب تعليفة عن موضع من النسخة بتوقيع (عبد الحسين الموسوي) و
العلم عند الله سبحانه و عدد اوراق مجموعة جميعاً ٧٥ ورقة. و قد مر له حاشية
النهديب و يأتي حاشية عنى مهلم والده بكتاب نراها

«الحاشية عليه» ص ١٩٥ رقم ١٠٧١-١٠٣٩٦. الصواب سنة ١٠٣٠ كما مر مراراً و

يأتي كثيراً

«الحاشية عليه» ص ١٩٥ رقم ١٠٧٢ أقول عند أيضاً نسخة من هذه الحاشية و ذكر
اسمه في اولها بقوله «محمد الملقب برفيع الدين الحسيني هذه تعليلات عبققتها» و آخرها «تم
كتاب الطهارة مع الحواشي» و النسخة ليست باحدثة و لكنها حال عن التزيح و اسم
الكاتب و اوراقها ١٧٠ و قد اشريها أيضاً من بقايا خزانة كتب محمد الدين البصري
الأميني و في اولها و آخرها خط والده العلامة الميرزا لطيفي صدر الافاضل رحمه الله.
«الحاشية عليه» ص ١٩٦ رقم ١٠٧٤. أقول و يأتي له [الحاشية على كتاب من
لا يحصره الفقيه ٢٢٥].

«الحاشية عليه» ص ١٩٦ رقم ١٠٧٥: و رأيتها انا متفرقة على هوامش نسخة من
المجلد الأول و كنا على هوامش نسخة من الجزء الثالث من المذكر كلامهما في مكتبة
السيد مصطفي و ان لم يكن متعبه بن موقيع (ابراهيم رحمه الله) و لكن النسخة قديمة
فلا بد أنها حواشي السيد هذا.

﴿حواشي المطول﴾ ص ٢٠٢. للسيد احسين المحقق المتفق الاجل الاكمل الامثل الافضل عمدة المتأخرين رتبة المتبحرين السيد بدر الدين الحسيني العاملي قنص الله روحه، مدحه بكل هذه الاوصاف السيد محمدنمي بن محمّدصادق الموسوي في مقدمة حواشي الرجل المستخرجة عن نسخته من اصول الكافي سنة ١٠٩٤ و قد مرّ ذكرها في (ص ١٨١ الرقم ٩٨٨) ذكر حواشي المطول في بعض تلك حواشي.

«الحاشية عليه» ص ٢٠٣ رقم ١١٢٤ س ١١، بماء الذهب: أقول كان الشيخ بماءالدين هذا صهراً لحاج مير سيد محمد البهبهاني (١٢٩١ - ...) «مقدم علماء طهران ابن السيد عبدالله باي مباي الشرطرة اهدامة و المقتول بسبه في ١٣٢٨ توفي الشيخ بماءالدين عن عمر طويل جاور المائة في «...» و ذكرنا أسرة البهبهاني في (مشخّرات جامع الأسباب ج ١ ص ٢٨ و في تراجمه ص ١٥١).

«الحاشية عليه» ص ٢٠٤ رقم ١١٣٣: أقول هكذا ورد المحشى اسمه و بسبه باضافة الحسيني بعد الحسيني في مسختنا المكتوبة سنة ١٣٤٨ و عني ظهر السخة صورة ملكية بهذه العبارة [و قد اشتريت هذه السخة الشريفة من مصنفات عالمجانب معتمد القاب علامي فهامي بمشهد العصر و الرماني جند كهف الحاح و المعمرين حاجي ميرزا ابراهيم الشيرازي . و انا ... محمد حسين بن محمد اشرف الخراساني في المدرسة المسمى بالحدة الصغيرة من مدارس دارالسلطنة اصغها ... في سنة ١٢٥٩] انتهى فالحشى هو المذكور في «مكارم الآثار ٥ ١٤٩١ رقم ٨٥١» عن «فارسامه باصري ٧٧٧ و ٩٢٧ طبع ٢» و المكارم نقل عن الطبعة الأولى و والده السيد حسين المشهور بميرزاچاني المذكور أيضاً في «المكارم ٢ ٤٤٢ رقم ١٨٧» عن «فارسامه و الميرزاچاني هذا عمّ صاحب الفارسامه و تراجم الجميع مبسوطة في نكتاين المذكورين و اما شيخنا المصنّف ره فالظاهر أنّه لم يعرف صاحب العنوان مصفاً و لذا لم يذكره ترجمة في «الكرام البررة» و ذلك لانه لم يكن عنده كتاب «فارسامه باصري» ظاهراً و للرجل أيضاً «حاشية الروضة البهية في شرح اللمعة» و كتاب «بحرالحقائق» في الفقه و السلام. شوال ١٤١١.

﴿الحاشية عليه﴾ ص ٢٠٦ لدينا الاعنى اخاخ ميرزا السيد زين العابدين والد صاحب الروضات يأتي في الشروح (ج ١٤: ٧١: ١٧٨٦).

«الحاشية عليه» ص ٢٠٦ رقم ١١٤٨. أقول انظر (ج ١١: ١٣٥: ٨٤١) وراجع كتاب (ريد گيسامه علامه مجلسي ٢: ٣٢ و ٤١).

«الحاشية عليه» ص ٢٠٩ رقم ١١٦٩ ص ٢٣، (ص ٩): أبحا هم حواله مي دهد به ح ٤ ص ١٥٣.

«الحاشية عليه» ص ٢٠٩ رقم ١١٧٠ نقل فيها و في غيرها من مصنفاته عن شيخنا العابد محمد العاملي المتوفى قبله شهر فيقول مثلاً في موضع من أواخر هذه الحاشية «قوله لنا انما شهادة اه اعترض عن هذه شيعنا ايده الله في مشرق الشمس» الخ و عندنا بسختها المصححة اكثرها عطف المحشى ليس فيها اسم الكاتب و لا تاريخ الكتابة و اوراقها ١٤٠ بالحجم الصغير و رشاها من خزانة الجدة الاعلى العلامة بحجة الحاج سيد زين العابدين والد الإمام المجدد صاحب ارواحات قلوب الله تعالى روحبها، و الحمد لله رب العالمين و لجدة الاعلى المذكور أيضاً حاشية على المعام تذكر في الشروح و مرّ للرجل الحاشية على تهذيب الحديث في ص ٥٢: ٢٦٢ و الحاشية على المختصر ص ١٩٥: ١٠٧.

«الحاشية عليه» ص ٢١١ رقم ١١٧٩، حسن: توفي سنة ١٠١١.

«الحاشية عليه» ص ٢١١ رقم ١١٨٣: مضي له الحاشية على المختصر للتعارفي في ص ١٩٢.

«الحاشية عليه» ص ٢١٢ رقم ١١٨٨ ص ٦، (١٢٩٣): الصواب ثلث شهر صيام سنة ١٢٨٨ كما في گيسان پيغمبر ص ٨٩.

«الحاشية عليه» ص ٢١٢ رقم ١١٩١. أقول توجد بسختها في مكتبة جامع گوهرشاد (مهرسها ص ٣٥٦) و المركري بظهران (المهرس ح ١٦ ص ٣٦٤) و غيرها و يأتي باسمها (عماء الاديب) في ج ١٦ ص ٦٣ رقم ٣١٥.

«الحاشية عليه» ص ٢١٢ رقم ١١٩٢: أقول و مرّ له في هذا المجلد «الحاشية على حاشية ملا عبدالله رقم ٣٣٤».

«الحاشية عليه» ص ٢١٨ رقم ١٢١٨ أقول ثم قد عثر على تعبيقات الرشدي أحد تلامذته يسمّى حسينا «المشرف باسم ثالث الأئمة عليهم السلام» على حدّ تعبيره

معرضها على الأستاذ وهدىها ورتبها و طبع ختف «عناية الآمال» لمقامي سنة ١٣١٧ بظهران على الحجر (من ص ٥٠٦ إلى ص ٥٢١) و م يسمت إلى ما ذكرناه المصنف و كم ترك الأول للآخر و الحمد لله. أما السيد ابوالقاسم الفواصاني فذكر المصنف في «النقاء ص ٧٤» ولادته في سنة ١٣٠٠ و وفاته في ١٣٦٦ و أحال ترجمته و ترجمة أخيه أحمد إلى ترجمة ابيهما السيد محمد و لما يطبع حرف ابيهم خذ الآ. م عر في ٤ شهر صياف ١٤١٤.

«الحاشية عليه» ص ٢٢٠ رقم ١٢٣٢ تراجع مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٦٥٢.

«الحاشية عليه» ص ٢٢١ س ٨، يأتي: في ج ٣ ص ٢٠٥ و مر في ج ٤ ص ٣٨٦ و تراجع كتاب المؤلفين للمشار ج ٦ عمود ٣٣٥.

«الحاشية عليه» ص ٢٣١ رقم ١٢٣٨ أقول لا يصح إطلاق الخواصاري على والدها العلامة الحجة السيد محمد هاشم الروضاني، لا صهاني و لا على والده العالم المراهق المحقق اعلى الله تعالى مقامهما و أما الحاشيتان على «الفرالد ١٦٢ و ٨٨٩» و على المكاسب هذه فقد سألت شيخنا المصنف عنهما فأخبرني برؤيتهما عند والدي طاب مصحفه حين ما كان مشغولاً في السجف الأشرف فلما استشهد عريقاً هناك سنة ١٣٥٦ و لم يكن أحد من اهله معه صاع بعض آثاره و من جملة حاشيتان عندا أوراق قليلة كما صاغت إيجاراته و شهاداته العمدية التي أخبرني أيضاً المصنف برؤيتها عنده و إلى الله المصير «من لا يحضره الفقيه» ص ٢٢٣: كان الأصوب أن يكون الفقيه في حرف الكاف بلفظ (كتاب من لا يحضره الفقيه) كما لا يخفى.

«الحاشية عليه» ص ٢٢٣ رقم ١٢٤٩ س ١٢، فضائل السادات، في ص ٣١.

«الحاشية عليه» ص ٢٢٣ رقم ١٢٥١ انظر ما مرّ بهامش «الحاشية على الاستبصار ١٧: ٥١».

«الحاشية عليه» ص ٢٢٤ رقم ١٢٥٨. أقول لعنّها السخنة التي كانت في خزانة السيد محمد مهدي نايب الصدر، انظر ما ذكرناه بهامش شرح النهج له في (ج ١٣ ص ١٥٧) و يأتي عند ذكر هذه الحاشية في (ج ١٤ ص ٩٤) إجمالاً بعنوان الشرح أن اسمه (معاهد التنبيه) المذكور في (ج ٢١: ٢٠٨: ٢٦٤٣).

«الحاشية عليه» ص ٢٢٤ رقم ١٢٦٠ أقول و عندنا منه نسخة في مجموعة من رسائله (رقم ٥٦٥٤) و أيضاً نسخة مع «الحديقة الحلالية» له ر.ه.

- ص ٢٢٤ س ١٨، (١٠٣١): الصواب سنة ١٠٣٠ كما تنبها عليه مراراً كما يأتي عدد ذكره هذه الحاشية أيضاً بعنوان الشرح في ح ١٤ ص ٩٤.
- ص ٢٢٤ س ٢١، عنه / عن تقريره ٤٥ كما في نسخة.
- «الحاشية عليه» ص ٢٢٥ س ١٢: أقول و كذا [الحاشية على المختلف ١٩٦: ١٠٧٣].
- «مبة اللب في شرح التهذيب» ص ٢٢٦: يأتي في ح ١٣ ص ١٦٨.
- ص ٢٢٦ س ٢٤، ضياء الدين: رحمه الله.
- ص ٢٢٦ س ٢٥، أبي الفوارس: لقبه محمد الدين.
- ص ٢٢٦ س ٢٥، علي: كنبته أبو الحسن.
- «الحاشية عليه» ص ٢٢٧ رقم ١٢٧٧: عندما نسخة من النقد و على حواشيه هذه التعليقات و ينقل عن نسخة خطه ط الشيخ عبدالحى الكاظمي صاحب تكملة النقد كما في أعين الشيعة ج ١٠ ص ٨٧.
- «الحاشية عليه» ص ٢٢٨ رقم ١٢٧٨: أقول و يأتي جملة و سمي [رجال السند ضع ١٠: ١١٩: ٢٤٤] و هو في نفس الموضوع
- «الحاشية عليه» ص ٢٢٨ رقم ١٢٧٩ س ٦، عاتمة المستدرک: ص ٣٦٩.
- «معج البلاغة» ص ٢٢٨. أقول و يأتي في ح ٧ ص ١١١ «حواشي معج البلاغة» كما يذكر المؤلف ره في كتابه الآخر أنوار الساطعة ص ٤ أيضاً الحواشي على معج البلاغة للشيخ أحمد بن الحسن الباوندي طبراجع.
- «المحاضرات المحسنة» ص ٢٣٢ رقم ١٢٩٨: ليس موضع ذكر هذا الكتاب في هذا المحل و قد أشبه على المؤلف انه المحاضرات هذا بدون المسم ذكره هنا.
- «حافظ تشریح» ص ٢٣٢ رقم ١٣٠٠: راجع لمؤلفه «تاريخ ملل شرق و يمان» في ح ٣: ٢٨٨ و ما علقاه عليه.
- «كتاب المحاكم» ص ٢٣٣ رقم ١٣٠٣: أقول عبارة الكشف المطبوع سنة ١٣٦٢ باسلامبول هكذا (في ص ١١٧٠ ح ٢). «معدة في السحوة - لأبي برار ملك النجاة حسن بن صافي (بردون التركي) المتوفى سنة ٧٢٤ ربيع و عشرين و سبعمائة» و ليس كما ترى فيها ملك الرافضة و لعل الطبع اسقطها ولكن ذكر في المقدمة ان هذه النسخة طبعت على نسخة بخط المؤلف و الله العالم.

﴿الحاوي في السب﴾ ص ٢٣٤: قد صاحب الرسالة في اصطلاحات النسابة المطبوعة خلف عمدة الطالب (ص ٣٤١ طبعة عمش) ما نصه «قال ابو جعفر النسابة العبدلي في كتابه المسمى احاوي في صدر الجزء الأول، انما لم يذكر أسماء الهبات لان اسمائهن قد ثبت في المبسوط . الخ» أقول: صواب ان احاوي لأبي الحسن محمد بن أبي جعفر العبدلي شيخ الشرف المتوفى ٤٥٠ صاحب [تهديب الأسباب ٤: ٥٠٨: ٢٢٧٢] و ينقل عن الحاوي صاحب المحدثي و هو تلميذه و يعرف شيخ الشرف عبد السادة بابن أبي جعفر فحرف بيد بعض السامع إلى أبي جعفر.

«الحاوي» ص ٢٣٤ رقم ١٣١٠: أقول انظر [حاوي ٢٣٦، ١٣١٣].

﴿الحاوي لأسباب الناس﴾ ص ٢٣٥: مشجرات محمدات تتجاوز العشرة على قال النصف صمه ابن عبد السميع الخطيب النسابة كما في غاية الاختصار ص ٨ طبع النصف و قال «فأنت عطه رقعة كتبها إلى بعض الخلفاء يقول فيها و قد جمع العبد من المشجرات و الأسباب و الأعشار ما لا ينهض به حمل نازل» انتهى و راجع «مبة الراغبين ص ٢٥٦».

«الحاوي» ص ٢٣٦ رقم ١٣١٣: في المظنة أقول رأيت في آخر مقدمة كتاب «بحر الأسباب ص ٧» للسيد ركن الدين النوصلي المطبوع بظهران سنة ١٣٨٥ ما لعطه «و ذكر صاحب كتاب المصباح و صاحب كتاب احاوي مولانا السيد ركن الدين الاسترآبادي ان العلماء اختلفوا في موضع قبر فاطمة» الخ و الله العالم بمراوده و ترجمة المذكور في المتن المذكورة في (الحقايق الراهمة ص ١٩٤). قوله [كما مر] يعني أنها في [الحاوي ٢٣٤: ١٣١٠].

«حاوي الأقوال في معرفة الرجال» ص ٢٣٧ رقم ١٣١٥: يراجع ترجمة سعيد بن جابر في رجال المامقاني رحمه الله.

﴿حاوي المرام في شرح شرايع الإسلام﴾ ص ٢٣٧: يراجع ج ١٣ ص ٣١٧ س ١٥.

«الحية» رقم ١٣١٩ ص ٢٣٩ س ١١ «الحية» أو الحية.

«الحيل المتين» ص ٢٣٩ رقم ١٣٢٦ س ٢٤، الهاويلدي. انظر كتاب [راحة الروح

ص ٧٣] له ره و راجع [وسيلة الرضوان] في (ج ٢٥: ٧٧: ٤٢٠).

«الخليل المتين» ص ٢٤٠ رقم ١٣٢٧. أقول و قد صرح سعيد نعيمى في كتاب «احوال و اشعار فارسى شبح بهائى ص ٩٧» بأن نسخة الأصل من خليل المتين هذا عنده

ص ٢٤١ س ٨: أقول قد مرّ ذكر هذا الإحارة في ح ١ ص ٢٣٧ و يأتي ذكر مجموعة بخط الحاج بابا هذا في ح ٢٠ ص ٩٢

«الحياة» ص ٢٤٣ رقم ١٣٣٩ س ٦، يوم الثلاثاء و بعده بيومين فرع من تأليف رسالته في ارث المروحة (ح ١١: ٥٥: ٣٤١).

ص ٢٤٣ س ١٠، (١٣٩٩) كتب صبح أيضاً بطهران سنة ١٣١٣ في مجموعة «الرسائل العشر» لحدثنا الشهيد الثاني فقس الله روحه و عدنا نسخة في مجموعة كتابة بعضها ١٢٤٣.

ص ٢٤٩: يراجع عنوان (مسائل الحج) في ح ٢٢.

«كتاب الحج» ص ٢٥٠ رقم ١٣٦٢ س ٣، المتوفى في مقدمة كامل الرياسة المطبوع بالسجف ان الصحيح انه توفى سنة ٣١٧ على علم يظهر من الخرائج و الجرائع لا سنة ٣٦٩ فإنه تصحيف سبع وتسع و سبأ في رجال الشيخ من أنه سنة ٣٦٨ فعلة اشباه، فبتتبع.

ص ٢٥٤ باورقى: أسامى عنه كتب في أمر السعور و الحجاب

«الحجة في وجوب صلوة الجمعة في زمن الغيبة» ص ٢٥٦: بالعربية لملاً مقيماً البردى المتوفى سنة ١٠٨٤ و هو محمد محقق بن محمد عيسى بن قاسم بن علي بن اسماعيل بن تاج الدين علي البردى اول من اقام من علماء الإمامة الجمعة وجوباً في بلده يرد طبع بحلف العقد الطهماسي (او العقد الحسيني) لشيخ حسين بن عبدالصمد في مجموعة (من ص ٥٥ إلى ص ٩٠) و في المقدمة ترجمة مصنف يقدم صديقاً الفقيه السيد جواد بن أحمد المدرسي البردى حفظه الله عن صاحب رساله فيها كلام «المحقق بحمالة و الدين مولانا عبدالقادر الشوشري» عن رسالته في وجوب صلوة الجمعة بالفارسية ثم كلام «الشيخ بهاء الملة و الدين محمد ررقه الله مرافقة المعصومين» في «جامع عباسي» حيث قال «بداية ميان مجتهدين در وجوب نماز جمعه در زمان عييت حضرت امام (ع) خلاف است و اصح است كه مكلف بخير است» و يأتي ذكر هذه الرسالة في الصاد

(ج ١٥: ٨١، ٥٣١) و انظر ما ذكرناه في التنكية على [رسالة في صلوة الجمعة ١٥: ٧٩: ٥٢٢].

«الحجة والإمامة» ص ٢٥٦ رقم ١٤٠٣، يرجع ج ١٩ ص ٢٥٣.

«حجة الإسلام» ص ٢٥٧ رقم ١٤٠٨ يرجع ج ١٨ ص ٣١ و يراجع قصص العلماء: ١٢٩ ١٣٠ و فهرس مكتبة ملك بطهران ج ٢ ص ٢٠٧ و تاريخ مآثر سلطانية المطبوع سنة ١٢٤١ حيث ذكر ان اسم العادري هذا يوسف.

«الحجة البالغة للشيعة في حوار نقل المونى في الشريعة» ص ٢٥٨ رقم ١٤١٣: يراجع عدة رسائل في «حوار نقل المونى» في حرف الحيم و انظر «نقل الاموات ٢٤: ٢٩٣ متعدياً».

أقول و هذا الكتاب في الرد على [رسالة في تحريم نقل الجنازة ١١: ١٣٩ ٨٦٦] ص ٢٥٨ س ١٩، الحسي، الحسي، صبح، كف صححه المصنف في نقاء الشر ص ٨٧.

«حجة الخصام» ص ٢٦٠ رقم ١٤٢٢. أقول راجع كتابها جامع الأسباب ١: ١٣٣ و مؤسس الدولة المشعشعية ص ١٤٦

«حجة الداهب إلى إيمان أبي طالب» ص ٢٦١ رقم ١٤٢٤ س ١٩، المتوفى + في سبع عشر شهر رمضان.

«الحجج الرصوية» ص ٢٦٤ رقم ١٤٤٤ س ٨، فهرس كنه، منسى بعض كنه في ج ٢ ص ١٨٣ و ص ٣٠٢ و كذا حواشيه في ص ١٧٣ و ص ١٨٥ و ص ١٨٦

«الحجج القوية» ص ٢٦٥ رقم ١٤٤٩، قد الصحفي على الخاقاني في كتابه [شعراء العربي ١٢، ٥١٢] عدد ذكره للكتب التي استسخها بخط يده [الحجج القوية في اثبات الوصية مجهول المؤلف و هو من رجال القرب السابع الهجري بسخته مرتين الأولى موجودة في مكتبة الآثار و الثاني مرقها مي عنم معروف معاصر] انتهى

«حجة الأخبار» ص ٢٧٠ رقم ١٤٦٥. أقول راجع حاشيته على الكافي في (ص ١٨١ رقم ٩٨٨).

«حجة الأخبار» ص ٢٧٠ رقم ١٤٦٩ عندما منه نسخة خلف رسالته في صلوة

الجمعة و غيرها و أيضاً نسخة أخرى و صواب العبارة المقولة يطلب منها و الرسالة ميسوطة لس فيها تاريخ الأليف و استنسخت النسخة في حياة السراب.

«حجة المظنة» ص ٢٧٦ رقم ١٥٠٤: أقول انظر الصواب في تعريف هذا الكتاب تحت

عموان «شرح حجة المظنة ١٣: ١٨٥: ٦٤١» و لاتعمل.

«حجة المظنة» ص ٢٧٨ رقم ١٥١٣ س ٩: قوله (و عثر عه بسمي الخلف) الظاهر ان

المراد الخلف الخجة المنتظر صلوات الله و سلامه عليه و عني آباءه المعصومين و عجل الله تعالى فرجه حيث ان السيد المجاهد اسمه محمد بن السيد عبي قدس الله ارواحهم.

«حجة المظنة» ص ٢٧٨ رقم ١٥١٥: انظر ما يذكره هامش ح ١١: ٢١٦: ١٣٠٨.

«حجة اليد» ص ٢٧٨ رقم ١٥٢٣. أقول راجع (رسالة في فاعده اليد و كشفها عن

الملث) في (ح ١٧: ١٣: ٧٥)

«حدائق الارهار و اخبار بيت النبي المختار» ص ٢٨٠ أقول انظر الكلمة على

[حدائق الارهار ١٥٣٢]

«حدائق الابرار و حدائق الأخبار» ص ٢٨٠ رقم ١٥٢٩: بسمه تعالى: نقل صاحب

الروصات ره نسخة في هامش نسخة النبي هي نسخة أيضاً من كتاب أمل الأمل عن

هامش المسح عنها (و قد تحقق لدى أنها كانت بخط اخيه الأكبر مه السيد محمدجواد

ره و قد استنسخ هو نسخة من نسخة خربة السيد حسين القروي و توجد نسخة

السيد محمدجواد الان في مكتبة مدرسة سبهاالار في طهران و عني هاتين النسختين

حواشي السيد ابراهيم القروي والد السيد حسين المذكور و اعلم ان النسخة المطبوعة

سنة ١٣١٢ من كتاب الأمل مقولة عن نسخة السيد محمدجواد ظاهراً و فيها أيضاً

تعليقات السيد ابراهيم و الحاصل أن صاحب الروصات قد نقل عدد ترجمة العياشي

هذه التعليقة و اليك نصها قال صاحب التعليقة «و عدنا كتاب حدائق الابرار و حدائق

الأخبار بخط المؤلف قدس سره و كان تاريخ كتابتها اليوم (كذا) الاثني الثالث من شهر

صفر حتم بالخم و الطهر من شهور سنة احدى و خمسين و الف من الهجرة النبوية على

مشرفها افضل الصلوة و اكمل التحية كد وجدته في المسح» انب الحاشية و الظاهر

ان صاحبها السيد حسين المذكور في امين او والده السيد ابراهيم و الله العالم. معر عفي

عنه في نسخ شعبان ١٣٩٨. ثم ان المحدث السوري ره نقل الحكاية بتمامها عن مقدمات «معارج الاحكام في شرح شرايع الإسلام» في كتابه [دار السلام فيها يعلو بالرؤيا والمنام ١: ١٧٧].

﴿حداائق الادهان﴾ ص ٢٨١: انظر التكملة على [حداائق الارهار]

«حداائق الارهار» ص ٢٨١ رقم ١٥٣٢ أقول و في نسخة [المروح ٢: ٢٣٤ ط مصر سنة ١٣٠٤ و ٤: ٢٧ ط مصر ١٣٧٧] الادهان بالذل انعجمة و النون قال عبد ذكر محمد الدياج ما بهته [و قد اتيا على كيفية وقاته و ما كان من امره و عمره من آل أبي طالب و مقاتلهم بماع الارض في كتابنا حدائق الادهان في اخبار آل أبي طالب و مقاتلهم في بقاع الارض] انتهى. ثم أقول ان صاحب كتاب (مبة الراعيين) قد عمل عن ذكر العلامة المسعودي في كتابه مع ان الرجل من اعظم العالمين بالاسباب و الاخبار و اعلم و ابصر و اوثق من أبي الفرج صاحب الاعاني و افقتن الذي ذكره في اللبنة و مسجحات من لايسهر.

«حداائق الجنان» ص ٢٨٣ لامية محمد صالح الخاتون آبادي ذكره ولده في إجازته مناقب المصلااء عبد ذكر مؤلفاته والده قلبه لا يحفظ.

«حداائق الحقائق» ص ٢٨٤ رقم ١٥٢٣ رجع (ج ١٤ - ١٤٥. ص ٦٢ ٢٢) و عندما نسخة الحدائق.

«حداائق الحقائق في تفسير دقايق احسن الخلائق» ص ٢٨٥ رقم ١٥٤٤، تفسير، فسر: كما في نسخة و غيره.

ص ٢٨٥ س ٧، أحسن: / أفصح كما في نسخة و هو الأصح.

ص ٢٨٥ س ١٠، (٥٧٦) و ينقل عنه الكبير بقوله قال في المنهاج.

ص ٢٨٥ س ١١، «خاتمة المستلوك» و من صاحب كشف المحج ص ٤٧ و ص ٣٥٨

و تراجع ج ١٤ ص «...»

ص ٢٨٥ س ١٦، نسخة: هذه نسخة من شرح قطب الدين الروندي الموسوم بمنهاج

البراعة و قد اشبه الأمر على مؤلف فهرس العاصية كما به عبه في فهرس الرصوية ح

«...» ص «...» و النسخة موجودة اليوم مع مائر نسخ الخزانة العاصية في الخزانة

الرصوية و تراجع فهرستا ج ١ ص «...» ثم ان في مكتبة الاوقاف العامة في بغداد نسخة نفيسة قديمة الخط من شرح الكيسري المذكور مرع منها النسخ في ٧٣٩ كما في فهرس تلك المكتبة ج ٤٠٤.

«حدائق المعارف في طرائق المعارف» ص ٢٨٨ رقم ١٥٥٣ ص ٢٥، بين البرهان الصواب ان يقال بين البرهان الخ

«حدائق المقرئين» ص ٢٨٩ رقم ١٥٥٥ ص ٢٢، النوري. لا يعمى ان الشيخ النوري لم يكن عنده الحدائق هذا و لا رآه حتى انه اشتبه عليه اسم مؤلفه و توهم أيضاً ان الكتاب باللسان العربي مع انه بالعربية و كتباً نقل عنه النوري انما هو بواسطة الروصيات لا غير و لكنه ره لشدة تعصبه عنى حددا العلامة لم يصريح عاباً عما عده حتى النسخ الأمر على شيخنا المؤلف ره فظن ان شيخه النوري ره أيضاً ينقل عنه بلا واسطة كصاحب الروصيات هذا كما ان مؤلف طرائق الحقائق أيضاً لم يعرف من الكتاب ازيد مما عرفه المحدث النوري ره و سبحانه من لا يخفى.

«الحدائق النديه» ص ٢٩٠ رقم ١٥٥٩ ص ١٩، ١٠٧٩. نعم في نسخة المصححة بتصحيح السيد الشارح هكذا التاريخ «صبيحة يوم الاثنين لثلاث عشرة خلون من جمادى الآخرة احدى شهور سنة تسع و سبعين و الف و ذلك بالديار الهندية» انتهى.

«حدائق اليقين» ص ٢٩٢ رقم ١٥٦١ ص ٢٠، رحمه الله أقول و نقل عنه أيضاً صاحب «فصائل السادات ص ١٥٧». و يأتي مفسر لأعيان في ج ٢١: ١٣٥ و راجع رياض العلماء ج ٥ ٤٦٧ و العبارة معلومة في ط قم

«حدائق النواظر» ص ٢٩٢ رقم ١٥٦٥: أقول انظر انوار البدرين ص ٢٠٩.

ص ٢٩٣: ... حدوث: يراجع اثبات حدوث ... في ج ١

«حدوث العالم ذاتاً و قدمه زماناً» ص ٢٩٤ رقم ١٥٦٩: أقول عنوان الرسالة في الطبعة المذكورة هكذا «رسالة في مذهب ارسطو صبيح» تاريخ نسخة جاني و نسخة خطي ارجاع به لثماره آتى ١٥٧٦.

«حدوث العالم» ص ٢٩٥ رقم ١٥٧٦. أقول يأتي الكلام على هذه الرسالة أيضاً في «رسالة في حدوث العالم ١١: ١٧١» فراجع.

«الحدود» ص ٢٩٦: لأبي طالب الأسر آبادي كما في معالم العلماء.

«الحدود و الحقائق» ص ٣٠١ رقم ١٦١١ س ١٣، اهداني: هو صاحب هدية الملوك و غيره و ترجمته في القباء ص ٦٠٤.

ص ٣٠٢: أقول انظر الروايات عن الائمة معصومين عليهم السلام حول ما ترويه العامة عن النبي صلى الله عليه و آله في كتاب [بحار الانوار الطبع الجديدة ٢ ٢١٤] و عوامها [الب ٢٨] ما ترويه العامة من احوال الرسل صلى الله عليه و آله و ان الصحيح من ذلك عندهم عليهم السلام و الهوى عن الرجوع إلى اخبار المخالفين و فيه ذكر [الكنايين] الخ.

«كتاب الحديث» ص ٣١٢ رقم ١٧٠٢ س ٨، مشايخها: أقول و الظاهر من نقل المحقق و الشهيد عن جامع البرقي ان نقلهما بالواسطة و الله العالم.

«كتاب الحديث» ص ٣٣٢ رقم ١٨٩٨ ياورقي، روى بن مروي الكوفي كان من الاغراب و بعد ان يكون اسمه معرباً عن العرسي ثم انه لم ير اسماً فارسياً في آخره كاف.

«كتاب الحديث» ص ٣٤٤ رقم ٢٠٢٥. قال في كشف المحجة ١٨ ط السجف ١٣٧٠ «ما لعظه [ما رويته من كتاب أبي محمد عبد الله بن محمد الأنصاري من اصحاب مولانا الكاظم عليه السلام. و نقلته من اصل قرأه على الشيخ الصدوق - الذي ذكر حديثك ابو جعفر الطوسي انه لم يكن له نظير في زمانه - و هو هارون بن موسى التلعكبري، نعمده الله جل جلاله برصوانه، تاريخه سنة ست و سبعين و ثلثمائة] الخ.

«كتاب الحديث» ص ٣٥٩ رقم ٢١٨٨: أقول هل يعدّ مالك بن انس و هو من الائمة الأربعة لأهل السنة بهذا الاعتبار من رجال الشيعة و كتابه من كتبهم حتى من دون ان يعقب المصنف كلامه بقوله المعمول (مراجعة) قتيبه.

ص ٣٧٥: أقول يراجع لراماً عنوان [شرح حديث فلان ١٣: ١٨٦ - ٢١٠ متعلداً].
 «حديث من الابواب» ص ٣٧٧. المعروف المشهور المتسام عيه انظر لتحقيقه مقالة (اهل البيت (اهل بيت النبوة سلام الله عليهم اجمعين) في النكتة العربية) في مجله [تراث ٣: ٢ - ١٧].

﴿حديث سلسلة الذهب﴾ ص ٣٧٧. راجع «مهمان نامه بخارا ص ٣٤٣» و «سعيه البحار؟ رواه الصدوق رضوان الله عليه في كتبه الشريفة «التوحيد الباب ١ الحديث ٢٣» و «العيون ٢: باب ٣٧».

«حديث الكساء» ص ٣٧٨ رقم ٣٣٧٤ راجع حديث الكساء ج ١٦ ص ٣٦.

﴿حديث مقتل امير المؤمنين﴾ ص ٣٧٨ انظر (مقتل ٢٢: ٣٠: ٥٨٨٣)

﴿حديث الطير﴾ ص ٣٧٨: انظر (صرفي حديث الطائر ١٥: ١٦٢: ١٠٥٧).

﴿حديث الدولة﴾ ص ٣٧٨: انظر (صرفي حديث أمت مكي ١٥: ١٦٦: ١٠٥٦) و هناك غير ما ذكر أيضاً لغيرهما من الاحاديث.

«حديثه الافراح لاراحة الاتراح» ص ٣٨٠ رقم ٢٣٨٩: له أيضاً نسخة اليمن مرّ ترجمته في ح ٤ ص ١٤٣.

«حديثه الباقين» ص ٣٨٢ رقم ٢٣٩٦. مرّ هذه الحاشية أيضاً في الرقم ٩٦٥ و توهم دام ظله ان الحديث غير الحاشية ولكنهما واحد فراجع و لا تغفل.

لمرغ مه في ليلة الاربعاء لأشيق عشرة بقت من شهر شعبان سنة ١٢٨٩.

«حديثه الروضة» ص ٣٨٤: حاشية على الروضة البهية طبعت في هوامش الروضة سنة ١٣٠٩ و صرح كاتبها عبدالرحيم النمريري في آخر بعض هذه الحواشي بسببها إلى الميرزا محمد علي القزويني الذي مرّ حاشيته على الروضة فليتأمل و ليلاحظ.

«الحديقة السلطانية» ص ٣٨٥ رقم ٢٤١٥: أقول الظاهر أنها بالمارسية و ان اسم الكتاب «حديثه سليمان» حيث أحسن تفصيل قصه المارية القبطية إليها في واسط كتاب «آداب سنه» المذكور في «التكملة».

«حديثه الشعراء» ص ٣٨٥ رقم ٢٤١٧: أقول راجع (رسالة حديث الشعراء ١١: ١٧٢: ١٠٧١) و ما ذكرناه في التكملة. و هو ملخص من بحجة الشعراء المؤلف البهجة و هو أسرار المذكور في (دانشمندان آذربايجان ص ٤٠) و كان قد عاونه في تأليفه هذين الحاج كاظم نائب و قد ذكر في احوال جودي الشاعر في بحجة الشعراء هجوه لكاظم هذا فليصحح ما ذكر في (ح ٣ ص ١٦٢)

﴿حديثه الشعراء﴾ ص ٣٨٥ تأليف أحمد بن ابوالحسن الشيرازي نسخة منه بخط

المؤلف موجودة بمكتبة (مسطان القرائي) و نسخة اكمل منها أيضاً بحظ المؤلف في مكتبة عباس الاقبال قال في مفتحته أن والذي مات في (١٢٥٠) و اما ابن سبع سنين. قال شيخ معبد (داور) في (مرآت العصاحة) أنه ما ألف غير الحديقة و مات حدود (١٣١٠).

«حديقة الشجرة» ص ٣٨٥ رقم ٢٤٠٨ س ١٨، أمل الأمل: فرع الشيخ الختر ره من تأليف الأمل في أول جمادى الثانية سنة ١٠٩٧ و بعض هو أيضاً عن الحديقة في كتابه الآخر «الاثني عشرية في الرد على المارفين من لاثني عشرية» المذكور في ج ١ ص ١١٦ و الموجود نسخته عندي و تاريخ تأليفه قبل الأمل لذكره فيه.

ص ٣٨٥ س ٢١، الأردبيلي: من المواضع التي صرح شيخنا المصنف بسنة حديقة الشجرة إلى المولى أحمد الأردبيلي في «الكاشف عن اليقين ١٧ : ٢٣٨ : ٦٣» و في «قرب الاساد ١٧ : ٦٩ : ٣٦٤».

ص ٣٨٥ س ٢٥: يراجع «مهرست مشترك باكستان ٢ ١٠٨٦ حديقة الشجرة و ١١٦٧ كاشف الحق».

ص ٣٨٦ س ٨: و راجع «مناقب قطشاهي ٢٢ : ٣٣٣» و المواضع المذكورة هناك.
ص ٣٨٦ باورفي. يراجع الدررمة ج ٢٠ ص ٢٦٩ نقل مرآة الحق و يراجع «مهرس كتب السيد محمد المشكوة في جامعة طهران ج ٣ ص ٦٠٠ بعد» فهرسه محمدتقي دانش پزوه فإنه بحث عن الكتاب بحثاً جيداً و نقل عن الخاج محمدجعفر الكبودرآهنگي في أوائل كتابه «مرآت الحق و مراحل السالكين» الآتي ذكره في ج ٢٠ ص ٢٦٨ أن المحقق الأردبيلي قد مال إلى وحدة الوجود في حاشية شروح النجريد، و الظاهر أن ما نقله عن لترات إنما هو بواسطة طرائق الحقايق ج ١ ص ٩٩ فليراجع و انظر أيضاً «كاشف الحق» في ج ١٧ ص ٢٣٦ و «الرد على الصوفية» في «ج ١٠ ص ٢٠٥» و «هداية العالمين» في «ج ٢٥ ص ١٨٣» و كلما نسبته المتروى إلى المحقق الأردبيلي من القول بوحدة الوجود إنما هو اعتماداً على الطرائق و قد عاتبته في مكاتبة لي معه على ذلك الاعتماد من دون تحقيق و مراجعة فلم يجر جواباً و كذلك حال صاحب «مولوى نامه» والله الهادي ثم انه قد اجاب التبريري عن الاشكالات الباردة الواردة حول نسبة الكتاب إلى المحقق في «مرآة الكتب ٢ : ١٩٢ - ١٩٦» نقل منه ما ذكره في أواخر البحث قال «وجهة القول في هذا

للفقام ان قرائن صدق النسبة أكثر من قرائن كذبها و الباقي بالنسبة إلى المثبت قليل و
 للثبوت بعد استناده إلى الدليل و قد عني الباقي لعند علي الاصل ثم ان وقعت في
 كتب تبصره الحكماء لنقطب الدين السيّد محمد عني ذكر بعض العرفاء و عدّ منهم المولى
 المقتسب الأردبيلي قال و اما الفصل الذي في كتابه المسمى بحديقة الشيعة فليس من ذلك
 الكتاب بل أدرج ذلك الفصل و احد من المكربين للعرفاء الإلهيين و هو المسمى بالملا
 معزالدين الأردستاني و لقد ذكر في هذا الفصل بعض الاحاديث التي وضعها و ليست
 تلك الاحاديث في الكتب التي بين ايديهم و يعتمد عليها علمائنا رصوا الله عليهم و
 لذلك الرجل الاحمق الذي وضع تلك الاحاديث حكاية مذكورة في كتاب معراج
 الكمال الاستاذي المولى شاه محمد عني كلامه «أقول و التبريري الذهبي المذكور
 ذكر هذا المطلب أيضاً في كتابه الآخر المسمى [الحكمة العلوية او فصل الخطاب ١٦

٢٢٩ ١٩٩٨] عني ما حكاه عنه في «فهرست مركزي داشگاه تهران ٣- ٤٣٢» و يظهر من
 كلمات التبريري في كتابه أنه لا يكر أن يكون اصل الحديقة للمحقق الأردبيلي مطلقاً و
 أما كلامه اعتماداً عني [معراج الكمال] في فصل دم الصوفة فقط و الله العالم. م ع ر
 عني عنه في صفر ١٣٩٩

قال الحكيم مؤمن الطبيب الصوفي شمس الدين في كتابه «تبصره انوار» في بحث
 التقية ما لمعه «و در اين زمان لوحى معرکه گير كلمات چند انشاء در مذمت صوفيه
 نموده و ملحق بر سالة ملا أحمد اردبيني ساخته» انتهى المقصود من كلام.

«حديقة العارفين» ص ٣٨٨ رقم ٢٤١٧ س ١٤ (في المناقب و الاخلاق) صح و في
 ص ١٥ على هامش ترجمة العريّة.

«حديقة العالم» ص ٣٨٨ رقم ٢٤١٩ أقول و الكتاب بالفارسية و له ترجمة بالعبية
 للسيّد أبي الحسن بن نعمه الله بن محمد عني بن مرصى بن نورالدين ابن السيّد نعمه الله
 الجزائري و نسختها النافضة من آخرها في ٨٢ ورقة في جامعة عيكره و مصورتها في
 معهد المخطوطات بالقاهرة كما في فهرسها ٢: ٣: ١٣٤

ص ٣٨٨ س ١٨، للمير. هو الذي ألف له للمير عبداللطيف خان كتاب تحفة العالم
 المطبوع بأحد و ذكر فيه ولادة مير عام في يوم الخميس سابع عشر رمضان سنة ١١٦٦

و كان وفاته في ليلة العشرين من شهر شوال سنة ١٢٢٣ على ما في مختصر المكارم.
 ص ٢٨٨ س ١٨، وصي النعمان: هو محمد بن السيد نور الدين بن السيد نعمة الله
 الجرائري الشوشري ره.

﴿حديقة العلم﴾ ص ٢٨٨: عنه في ص ٢٤٥ من معجم المطبوعات من تصانيف السيد
 عليخان الشيرازي صاحب السلافة و قال إنه طبع بحيدرآباد عام ١٢٦٦ هـراجع.
 «حديقة السب» ص ٢٩٠: أقول الصوب [لأساب ٢ ٣٧١، ١٤٩٨] فراجع مع
 التكملة.

«الحديقة الملهية» س ٣٩١ رقم ٢٤٣٢ س ١٥، (١٠٢٣) هو عبط بعباً و تصحيف
 من الكاتب و تاريخها كما مر في ص ٢٨٨ سنة ١٠٠٣ و كما في نسخة المكتوبة في عصر
 الشيخ. صححه المؤلف بعد ما كتبت ذلك إنه في آخر ح ٨.
 ﴿حذو النعل بالنعل﴾ ص ٣٩٢. محمد بن حمير بن رسم السروي صاحب
 المسترشد. راجع ترجمته في (تاريخ طبرستان ١: ١٣٠) لاس اسفنديار.

«الحرور الهادي» ص ٣٩١ رقم ٢٤٤٨: تراجع دعاء السيمي و الدعاء السيمي في ح ٨
 ص ١٩٠ و نسخة من هذا الدعاء مع ذكر السند في كتاب الدعاء الذي على ظهر
 نسخه بخط الحاج محمد ابراهيم القروي ره (رقم ٥٠٠١ من خراسا) و رواه ابن طاوس
 ره بسنده في مهج الدعوات ص ١٠٥ ط طهران و راجع أيضاً كتاب [دارالسلام ١: ١٦٠
 - ١٦١] للمحدث البوري ره و [مهرست نسخة] خطي چهار كتابخانه مشهد ١:
 كتابخانه جامع گوهرشاد ٢٩٩]. و الكلمة التي اضافها الناشر إلى هذا الموضع في قائمة
 الجزء ٢٥ من الاستدراك و هذا كلامه [راجع لسان اليمس عند العوصيين د ٢٥: ٢٦٨]
 فاعلم ان هذه الكلمة اعني العوص و العوصي من البدع المحدثه التي ابتدعها بعض
 ملاحدة الاشراكيين المخاريين المعابدين بلاديان السماوية و قد قال الله سبحانه و تعالى
 في كتابه الكريم و لاتتابروا بالانقلاب بعن الاسم العسوق بعد الايمان و راجع لروماً
 [سلام المؤمن و اصلاح المهين ١٢: ٢٠٩: ١٣٨٨].

«حرمة الاذان الثلاث...» ص ٣٩٥ رقم ٢٤٥٣ س ١٣: عبارت معيوب است. تراجع
 التعليقات.

«حرمة التمتع بالمعاطميات» ص ٣٩٥ رقم ٢٤٥٦ س ٢٣، بوانر (بوانر أحمد بن محمد بن عيسى) يأتي ذكره مفصلاً في ج ٢٤ ص ٣٢٢.

«الحروف المعجم» ص ٣٩٧ رقم ٢٤٦٧ و في نسخة من رجال ابن داود المصححة بتصحيح ابن الصايغ المشهور (حروف المعجم) بحذف لام الحروف.

ص ٤٠٠: مكتبة السيد حجة الإسلام الشيعي باصفهان

ص ٤٠٠: يأتي ذكر مكة أخرى من مكبات في آخر أحمد الآتي ٧ و الذي يليه ٨ فليراجع. ثم يأتي كتاب الصياء اللامع لمصنفه

ص ٤٠٠ س ١٨، السيد بصرافة: توفي في يوم الجمعة ٢١ محرم سنة ١٣٦٧ طهران

ص ٤٠١: قال العلامة السجفي المرعشي في مقدمته معادن الحكمة ص ١١١ أن روضة العلامة الآية الاخوند ملا محمد علي الإمامي الخوانساري السجفي هي بنت العلامة أمير أحمّد بن العلامة المولى محسن العنصرى من اتحاد العنصر و من بلامه العلامة الشيخ مرتضى الأنصاري و هي والده حجة الإسلام و المسمى الآقا محمد السجفي بريل بلدة أراك و والدته روضة آية الله الخاج السيد أحمد الخوانساري بريل طهران و السلام.

ص ٤٠٠ س ٢: العراق + و بعضها بأعها للسيد أبي الحسن الاصفهاني و منه انقلت إلى المكتبة (الرصوية).

ص ٤٠٠ س ٦، اليوم: أقول في ليلة عرة صيام ٨٩٨ اخبرني ع مروى بالمخاتف من بيته بطهران انه سافر في الاسبوع الماضي إلى أراك و رار الخاج الشيخ محمد الإمامي الخوانساري المذكور في المتن بعنوان امير محمد و به في أراك بشارع الخوانساري و (كوجه خوساري) و قال انه قد حضر في السنّ و قد باع (على ما قال) أكثر نسخ المكتبة و بقي له حوالي ثلثمائة نسخة هذا ما ذكرناه في المتن. ثم إن علاء الدين رضانزاد (نوشين) مقالة في أربع صفحات حول ترجمة الخاج الشيخ محمد الإمامي المذكور طبعت في مجلة (وحيد) العددان ٢٦٢ و ٢٦٣ ص ٧٠ - ٧٣ الصادرة في شهر رمضان ١٣٩٩ بطهران قبل ههنا إن الشيخ محمد هذا توفي في بيته في أراك صبيحة يوم الثلاثاء ٢٥ جمادى الآخر ١٣٩٩ = ٥٨/٣ ع ٨٧ سه قمريه فليراجع و ليراجع (كنجيه دانشمندان ٨ ص ١٢٤).

«مكتبة (الطهراني يكرهه)» ص ٤٠٢ س ٣١ لترجمة الشيخ عبدالحسين يراجع مجلة

مسجد العدد ٢٥ عندنا موجود.

ص ٤٠٢ س ٣٦، أحمد. توفي الشيخ أحمد حدود سنة ١٣٧٧ بكربلاء و قد ذكره المصنف في ترجمة والده الشيخ حسين المازندراني المتوفى ١٣٣٩ في نقباء البشر ص ٥٨٦ حدثني الحاج الشيخ محمدباقر الحقي الشهير بسبع في ليلة ٢٩ صفر سنة ١٣٧٩ في داره باصفهان ان الشيخ علي كان صبياً بالكتب و قبل وفاته توفي الشيخ مهدي الذي خلف ولدهما حسين و آخر و بعد وفات الشيخ علي انتقل الكتب إليهما و هما فعلا فيها ما فعلا و حدثت الالة أيضاً ان احسين هذا كان صديقاً له (اي للالة) في كربلاء يراجع المكتبة و يأخذ منها ما شاء و يتقّب فيها كفيماً شاء و ذلك في حدود سنة ١٣٢٥ هـ.ق. و بعد مجيء الالة إلى ايران صار الشيخ حسين بن مهدي الذي قال الالة كنت احاطه (حسين جون) من كثرة تعلقي به صار من دعاة الهائنة و سمي بعنه (فاصل كاشي) ثم جاء إلى اصفهان و صادف لالة و انكر المصادقة معه و ساقته له و كلما ارداد الالة اياداً له اشدّ هو انكاراً عنه و ما الشيخ أحمد المازندراني فعلا الالة إنه كان مرادى الأوحدي و لم يكن احد في الدنيا يحب إلى منه و لا اعز لدي قال و كنت معاشراً معه و له فصائل عظيمة انتهى. ثم ان من اعظم هوان تلك المكتبة المجموعة الرجالية الفيسة عابثها و هو نخط المرحوم الشيخ أبي علي الرجال ره و يأتي بعضها في ج ١٨ ص ٣٧٩ عند ذكر لؤلؤة البحرين و نظر كلاماً للمدرس الرضوي حول مكتبة الشيخ عبدالحسين شيخ العراقيين في كتاب «شجرة طيبة ص ٣٤٦» و أيضاً للسيد الأمين في [أعيان الشيعة ٣٧ ١٠٨] في ترجمة شيخ لعراقيين القصيرة كلام حول خراة كتبه فراجع له راجعاً.

ص ٤٠٣: مكتبة بيت الكرباسي [الكتبسي] باصفهان - راجع ما اشتهر بهامش

ص ١٨٣ من الصياء اللامع.

ص ٤٠٤: برأي آخر ج ٧ ص ٢٩٣ برود آخا «مكتبة الاسناد سعيد نفيسي الطهراني»

انظر «الصياء اللامع ١٩٠» و احسن من كتب حول تلك المكتبة الاستاذ ابرج افشار

البردي في مقالة «آثار چاپ شده از سعيد محسني» انظر كتابه «مجموعه مباه ٢١٦ -

٢٣٠».

٤٠٨. بسجده تعالى قد صححت جميع الاستدراكات في أجزاء الكتاب و الحمد لله
 وحده. كسبه مالكة الجاني م.ع.ر عفي عنه
 ٤١٢: صحح الكتاب بتمامه على هذا التصحيح و غيره و الحمد لله تعالى. كسبه
 مالكة العبد محمد علي الموسوي الروصاني
 ثم استدركت في نسختي هذه أيضاً ما أورده في المحمول انطوع خلف ح ٢٥ من
 الدررمة المباركة رحم الله مؤلفه الجليل و برعت منه في مرة ع ١٤ سنة ١٤٠٥ و الحمد لله
 تعالى.

الجزء السابع

«كتاب الحساب» ص ٥ رقم ٣: أقول انظر «دلى المقال ١٦: ٩١ ٣٤» و ما ذكرناه في التكملة.

«كتاب الحساب» ص ٦ رقم ١٢ رجوع به جبر و المعابه ح ٥ ص ٨٦ و رسالة في الحساب ج ١١ ص ١٧٦

«حساب جديد» ص ٨ رقم ٢٧ ص ٦٥ الموضع دي القعدة ١٢٥٩

ص ١٠ س ٨، بكل لسان: أقول لسيّد خرّيزي ره بيان حول هذا الحديث الشريف في كتابه (غرائب الأخبار و نوادر الآثار)

«الحسام البقار في قتال الكفار» ص ١٢ انظر «عاية المراد في أحكام الجهاد» في (ح ١٦: ١٦: ٦٦).

ص ١٣ س ٥، تمام النسب: أقول هذا السيّد هو الذي ذكر تمام نسبه في كتابه (ترجمة الأنوار العمانيّة) مجلد الأوّل منه المطبوع ص ١٥١) و قد طبعت الترجمة هذه أيضاً باسم المرحوم آقا محمّي الإصفهاني فإنّ السيّد كان خصيصاً به مقطوعاً إلى عشيرته و لعلّ حسام الشيعة أيضاً من هذا القبيل و الله العالم ثمّ إنّي رأيت مجلّد الأوّل من «حسام الشيعة» بالفارسية في الرّد على النصارى و ،خواب عن شبههم أوّله بعد الخطبة هكذا «أمّا بعد جيّون گوید الفقير إلى الله العليّ محمّدتقي بن محمّدباقر بن محمّدتقي» الخ و في الصفحة الأخيرة منه ما نصّه «هذا هو المجلّد الأوّل من كتاب حسام الشيعة هذا كتاب شهاب ثاقب در اثبات منافع ار كتب مهمّويه» ثمّ ذكر الكاتب أنّه من مؤلّفات الأقا

بمجيءه و هذا المجلد الأول الذي رتبته مطبوع ظاهراً في الطبعة الحجرية بإصفهان الشهيرة بمطبعة دروازه دولت و ليس في النسخة تاريخ مطلقاً هذا. م ع ر عمى الله عنه في ٩ شهر رجب ١٤٠٠

﴿حسن الأثر من مكارم أخلاق سيد البشر﴾ ص ١٥ هو الباب الثالث من (كحل البصر في سيرة سيد البشر) لمرحوم العلامة الوحيد الحاج الشيخ عباس القمي المتوفى ٢٣ حج سنة ١٣٥٩ طبع هذا الباب منه خاصة باستدعاء بعض فضلاء الجب خلف كتابه هدية الأجاب سنة ١٣٤٩.

«حسن و دل» ص ١٦ رقم ٧٤ و الصحيح أنه لم يرد محمد رصي بن محمد شمع المنخلص بده مؤلف «ريث التواريخ» المذكور في (مجمع الفصحاء و البحر خاقان) المتوفى (١٢٢٢) كما ذكر في «دانشمندان آذربايجان ص ٧٠» راجع (ج ٩ ص ٣٧٢ س ١٥). صح

«الحسنة» ص ٢٠ رقم ٨٩. نسخة الخبيرة العربية مطبوعة في كشكول الشيع يوسف البحراني ره و عندي أيضاً نسخة مخطوطة منها

«الحسنة في الاصول الذهبية و الفروع العبادية» ص ٢٠ رقم ٩٠ يأتي له «اللمعة ١٨: ٣٥٢: ٤٤٨» و راجع كتاب «تذكره هفت اقليم ٣: ١٢٨» و «رياض العلماء ٣ ص ٣١٢» و «فهرست ميكروفيتمهای کتابخانه مركزی دانشگاه. ١: ٧١٧».

«حشر الأشياء و معاد كل شيء» ص ٢٢ رقم ١٠٣. وصف نسخة من هذه الرسالة بهذا الاسم في فهرس اميرعشي بقم ٣: ١٦٨ ٩٧٤ معها رسالة حدوث العالم أيضاً للصدر كلاهما بخط محمدعلي بن الحاج زين العابدين الجب عالمي الإصفهاني في سنة ١٢٨٢ و عندنا نسخة استكبت حوالي سنة ١٢٢٠ في مجموعة كبيرة من الرسائل الحكمية (ص ٢٠٣ ٢٣٦).

﴿الرسالة الحشرية﴾ ص ٢٣: لسيّد عماد الحسي الطالقاني و سُميت في الورقة الأولى من النسخة «أجوبة المسائل العبادية» مرع منها في الإتيين سلخ محرم سنة ١٠١٣ نسختها بخط مصنفها في ٩ ورقة هكذا وصفها في فهرس اميرعشبة بقم (٣: ٣٤٦: ١١٧٥) و ليس بصواب و عندنا أيضاً نسخة من هذه الرسالة جاء في آخرها [تمت هذه النسخة الشريفة

المسمّاة بالرسالة الحشرية في يوم السبت ثلثي شهر شعبان المعظم من شهر سنة ١٠٧٤
 العبد للمدب الراجي المرتجي الملتجئ سبأوش الكرجي ثم انتهى و ليس في نسخة اسم
 المصنف و لا عنوان أجوبة المسائل العمادية و لكن تبين ل بعد الفحص الأكيد أن عنوان
 الأجوبة صحيح و أن العماد الذي هو مصنف الرسالة ليس إلا عماد الدين الطبري الحسن
 بن علي بن محمد اللارندراتي مصنف كتاب «الكامل النهائي» في حوالي سنة ٦٧٥ و
 نسخة ثالثة للرسالة عرفت في «فهرس مكتبه سالار جنگ ٢٠٣-٤» أولها بعد البسملة
 [ربّ تقرّبنا إليك و أبنا إلى بابك] و أول مسائل [سؤال كيف يمر اسم الكافر على
 من قال بالشهادتين جواب] و قد فصلت الكلام حول الرسالة في فهرسا بالفارسية و
 السلام. في ٢٨ شهر رجب ١٤١١

«حصار ناي» ص ٢٣ رقم ١٠٦: راجع (ديون مسعود سعد سلمان ٩: ١٠٣٦: ٦٧٥٠).

«جمعية الأخبار و جبهة الأخبار» ص ٢٥ رقم ١٢٠: لراجع «جبهة الأخبار»
 المذكور في كشف الظنون ح ١ ص ٦٢٣ ط اسلامبول و رسالة السيد الادري إليا.
 «حظ و لد» ص ٢٥ رقم ١٢٣: و يأتي ذكره مفصلاً بعنوان حلويات العلوم.
 «حظيرة القدس» ص ٢٦ رقم ١٢٦. ذكره مؤلفه في كتابه الآخر المعجري في السب
 ص ٥٥ و ص ٣٤ و ٣٩ و ٧٧.

«حظيرة القدس» ص ٢٦ رقم ١٢٧. ذكره في إيضاح المكنون في ديل كشف الظنون
 ج ١ ص ٤٠٧ و قال (أوله الحمد لله وحده الخ ثم قال إنه من كتب الخديوية بمصر) و
 راجع ما ذكرناه هامش ج ٥ ص ٦.

«حظيرة القدس» ص ٢٦ رقم ١٢٧، أبي علي اسمه عمر كما في ديل الكشف.
 «الحقائق في أسرار الدين و مكارم الأخلاق» ص ٢٨ رقم ١٤١. رجوع بوقائع السنين
 كه ديل وقايع ١٠٩١ گوید تاریخ حقائق (مختصا) است كه ١٠٩١ می شود پس آن در
 سال آخر عمرش تألیفش تمام شده گویا رور و ماه هوش را هم دارد.

«حقائق الأسرار في ترجمة سابع عشر البحار» ص ٢٩ رقم ١٤٥ طبع في بمبي سنة
 ١٢٩٩ ثم مصوراً في طهران سنة ١٣٤٠ هـ.

«حقائق الأسرار» ص ٢٩ رقم ١٤٦: أقول لم يصرّح المؤلف باسمه في الكتاب لا في المقدمة ولا في الحاشية و لم أعتز عليه في صي الكتاب و قال كاتب النسخة المطبوعة في عنوان الصفحة الأولى منه ما نصّه: «هذا كتاب حقائق الأسرار من مؤلفات ربدة العلماء و محبة الفقهاء الكرام المعاصر الكامل و العارف العامل التقى النقي الركي ثقة الإسلام دام ظلّه العالي» تنهى فلعن شحنا شراري ره مهم ذلك من قول «التمني» و من وضع النسخة التي تشبه سائر ما طبع باسم الآف جمعي ره طبعاً مع أن أخاه المرحوم الحاج شيخ محمدعلي كان يدعى «ثقة الإسلام» و لعن انتشار الذي نسب الكتاب إلى مولانا الماكور أيضاً في فهرسه أحد ذلك من الدررعة و الله العالم. في ٨ صفر ١٣٩٨

«حقائق الإيمان» ص ٣٠ رقم ١٥٥ ترجمه حقائق الإيمان شهيد، السيد عبدالحسين الخاتون آبادي صاحب وقايع السنين نسخة الأصلية صاهراً عند الحاج السيد مصلح الدين المهدي كما حدثني به في ليلة ٦ ج ٢ ١٣٩٨.

«حقائق الإيمان» رقم ١٥٥ ص ٣١ من ٢٨، ثامن ذي القعدة (٩٥٣): أقول و هكذا التاريخ في نسخة المخطوطة بخط جدنا العلامة الحاج السيد محمد ره و فيه كلام فائه لا يلائم مع إجاره في الخميس الثاني من قعدة ٩٥٢ كما مرّ في ح ١ ص ١٩٤

«حقائق التفضيل» ص ٣٣: انظر جعفر بن ورفاء في منتهى المال ٢: رقم ٦٠٦
«الحقائق القدسية و الرقائق الانسية» ص ٣٥ رقم ١٧٢ يراجع مقدمة معاون الحكمة ص كط و مقدمة شرح الأربعين لنقاصي سعيد ص ١٨.

«الحقائق المحتملية» ص ٣٥ رقم ١٧٥. و قد مرّ في (ح ١ ص ١٠٨ س ٦) بعنوان «إثبات الواجب» و يأتي شرحه الموسوم «كشف حقائق المحمدية»، صح

«الحق المبين» ص ٣٧ رقم ١٩٠ قال جدنا الإمام طاب مثواه في آخر كتابه [تمت الرسالة بلطف الله رب العالمين و بركات لبيّ صلى الله عليه و آله و الأئمة الطاهرين في إصبيان حماها من نوابل احداث (كذا) في النبلة الخامسة من شهر رمضان و ستميتها الحق المبين في تصويب رأي المجتهدين و تخطئة الأخباريين و الله وليّ التوفيق] انتهى كلامه الشريف و الطاهر أنه يسي أن يفيد عام التأليف في نسخة الأصل بقي الكتاب على حاله بلا تاريخ إلا أنه قال في الرد على قول الأخبارية بقص القرآن الكريم ما يعظه

[ثم العجب كل العجب من قوم يرعمون أن الأخبار محفوظة على الألسن و الكتب في مدة ألف و مائتي سنة] الخ (ص ٦٨).

ص ٣٧ من ٢٥، و «القواعد الشرعية» «بقواعد الشرعية» هذا يأتي في (ج ١٧: ١٨٣: ٩٦٩) بعنوان «القواعد الستة عشر» و لتاريخ المذكور غير صحيح فقد كتب في هامش آخر صفحة من الكتاب (ص ١٦٠) و في موضعين آخرين من نسخة أن تاريخ الكتابة لطبعة الحجرية (في ع ١ سنة ١٣١٩) و عندما نسخة مخطوطة من الحق المبين معها عدة رسائل للمؤسس البهبائي و غيرها كتبت في حياة جدنا الشيخ الأكبر المصنف طاب ثراه و نسخة أخرى ناقصة في مجموعة أخرى تاريخها سنة ١٢٩٧ و اعلم أن قائمة الكتاب [على ما في ص ١٢٤ من النسخة المطبوعة] لا توجد في نسخة المخطوطة النامة و اسم الكتاب مذكور في تلك القائمة فقط و انما هو أن المصنف الحق القائمة بكتابه بعد مدة فإنه لم يذكر اسم للكتاب في المجموعة المخطوطة و أما في مجموعتنا الأخرى فقد ذكر الكتاب في ظهر المجموعة عند ذكر فهرس المجموعة بخط كانها محمد بن عبد الله الخواساري بهذه الصورة [رسالة لشيخ جعفر النحفي من الرد على الأخباريين] و أما تاريخ التأليف فمذكور في القائمة المطبوعة بنوي ذكر للعام و هو أيضاً دليل على إلحاق القائمة بالكتاب بعد مدة مديدة سني عام الأسف لذي كان جدنا الشيخ الأكبر في ذلك العام بريل إصفهان و الله العالم. ثم إن عندنا أيضاً نسخة من كتاب «المسائل و الأجوبة» جدنا الكاشف طاب ثراه من جملة الردود على الأخبارية و شيخهم الميرزا محمد البشايوري وذكر في أوله [رسالته الرد على الأخبارية] فلعنهم عين كتابه الحق المبين أو هي غيره فهي آخره أعني آخر المسائل و الأجوبة قال «و من أراد الاطلاع على تفصيل الحال فليظنر إلى الحق المبين لصواب المجتهدين و خطأ الأخباريين» انتهى بمظه الشريف و السلام. حرره م ع ر في ١٥ ح ١ سنة ١٤٠٦

«الحق المصاب في حكم الخبز و السجباب» ص ٣٩ رقم ١٩٧: انظر «رسالة الحق المصاب ١١: ١٢٦».

«الحق معلوم» ص ٣٩: رسالة في أمر الدستورية في إيران ظاهراً و طبعاً في باريس غير معلوم الكاتب كما يظهر من مكتوب للميرزا علي آقا انصلوب التبريزي أرسل عنه

سبح منها إلى السجف الأشرف في شهر شوال ١٣٢٧ و انكسب طبع في كتاب [مجموعه آثار قلبي لله الإسلام ١٣٣٩] و لم أجد ذكرًا لتلك الرسالة في المهارس

«الحق اليقين» ص ٤٠ رقم ٢٠٣: أقول لا ينبغي أن الصواب فيما مرّ و يأتي هو (حق اليقين) دون «الحق» و انظر (جوابات اعتراضات بعض العامة على مباحث الإمامة من كتاب حق اليقين ٥ ١٧٤ : ٧٦٠) و أيضاً الصواب في تاريخ وفاة العلامة المجلسي سنة ١١١٠ كما نصّ عليه شيخنا المصنّف ره في عنوان (بخار الأنوار) م ع ر في ج ٢ سنة ١٤٠٦ «الحق اليقين في أصول الدين» ص ٤٠ رقم ٢٠٧: أقول عندنا نسخة أخرى لحلف [كنمات مخروطة] للعصر كتاب الجميع بمحمد بن حسن بن محمد الشاطري فرع من الأخير [قبل العصر يوم الأربعاء السابع و العشرين من ذي القعدة ١١٤٢] من حرارة كتب جدنا العالم الحجة الورع السيد محمد حسين الموسوي ١ شهر رجب ١٣٣٩ ذكرناه في كتابنا «ريد گاني ايه الله جهر موسوي ١١٩ ١٢٠»

«الحق اليقين» ص ٤٢: أقول «حق» أنه [الحق اليقين] هو اسم الكتاب الذي سُمّي به مؤلفه فقد قال في تقرّيطه لكتاب [مسهاج الطائين ٢٩٢] للحاج حسيني جديد الإسلام ما أعطه [و قد قلنا هذا الأسس في كتابنا «الحق اليقين» في معرفة أصول الدين و في الرسالة العارسية] انتهى و بما أن هذا التقرّيط مما صدر عن قلعه في آخر أيامه و مشتمل على مطالب هامة يلزم نقل ثامه في هذه التكملة و إن كان فيه الخروج عن أسلوب الكتاب قال رحمه الله تعالى ما نصّه [«...»]

﴿حقيقة الإنسان و الروح﴾ ص ٤٧: لنسوي اطلها في التكملة حول [علم النفس ١١٥ : ٣٢٤ : ٢٠٨٤].

﴿حقيقة الإيمان﴾ ص ٤٨: جدنا شهيد الثاني ره مرّ بعنوان (حقائق الإيمان) في ص ٣٠.

﴿حقيقة الإيمان و الكفر﴾ ص ٤٨: نسوي محمد الراقى. انظر «شرح خطبة مولانا أمير المؤمنين» في النكمة (ج ١٣ : ٢١٢).

«حقيقة الصلاة» ص ٤٩: أقول حقيقة الصلاة هذه هي (روح الصلاة) الآتي في ج ١١ ص ٢٦٤ كما ظهر لنا بعد التأمل التأمّل فلاحظ

«حقيقت نامه» ص ٥٠ رقم ٢٦٣ توفي ثورا جهانگير خان الصيائي ابن محبة عليخان المردي (عمرة رجب ١٣٥٢) و كانت ولادته (٨ ح ٢ سنة ١٢٧٥) و توجد ترجمته في (سخورال نامي معاصر) و (مختصر نكدرم) و مقدمة ديوانه المطبوع بطهران سنة ١٣٥٣.

«حقيقة الواجب تعالى» ص ٥٠ رقم ٢٦٤ س ٢٥، نزيل مشهد خراسان أقول من أين علم شيخنا المؤلف طاب ثراه أن الرجل كان نزيل مشهد خراسان؟ فإنه لا دلالة في قوله الآتي (ص ٥١ س ٦) كتب عتبة الإمام الرضا عليه السلام على أنه كان نزيل المشهد بل قال لرجل بعثه في مجموعة كشكولية له عدد بخطه « » و في ح ١٨ ص ٢٤٧ وصفه بالطوسي الصاعدي الواعظ الفقيه ثم إن وصف الرجل بالشيخ من قل شيخنا المصنف و إلا فقد وصفه في إشارات البحار (ط جديدة ح ١١٠ ص ١٢٣ س ١) بالمولى الكامل ميرزا تاج الدين حسين بن شمس الدين محمد الصاعدي و صاهره عن كلام تلميذه السيد حسين بن حيدر الكركي و الله العام. م ع ر عمي عنه في ٢٦ ع ٢ سنة ١٤١٥

«الحكم الشرعي» ص ٥٣ رقم ٢٨١: ليوجد هذه المجموعة في المجموع و هي غير (مجموعة فقهية) له مذكورة في ٢٠ جز ٩٢.

ص ٥٤ قال البيضاوي في تفسير الآية الكرمة ٢٦٩ من سورة البقرة قوله تعالى ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ ما لعظه «الحكمة تحقيق العلم و اتقان العمل» انتهى.

«كتاب في الحكمة» ص ٥٤ رقم ٢٨٧ يراجع الكواكب المستره ص ١٣٩.

«الحكمة الصادقية» ص ٥٧ رقم ٣٠٤. أقول انظر رسالة «مطالب العبد و مسائلها ٢١: ١٤١: ٤٣٢٨».

«حكمة العارفين في ردة شبه المخالفين من المتصوفين و المخلصين» ص ٥٨ رقم ٣٠٦. أقول و للصوفي الذهبي لثشتهر عندهم بعبط الدين محمد التبريزي آثار المتصل رمانه بعصر مولانا محمد طاهر القمي ره قصيدة ناتة في الحكمة عمي رعمه تأتي بعنوان [حكمة العارفين ٢٦: ٢٧٩: ١٣٩٩] فراجع.

- «الحكمة العمادية» ص ٥٩ رقم ٣٠٩ س ٦، الدرر الفاخرة: تأتي في ح ٨ ص ١٠٦.
- «كتاب الحلال و المحرام» ص ٦١ رقم ٣٢٦ أقول مرّ له [الأديان و للنس ١ ص ٤٠٤ - ٢١٠٣] و [أسباب آل الرسول ٢: ٣٧٩: ١٥٢١].
- «خلق اللحية» ص ٦٣ رقم ٣٣٩ أقول إن الصديق العاقل المحاح الشيخ رضا الأستاذي الطهراني قدّم بتحقيق رسالة العلامة اللاعي قلّس الله روحه و طبعها و ترجمتها بالفارسية و صمّ بعض الفوائد إليها في مجموعة عنوانها «تحقيق در يك مسأله فقهي - ريش تراشي» ط قم ١٣٩٤ في ١٧٦ ص باحجم الرقمي «جراه الله تعالى خيرا».
- «خلق اللحية» ص ٦٣ رقم ٣٤٠: فرع منه في سامراء يوم الجمعة و هو يوم السرور عند الأصحاب من سنة ١٣١٩ كما في آخر النسخة المطبوعة بعدد سنة ١٣٦٨ في ٢١ صفحة. ثم إن جدنا الأعلى من قبل بعض أئمتنا الأجناد الشيخ علي الفقيه سبط الشهيد الثاني ره في كتابه «المرآة المستور ٢، ٢٩١ - ٢٩٥ ط قم» كلاماً حول المسئلة قال في آخر البحث ما لفظه «و رأيت بعد ما كتبت هذا في [قواعد الشهيد] رحمه الله في الخش للمشكل قال و لا يجوز لخلق اللحية لحوار رجولته انتهى و هذا تصريح لتحريم خلق اللحية للرجل بطريق أولى لأنه إذا حرم جميع احتمال الرجولية كان ذلك أولى مع تحققها» انتهى كلامه رفع الله تعالى مقامه. و قال المحدث المحقق العيص الكاشاني في «منايع الشرايع ٢: ٢٠ ط قم» عند ذكر عدّة المعاصي ما لفظه «و خلق اللحية لأنه خلاف السنة التي هي اعنائها و مسح طائفة بسببه» انتهى و أمّا ما وجدناه من كلمات قدماء الأصحاب فهو قول الصدوق طاب ثراه (المتوفى سنة ٣٨١) في كتابه [المقع ص ١٨٨] ما لفظه «و إذا حلق رجل خبة رجل فإن لم تبس فعليه دية كامنة و إن ببت فعليه ثلث الدية» ثم قال في ص ١٩٠ «و من حلق رأس رجل فبب فعليه مائة دينار» و إن حلق لحبته فعليه الدية» انتهى فتدبر في حكمه الأخير فإنه عام و الله العالم بحقائق الأحكام و السلام و نجد الفتوى انصريح بالحرم في كتاب «شارع الحجة ١٣: ٤: ٧» لسيّد الداماد كما بساه في التكملة و ربما يمكن أن يسدّل على التحريم بحديث اندلاع السبعة و منهم المشتبه من النساء بالرجال و الرجال بالنساء فإن خلق اللحية من أجل أفراد التشبه و الحديث في [الفقه لرصوي] باب التجارات و البيوع و المكاسب و يأتي

أيضاً بعض الرسائل في نفس الموضوع في حرف لراء «ح ١١: ١٧٣» فلاحظ.

«حل الإشكال في معرفة الرجال» ص ٦٤ رقم ٣٤٦: قال الشيخ أبو علي الحائري الرجالي المشهور به في هامش^٧ ترجمة السيد أحمد ابن طاروس به عدد ذكر كتابه حل الإشكال ما هذا نصه في نسخة المخطوطة من منتهى المقال قال [اقتصر به في هذا الكتاب على الرجال الذين ذكرهم الكشي و ذكر فيهم بعض ما أورده من المدح أو القدح مما لا يستعي عنه و كنتم في صحة الطريق و عدمها و الذي يحكى أنه كان غير مرئب كنسخة الكشي الأصل و الاختيار شيخ أيضاً و قد رتبته المحقق المذكور على ترتب حروف اهجااء و كتب عليه بعض الحوشي و التقديرات] انتهى

«حل البحث» ص ٦٦ رقم ٣٥١. عدد من نسخة كتبت في زمان الشيخ البهائي و الصواب في تاريخ وفاته ١٠٣٠ كما مرّ مراراً و الرسالة نصية في غاية المتانة و نسخة أصلها في مجموعة من رسائل الشرح كانت عند السيد محمد البرجدي المشهور بمشكوة كما في كتاب سعيد عيسى ص ١٠١

«حل شبهة الاستعصام» ص ٦٩ رقم ٣٦٦. أقول لأرجع لتقرير شبهة الاستعصام و رسالة المحقق الخوانساري في حلها ح ١٢ حين ٢٥: ١٩ كما أن (شبهة ابن كمونة الإسرائيلي) أيضاً مدكورة هناك في المرو و في تعلقة لنا و سأي (٧٦ ٤٠٩) حل معالطة ابن كمونة فليراجع و انظر «الشبهة الحمارية و جوابها» في كتاب مشكلات العلوم ٤٧ ط ٢ «للمحقق التراقي به.

«حل العقول لعقد العقول في عدم الاصول» ص ٧٢ رقم ٣٨٠: أقول توجد نسخة الأصل في مكتبة المرعشي العامة بقم معها تفسير لبعض الآيات الشريفة كتبها بخطه في ١٣٠ ورقة [رقم ٥٣٣٣] و ترجمة السيد في [الكرم البررة ١٩١] و لنا عليها تعنيقة.

«حل مشكلات الإشارات» ص ٧٥ رقم ٤٠١: أقول عدداً نسخة من شرح الإشارات

٧ ابن حاشية در نسخ چایی و کلاً در نسخ خطی «نصه ما یست باید در نسخه خط ابن المصنف موجود در کتابخانه مرعشی ده که مربوط بجه کتابی است مربوط همین حل الإشکال است یا مربوط بجای دیگر است.

و التنبيهات هنا طبع بطهران سنة ١٢٨١ في ٢٧٠ ص بالحجم الكبير و بمامشها (المحاكمات) و ليس فيها مقدمة الشارح بل يشرح من هذه العبارة (قال الشح هذه إشارات) و في عاينتها إضافة لا يعلم قائلها و هذه النسخة من جملة ما ورثته من والدي العلامة المهام جامع للعقول و العقول المستشهد بالعرق في بحيرة الكوفة في ٢٧ ج ١ سنة ١٣٥٦ ذكر فيها أنه شرع بترمه من ص ٢٩ في يوم السبت ٢١ ع ٢ سنة ١٣٥٠ و قال في آخر الكتاب ما لمظه «نعمت المباحة يوم الشتاء ١٨ ع ٢ سنة ١٣٥٣ و نعم ما قيل درد عاشق را شما ای شیخ در قانون عشق ، نیست الا در اشارات خم ابروی یار» انتهى و لوالدي طاب مصححه على نسخة الموصوفة تعليقات هامة و تصحيحات مهمة من أولها إلى آخرها و توقعه في بعضها كذلاتي (حرره العبد محمد هاشم الموسوي عمي عنه) و مهاجرة والذي ره من إصفهان في العاشر من شهر رمضان ١٣٥٣ و عاش في النصف الأشرف أكثر من عامين مصفاً و مستقيماً حتى أدركه الأجل وفاته بالدرجة العالية من الشهادة و ررق الدهى في وادي لسلام قلبي الله تعالى روحه بالنبي و آله الكرام و له طاب مصححه أيضاً كثير من الخواشي و التعليقات و التفهيمات النافعة موجودة عنده بخطه و الظاهر أن بعضها الآخر وقع في يد بعضي و الله العالم بحقائق الأمور.

«حل مغالطة ابن كمونة» ص ٧٦ رقم ٤٠٩ أقول انظر ما مرّ آنفاً (٣٦٦ : ٣٦٧) بعنوان حل شبهة الاسترام.

«خلق الله» ص ٧٧ : انظر [رسالة في حرمة خلق الدحية] متعدّدة في (ح ١١ : ١٧٣).

«الحلة السوداء في أشعار الأمراء» ص ٧٨ رقم ٤١٤ : أقول يأتي «درر السمط ٨ : ١٢٤ . ٤٦٠» و هو و جمال الدين الحسين مذكوران في «الأبواب الساطعة» للمصنف و انظر ترجمة الرجل في الأعلام للزركلي ٦ : ٢٣٣

«حلوا التناول» ص ٧٩ : «...» و انظر «المسائل التداخلية ٢٠ : ٣٣٩ : ٣٧٩٨» و مرّ «تداخل الأعسال ٤ : ١٧ : ٤٥».

«حلي الأفاضل» ص ٧٩ رقم ٤١٧ . أقول راجع الدريعة ٩ : ٦٩٠ : ٤٨٠٠ . «حلي الدهر العاقل فيمن أدركه من الأفاضل» ص ٧٩ رقم ٤١٨ : أقول كذا وضعه

بالقصة في نقيض البشر ص ١٩٩ أيضاً قال «و هو كتاب مختصر في تراجم قليلة» انتهى و انظر النشاء العاصر على ابن خالها المذكور بما يهجر العقول بلاعته في ماضي السجف و حاضرها ٣: ٢١٤ نقلاً عن كلمة صديقه و فريه الإمام العلامة الشيخ هادي كاشف الغطاء.

«حلية الأشراف» ص ٨٠ رقم ٤٢٧ س ٣٥، ابوالحسن ريد. أقول إن الشيخ أبالحسين المذكور في فهرس المتجرب هو غير صاحب حلية الأشراف بل من رجال الفرقة الريدية انظر لراماً «مهرست متجرب الدين ٨١ رقم ١٧٦» مع التعييف للسيد العريز.

«حلية الإنسان و حلية اللسان» ص ٨١ رقم ٤٢٩. يراجع لروماً [بإدداشتهای هروبی ٤: ١٥٨ - ١٦٠] و الإحالات له و يأتي ما الإشارة إلى الخطأ في نسخة الحلية هذه إلى صاحب «عمدة الطالب ١٥: ٣٣٦ - ٣١٦» في النكمة و القروي هو أول من تفضل بادی دي بدء لهذا الإشكال فبحث عنه في هفت طبع في الكتاب المذكور و لكنه لم يهتد لمعرفة مؤلف الحلية هذه و منحصر الكلام أنه إذا كان اسم مؤلف هذا الكتاب و عنوانه كما طبع عليه صحيحاً فهو ليس بصاحب العمدة الذي هو من ولد الحسن الثاني بن هو سميّه و لقيّه و نسبه (من ولد الخميني الأصغر بن الإمام زين العابدين عليه السلام) المتقدم عليه و المذكور في عمده ص ٣٢٢ ط السجف الأشراف فإن صاحب العمدة توفي على ما كشف الظنون و عنه في سائر المواضع سنة ٨٢٨ و مصنف كتاب الحلية يحبر عن معاصرتة للنوالة المعوليه المبرصة سنة ٧٣٦ فكيف التوفيق على أن شيخنا المصنف سيدكر في «الدوحة المطلبية ٨: ٢٧٣ - ١١٦٠» أن طبقة الرجل طبقة مشايخ العلامة الحلّي النوقى ٧٢٦ فلذا ذكره في [الأوار الساطعة في أدلة السابعة ١٢] و إن عنه السيد كمونة في سبب القرن الثامن في كتابه [سيرة الراغبين ٣٦٨] و لكن لم يظهر لنا تحديد لتاريخ وفاة الرجل مطلقاً.

«حلية النجيب» ص ٨٤ رقم ٤٤٦ و راجع «خيرة المناقص المريب» في ص ٢٨١. «حلية النسوان» ص ٨٥: في أحكام الخيصر و الاستحاضة و النفس، للسيد محمد بن أحمد الحسيني اللاهجاني، عندي منه نسخة ناقصة ضمن مجموعة من رسائل للعلامة المجلسي قدس.

«حمام الحمامة بصقر الإمامة» ص ٩٠ رقم ٤٦٣ س ٧، الحوقل: ٢٦ ج ١ ١٣٣٦.

«حماية الإسلام» ص ٩٠ رقم ٤٦٤، السيد أحمد، ولادته في ١٨ دي الحجة سنة ١٢٩٥

﴿حمد البلاغة﴾ ص ٩٠: لأبي طاهر محمد بن عبيد الله المذكور في تاريخ بغداد ابن

أبي غالب أحمد بن محمد بن محمد بن سيمان الراري المذكور في الحاشي ص ٣١٠.

﴿حملات البيت﴾ ص ٩١: انظر ج ١٦ ص ٣٤٤

«حمله حيدري» رقم ٤٧٣ ص ٩٢ س ٥، ليل لقرآته: قال القروي ره في إتيام أمل

الآمل ١٢٠ ط قم] في ترجمة الشيخ زهير الإصبهاني أنه أخو الشيخ علي نقى الحافظ

للمعلمة الخيدرية. انتهى

«حواشي تمهيد القواعد» ص ٩٦ رقم ٤٩٢، المولود حدود ١٢٦٢: توفي في ٢٣ ح ٢

سنة ١٣٤٠ كما في (مختصر المكارم) و (ريحانة الأدب)

«الحواشي القطبية» ص ١٠٢ أقول ما مرّ ليس إلّا العوائد الخالص و ما ذكره شيخنا

المصنف هاها لايسر و لايعني من جوع لأنه لم يذكر مستنده في أصل مدّعاء كما لم

يذكر لتكتاب نسخة و لعنه لذلك أعرض عن ذكر [الحواشي العطية] هذه في ترجمه

المبسوطة في «الحقائق الراهنة» و لنا في أصل تشعّ الرجل تأمل أشربا إليه فيما ذكرناه

حول كتابه «تحرير القواعد المصنّفة ٣ ٣٨٨ ١٣٩٥» و لمراجع لراماً [معلمة سعيد

نحسي لكتاب مصادقة الإخوان

«الحواشي على أحسن الودعة» ص ١٠٥، مهدي الصواب السيد محمد مهدي

الموسوي الكاظمي العلامة المحقق المدقق لحجة صاحب التأليفات المهمة ولد و دهر في

بلده الكاظمين سلام الله على من حوّل و دهر فيها و لم ير البلاد الإيرانية طول حياته

و والده السيد السيد و الركن المعتمد الشريف العلامة خال جدّها الحاج مهرا سيد

محمد ولد في إصفهان و هاجر إلى الكصميه فكان من أعلامها و اراء شيخنا المصنف

به و بيله منه لدفاع السيد عن حقّ ولده جدّها الإمام المجتهد المجدّد آية الله العظمى

صاحب الروايات أعلى الله تعالى مقامات الجميع في كتابه «أحسن الودعة» و الله

العاصم.

«حواشي المجدي» ص ١٠٩ رقم ٥٧٤، ذكرنا أقول لم يذكر هياك سوى حاشية

صاحب رياض العلماء فقط.

«الحواشي على المجدي» ص ١٠٩ رقم ٥٧٥ يراجع مئة الراعيين ص ٢٢٧ و ص ٢٨٢ و ص ٢٣٦ و الأنوار الساطعة ص ٩٢.

«حواشي معج البلاغة» ص ١١١ رقم ٥٨٦ و من الحواشي على معج البلاغة ما ذكره المؤلف من كتابه الآخر (الأنوار الساطعة ص ٤) للشيخ أحمد بن الحسن الباوندي فليراجع

(حول السفور والحجاب) ص ١١٣. للسيد عبدالله البلادي ظاهراً اطر ديل ص ٢٥٤ من المجلد السادس.

«حياة الأرواح و مشكاة المصابيح» ص ١١٥ رقم ٦٠٦ ص ١٢، فرع منه ٨٥٣ في أعيان الشيعة ٥ ص «..» و عه في العدير ١١ ص «..» أنه فرع منه في ٨٤٣.

«حياة جواداني» ص ١١٨ رقم ٦٢١ نسخة منه في مكتبة السيد و قد فهرستها ص ١١٩ أقول و لاس طولون محمد بن علي النموشي المتوفى ٩٥٣ مصنف في حياة السيدة ربيب الكبرى بب أمير المؤمنين صلوات الله و سلامه عليهما قال العاصي محمود العلوي في كتاب الربارات ٢٢ في ترجمة السيدة ما لفظه «..».

«حياة معلني» ص ١١٩ رقم ٦٢٩ ص ١٤، بصرفه مروش هو ابن السيد محمد علي المدعو بداعي الإسلام و أخو السيد نورته مؤسس بحته دانش المذكور في ح ٨ ص ٤١ و طبع الكتاب في ١٤١١ صفحة.

«حياة الشيخ خزعل بحان» ص ١٢٠ رقم ٦٣٤ أقول ولد الشيخ خزعل ١٢٧٩ و قتل بأمر البهلوي في بيته ليلة الإثنين الرابع من الربيع الأول ١٣٥٥ ق راجع «مكارم الآثار ٦ رقم ١٤١٦».

«حياة الخليفة عمر بن الخطاب» ص ١٢١. نظر «المرور و العرر ٨ : ١٤٠ : ٥٣٠». ص ١٢٢ ص ٢، المتوفى ١١١١ أقول صرح شيخنا المصنف به في (ح ٣، ١٧ ص ١) أن الصحيح في تاريخ وفاه العلامة المجلسي هو ١١١٠ و يأتي [تكملة حياة الملوب] في [صحيفة المتقين]

«حياة القلوب» ص ١٢٢ رقم ٦٤٨: يراجع مكارم الآثار ح ٧ رقم ١٥٤٣. «حياة القلوب» ص ١٢٢ رقم ٦٥٢ ص ٢٥، محبوب القلوب: ليراجع روصات الحنات ص ١٧٦ ط ٢.

«حيدرنامه» ص ١٢٥ رقم ٦٧٢. هو العليم؛ قال في كشف الظنون ص ٦٩٤
«حيدرنامه فارسي منظوم للشيخ عطار» انتهى و أضاف بعده بعضهم «للتوقي سنة ٦٧٢
إشهر و سبعين و ستمائة» انتهى و ما سبه شيخنا المصنف إلى القاضي الشهيد هو في
الأصل كلام دولتشاه في التذكرة و شقون منه في السح الشريعة من مجالس المؤمنين
معلوط محرف جداً فانظر صوابه في تذكرة و عنه في كتاب سماه أحوال العطار
لرورانه ص ٣١ و فيه عن التذكرة ط ليس قطعة محمد العباسي ص ٢١٢ «حيدرنامه»
و في المجالس «حيدري نامه» مع باء اسبلة و في كتاب رورانه ص ٧٦ أن من جملة
الكسب المفترى على العطار «حيدري نامه» مع الياء و قال هو و أمثاله في غاية السخافة
و الإهمال و الحال أنه لم يدع رؤية حيدرنامه أو حيدري نامه و لم يتعدّه هذين الاسمين
إلا في هذين الموضعين كما م أعثر لحد الآن على من رأى نسخة منه و لا على من نقل
و لو سأ واحداً عنه كما صرح بذلك أيضاً سعد القيسي في كتابه «جسجود در
احوال و آثار عطار: ١١٥ و موضع آخر في كتابه» و هذا من العجائب بهم توجد كتاب
هذا العنوان في دار الكتب بالقاهرة قال نصر الله مبشر الطراري في «فهرس المخطوطات
ال فارسية التي تعنيها دار الكتب حتى عام ١٤٦٣» القسم الثاني. ١٩٧ رقم ٢٣٦٨ ط سنة
١٩٦٧م» ما نصه «منظوم فارسي (حيدرنامه) لم يعلم ناطقه و هو يشتمل على سرد
الوقائع في الحروب و العروات أيام النبي صلى الله عليه (و آله) و سلم أوله الهي باعزل
آن پنج تن / كه هسند فخر رموز و رمى» ثم ذكر مختصات النسخة و فيها صور كثيرة
ملونة و أنه لس فيها ماريح و عدد أوراقها ٣٤٢ ورقة ثم بن الطراري وصف الكتاب و
النسخة أيضاً في كتابه الآخر «الفهرس توصفي: ١٢٢ ط سنة ١٩٦٨م» أبسط و أدق مما
سبق و أورد البيت الثاني هكذا بحق نو اي داور آب و خاك بدان چارده نام معصوم
پاك و قال «يرجح أن تكون من مخطوطات القرن الثاني عشر الهجري الثامن عشر
الميلادي... آخرها: بشادي پاي آمد بن داسان كه برخواستم از گفته راستان ...
مغن حتم شد بر سخاي رسول بيم نامد از عطاي رسول. تختلها أربع و تسعون
صورة مرسومة بالألوان من المدرسة الموثية هندية» الخ و على أي الكتاب مهم جداً و
ذكرناه في هذه التعليقة استطراداً و بامانة دون أن نراه مسوياً إلى شخص معين ورقنا

الله رؤية السحرة إن شاء الله. م ع ر في ٥ قع ١٤١٥

«خاتمة المستدرك» ص ١٣٢ رقم ٧١٧ «المستدرك ٢١ ٧ ٣٨٧» و لا ينحصر عليك أن الخاتمة هذه أيضاً كفيضه القدسي و غيره من آثاره في التراجم أساسها مبنية على تحقيقات جدنا الإمام العلامة المجتهد المجدد أحمد آية العظمى السيد محمد باقر الموسوي الإصفهاني طاب ثراه في كتابه «روصات الجنات» و إن غابله النوري و كافاه جراء سغار و أتخذ في قالة موضع الحساد و لأعواء و المبعصين لسلاده الأبحاد من آل طه و يس و الباعث لهذا الموضع العفيف أن ذكر اخذ الإمام قنص الله روحه في الروصات حديثاً رآه في بعض الكتب يدل على دم أهل طبرستان ممّا رأى ذلك النوري قام و قعد و أصرم نار العداء و البغضاء و الحسد و نال من سيّدنا اخذ في عائلته و غيرها حتى أوّل تصابيه و هو «بعض الرحمن في فضائل سمان» حياً بعد حوى بالمعاط عبيده لا ينفوه بها عاقل فصلاً عن مسم و هذا يقطع أمه و قصر عمره و قرب أجله و أمّا شيخنا المصنف للدريعه طاب ثراه فقد شغفه حبّ شيخه فأساء هو أيضاً في حقّ سيّدنا اخذ نور الله صريحه كلّما تحرّ الحديث عنه و عن كتابه الروصات في كافّة مواضع الدريعه و الطبعات فتراه مثلاً في «نعماء البشر ٢١١» بعد ما عبّوه بقوله «السند المبرر» محمد باقر الإصفهاني» فقط لا يتجاوز في وصفه عن قوله «عالم متّبع و باحث خير» و السلام في حين أنّه ردّ يكسب عن شيخه النوري أريد من انسى عشر صفحة (٥٤٣ - ٥٥٦) و يقول في الحاشية عند اقتراح ترجمته ما لمعه [ارتضى القدم بيدي عند ما كتب هذا الاسم و اسوقني الفكر عند ما رأيت نفسي غارماً على ترجمة أستاذي النوري فحشعت إجلالاً لمقامه و دهشت هيبته له] الخ و إنك لترى هذا الموضع في مدح النوري و النيل عن صاحب الروصات في بعض مؤلّعات اخاح الشيخ عباس القمي و صاحب أعيان الشيعة و صاحب نقد فلسفه درويش و غير هؤلاء تمسّ لم يحط خيراً بحلقيات سيّدنا اخذ و علمه و رهنه و تقواه و إخلاصه في العول و العمل و تجبّيه بخلاف هؤلاء عن اتباع الظواهر و الخدسيّات دون الحقائق الملموسة و أليس كتابه الروصات هذا المحرّ الراخر و النثر الفاخر كعناً لمعرفة مؤلّعه و الله بصير بعباده و السلام. في يوم الجمعة ١١ ع ١ سنة ١٤٠٧ و تراجع هامش نسخة من الروصات ص

«كتاب خير الرائر المبلى بالبلاء في طريق الجعف و كربلاء» ص ١٣٨ رقم ٧٦١ كان حياً بمشهد الرضا عليه السلام في سنة ١١٠٠ كلف في دبل كشف انظرون ص ٤٤١.

«الخواتم» ص ١٤٣ رقم ٧٩١. أقول نظره [شرح الشرايع ١٣: ٣٣٢-١٢١٧] مع التكملة و [العوائد ١٦: ٣٢٢: ١٤٩٩].

«كتاب الخراج و المقاصح» ص ١٤٤ رقم ٧٩٦ ص ٨، طقسها: الطقس الطريقة و علب على الطريقة الدينية فهو معنى النظام و ترتيب و إقامة النواجر مجدد

«الخوارق» ص ١٤٥ رقم ٨٠١: و نسخة مكتوبة بhamsh الأصل الذي وصفا نسخة في مجموعة أول رسائلها مقدمات للواري للمبص.

«خواصا قدم» ص ١٤٥: انظر ج ٦ ص ٣٠.

«الخراج و الجرائح» رقم ٨٠٢ - ص ١٤٦ س ١١، مخالف المطبوع لا يخفى أنه قد صرح في آخر المطبوع بكونه [المختار من كتاب الجرائح و الجرائح] و هو كذلك فقد كتبه مراراً من أوله إلى آخره بعد فيه حديثاً نقل عنه في البحار و الروضات (و الحديث في دم أهل إصفهان قديماً) فلم يحدده. و يبالي أنني رأيت نسخة أخرى للكتاب مطبوعة باحد مستقلة ثم بعد جملة مصت على كتابة هذه التعليقة ررقي الله سبحانه نسخة كاملة تامة من الكتاب.

«شرح جين» ص ١٤٦: عندما نسخة مصبوعة من كتاب (فطرات العلوم) و على هامش ص ٣٢ منها تعليقة مخطوطة لشخص توقيعه (خواجہ بصیری) و تاريخ التعليقة (٢٢ ع ٢ سنة ٦٥) حسب هناك إلى نفسه هد الكتاب و الله العالم

«مخرج الأيام لكافة الأنام» ص ١٤٦ و مراجع الموارد بين المعجرات في ج ٢٣ ص ٢٢٠.

أقول و له أيضاً [عدد السنة] بذكره في موضعه من العين المهمة و انظر [يد (و) مير ٢٥: ٢٧٧: ٩٨].

«خزان و بخار» ص ١٥١ رقم ٨٢٣: الظاهر أن موضع ذكر هذا الكتاب في ص ١٥٦ فلاتعمل. تراجع لوصف نسخة من هذا الكتاب و مؤلفه «بجله آينه» ص ١٣ ع ٦-٧ شهر يور - مهر ٦٦ ص ٤٨١ - ٤٨٢.

«خزائن الأحكام» ص ١٥٢ رقم ٨٢٥: أقول ترجمة المؤلف في [مجلد برين ٢٧٥ - ٢٧٨] لبيان الواعظين الإصمهياني ره.

ص ١٥٣ س ٢، في أواخر ربيع الثاني: الصحيح ٢٥ صغر كما في مختصر المكارم.
«خزائن الأنوار» ص ١٥٣ رقم ٨٣٠: أقول يوجد نسخة من خزائن الأنوار هذا في مكتبة مسجد گوهرشاد كما في فهرسها (ح ١١ ١٧ ٢٠) و هناك تفصيل حول مطاله و إشارة إلى سایر نسخه في تبرير و طهران و قم.

«خزائن الجواهر» ص ١٥٤ رقم ٨٣١: عدي منه نسخة و الحمد لله.

«خزائن الأدب الكبري» ص ١٥٦ رقم ٨٤٤. نسختهای خود آن مرجوم كه برد ماست دیده شود شاید یادداشتی داشته باشد.

«خزائن الأسرار» ص ١٥٦ رقم ٨٤٥: قد السيد آقا طه البهشتي إنه فارسي و إن نسخة حرانة الأسرار في الأدعة عدة من القرن ١٠. قد آقا طه و يقل عنه في المهاج في الدعاء و قال إنه ذكر المصنف اسمه في أول الكتاب هكذا (ابن فخر حمير كثر التقصير ابن هاء الدين علي مطهرالدين محمد لقاري در شهور سنة اثنى و ستين و تسعمائة هجرية با وجود قلت بصاعث) و صرح باسم كتابه في مقدمته هذه

«خزائن الخيال» ص ١٥٦ رقم ٨٤٦ هذا الكتاب مذكور في كشف المحجب و الأستار و أوله مذكور هناك و قد طبع بقم سنة «...» مقصوداً عن نسخة في «...» ص و ليراجع مشرق السعدين في ح ٢١ ص ٤٩: ٣٩٠٧ و [مجالس الأخبار ١٩: ٣٥٧: ١٥٩٧].

«خزائن القانع» ص ١٥٧ رقم ٨٤٩ يأتي «مفتاح الروح» و «وعق المراد» في موضعيهما و يذكر ديوانه بهامش ح ٩ ٩٢٧ لراجع و توجد الرسالة في قائمة كتاب «شرح حال وفاتي شوشتری» للشیخ محمد مهدي شرف الدين (ص ٨٦ - ٩٣) و لكن باسم «خزائن القانع» و ذكرها أيضاً بهذا الاسم في ص ٤ قائلاً ان النسخة بخط السيد الكيميائي في «بياض الوفاي» و فقد من أول الرسالة صفحات و الظاهر أنها غير النسخة التي رآها شيخنا المؤلف ره.

ص ١٥٨ س ٢، توفي ١٣٠٣ يأتي في العسفة على «ديوان وفاتي شوشتری» أنه توفي ١٣٠٣.

«الخصائص» ص ١٦٣ رقم ٨٨١: أقول عددا نسخة عنوانها «كتاب خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب» إلى قوله «نسخة الأولى بالمطبعة الخيرية المنشأة بجمالية مصر المحمية سنة ١٣٠٨هـ» و بآخرها كلمة مصحح الكتاب محمد السيوطي ثم الفهرس و المجموع في ٤٠ ص و نسخة أخرى من «مشورات المطبعة الخيرية في السجف الأشرف ١٣٦٩هـ» في ٨٠ صفحة و بأولها مختصر في ترجمة السائي و نسخة ثالثة طبعة السجف الأشرف أيضاً تمّ طبعتها بالأفست في طهران سنة ١٤٠١ و هي في ١٧٢ صفحة مع مقدمة مبسطة في ٤٠ صفحة للدكتور الشيخ أبو علي محمد هادي الأميني صديقاً الفاضل أكبر فيها على شيخنا المصنف ره في عنه هذا الكتاب في النريعة المعلقة أولاً لذكر كتب الشيعة الإمامية و على أيّ يعجبني نقل حديثين من الكتاب عن الطبعة الأولى المصرية ١ - في ص ١٩ بعد ذكر سند الحديث «من كنت مولاه فعليّ مولاه» أن في آخر كلامه صلى الله عليه و آله «و تفرّق بين المؤمن و الكافر» ٢ - في ص ٢٠ روى السائي بسنده «عن العمان بن بشر قال استأذن أبو بكر صلى الله عليه و آله و ستم وسمع صوت عائشة عالياً و هي تقول: لقد علمت أن علياً أحب إليّ منك، فأهوى لها ليلظمها و قال لها يا بنت فلانة أأراك ترفعين صوتك على رسول الله صلى الله عليه و آله) و ستم فأمسكه رسول الله صلى الله عليه و آله) و ستم و خرج أبو بكر معصباً» إلى آخر الحديث و السلام. ٦ ع ١ سنة ١٤٠٨

«خصائص الجمعة» ص ١٦٦: أقول و يأتي «خصائص يوم الجمعة ١٧٥ - ٩٠٨هـ»

«الخصائص الحسينية» ص ١٦٦ رقم ٨٨٨. لا يخفى أن اسم هذا الكتاب (خصائص الحسين و مزايا المظلوم) كما سماء و صرح به مؤلفه في ص ١٠ من طبعة سنة ١٣١٦ و للشيخ جعفر ترجمة مختصرة في الصفحة الأخيرة من وسائل المحييين فراجعها. ص ١٦٦ س ٢١، الخديعة: بل إلى تمام العنوان الثاني عشر و كله في وسائل المحييين أيضاً.

ص ١٦٦ س ٢٣، وسائل المحييين: انصواب و مسائل المحييين كما يأتي.

«الخصائص العلوية» ص ١٧٠ رقم ٨٩٩: أقول ينقل عنه ابن نما الحلي في كتابه [مثير الأحرار] و النظري هذا لم يذكره المصنف في صفاته.

ص ١٧١ س ٩، تأليف أبي الفتح: و الرجل المذكور بهذه الأوصاف في عيقات الأنوار (انظر فهرس المصادر من طبعنا) و انظر [الخصائص العنوية ١٧٠: ٨٩٨].

«خصائص الوحي المبين» ص ١٧٥ رقم ٩٠٧: تراجع ح ١٠ ص ٨٣ و ج ١ هامش ص ٢٣.

«خصائص يوم الجمعة» ص ١٧٥ رقم ٩٠٨. أقول نسخة منها عندنا في مجموعة من رسائل جدنا الشهيد الثاني طاب ثراه و غيرها و تاريخ كتابة بعضها ١٢٤٣ و قوله (شرف) في نسخة (فصل) ثم لا يخفى أن إشار بسب الكتاب (في ج ٤: ٢٥٨ من المؤلفين) إلى والد الشهيد و لعق كلمات حوله يضحك منه التكلّي في حين أنه ذكره في ترجمة الشهيد (في ج ٣: ٢٥٦) و به إليه صحيحاً و إن أخطأ هاك أيضاً في ذكر العنوان و الله العاصم. قوله (طبع مستقلاً في صيد) أقول إننا لم نثر عني ذلك الطبعة و نظنّ أنه أراد به الطبعة التي عني بها السيد الأمير العاصمي صاحب أعيان الشعة قدماً و لكنها لما طبع في دمشق و إن لم يصرّح بذلك في نسخة و رقم صفحاتها ٣٧ في حجم الثمن و ألحق بها كما مرّ في موضعه «رسالة التحقيق و التقدير في بيان ما يعلّق بالمقادير» جدنا الأعلّم الأفقه الشيخ جعفر المحمدي كاشف الغطاء طاب ثراه في ٦ صفحات و للسيد الأمير بعض الفيود عني الرسائل بوقيع (محس) و الطبعة بلا تاريخ و ذكر المشار (رحمه الله) لخصائص أيضاً طبعة حجرية بطهران مدخفة ببعض رسائل الشيخ الأنصاري و أيضاً طبعة محققة بحمّة لسنة ١٣٨٢ في ٤٢ ص و أمّا قول المصنّف «كما طبع مصصاً الخ» فلم نثر عني ما ادّعاه و الله العاصم. حرّره م ع ر في أواخر حجة ١٤٠٧.

«خطاب الغائبين» ص ١٨١ لصاحب كتاب (سَمَ السَّمَاوَات ١٢: ٢٢: ١٤٦) ذكره في ترجمة جلال الدين الدواني.

ص ١٨١ س ٧، أبي القاسم الصواب «الخارج مبرراً عبدالمحمّد ثقة العلماء» كما هو صريح كلام أراد في رسالته إلى المرحوم السيد محمد صدر هاشمي المطبوعة في «تاريخ جرايد و مجلات ايران: ١٤٢» و تراجع أيضاً «تاريخ ح ٤ ص ٢٦١ و ذكر أراد أن ولادته في (٢ دى ٦٦١ش) و هو يوافق «...» و صرّح أيضاً في رسالته أنه من تلامذة آخوند الخراساني و الشيخ محمدحسن المامقاني و العاصم الشرايبي في السجف الأشرف

و مدة توقفه في السجن أكثر من خمس سنين و لكنه بعد الرجوع إلى ايران تغيرت
عمائده و مال فيها إلى بدع مركز منه كسروي (١٣٠٨ - ١٣٦٥) و سعى فيها حتى
أدركه الأجل المحتوم في (٥ خرداد ١٣٢٥ش) الموافق « . »

«خطب» ص ١٨٦ رقم ٩٥٩، الخطيب. يرجع كتاب (سيف الدولة و عصر
المحمدانيين: ١٧٣ هما بعدها) لسافي الكبيبي ط دراعارف عصر و انظر الدربة ٩: ٣٠.
ص ١٩٥ س ٢٤، الميرزا محمد علي الإصفهاني: أقول انظر إحياء الدائر ص ١١٧ لشيخنا
المصنف و ما ذكرناه بهامش نسخا و ذكر لي العام الفاصل الحاج شيخ ميرزا مجتبي
(بهشي روي) ابن المرحوم اميرزا محمد علي الإصفهاني ان والده اس بست بست الملا
عبدجواد الذي قيل في وفاته (مات الخواد و مات العلم و العمل) و ذكر أنه مدفون في
تحت فولاد إصفهان و لكن لا يعلم هو موضع دفنه و أيضاً أنه جد المرحوم الحاج آقا
حسن الطب المشهور البدابادي و جدته كور حكيمي و طائفتهم من قبل الأب و أما
الميرزا محمد علي فابنته من الطائفة المعروفة بالحريري و أيضاً الكششي و هم أهل التجارة
ذكر كل ذلك العالم الفاضل الشيخ ميرزا مجتبي في يوم الأحد ١٣ محرم ١٤١١ انظر ما
ذكرناه بهامش إحياء الدائر.

«خطبة البيان» ص ٢٠٠ رقم ٩٨٨ س ١١، لم يذكرها الرضي. أقول و كذا لم يصحها
العلامة المجلسي ره في البحار.

ص ٢٠٠ س ١٥، و قادرها. و فاردها، كذا في نسخة مخطوطة و هاك بعض
الاحتلافات الأخر.

ص ٢٠١: أقول للمولى محمدتقي بهسي كتاب مبسوط في مناقب أمير المؤمنين
عليه السلام المختارة بالفارسية و هو مضمونه شرح خطبة البيان الذي كان غارماً على
نألبه و الظاهر أنه لم يوفق لذلك و يظهر من ديباجته اعتقاده بأنها من خط
أمير المؤمنين عليه السلام و قد شرع في تأليفه بأمر الشاه عباس الحسيني الموسوي الصفوي
و هو العباس الثاني كما في ديباجته و عندها نسخة الكتاب و يظهر منه شدة توعنه في
التصوف و الرد على مكريه و الدعاء مشايخ الصوفية. ثم إن عندها نسخة من تبصرة
المؤمنين للحكيم مؤمن و هذا الكتاب أيضاً في التصوف و قد كتب بعض المخالفين

للتصوّف على حواشي تلك السحفة بعض الردود و القيود و منها ما ذكره بقوله «مانند ابهريره ان شفی است که خطبة البیان را اعقاد دارد و آنکه آرا و صیغ کرده و آنکه روایات مختلفه صوفیه را ضبط نموده بدایها آذر شریعت عزرا را هباءً متثوراً گردانیده» انتهى و لتراجع ح ١٣ ص ٢١٠ و انظر كتاب (سياحت شرق ص ٥٣٣) لأقا بحفي القوجاني و أيضاً المجموعة رقم ٢ (3468) فعیها نسخة الخطبة بخط جدنا الحاج مير سید محمد و ذکر مآخذها و أيضاً كتاب (دبانه حسنجو در تصوف ایران ص ٣٩٢) و يأتي خلاصة كلام المحقق القمي نور الله مرقله حول الخصة عند ذكر شرح في (ح ١٣: ٢١٨) و انظر ما سذكره هامش خلاصة الترجمان يأتي ذكره في الشرح (ح ١٣، ٢١٩: ٧٧٨)

ص ٢٠١ س ١٠، في آخر جامع الشتات أقول رسالة المحقق القمي المذكورة مهمة جداً و مباهها على عدم اعتبار الخطتين أولاً ثم ترد على الصوفية إجمالاً و ألفها الميرزا طالب نراه إجابة للتمس أحد محضه مولانا عبي أصغر و تاريخها شهر شوال المكرم ١٢١٣ و طبع في (جامع الشتات ٧٩٢ - ٨١٠ ط ١٣٠٣)

«الخلاصة» ص ٢٠٨ رقم ١٠٢٣ أقول راجع الأوزار الساطعة ص ٨٦ و هو الصواب و ذكره في الثقات العيون ص ٣١٣ سهو من الشرح

«خلاصة الأخيار» ص ٢١٠ رقم ١٠٢٩ يرجع «الناسخ و المسوح» و «سبب بامه و حيد بهاسي» في حرف النون و «مؤلفين كتب جایی لمشار ح ٦: ٣٨٤».

«خلاصة الأشعار» ص ٢١٢: أقول انظر [ديون نفي كاشي أو شعره ٩: ١٧٤: ١١٠٨] متناً و هامشاً و في التكملة.

«خلاصة الاعتبار في الحجج و الاحتمار» ص ٢١٤ رقم ١٠٣٨ أقول و بالله ستعين إن الصواب الذي لا مرية فيه أن الشهيد الأول هو شيع السعيد شمس الدين أبوعبدالله محمد بن جمال الدين محمد بن مكّي بن محمد بن حامد بن أحمد السطّي النعماني أعلى الله تعالى درجته كما ذكره شيخنا المصنف في [الحقائق الراهنة ٢٠٥] و هو مطابق تماماً لسائر الكتب لم يختلف في إثبات و موافق أيضاً لسائر موارد في التريفة عند هذا الموضع و عدا ما يأتي في «مسالك الحجج ٢٢: ٢٧٣» فقد ذكره بعنوان محمد بن محمد بن مكّي و لا بد أنه من سهو القلم و دونك في هذا الصفحة (الرقم ١٠٤٠ س ٢٠) قوله «الشيع أبي عبدالله بن مكّي الشهيد» الخ.

«خلاصة الأفكار» ص ٢١٤. قوله ص ٥٤٣ أقول هذا خطأ و الصواب ص ٣١ رقم ١١٠ و راجع لروماً [تاريخ تذكروهاى فارسى ١ ٥٦٤ فما بعدها] و تذكر للرجل [مسير طالبى] في التكملة.

«خلاصة الأول في معرفة أحوال الرجال» ص ٢١٤ رقم ١٠٤٠: أقول و نظم الخلاصة الشيخ محمدجواد بن المحسن الخولاني الخراساني و فرغ منه بعد شهرين في ١٥ شهر شعبان ١٣٨٨ و طبع بعدها في ١٢٢ صفحة باسم [خلاصة الخلاصة] قال في المقدمة ما لفظه [عدد ما في الخلاصة مع الرجل من القسم الأول بقرب من ١٠٠٨ و من القسم الثاني ٤٧٨ و المجموع ١٤٨٦ و عند أبيات منظومة ١٢٤] انتهى و ذكره شيخنا المصنف بعنوان [مختصر الخلاصة ٢٠: ١٩٥: ٢٥٤٤].

جاء وصف السج العيسة الثالث من الخلاصة في كتاب حياة الشيخ الطوسي (بهامش صط) لشجنا المصنف به مختصراً بدلاً عن الدرر هذا و انظر ما ذكرناه بهامش ج ١: ٢٢٧: ١٢٤٤.

ص ٢١٥ س ٩، (ص ٧٢ - ٧٣: ٨٤-٨٥). صح

ص ٢١٥ س ١٠، الميرزا لطفعلی يأتي ذكره في ج ٨.

«خلاصة البيان» ص ٢١٦ رقم ١٠٤٥ يراجع كتابشاسي آثار مربوط بقم للسيد حسين المدرسي الطباطبائي.

«خلاصة الترمذان في تأويل خطبة البيان» ص ٢١٩ رقم ١٠٥٧: سيأتي له أيضاً كتاب دقائق الجماني في الجزء الثامن ص ٢٣٤ و شرحه المذكور لخطبة البيان أشهر تأليفه عند الصوفية. عده الملاً عبدالصمد الحمدي في بحر معارفه ص ٣٦٦ من أهل الباطن قال ما تعريه «و خطبة البيان التي شرحها جمع من علماء أهل الظاهر و محمد الدهدار ره من أهل الباطن» الخ ثم نقل تمام الحصة و تكتم حول معناها برعمه و هذا الرجل عاش مسافراً فكان في رية من ستمهم علماء الظاهر و أبص التصوف الخبيث طلباً للرياسة على المريدين العاقلين سئل الله العفو و العافية ثم إن المير محمد صالح الحسيني الترمذي نقل ألقاظ الخطبة بشرح هذا الرجل الذي عبر عنه بقوله «مضطور نظر آمربدگار خواجه محمد دهنر نور مضجعه» منحصراً في باب الثالث من كتابه الجليل «مقاب مرتصوي»:

١٣١ فما بعدها ط بمبئي ١٢٦٩» متلفياً بالقبول التام و عندما نسخة من خلاصة الترجمان و راجع للهدار «معانيح المعاليق» في (ح ٢١ ٣٠٧) و في اسم الرجل و اسم والده اختلاف و طائفة من مؤلفاته المذكورة في «مهرست نسخه‌های خطی فارسی: ١٧٨٩».

«خلاصة النجوم و برهان النجوم» ص ٢٢٢ ١٠٧٠: أقول انظر لراماً «مهرست مشترك ١: ٢٦٥» و عيون للرجل في «الصباء اللامع ١٠٥» اسناداً إلى نسخة من هذا الكتاب أو كتاب آخر له على احتمال ضعيف لم يكن فيها اسمه بل عرفوه بعنوان «بيست و دو باب» في معرفة النجوم و الرجل هو صاحب «دانشنامه جهان ٨: ٤٦: ١١٥» مراجعه. م غر عني عنه في ليله ١٨ ح ١ سنة ١٤١٣

«خلاصة التقيح في المذهب الحق و الصحيح» رقم ١٠٧٢ - ص ٢٢٣ س ٢، المجلد الثاني: هذه النسخة هي التي كانت عند سيدنا عمر العلوم و ذكرها في فوائده الرجالية و لكه اشبه عليه الأمر فظن أن هذا الشرح لاس عهد الخلفي فذكر كلاماً أوردناها في هامش الروضات (العبقة «...» - «...» و ذكر أن عنده أيضاً نسخة أخرى من هذا الكتاب كما أن صاحب لؤلؤة البحرين أيضاً كانت عنده نسخة منه كما ذكره فيه ص ١٧٣

«خلاصة الحياة» ص ٢٢٦ رقم ١٠٨٤. بأن لمؤلفه أيضاً (مرآة العالم) في موضعه و انظر الآتي رقم ١٠٨٥ و لراجع لراماً (مهرست مشترك لأحمد ملوي ح ٢ ص ١٠٤٤) و عندما من خلاصة الحياة نسخة

«خلاصة العلوم» ص ٢٣٠ رقم ١١٠٩ قد لشيرواني في «رياض السباحة ٥٤٨» إن الخلاصة هذه تشتمل على العلوم العقلية و الفلكية.

«خلاصة الفصول» ص ٢٣٠ رقم ١١١٣ ثم طبع بظهران

«خلاصة الكلام في المختار الإسلام» ص ٢٣٢ رقم ١١٢٢. أقول لم أجد في تلك النسخة ما يدل على أنها طبعت بظهران و طلي أنها صنعت في المطبعة الحجرية بإصمهان و مما ذكره الشيخ محمدصادق (دون ترميزاً كما تبها عليه بامش أيسه) في ص ٧٧ في الخلاصة مخاطباً لأهل الإنجيل العوصير هو بالعربية «إني كنت مثلك في المسيحية و كان لي الأب و الأم و الأخ و الأخت و العشيرة و القبيلة و الأرحام و

الأقوام و لكني تركت النكر لأجل التوحيد، فإنه لا يجوز ترجيح ما ذكر على الخالق سبحانه و الحمد لله على التوفيق و أهديه مع الصحة و السلامة» انتهى كلامه طاب ثراه.

﴿خلاصة النسب﴾ ص ٢٣٤: مصنف السيد العام الحبيب الفقيه السَّابِق نظام الدين حسن بن جلال الدين إبراهيم الفقيه السَّابِق قد أُلِّمه بعد حراب بدنه و هُنا عمه و قريب آجده هذا صورة خطه رحمه الله. أقول هكذا رأيت عنوان الكتاب في ورقة طهرها الصفحة الأولى منه و هو بالعارضة و قد صدع الباقي أو لم يصل إليّ و اقتضت صورة هو عرافية من الصفحتين السَّابِقين أرقت الباقي موجهك الباقي إن شاء الله و المؤلف مذكور في كتاب مئة الراعي لسيد آل كمونة ص ٤٢١ و ولده الأمير محمد قاسم مؤلف كتاب الأسدية في السب و الله العالم م ع ر عني عنه في ع ٢ سنة ١٤٠٢

﴿خلاصة نامه﴾ ص ٢٣٥: من مثنويات المولى صدرا الشيرازي ره يراجع ما ذكرناه في هامش (فهرست نسخه های خطی فارسی ١ ص ٢٧٩٩) لولد المؤلف و انظر [منتخب اشعار انشوی ٢٢: ٣٧٣: ٧٥٠٦].

﴿خلاصة الوسائل في شرح المسائل﴾ ص ٢٣٥. نسخه عنه.

«الخلاف في الأحكام» ص ٢٣٥ رقم ١١٣٧. أقول راجع (مسائل الخلاف ٢٠: ٣٤٦) و [منتخب الخلاف ٢٢: ٣٩٩ - ٤٠٠] متعدداً.

«خلافة أمير المؤمنين ع» ص ٢٣٧ رقم ١١٤٩: اسم هذا الكتاب (إثبات خلافة بلا فصل أمير المؤمنين ع) و هو مطبوع في صهره و عنه. ^ فليس هنا موضع ذكره.

«خلاصته امام حسن ع» ص ٢٣٨ رقم ١١٥٤، المولود ١٢٩٥: و في (شهشاه نامه) أنه ولد ١٢٨٧.

«خلاصته حيدوي» ص ٢٣٨ رقم ١١٥٥، سوانحه. يعني سوانح الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.

«الخلافة» ص ٢٣٩ رقم ١١٦٠ و يراجع له الرسالة العقلية في حرف الراء ص ٢١٣ و الصاهر اتحادها.

«مخلدبرين» ص ٢٣٩، في مكتبة النعسي: و توجد أيضاً في مكتبة الملك و طبع قليل منه (من المخطوطة الثامنة من الروضة الثامنة) تحت ديل عالم آراء العاسي لاسكندر بيك سنة ١٣١٧ باهتمام أحمد السهيلي فليراجع.

«مخلدبرين» ص ٢٤٠: لنحاج الشيخ أحمد الشهر بيان الواعظون الإصفهاني صاحب «الخوهر المقصود» المذكور في عنه طبع بمجده الأول

«مخلدبرين» ص ٢٤٠ رقم ١١٦٤ و طبع بمعني مع أوصاف الأشراف و مساجات الأنصاري و رباعيات بابا طاهر في سنة ١٢٨٦.

«مخلد السراء» ص ٢٤٠، المولود ١٢٩٢ توفي فده يوم الأحد الثاني من محرم سنة (١٣٧٠) في الحف الأشراف و دفن في إحدى حجرات الصحن المقدس.

«الخلمية» ص ٢٤١ رقم ١١٦٨ يراجع السريعة ح ١٤ ص ١١٩ و كتاب (دبالة جستجو در تصوف ايران ص ٣٩٢).

«خلق الأعمال» ص ٢٤٣ رقم ١١٣٦. أقول ^{بمكتبة} بالله سبحانه و تعالى لا يخفى أن المطبوع في مجموعة كلمات المختصر ^{بالمكتبة} رسالة محسن الأعمال لتسيد الداماد ليس إلا تلخيص لمقدمة كتاب الإيقاظات ^{بالمكتبة} بسقاط محاربه عنها كما نرى لنا ذلك في شهر شعبان المعظم سنة ١٤٠٤ بعد عرض المطبوعة على نسخة المخطوطة من الإيقاظات و حكم شيخنا رحمه الله بعزيمتهما و تعارهما بشأ من عدم التدبر فيهما و السلام و حكم المطبوعتين واحد ظاهراً.

ص ٢٤٥ س ٢٠، باب الآنية و ابن ابنه باب امية - انظر الخلاصة المطبوعة ص ١٣٣.
«الخلل» ص ٢٤٧ رقم ١١٩٤: يأتي ذكر هذه الرسالة بعينها في حرف السين ح ١٢ ص ٢٦٦ رقم ١٧٦٩ و في الشير ح ١٤ ص ٢١١ رقم ٢٢٢٣^٩ فليراجع. و انظر ما ذكرناه في هامش الصفحة الآتية

«الخلل» ص ٢٤٧ رقم ١١٩٥: أقول و سيأتي به (الخيارات) الرقم ١٢٦٧.
«الخلل في الصلاة» ص ٢٤٨ رقم ١١٩٧: أقول يأتي ذكر هذه الرسالة أيضاً في حرف

٩. نسخة حميد كونه است. ولي با توجه به مدخل بعدى ٢٢٢٢ باشد ب

السور ج ١٢ ص ٢٦٦ رقم ١٧٧٢ و في حرف الشير ج ١٤ ص ٢١١ استطراداً في ذيل رقم ٢٢٣٢ و عدي نسخة منه بنون تاريخ و عليها كتبت في القرن الحادي عشر و ذكر كاتبها في صدر الصفحة الأولى منها ما لفظه «الرسالة السهوية للشخ أحمد بن فهد عليه الرحمة» و لكن الرسالة السهوية التي نسبها شيخنا المؤلف ره لابن فهد في الصفحة الماضية يخالف هذه الرسالة و الله العالم.

«الحلل» ص ٢٥١ رقم ١٢١٢: نسخة ميسة بخط جدنا العلامة السيد حسين المتهجد. و ررقي الله تعالى في ٢٤ شهر صفر ٩١ نسخة شريفة من هذا الكتاب هي بخط عمنا الفاضل السيد محمد جواد الخواساري شقيق صاحب الروضات و أظن أنه استنسخها من النسخة المذكورة في المتن ثم لا يخفى أن شيخنا المصنف قدس سره قد ذكر في حرف الشير من كتابه هذا (ج ١٤ ص ٢١٣) كتاباً للمدقق الشيرازي بعنوان (الشك و السهو) نعتاً لعوائد بحر العلوم و للروضات و ألعاب على طي أن «نكتاير واحد مراجع».

«الحموية» ص ٢٥٣ رقم ١٢٣٣ راجع تحت اسمه [الذكرى ١٠ ٢٨ ٢١٠] و قوله «مصرات بوشاه» الصواب «مضرات بوشاه» بالجمجمة

«كتاب الخمس» ص ٢٥٤: انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان [مدارك العقول] ص ٢٥٤ من ١، الميزان فضل الله الا في مراجع مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٦٩٥. «رسالة الخمس» ص ٢٥٥ رقم ١٢٤٦، اللاهبي، الارزاعي. ذكر ازهني أيضاً في ج ٨ ص ١٦٣

«خمس بواني» ص ٢٦٤ رقم ١١٢٧٤ نظر ما ذكرنا حول الرجل و آثاره في التكملة على «تاريخ الأنبياء ٣: ٢٣٦: ٨٧٠».

«خواص الآيات» ص ٢٧٠ رقم ١٣٠٧ أقول الحق في ذلك مع شيخنا العلامة المصنف طاب مصحفه و يؤكده في ج ٨ ص ٨٥ و رأينا حول هذا الكتاب أنه لما كثر و ضاع رجوع الناس إلى كتاب الدرر النظم العربي لباعلي (الذي ذكره في ج ٨) أحب الكتيبون من الشيعة في بلاد الهند أن يكون لهم أيضاً كتاب في نفس الموضوع مستنداً إلى مرويات الإمامية فترجم بعضهم كتاب الباعلي إلى المارسية و حذف من الأصل و أضاف إليه و طبعت الترجمة في تلك البلاد كما طبع الأصل عندهم أيضاً و

ألف آخر كتاباً مفرداً على شاكلة الدرّ الطّيم و هو خواصّ الآيات هذا الذي جدّد طبعه بالأوفس في طهران سنة ١٣٨٥ و قد بيّن لنا تماماً قيّد في خانقته (ص ١٧٤) أن هذا الكتاب تأليف السيّد محمّد جعفر بن السيّد عبيّ الإصمّهاني المعروف بـ «مؤخراً «بهشتي لُباني» ألفه و نكته سبب تأليفه إلى ذلك الفقيه الحجة الحاج الشيخ محمّد تقى الإصمّهاني المشتهر بأقا محيى التوفى سنة ١٣٣٢ الأمر الذي استعمله عدّة من المؤلّفين في زمانه مستفيداً من حسن شهرته طاب ثراه و السيّد محمّد جعفر المذكور بعد ما أجبر من أجدادنا الآيات الثالث صاحب الروضات و صاحب انباني و الحاج الشيخ محمّد باقر والد أقا محيى هاجر إلى بلاد الهند و توطّن هناك و طبع إجازاته من المذكورين و من الشيخ زين العابدين المازندراني في مخطي و له ترجمة في «نخبة الأحياب ص ٢٨ لاقاطه البهشتي» و خلاصة الكلام أن هذا الكتاب و أمثاله و نظائره فما لا اعتداد به و لا اعتماد عليه في الغالب و الله العاصم

«خواص الأعمال» ص ٢٧١ رقم ١٣٦٤. أقول يراجع (مكارم الآثار ٧ رقم ١٤٨٩)

«الخوار البريقة في أصول الشريعة» رقم ١٣٥٢ ص ٢٧٧، التوفى ١١٣٥: ٢٥ / رمضان ١١٣٧. أقول يأتي ذكر شرحه في «ج ١٢: ٢٣٤: ٨٤٧».

«الخيارات» ص ٢٧٩ رقم ١٣٧٠، دخل بحسب أبيه في ١٢٥٣: يراجع ما تذكره بهامش ج ١١: ٢١٦: ١٣٠٨.

«الخيارات» ص ٢٨٠ رقم ١٣٧٤ من ٩، المدرستين، الصواب المدرستان

«خية المتأقضى المريب» ص ٢٨١ رقم ١٣٧٩: لسحق من المؤلّف للحية؟ وإنّ العلية للسيّد مهدي كما مرّ في محله.

«خير الزائر المتلى» ص ٢٨٤ مرّ بعنوان «خير الزائر .» بالياء الموحدة في ص ١٣٨ و هو الصحيح و لكن عونه في دبل كشف الضوون ص ٤٤١ بالياء لثناة و هو غلط.

«خير الكلام» ص ٢٨٤ رقم ١٣٩٥. أقول يظهر أن هذا هو الذي ذكره المشار في «المؤلّفين ٢: ٨٤» و فهرسه ٢: ٩٦٨ بعنوان «خير الكلام في معرفة بني الأنعام و عقايد الشيعة في مسائل الكلام» للمولوي الشيخ محمّد باقر صاحب المهدي الذي كان حياً عام

طبع كتابه في بمبئي و هو ١٣٣٥ و كتابه في ٣٠٠ ص.

«خير الكلام في مبادئ الكرام» ص ٢٨٤ رقم ١٣٦٩. انظر «ديوان ثريا الطهراني ٩.

١١٦١: ١١٨٤».

«خير الكلام» ص ٢٨٥: مشوي للسيد مهدي بدايغ نگار اللاهوتي «ديوان لاهوتي

٩: ٩٤٠. ٦١٨٤» قال انشار طاب ثره في فهرسه انه طبع بطهران سنة ١٣٢٢ش في

٢٩٠ ص.

«الخواتمة» ص ٢٨٦ رقم ١٤٠٧: أفور راجع كتاب (وحيد بهائي) للدواني فقد نقل

عبارات الخواتمة في الفصل المختصر بأف محمد علي ره كثيراً عن نسخة مدرسة (هبيسيه)

بقم و انظر أيضاً كتاب (دياله جمنحو در تصوف ايران في عدة مواضع منه).

ص ٢٩٠ س ٢٥، ولاته ١٣١٨ش في ٢٦ دي ماه ١٣١٨ الشمسي مطابق «..» كما

ذكره في ج ٤ ص ٣٩٦ س ١٧ على لفظه القيم (تعميم تربيت)

ص ٢٩٣ س ٢٢٢، مكتبة النجفي: نقل إلى هنا ما كساه هاشم ص ٤٠٤ ج ٦

ص ٢٩٣ س ٢٥، ١٣٠٣ش: / ٩ سرطان ١٣٠٣.

ص ٣٠٢ صحح جميع الأجزاء على هذه التصحيحات و غيرها و الحمد لله تعالى. و

أيضاً أصلحت في ليلة الإثنين الثاني من شهر ربيع الأول ١٤٠٥ كلاً ما طبع مؤخراً في

خاتمة اجراء ٢٥ كلاً في موضعه المعنوم و الحمد لله رب العالمين. م ع ر عمي عنه

الجزء الثامن

ص ٩ س ١٧، رسائل اخوان الصفا. أقول انظر «إخوان الصفا ١ : ٣٨٣ : ١٩٨٠» مع التكملة.

«دائرة المعارف» ص ١٨ رقم ٤، المتوفى ٢٨ ع ١ سنة ١٣٥٢

«دارالسلام لمحمد طاز بسلام الإمام» رقم ١٨ - ص ٣١ س ٢، المتوفى ١٣١٠ وفاته هذه في الجمعة آخر ج ١ سنة ١٣٠٨ كما ذكره السيد شهاب الدين السجفي في حاشيته على هداية الأنام للقسي و الظاهر أن مراده الجمعة الأخيرة من هذا الشهر لأن عزة ج ١ من هذه السنة كانت على ما ذكر في تقويمها يوم الأحد و لم يذكر له سلح و الجمعة الأخيرة منه يصير ٢٧. من إشارات مولانا للنعم دم ظنه العالي.

و راجع «مشكاة التيرين ٢١ : ٦٣ : ٣٩٦٢» و لولده [ديوان ميثمي عراقي ٩ : ١١٣٨ :

{٧٣٦٦

«دارالطالين» ص ٢١ رقم ٢١ : يستشتم من عامة مؤلفات اجمال براده هذا راحة الإلحاد وهو دائم الحرب مع العقائد الإسلامية و الاستهزاء بالمسلمين على طول عمره البالغ إلى مائة سنة في بلاد الكفر و له روضة افرنجية و كلب يأمن بهما سئل الله حسن العاقبة و الرصوان و يستحجر به من سوء العاقبة و الخسران و الخذلان.

«كلمة و دعة» ص ٢٦ أقول يراجع لر ما مقالة «بِسْجَه تَشْرَه در ادبيات مسكرت و ادبيات فارسي» في «فصلنامه نامه فرهنگستان السه الثانية العدد الأول ص ٨٤ -

١٠٣».

ص ۳۱ س ۱۰، بلوهر و بردانیه: و رواء ابن بابویه عن محمد بن زکریا و حرّره نظام تبریزی (۱۲۰۲-۹) للسلطان أویس ثم المحسني في (عين الحياة) و تحرير لقريش بن محمد ط ۱۲۹۰ و تحرير شكر الله مشكاة الحكماء ط ۱۳۲۱.

«دائع المجر» ص ۴۳ رقم ۹۶، براتی: رائد، معلّم

«دانشنامه جهان» ص ۴۶ رقم ۱۱۵ أقول مرّ له «خلاصة التلخيص ۷: ۲۲۲: ۱۰۷۰» و نسخة من دانشنامه في المرعشيّة بقه في مجموعة «ف ۲۰: ۲۶۵ ۷۹۳۶: ۲» و راجع لزماً «فهرست مشترک ۱: ۴۳۳».

و مه نسخه في طهران و مشهد (فهرست دانشکده حقوق ص ۱۰۲) و (فهرست آستان فلس ۴ ص ۴۶) و (سیهسالار ش ۱۳۰۶) و (کتابخانه مرکزی ش «...») و لراجع فهرس احمد مزوي. و نسخة مه في مجموعة عبد الخطيب السيد علي أنشي في يرد (کما في نسخه های عطلي دفتر لا شهر ۷۰۳).

«دبستان المذهب» ص ۴۸ رقم ۱۲۵ قال إبراهيم بوردادود في كتابه «فرهنگ ايران باستان ص ۳۳۳» ما ملخصه. (.. در دبستان المذهب در يكجا از محسن قاني نامي ياد گرديده و از زبان وي مطبوعه دربارۀ يكي از پيروان آذر كيوان نقل شده است تاگير همين كس باشتباه نويسنده دبستان داسته شده است. مؤلف اين كتاب شناخته نشده اما از مدرجات آن داسته مي شود كه نويسنده آن اندكي پيش از سال ۱۰۲۷ در هند ميوند شده در آغار روزگار جواني تاكبرآباد رفت و چندين سال در كشور و لاهور گذرايد و سوري ايران كرده مشهد را ديد، بمعرّب و جنوب هندوستان هم سفر كرد و دبستان المذهب را در ميان ساهاي ۱۰۶۴ و ۱۰۶۷ نوشت و در سال ۱۰۸۱ در پانزدهمين سال سلطنت اورنگ زيب درگذشت..... كتابهايي كه نويسنده دبستان از آنها نام مي برد و مطالبی كه از آنها نقل مي كند، همه از نوشته هاي آذر كيوان و پيروان اوست. شك هست كه نويسنده دبستان از همان فرقه آذر كيوان است و همان مهملات دساتير را در كتابش با آب و تاب نوشته است، نگاهی ببخش اول دبستان كافي است از براي شناساندن نويسنده آن گذشته از آيين ساختگي دساتير، لغات ساختگي دساتير هم در اين كتاب بكار رفته است.) انهي ملخصاً، فليراجع. و

قال صاحب «مرهنگ آندراج ١: ٥٣» ما نصه (آدر كبران - نام حكيمي كامل بوده از اهل فارس از گروه سپاسيان و آدر هوشگان كه از استخر فارس اصفهان رفته تحصيل علوم کرده بامر ابوالقاسم فلرسكي معاصر و معاشر بوده پس بسفر هندوستان رفته رياضات كشيده و جمعي پيرون بمرمديده پس از هشتاد و هشت سال درگذشت جام كيخسرو كتابي است در نظم و نثر، او سلوك و سير خود را درو بيان کرده براي پسر خود كيخسرو نام نگشته ((ن)) ((ب)) يعني نقل دلک عن کتاب «مرهنگ انجمن آرای ناصري» و اخيراً لاحظ مقالة «مؤلف دبستان مذاهب» في مجلة «آينه ١١: ٩ - ١٠، ٧١٢ - ٧١٤».

«دبستان ناصري» ص ١٤٩: الشيخ الإسلام مصطفى بن محمد حسن بهمان طبع على الحجر سنة ١٣٠٦ ق في ٥٦ صفحة بمسني كما في فهرس المشار و كانت نسخة منه عند والدي في الحنف كما في فهرس كتبه المطبوعة ثم فقدت

«دحول جرير على المحتاج» ص ١٥١ رقم ١٨١١ يمكن أن يكون الجرير المذكور في كلام ابن السكيت هو الجرير الشاعر الشهير و لا مانع من دحوه على المحتاج من حيث الطيبة و الله العالم منحص حاشية مؤلفنا لتعلم دام طيبه

«الدواوي النقيب في الرسائل الأربعين» ص ٥٢: أقول راجع النكمله على «رفع الالتباس ١١: ٢٤٣: ١٤٧٨»

«در اطراف ثلاثة تصوف» ص ٥٣ رقم ١٥٤: أقول انظر النكمله على كتابه «تمهيد القواعد ٤: ٤٣٤: ١٩٢٤»

«دراية الحديث» ص ٥٤: أقول انظر كلاماً في الدراية للشيخ العاقل الحرير الحاج ميرزا أبي الحسن الشعراني الطهراني فيما كتبه في مقدمة الطبع لكتاب [منتخب التواريخ] للحاج ملا هاشم الخراساني ط طهران ١٣٧٨ فإنه وجيزة نافعة و ثما ذكره في غلط البخاري و الترمذي.

«دراية الحديث» ص ٥٥: لأبي القاسم بن أحمد اسدي ذكرناه في النكمله بعنوان «رسالة رجائية».

ص ٥٥: و يأتي الرعاية في علم الدراية في موضعه.

«دواية نثار فتح الله به أعين الاعتبار» ص ٥٦ رقم ١٦٨ س ٢٢، علم الهدى: مرّ له (تحفة الأبرار ٣: ٢٠٧-١٤٥٧) و يأتي له (ربلة المعارف) فراجع في محله من الدريعة و أيضاً (قامع الأخطار) في مكانه و غيره في مواضع عديدة.

ص ٥٦ س ٢٣، الميرزا هاشم: يريد به والدنا العام العلامة المجتهد الفهامة آية الله البالغة السيد ميرزا محمد هاشم كما سماه به والده الجليل.

«درج الدرر في أحوال ميلاد سيد البشر» ص ٥٨ رقم ١٨٠ أقول انظر مقدمة كتاب مقصد الإقبال سلطانية ص ٢٥ و اسم الكتاب هاك (درج الدرر و درج العرر في ميلاد سيد البشر) فراجع.

«الدرجات الرفيعة» ص ٦٠ رقم ١٩٣: و نسخة كانت في كتب المرحوم الشيخ محمد السماوي بعد فوته ره.

«دُرّ بحر المناقب في تفضيل علي بن أبي طالب ع» ص ٦٢ رقم ٢٠٧. أقول ينقل عن بحر المناقب القاضي سعيد القمي في شرح حديث العمامة كراراً و شيخنا المصنف قد أورد في «إحياء الدائر ص ١٥١» ما ذكره هـ و لم يرد عليه شيئاً.

ص ٦٥: للبرسي يراجع [الصباة للامع ص ٥٨] و [العدير ٧: ٢٣ مما بعدها] و [شعراء الحلة ...] و [روايات الحديث ...].

«الدر الثمين» رقم ٢١٩ - ص ٦٥ س ٤، تنظر في مسبة. أقول سبب ذلك أن في النسخة أي نسخة الدرّ الثمين هذا بعد خطبة ما هذا لعظه «أمّا بعد فيقول العبد الفقير إلى الله تعالى رجب بن محمد بن رجب الحافظ البرسي مولداً الحليّ محدثاً» إلى أن جاء في النسخة بعد ثلث صفحات تقريباً ما نصّه «فصل فيقول العبد الفقير إلى الله تقي الدين عبد الله الحليّ .. أشار علي بعض الإخوان .. و هو .. جان مراد... تلخيص رسالة الشيخ رجب الحافظ البرسي التي سنها مشارق أنوار اليقين في حقائق أسرار أمير المؤمنين... و سميت هذا الكتاب منتخب بالدرّ الثمين في أسرار الأنوار البطون» فللكتاب ديباجتان إحداهما للبرسي و الثانية للحلي و ليست ديباجة البرسي لهذا الكتاب مطابقة لديباجة مشارق أنوار اليقين بل هي غيرها. ثم لا يخفى أنّه كتب أحدهم على الأطراف الثلاثة لنسخة اسم الكتاب بهذه الصورة «أسرار اليقين» و الله العالم بحقائق الأمور.

«الدر الثمين في أسرار الأنواع الباطنية» ص ٦٥ رقم ٢٢٠: و نسخة من الدر الثمين هذا موجودة عدي و قبلها رسالة في صلوة الجمعة بوالد الهائي ره و أوله الذي هو غير ما نقل في المتر و من إنشاء الشيخ رجب طاهر هكذا بعد السلسلة «الحمد لله الواحد الكريم الإله العليم المتكلم بالقرآن الذي لا يشعه شأن عن شأن» و آخر نسخها هكذا «قال قلت شعراً يا آية الدهر بل يا فتنة البشر» إلى «آيات شأنك في الآيات و العصر. كذا وجدت» انتهى و اسم الكاتب و تاريخ الكتابة يعنى تقريباً من آخر رسالة صلوة الجمعة للشيخ حسين بن عبدالصمد فهي بخط حسين بن عبدالسيد بن خليفة بن أحمد في ٢٤ ح ١ سنة ١٠٦٢ و من المهم ما في آخر تفسيره بآية الشريعة «غير المعصوب عليهم» فإنه قال من جملة ما قال في حق المرط و المرط في أمير المؤمنين صلوات الله عنه ما لفظه (المعصومين [كذا] عن حبه هم المعصوم عليهم و هم مسوخ هذه الأمة و الصالحين [كذا] هم المرطون [كذا] قلعة الله على المرط و المرط المعاند و الحاحد و الحاسد» انتهى.

«الدر الثمين في أسرار الأنواع الباطنية» ص ٦٥ رقم ٢٢٠ من ٢١، ضمن مجموعة: انظر ح ١٦ ص ١٧٨.

«الدر الثمين» ص ٦٦ رقم ٢٢٢ ذكر حساني ره فيما كتبه في شرح أحواله في حاشية ديوان المعصومين هذا و طبع منحصه في كتاب عنماء معاصرين لنجاح ملا علي الخياباني ص ٤٠٤ ولادته في سنة ١٢٩٦ في تبريز و لكن لم يذكره في ريجانه ح ٣ ص ٥٠٥ و في الدرمة ح ٣ ص ٤٧٤ سنة ١٢٩٦ أيضاً

«در ثمين در جواب مسائل محمد امين» ص ٦٧ رقم ٢٢٨. أقول و نسخة الأصل طاهراً في (دانشکده الهيات تهران) كما في فهرسها ح ١ ص ٢١٩ و راجع لراماً فهرس مركزي ٥: ١٦٨٦ ١٦٨٨ و نسخة في إسلام آباد ذكر تفصيلها في «فهرست مشترک پاکستان ٢: ١٠٩٧» كما وصف عدة نسخ أخرى في «فهرست نسخه های خطی فارسی ٢: ١» ٩٤١.

«الدر العتيق» ص ٦٦ رقم ٢٣٤: انظر «ديوان أبي العصل الطهراني» في ح ٩: ٤٧:

«الدرّ الفريد» ص ٦٨ رقم ٢٣٦ يرجع [منتخب الدرّ الفريد ٢٢ : ٤٠١ : ٧٦١٣] و
رسالة في [وقوف القرآن الكريم ٢٥ : ١٤ : ٨١٩] و له [الظاهرة في الفرائد العشر
الباهرة] نسخته في الظاهرية بمسئق (فهرس ١١١) و المرعشي بقم كما في فهرسها ١٧ :
٢٧٩ و صورتان من أولها و آخرها في ص ٧٥ و ٧٦ و أطلقه من العامة العمياء و إن ذكره
المصنف في «الصياء الناعم ٧١» و له ترجمة في أعلام الزركلي ٣ : ٢٢٢ و عدي ظ
نسخة من الدرّ الفريد.

«الدرّ الملوک» ص ٧٠ رقم ٢٤٤ : نسخة الأصل بخط مؤلفه كانت عند عبد عباس
عراوي المحامي كما ذكره في كتابه (تاريخ العراق بن احملين ج ٥ ص ٣١٤) و نسخة
أخرى رأيتها أنا عند الدكتور السيد محمود المرعشي من أصلقات الأجلاء في قم
ص ٧٠ ص ١٨، الحاج عماد الفهرسي نظر ترجمته في مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٦٨٩.
«الدرّ المكون» ص ٧٣ رقم ٢٥٦. يرجع [منتخب الدرّ المكون ٢٢ : ٤٠١ : ٧٦١٥]

«الدرّ المنشور من الخبر المأثور في غير الذلّ» ص ٧٦ رقم ٢٦٩ أقول عندما نسخة فريدة
من هذا الكتاب مشتملة على تمام الجزئين الأول و الثاني منه و على خمس عشرة صفحة
بالبحر الكرم من الجزء الثالث و هو غير تام و ليس في النسخة اسم الكاتب الذي خطّه
في نهاية الحدود و لا تاريخ الكتابة و كتبها قريب العهد برمان المؤلف و تاريخ فراع
المؤلف ره من الجزء الثاني في تلك النسخة في ٢٨ من ذي القعدة ١٠٩٢ كما أن تاريخ
الفراع من الجزء الأول مطابق تماماً ما في الجزء أي عاشر شهر صفر ١٠٧٣ و أمّا تاريخ
وفاة جدّ الشهيد المؤلف لندرّ عمر في (ح ٦ ١٨٣ ٩٩٨) أنه توفي سنة ١١٠٤ و كلا
هما يأتي في (ح ١٢ : ٦٧ : ٤٨٥) و لم يثر على من ذكر وفاته سوى صاحب «رياض
العلماء ٤ : ١٩٨» فقال ما نصّه «و كان قدّم من العلماء الزهاد في عصره و قد توفي
ياصفهان في عام ثلاثة و مائة و ألف و قد طعن في السن بل قد بلغ تسعين سنة» انتهى
و نقل التاريخ عن جدّ الإمام المجدّد عبد مثنوّه في النروصات كما نقله و كما كلّ من
تأخّر عنه إلاّ أنه نقل المحدث الفقي في [الفوائد الرصويّة ٣٢٣] عن كتاب [الدرّ
المسوك] للشّح أحمد بن الحسن الخرجيّ العامريّ أنّه قال فيه «توفي الشيخ علي في
الجمادي لسة ١١٠٤ ياصفهان و نقل جثمانه إلى مشهد الرضا ع و دفن في مدرسة

للحررا «جعفر» هذا. ثم اعلم أن للمجلد الأول من اندرز نسخة تامة بخط جدنا الشيخ الحر العاملي صاحب الوسائل توجد في مكتبه بحس المس بطهران كما في فهرسها و توجد أيضاً نسخة صححها المصنف ره بخطه في مكتبه السيد المرعشي بقم طبع الكتاب عليها في مجلدين بقم سنة ١٣٩٨ و لكن الجزء الثاني من هذه الطبعة يقص عن الأصل بمقدار ثمانين صفحة كما لا يوجد فيه طبعاً الجزء الثالث للكاتب و الموجود منه في نسخنا المخطوطة ما يساوي ثنتين صفحة من المصنوعة و السلام. حرر في منتصف الليلة الجمعة السابعة من ع ٢ سنة ١٤٠٦ عمى الله تعالى عن و عن جميع المؤمنين و المؤمنات بحق محمد و عترته الطاهرين و نحانا من الخصماء و المبدعين آمين

ثم إني رأيت في كتاب كشف الأسرار اندي هو في شرح الاستبصار للسيد نعمة الله الجزائري المتوفى سنة ١١١٢ أنه قال السد في باب حكم المدي و الودي ما لفظه «و كذا هذا الصبط في نسخا التي قولت على نسخة شيخا التي قابلا على نسخة الأصل و هي الآن في إصفهان في حراة شيخا الشيخ علم كني الشيخ محمد بن الشيخ حسن بن الشهيد الثاني ره أتوه بها و يعبرها من مكتب جدنا و شيخ ربه الدين ره من الكتب التي كانت في جبل عامل في عشر السنين بعد الألف لهجرة و قد أخذنا منه مشافهة سلمه الله تعالى كثيراً من العوائد و ادواء الأمراض» انتهى و الظاهر أن مراده من نسخة الأصل نسخة أصل الاستبصار للشيخ الطوسي قدس سره.

«الدر المنظوم» ص ٧٩ رقم ٢٨٣ من ٦، مرّ أقول [..] قد مرّ هذا التاريخ في ص ٧٦ من ١٥ إلا أنه تاريخ بألف الجزء الأول و أم الثاني الذي وقف شيخا على تاريخه بعد مدة فهو ١٠٩٢ كما مرّ أيضاً في ص ٧٧ من ٤ و ذكر قبله قيد الجزء الأول لتاريخ السابق و لكنّه سبي إصلاح هذا الموضع.

«الدر النظيم في تفسير القرآن العظيم» ص ٨٣ رقم ٣٠٤، محمدرضا: هو الصوفي المذكور في بستان السباحة ص ٦٤٤ ط ٢.

«الدر النظيم في مناقب الأئمة النعمان» ص ٨٦ رقم ٣٠٨: أقول مرّ له [الأربعون حديثاً ١: ٤٣١: ٢١٩٨] فراجعته مع التكملة

«درة الأسلاك في حكم دخان التباكي» ص ٩٠ رقم ٣٢٥، المتوفى حدود ١٣٠٣:

أواخر (١٣٠٣) كما في العدد (١١١٨) الآتي.

«الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة» ص ٩٠ رقم ٣٢٧: أقول ذكره المحدث البوري في خاتمة المستدرک في ترجمه الشيخ علي بن بابويه ره (رقم ٥١٥) و طبع الكتاب في المحف الأشراف بتحقيق الشيخ محمد هادي الأميني سنة ١٣٨٨ و في مشهد المقدس تحقيق داود مير صابري سنة ١٤٠٦ و الكتاب بعد محتاج إلى مزيد التحقيق و انظر لراماً كتاب إلزام الناصب ص ١٨٩ للشيخ علي البردي فتن سره.

«درة» «كذا» البيضاء في إجارة الرواية عن الأئمة ص ٩٢. للعالم الفاضل المحقق الكامل الحاج ميرزا أبي الهدى بن أبي المصطفى الكرباسي الإصفهاني ره أجازها (السيد) السيد العالم الركني و العاقل المعتمد تلميذ آقا السيد حسن الخراساني) سخطها بخط المرحوم ميرزا محمد علي معتم الحبيب آبادي صاحب مكارم الآثار و صديقها الجليل البار في طي مجموعة نفيسة كتبها بخطه طاب ثراه انتمت إلينا بعد موته ره و العجب من المعتم كيف عمل عن ذكر هذه الإجارة لنسخها المؤلف فتن الله روحه أو ذكر له و سبي هو عن ذكرها هما و الله العالم و الإجارة مشتمة على موائد عظيمة و نسخها بدقة في نسخ صفحات و لعل الحائر بهذه الإجارة هو المرحوم السيد حسن مشكان القليسي المعروف و العلم عند الله سبحانه

«الدرة البيضاء» رقم ٣٤٤ - ص ٩١، السيد محمد: ذكره في «تذكره شعراي خواتنار ص ١٥٦» بعنوان مختصه هائي.

«الدرة البيضاء في تحقيق معنى البلاء» ص ٩٤ رقم ٣٤٥. أقول نسخها مكتوبة في حياة المصنف و ليس فيه اسم للكتاب و لا لكتاب و تاريخه و بأجرها رسالة له رحمه الله في أحكام القصر في الصلوة انظر «الدرة البيضاء ح ٨ رقم ٣٤٥» مع التكملة.

ص ٩٤ كتاب دعاء دارم و اولش [درة التاج روبر] است انظر البريقة ١٦: ٢٣٥ من آخر.

«درة التاج» ص ٩٤ رقم ٣٤٧، طبع بایران بالهد كما رأيت و انظر رقم ٣٥١.

«درة التاج و مرقاة المعراج» ص ٩٥ رقم ٣٥١. انظر رقم ٣٤٧.

«درة الرضوية في شرح الرواية الجوادية» ص ٩٨. للفاضل الملا عبدالرحيم

بأي جباري الإصفهاني، كذا بخط المرحوم الخراج ميرزا سيد محمد باقر تويسركاني رحمه الله في ظهر نسخة من ج ٢٢ عوام العالم الذي هو في أحوال الرضا عليه السلام بعد بمله عن الدرّة حكاية في سب قتل الرضا عليه السلام بيد المأمون

«الدرّة الفاعرة» ص ١٠٦ رقم ٣٩٣: يراجع الحكمة العمادية في شرح الدرّة الفاعرة

هذا في ج ٧ ص ٥٩

«درر الأصداف في غرر الأوصاف» ص ١١٨ رقم ٤٣٨: انظر تلخيص مجمع الآداب ح

٤: ١١: ٢٨٠ ومقدمة هذا المجلد ص ٥٦/٥٣/٥٧.

«درر البحار» ص ١١٩ رقم ٤٤٤: انظر ما ذكرناه بجمش كتابه [كتاب مبدئ ١٧

٢٧٩: ٢٨٤].

«الدرر البهية و الجواهر النبوية» ص ١٢٠ رقم ٤٤٨: ذكر الدرر هذا في معجم

المطبوعات ص ٧٦٧

«الدرر البهية في الظاهر الفقهي» ص ١٢٦ رقم ٤٥٠: يراجع العقيدة المستطرفة

«الدرر الحسنان في معرفة أبناء الزمان» ص ١٢٤ رقم ٤٥٥: يراجع لراما (الشهاب

الثاقب) في بشرة (تراثا العدد المردود ٤١ - ٤٢).

«درر السط في خبر السط» ص ١٢٤ رقم ٤٦٠: أقول مرّ له «الحمد السراء ٧ ٧٨:

٤١٤».

«الدرر الغروية في رثاء العزة المصطفوية» ص ١٢٨ رقم ٤٧١ ص ٢٠، و توفي. أقول

بصرّ المحلّة المذكورة ص ٣٣٣ هكذا «و قد توفي السيد صالح القروي في بعدد عام

الجمعة بعد الظهر ٥ ربيع الأولى من سنة ١٣٠١ هـ ٤ كانون الثاني سنة ١٨٨٣ م) و كان

عمره زهاء ٩٣ سنة ثم نقلت جثته و دفنت في سجن» انتهى و قيد في (ص ٣٣٠) ولادته

بهار الخميس و يأتي ذكر ديوانه في (ج ٩، ٥٨٨ ٣٣٨) و أمّا تاريخ الوفاة فصريح

كلام المتن أنّه نقل عن المحلّة و قد مرّ أنّ في نسخة سنة ١٣٠١ و هو المطابق لعام ١٨٨٣ م

دون ١٣٠٦ فإنّ ربيع يوافق ١٨٨٨ فالصواب الأوّل دون الثاني أي ١٣٠٦ الواقع في النقباء

ص ٣٩٣ و ٩٤٠ و عن الدرّة هذا في (مكرم الآثار ٢ ٣٣٩) فلا يعمل أمّا الخاقاني في

(شعراء العربي «...»

«الدرر الفكرية في أجوبة المسائل الشريفة» ص ١٣١ رقم ٤٨١: مر ذكره أيضاً في الجزء الأول ص ٨٧ بعنوان «الأمثلة الشريفة».

«درر اللثالي» رقم ٤٩٢ - ص ١٣٣ س ٣، طبع التخميس. أقول أولاً الذي يظهر من فهرس المشار «فهرست كتابهای جدیدی عربی ٣٥٢» أن «الدرر اللثالي» هذا طبع أولاً سنة ١٣٠١ في ممبئي مصمماً إلى أصل قصيدة الأُرري التي اسمها «قران الشعر الأكبر و هرقان الفضل الأهر» ثم طبع سنة ١٣١٨ أيضاً في ممبئي و ذكر هذا في الدرر «القصيدة الخائية ١٧. ١٣٥: ٧٠٢» ثم طبع ثالثة في صهران سنة ١٣٠١ - ١٣٠٢ هذه الطبقات الثلاث الحجرية المذكورة للدرر في كتاب المشار و لم يذكر في الدرر سوى الثالثة و قال الأسناد الأميني في «معجم المطبوعات الحفية ١٢٠» إن تخميس الأُررية طبع مؤخراً سنة ١٣٧٠ في الحف الأشرف على الحروف في ١٦٢ ص مع مقدمة للعلامة الشيخ محمد رضا المطهر انتهى و أما النسخة الموجودة عندنا فهي المطبوعة سنة ١٣٠١ - ١٣٠٢ مطهران و في صفحة عوامها أنها طبعت في المطبعة العلميه الخاصة لمدرسة دارالمعروف و في عايتها (ص ١٢٢) أنها طبعت بأمر شمس القفلا و المتأذين رتبة العلماء العاملين شريعتمدار الشيخ محمد ابن المرحوم العالم الشيرازي الفاضل بخلعاني في مطبعة الميرزا عباس و الكاتب للنسخة محمد صادق الكلبيكاني هذا ما يستعاد من هذه الطبعة أما اسم التخميس كما لا يوجد في صلب الكتاب اسم للتخميس أصي «الدرر اللثالي» بل هو مكتوب في طرة الكتاب و أما المقدمة المشورة للتخميس فمن جملة ما فيها قوله واصفاً لأصل القصيدة «و هي الموسومة بالخائية المعروفة بالأُررية مشهورة بالألغية لناظم فلاحها... الشيخ كاظم الأُرري قنس سره و إني سئيتها بعفود بلال في مدح النبي و الوصي و الآل و هي قران الشعر المبهر وفقه الفصل المره» الخ و السلام. حرر في ٢٩ شهر رجب ١٤١٢

«درر اللثالي في أسرار الموالى» ص ١٣٣ رقم ٤٩٣، بالسيد آقائي: هذا اشناه طاهر فإن السيد محمدحسن هذا لم يكن مشهوراً بالسيد آقائي و إنما كان مشهوراً بالسيد الفاني (سيد فاني) فلاحه.

«درر اللثالي» ص ١٣٣ رقم ٤٩٤ س ١٢، (١٢٩٩): تاريخ نسخه ما سنة ١٢٧٤

«الدرر و الدرر فيما انتخب من أعمال عمر» ص ١٤٠ رقم ٥٣٠: أقول هكذا ورد اسم الكتاب في (ج ٦ ٣: ١) و لكنه كرّر في (الدرر و الدرر ١٦: ٤٣، ١٧٨).

«الدروس الشرعية في فقه الإمامية» ص ١٤٥ رقم ٥٦٢: أقول راجع لراماً [شرح الدروس ١٣: ٢٤٢ فما بعدها].

ص ١٤٥ س ١٣، و هذه النسخة: ابن نسخة را در إحياء الآثار هم ذكر کرده و مالکش را نوشته اند و در اجازات هم در ح ١ اصلاً نوشته اند شاید در جالی از دریه یا طبقات نوشته باشند و انظر مصورة سقاء ص ١١٣.

«دروس العارفين» ص ١٤٦ رقم ٥٦٣، الشيخ أحمد: هو الذي مرّ له إرالة الأوهام في ج ١ ص ٥٢٨.

«الدروع الواقعة من الأخطار فيما يعمل منه في أيام كل شهر على التكرار» ص ١٤٦ رقم ٥٦٧: أقول أولاً إن في نسخة قوله (و تتمنه كتاب الدروع الواقعة من الأخطار فيما يعمل مثلها كل شهر على التكرار) م تاتياً للحجج نهيحنا بعد السملة بقوله (و هل ربّ ردي علماً لعلك اللهم أحمد الله الذي جعل جلاله بما وهب لي) الخ و الثالث في أن الكتاب كما في فهرس المؤلف نفسه الذي وضعه ~~سيد الديباجة~~ و كما هو كذلك في صلب الكتاب مشتمل على اثني و عشرين فصلاً لا مائة و عشرين كما براه في المتن و هو من سهو القسم و أمّا نسخة فهي في ٣٦٦ ص كاتبها محمد بن حبيب بن حميم الأوالي فرع منها في ٢٨ ع ٢ سنة ١٠٠٦ خزانة الملأ الأعظم... مولانا شمس الدولة و الدين محمد و خط هذا أيضاً في أول النسخة و آخرها موجود و في الصفحة الأولى تملك هاشم بن الحسين الحسيني تلك النسخة للأمر معيث الدين في أواسط حجة سنة ١٠٧٧ بمكة المشرفة و صورة خاتم المعيث كهذه (معيث الدين محمد الحسيني ١٠٧٤) ثمّ يعلم أن في متن نسخة في معنح الفصل الرابع عشر كلمة لنسج إبراهيم الكفعمي ره (صاحب البلد الأمير يذكر فيها أن الفصل ١٤ إلى فصل ١٧ بنماها كان سقطت أوراقها من النسخة فأصافها الكفعمي و بما أكمل الكتاب في نسخة التي استكتبها الكفعمي بخطه كما أنه رحمه الله أضاف بآخر الفصل ٢١ رواية عن الإمام الهادي عليه السلام بملأ عن مكارم الأخلاق. ثمّ إن من فوائد كتاب الدروع هذا أنه يذكر في الفصل ١٩ أسماء أيام الشهر

بالمارسية نقلاً عن سلمان الحمدي فقال مثلاً في اليوم الأول من الشهر ما نصّه [قال سلمان الفارسي رضي الله عنه هو روز هرمرد اسم من أسمائه تعالى] وهكذا إلى الثلاثين والسلام. م ع ر في ١٥ صفر ١٤١٢

«الدستور» ص ١٤٩ رقم ٥٩٠: هذا مكتب هو دستور معالم الحكم و مآثور مكارم الشيم للعاصي القضاعي أبي عبد الله محمد بن سلام (سلامة) بن جعفر الموقفي (٤٥٤) ينقل عنه في ديباجة «عيون الحكم و المواعظ» الموجود نسخة في (سپهسالار) (ج ١ ص ٢٨٥) و مكتبة دانشگاه تهران (ج ٢ ص ١٥٨) و قد ذكرناه مكرراً في (ص ١٥٢ س ٢٤ و ص ١٦٧ س ٢). مه صح

«دستور آمورش» ص ١٤٩ رقم ٥٩٢ أقول الذي قيد على النسخة سنة ١٣٢٠ ش و هي المطابقة لعام ١٣٦٠ إلى ألف في أحرى أيام سيطرة رضا خان الهلوي الجاهر الكافر و بعيد حله و لا يعلم منه عمده مؤنفة المدينة و ليس في أثره فائدة و له آثار أخر مذكوره في مؤنفات المشار ره.

«دستور تار» ص ١٥٢ رقم ٦٠٨ أقول هذا من كتب الضلال و لا يعلم لكانه من عقيدة دينية و قد تكلمت مع شيخنا المصنف طاب ثراه في أمر هذا الأثر المشنوم و إirاده له في هذا الكتاب الجليل عام تشرقي بريرة العتبات المقدسة لعمرة الثالثة سنة ١٣٧١ فأجابني طاب ثراه أنه بما أدخله الناشر الصهراني في الكتاب و أقا هو بنفسه فليس راصياً بهذه التصرفات الموسعة و الله المعاصم.

«دستور الحكم» ص ١٥٢ رقم ٦١٦ راجع هامش ص ١٤٩.

«دستور زبان فارسي» ص ١٥٧ رقم ٦٣١ أقول مؤلفه ميرزا ابراهيم المنتخض [سافر ٩. ٤١٥: ٢٤١٤] و ولده [دردی ٩ ٣٧١ ١٩٠٠] قوله [يأتي كلها] أقول سي أد يذكرها في موضعها و راجع (مؤنفي مشار ١: ٥٨٨) و (دانشمندان مهدي ٤٢).

«دستور السالكين» ص ١٦٠ رقم ٦٤٦: عندي نسخة أصله الحمد لله رب العالمين.

«دستور العمل» ص ١٦٢: مقالة فارسية في آداب السلوك و المراقبة بسيد الفقيه العارف السيد أحمد الكريلاقي الموقفي سنة ١٣٣٢ نشرت في مجلة «حوره العدد ١٥. ٧٣

«دمرور معالم الحكم» ص ١٦٧ رقم ٦٨١؛ راجع حاشية ص ١٤٩.

ص ١٨٠ س ٦، مقياس المصاييح: الصواب (مقاس) بالباء الموحدة كما يأتي في (ح) ٢٢: ١٧: ٥٨١) و المتأخر عن مكانه سهواً.

موعظة بالغة كاشفة عن مبلغ إيمان شيخنا المصنف ره و بقیته.

ص ١٨٠ س ٩؛ جمع وجود هذا الكتاب لصحيحه المعنوية المطبوعة المنشورة حتى اليوم مما فيها من الأدعية لجميع المطالب قد تمت حجتة الله على العباد لأنه لا يحتاج أحد من البشر إلى شيء آخر غير إتمام نفسه بالعمل و معها عن الكسل و المشل عنها و .. فلا تظن مع ذلك أن من كانت نفسه مهتمة بقدر أن يهدب نفسه من دون سعيك و اتعابك و جهادك، أي نفس أقوى و أقدر من النفس البوي مخاطب به [أنك لا تهدي من أحست] فاعلم عن طريق الأئمة الصاهرين .

ص ١٨١ س ٢٢، في محله أقول و يأتي الكثير أيضاً في الميم بعنوان المجموعة فلاحظ.

«كتاب الدعاء» ص ١٨٣ رقم ٧٢٣. مر ذكره في ح ١ ٣٩١: ٢٠٢١

«كتاب الدعاء» ص ١٨٣ رقم ٧٢٥: يأتي مكرراً في ص ٢٠١ ٧٩٨ و أيضاً في ح ٢٠:

١٩٤٨: ٦٧.

«كتاب الدعاء» ص ١٨٤ رقم ٧٣٢، البخاري. توجد نسخة عند (سلطان القراني)

سُمي المؤلف فيه بالبخاري المرومدي السرواري. صح

«كتاب الدعاء» ص ١٨٥ رقم ٧٤٣. أقول لظاهر أن هذا الكتاب هو بعينه «الجواهر

المشورة ٥: ٢٨٢: ١٣٢١» و راجع كتابا [مهرست كتب خطي ١: ١٥٩].

«كتاب الدعاء» ص ١٨٦ رقم ٧٤٦ دعوات بافقي امت (مهاح العلاج) بلا شبهة.

«كتاب الدعاء» ص ١٨٦ رقم ٧٤٧ أقول يأتي أيضاً [كتاب الدعاء] الكبير لبعض

المتأخرين عن العلامة المحسني بعنوان [كتاب الدعاء ١٧-٢٧٤-٢٥٢].

«دعاء الاعتقاد» ص ١٨٧ قال شيخ الطائفة الطوسي فتن روحه في [الرجال: ٤٤٧

ط السجف] ما نصه [أحمد بن علوية الإصمهي] لبي أن قال [و له دعاء الاعتقاد تصيغه]

انتهى و قد ذكره شيخنا المصنف ره بعنوان [الاعتقاد ٢: ٢٢٤. ٨٨٢] فراجعه و الله العالم

بمراد الشيخ فإنه لم يذكر أحد ما المراد بهذا الدعاء الموصوف بدعاء الاعتقاد كما لم نثر

عنى من اهتدى عماده في ترجمة أحمد بن العباس الجعفي بأنه كان يروي دعاء الكامل ما هو دعاء الكامل و الله العالم م ع ر لينة ٥ صيام سنة ١٤٠٧

ص ١٨٧ س ٨: وصف مشيخة كثر السالكين. يأتي ذكره في محله ج ١٨ ص ١٥٨ و لسعد الدين محمد بن المؤيد الحموي راجع سحبد الأرواح في ج ١٢ ص ١٤٨ رقم ٩٩٤.

﴿دعاء البيت المعمور﴾ ص ١٨٨. أوله «يا من أظهر الجبل و ستر القبح» انظر شرحه «العصوص السبمانية ١٦: ٢٣٥: ٩٣١» و راجع كتاب «شرح الصحيفة السجادية ١٢: ١١٦: ١١٩» بعلامه لدمر محمد علي الجهادي الشهير بالمدرس المتوفى ١٣٣٤ هـ. هـاك شرح الدعاء مختصراً و لعمري توجد شرحه في سائر شروح الصحيفة أيضاً و جاء في «اللد الأمير ص ١٨» للكفعمي ره بعنوان «دعاء أهل البيت المعمور» و هو نغيب شريف يهرء بعد صورة الظهر و الله اعلم

«دعاء السفي» ص ١٩٠ الدعاء السفي يراجع أيضاً بقاء البشر ص ١٢٢٤ و عه في مكارم الآثار ج ٦ ص ٢١٢٢.

«دعاء الصباح» ص ١٩٠ رقم ٧٥٧ س ٢٥٥ يحيى ترجمته في الأعلام للزركلي ٨. ١٦٣ ط ٦.

ص ١٩١ س ٧، في آخره: انظر السطر الأخير في هذه الصفحة.

ص ١٩١: قال في كشف الظنون «اخرر المنسوب إلى علي بن أبي طالب رضي الله تعالى عنه أوله اللهم يا من دلغ لسان الصبح الخ و الشرح عليه لأحمد بن محمد المعروف بشيخي راده (المتوفى سنة ٩٨٦) انتهى و راجع «مرآة الكتب ٢. ٢١٩».

﴿دعاء العبرات﴾ ص ١٩٢: انظر ما كتبه همامش سحبا من الأنوار الساطعة ص ١٧٣ عند ترجمة السيد رضي الدين محمد الأوي عليه الرحمة.

ص ١٩٢ دعاء العنوي المصري در مهج الدعوات است.

﴿دعاء الكامل﴾ ص ١٩٣ المذكور في ترجمة أحمد بن العباس الجعفي الصوفي المعروف بابن الطالبي و هو جد صاحب [رجال الجعفي] ط قال شبح الطائفة الطوسي ره في ترجمته في [كتاب الرجال ٤٤٦ ط السجف] ما لعظه [و كان يروي دعاء

الكامل] و كذا (دعاء) بدون اللام التعريف في «توايح الرواة: ٢٨» الدعاء، و لم يثر على من تكلم حوله و هذا من عرائب الأمر لمعي عدم تعرّص أحد لوصيح هذه العبارة للمهلة. و العبارة كما نقلناه في جميع السبع نبي رأياها و كذا في جميع كتب الرجال الموجودة بين أظهرنا سواء في المخطوطات أو الكتب المطبوعة منها نقلاً في كتبها عن رجال الشيخ، و الذي نقله و لا يصدق غيره أن العدة مصححة بحرفه من سهو الناسخين و أن الصواب [و كان يدعى الكامل] كما هي موجودة في كتاب «لسان الميراث ٤: ١٩٢» نقلاً عن ابن السجّار بهذا الشكل و قد تعرّصنا لهذا المطلب في (شرح روضات الجنّات ص ١٣٢) مراجعه.

«دعائم الإسلام في معرفة الحلال و الحرام و انقياد و الأحكام» ص ١٩٧ رقم ٧٧١: اعلم أن سيّدا الجّد الإمام العلامة المجهّد بهدّد طاب مثواه قد تكلم حول الدعائم هذا و صاحبه في كتاب «روضات الجنّات رقم ٧٢٦» و من جملة ما قاله في حقّ المعاصي ما لعظه الشريف «و لكن الظاهر علمي أنّه م يكن من الإماميّة الحقّة» إلى آخر ما أفاضه طاب مثواه و لا شكّ في متابعة صاحب «مرآة الككب ٢ ٢٢١ ٢٢٧» لجّدنا الأبحد الأعلى حيث قال في أواخر بحثه الطويل حول الدعائم بعدم كون مؤلّفه من الإماميّة و قال سيّد المراجع المحقّق في عصرنا هذا في كتاب فضله الجليل «مباي تكلمة المسباح ١- ٢٢٦ ط المسجّد ١٣٩٦» بعد نقل رتبة عن الدعائم و الأشعثيات ما لعظه الشريف «إنّ ما في دعائم الإسلام لإرساله م يثبت» الخ فارجع و اعلم أن هذا حال الكتايب الدين هما أساس ما ليّف المحدث النوري لكتابه المستترك و قد تعمّد في ذلك بعد ما أحاط خيراً بما ذكره سيّدنا الجّد طاب ثراه في الروضات فاصطر من هذه الجملة و من نواح أخرى و دواع غير موزّنة لقيامه في وجه تلك الدرّة الطاهرة و لا تحسّن الله عافلاً عمّا يعمل الظالمون إنّما يؤخّروهم ليوم تشخص فيه الأبصار و ذكرنا أضعاف ذلك فيما مرّ فانظر [الأشعثات ٢ ١٠٩: ٤٣٦] عصما الله معاني من الخطأ و الرلل بحقّ الحقّ و أهله آمين. ١١ ع ١ سنة ١٤٠٧

«الدعاة الحسينيّة» ص ١٩٨ رقم ٧٧٦، طريّا: اطري العصفّ الثين.

«الدعاة في إليات الإمامة» ص ١٩٩ رقم ٧٧٧ أقول مرّ به (الخاوي في العقه) في ج ٦

«كتاب الدعوات» ص ١٩٩ رقم ٧٨٣. أقول مرّ ذكره في ج ١ ص ٣٨٩: ٢٠٠٦.

«كتاب الدعوات» ص ٢٠١ رقم ٧٩٨. انظر ما ذكرناه بهامش ص ١٨٣: ٧٢٥

«الدعوات الصالحات» ص ٢٠٢ رقم ٨٠٢. مرّ له «الأدعية الأدوية» في ج ١: ٣٩٢:

٢٠٣٠.

«الدعوات المهرقات» ص ٢٠٢ رقم ٨٠٧: مرّ في ج ١: ٣٩٤: ٢٠٤٤ و يأتي في ٢٠

١٩٢٧: ٦٤.

«الدعوات المهرقات» ص ٢٠٣ رقم ٨١٨: مرّ في ج ١: ٣٩٣: ٢٠٣٨

«الدعوات و الريارات» ص ٢٠٤ رقم ٨١٨. كرّر في ج ٢٠: ٦٥: ١٩٣٢

«الدعوات و الريارات المألوفة المعتبرة» ص ٢٠٤ رقم ٨١٩. كرّر في ج ٢٠: ٦٧:

١٩٥٠.

«الدعوات و الريارات» ص ٢٠٥ رقم ٨٢٢. كرّر في ج ٢٠: ٦٥: ١٩٣١

«الدعوات و الريارات» ص ٢٠٥ رقم ٨٢٦. كرّر في ج ٢٠: ٦٧: ١٩٤٥

«الدعوات و الريارات» ص ٢٠٥ رقم ٨٢٧: مرّ في ج ١: ٣٩٤: ٢٠٤٦ و كرّر في ج

٢٠: ٦٤: ١٩٢٨.

«الدعوات و الريارات» ص ٢٠٥ رقم ٨٢٨. مرّ في ج ١: ٣٩٣: ٢٠٤٢ و يأتي في ج

٢٠: ٦٥: ١٩٣٠.

«الدعوة الإسلامية» ص ٢٠٧. للشيخ أبي الحسن الخيري انظر التكملة في «الرد على

القصيمي».

«دعوة إسلامي» ص ٢٠٧ رقم ٨٤٤، لثلاث سنين، بل سبع سنوات كما في «باريح

جرايد و محلات ايران» ج ٢ ص ٢٨٨

«الدعوة الحسينية» ص ٢٠٧ رقم ٨٥٠. أقول طبع هذا الكتاب الجليل بالتزام حميد

مولّعه الشيخ محمد حسين جراهي الله عزّاه في قم سنة ١٣٩٩ و طبع معه [شهب ثاقبة]

ذكرناه في موضعه من التكملة و الحمد لواءه و ترجمة المؤلف مسروطة في (مكارم الآثار

٦. ٢١٦٥) و مرّ له [إعلان الدعوة ٢. ٢٤٢. ٩٦٠] و هو بكلمة لكتابه هذا.

«دعوة الحق» رقم ٨٥١ - ص ٢٠٨ س ٣، محمدتقي: الظاهر أن الصحيح محمدباقر أو

المير محمد صالح اشتباه بالمولى محمد صالح المدرى رى ره مس إعادات موبيا المعلم دام ظلّه
«دعوة الحق» ص ۲۰۸ رقم ۸۵۳، محمد بن ريس العابدین: توفى رحمه الله بإصمهان في
ع ۱ أو ع ۲ سنة ۱۳۷۵.

«دعوة الحق» ص ۲۰۸ رقم ۸۵۴: نظر ترجمة السيد الهادي ره في «أعيان الشيعة ۵۰:
۴۳: ثم ۵۲: ۱۴۱» ذكر هياك ولادته في كربلاء في أول دي الحجة ۱۲۹۷ و وفاته فيها
في ۱۲ ع ۱ سنة ۶۸ قال و دفن في إحدى حجرات صحن الإمام الحسين صلوات الله
عليه.

ص ۲۱۰: يراجع (سبب بامه) و مظاهرها في ج ۲۴.

ص ۲۱۴ س ۴، ۱۳۰۳ هـ. الصحيح (۱۳۰۳ هـ) لأن التاريخ الشمسي الهجري
المستعمل اليوم في ايران و إن كان استعمانه و شهرته في (۱۳۰۴) إلّا أن وضعه و إبرام
المجلس الشايي الإيراني إياه كان في ۲۴ حوت ۱۳۰۳ كما ذكر ذلك الميرزا أبوالقاسم خان
بهم الملك المذكور في العدد ۸۷۱ في التوقيف الرقعي لسنة ۱۳۰۵ الضميمة (المفتحة في ۷
رمضان ۱۳۴۴) ص ۲ و كان مطابقاً ليوم السبت ۱۸ شعبان (۱۳۴۳) القمرية. معلّم مدّ
ظلّه

«دفتر تقويم» ص ۲۱۶ رقم ۸۷۲ س ۱۴، (۱۷) الصحيح (۷) معلّم

«دفتر تقويم» ص ۲۱۷ رقم ۸۸۰ س ۲۰، ص ۲۱۹: ليس في تلك الصفحة و لا في
غيرها هذه الكلمات في وصف الميرزا جعفر هذا بل وقع قريب منها في وصف الميرزا
جعفر المحمّد بن ميرزا علام السنوي البيريزي في (ص ۲۰۸) و معلّم عنه في العدد (۸۸۱).
معلّم مدّ ظلّه

«دفتر تقويم» ص ۲۱۸: السيد جمال الدين محمّد هذا الآتي في ۹۱۴ (ص ۲۲۴ س ۱)
هو بعينه السيد جلال الدين المذكور في ۸۸۲ معلّم مدّ ظلّه

«دفتر تقويم» ص ۲۱۹ رقم ۸۸۶: السرتب أرح تولد دي الصون كذلك و كنا نقول
به و كتباه في مواضع عديدة أيضاً و لكن ظهر لنا أنه عبط ظاهراً و أن الصحيح في
تاريخ تولده و وفاته ما ذكر في جريدة اطلاعات اليومية الصادره في طهران السنة ۲۲
العدد (۶۵۲۷) الصادرة في (۱۴ صفر ۱۳۶۷ ص ۶) أنه ولد في الأربعاء ۲۱ دي القعدة

١٢٧٨ و توفي في عصر يوم الخميس ١٢ صفر سنة ١٣٦٧. معلّم دام ظلّه العالي
«دفتر تقويم» ص ٢١٩ رقم ٨٨٦ من ٥، (١٣٤٤) الصحيح أنّه أنشر التقويم فيه من
١٣٠٩ش إلى ١٣٣٢ش. منه صح

«دفتر تقويم» ص ٢٢٠ رقم ٨٩٢ من ٦، (١٢٩٠): توفي في أواخر ربيع الأول أو
أوائل ربيع الآخر سنة ١٢٨٩ كما يستعدّ مفهومًا و نصًّا من مرآت البلدان (ج ٣ ص
١٦١). معلّم مدّ ظلّه

«دفتر تقويم» ص ٢٢٠ رقم ٨٩٥: يس المير محمدصادق المتروّج بأخته المير محمدعلي
أحد هؤلاء المرقومين هاك بل هو مير محمدصادق بن المير سيّد محمد بن المير
محمدهادي بن المير محسن بن المير محمدعلي بن المير محسن بن المير كريم بن المير سيّد
علي بن المير عمادالدين (الذي هو اخذ لأعني لكل من أفراد هذه السلسلة الخاتون
آبادية) كما في الشجرة المرقومة أعلاه. معلّم مدّ ظلّه

«دفتر تقويم» ص ٢٢٠ رقم ٨٩٥ من ٢٤، (١٣١٠): الصحيح أنّه توفي في ليلة
السبت ثامن المحرم المذكور كما في جريدة كيهان الصادرة في ١١ محرم. معلّم

«دفتر تقويم» ص ٢٢٠ رقم ٨٩٥ من ٢٥، توفي (١٣١٠): هذا السريخ عبط أيضاً و
الصحيح أنّه توفي قبل طلوع الشمس بثلاث ساعات من يوم الإثنين ١٥ شوال سنة ١٣١٣
كما في مشجرة الخاتون آباديين لئالب صدر طاهر. من إفاذات مولاي المعلّم

«دفتر تقويم» رقم ٨٩٥ ص ٢٢١ من ١، عبدالكاظم. أقول انظر ترجمة عبدالكاظم
في الكواكب المشرفة ص ٤٤٢ / ٤٤٣ و ٤٢٧ و ترجمة والده في ص ٣٦٢ و جدّه
عبدالحسين صاحب وقايح السيوف ص ٤١٩.

«دفتر تقويم» ص ٢٢١ رقم ٨٩٧: أقول راجع «مكارم الآثار ح ٨ رقم ١٦٦٣».
«دفع شبهة الاستلزام» ص ٢٢٩ رقم ٩٥٠. أقول انظر [الردّ ١٠ ١٩٤ فما بعده رقم
٤٩٠ و ٤٩١ و ٥١١].

«دفع شبهة الاستلزام» ص ٢٣٠ رقم ٩٥٦، المتوفى (١٠٩٩): لا وجه لسنة ١٠٩٩ و
الصحيح أنّه توفي في ٧ شوال سنة ١٠٨٢ كما في لوح قبره الموجود المعنوم في تحت
فولاد. معلّم مدّ ظلّه

«دفع المناولة عن التخصيل و المساواة» ص ٢٣٢ رقم ٩٦٨. يراجع «مراة الكتب ٢: ٢٢٨».

«دقائق الأصول» ص ٢٣٣ رقم ٩٧٤ أقول انظر «دقائق الحقائق» في مستدركات الدريعة لمؤلف نفسه ره.

«دقائق الحقائق» ص ٢٣٤ رقم ٩٨١: أقول الصواب أن اسم الكتاب «دقائق الخيال» ذكره المرحوم المحدث القمي طاب ثراه في كتابه «الكى و الألقاب» فقال [صدر الممالك المبررا صالح الرصوي نقيب الأشراف الرصويّة «...»

«دلائل الأحكام» ص ٢٤٠ رقم ١٠١٤ اعلم أن جدنا الإمام الأفقه الشيخ جعفر كاشف العطاء (١١٥٦ - ١٢٢٨) قد نقل عن دلائل هذا في كتابه الجليل [الحق المبين في تصويب رأي المجتهدين و تحفظة الأخبار ٧٦ هـ ١] مرة واحدة من دون أن يسمي مؤلفه و هذا نصّ كلامه قال [و نقد رأيت في كتاب دلائل الأحكام أنه نقل لبعض شهادات الصعوبة أن فلاناً من فضلائهم الأعيان حكم بظهارة الحرم فأمر بدق الطول و إظهار السرور قائلاً بأنى كنت أحسن لحاميه و قدرته لأنى لم أر أكل محرام على أنى أرجو أنه إذا ظهر بحكم بعد ذلك بإباحه] انتهى أقول و حيث لم يذكر شيخنا المصنف له نسخة فيطر صياح النسخة بعد صاحب مفتاح (بحر ١١٦٠ - ١٢٢٦) قلّس الله تعالى روحه على أنى ربما يحتج بيالى أن يكون الكتاب من مؤلفات الفقيه الجليل ملا أبوالحسن الشريف الفتوى العاملي المتوفى ١١٣٨ و العلم عند الله. م ع ر في ٩ صياح ١٤٠٨ ص ٢٤٦ م ٥، هذا. انظر الدريعة ح ١١ ص ١١١ و ح ١٧ ص ٦٦.

«دلائل الإمامة» رقم ١٠١٨ - ص ٢٤٦ م ١٣، أقدم نسخ هذا أقول و عندما نسخة من هذا الكتاب فرع الكاتب من كتابها كما في آخرها هكذا [في ١٦ من شهر شوال ١٢٦٢ على يد الأقل ١٩٥] انتهى و كتب جدنا علامة الحقّة الحاج مير سيد محمد شقيق الإمام المحدث صاحب الروضات أعنى الله مقاميهما في هامش ما نصّه [بمع قالاً مع نسخة لا تخو عن سقم] و عامة العاشرين في كتاب أيضاً بخط الجد طاب ثراه كتبها بالحبرة و النسخة تلو «شرح حديث العمامة و خطبة البيان» للفاصي سعيد

ص ٢٤٦ م ٢٣، الإصفهاني: هو العالم الجليل المرحوم الحاج ميرزا يحيى ميرزا شفيع البیدآبادي ره المذكور شيء من ترجمته في كتاب «...»

ص ٢٤٧ س ١٦، خريطة: أقول الصواب الخريت بالتاء المنقوطة بمعنى الدليل الخادق المائل.

«الدلائل الباهرة في فقه الأئمة الطاهرة» ص ٢٤٧ رقم ١٠٢٠. أقول راجع (ماضي الجف و حاصرها ٣: ٢٢٥) و قوله (البياتي) هذا من خطأ المباشر للطبع و الصواب (البياتي) بالتاء المشاة الموقية دون الون كما في الماضي

«الدلائل البرهانية في تصحيح الحضرة لعروية» ص ٢٤٨ رقم ١٠٢٢. أقول بشر المير جلال الدين احدثت الأرموي عنه الترجمة هذا الكتاب عن نسخة تاريخها سنة ١٠١٩ في تعليقاته لكتاب «العارف ٢ ٨٣٧ ٨٨٠» لإبراهيم بن محمد النعمي رضي الله عنه و علق على بعض مواضعه ثم أخت به تكملة إلى ص ٨٨٤ جراه الله تعالى خيراً و راجع أعيان الشيعة ٢٤: ٢٥٥. م ع ر عني عنه في ١٥ شهر رجب ١٤٢١

«دلائل الدين» ص ٢٥٠ رقم ١٠٢٨، سحاح: توفي سنة ١٢٥٦ كما في معالي الميرزا عباس السحوي في ترجمة السلسلة الهرسية معلّم مدّ ظله
ص ٢٥١ س ١١، المدفون عفره / المدفون هو في هرنك و والده بمقبرة. صبح
«دلائل الرجعة» ص ٢٥٠ رقم ١٠٣٠، سحاح: ترجمته و صورته في «مؤلفين كتب جاني ج ٤ ع ٧٢٦» مراجعته.

و أمّا العريد مؤلف اسلام و رجعت فهو أيضاً مذكور في ع ٢٦ من الكتاب المذكور فليراجع

«دلائل الصدق في فتح الحق» ص ٢٥١ رقم ١٠٣٣: أقول ثم طبع بعده بمحمدان آخرا
ثم بمعا الكتاب الشريف و الحمد لله و راجع «فتح الحق» في (ح ٢٤: ٤١٦).
«دلائل المومنين إلى خلافة علي أمير المؤمنين ع» ص ٢٥٢ رقم ١٠٤٢. انظر لمؤلفه (السعادة) في (ح ١٢، ١٨٠) و (مهناح الإسلام) في (٣٣: ١٥٦)

«الدلائل و المسائل» ص ٢٥٤ سلسلة سؤالات علمية و ديمية و تاريخية و جواباتها للعلامة السيد هبة الدين الشهرستاني الكطمي من مشايخنا في رواية الحديث جمعت من السنة الأولى و الثانية لمجلة [المرشد البعدية] و طبعت في مطبعة السحاح ببغداد سنة ١٩٢٦ و ١٩٢٨ مسيحية عندما نسختها و لا أدري إذا طبع شيء بعدها.

ص ٢٥٩ من ٤، «رجال ملا مراد» يأتي بعنوان (رجال الكشميري) في ح ١٠ ص ١٤١.

«دليل المتحيرين» ص ٢٦٠ رقم ١٠٨٨ أقول نسخة منه في ٤٦ ص في آخرها تاريخ تأليفه (يوم الثلاثاء سادس شهر صفر ١٢٣٠) و تاريخ كتابتها سنة ١٢٦٠ في مجموعة من آثار الكاشف عندما و يأتي له مصباح السالكين و غيره و انظر ما ذكرناه بهامش ديوان كاشف و ديوان صبرالدين في حرف الدال من التريفة.

«دليل المتحيرين» ص ٢٦٠ رقم ١٠٨٩: قال في آخرها كما في نسخة المعطوبة: (فرع من إملائها مشتمها عصر يوم السبت الحادي عشر من شهر ربيع المولود سنة ١٢٨٥ في هور الهندية في جزيرة فيه يسمى الحصوة ثم يقرب من مسجد الكوفة) و هذا العام بهيه عام الفم المحدث في كربلا و توفي السيد بعده بالسنة في الليلة الحادية عشر من ذي الحجة ١٢٥٩ كما في (مهرست كتب مشيخ ح ١ ص ١٥١) و انظر هاك «دليل المتحيرين» في ح ٢ ص ١١١ و راجع فهرس المركزي ح ١٥ ص ١١٣٠ و ذكر في (مكارم الآثار ح ١: ٢١٢) أن السيد الأفقه الأعلام السيد إبراهيم القروي صاحب (تايح الأفكار) لما رأى الدين هذا نسّم صاحبكاً و قال كتب هذه الرسالة بالشمسية لأن عامة مطالعها سب العلماء الأعلام و شتمهم فلاحظ.

«دليل المتحيرين» ص ٢٦٠ رقم ١٠٩٠ من ١٢، توجد. أقول ليس في النسخة الموصوفة من الترجمة الموجودة عندي ما يشعر بأن اسم الكتاب دليل المتحيرين بل هو الكتاب المعروف بالسير و السلوك و يأتي في ح ١٢ ص ٢٨٣ و لا أدري الآن من أين ذكره للمصنف بهذا العنوان و الله العالم.

«الدعاء الثلاثة» ص ٢٦٣ رقم ١١٠٨، المتوفى (١٢٩٧) ذكر الأفا يحيى السيد شهاب الدين في حاشية هداية الأنام للمحدث «نقبي أنه توفي في ١٤ صفر سنة ١٢٨٨ و كان يوم الجمعة (مأخوذ من إشارات العلامة المعصم).

أقول في تقويم وستمند عزة صفر ١٢٨٨ يوم السبت فالتاريخ صحيح و لكنه لشيخ محمد فراجع ترجمته في (مكارم الآثار ح ٨).

«الدعوة الساكنة في المصيبة الرابعة» ص ٢٦٤ رقم ١١١٨ من ٢٣، التلغ: أقول ذكر لنا

الحاج السيد محمد علي (موثق أبصحي) في ١٩ شهر شعبان للمعظم ١٤٠٤ أن عمله الآن نسخة من «تجديد الأخوين من الدمعة» وفقدت منها الصفحتان الأولى والأخيرة وقد أظري السيد في مدح الكتاب هذا وخص مؤلف الدمعة عدداً في صفحة العنوان من نسخة الاستعانة وتماماً أراسطها.

«الدمعة الساكنة والمصيبة الرابطة» ص ٢٦٥ رقم ١١١٩: اعلم أن من العريب ما ذكره الشيخ محمد حرر الدين في «معارف الرجال» ١: ٤٤ و ٢: ٣٥٠ أن [الدمعة الساكنة في مقتل الإمام الحسين عليه السلام و عيبة خضعة] مؤلفه والد السيد محمد الهاشمي الدرغولي المتوفى ١٢٨٩ و لم يصرح الشيخ باسم والد السيد محمد هذا

«دوارده امام» ص ٢٦٩ رقم ١١٣٩: تراجع ح ٢٢ ص ٣١٧ س ٢٣.

«دوارده يند» ص ٢٧٠ رقم ١١٤٣. اقرب يأتي في ح ٩: ٥٩٨: ٤٢٩٤

«دوارده يند» ص ٢٧٠ رقم ١١٤٧، توفى (١٢٨٩) الصحيح أنه توفى في شوال سنة

١٢٩٨ و عمله كتب آخر كما ذكره مؤلفنا بالمعجم

«الدوحة» ص ٢٧١ رقم ٢٢٥٥: لبدوحة و مؤلفه تراجع مئة الراغبين ص ٢٨٥ و

يعمل عن الدوحة أبو طالب علروزي في كتابه للمعجم في النسب منها في ص ٦٨ س ٥ و

يأتي أيضاً «مشتر نسب أبي طالب ٢١: ٤٦: ٣٨٩٤».

«الدوحة الجهرية» ص ٢٧٣ رقم ١١٥٨، آل السيد حيدر: هذا غلط و الصحيح ما

ذكرناه في (ح ٣ العدد ١٦) هكذا السيد حيدر بن ابراهيم بن محمد بن علي الحسيني و

إلى أن قلنا ابن أخ السيد أحمد الشهير بالعطار الخ، وفقاً لما في أحسن الوديعه أيضاً (ج

١ ص ٢١). معلّم دام ظله

«الدوحة العرفية» ص ٢٧٣ رقم ١١٥٩، للسيد مهدي: صاحب أساب الهاشميين

المذكورين في ج ٢.

«الدوحة المطلبية» ص ٢٧٣ رقم ١١٦٠ س ١٩، أبي الخوثر: انظر (مئة الراغبين ص

٣٦٨).

«الدوحة المطلبية» رقم ١١٦٠ - ص ٢٧١ س ١١، محمد بن المها: مها بن الحسن بن

محمد بن المسلم بن المها المذكور صاحب كتاب ورير [وزراء] الزوراء له عقب. كذا

في العملة ص ٣٢١ ط لكهفو التي نقل عنه نصتف و كأنه عمد إلى تلخيص العبارة و
أما في العملة المطبوعة بالنجف ص ٣٢٢ فانصف إلى آتته [علي بن مهنا] بن مهنا و
الحسن و أنت في الصلب اسم كتابه [ورراء ورراء] من دون تعليق انظر «الورراء ٢٥:
٦٧: ٣٦٥» و «حلية الإنسان ٧: ٨١: ٤٤٢٩».

«رسالة الدييات» ص ٢٨٥ رقم ١٢٢٩، القرويبي الشهيد بها في (١٢٦٤): كتب على
ظهر بعض نسخ بحالس المتقون له ره المطبوعة أنه صرب بصرية العرقه البايية بمسجده في
فرويس في بيلة ١٥ دي القعدة سنة (١٢٦٣) و توفي بعده بيومين في ١٧ و في بعض مواضع
آخر أنه توفي سنة (١٢٦٣) و الحاجي مجتهد توفي يوم أو يومين بقي من دي القعدة سنة
١٢٦٤ كما في جريدة اطلاعات. مأخوذ من العلامة المعلم مدّ ظله

لم إنه طبعت ترجمة الشهيد في [مكارم الأثر رقم ١١٣٦] مراجعه

«الدين و الشؤون» ص ٢٩٤ رقم ١٢٩٦. ترجمة المصفاي هذا مذكوره في كتاب
«رجال آذربايجان ص ١٥١» و قال نصرت الله قمحي في مقال له طبع في «خطرات
وحيد ص ٥٥٨ - ٥٦٢» إن «دين و شؤون» الذي طبع باسم المصفاي مؤلفه الميرزا
اسماعيل بكاني صاحب «نصاب قرآنسه» و «سجن سياسي» أقول و هذا الرجل
مذكور في المؤلفين للمشار ح ١ ع ٦١٨ بعنوان «اسماعيل بن ابراهيم بكاني المخلص
بغامي» و ذكر أنه ولد سنة ١٢٦٦ش (الموافق ١٣٠٤ - ١٣٠٥ق) و أنه رئيس المحكمة
العلب الانتظامية لقصة و رارة العدلية في طهران و طبع له ما «خرد فرهنگ - لعت
مضوم» و «سر آغار» بالظم و يأتي ذكر كتاب أيضاً مكرراً في الرسائل (ح ١١.
١٨٥: ١١٤٣) و الله العالم.

«ديوان الأساب» ص ٢٩٥ لصاحب «منقلة الطالب ٢٣. ٤: ٧٨١٧» راجع كتاب

«مبة الراعيين ٣٤٠»

«ديوان النسب» ص ٢٩٥: اصبه في (ح ٩. ١١٨٤. ٧٦٤٣).

ص ٢٩٧، مكتبة آل محي الدين محي الدين الثاني - الصحيح أن محي الدين الثاني هو
ابن حسين بن محي الدين الأول وفاق لما في ٤ عدد ٢٢ معتم مدّ ظله
ص ٢٩٩: أقول من جملة المكتبات القديمة الشهية في العراق خزانة مكتب السيد

بصر الله المدرّس الحائري الشهيد و من جهة المكتبات المتأخّرة مكتبة السيّد خليفة
 الحارثي التي كان فيها بعض نسخ حرية السند الحائري (انظر ح ١٩ ص ٥٤).
 ص ٣٠٣: صحّح جميع الأجزاء على هذه التصحيحات و غيرها و الحمد لله تعالى. و
 أخيراً أوردت الاستدراكات المطبوعة بحسب المجلد ٢٥ في مواضعها المعلومة فتّم و الحمد
 لله تعالى في ليلة الإثنين الثاني من ع ١ سنة ١٤٠٥

القسم الأول من الجزء التاسع

ص ١: لتكميل ما في هذه الأجزاء الصفحة الديوانية يرمم الرجوع إلى الكتاب
المفيس «فرهنگ سخوران» للأستاذ حيام بور طعة تبريز و عشرات بل مآت من
الدواوين المطبوعة مؤخرأ عن طبع هذه الأجزاء من الترجمة عربياً و فارسياً و كتاب عدة
من الكتب التاريخية و تذكرة الشعراء و فهرس المخطوطات في أنحاء العالم و الله الموفق.
«ديوان آينه مشروطه» ص ١، ديوان مهدي: أقول الصواب «ديوان مهدي»
دستگردى ١١٣٨ : ٧٣٣١.

«ديوان آزاد كشميري» ص ٦ رقم ٣٣. بس هو صاحب كتاب نجوم السماء في
أحوال العلماء كما توفقه غابابا خان مشار في كنه

«ديوان آشفه فارسي» ص ٧ رقم ١٠. أقول يراجع «مكارم الآثار ج ٦ ص...»

«ديوان آگاه قاجار» ص ١١ رقم ٦٩: يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم...»

«ديوان آبي» ص ١٣ رقم ٨٥: أقول انظر لأخيه المذكور (مقامات معوي ٢٢ رقم

٥٧٨٥) و أبوهما المعون في «نقاء البشر رقم ٤٦٦».

«ديوان ابن التعاويذي» ص ١٨ رقم ١٢٣: أقول و يأتي وصف مخطوطة لديوان سبط

ابن التعاويذي في ص ٤٢٨ و للرجل ترجمة في أعيان الشيعة ج ٥ ص ٢٩٧ و نقل جملة
من أشعاره إلى ص ٣٠٢ فراجع.

«ديوان ابن داغر» ص ٢١ رقم ١٣٦. مقامس: الصواب «...» و لم يذكره المؤلف

في الصياد اللامع و راجع كتاب شعراء الخفّة.

ص ٢٢ س ١٣، ألقا هذا الإصحاحي: بأي ديوان الشيخ محمدرضا ابن خالسا في ص ٣٦٣ رقم ٢١٤٤.

«ديوان ابن سنا ملك» ص ٢٥ رقم ١٤٦. أقول ابن سناء الملك هو القاضي السعيد عمر الدين أبو القاسم هبة الله بن القاضي الرشيد جعفر بن سناء الملك المصري الأديب الكامل الكاتب المشهور الشاعر الشعبي المتوفى سنة ٦٠٨ نظر ترجمته و مأخذها في التوحي بالوفيات ح ٢٧ رقم ٢٠٩ لم يذكره المصنف في الأتوار الساطعة فذكرته في هامش.

«ديوان ابن طباطبا» ص ٢٦ رقم ١٥٣ أقول انظر له «مذهب الطبع ١. ٥١١. ٢٢٧٩» و طبع له «رسالته في استخراج المعنى» تحقيق د محمد بن عبد الرحمن الهدلق السعودي في «مجلة معهد المخطوطات العربية الكويتية ٣٤: ١: ٦١ - ٩٩» مع مقدمة في حياة ابن طباطبا و قائمة المصادر مراجعها

«ديوان ابن العربي» ص ٢٦ رقم ١٥٥ أقول أولاً التصواب في نسخة الرجل ابن عربي بلا لام و ثانياً يكرر هذا العنوان في «ديوان عمي الدين ٩ ١٠١٦ ٦٦١٣» و ثالثاً انظر له «المنقب ٢٢: ٣١٧: س ٢٣» و الرابع أن الرجل من أشد أعداء الشيعة فكيف يمكن عدّه منهم كما يّناه في مواضع من التكملة هذه و كذا في رساله خاصه لنا بالعراقية و في شرحا للروايات فالعنوان كالكثير من نصوص من إصافات الناشر العنوصي رأساً و الله العاصم. حرّر في عرة صفر الخير ١٤٠٨

«ديوان ابن معنوق» ص ٢٩ رقم ١٦٨، المتوفى أقول هذا التاريخ مطابق تماماً لصبط السيد معنوق وكد الشاعر و جامع ديوانه في المقدمة ص ٤ من نسخة المطبوعة بالمطبعة العثمانية الكائنة بحارة المراحة بمصر القاهرة في أواخر سنة ١٣٠٧ و صفحاتها ١٧٥ و صفحة عنوان الكتاب في هذه الطبعة هكذا «ديوان بليغ الشعراء و قائمة المصحاء المخاض إلى عمو مولاه القوي معنوق بن شهاب الموسوي عمر الله له آمين» و الحق أن الرجل جامع ديوان أبيه كما ذكر تفصيله في المقدمة و لا يعد وقوع تدليس الناشر كما لا يعد إسقاط بعض أبياته حين الطبع فاللزم المحض عن مخطوطة صحيحة من الديوان و أمّا معجم المطبوعات فالكتاب مذكور فيه (العمود ٢٤٤) تحت عنوان «ابن معنوق

الموسوي» الخ و هناك أن الطبعة الحجرية انصرت تاريخها سنة ١٢٧٩. و أما الولد فهو مترجم في كتاب (نشوة السلافة) نقل عنه مترجمه في (أعيان الشيعة ج ٤٨ ص ٨٥) و أشار إليه شيخنا المؤلف في ج ٢٤ ص ١٦١ ثم رَدَّ علينا أيضاً الطبعة البيروتية الجيدة المشكولة و نسب الديوان فيه إلى صاحبه ابن معترف صحيحاً و هذه الطبعة التي طبعت بالطبعة الأدبية سنة ١٨٨٥ الموافق لسنة ١٣٠٢ - ١٣٠٣ ق و بشرتها المكتبة الوطنية هي المشار إليها في المتن و نسختنا نسخة ابن خاتم العلامة الكبير الشيخ محمدرضا السجفي الإصفهاني المذكور في هامش ص ٢٣ من هذا الجزء و قد كتب هو أيام إقامته بالسجف الأشرف في ظهر النسخة هذا المصراع «خير الدواوين ديوان ابن معترف» فتممه صديق الشيخ حسن دخيل في دهل المصراع بقوله «بقيمة نخسة قد بيع في السوق» انتهى و قد صدقنا رحمهما الله تعالى في مصرعهما و السلام. ليلة الأحد ع ١ سنة ١٤٠٥ بحاماً الله سبحانه من الهمم و العثم بحق سيد العرب و المعصم صلى الله عليه و آله و سلم

ص ٢٩ من ١١٩، في (١٠٩٢): الصواب ١٠٩٣.

هذا العقيق و تلك شُم رِعالِه لَمَرُوحٌ نُحَيِّسُ التَّمَعِ مِنْ عَفْيَانِه

و التصحيحات من نسختنا من الديوان

«ديوان ابن المهارية» ص ٣٣ رقم ١٨٨: أقول يأتي ذكره أيضاً في ص ١٢٠٤ و تم ذكر ترجمة الرجل شيخنا السيد الأمير في «أعيان الشيعة ٤٥ ٣٢٦ - ٣٢٧» و العجب من شيخنا المصنف طاب ثراه حيث ذكر آثاره في الدررمة و لم يذكر ترجمته في «الطبقات».

ص ٣٤ الأهمري الشاعر الأعجمي (راجع المحري لابس الطقطقي ص ٣٢٥ ط ١٣٨٦).

«ديوان أبي طاهو» ص ٤٢ رقم ٢٣٩ من ١٠، عبدالمولى: أقول هو صاحب [قلعة الشاعر ١٦: ١٢٨: ٢٦٨] و غيرها.

«ديوان أبي طالب» ص ٤٢ رقم ٢٤٣: أقول انظر «يمان أبي طالب عليه السلام ٢: ٥١٠ - ٥١٤» و راجع [شعر أبي طالب عليه السلام ١٤: ١٩٥: ٢١٦١]

ص ٤٣ من ٢٤، الكتب: أقول الصواب لكتب معرب «گپ» أو «جيب» و هو المستشرق.

- ص ٤٤: استطراد، انظر [الرد على أبي الغنافية في التوحيد في شعره ١٠: ١٨٠: ٣٨٤].
- «ديوان أبي فراس» ص ٤٧ رقم ٢٦٠ انظر كتاب (سيف اللؤلؤة و عصر الحمدانيين: ١٤١ فما بعدها) بقلم سامي الكيالي (ط مصر ١٩٥٩م دارالعارف).
- ص ٤٧ س ٢٥، المدرس: الظاهر أن نصوص المدرسي و هو الجهاردهي المشهور و هذا الشرح لابن أمير الحاج مطبوع متداول يأتي ذكره في ح ١٣: ٢١٥
- «ديوان أبي الفضل الطهراني» ص ٤٧ رقم ٢٦٣: أقول و انظر «شعاع الصدور» له في ج ١٣: ٢٠٣: ٢١٩٤.
- «ديوان الخواجه أبي الوفا الخوارزمي» ص ٥٢ رقم ٢٨٦: توجد جملة من رباعياته و أشعاره (ظ) عمدي في مجموعة ١١٠٢.
- «ديوان أتابك» ص ٥٣ رقم ٢٩٣: أقول هذا خطأ و الصواب أنه عمي أصغر بن آقا محمد إبراهيم أمير السلطان و يارب قتلته أيضاً خطأ و الصواب أنه قتل في ليلة الأحد ٢٢ شهر رجب ١٣٢٥ و أما تخلصه الشعري فهو «مدسي» كما يظهر كقولك جلتاً من ترجمته في «مكارم الآثار ح ٦ رقم ١٢٩٥».
- «ديوان أديب الممالك» ص ٦٦ رقم ٣٧٧: أقول يظهر من أشعار هذا الأديب أنه كان متأخراً ملقاً لبعض الرجال الاترياء و ذوي الجاه و هجاء قسحاً للآخرين و لعلّه هذا أغمره دهخداً فما نقل عنه و لا بيناً واحداً في مجلداته الأربع من كتابه الخالص [أمثال و حكم] كما يظهر من فهرسه انظر كتاب «خندسه مشهور بحوابمه اعتماد السلطنة هامش ١٣٣ و ١٧٤ ط طهران ١٣٥٧ش»
- «ديوان الأرجاني» ص ٦٧ رقم ٣٨٠ انظر [مئة المصنوع ٢٤: ٢٤٤ ٢٤٥] و راجع [الثقات العيون: ٢٨ ٢٩] و [تجارب السلف ٢٦٧ - ٢٦٨ ط إصفهان باعثنائاً].
- «ديوان الأروفي» ص ٦٨ رقم ٣٨٦ قال الأروفي أي حاراً همجو عثمان / علم را همجون عمي . أي صداقت را چو بوبكر اي عدالت را عمر جمع هذا كيف يمكن عدّ القائل في شعراء الشيعة و الله العاصم.
- «ديوان أسرار سيزواري» ص ٧٢ رقم ٤٠٦ س ١٢، العارضي الصواب العارضي و لترجمة الحاج ملا هادي يراجع «بشرية خمس آثار ملي ٣ - ٤ باثير رومستان ١٣٥٥ ش:

١٣ - ٥٦» مقالة «اسرار سروراري و فلسفه و» لکاتبها صديقاً الفاضل الکرم مرتضى مدرّسى چهاردهى.

«ديوان اسرارى» ص ٧٢ س ٢٠، فائى. أقول الصواب «فتاحى ٨٠٧: ٥٤٤٤».

«ديوان اسرى اصفهانى او شعره» ص ٧٥ رقم ٤٣١: أقول يأتى ولده صحبى ص

٥٩٩

«ديوان أسرى لاهجى» ص ٧٦ رقم ٤٣٦ س ٤، فائى ذكره: اطلبه في [مشوى ١٩:

[١١٤: ٥٩٠]

ص ٧٦ س ٤٨، يار: الصواب بار بنائى موحدين

«ديوان اشرافى القابى» ص ٧٧: عبدكرم اتوفى ١٢٢٩. راجع (مكارم الآثار ٣:

٨٧٢) و [رجال قايى: ٢٣: ٥٠].

«ديوان اشرف حرجاني او شعره» ص ٧٧ رقم ٤٤٦: أقول انظر [ديوان مير محمود ٩:

١٠١٨: س ١٥] و يأتى الإشارة إليه أيضاً في [ديوان شريفى الشيرازى ٥٢٥ س ٧] و في

«مرهنگ سحوران ٥٢٩» ذكر له ثلاث مآخذ أحدها هذا الموضع من التبعة ثانياً

«بمجمع النواصر ٤٢ - ٤٣» لصادقى كتبه ر و الثالث «قاموس الأعلام و ٤٥١٠»

لشمس الدين سامى و موجر ترجمته في [دانشمندان و سخنرايان فارس ٣: ٢٦١] و يأتى

لجده [ديوان الشريف الحرجاني ٥٢١ ٢٨٩٨] و كلاهما من النواصب و المحالفين مذهب

الشيعة. و مرّ له ذكر «تفسير شاهى ٢٧٧: ١٢٧٨» مراجعه.

«ديوان اشرف مارندرانى» ص ٧٨ رقم ٤٥١: انظر «رندگينامه علامه مجلسى ١

٣٥١» و «نزهة الخواطر ٦ ٣١٢» و هو ولد ملا محمد أمين صاحب [الإمامة ٢: ٣٢١:

١٢٧٢] و طبع ديوانه.

«ديوان اشكى او شعره» ص ٧٩: عبدكرم من انظر «سدا سكر ١٢: ١٥٣: ١٠٣٠».

«ديوان اعتصامى» ص ٧٩ رقم ٤٦٩: انظر [ديوان رونق كرماني ٣٩٢: ٢٢٩٢].

«ديوان اعجاز هراتى او شعره» ص ٧٩ رقم ٤٧٢: أقول يأتى له «وصف اصفهان» في

ج ٢٥ ص ٥٣٩.

«ديوان اقبال لاهورى» ص ٨٦ رقم ٥١٣: لم يذكر في المتن كالعالم دليلاً على تشيع

الشاعر و قد وجدنا في نظم اقبال هذا ما يدل على نسبه بلا شبهة.

«ديوان القبايلي جندقي أو شعره» ص ٨٧: هو السيد ميرزا آقا ابن للميرزا حبيب الله الموسوي الخندقي المولد ١٢٧٥ بلدة جندقي لنفوسي بظهران ١٢١٥ و دعى في صحن السيد عبدالعظيم الحسيني عليه السلام بالري كان من أجلة العلماء كما في ترجمته الموجزة في [أعيان الشيعة ١٤: ٤٥١؛ ٢٧٨٩].

«ديوان إلهامي أو شعره» ص ٩٢ هو والد أبي القاسم لاهوتي الآتي في (ص ٩٤٠: ٦١٨٥) كما ذكره في أول كتابه «شرح رندگسی من»
«ديوان الهادي أو شعره» ص ٩٣ رقم ٥٦٠: أقول انظر (ديوان علييه سديد) في ص ٣٠٢ و (ديوان سديد طبيب گيلاني) في ص ٤٣٥ و لعل الأخير رجل آخر فراجع (فرهنگ سخنوران).

«ديوان امير حسيني غوري» ص ١٠٠ رقم ٦٠٥ فراجع «تذكره هفت اقليم ٢: ١٢٤ - ١٢٦» و محله «ادبستان ٣٦: ١٥٠ - ١٥١».

«ديوان امير المؤمنين علي عليه السلام» ص ١٠١ س ٤، عذذت المائل هو عابدي مروي ولد المصنف و من المؤلف حدثاً نصرته في كتب آية دائماً و لراجع حول الموضوع أعني ديوان الشعر المنسوب لميندا و مولانا امير المؤمنين صلوات الله و سلامه عليه إلى كتاب «تحقيقات ادبي» للفاضل علامرضا كيوان سمعي فعليه بحث طويل حول هذا الديوان و هكذا لصاحب «مرآة الكتب ٢: ٢٢٩ - ٢٣١» بحث حاصل حول الموضوع.

«ديوان امير الفراهاني» ص ١٠٣ رقم ٦٢١ أقول عدنا حاشية المحقق الكرکي على الدافع بخطه أي الأمانة رقمها ٥٨٩٤.

«ديوان انسي گون آبادي» ص ١٠٧ رقم ٦٥٩: أقول يقن صاحب «مناقب مرتضوي ٢٢: ٣٣٤ - ٧٣٢٨» من أشعاره بعنوان «سيد مير حاج انسي».

«ديوان النوري» رقم ٦٧٥ - ص ١١٠ س ٦، حكماء الشيعة: كيف يكون الرجل شيعياً و في ديوانه أبيات شعر متفرقة في مدح عمر بن الخطاب و وضعه بالعدالة.

«ديوان اوحدي مراشي الإصفهاني» ص ١١١ رقم ٦٨٧ انظر ما ذكرناه في التكملة على «جام جم ٥: ٢٣؛ ١٠٥» و طبع ديوانه.

«ديوان بابا الحلل كاشاني» ص ١١٦ رقم ٧١٤: أقول انظر [الأبواب الساطعة ص ٢٠] و اصلح بعض ما هلك بترجمته الواسعة في كتاب [احوال و آثار خواجه نصير ٢٠٥ عما بعدها].

«ديوان بابي نعمة الله» ص ١٢٤ رقم ٧٧١ أقول انظر ترجمته في «رياض العلماء ٣: ٥٩ ط قم» و يأتي «ديوان الشاه نعمه الله ١٢١٥: ٦٨٩٥».

«ديوان بحر العلوم» ص ١٢٦ رقم ٧٨٠ راجع ح ١٤ رقم ٧٨٢
«ديوان بحر العلوم» ص ١٢٧ رقم ٧٨٢: أقول يأتي له أيضاً (العقود الإثنا عشر في مرثي سادات البشر) في ح ١٥ ٣٠٢ و أما قصيدته في حساب عقود الأنامل فمذكورة في ح ١: ٤٧٠: ٢٣٤٣ و ح ١٧: ١١٣: ٦٠٦.

«ديوان بلنغت» ص ١٢٩: الحاج جواد بن محمد حسين الخائري ذكره المصنف في (الكرام البرره ٢٧٨ ٥٥٣) و راجع (مكارم الآثار ٧ رقم ١٤٨٧)

«ديوان بدیع الزمان نصرآبادي (أو شعره)» ص ١٣٠ رقم ٨٠٨: أقول و له رباعية في تاريخ وفاة آقا هادي المازندراني كما في ظهر السجدة من رصاعيته الموجودة عندنا قال في الطرار المندي المعط: آقا هادي يکه داشت در حور وادی ، بر هر فاصل مرتبه استادی چون سوی بهشت رفت تاریخ آمد شد رهنمای اهل جنت هادی.

«ديوان بناتي هروي» ص ١٤١ رقم ٨٩٢. أقول بناء على ما ذكر في المتن فهذا الدائي من أهل السنة و الجماعة بن من جملة متعصبيهم المعادين لشيعه فما الوجه في ذكره في عداد شعراء الشيعة اللهم إلا أن الشاعر يعرض في أصل المريعة ما يشاء و يجب. راجع «مقالة عبدالحق ميرزايف» في «مجموعة مقالات تحقيقى خاورشاسى اهداء بهر قسور هادى ماسه ص ٧٧» و يظهر منه أن لعبدالحق أيضاً كتاباً في «ترجمة بناتي» طبع باساليب خراب في ١٩٥٧ م. و راجع (ديوان هلاي)

«ديوان بهاء الدين العاملي» ص ١٤٣ رقم ٩٠٣، المتوفى ١٠٣١: الصواب ١٠٣٠ كما بينها عليه مراراً.

ص ١٤٣ من ١٣، توفى بامه. انظر (طوضى بامه ١٥ ١٨١ ١٢٠٦) و رقم الأبيات عمر

«ديوان بهار الإصفهاني» ص ١٤٤ رقم ٩٠٦، توفي آقا محمد علي الملقب بالإصفهاني عام ١٢٧٥ كما في كتاب «آگهی شهادت» ح ٣ ص ٦٦ للشيخ الجابري قال و ذلك على قول.

«ديوان بهار خراساني» ص ١٤٥ رقم ٩٠٧، راجع لمالك الشعراء بهار بحثة آيده نسخة ١٠ العدد ٣/٢ الصادرة في ربيع ١٣٦٣ش.

«ديوان بهاي كرماني» رقم ٩٤٠ - ص ١٥١ من ٢، منشآت بهاي: توجد نسخة منشأته عندي في مجموعة و يأتي في ح ٢٣ : ٢٥ : ٧٩٠٥ معصلاً و له ترجمة في «درمخانة الأدب ٤ : ١٣» و لا دليل على تشعته.

«ديوان بيدل دهلوي لاهوري» ص ١٥٢ رقم ٩٥٤: أقول توفي بيدل هذا في الخميس الرابع من شهر صفر ١١٣٣ و دفن بهي كما في مقدمة [كليات ميرزا عبدالقادر بيدل ط لاهور ١٣٩٨ مركز جمعيات فارسي ايران و باكستان].

«ديوان پرتو لنجاني» ص ١٥٧ رقم ٩٨٣: راجع ما ذكرناه في مقدمته نسخة من ديوان پرتو.

«ديوان پير جمال اردستاني» ص ١٦١ رقم ١٠١٤ من ١٣، يوسف و زليخا أقول هذا أول مرة في هذا المجلد يذكر (يوسف و زليخا) و بعده في ص ١٨٩ لنجاني كما يظهر من فهرس المطبوع بآخر الجزء الرابع للمجلد التاسع هذا و يأتي تفصيل آخر للموضوع في المجلد الأخير للدررعة فما بعدها تحت عنوان «يوسف و زليخا» فراجع و ذكر المزدوي هناك في الحاشية تحقيفاً حول اسم زليخا ثم لا يخفى أن پير جمال المذكور استاذ الناصبي المشهور فصل بن زورجان و بنا ذكره آدميت في كتاب «بررگان و سحسرايان» في دليل ترجمة التلميذ كما أنه مترجم له أيضاً في كتاب «آتشکده اردستان».

«ديوان نجاني درفولي أو شعره» ص ١٦٧ رقم ١٠٥٢: أقول راجع لراما «نقباء الشر» رقم ١٥٥٨ و «مكارم الآثار» رقم ١٢٩٠ و رسائلنا المعربة.

«ديوان تقي كاشي أو شعره» ص ١٧٤ رقم ١١٠٨ أقول راجع لروما كتاب [ناريج تذکرةهای فارسی ١ : ٥٢٤ فما بعدها]

«ديوان لها قلمي» ص ١٧٩ رقم ١١٣٤: يتكرر ذكره أيضاً في ص ٤٥١ بعنوان (ديوان سعيد قلمي) و يأتي ذكر (مشوي) له في ج ١٩ ص ٨٥

«ديوان ثريا طهراني» ص ١٨٤ رقم ١١٦١ أقول طبع ديوان ثريا انطهراني هذا غير مرة بطهران كما ذكره المشار و قوله «حمر الأسم» هذا خطأ و الصواب «حمر الكلام في مديح الكرام عليهم الصلوة و السلام».

«ديوان ثمر» ص ١٨٤ رقم ١١٦٢ يراجع ما ذكرناه في معتق سحتا من «ديوان برتو».

«ديوان ثنائي مشهدي» ص ١٨٥ رقم ١١٦٤ راجع مقالة «خواجه حسين ثنائي مشهدي» في «شريعة دانشكده ادبيات علوم سياسي دانشگاه اصفهان ٨: ٣٣، ٧٨»

«ديوان ثنائي فراهاني» ص ١٨٥ رقم ١١٦٥: راجع (ديوان قائم مقام ٨٥٨) الثاني ثم والده و انظر [مقدمه ديوان ٢٢ ٥٩ ٦٠٥٠] و (انشاء قائم مقام ٢: ٣٩٣) و (بحر الإنشاء ٢٠: ٢٢٤: ٢٦٨٢).

«ديوان جامي» ص ١٨٨ رقم ١١٧٣ أقول الخراساني هذا من أشد المواهب و لذا لم يذكره شبحا المصنف ره في «النبأ للامع» مطلقاً و لم أورد آثاره في كتاب التربية هذا فلاحظ و انظر ما ذكرناه في التكملة عن «هفت اورنگ ٢٥: ٢٣٠: ٤١٩» و يأتي «منتخب كتابه بهارستان ٢٢: ٣٧٩: ٧٥٣٣».

«ديوان جبلي الغر حسيني» ص ١٩١ رقم ١١٨٤: أقول له مدح بعض الخلفاء كعمر بن الخطاب و وصفه بالعدل فليس شيعياً.

«ديوان مجرعه» ص ١٩٣ رقم ١١٩٥ س ١١، ١٢٥٧: الصواب سنة ١٢٦٧ كما هو كذلك في النسخة الموجودة عدد من هذا الكتاب لدي هو في جغرافية العالم و قد ألقه هوسون رفايل جهانگيري و قدّمه للسفطان ناصر الدين شاه القاجاري و بعد كون الكتاب من إنشاء المؤلف الانگيري (بخلاف ما يصهر من أوله و لعله من تحرير بعض فصلاء التدبير و ترجمته).

«ديوان جمالي دهبوي» ص ٢٠٤ رقم ١٢٦٠. أقول طبع له في لاهور سنة ١٣٩٤ [مشوي مهر و ماه] ذكرناه في موضعه من التكملة ١٩: ٢١٤ و طبع له أيضاً مشوي

«مرآة المعاني» في مجلّة «معارف» ١ : ١٠ و ٢ : ٣ - ٦٩ طهران ١٣٧٣ش و يظهر منه أنّه من ملاحدة الفشيدية و من أبيانه هو (ص ٣٧) ربد عامسور كي باشد بداب / پای بد رشته صوم و صلوه.

«ديوان حمزه الكاشاني أو شعره» ص ٢٠٥ هو السيّد مرح الله بن هاشم الحسيني له [مثنوي] ذكره في مقدّمة [ترجمة علم النفس] انطبعة، انظر الدريعة في [صعبي ١٥، ٥٢ ٣٤٤] و ترجمة الرجل في [مؤلّعين مشر ٤ : ٨٠٦] و السلام حرّره في ليلة ٢٠ شهر صيَام ١٤٠٧

«ديوان جوهري هروي» ص ٢١١ رقم ١٣٠٢: يراجع (مكارم الآثار ٤ : ١٤٣٨).
«ديوان جويان تبريزي» ص ٢١٢ رقم ١٣٠٣: طبع ديوانه لأوّل مرّة سنة ١٣٣٧ش في سلسلة نشرات جامعه بهجاب كما في مقدّم مشمل على عدّة من غرلّياته في مجلّة «ميراث جاويدان ٤ : ١٢٦».

«ديوان حمزه» ٢١٥ الميرزا نورالدين المحمّدي الإصفهاني انظر «مكارم الآثار ٦ : ٢٠٧٨» و تذكر (ديوان حمزه نكار الكارروني) عند تحلّصه «ديوان كاتب الكارروني»
«ديوان حاجب المرويشي الشيرازي» ص ٢١٧: الميرزا حيدر علي بن الميرزا جعفر المولد ١٢٧١ المتوفى ١٣٣٤ راجع «مؤلّعين مشار ٢ : ٩٧٦» و «دانشمندان آدميت ٢ : ١٧٧» طبع ديوانه عبر مرّة بظهران

«ديوان حاجت شيرازي» ص ٢١٧ رقم ١٣٣٠ انظر «دانشمندان آدميت ٢ : ١٨٥».
«ديوان حافظ شيرازي» ص ٢٢٢ رقم ١٣٥٦: من الغريب أيضاً و أيضاً عدّ الحافظ الشيرازي في شعراء الشيعة و إن عدّه منهم شيخنا المحمّد الآخر صاحب أعيان الشيعة قدّس الله تعالى روحيهما في ح ٤٥ ص ٢٢٥ - ٢٢٧ فراجع و انظر مقالة «قصي از تاريخ ادبي و اجتماعي ايران» في «نشرية دانشكده ادبيات و علوم انساني اصفهان ٨ : ٢٠٥ - ٢٢٠».

«ديوان الحزين الكلاي» ص ٢٣٥ رقم ١٤٣٤: انظر للحرّين ما علّقاه على عنوان «تذكرة الشعراء المعاصرين» في ج ٤ ص ٣٨ رقم ١٣٨ و أمّا ولادته في ١١٠٣ عاظمهر أنّ ما عدّه كلام الحرّين في معتنّ تاريخه و كما كلام والده الداعستاني و يظهر من الحرّين

نفسه في أواخر تاريخه أن ولادته في ١١٠١ (و هو الموافق لعامي ١٦٨٩ - ١٦٩٠م) أما وفاته في ١١٨١ (الموافق لعامي ١٧٦٧ - ١٧٦٨ دون ما في المتن ١٧٧٩ خطأ) فمأخذ تاريخ الوفاة في ١١٨١ كلام صاحب «تحفة العالم ص ٤١٩» و أما قوله «و سافر إلى الهند في ١٧٣٤م» فاعلم أنه ذكر نفسه في تاريخه «ص ١١٠ ط اصغهان» أن خروجه من بلاد ايران إلى الهند و الهند في اليوم العاشر من شهر رمضان المبارك ١١٤٦ (و هو الموافق لأوائل العام الميلادي المذكور في المتن أي ٥ فوريه ١٧٣٤) فما يأتي (ص ٦٦٦ س ٣) من أنه خرج من ايران في ١١٤٣ فهو خطأ و السلام. م ع ر عمي عه ٢٠ شهر شوال المكرم ١٤٠٦

«ديوان حسان» ص ٢٣٧ رقم ١٤٤٥ س ٢٣، المحبة: لاحظ ص ٨٢٣ رقم ٥٧٣٩.
«ديوان السلطان حسن» ص ٢٤٠: أقول الظاهر سقوط الرقم لهذا العنوان سهواً حين الاستساح لطبع و الله العالم و في هذه المطالب المذكورة في المتن تأمل لعلنا نتكلم عليها في «جامع الأنساب» و الله للوفى.

ص ٢٤٠ س ١٣، ١٣٩١: هـ الأول: هذا غريب و لعله أراد أن يكتب (الثاني).
«ديوان حسن غزنوي» ص ٢٤٤ رقم ١٤٨١: أقول السيد حسن الغزنوي هو القاتل: مكارم را جو بر عيرد اهل جرد على يابد / مظالم را جو بنشيد جهان عدل عمر گيرد / فعذ الرجل شيعياً في غير محله و الله العالم بسرائر الأحوال.
«ديوان حسن گيلاني أو شعره» ص ٢٤٥ رقم ١٤٨٥: راجع [ديوان فياض ٩: ٨٥٢: ٥٦٩٦] و ما ذكرناه في التكملة.

«ديوان السيد محمد حسين بن حسين بن علي الهندي» ص ٢٤٧: انظر «مشوى عقائد إثني عشرى ١٩: ٢٤٩: ١٩٠٥».

«ديوان حسين بن مساعد» ص ٢٤٨: ينقل عنه الشيخ النهائي في الكشكول ص ٥٤٣ و لعله السيد حسين بن مساعد صاحب «تحفة الأبرار ٣: ...» و الله العالم و قد نقل في مبة الراعين ص «...» عدة أبيات من نظم السيد حسين فليتنع.

«ديوان السيد حسين بن مساعد الحائري» ص ٢٥٣: انظر ما كساه بهامش ص ٢٤٨.
«ديوان السيد المرحوم الحسين العماني» ص ٢٥٣ رقم ١٥٣٤: قوله (و كان يتخلص

شقيقي). أقول و لهذا سيدكر في موضعه ص ٥٣٣ رقم ٢٩٥٩ من دون إشارة إلى ما تقدم منه في هذا الموضع اللهم إلا في الصفحة التالية من ١٠ فأنحد الموضعين المرقمين رائد و ليجمع بينهما و ترجمة الرجل في إحياء الدائر ص ٧٤

«ديوان القاضي المرحوم الميدي» ص ٢٥٤ رقم ١٥٣٥: أقول دون إثبات تشيع الميدي شارح الديوان المرتصوي حرط القتاد و سكرتير ديوانه بعنوانه المطلق و وصف الرجل هنا و هناك و والده بامير الذي هو من ألقاب السادة الأشراف خطأ لم يصحهما به من تقدم من أصحاب التراجم كما أنه عليه أيضاً في المتن و الميدي شارح الديوان و إن كان شاعراً كما هو الظاهر من شرحه نديوان إلا أن ما في المتن راجع إلى المرحوم الشهابوري المعروف بالمعتمدي السابق الذكر برقم ١٥٣٤ فخطب شيخنا المصنف أو ولده بن الرجلين فليتأمل و راجع «الروصات رقم ٢٧٦» فيه تفصيل حول الرجلين و آثارهما كما أنه أورد ترجمتهما المصنف أيضاً في «إحياء الدائر ص ٧٤»

«ديوان حشمت قاجار» ط ٢٥٦ رقم ١٥٤٥: أقول هو الاس السادس عشر لفتح عبشاه ولد ١٢١٦ و مات في طهران ١٢٧٣ انظر [تاريخ رجال ايران ٢، ١٤٧ و ١٤٣٠] و [مكارم الآثار ٢: ٥٦٠].

«ديوان حكيم ميرزا محمدسيد القمي» ص ٢٦١: ص ٤٥١.

«ديوان السيد حيدر الحلبي» ص ٢٦٩ رقم ١٦٢٣. أقول ذكر انيقوي في [البابيات ٣: ١٧٢] عند ترجمة السيد عبدالمطلب المذكور في المتن ما يعلق بديوان السيد حيدر و يأتي السيد عبدالمطلب في [ديوان السيد عبدالمطلب ٧٠٠: ٤٨١٢] مآ و تكمة

«ديوان حورق قاجار» ص ٢٧٤ رقم ١٦٤٩: انظر ترجمة حورق قاجاري شيخ الرئيس في [مكارم الآثار ٥: ١٧٥٣، ١٠٦٢] و هناك تاريخ وفاته في ليلة الأربعاء ٢١ ج ٢ سنة ١٣٣٦ و دفن بجوار بقعة ناصرالدين شاه في الري و ليراجع [سفرنامه خراسان و كرمان] لأفضل الملك و [خاطرات و اسناد ظهيرالسوله] أمّا «مجمع الجوامع» فلم يذكره المصنف في موضعه من النيم و لا في عناد شروح «المختصر النافع» راجع لزماً «مكارم الآثار ١: ٣٠٢ - ٣٠٤» و لم يجد لمكتاب و مؤلفه في الجرائد الأولى من دليل ههريس المرعشي بقم عياً و لا أثر و الله العالم. م ع ر ٤ صفر ١٤١٦

«ديوان المولى حيدر قزويني أو شعره» ص ٢٧٦ رقم ١٦٥٥ أقول لعنه الذي ذكر ترجمته القاضي أحمد القمي في «خلاصة التواريخ ص ٣٧٣» بعنوان مولانا حيدر روح الله روحه العرير و قال إن أصله من بلدة مرو بخراسان و سافر في مبادي أحواله كثيراً و ذكر شيئاً من ترجمته و أشعاره و نسب إليه مصومة «منحة المباح» ثم قال إنه سقط عن السطح في بلدة كاشان و توفي يوم الأربعاء ٢٤ ربيع الآخر أربعاء من شهر صفر سنة ٩٦١ و رثاه مولانا محشم الكاشي و أورد رثائه و قال أيضاً أنه أورد ترجمته مفصلاً في «تذكرة الشعراء» و الطاهر أن التذكرة هذه مفقودة

«ديوان حاتم شيرازي» ص ٢٧٧ رقم ١٦٥٩ أقول انظر [مولعين كتب جامي ١٠١] ٥٨٧.

«ديوان خادم إصفهاني» ص ٢٧٧ رقم ١٦٦٦، أميرالمختار: الصواب (نجات) كما يأتي (١١٧١: ٧٥٥٥) و الجامع العباسي بإصفهان هو المعروف بمسجد الشاه و اعلم أن من جملة من رثاه الخادم هو المير معصوم احماني آبادي المتوفى ١١٥٥ قبل وفاة الخادم البيت الأخير من الرثاء موجود في رجال إصفهان و دانشمندان و بررگان إصفهان «ديوان خاقاني شيرازي» ص ٢٨٠ رقم ١٦٨٤: انظر مقالة حول الكعبة و مناسك الحج في شعر الخاقاني في بشرة «كبهان مرهنگي» ص ٣ ع ٥ الصادرة في مرداد ماه سنة ١٣٦٥ ش.

«ديوان خاكي قزويني» ص ٢٨١: صدر الإسلام المير سيد محمد بن السيد عبدالحسين الخطيب في العهد الناصري انظر «مولعين مشار ٥: ٤٤٨».

«ديوان خاموش» ص ٢٨٥ رقم ١٧٠٦. أمون قد نسي لي بعد ما كتبت هذا إلى شيخنا العلامة أن الشاعر هو الميرزا عبيدخان مترجم القصيدة (انظر رقم ١٧٠٩) كما يهم جيداً من تقريره لجنة عفا في سنة ١٣٤٤ ق (ص ٨٩) و قد جمعا ما عثرنا عليه من أحواله في معتق نسخنا الموصوفة و هي المقولات عن محله عفا ص ١ ص ٨٩ ع ٥ الصادرة في إصفهان ١٣ محرم ١٣٤٥ - ١٣٠٥/٥/١ لصاحبها الشيخ أسدالله ايردگشسپ و أيضاً عن الذريعة [تقليد و طهارت ٤. ٣٨٩: ١٧٢١] و [خلاصنامه امام حسن ٧: ٣٣٨: ١١٥٤] و [خلاصنامه حيدري ١١٥٥] و [شاهشاه نامه حسيني ١٣. ٢٢: ٥٦] و (شاهشاه نامه

حسبي ١٤ : ٢٦٣ : ٢٤٩٥] و مواضع ذكره في «ج ١٩» و ذكرنا تأييده الگنابادي في كتاب رحلته إلى العراق و بعض البلدان العربیة [یادداشتهای سفر بممالک عربی ٤٨ و ٥٦] بعض أحوال الرجل حين غائه له في عدّة مجالس و أكد أنه من الصوفية و الله العالم بالسرائر. و أخيراً ما ذكره الهادي الأميني في «معجم رجال الفكر و الأدب ١٥٠» و فيه تاريخ وفاة الرجل سنة ١٢٧٩ و السلام.

«ديوان خان احمد پادشاه او شعره» ص ٢٨٦ أقول أورد ترجمته المختفي في «خلاصة الأثر ١: ٣٧٣» و يظهر منه أن الرجل كان على مذهب العائنه و أنه هرب من يد السلطان شاه عباس اناصي مع جماعة معنودين إلى جانب السلطان محمد بن مراد العثماني فدخل عليه و امتدحه بفصيدة عظيمة بحنه فيها على أحد گيلان من يد شاه عباس و أهدى له شمعداً مرصعاً قيل إنه حمر ثمانين ألف دينار و لم يحصل على مراده من العسكر و ذهب إلى بغداد بإذن السلطان العثماني فمات بها في سنة ١٠٠٩ انتهى

«ديوان امير خسرو دهلوي» ص ٢٩٣ رقم ١٧٥٣ أقول لا شبهة في أن هذا العنوان أيضاً كعائنه عناوين الشعراء من وطبع بالشرک هو لا يتفید مذهبهم و هذا خلاف وصح الكتاب و الرجل من الصوفية يعم بالشيعة و من أساع جلال الدين محمد البستي انظر لرحمته و شرح آثاره معالة [امير خسرو دهلوي طوطي هند] بالعارسية للدكتور محمد حسين مشايخ مریدي في مجلة [کيهان فرهنگي رقم التسلسل ٤٨ : ٢٦ - ٣١].

«ديوان عطائي صفوي» ص ٢٩٨ رقم ١٧٧٩: انظر مقالة «حافظ و شعراى آذربايجان» في نشرة «کيهان فرهنگي» ص ٣ ع ٤ ص ٢٨ الصادرة في سنة ٦٥ «ديوان السيد خنك المشعشي» ص ٣٠٠ رقم ١٧٩٠ تأليفه كثيرة مذكورة في هذا الكتاب منها الحق المير. يراجع ج ٧ ص ٢٨ و غيره.

«ديوان خليفة سليم گيلاني» ص ٣٠٢ رقم ١٨٠١. انظر ص ٩٣ و هامشها «ديوان هموش طالقاني» ص ٣٠٤ رقم ١٨٢٠: انظر ترجمة اللرويش عبدالحميد الإصفهاني هنا في مقال للسيد محمد صدر هاشمي الإصفهاني نشر في [مجلة وحيد العدد الثاني من السنة الثانية].

«ديوان عواجه إصفهاني او شعره» ص ٣٠٦ رقم ١٨٢٨: هنا من أعرب غرائب

تصرفات الباشا فإن الخواجه هذا هو صاحب مبعوث فصل بن رورهان الخنجي صاحب ميهمان نامه بخارا و سلوك الملوك و غيرها و هو الذي ردّ عليه سيّدنا و مولانا القاضي نور الله المرعشي الشهيد عليه الرحمة بكتابه [إحقاق الحق] كما مرّ في موضعه و قد صرّح ادوارد براون في الموضع المذكور من كتابه [ترجمة رشيد ياسمي ص ٧٨ ط ٢] بتعصّب الرجل في نفسه و يعرف بخواجه مولانا و غيره من الأسماء و النسب و الألقاب و ليس أمره في الصب مشكوكاً حتى يلتبس على أحد فصلاً عن القائم بأمر طبع الذريعة و الله العالم بالسرائر.

«ديوان خواجه عبدالله انصاري» ص ٣٠٦ رقم ١٨٢٩: أقول يأتي تنمّة لهذا البحث حول أشعار الأنصاري في [٩ ٣ ٦٩٤] و راجع ما ذكرناه هامش (صد ميدان) في (ح ١٥: ٣١: ١٧٤) و السلام.

«ديوان خواجه نصر الدين طوسي» ص ٣٠٦ رقم ١٨٣٠ من ١٩، مدخل طبع مدخل منظوم هذا على هامش «بيست باب للحجابدي» بطهران سنة ١٢٧٦ و عدي منه نسخة مورّخة سنة ٩٠٠ و نسخ أخرى.

«ديوان عوشدل الطهراني» ص ٣٠٨: يأتي باسمه (ديوان علي أكبر عوشدل ٩: ٧٥٠: ٥١٠٦).

«ديوان خيرخواه أو شعره» ص ٣١١ راجع «درمع بيست ساله ايران ٦: ٣٩٨». «ديوان داعي الشيرازي» ص ٣١٤ رقم ١٨٦٦: أقول طبع بطهران كتاب «كليات ديوان شاه داعي الشيرازي و مشويات سنّه او» بتحقيق سيّد محمد دبير مياقي ثم طبع بعائنه أيضاً سنة ١٣٨٠ «شاورده رساله شاه داعي شيرازي» و من جملة تلك الرسائل «الكمبية الثانية ١٨: ١٤٠: ١١١٣» يظهر منها تشبّع و لكن لم يذكره شيخنا المصنّف به في طبقاته مع أن سلمه السيّد نعم الله الشهر باوني مترجم في «الصبا اللامع» و تشييع الداعي أقرب و الله العالم بالسرائر م ع ر حرّ في ٢ ع ٢ سنة ١٤١٢

«ديوان دانش القويزي» ص ٣١٥ رقم ١٨٧٢. أقول انظر تفصيل أحوال أرفع الدولة هذا في كتاب «جلسه مشهور بحواشيه لاعتماد السطوة ط طهران ١٣٥٧ش و تعليقاته ١٧٣ ١٧٧» و «مكارم الآثار ٦ رقم ١١٩٣» و يأتي لرجل أيضاً «منوي طول عمر ١٩: ٢٤١: ١٠٧٧».

«ديوان دانش الرشدي» ص ٣١٦ رقم ١٨٧٦ أقول الناظم هو الشيخ حسن بن اسماعيل ولد ١٢٦٥ و مات ١٣٤٦ و طبع ديوانه ١٣٦٥ في رشت و له ترجمة في وقايع ١٣٤٦ في مكارم الآثار و لمراجع كتاب آتيت ص ٢٥ و ٥٥ بهر داود و المؤلفين للمشار.

«ديوان دانش الشيرازي» ص ٣١٦ رقم ١٨٧٧. لمراجع ص ٦٠٠ بعد.

«ديوان داود شيرازي» ص ٣١٩ رقم ١٨٨٦. أقول انظر ح ١٣ ص ٢٣٥ ديل رقم ٨٤٨ و فهرس أعلام الشريعة ص ٢٣٣٩.

«ديوان دردي اصفهاني أو شعره» ص ٣٢١ رقم ١٩١٠ أقول دردي هذا ابن (ساجر ٤١٥: ٢٤١٤) و قوله [و يأتي الخ] كأنه سسي أب يذكر هناك أن في مقدمة ديوان عمه ذكر لهذا الرجل و والده و غيرها من دويه لمراجع [دستور زبان فارسي ٨: ١٥٧: ٦٣١] و انظر كتاب [مؤلفين مشار ١: ٥٨٨] و [دشمنان مهدي ٤٢].

«ديوان الدواني» ص ٣٢٩ رقم ١٩٥٧: أقول مر ذكر «إجارة لدواني ١: ٢٣١»

١٢١٢» و يأتي ديوان سبطه الشيخ صاحب الله في ص ٨٠٧ في ٥٣٤٧ و ذكر المصنف تاريخ وفاة الدواني في «إجارة» و في «إشراق هياكن السور ٢: ١٠٤ من ١» و «شرح الرباعيات ١٣: ٢٧٩: ١٠١٥» و غيرها ص ٩٠٨ و هب هو الأوفى لما حققناه و ذكره أيضاً الشيخ علي الفاضل الدواني في كتابه «شرح زبدة گاني جلال الدين دواني» لمراجع.

ص ٣٣٠ من ٩، الفاضل المعاصر أقول كثير ما يعبّر شيخنا المصنف ره عن الإمام المهدي آية الله العظمى الميرزا السيد محمد باقر الموسوي الإصفهاني صاحب الروضات قلّس الله تعالى روحه بهذا التعبير الخفيف و ليس هذا و أمثاله إلا بدعاء النفس و تركبتها المهيبة و أنت تعلم أن جدنا الأجد الأعني ولد في ١٢٢٦ أي قبل ولادة الشيخ المصنف بما يقرب من سبعين عاماً و توفي اجد قبه بما يقرب من الثمانين فأين التعاصر المتعارف إلا أن هذه شئنة أعرفها من أعزهم فقد سبق شيخنا بالوقعة في أكرم الدراي في عصره شيخه المحدث النوري تجاور الله سبحانه عهما و عما و سأل الله تعالى العصمة في القول والعمل.

«ديوان دهخدا قزويني» ص ٢٣٣ رقم ١٩٦٩. أقول انظر فهرس ما كتب عن دهخدا في مقالة «گريده كتابشناسي دهخدا» مطبوعة في مجلة «نشر دانش ٦: ٥ مرداد و شهرير ١٣٦٥ ش: ٦٠ - ٦٥».

ص ٣٣٦: هو التوفيق؛ صححت و الحمد لله تعالى هذا المخذ على الجدول الخاص المطبوع في مقدمة ط ٢ للجزء ٩ في أواخر ع ١ سنة ١٤٠٥.

القسم الثاني من الجزء التاسع

«ديوان ذبيح إصفهاني» ص ٣٣٨ رقم ١٩٩٨ أقول و بالله التوفيق لم يتعرض الصرآبادي في كتابه نسبة الذبيح و لكن يمكن استظهار كونه في إصفهان في برهة من الزمان و أما التاريخ الذي أورده في المتن هذا فالصواب أن المادة ١٠٩٢ أو ١٠٧٢ و قال الصرآبادي إن نظم بيبي في تاريخ تعمير لإماماراده واجب التعظيم حسب أمر الميرزا إبراهيم المتولي و الت الأول قوله. در سعی و صفا و ريب این حاک کرم / چون کرد جناب متولی تقسم بیک زبان الخ و ليس في نسخة المطبوعة من التذكرة اسم الإماماراده و لتراجع تذكره ميکنه ص ١١٥ و رقم ٣٢٨

«ديوان درة إصفهاني أو شعره» ص ٣٣٨ رقم ٢٠٠٢ ص ٢٥، مخطوطاً و لكن المتولي عبدالله هو؛ وهو غير عمه عبدالله. صححتها في هامش الكواكب المنشرة ص ٤٧١.

«ديوان رائي نائي أو شعره» ص ٣٤٥ يراجع كتاب «أسباب خاندانهای مردم نائين: ٣٦» للبلاعي

«ديوان راز شیرازی فقهی» ص ٣٤٦ رقم ٢٠٣٨، أبي القسم: اسمه اندرويش ميرزا بابا و محمداً أشراف ولده و هو جلال الدين محمد صاحب «مرآة الكامين ٢٠: ٢٨٢ ٢٩٨٥».

«ديوان السيد راضي القروي» ص ٣٤٧ رقم ٢٠٤٩ مكارم الآثار ح ٨ رقم ١٦٧٦.

«ديوان رضا إصفهاني أو شعره» ص ٣٦٣ رقم ٢١٤٤. راجع (ريد گيامه علامه مجتبي ح ٢: ٣١ و ٧١ و ٣٣٠ - ٣٣٢).

«ديوان الشيخ محمد رضا الإصفهاني» ص ٣٦٣ رقم ٢١٤٥ أقول يأتي له (الروص الأريص) و هو ديوان شعره العربي في (ج ١١، ٣٧٣: ١٦٨٣) و طبع طائفة من شعره في كتاب (شعراء العربي).

«ديوان رضا لاهجي أو شعره» ص ٣٦٧ رقم ٢١٧٠ أقول انظر ما كتبه بهامش الكواكب المنشرة ص ٢٦٦.

«ديوان رضي خراساني» ص ٣٧٢ رقم ٢١٩٨: أقول يراجع كتاب «اساد و مكاتبات سياسي ايران من سنة ١١٠٥ إلى ١١٣٥» لعبدالحسين نوائي و مأخذه مقال للمحاج حسين السنجواني في «مجلة دانشكده ادبيات تبريز» بآثير ١٣٤٢ و عنوان المقال «معرفي يك كتاب عطفي و مؤلف آن».

«ديوان رفعت صفائي» ص ٢٧٦ المرح محمدصادق المتوفى ١٣٥٠ طبع للمرة الثانية بطهران سنة ١٣٦٣ش مع مقدمة و منوي «سر الأسرار - يوسف و رليخا» في ٥٦٢ ص و في المقدمة أنه كان صوفياً.

«ديوان رفيعا نائي إصفهائي» ص ٣٧٧ رقم ٢٢٢٠ أقول و قد وقع في هذا الخطأ الماحش و ظن الاتحاد المرحوم مشار في الخوئين ٥: ٤٤٦ و هذا المرحوم دائم الخطأ في مكتوباته فلا يجوز لمحقق الامشاد إليه و الاعتماد عليه مطلقاً.

«ديوان رفيع الدين لبائي» ص ٣٧٨ رقم ٢٢٢٦ طبع ديوانه بطهران في ١٣٦٩ش ١٤١١ إلى في ٢٤٦ ص بتحقيق الاستاذ تقي الدين

«ديوان رفيع إصفهائي» ص ٣٨١ رقم ٢٢٣٤ و رثاله للسيد محمدرضا بن محمدهادي الحسيني الإصفهائي المتوفى ١١٩٥ هـ مذكور في «نعمة الأحباب» ص ٣٩ للسيد طه بهشتي

«ديوان ملا ركي شاهبوري أو شعره» ص ٢٨٤ رقم ٢٢٤٨: توجد قطعه من شرح رسالة المعنا عدي صم بمجموعة «جنگ دحي» و لمراجع ح ١٣ ص ٢٩٠.

«ديوان روح الأميني» ص ٣٨٦ رقم ٢٢٦٢ ص ٢٠، الفواقي الصواب الفواقي و انظر له (مطمح الأنظار ١٩، ٢٩٩، ١٢٩٤) و راجع (دانشمندان مهتوي ١٥١)

«ديوان روي كرماني أو شعره» ص ٣٨٩ رقم ٢٢٧٦: سُبحان الله! اعلم أن الشيخ أحمد و آقا خان كانا صهرين لمرزا يحيى المعروف بصبح أرل الباي و هما من مشاهير الأثرية النائية الملعونة و هذا من أوضح لواصحات و أبده الدلالة و لكن بعض الناس يحسبون الزنادقة و المعارضين لأحكام الله فهذا السبب قد ترى بعض آثار أهل الضلال في هذا الكتاب من دون رضي شيخنا بنصف طاب ثراه بهذا الأمر انظر ما ذكرناه أيضاً بهامش «هشت بهشت في ح ٢٥ ٢٢٣» و مواضع أخرى و نسأل الله العصمة في القول و العمل إن شاء الله.

«ديوان رورهمان» ص ٣٩٠ ٢٢٨٠. أقول لا شك في كون رورهمان هذا من أهل السنة دون الشيعة و يأتي له «كشف الحجب ١٨ : ٢٨ : ٥١٩».

«ديوان رياضي هروي» ص ٣٩٧ رقم ٢٣١٥. مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٧٦.
 «ديوان رياضي بردي أو شعره» ص ٣٩٧ السيد محمدعلي بن السيد إبراهيم انظر العدد الأول من مجلة [كيهان فرهنگي ص ٤٣] ذكر أنه ولد في يرد حوالي عام ١٣٤٠ و توفي ٢٤ ج ١ سنة ١٤٠٢.

«ديوان زنگر تبريزي» ص ٤٠٢ رقم ٢٣٤٥. أقول انظر (ديوان بحيب إصفهاني ١١٧٧) و «نور اهدايه ٢٤ : ٣٨٦ : ٢٠٧٤» و ترجمته في (دانشندان مهدي ٣٢٦ : ٥٢٤).

«ديوان رلالي خوانساري» ص ٤٠٤ رقم ٢٣٥٧ أقول ذكر في (تاريخ جرايد و بحلات ايران ٤ : ١٧٠) أن للميرزا محمدعليخان تربت مقالاً مسوطاً في ترجمة الحكيم رلالي خوانساري نشر في العدد الرابع من مجلته «گنج معارف» في ج ٢ سنة ١٣٤١ في تبريز.

«ديوان ساهر الإصفهاني أو شعره» ص ٤١٥ رقم ٢٤١٤ أقول هو صاحب [دستور زبان فارسي ٨ : ١٥٧ : ٦٣٦] و مرّ ولده في [ديوان دردي ٣٢١ : ١٩٠٠] فراجعهما.
 «ديوان سامان أو شعره» ص ٤٢٢ هو السيد مير عسقي الأديب كما وضعه و رأى خطه المصنف (ج ٤ : ٨٣ : ٣٦٤).

«ديوان سحابي استرآبادي» ص ٤٣٣ رقم ٢٥٠٧ عددا رباعيات سحابي في بياض السيد محمد معين بن السيد محمد مهدي الحسيني رقم ٦١٧٧ و لشبلي نعماني تحليل حول بعض أشعاره عنوانه «شاعر فارسي و فلسفه سحابي يعني» انظر «مجموعه مقالات علامه شبلي نعماني ١٩٤ : ١٩٨» ترجمة سحر داني

«ديوان سيد طيب گيلاني» ص ٤٣٥ رقم ٢٥٢٢ انظر ص ٩٣ و هامشها
 «ديوان سرگشته إصفهاني گرجي» ص ٤٤٠ رقم ٢٥٤٧ : يراجع (برگریده ديوان سه شاعر اصفهان ص ٨٩٩ و ص ٩٠٤) للأستاذ هماني.

«ديوان سرمد كاشي» ص ٤٤٠ رقم ٢٥٤٩ هذان السان لسرمد الكاشاني: در مسلح عشق جر نكو را نكشند / لاعر صفتان رشتحو را نكشند - گر عاشق صادق ر

كشتر مگریر / مُردار شود هر آنکه او ر نکشند. بحمد و حیدش ٢٣١ ص ٧٩.

ص ٤٤١ س ٦، دارا شکوه هو الآتي في «ديوان قنادري».

«ديوان سورش نقرشي» ص ٤٤٤ رقم ٢٥٦٦. يراجع لراماً مكارم الآثار ج ٧ رقم

١٤٥٥ و ١٢٩٠ غلط و الصواب حوالي ١٢٨٠ أو عنه.

«ديوان معبد قمي» ص ٤٥١ ش ٢٥٩٦ قد مر ذكره أيضاً في ١٧٩ بصوان «ديوان

تها قمي» و هما واحد و أخوه الميرزا محمد حسين هو صاحب «الرياض» الآتي ذكره في

«مقدمة رياض ٢٢: ٤٧: ٥٩٩٠».

ص ٤٥١ س ٢٠، ١٠٧٨: الصواب ١٠٧٧

ص ٤٥٢ س ١، أيضاً في فهرس مكتبة الكلباياتي بم ح ٣ ص ٥٤ أن هناك

مجموعة فيها ديوان بحمر الإصعهازي و جنگ اشعار جماعة من الشعراء منهم «ميرزا

محمد سعيد الحكيم» و أنا أظنه صاحب هذا العنوان لمراجع.

ص ٤٥٨ س ١٧، «صراط السطور»: عديم نسخة عصر الناطم ضمن مجموعة ١١٣٥

ص ٤٦٤. عندما مجموعة جنگ فيها تاريخ سنة ١٢٤٠ و من جملة أشعارها «فصا و

قدر رضا قلبي سيم» أولها شيدم روزي از خونابه پوشي / جو گل از باره تن خرقه

پوشي - دُر معنی بگوش دل کشیده شده همچون عصای خرد جریده. الخ

«ديوان سنائي غزنوي» ص ٤٧١ رقم ٢٦٨٣: أقول و إن اشتهر أبوالمجد السنائي

بالشيع و لكن وجدنا من أشعاره عدة أبيات في مدح عمر بن الخطاب منها قوله دوري

ار جهل همچو علم علی / کی از جور همچو عدل عمر؛ إلى غير ذلك من الأشعار و

الله العالم بحقائق الأسرار.

«ديوان سوداني إصعهازي» ص ٤٦٥ رقم ٢٦٩٥: يراجع (مكارم الآثار ج ٧ رقم

١٤٦١).

«ديوان سوري صوفندي» ص ٤٧٦ رقم ٢٦٩٧ س ١٥، و ما يظهر: أقول كثيراً ما تها

في هذه التكملة و غيرها من مؤلفاتنا و تعديفاً أن الرجل لا يكر شيئاً بمجرد مدح قاله

في أمير المؤمنين صوات الله و سلامه عليه فإن حبابه مملوح الجنة و الإس من العرب و

العجم و كم رأينا مناجحه في آثار أشد نواصب و أعداء الشيعة و أما السوري هذا فقد

رأيا في أشعاره آياتاً كثيرة في مدح عمر بن خطاب و أشباهه و الله العالم بالصواب.
«ديوان سيّد إصفهاني» ص ٤٨١ رقم ٢٧٢٧. و يأتي في ص ٦٠٠ ديوان صدرای
إصفهاني أو شعره و هو ابن المير عبدالحسب المذكور.

«ديوان سيّد شوشتری» ص ٤٨٢ رقم ٢٧٣٢ أقول السيّد الشوشتری اللكهنوي هذا
والده علي أكبر بن محمد جعفر و يأتي له «امرّ و السوى ٢٣: ١٥٣ ٨٤٦٦» و تفصيل
ترجمته و آثاره في «أحسن الوديعه ١: ٣٠٤ ط ١» و «مكارم الآثار ٣ رقم ٣٤٥» و
«نقباء البشر ٣ رقم ١٥٠٨» و «مؤلفين مشار ٣: ٦٦٣» و «حديقة الشعراء ٢: ١١٦٦» و
لم يعرفه مؤلفه و لا ناشره مطلقاً و «مرهة خواطر ٨: ٢٠٩» و لم عنه في «مهرنگ
سخنوران».

«ديوان سلفي بخاري» رقم ٢٧٥٢ - ص ٤٨٧ س ٤١، و له رسالة في العروض - عندما مه
سبعة (بمجموعة رقم ٤١٨٥) و هي مطبوعة مكرّر (مهرست مشار ص ١١١).
«ديوان سميع شهباني» ص ٤٨٩ رقم ٢٧٦٣. (تذكره عنوي) مذكورة في فهرس مشار
و ذكرناها في موضعها عنه.

«ديوان شادي نكلو» ص ٤٩٤ رقم ٢٧٨٨ من ١٦٦، بتدقيقه: أقول الصمير راجع إلى
المدح فإن المدح هو حجة الله النابعة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب
صلوات الله و سلامه عليه و بيت صته هكذا [گر دشمن کشید ساعر اگر دوست
بیاد ابروی مردانهی اوست] كما في «دارالسلام ١: ٢٣٨» للمحدث النوري ره عن
«تاريخ عالم آرا» و غيره.

«ديوان شاهين فراهاني أو شعرها» ص ٥٠٣ رقم ٢٨٢٥: راجع «مكارم الآثار ٧ رقم
١٥٠٣».

«ديوان شرح الإسلام الجمي أو شعره» ص ٥١١: المعاصر الشيع محمد، راجع
(أعيان الشيعة ٤٥: ٢١٩ - ٢٢١).

«ديوان الشرف الجند حفصي أو شعره» ص ٥١٢ رقم ٢٨٦٩ س ٨، كما يأتي: انظر في
هذا المجلد ص ٦٨٥ رقم ٤٧٧٧.

«ديوان شرف يزدي» ص ٥١٧ رقم ٢٨٨٣ أقول راجع [انصاء اللامع ١٠١] و ما

- ذكرناه في التعليق عليه و قوله «نمر نامه» أقول الصواب [تيمور نامه ٤: ٥١٨: ٢٣٠٣].
- «ديوان الشريف الجرجاني أو شعره» ص ٥٢١ رقم ٢٨٩٨: «السيد الشريف هذا من أكبر أهل السنة دون الشيعة و مرّ ذكر حميده بن اصب في [ديوان أشرف الجرجاني ٧٧: ٤٤٦] و يأتي ذكر بعض أعقابه [ديوان شريفي] متعدداً.
- «ديوان شريفي شراري» ص ٥٢٥ رقم ٢٩١٣: انظر سائر ما تحله [فرهنگ سخوراد ٢٩٩] و توجد ترجمته في [دانشمندان و سخنرايان فارس ٣: ٢٦٢] و ترجمة جدّه السيد شريف أيضاً فيه [٣: ٢٥١ - ٢٥٥] و مرّ ذكره في [ديوان الشريف ٥٢١: ٢٨٩٨].
- «ديوان شعاع شراري» ص ٥٢٦ رقم ١٨٢٠: أقول الصواب أن شعاع الملك ولد بشيرار سنة ١٢٨٩ ساعة قبل ظهر يوم السبت ١١ ذي القعدة و توفي عصر يوم الأربعاء الثامن من جمادى الآخرة ١٣٦٣ (العاشر من محرماد ماه ١٣٢٣ش) بشيراز. انظر ترجمته في [دانشمندان و سخنرايان فارس ٣: ٢٦٨] فما بعدها و هاك ناربغ وفاته ١٣٦٥ و هو أيضاً خطأ و الصواب ما نقله عن ترجمته في شرح آثاره في [ناربغ تذكره های فارسی ١: ٢٥٥] فما بعدها [فهرست آثار الرجال و مآثره همة جديدة بالشعر جذاً و بعض ماخذ ترجمته في [فرهنگ سخوراد ٢٩٩] و راجع [فهرست مکتبه ملک «.» و (بذكرة مرآة المصاحفة للذاور ص ٣٠٠ - ٣٠٥) مكارم الآثار ح ٨ رقم ١٧٥٦
- «ديوان شعاع» ص ٥٢٧. و هو مبرراً اسمعيل الآشتياني المتوفى سنة ١٣٩٠ و هو ابن العلامة الحاج الشيخ مرتضى ذكرناه «أحسن الأدعية» و «شرح الأسماء المحسني» نقلاً عن مقدمة «ديوان أميري ميرور كوهي ١: ٤٣» و راجع سخوراد نامي معاصر ١: ١٣٢ و مقدمة «١٤ رساله فارسي حاج ميرزا أحمد آشتياني: ١٣» و «مكارم الآثار: رقم ١٤٥٩» في دليل ترجمة والده
- «ديوان شفائي» ص ٥٢٩ رقم ٢٩٤٢ أقول يأتي رثائه للصعبي في ص ٥٩٩.
- «ديوان شفيقي شهابوري» ص ٥٣٣ رقم ٢٩٥٩: أقول قد مرّ أيضاً «ديوان السيد ميرحسين ٢٥٢. ١٥٣٤» فراجع.
- «ديوان شوقي حراساي» ص ٥٤٩ رقم ٣٠٣٨ يراجع مكارم الآثار ح ٧ ش ١٤٥٤.
- «ديوان شهریار تويوي» ص ٥٥٩ رقم ٣٠٩٣: أقول انظر صورته بمحضر أهل اهوی

في جريدة «روزنامه اطلاعات» الرقم ١٤١٩٦ ص ٥ الصادرة في ٧ شهر شعبان ١٣٩٣ الموافق ١٤ شهر يور ٥٢» و في خطه و شعره و كلمته.

«ديوان شيداي إصفهاني» رقم ٣١٣٠ - ص ٥٦٦ س ٧، ثمه الشيخ محمد علي حبيب آبادي لم يفهم معنى لهذا الكلام و انظر أن فيه عطلاً.

«ديوان صائب إصفهاني» ص ٥٦٩ رقم ٣١٤٨ أقول راجع ما ذكرناه همامش ص ٦٨ ح ٢٢ الرقم ٦٠٩٤ (مقدمة ديوان صائب الإصفهاني) و انظر «واجب الحفظ ٢٥ : ٥ : ٢٢» و ما ذكرناه في التكملة بصواب «سبعة صائب»، و يراجع مقدمة ديوان أشرف مارنداري حتماً (چاپ موقوفات اشعار)

«ديوان صابر ترمذي» ص ٥٧٢ رقم ٣١٥٧ و في ديوان هذا الأديب عدة أبيات متفرقة في مدح أبي بكر و عمر و عثمان فلا يكون شيعياً و مدحه لأهل المؤمنين صلوات الله و سلامه عليه لا يدل على الشيع ككثير من الشعراء

«ديوان صاحب علي آبادي» ص ٥٧٥ رقم ٣١٥٨ طبع ديوانه عقب ديوان الوصال الشيرازي.

«ديوان صادق تهراني» ص ٥٧٨ رقم ٣١٨٦ راجع ديوان ولده المختص هجري في (ص ١٢٩٠ : ١٢٧٠)

«ديوان صادقي ميا» ص ٥٨٢ رقم ٣٢٠٢ أقول انظر «شاهد صادق ١٣ : ١٥ : ٤٠» مع التكملة و في [مرهنگ سخنوران ٣٢٤] ذكر بعض ما أخذ ترجمته قوله «و جد الميرزا طاهر» و أيضاً «و مال حمده النصر آبادي» أقول هذا خطأ فاحش نشأ من قلة التأمل في كلام التذكرة والذي يظهر منها أن ميرزا صاحب جد صاحبها و ميرزا صادق ولد جدّه و لنا صرح العلامة خليل صاحب «ريحانة الأدب ١ : ١٣٥» بالنسبة هكذا «ميا ميرزا صادق نصر آبادي پسر ميرزا صاحب و عموی میرزا محمد طاهر مؤلف تذكرة» الخ و اعلم أن كثيراً مما في أجزاء المجلد التاسع هذا من الدررعة ليس لمؤلف الأصل بل من إضافات الناشر من دون تصريح بذلك و لد وقعت سعة الأعلاط على عاتق الشيخ للصف ره و سباني تكرار الخطأ المذكور في [ديوان طاهر نصر آبادي ٦٤٣ : ٤٥٥٧ و كذا في «روضة البضرة ص ٢٧٥» و «الكواكب سطرة ص ٣٩٩» و لعل بالمراجعة إلى

مخطوطات التذكرة يحصل حدودى فوق النسخة المطبوعة ليست يتسك المثابة من الصحة و الله الموفق.

ص ٥٨٢ س ١٥، إلى اصفهان: أقول في التذكرة صرح بأنه كان يبحث بمظوماته إلى المرزا طاهر صاحب التذكرة.

«ديوان صافي اصفهاني» ص ٥٨٤ رقم ٣٢١٢ س ١٤، (مع - ٢ - ٣٩٧): مجمع العصحاء الطعة الحروفية ح ٥ ص ٦٧٣ و عنده نسخة الأصل من كتاب رتبة الأسباب للسيد جعفر الصافي كما يأتي في محته و كتاب يأتي كتابه (شهشاه نامه ١٤ : ٢٦٢ : ٢٤٩٣) و طبع اسم الكتاب خطأ في النسخ و أيضاً «گلشن خيال ١٨ : ٢٢٦ : ١٢٧» و ذكره الامام جلال اصفهاني في (مقتعة برگريده ديوان مه شعر اصفهان. ١٢٨) و سبه و هما طائفة السادة الطبائفة من أهل بلدة رواره و هو خطأ تم ذكر له (في ص ١٣٢) ولداً شاعر باسم السيد محمد المخلص بويده و الله العالم

«ديوان السيد محمد صالح المهي دشتي الكرمشاهي» ص ٥٨٩ راجع (ديوان محمد صالح ٩٩٩ : ٦٥١٨).

«ديوان صبوري خراساني» ص ٥٩٨ رقم ٤٢٩٤ : حجّ الصوري عدم ١٣١٦ و لذا ورد ذكره في مواضع من «سمرنامه امين النول» حاج ميرزا عسحاق صدر اعظم.

«ديوان صبوري دشتي» ص ٥٩٨ رقم ٤٢٩٦ : معمره حوالي ٤٨ سنة. يراجع كتاب آناهيتا ص ٥٥ لبور داود و مكارم الآثار ٥ : ص ١٧٩٤.

«ديوان مولانا صبحي شيرازي» ص ٥٩٩ رقم ٤٣٠٣ : أقول تكرر ذكر الصبحي هذا في مواضع من «آثار ملّي اصفهان» للربيعي منها في ص ٥٧٦ و ٦٤٤.

«ديوان صدراي اصفهاني أو شعره» ص ٦٠٠ رقم ٤٣٠٥ : و مرّ في ص ٤٨١ ديوان سيد الإصفهاني و هو السيد مرتضى بن محمد أشرف ابن عبدالحسين المذكور.

«ديوان صدر الأفاضل شيرازي» ص ٦٠١ : طبع ديوان صدر الأفاضل قلّس سرّه في مجموعة كبيرة و تزيد على ألف صفحة سنة ١٤٠٦ بطهران باهتمام حميد العاقل الحاج ميرزا فخر الدين بصيري جراه الله تعالى بحراً.

«ديوان صدر الدين درفوني» ص ٦٠٢ رقم ٤٣١٥ : لقبه الشعري كاشف كما يأتي الثالث من التاسع ص ٨٩٧ فراجع.

«ديوان السيد صدر الدين العاملي» ص ٦٠٣ رقم ٤٣١٧: توجد ترجمة جَدًّا الأَفَقِ
الأَعْلَى السَّيِّدِ صدر الدين العاملي الإصمهابي فَنَسَّ اللهُ رُوحَهُ فِي الْكَرَامِ الْبَرَّةِ ٦٦٨ - ٦٧٠
و توجد أيضاً ترجمته و طائفة من شعره الرائي في أعيان الشيعة ح ٤٥ ص ٢٤٣ - ٢٤٨ و
عندنا بعض شعره بخطه طاب مثواه.

«ديوان صفا شيرازي او شعره» ص ٦٠٩ رقم ٤٣٥٢ أقول انظر الوالد في مكارم الآثار ج ٤ رقم ٧٩٠ و الولد فيه أيضاً ج ٦ رقم ١٣٩٧.

«ديوان صفي الدين الأردبيلي أو شعره» ص ٦١٤ رقم ٤٣٨٢: راجع ح ١٥ ص ٤٩ و ج ٢٣ ص ٢٣٩.

«ديوان محمد همداني أو شعره» ص ٦١٨ رقم ٤٤٠٧ أقول هذا الرجل مع ما وضعه المصنف بالكمالات العلمية ابعثر في التصوف و اسلك في سبك مشايخ تنك العرقه الصالفة كما مرّ في التكملة و أورد له في تلخيص كبري رياس العارفين ٤٦٥ ط ٢ بيتاً واحداً في غاية السجاعة و هو قوله ر كعبه عاقبت الامر سكوي دير شدم / هزار شكر كه من عاقبت بخير شدم.

«ديوان الصنوبري» ص ٩٢٠ رقم ٤٤١٩: راجع كتاب (سيف الدولة و عصر
أحمدانيين) لسامي الكيالي (ط دار المعارف بمصر ١٧٩ وما بعدها).

«ديوان طيِّب» ص ٦٢٧ رقم ١٤٦٩: الطاهر أنه الأبي بعده على ما أضف و الله العالم

«ديوان ضياء إصفهاني» ص ٦٢٨ رقم ٤٤٧٠ مراجع مكارم الآثار ح ٧ رقم ١٤٩٨

«ديوان صيالي بيرجدي» ص ٦٣٢ رقم ٤٤٩٧: أقول انظر له «مقامات معوى ٢٢
رقم ٥٧٨٥» مع المستدرک و أمّا بهارستان فياني في (ج ٢٦ رقم ٦٨٣) و هياک غلّصه
صياء.

«ديوان طاهر نصراًبادي» ص ٦٤٣ رقم ١٤٥٥٧، حميد قوته «حميد اميررا صادق» الخ أقول قد بينا هـاك في التكملة أن هذا الانتساب علق من الناشر الذي أدخل هذه العناوين في أصل السريعة و أن الصواب غير ما فهمه الناشر فالنصرآبادي قال في التذكرة إن الميرزا صادق ولد الميرزا صالح جد الزعيم اميررا صالح جد الميرزا طاهر و أمّا والد الميرزا طاهر فلا تعلم اسمه كما لا نعلم أن اميررا صالح جدّه الأعلى أو الأدنى من قبل

الأب أو الأم كما أنه لم يصرح بكيفية انتسابه مع الميرزا صادق من أنه عمه أو بحاله أو ابن عمه أو غير هذه و إن ذكر صاحب الريحانة بأن الصادق عم الطاهر و لكنه استتبع هذا من التذكرة و لا غير و الله العالم و أمّا تاريخ وفاة الميرزا طاهر فعير معلوم رغم وجود قبره في قرية نصرآباد إصعها. م عر عفي عه في ليلة ١٨ رمضان ١٤١١

«ديوان طبيب إصعها» ص ٦٤٤ رقم ٤٥٦٧ أقول طبع ديوان طبيب الإصعها في همدان بطهران سنة ١٣٨٨ و معه رسالة مبسوطة حول الديوان و ناظمه و لم يوفق الأديان القائمان بشر الديوان لأداء حقّه رغم جهدهما لذلك فيعي إعادة طبعه على نسخ كاملة مصحّحة كما أن في الرسالة موصوفة أيضاً قد وقع بعض الأخطاء العارضة و توجد نسخ خطية للديوان في إصعها و غير إصعها شمر إليها و إلى بعض أخطاء النسخة المطبوعة في مقالة نشرت في «شريحه دانشكده ادبيات و علوم انساني إصعها» ٣٠٠ - ٣٢٩.

«ديوان طرفه» ص ٦٤٨ رقم ٤٥٨٥: أقول نظر كتب «دليل الرائي» لعبدالعلي أديب الملك انطوع بطهران سنة ١٤٠٥ في أكثر صفحاته ذكر الطرفه و كما أورد ذكره في كتاب [دافع العرور] أيضاً لأديب الملك ط طهران و مرّ ذكر أخيه «ديوان خاقاني محلاتي ٢٨١ ١٦٨٥» و يأتي لفظة «نيار سلاطين ٢٤: ٤٣٢: ٢٢٦٨» و «ديوان مرج الله طرفه ٩: ٨١٨».

«ديوان طريقي كرماني» ص ٦٤٨ رقم ٤٥٨٩: أقول انظر «ديوان مظفرعليشاه ٩٥: ١٠٦١».

«ديوان طلايع بن رزيك» ص ٦٥٠ رقم ٤٦٠١ أقول انظر كتابا [جامع الأسباب ...]

«ديوان ظهير قارياني» ص ٦٥٩ رقم ٤٦٤٧ أقول مراد الطبعة التي اهتم بها الأديب الشاعر الفاضل الحاج ميرزا موسى الأنصاري الإصعها (١٢٧٣ - ١٣٦٠) المذكور في «مكارم الآثار ٦ رقم ١٢٨٢» و هي طبعة حجرية كتبها الأديب الخطاط الشاعر الماهر ميرزا فتح الله الجلالى الإصعها (١٢٨٩ - ١٣٣٦) في ٣٧٢ صفحة و لها مقدّمة و خاتمة أمّا محل الطبع ففي طهران مباشرة الحاج لشيخ أحمد الشيرازي الطهراني الكتي المعروف في زمانه و أعيد طبعها بالأوفست سنة ١٣٦١ ش بطهران.

«ديوان عارف الاصطهباناتي» ص ٦٦٥ رقم ٤٦٧٢: أقول انظر ما نقلناه عن «مرآة الكتب» بهامش «حديقة الشعراء» ٦- ٣٨٥.

ص ٦٦٦ س ٣، إلى ١١٤٣: أقول الصواب ١١٤٦ كما بيناه بهامش (ج ٩: ٢٣٥، ١٤٣٤) لمراجعته.

«ديوان عارفي المشار» ص ٦٧١ رقم ٤٦٩٨ يراجع مكارم الآثار ح ٧ رقم ١٦٢٢.
 «ديوان السيد عباس الملكي أو شعره» ص ٦٧٩، أورد بعض أشعاره بالعربية في كتابه [برهة الجيس و مبة الأديب الجيس ٢ ٤٠١ - ٤٠٣] و منها: بس كس اى عباس مكى نا بكى / در هوس ماسى ميان لبث و كى، و هو جدّ السيد موسى العاملي المذكور في محله (ص ١١٢١: ٧٢٣٥).

«ديوان المولى عبدالأحد أو شعره» ص ٦٨٢ رقم ٤٧٥٧ أقول انظر ما مرّ في «خطبة ابن الحماد ٧ ١٩٥» و ما ذكره المصنف في كتابه «إحياء الدائر ١١٧» و ما ذكرناه في النكلمة.

«ديوان الشيخ عبدالحسين شكر» ص ٦٨٣ رقم ٤٧٦٥ يراجع مكارم الآثار ح ٧ رقم ١٦١١.

«ديوان الشيخ عبدالحسين محي الدين» ص ٦٨٤ رقم ٤٧٦٩ أقول يراجع استدركات النبأ في الطبعة الثانية ص ٤٧.

ص ٦٤٨ س ١١، محي الدين: رائد كما أنّه عليه في النبأ ص ١٠٣٢ عند ترجمته المفصلة.

ص ٦٨٤ س ١٢، محي: / محي: كما في النبأ أيضاً.

«ديوان عبدالرؤف الجدهفصي» ص ٦٨٥ رقم ٤٧٧٧. يراجع لراماً (الروضة الصرة ص ١١٧ و ص ٣٢٣)

ص ٦٨٥ س ٢١: قوله «على قبر جدّه الأُمّي» أقول إذا كان المراد من السيد ماجد هذا الذي مرّ ذكره و السيد عبدالرؤف أيضاً صاحب الصواب فقد ذكر شيخنا أنّ السيد ماجد هو ابن اخته و الله العالم فليراجع لتحقيق نسبة إلى كشكول الشيخ يوسف.

«ديوان الشيخ عبدالرحيم السلطان آبادي» ص ٦٨٦ رقم ٤٧٨١: أقول الصواب أنّ

الشيخ عبدالرحيم نوقى ليلة الجمعة السادس من شهر ذي القعدة للسنة المذكورة كما أخبرنا به ولده الدكتور حسين المصري المُسن بطهران و كما قيده شيخ المصنف بهامش نسخة الخاصة من [نقد البشر ١١٠٤، ١٦١٢] حيث ذكر ترجمته هناك و يأتي له أيضاً [مشرق الأنوار ٣١: ٤٧: ٣٩٠٠].

«ديوان عبدالرشيد شوشنري» ص ٦٨٨ الذي يأتي في «ديوان وفائي» ١٢٧٥: ١٣ ان عبدالرسول المذاح الشوشنري غير الحاج ملا فتح الله لوفائي مراجعه.
ص ٦٨٨ هو الله سبحانه تم تصحيح هذا الجزء أيضاً وفق الجداول بهذا اللون في ع ١ سنة ١٤٠٥ م عر عمي عه

مقدمة الطبعة الثانية للجزء التاسع

ابن جهل صفحه اهدائي آقای حاج سيف الله اسماعيليان مقيم قم ناشر كتابست بتوسط جناب آقای شيخ رضا امسادی نهرای وصول و سببه پست ٢٠ محرم ٩٨ = ٥٦/١٠/١٠.

ص ٢ ار تذكره خلاصة الأشعار مرثي للدين كاشاني گویا استعاده مكرده اند.
ص ٥ س ٩، لسامي سام میرا بن الشاه اسماعيل - ولد سام میرا سنة ٩٢٣ و مات سنة ٩٨٣ و تاريخ تأليفه ٩٥٧.

ص ١١: (تذكرة المدرسي مرتضى) يفل عنه في ص ١٦٧ ١٠٥٢.
ص ١١ س ٦، علي شير النوائى م ٩٠٥ في الذريعة وفاته سنة ٩٠٦ و تاريخ تأليفه ٨٩٥.

ص ٣٩: بسم الله تعالى صححت ما ذكر في هذه الجداول و غيرها في جميع أجزاء الكتاب و الحمد لله رب العالمين في ليلة ٢٩ ع ١ سنة ١٤٠٥ حرره الحقيق م عر عمي عه

القسم الثالث من الجزء التاسع

اعلم أن هذه الأجزاء المطبوعة من دواوين السريعة ليست كما ألفتها و رتبها العلامة الحاج شيخ آقای بررگ فقد تصرف فيها ولده عليني و راد فيها ما شاء من دواوين غير

الشيعة الإمامية من الفرق الصالحة بأجمعهم فلا يسكن كل ما في هذه الأجزاء على تشييع الشاعر مطلقاً ولا تقرر.

«ديوان السيد عبدالمطلب» ص ٧٠٠ رقم ٤٨٦٢. أقول انظر ترجمته في [اليابليات ٣: ٢: ١١٣ لليعقوبي] و لم يذكره المصنف في «سقاء» و يأتي له ذكر في التكملة على «ديوان مهيار ١١٣٨: ٧٣٣٢» و مر ذكره في [ديوان السيد حيدر الخئي ٢٦٩: ١٦٢٣] و يأتي في [ديوان السيد مهدي ١١٣٣: ٧٣٠٦].

«ديوان عبدالوحيد الواحظ الكيلاني او شعره» ص ٧٠٢: انظر «نظم صد كلمه ٢٤: ٢١٦: ١١٢٠» و هناك منظوم كثيرة.

«ديوان السيد عدنان» ص ٧٠٨ رقم ٤٩٠٩: أقول يأتي ديوان ولده السيد عني في ٧٤٥ و ذكرها في كتابها جامع الأنساب ج ١ ص ٢٧ و هناك عمود يسهم و أسماء فروعهم و شيء من تراجم أعلامهم.

«ديوان عسري بيگدلي» ص ٧٠٩ - ١٩١٠: أقول ذكر ترجمة عسري صديقا السيد محمد صدر هاشمي في مقال له طبع في (مجلة واحد العدد الثاني من السنة الثانية) و قال إنه توفي في إصفهان في (١١٨٥) عام وفاة الدرويش عبدالحميد محمودي و دفن في ايوان مرار درب امام و ذكر أن عنده نسخة من تذكرة اسحق بيگ و وضعها أيضاً فراجعها

«ديوان عرشي اكبرآبادي» ٧١٠ رقم ٤٩١٤: ذكره أخوه امير محمد صالح الكشمي (ص ٩١١: ٦٠٢٠) في كتابه (مقاب مرتصوى: ٢٢) و مأخذ ترجمته في (فرهنگ سخنوران ص ٣٨٦) و توجد ترجمته أيضاً في «زهره الخواطر ٥: ٣٩٠» عن «مرآة العام» فلاحظ.

«ديوان عزالدین کاشانی او شعره» ص ٧١٦ رقم ٤٩٣٨- أقول هذا هو الآتي في (ص ٧١٨. ٤٩٥٦) و الرجل من الصوفية البهتة و بعيد عن الشيعة الإمامية فهو كصاحبه عبدالرزي الكاشاني مؤلف اصطلاحات (٢: ١٢٢) و قوله «رايت شعره» القائل هو ولد المؤلف حيث أدخل ما رآه أيضاً في خلال الأصل فاحفظ الحابل بالمابل.

«ديوان عزلقی» ص ٧١٧ رقم ٤٩٤٢ هو من ملاحدة الصوفية عني ما يأتي في التعليق على كتابه [مشارقي التوحيد ٢٦: ٤٨].

«ديوان عرير كاشي» ص ٧١٨ رقم ٤٩٥٦. أقول راجع ما مرّ في ص ٢١٦ : ٤٩٣٨

«ديوان عطار بيشابوري» ص ٧٢٩ رقم ٧٠٥٠. أقول غير حمي على أحد أن العطار هذا كالكثير من الشعراء المذكورين في هذه الأجزاء على خلاف الشيعة و الإمامية فإنّ دلائل أمثاله في الدررعة على غير مسلك شيخنا المصنّف و رصاده و انظر ما ذكرناه بهامش «هفت وادی ٢٥ : ٢٣٧ - ٤٦١» و بهامش «تذكرة الأولياء ٤ : ٢٩ : ١٠٠» و لا تعمل عمّا ذكرناه بهامش «لسان الغيب ١٨ : ٣٠٩ : ٢٢٤» و أمّا تاريخ قتل العطار البيشابوري فذكر محمد القروي في (مقدمة تذكرة الأولياء) أنّه بعد سنة ٦١٧ و اختار فروراهر في (شرح أحوال عطار ٩٠ - ٩٢) أنّه في النصف الأخير من شهر صفر ٦١٨ و الله العالم و يريدك هذا بياناً أنّ الرجل كحجمه اجلال السخي باطم المشوي و عامة أهل التصوّف يقولون بوحدة الوجود و يعتقدون بها و ليس هذا إلّا بإغواء الشيطان لرخص المبادئ البدئية و أعمال الأركان و التمدّد من اشتبهات بطريق خاصّ كما يقول شاعرهم داني كه چنگ و عود چه تقریر می کند / بهان جورید ناده كه تكهیر می کند. و حاصل كلامهم في وحدة الوجود هو رخص ما وراء المادّة و القول بأنّ الله هو الإنسان و الإنسان هو هو انظر إلى كلام المشوي حيث يقول (مطرب عشق این رید وقت سماع - بدگئی [.] خداوندی صداع قال الدكتور يعقوب آژند في كتاب [ادبيات ایران در زمان سلجوقيان و معولان ص ٩٤] و اصله ليرفسور يان ريكا و هذا غير كلامه بلفظه [عطار (يعني الشيخ فریدندي البيشابوري هذا) وحدت وجود و تصوف را با جستجوی مطلق تعميق بخشد، جستجویی كه لبّ و معر آن خدا ساری خویشی خویش بود] انتهى المقصود من كلامه و الله العاصم.

«ديوان علاء سماني» ص ٧٣٣ رقم ٥٠٤٢: أقول أورد ترجمة الشيخ علاء الدين السماني ملخصاً في الحقائق الراهنة ص ١٠ أيضاً و لكن لا يحصى أنّ هذا الرجل من أهل التصوّف و التمسّ بل قل الصب و لا حرج فإنّ من أنكر وجود الحقّة ابن الحسن (عني حدّ تعبير الحقائق الراهنة) لا يمكن أن يكون سبياً فكيف يكونه شيعياً إمامياً و الله اهادي إلى سواء سبيل.

«ديوان علم الهدى» رقم ٥٠٥٠ ص ٧٣٦ س ١، دكن: انظر (ج ١ رقم ١١٣٣) و ما كتباه بهامش «النايس ص ٢٠٧».

«ديوان علي بن الشيخ جعفر كاشف الغطاء» ص ٧٤٠ رقم ٥٠٦٧: قال في ماضي المجتف ١٧٠ ٠٣ في ترجمة خالنا العلامة الكبير الشيخ عني بن الشيخ الأكبر الشيخ جعفر ما لفظه «و له شعر كثير و هو جَد الشعر و نعبه و قد نظم في أغلب أنواع الشعر من العزل و السبيب و المدح و الرثاء و له مراسلات و مكاتبات مع الأدباء نظمًا و نثرًا» انتهى و أورد الخاقاني في (شعراء العربي ٦ ٢٥٥ - ٢٧٥) عند ترجمته الطويلة طائفة من شعره و بعض رسائله أيضاً فراجع و انظر ما علقناه على ج ١١: ٢١٦ ١٣٠٨ من كتابنا الذريعة هذا. م ع ر عني الله تعالى عنه في عصرة الجمعة ٢٢ شهر جمادي الآخرة ١٤٠٥ و عمر الله لنا و بحانا من شرّ الحسابة و الطواعيب و المراجعة بحق النبي و آل

«ديوان علي بن ناصر بن زيدان العامري» ص ٧٤٨ رقم ٥٠٩٤. مكارم الآثار ج ٨ رقم

١٧٦٢.

«ديوان علي أكبر خوشدل» ص ٧٥٠ رقم ٥١٠٦. أقول هو ابن الحاج رحيم (صلحتموه) ابن مهدي بيك الكرماتشاهي ولد ٨ شوال ١٣٣٢ و توفي ليلة الأربعاء ١٩ محرم ١٤٠٧ و دفن في مرار ابن بابويه بالري طبع ديوانه الكامل أتمراً في ٨٢٠ ص و نشرت مسخته قبل وفاته بآيام غلائل و قوله ان عمدة الأسرار طبع سنة ١٣٤٠ أقول هكذا ورد في حرف العين أيضاً و لكن المذكور في فهرس المشار سنة ١٣٥٦ في فعلتها جدد طبعها في ١٣٤٠ م و انظر ترجمة الرجل في «مؤلفين كتب جايي ٤: ٥٠٥» و مجلة «كبهان مرهنگي ٣- ٧: ٤١» و هو القائل في أبيات: بررگ فلسفه لمخت حسين ايست / كه مرگ سرخ به از زندگي سگين است

«ديوان عليخان گلپايگاني او شعره» ص ٧٥٣ رقم ٥١٢٣: يراجع الكواكب المنتشرة

ص ٢٥٧ و ٥٤٩.

«ديوان السيد عليخان المشعشي» ص ٧٥٥ رقم ٥١٢٥: ذكرنا ترجمته و أوردنا سبه و ترجمنا لأعلام أسرة السيد عليخان المشعشي في المجلد الأول من كتابنا (جامع الأنساب ص ١٣٧ و حوالها) و راجع له «نكت اليباد» في (ج ٢٤: ٣٠٣: ١٥٨٩).

«ديوان سيد علي همداني او شعره» ص ٧٦٥ رقم ٥١٧٧: أقول الصواب في تاريخ وفاته سنة ٧٨٦ كما مرّ في «دخيرة الموك ١٠: ٢١: ١٠٦» و صرّح الحافظ كريلاني في

«روصات الجبال» بوقوع وفاته في ليلة الأربعاء السادس من ذي حجة العام المذكور ٧٨٦.
«ديوان عماد لشكر» ص ٧٦٨ رقم ٥١٨٩. رداً يراجع مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٦١٤.

«ديوان عميدالدين أسعد الهمداني» ص ٧٧٠ رقم ٥٢٠٢: أقول يأتي «قصيدة [كذا] الاشكوية ١٧: ١٠٩ ٥٩٠» و لا دليل على تشيع الرجل مطلقاً شأن كثير من الشعراء المذكورين في هذه الأجزاء و لذا لم يذكره في «الطبقات» و طبعت القصيدة ضمن مجموعة «شرح المعلقات السبع و غيره» على الحجر بطهران سنة ١٢٧٣ كما طبع أيضاً «...» انظر «شذوذاً»...

«ديوان عصري» ص ٧٧٣ رقم ٥٢٢٢: أقول في ديوان العصري مدح بعض الخلفاء كعمر بن الخطاب فليحتمل شيئاً على أنه كان أمير الشعراء لمحمود و السعيد العرنويين المعلوم من ههنا و سبأني في «ديوان العضايري ٥٣٢٠» ما يشير إلى جباريته و ههنا.
«ديوان عين القضاة همداني» ص ٧٨١ رقم ٥٢٧٠: أقول هذا الرجل من أولياء أصحاب الخليل و المرنديين، سادعين الاشتراكيين العروسيين و الصوفيّة الدهيّين و أمثال هؤلاء المدحيين المبعضين لشيعة أمير المؤمنين صلوات الله عليه فراجع كتاب (راحة الروح في شرح حديث مثل أهل بيتي كسميه نوح ص ٢٨ ط ١) للعلامة السهاوردي ره و من المستبعد جداً عدّه شيعياً المصنف طاب ثراه هذا الصوفي الناصب من الشيعة فهذا و أمثاله من إضافات الباشر و سائر الله تعالى العصمة في القول و العمل و لاحظ ما ذكرناه هامش كتابه «تلويح» في (ح ١٨، ٧٢، ٥١٠).

«ديوان غاوت زند» ص ٧٨٣ رقم ٥٢٧٤: توفي في ذي القعدة ١٢٨٩ كما أرّخه تلميذه الميرزا علامرضا الخطّاط الإصفهاني في سميته و نقل عنه الاستاذ أحمد سهيلي الخوانساري في «مرفق بگارستان» و هناك بعض أشعار الرجل و شيء من ترجمة تلميذه المذكور و هو أيضاً من أهل اللطم.

«ديوان غالب دهلوي» ص ٧٨٤ رقم ٥٢٨٦: أقول الشاعر الهندي الفارسي المتخلص في شعره «غالب» و هو أسدالله بن عبد الله بك و عمّه نصرالله بيك ولد في شهر رجب ١٢١٢ و مات في ذي القعدة ١٢٨٥ و له «كليات نثر» «مهر بيمروز» «دستجو»

«درفش کاویانی» «سبد چين» «دعای صباح» «مآثر پنج آهنگ» «قاطع برهان»
«کليات نظم» «سبد باغ دو در» «رساله فن بانگ» «نامه‌های فارسی گل رعنا» و
«متمرفات» و مع آنه کوالده من أهل اصف قل في شعره. غالب از هندوستان بگریز
فرست معیت تست - در بحف مردن خوش ست و در صفاهان ریست. کلّ دلک
مستفاد من کتاب [احوال و آثار میرزا اسدالله خان غالب محمدعلی فرجاد ط لاهور
۱۳۹۶ نشر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان] و الکتاب قیم دات الفوائد، و
تاریخ الولادة و الوفاة المذكوران في المنى لشاعر آخر كما ذكره الماشر في المشترك و
المیر معهم أخو هدا.

«دیوان غبار همدانی» ص ۷۸۵ رقم ۵۲۹۱، الکتابخانه گیلانی خطاً ط و
الصواب الکتابخانه سسه إلى محلة همدان كما تبينه في دهل ترجمة عار في مکارم الآثار ۶
رقم ۱۱۹۰

«دیوان عصائري الرازي» ص ۷۹۰ رقم ۵۳۲۰ أقول صرح أصحاب التراجم بنشيع
العصائري هدا و انظر ترجمته أيضاً في «لغتنامه دهخدا» في حرف العين المعجمة.
«دیوان فاطمه سلطان أو شعرها» ص ۸۰۲ رقم ۵۴۱۶: تراجع «مکارم الآثار ۷: رقم
۱۵۰۳».

«دیوان لای هروي» ص ۸۰۴ رقم ۵۴۲۴: رجع ما ذكرناه في التكملة على كتابه
[تاریخ الأنبياء ۳: ۲۳۶: ۷۸۰]

«دیوان فایض نائبي» ص ۸۰۶ رقم ۵۴۳۸. أقول عبويه في «أعيان الشيعة ۴۷: ۸»
استناداً إلى مجموعة رسائل مخطوطة رأها في طهران و الظاهر أنها بعينها المذكورة في
المنى و لآقا علي رضا نائبي تراجع «دانشمندان مهدي ص ۴۵۷ و ص ۴۹۳» و ص
۴۷۵/۶ و ما علقت على تلك المواضع.

«لحان» ص ۸۰۷: مير رحمة الله المحمي يیشمار انظر «إحياء الدائر ۸۷».

«دیوان فتاحي نيشابوري» ص ۸۰۷ رقم ۵۴۴۴ س ۱۱، «اسرار»: أقول الصواب
«اسراري ۷۲: س ۲۰» و انظر «شبهستانيه في ۱۳: ۲۴: ۶۴ و ۶۵».

«دیوان الشيخ فتح الله» ص ۸۰۷ رقم ۵۳۴۷ س ۲۰، الدواي: ص ۳۲۹ ق ۱۹۵۷.

«ديوان فخر الدين عوارزمي» ص ٨١٠ رقم ٥٤٧٢. أقول انظر له «مدخل مظلوم ٢٠:

٢٤٨ : ٢٨١٣».

«ديوان فخر الدين الرازي» ص ٨١٠ رقم ٥٤٧٥ يأتي لمخر الرازي أيضاً «دوامع
البيات» في ج ١٨ ص ٣٦٤ و لكن الرجل من أهل النصب و العدوان قال العلامة
المجلسي طاب مثواه في كتاب الأربعين حديثاً ص «...»

«ديوان فدائي أردستاني أو شعره» ص ٨١٤ رقم ٥٤٩١: أقول انظر مقالة «فدائي
أردستاني» محمد علي صاعد في بشرة «سنة شعوران سباهان. ح ٥ : ٧٥ - ٨٥».

«ديوان فراهي» ص ٨١٧ رقم ٥٥١٢ أقول أين مكانه أبي نصر الفراهي من التشيع
حتى بعد أثره في تصانيف الشيعة فهدى شعرون و ما يأتي له «لمعة الدر ١٨ : ٣٥٠ : ٤٣٣»
كمصنفات جماعة أخرى لاتعد من أهل السنة و الجماعة ليس لهم قدم في التشيع و
الإمامية أصلاً فكيف روائد مدحونة يجب حذوها و لا يجوز إيمانها في آثار الشيعة و
مآثرها.

«ديوان فرحسي سيستاني» ص ٨١٩ رقم ٥٥٣٥ أقول انظر ثمانية أبيات معروفة في مدح
عمر بن الخطاب من شعر الفرخي هذا حميد علي أكبر دهخدا في «أمثال و حكم ٢٠٢
١٠٩٢» و الله من وراء القصد.

«ديوان فردوسي طوسي» ص ٨٢١ رقم ٥٥٣١: أقول انظر لراما «شاهنامه ١٣ : ١٦ :
٤٩» مع التكملة.

«ديوان فصيح هروي أو شعره» ص ٨٣٤ رقم ٥٥٩٨ أقول تراجع مقال «يكي ار
مدائح رصوى در ديوان فصيحى هروى» في مجلة «ميراث جاويدان ٤ : ١٠٨» فما
يعنها».

«ديوان مورا فصلعلي تبريزي» ص ٨٣٦ رقم ٥٦٠٩ ص ٩، العمدة الحميرية: الصواب
الحميرية نسبة إلى السيد الحميري المشهور كما في كتاب «داستان دوستان ص ٨٦»
محمدعلي صفوت و كذا في «ريحانة الأدب» و «علماء معاصرين ص ١٢٠» قال في
الكتاب الأخير إن نسخة هذا الشرح بخط اشراف موجود عدي و قد نقت عنه قسطاً
وافراً في هدمش مجلد الصيام من كتابي وقيع الأيام من ص ٤٨٢ فما بعدها (انتهى) و

يأتي ذكر هذا الكتاب بالعنوان الصحيح (شرح قصيدة الحميري العينية ح ١٤ ص ١١ : ١٥٢٠)

«ديوان قياض لاهجي» ص ٨٥٢ رقم ٥٦٩٦. يراجع [گوهر مراد ١٨ : ٢٥٠، ٢٥٨].
ص ٨٥٣ س ٢، شمع اليقين: أقول الصواب [شمع يقين ١٤ : ٢٣٣، ٢٣٤١] كما يتناه في
التكملة و قوله (مرّ ابه حس) أقول إن الذي مرّ هناك بعنوان [ديوان حس گيلاني أو
شعره ٩ : ٢٤٥ : ١٤٨٥] الظاهر أنه ليس بوزن انقباض بل هو جذنا آقا حس اجيلاني
اللباني ...

«ديوان فيضي شيرواني» ص ٨٥٥ رقم ٥٧١١ هو العلم؛ ولد سام ميرزا سنة ٩٢٣ و
صُفِّتْ تذكّرتْه في ٩٥٧ و مات سنة ٩٨٣ كم في مقدّمه الطبع لكتابه و طبع للأُمير السَيّد
حسّين الأبيوردي المذكور في بحالّس العائس ص ٢٧٣ لمعاصره السواني المتوفى ٩٠٥
منظومة (جبار تحت) و كتاب (ايس العاشقين) في مفتح المجلّد ١٥ من (فرهنگ
ايرانمیں) عن نسختها الأصلية الوحيدة المخرومة في بلاد الافرح (جامعة اوسالا
بسنوئڊ) يظهر منهما تشييعه و سيادته و برائته عن معارضة و حربه فراجعهما و تتبّع م ع ر
في ٨ حجة ١٤١٥

«ديوان ابيضي هندي» ص ٨٥٥ رقم ٥٧١٤ طبع ديوانه في دهلي و لاهور كما طبع
لأوّل مرّة في طهران سنة ١٣٦٢ش في ٥٥٢ ص عن الطبعة الأخيرة اللاهورية مع مقدّمة
لحسين آهي.

«ديوان الشيخ القاسم الحلّي» ص ٨٦٢ رقم ٥٧٤٢ س ٢٠، مرّ ديوان والده. أقول و
يأتي أيضاً ص ٩٨٤

ص ٨٧٨: قدسي ميرزا علي اصغر حاد اتابك أعظم. مرّ ذكره في ص ٥٣ لعدم
اطّلاع المؤلف ره عن تحلّصه الشعري

«ديوان قطب ذهبي» ص ٨٨٤ رقم ٥٨٧٢. أقول ذكرنا له في موضعه من التكملة
«تبصرة الحكماء ٣ : ٣١٧» فراجعته و ذكر مرحمته مفصلاً الدكتور اسدالله خاوري في
كتاب «ذهبيّه ١ : ٢٩٧ وما بعدها» و أورد هناك عنه مطالب نظماً و نثراً حول وقعة
أفغان و الشاه سلطان حسّين الصفوي و يأتي له [فصل الخطاب ١٦ : ٢٢٩ : ٨٩٨]
فراجعته.

«ديوان قوامي گنجوي» ص ٨٩١ رقم ٥٩١٦: أقول يراجع المواضع المذكورة في «المنى» و لم تتحقق تشيع الرجل ككثير من هؤلاء الشعراء المذكورين في أجراء الديوان و الله العالم.

«ديوان كاتب الكاردوي» ص ٨٩٥. الميرزا حسن جهر نكار المعروف بهكاسباشي. انظر «دانشمندان ادبیت ٢: ١٦٨».

«ديوان كاشف درفولي» ص ٨٩٧ رقم ٥٩٤٦. مر ذكره باسمه في الصاد أيضاً في ص ٦٠٢ و انظر له (قاصم الختاري) في موضعه و انظر ما ذكرناه بهامش كتابه الهداية في ج ٢٥: ١٦٦، ٧٨.

«ديوان كاشف درفولي» ص ٨٩٧ رقم ٥٩٤٦ ص ٢٣، ملا محمد الهيد آبادي. قوله للمير ملا محمد أقول لم يذكر أحد الرجل هذا بوصف من هو دائماً يذكر بعنوان آقا محمد و هو الحكم المتوفى يوم الجمعة ناسر عطاء سنة ١١٩٨ كما في ترجمته في مكارم الآثار ج ١ الرقم ٣٤ و قوله «و كان مريداً الخ» أقول لم يكن هو الصواب دون ما في عدة مواضع من الدرر بل كان تلميذ آقا محمد و راجع لراماً [مكائنات السيد ٢٢: ١٢٨: ٦٣٨٨] و ما ذكرناه في الكلمة بعنوان «معراج المومنين ٢١: ٢٣٥»

«ديوان كشي» ص ٩٠٧. ادراج ميرزا سيد حسن رئيس الأطباء الشراري يراجع «فارسيه ناصري ١٠٨٧ و ١٤٠٦ ط ٢» و «آثار عجم ٥٣٣ ط ٢» و «دانشمندان و سخنسرايان ٤: ٢٣٧» و «خطرات و اسناد ٣: ١٣١ فما بعد» و «فرهنگ سخنوران ٤٨٣ ط ١»

«ديوان كشي اكبر آبادي» ٩١١ رقم ٦٠٢٠: أقول الصواب أن والد كشي هو عبدالله المعروف بمكشيش رقم المختص في نطمه وصفي (من الوصف) الآتي ذكره في ص ٢٦٩ رقم ٨١٤١ فراجع. و يأتي ما كلام طويل حول الكشي و كتبه مناقب مرتصوي في (ج ٢٢: ٣٣٤: ٧٣٢٨) و أما وفاة كشي فهي عامة المأخذ كائني في المتن أو سنة ١٠٦١ إلا أنه قال في رهة الخواطر ٥: ٣٧٩ عند ترجمة الرجل ما لعظه «له مناقب مرتصوي مات سنة أربعين و ألف كما في مرآة العام» انتهى و لعله الصواب أن مرآة العالم كتاب معتبر في التاريخ ليختار و روح الهدي المتوفى ١٠٩٦.

«ديوان كفاش إصفهائي» ص ٩١٢ رقم ٦٠٣١: ظهرت نسخة ديوان كفاش حوالي سنة ١٤٠٠ في مكتبة السيد الكلبايگاني بقم كما في فهرسها ح ١ ص ٨٥ و لابد أنها إنما كانت في يد الحاج الشيخ عبدالرّاف الكنتي الإصفهائي فأهداها للمكتبة ولراجع المهرس.

ص ٩١٢ من ٢٠، عند السيد محمد الجواتري سألت بواسطة اهاتف ليلة ٣ ع ١ سنة ١٤١٤ عن صديقنا السيد الجواتري عن هذه النسخة فقال نعم كانت عدي في الجحف ثم بعثها قبل مدة قال و سبت اسم من اشتراها و السيد يقيم الآن في طهران من أول الانقلاب الإسلامي و لكفاش الشاعر بيت في رثاء افا محمد اسماعيل بن محمد جعفر بن العلامة المولى إسماعيل الحاجوني و قد توفي آفا محمد اسماعيل سنة ١٢٨٢ و بيت المادّة في ملحقات تذكرة القصور ص ١٩٩ من ٣. ثم إنني رأيت نسخة الكفاش الموجودة في مكتبة السيد الكلبايگاني في ج ٢ سنة ١٤٠٤ و كتبها في مديح المعصومين و مراتبهم و يظهر من النسخة أن اسمها «ربة الأنجم» و أنها نظمتم في سنة ١٢٧٠ ثم رأيت في «فهرست سندهای خطی کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم اساسی دانشگاه فردوسی ص ٨٤» أن لها نسخة أيضاً من «ديوان كفاش الإصفهائي» في النسخة و المراتي حوالي ٢٧٠٠ بيت و حرّرت النسخة في ١٢٩٢ و السلام

«ديوان كليم كاشاني» ص ٩١٥ رقم ٦٠٥٥. أقول أرّخ آصاب راي اللكهنوي في [تذكرة رياض العارفين ١٢: ١٤٤: ١٥٧١] وفاة كليم هذا باخروف في ١٠٦٢.

«ديوان كمالي إصفهائي» ص ٩٢١ رقم ٦٠٧٥ مكارم الآثار ح ٨ رقم ١٧٢٢
«ديوان كمالي سروراي» ص ٩٢١ رقم ٦٠٧٦: و لراجع فهرست سخبران ص ٤٩٠.

«مثنوي فرهاد و شيرين مورا عقیل همداني» ص ٩٢٤ هكذا العنوان في مجموعة جنگ عندما فيها تاريخ سنة ١٢٤٠ أوله: يکی برسيد ار فرهاد بيدل / بوقتي کو طيبيدي بيم بسمل - که ای کرده هدا جان در ره بار / شهادت را بجان گشته خريدار - شده قرباني کوی محبت / براه دوست جان داده بحسرت؛ الخ.

«ديوان کوکب باغبانپاشي أو شعره» ص ٩٢٥ رقم ٦٠٩٥: أقول إن السيد جعفر

شهيد محقق كتاب البرّة البادرة لشمسي المذكور قد مضى من مقدّمته للبرّة هذا الخلط والاعتدّ وادّعى أنّ الكوكب ليس إلّا أنسي ولا غير والله العالم.

﴿ديوان كيميائي﴾ ص ٩٢٧: هو الخراج مبرراً لفتح الله المرعشي الشوشتري ذكر تلخيصه و أورد بين له النصف طاب مثواه عند ذكر كتابه «خرائفة القابع» وكأنه يسي أن يذكره في هذا الموضع فراجع

«ديوان گرهان شهبازي» ص ٩٣٠ رقم ٦١٣٠: راجع ترجمة الرجل في «آتشكده اردستان ٣: ٥٢٩ فما بعدها».

﴿ديوان گلکده﴾ ص ٩٣٥: انظر رقم ٦٠٥٤

﴿ديوان گوهر او شعره﴾ ص ٩٣٦: أخوند ملا حسن بن عبيد الشيعي التبريزي له تصانيف و مرّت إجازة شيخه السيد كظم الرشقي له في ح ١، ٢٢٧، ١١٩ ذكر في «مرهنگ سحوراء: ٤٩٨» مآخذه الوحيد «طرائق الحقائق ٣، ١٥٢» و انظر (مكارم الآثار ١: ٢١٧).

«ديوان گوهر اصلهاني او شعره» ص ٩٣٧ رقم ٦١٦٣: الرجل هو إبراهيم انصون نيوهري معلّم الأطفال

﴿ديوان لا أدري او شعره﴾ ص ٩٣٩: مبرراً عند اخوند المختص لا أدري (ابن عبد الحميد بن مؤمن بن ملا محراب العارف الخيلاني المشهور المتوفى ١٢١٧) انظر «مكارم الآثار ٣: ٦٢٣» و أمّا الكتاب المطبوع مؤخراً باسم «ديوان حكيم لا أدري» فهو اسم بلا مستى بمعنى أنه جمع فيه أحد المعاصرين أبحاثاً بصرب بها الأمثال في الفارسية و جهل الجامع بأسماء قائلها فعرف بعضهم في أجراء بحثة أيده

«ديوان لاهوتي تفرشي» ص ٩٤٠ رقم ٦١٨٤: أقول ذكرنا له «خير الكلام» في موضعه من التكملة.

«ديوان لاهوتي کرمانشاهي» ص ٩٤١ رقم ٦١٨٥: أقول طبع «ديوان ابوالقاسم لاهوتي» سنة ١٩٥٧م في (اداره نشریات بربهای خارجي مسکو) في ٤٧٢ ص و انظر أنها الطبعة المنقولة عن ط مسکو في ١٩٤٦م و انظر ترجمته في الكتاب المشكوك «شرح رند گامی من بعض ابوالقاسم لاهوتي» ط ٢ طهران ١٣٣٢ و هناك ولادته في عام ١٨٥٥م

الموافق للعامين ١٢٧١ - ١٢٧٢ في و لكن اشارة ذكر ترجمته في «مؤلفين كتب جاني ١: ٢٨٦» أن ولادته في ١٣٠٥ ق و له أيضاً ترجمة في جريدة «رورنامة اطلاعات الصادرة في ٣٤/٨/٢٢ ش ٢٨ ع ١ سنة ١٣٧٥» ومحلّه «كتاب ايران» الصادرة في ٥٨/١٠/١٣ هـ - ٢ ع ١ سنة ١٤٠٠» و مأخذ أخرى ذكر بعضها في المتن و له ذكر في أجزاء كتاب «تاريخ بيست ساله ايران ١ - ٧» للسيد حسن المكي و وفاته في ١٢/٢٥ ٣٥ الموافق ليوم السبت ١٣ شهر شعبان ١٢٧١ ثم لا يخفى أن الرجل مرثد عوصي ترك دين الفطرة و التزم بالأخاد الروسى و قدما قال الشاعر العارسي: **گر همه کائنات کافر گردد / بر دامن کبره‌اش نشيبد گردد و السلام حرره سيد محمدعبي روضاني عمي عه في هذه شهر شعبان المعظم ١٤٠٥**

«ديوان مجذوب تبريزي» ص ٩٦٣ رقم ٦٣٠٨: أقول عددا السبعة المطبوعة و راجع بزرگان و سخصرايان همدان ج ٢ ص ٨٩

«ديوان مجذوب عليشاه» ص ٩٦٤ رقم ٦٣٠٩: راجع بزرگان و سخصرايان همدان ج ٢ ص ٨٥ فما بعدها

«ديوان محمد مصفوي» ص ٩٦٦ رقم ٦٣٢٦: أقول و نسخة في مكتبة السيد الكتابياني بقم (المهرس ج ٣ ص ٢٥٤)

«ديوان مجنون شاه» ص ٩٦٨: أقول انظر «ديوان سبي فراجة داعي ١١٦٨ - ٧٥٣٥».

«ديوان مجيد طالقاني» ص ٩٦٩ س ١٤، الخراج السيد أسدالله: أقول إن الحاج السيد أسدالله هذا توفي سنة ١٢٩٠ كما هو معلوم و ذكره شيخنا المصنف ره في ترجمته في «الكرام البررة ١٢٤» و هذا التاريخ قبل ولادة المصنف بأربع سنين فلا بد أنه أراد أن يكتب اسم ولده السيد محمدباقر الشهر باحاج آقا توفي ١٣٣٣ كما في ترجمته في نقباء البشر ص ١٩٥ فسبقه القلم أو أسقط عند الطبع و قد حدث هذا السيد الحليل لشيخنا بكثير من مخطوطات خزانة بيت حقه بإصفهان فذكر في أجزاء الدريرة هذه و إن لم يذكر تلك الخزانة في فهرس عرائن الكتب بسيان و الله العاصم. م ع ر في ٢٥ شهر شعبان المعظم ١٤٠٨

«ديوان محمد يلقاني» ص ٩٦٩ رقم ٦٣٤٦: مدح احمد بعض الختماء كعمر بن الخطاب كما مدح السلاطين فلا بد شيعة.

«ديوان الشيخ محمد بن هبة» ص ٩٨٤: أقول و انظر رقم ٥٧٤٢.

«ديوان الشيخ محمد بن علي» ص ٩٨٦ رقم ٦٤٥٣. انظر له (معارف الرجال) في (ح

٢١: ١٩٢: ٤٥٦) مع التكملة.

«ديوان محمد خاتوني» ص ٩٩٥ رقم ٦٥٠٢: أقول ذكرنا ترجمة الرجل في «شرح

الروصات ١: ١٨٩ - ١٩٠» و نساهاك عن أحدث العمي في كتبه و منها «الكنى و

الألقاب» أنه كان عنده نسخة من كتاب إرشاد الأدهان بخط ابن خاتون هذا فرغ من

كتابتها في الخامس المحرم سنة ١٠٦٨ فراجع.

«ديوان محمد صالح كرم الشاهي» ص ٩٩٩ رقم ٦٥١٨: أقول اطلعه في «كتراعرفان ١٨

١٥٩» مع التكملة.

«ديوان محمد بن فرج الحميري النجفي أو شعره» ص ١٠٠٢: انظر (دستور السالكين)

في ج ٨.

«ديوان محييط فصي» ص ١٠١٥ رقم ٦٦٠٧: أقول أول من ذكر ترجمة المحييط هو السيد

أحمد الديوان بيگي في تذكرته القيمة «حديقة الشعراء»... ثم ذكر ترجمته أبوروجنه

الميرزا حيدر علي محمد الأدياء المذكور في المتن في مقدمة ديوان صهره ثم ذكره المرحوم

معتم في «مكارم الآثار...» ثم أشار به في «المؤلفين ٥: ٧٩٣» و هناك صورة

الشاعر و طبع ديوانه للمرة الثانية سنة ١٣٦٨ في إصمهان و أخيراً طبعة جيدة سنة ١٤٠٤

في طهران مع مقدمة معيدة مختصرة من دون أية إشارة إلى طبعات الكتاب أو نسخة

المخطوطة أو المترجمين للشاعر و المتنفين الناشئين لأشعار الرجل و ليس هذا إلا تصحيح

حقوق الناس و أمّا الرجل فهو و إن كان من أهل العم و الفصل و الكمال في رأي

الطلبة و الفقهاء المحدثين إلا أنه دق في نظم الفارسي أعذب المحدثين لأهل البيت و

الأئمة المعصومين عليهم السلام كما دق في رثائهم معاصره العمان الساماني رحمة الله

عليهم أجمعين. م ع ر في ٦ محرم ١٤٠٨

«ديوان محي الدين بن العربي» ص ١٠١٦ رقم ٦٦١٣: أقول انظر ما ذكرناه في التكملة

حول «ديوان ابن العربي ٩: ٣٦: ١٥٥» و لا تعمل.

«ديوان مختاري غزنوي» ص ١٠١٧ رقم ٦٦٢٤: له أبيات في مديح أبي بكر و عمر و

عثمان فلايجور عدّ هذا الشاعر و أمثاله من الشيعة الإمامية القائلة بالنصر و العصمة و التولي و التبري و الله العاصم.

«ديوان مير مخلوم شريفي أو شعره» ص ١٠١٨ أقول يراجع لراماً ترجمة ميرزا مخلوم صاحب [نواقض الروافض] في كتاب [عقبات الأنوار] مجلد حديث العدير ١: ٥٩ - ٦١ ط طهران] ذلك بحماسة اعترافه بتواتر الحديث المذكور و يأتي [نقص نواقض الروافض ٢٤: ٢٩١: ١٥١٢] فاطبه و تم ذكر ترجمة صاحب النواقض هو محمد القروي في [بادداشتهاي قزويني ...]

«ديوان مخلص تفروشي» ص ١٠٢٠ أقول نصر التكملة على كتابه «كفاية العرفان ...»

«ديوان مسعود سعد سلمان» ص ١٠٣٦ رقم ٦٧٥٠: أقول دون إثبات تشيع هذا الشاعر و أمثاله حرط القناد فكثيراً ما نفوه في أشعاره بعدل عمر بن الخطاب و انظر ترجمته في [الأعلام ٧: ٢١٧: ٣] للزركلي و راجع مقالة «تريده اشعار مسعود سعد» في مجلة «بشر دانش السنة السادسة العدد الثاني» (موسم ١٣٦٤ ش).

«ديوان مشتاق فائزي» ص ١٠٤٥ رقم ٦٧٩٤: أقول طبع له رحلته من المشهد الرضوي إلى طهران باسم «تجمة الفراء» فذكرناه في موضعه من التكملة.

«ديوان مشفق الشعري» ص ١٠٥٠ السيد أحمد بن محمد بن عبدالكريم بن جواد بن عبدالله بن نورالدين بن السيد نعمه الله الخراساني قال في (شعرة مباركة: ١١٢) إنه كان من العلماء المدرسين الأدباء يعرف بمعلم و لقبه الشعري مشفق ولد حوالي ١٢١٣ و توفي ١٢٩٣ و دفن في شوشتر و نقل بعض أشعاره منها في قطعة قوله: معشوقه بنام من و كام دگرانست / چو عره شوال كه عید رمسانست. و آخرها: مشفق چه غماید گله مردم همه داند ، چیزیكه عباسست چه حاجت به بنانست.

«ديوان مطهر» ص ١٠٥٩: ليراجع كتاب [بياض تاج الدين أحمد الورير. ٦٦٢ - ٦٨٣] و [سالنامه پارس لسنة ١٣٢١ ش: ١١، ٤٢] و م يذكره المصنف ره في طبقاته و لا صاحب «فرهنگ سخنوران» و لا الدكتور صفا في (تاريخ ادبيات در ايران) و لا الدهخدا في «لغت نامه» و لا المعين في «فرهنگ» و لا فيما بأيدينا من كتب تذكرة الشعراء و يراجع «فهرست احمد ٣: ...»

«ديوان مظهر أو شعره» ص ١٠٦٤. مذكراً على الملقب بمظهر على المختص مظهر كان مشياً و مباشراً لاحتشام الدولة رآه و أورد شعره علىهان المعروف بظهرالدولة ١٢٨١ - ١٣٤٢ في [مفرغاه ممدان] تسمية في [حاضرات و اساد ظهرالدولة ٨١] و مرّ بظهرالدولة في [ديوان صفا عيشاه] و في [ديوان ظهرالدولة].

«ديوان السيد معنوق بن شهاب الموسوي» ص ١٠٦٦: انظر «ديوان ابن معنوق» (ص ٢٩ رقم ١٦٨).

«ديوان معري بن شهابري» ص ١٠٦٩ رقم ٦٩٥٣. في مواضع عديدة من ديوانه أبيات في مدح عمر بن الخطاب و إفراته بالعدالة.

«ديوان مغربي» ص ١٠٧٩ رقم ٧٠٠٥: قال في معجم المطبوعات عمود ١١٤٠ إن ديوان شمس الدين مغربي طبع في عشي سنة ١٣١١ في ٩٢ صفحة.

«ديوان مطلق مدي» ص ٢١١٠ رقم ٧١٦٢: قال جديا الإمام المحدث طاب ثوابه في ترجمة صاحب شرح الديوان إن قيمته بحق الشرح لا يباقي تسه بل عصبه. انتهى و قد مرّ سهواً في (ص ٢٥٤: ١٥٣٥) مراجعته و ما ذكرناه في الكلمة

«ديوان معنوق إصفهاني» ص ١١١١ رقم ٧١٧٣: مكارم الآثار ح ٧ رقم ١٦٠٨

ص ١١١٢ س ٣. «ارمعان ١٣ ٤٣»: أقول عندما إن ذكر المحدثين الأحقرين معنوق عن «فرهنگ سخوران. ٥٦٩» و بلا فبس في الموضع المذكور من مجلة «ارمعان» شيء من ترجمة المعنوق و إنما الموجود هناك ثلاث أبيات من شعره كما أشرنا إلى ذلك أيضاً في تعليقات «مكارم الآثار ٧ رقم ١٦٠٨».

«ديوان مير طاهان» ص ١١١٥ رقم ٧١٩٦: أقول يرجع لراما كتاب «آناهيتا» ص ٦٤ فما بعد» لإبراهيم يورداود.

«ديوان موسوي عوانساري» ص ١١١٩ رقم ٧٢٢٨ س ١٠، رأيت القائل ع المذوي ناشر الكتاب رأى الجنگ عندما و مرّ ديوان شقيقه الإمام المحدث صاحب الروصات في (ص ٥٧٥).

«ديوان مولوي رومي» ص ١١٢٢ رقم ٧٢٤٥: سبحان الله ثما لا ريب فيه أن جلال الدين محمد البخمي صاحب كتاب [النشوي ١٩: ٣٠٣: ١٣١٤] و غيره لا صلة له

بالتشيع و مبايه بل يادي بأعلى صوته أنه لا دخل له بالأديان مطلقاً انظر تصريحه بذلك حيث يقول «مئت عشق ار همه ديهي جدام» الخ و هذا نظير ما دعى إليه أصحاب «رسائل إخوان الصفا ١: ٣٨٣: ١٩٨٠» كما أنها عليه هياك أيضاً في التكملة هراجع. م ع ر ٢٤ ج ٢ سنة ١٤٠٩

«ديوان سيد مهدي الحلبي» ص ١١٣٣ رقم ٧٣٠٦ أقول انظر [البابليات لليعقوبي ٣: ٤٣] و «مكارم الآثار ٣ رقم ٣٤٣» و «التعريف عبيها بخطي لراماً و مر ذكر السيد عبدالمطلب في [ديوان ٧٠٠: ٤٨٦٢].

«ديوان مهيار» ص ١١٣٨ رقم ٧٣٣٢ أقول رأيت في كتاب [البابليات لليعقوبي ٣: ٤٤] في ترجمة السيد عبدالمطلب بن داود الحسيني اخي صاحب [الديوان ٧٠١: ٤٨٦٢] ما هذا به [و قد شرح المترجم (يعني السيد المذكور) ديوان مهيار الذي طبع في بغداد بثلاثة أجزاء سنة ١٣٣٠ هـ و هذه السجدة التي شرحها هي من أصح سبع ديوان مهيار و كان عليها بعض الخواشي بكم عنه السيد حيدر و لو اطلعت عليها دار الكتب المصرية حين عيت نشر هذه الديوان عام ١٣٤٤ لكاتب في عني عما عانته من الجهد في سول تصحيح نسيختها الفوتوغرافية المسقمة التي كلفتها عموص و طمس و تحريف و لنحلفت من كثر من الأخطاء و الأعلاط التي شوهت طبعة ذلك الديوان، و قد سجلنا ملاحظات شتى على هذه الطبعة المصرية أثناء صدورها بكرس يرف على الخمسين صفحة أثبتنا فيه تصحيحات و تصويبات لبعض أخطاء الديوان التي سمحت لنا أثناء قراءته] انتهى كلام العاقل اليعقوبي ره

القسم الرابع من الجزء التاسع

«ديوان نادرور» ص ١١٤٧ رقم ٧٣٩٢. لم يذكر في المآخذ التي بأيديها اسم والده و لا عشيرته و بيته كما لم يذكر فيها مذهبه و محته و مناطيمه لانتجور الخلاعة و المحون و الله العالم.

«ديوان ناصح قراني أو شعرة» ص ١١٥٢ رقم ٧٤٣٢ انظر لناصر «مؤلفين مشار ٤: ٤٢٧» و مجلة «كبهان قرهسكي ٣: ٦: ٥٧ - ٥٨» و ذكر في الأخير ولادته في العاشر من

ذي القعدة الحرام ١٣١٦ بظهران ووفاته بـ أهباً في سحر ليلة الثلاثاء الرابع من المحرم سنة ١٤٠٧ و مدحه في مرار الإمام مراده عبدالله و توجد آيات الشاء عليه في مقال كتبه الاستاد جلال اهمائي بمناسبة تحقيق الناصح لديوان الأديب صابر الترمذي ٩: ٥٧٢: ٣١٥٧ و طبع المقال في مجلة (وحيد السنة ٢ العدد «...»

«ديوان ناصر خسرو العلوي» ص ١١٥٤ رقم ٧٤٤٦: أقول ذكر شيخنا المصنف ره في كتابه (الباب ١٩٨) أنه (ناصر بن خسرو بن حارث بن عيسى بن الحسن بن موسى بن الإمام الهمام التقي محمد الجواد صلوات الله و سلامه عليه و على آبائه الطاهرين و آبائه الطيبين) و أما السبابة فلم نثر على من ذكر منهم هذا السب عدا السيد جعفر الأعرجي معين الأشراف المنوفي ١٣٣٢ في كتابه [مناهل الصرب في أنساب العرب ص ٥٣١ مصورة نسخة الأصل بخطه] و [بصراط الأبلح في أنساب بني الأعرج في ص ١٦ من نسخة بخطه] على مسو واحد فقال في المناهل ما لفظه [و يقال إن الحسن بن محمد الأعرج معقب أهباً و إليه رجعوا مسلم كهمر بن خسرو العلوي فقبل هو ناصر بن خسرو بن الحارث بن عيسى بن الحسن بن محمد الأعرج المذكور و عراه آخرون إلى محمد بن موسى الميرقع و لم يعرفوا أنساباً كلاً [كذا] السبابة] الخ ما قال و أما الخطيب المعاصر الشريف مرتضى عني الكشميري فنقل صورة السب عا في جواب كتاب له في كتاب «أضواء على حبة موسى الميرقع و دريته ص ١٤٠» و كنا ذكرنا له السب نقلاً عن السيد الأعرجي و مكته طبع في كتاب الأصواء خطأ قصير. و أما الأستاذ الفاضل محمود غيبراده فعني عه السب في مقدمته التي كتبها سنة ١٣٤١ في كتاب «سفرنامه حكيم ناصر خسرو طبعه ص ٥» و ذكر حسن تقي راده في مقدمته لديوان ناصر خسرو (ص ر إلى ط) أن السب من معمولات المتأخرين و لا اعتبار به مطلقاً و كنا مال إليه مجتبي ميوي في استلراك تلك المقدمة (ص ص) و السلام. و راجع شعر ناصر و فلسفته و محنته جريدة «رورنامه اطلاعات ع ١٤١٩١ الصادرة في ٥٢/٦٨ = ص ١٨» و نشرة داشكده ادبيات إصفهان. حرر في ليلة الجمعة ٢١ محرم ١٤٠٧

«ديوان ناني قراجه داغي» ص ١١٦٨ رقم ٧٥٣٥: انظر مقالة (حافظ و شعراي

- أذربايجان) في بشرة «كههان فرهنگي» ص ٣ ع ٤ ص ٢٨ الصادرة في قيرماه سنة ١٣٦٥ ش.
- «ديوان عجات إصفهاني» ص ١١٧١ رقم ٧٥٥٥ يراجع «دانشمندان مهدوي ص ٥١٥» و الرجل خال الخادم الذي ذكره (٢٧٧: ١٦٦٦).
- «ديوان نجم رازي» ص ١١٧٤ رقم ٧٥٧٨. أقول بذكر في «مرصاد العباد ٢٠: ٣٠٨: ٣١٢٩» أن الرجل من أشد الواصب فراجع.
- «ديوان نديم مشهدي» ١١٨٠ رقم ٧٦١٩ انظر تاريخ «عالم آراي نادري ٣: ٩٢٨» تعليقة الدكتور محمد أمين رياحي عليه هامش الصفحة.
- «ديوان مزاري قهستاني» ص ١١٨٢ رقم ٧٦٣٣ ص ٢٣، نسيم بهاري: أقول كذا في (ج ٢٤ رقم ٧٩٨) و كتاب منار و لكن السخة الموجودة عندما الآن في ٥١ صفحة و هي تامة و مصنف الرسالة هو الشيخ مرتضى ابن الخواجه الشيخ محمدباقر القايي البرجدي و الوالد صاحب «نعمه الرابع فيم رأى الإمام اعائب» و (رجال قائم) و ولده الآخر هو الخواجه الشيخ محمدحسين الآبي صاحب «فهم سكتان» و «مقامات معصوي و مقامات علوي» و كلها قما طبع و انتشر.
- «ديوان السبب» ص ١١٨٤ رقم ٧٦٤٣: «خان ابن سلطون في المتنقي سنة ٧٢٣ في حرف الميم من كتابه المطبوع بالحد «تلخيص مجمع الآداب ص ٤٨٩» ما اعطه «المرتضى علي بن الرضي محمد بن محمد بن علي بن محمد بن المرتضى أبي القاسم علي بن الحسين بن موسى بن محمد بن موسى بن محمد بن موسى بن ابراهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب هو صاحب كتاب ديوان السبب الذي استوفى فيه أسباب العلويين و لم يبق من أولاد المرتضى صواه و توفي سنة أربع و خمسين و ستمائة» انتهى كلامه و هي عدم وفاة سبط ابن الجوري و ذكر اسم والده عمداً و هو في سائر لناخذ حسن قوله «و قال السيد علي بن طاوس» أقول هو الشريف الطاهر جمال السالكون نقيب الطائفة رضي الدين أبو القاسم علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن أحمد الحسيني رضي الله تعالى عنه المتولد ٥٨٩ المتوفى ٦٦٤ و نقل عن «كشف الخجة ١٣٢ ط الحف ١٣٧٠» صحيح لا الكلمة الأخيرة ففي المطبوعة كهذه [غير الخوتك و عاصتك] و لعدم أن السيد لم يذكر هناك اسم مؤلف الديوان بقي أن

بذكر ملاحظة هي أنه كان المناسب ذكر هذا الكتاب في آخر الجزء الثامن لا في التاسع المختص بالدواوين الشعرية. و انظر الثقات العيون ص ١٨٣ و حقه أن يذكر في الأنوار الساطعة في المائة السابعة و راجع «مبة الرننيس ٣٤٠».

«ديوان نشاء تبريزي» ص ١١٨٧ رقم ٧٦٦٠: الصواب نشاء (و هو في الأصل النشاء) كما لا يخفى و تحقيق ترجمه إجمالاً في تعيقة الذكر محمد أمين رياحي على كتاب «عالم آرای نادری ٣: ٩٢٦» فليراجع.

«ديوان نصرت اردبيلي» ص ١١٩١ رقم ٧٦٧٨: انظر مقالة «حافظ و شعراى آذربايجان» في مجلة «كهان فرهنگى» س ٣ ع ١ ص ٢٨ الصادرة في شهر ماه سنه ١٣٦٥ ش. «ديوان نظام تبريزي» ص ١٢٠٢ رقم ٦٨٣٧: انظر ترجمته في كتاب «رجال آذربايجان در عصر مشروطيت» ١٥٧ ص ما بعدها و تعليقاته عليه و أيضاً «دانشمندان آذربايجان» لتربيت و تأليفاته الكثيرة المذكورة في مجلدات البرقة و له ذكر في كتاب «سفرنامه امين النولة اخاخ عليخان»

«ديوان نظام الدين ابن المولى احمد الأردبيلي او شعره» ص ١٢٠٤: انظر له «شرح شواهد البهجة المرحية ١٣: ٣٣٨ - ١٣٤٩» و «عنوان نامها ٦٥ - ٣٥٤ - ٣٢٦٩»

«ديوان نظام الدين البغدادي» ص ١٢٠٤ س ٦٦ المذكور في ص ٣٣ يعني في هذا المجلد الرقم ١٨٨.

«ديوان نظام وفا» ص ١٢٠٦ رقم ٩٨٦٢: أقول و جد نظام وفا هو اندلاً محمد حسين بن محمد باقر الأراي الكاشاني المخار عن حاج السيد حسين كما مر ذكره مختصراً بما مش ج ١: ١٩٣: ١٠٠٢ و توفي نظام وفا في دهماء سنة ١٣٤٣ ش كما في ترجمته في أعلام فرهنگ فارسي للدكتور محمد معمر و التاريخ يوافي الشهرين شعبان - رمضان ١٣٨٤ كما ذكر ولادته في (١٣٦٦ ش) فراجع.

ص ١٢٠٩ س ١٧: هفت پيكر. أقول أحسن طعاعات هفت پيكر و أجنتها طبعة مسكو ١٩٨٧ م / ١٤٠٨ ق باعتناء طاهر أحمد او علي محرم اوف معها مقلعة لا بأس بها و فيها ولادة الشاعر في ١١٤١ م و هو الموافق ٥٣٥ - ٥٣٦ هـ و وفاته في ١٢٠٩ م الموافق ٦٠٥ - ٦٠٦ هـ و أمّا الدكتور محمد معين فعي أعلام فرهنگ فارسي له أنه ولد ٥٣٠ هـ و مات

٦١٤هـ و الله العالم. أمّا صاحب المقننة المعصية لطبعة خمسة النظامي في ١٣١٦ق طبع
بجهوده إلى أن وفاة الحكيم لم يتقدّم على سنة ٥٩٨ هـ راجعه و من جملة أشعار النظامي
على ما في [كشف الخفائق للعرير السمي المتوفى قبل ٧٠٠ هو قوله چو بد کردی مباحث
ایم را آفات / که واجب شد طبیعت را مکافات] و السلام حرّر في ١١ شوال ١٤٠٨
«ديوان نظري بيشابوري» ص ١٢١٣ رقم ٦٨٨٥ راجع مقال «نظري بر ديوان
نظري بيشابوري» في مجلّة «کيهان فرهنگي» الرقم المسلسل ٧٢ الصادرة اسفند ٦٨ش
ص ٢٨ فما بعد».

«ديوان نعمت لسانی» ص ١٢١٥ رقم ٦٨٩٣ أقول ذكر المعلّم الحب آبادي ره
تاريخ ولادة الميرزا محمودخان هـ في «مکرم آثار» ١٦ ٢٠٠٢ رقم ١٢٣٣ في وقایع
١٢٧١ عقيب ترجمة فرصة الدولة الشيرازي فإنه أيضاً من مواليد هذه السنة إلا أن في
«فارسنامه ناصري» أن الرجل ولد ١٢٧٢ و الصهر أنه انشاء بعد ذكر هـاک أن أخاه
الميرزا قاسمخان ولد بعده في ١٢٧٣ و أت تاريخ وفاته فأنته المعلّم ره بهامش نسخة من
الفارسنامه في عصر يوم الأحد الرابع من المحرم سنة ١٣٤٤ و هكذا أورده في المکرم و
قال أنه موافق للرايع من مرداد سنة «..» و هو و إن لم يذكر مآخذه للتاريخين إلا أن
وثاقته و تشه في أمثال هذه الأمور تجل لا يسعي التأمل في صحّة كلامه

«ديوان شاه نعمتالله ولي» ص ١٢١٥ رقم ٦٨٩٥ هذا الرجل أيضاً من الصوفية العامة
العمياء و توجد ترجمته في «تاريخ کرمان: ٥٧٤ فما بعدها ط ٢» لأحمد علي خان
الوريري و «الصياد اللامع ١٤٧» لشيحنا المصنّف و عنوانه فيه «نعمت الله» بالقاف و
تردّد هـاک في وفاته في ٨٣٢ أو ٨٣٤ و اليوم المذكور هـاک لوفاته الخميس الثاني و
العشرين من شهر رجب أقول و هو الأوفق بأنعام الرابع و الثلاثين كما يظهر من تقويم
وستمعد و إن كان ماساً للثاني و الثلاثين أيضاً باعتبار ثم الطاهر أن ترجمة السيد
نعمتالله في الصياد من إصابات الباشر دون الأصل و الله اعلم. و مرّ مبطله في «ديوان
الباقى ١٢٤ : ٧٧١».

«ديوان نقيي إصفهائي أو شعره» ص ١٢٢٠ رقم ٦٩٢٦ راجع ديوان روهي في ص

«ديوان نوربخش خراساني» ص ١٢٢٨ رقم ٦٩٧٤: أقول ذكرنا له في التكملة «شرح حديث من عرف نفسه ١٣. ٢٠٨. ٧٣٤» و ليراجع لراماً كتاب «اسناد مكانيات تاريخي ايران از تيمور تا شاه اسماعيل ١٥٠ - ١٥٤».

«ديوان نورالدين محمد التوميني» ص ١٢٣٠ رقم ٦٩٨٣. أقول لا دلالة على تشيع الرجل بوجه كما أشربا إليه في «نقشه المصنوع ٢٤. ٢٤٤: ١٢٦٦ و ١٢٦٨».

«ديوان نويد اصفهاني او شعره» ص ١٢٣٦ و اسمه السيد محمد ولد السيد جعفر المتخصص (صافي: ٥٨٤. ٣٢١٢) ذكره الاستاذ جلال الدين الهمايني في عداد شعراء اصفهان في النصف الأول للقرن ١٣ في (مقدمه برگريده ديوان سه شاعر اصفهان: ١٣٢) و لم يزد على اسمه و اسم والده شيئاً و الله العالم.

«ديوان لياري صفوي» ص ١٢٤٠ من ٢٥، (نما - من ١٥٧). تحفة انعام ص ٢٥١

٢٥٢ ط ١.

«ديوان نور توميني» ص ١٢٤٢ رقم ٧٩٥٤. انظر فهرس مكتبة العلامة السجسي المرعشي بقم ح ١ رقم ٢١٩ في المتن و التصاوير و ايضاً مقالة «حافظ و شعراي آذربايجان» في مجلة «كبهان فرهنگي» من ٣ ح ٤ من ٢٩ الصادرة في تير ماه ٦٥ ش.

ص ١٢٤٢ من ١، الفقه عيني لتعريف بالعية البير انظر كتاب «رجال آذربايجان ص ١١٥» للدكتور مهدي مجتهدى.

«ديوان واعظ قزويني» ص ١٢٥٢ رقم ٨٠٢٧. أقول يأتي (مشائته) في ح ٢٣ ص ٤٢ في عنوانين.

«ديوان والده اصفهاني او شعره» ص ١٢٥٥ رقم ٨٠٥٢. الظاهر أن والده هذا هو محمد يوسف بن محمد نصيب صاحب التذكرة المرحومة بسجستان في مكتبة السيد الكلبايكاني بقم كما في الفهرس ح ١ ص ٢١٤.

«ديوان الملا وحيدة او شعره» ص ١٢٦٧: نائحة بحميدة شريفة النفس عالية الهمة شاعرة بحميدة محبة راجع [مناصب السجف و حاصرها ٣: ٣١٧].

«ديوان وصفي كرماني» ص ١٢٦٩ رقم ٨١٤١: هو والد (عرشي) و (كشمي) للماز ذكرهما و استبعدنا في (مناقب مرتضوى) تشيع الكشمي فضلاً عن والده و توجد ترجمة

الرجل في (ترجمة الخواطر ٥ ص ٢٥٧) و نقل وفاته في ١٠٣٥ عن مرآة العالم كتاريخي ولديه.

«ديوان وفائي شوشتري» ص ١٢٧٤ رقم ٨١٧٨: أقول الصواب في اسمه و سبه أنه الحاج ملا فتح الله بن الأعنود ملا حسن بن عمي بن الحاج رحيم البري الشوشتري و البري سبه إلى قرية بريه قرب دورق «بالباء الموحدة و الراء المعجمة و الياء للشدة آخرها الهاء» و الصواب أيضاً الوفائي توفي في السجف الأشرف في شهر رجب ١٣٠٣ و قوله (في ص ٢٣) محمد صالح الصواب محمد بن الشيخ صالح و يعلم ما ذكرناه من مقدمة «ديوان وفائي» و من كتاب «شرح حال وفائي شوشتري» للشيخ محمد مهدي شرف الدين المطبوعين في السير الأخيرة أما نسخة الديوان طبعت في بلدة أهواز عام ١٣٩٢ و ها مقدمة في أربع صفحات ثم فيها قصائد و عربيات و مثنويات و رباعيات في ١٣٤ صفحة و تلوها نسخة «سراج المحاج» مصورة عن طعة حجرية لسنة ١٢٩٤ صفحاتها ٤٠. أما كتاب شرف الدين فطبع بعد الديوان في طهران في ١٤٠ صفحة و مشتمل على شيء من ترجمة الوفائي عنه من رسائله أيضاً و النسخة مصورة تماماً عن عبط الشيخ و قد بالغ في حق الرجل عبادة عظيمة و ادعى له كرامات غريبة و تجاوز عن الحد المعقول و المشروع مما لا يجوز تصديق أمثاله لغير معصوم و الله من وراء القصد م ع ر عمي عنه في آخر شهر رجب ١٤٠٥ ثم في ١٣ شهر رمضان ١٤١٣ رأيت ترجمة الوفائي في نقيب البشر (مصورة نسخة الأصل ص ٤٨٦) فراجعته.

«ديوان هجري تفرشي» ص ١٢٩٠ رقم ٨٢٧٠: راجع (تاريخ بيست ساله ايران ٧: ١٢) للسيد حسين مكّي و «مجله آينه ١٣: ٤٨٥» و المأخذ المذكورة هياك و الكسى و الألقاب للمحدث القمي في (الشعبي) مع الخواشي لـ.

«ديوان هلاي جغتاي» رقم ٨٣٠٠ - ص ١٢٩٥ ص ١٤، مجلة يادگار: أقول و جاء بمناسبة شرح بعض أعمال الشيبانيّين الاوريبك و الصفويّين ذكر الهلاي في «مقالة عبدالحى ميرزا يوسف» و قد أشربا إليها في التعميقه على (ديوان بهائي) و مرّ ذكر للمقالة في المتن ص ١٢٨٠ ص ٢٤ فراجعته و طبع ديوان هلاي مكرراً في بلاد الهند و طهران و لكاميار عابدي مقال حول ترجمة الهلاي و أثره نشر في مجلة «أدبستان ٣٣: ٤٢ - ٤٨ شهرپور ١٣٧١» فراجع.

- «ديوان هيدجي» ص ١٣٠٤ رقم ٨٣٦٤. أقول مرّ ذكر وفاة الحكيم الهيدجي ره في ح ١٣٧. ٦. ص ١ في ع ٢ سنة ١٣٤٩ كما نقل في «مكارم الآثار ١٦ ١٩٦٦» و قيل في تاريخه أقوال آخر و لم يتيسر لنا تحقيقه و راجع «الكلام بحر الكلام ج ١ ص ١٣٢» و مقالة «حافظ و شعراي آذربايجان» في مجلة «كبهان فرهنگي» ص ٣ ع ٤ ص ٢٩ الصادرة في يومه سنة ١٣٦٥» و مقالة «اسرار سروري و فلسفه او ٤٥ ٤٦» في مجلة «شريحه انجمن آثار ملي ٣ - ٤ پائيز - زمستان ١٣٥٥».
- ص ١٣٢١: بحمد الله صحّح وفق الجدول.
- ص ١٣٢٢: نسخة أحمد التروبي كما يأتي في ص ١٤٦٦.
- ص ١٣٢٢ س ٦، هذا الجزء يعني الجزء التاسع من الذريعة بمجلداته الأربع
- ص ١٣٢٨ عناوين الإصحاحات في هذا الفهرس ٥٠٥ عنواناً
- ص ١٣٥٥ س ١٨ الترمذي ابن ملا...، التستري ابن ملا .
- ص ١٤٢٤ س ١٢، الكرمانلي ميرزا آقا علي . لم أحده فاطر (نامه باسان) في اللون.
- ص ١٤٣٧: المذهب الإصحاحي. ملل الإصحاحي.
- ص ١٤٩٩ س ١٢، الروضات ١٩٩٩ + و ٥٧٥ س ١٠
- ص ١٥٣٩ س ١٢، يوسف و زليخا - اردستاني هذا أول مرّة ذكر (يوسف و زليخا) في المجلد التاسع و ليراجع ما كتبنا بالهامش.
- ص ١٥٤٠: بسم الله الرحمن الرحيم حمد لله الذي وفقني عنه و كرمه لتصحيح جميع أجزاء المجلد التاسع وفق الجدول الخاصة و ما استدرک في آخر المجلد ٢٥ و تمّ ذلك في ليلة ١٩ شهر ربيع المولود عام ١٤٠٥ و صلّى الله على سيّدنا و نبينا محمّد المصطفى و عترته الطيّبين الطاهرين و هذا العمل تمّ جميع التصحيحات و الاستدراكات وفق جميع الجدول في جميع مجلّدات الذريعة و السلام حرّره العبد محمدعلي روضائي عمى الله عنه و عن والديه آمين آمين آمين

الجزء العاشر

«الذباحة و احكامها» ص ٢: و كذا في ح ١١ ص ١٧٧ ثلث رسائل في حلية طعام أهل الكتاب.

«الديبحة» ص ٣ رقم ٢١ يأتي في ص ١٨٦ ح ١٢ أن لها نسخة أيضاً في المكتبة المركزية بجامعة طهران كما في فهرسها (٣: ١٨٧٩) و عندما نسخة في مجموعة رسائل كتابتها حوالي سنة ١٢٤٣.

ص ٤: يراجع «مسئلة في ديبحة» الخ ح ٢ ص ٣٨٧.

ص ٤. انظر خلاصة الأثر للمحتبي ح ٢ ص ١٣٠ احتماً

ص ٦ س ١١، الروضات: + ص ١٥٠ ط ٢.

«ذخائر النبوة» ص ٨ رقم ٤٥. أقول انظر ترجمة الخاج شيخ هادي العلامة في

«أعيان الشيعة ٥٠. ٤٤ — ٤٦» قال انه ولد في ٢٠ شهر رمضان ١٢٥٣ و توفي بالسجف

و دفن في الحجره صاحب مفتاح الكرامه و انظر أيضاً «الأعيان ٥٦ ٤٤».

«ذخير العالمين» ص ٩ رقم ٤٨: الصواب العائرين

ص ٩ س ١٠، شرحاً آخر: انظر ح ١٣ ص ٢٥٦.

ص ٩ س ٢٤، ١٣ — ج ٢ — ١١١٦: يرجع كذا فهرست كتب خطي اصفهان

ج ١ ص ١٧٣.

«ذخيرة الصالحين» ص ١٦ رقم ٧٦. أقول انظر «وسيله النجاة» للامام السيد

أبي الحسن الإصفهاني.

«ذخيرة العالم و بصيرة المعلم» ص ١٦. للسيد المرتضى ره نقل عنه قطعة في ظهر مسحة «تحرير الأحكام» للعلامة الحلّي ره و هي عندي.

«ذخيرة العقبي في مطالب اعتناء الزهراء عليها السلام» ص ١٧: لمحدث القمي الحاج الشيخ عباس ذكره نفسه في «هدية الأحاب ٣٧» في ترجمة أبي لؤلؤة.

«ذخيرة العباد ليوم المعاد» ص ١٧: رسالة عملية للعاصم الشرايبي الآلي في ج ١١ ص ٢١٨ ش ١٣٢٠ كما في مكارم الآثار ج ٤ ص ١٢٥٧.

ص ١٨ ص ١٣، ولفها: / وقعها. صح

«الذخيرة في الخسر في بيان سب عمر» ص ١٨ رقم ٩٠: أقول انظر [عقد الدرر ١٥. ٢٨٩: ١٨٨٢ و الذي بعده].

ص ١٨ ص ٢٥، التال: / اللال. صح

«الذخيرة إلى المعاد» ص ١٩ رقم ٩١: أقول إن الشيخ سليمان ظاهر كان من خيرة رجال الإسلام ولد في السطية ١٢٩٠ و توفي في دمشق سنة ١٣٨٠ سبهي سلسلة سبه إلى جدنا الإمام السعيد الشيخ زين الدين الشهيد الثاني و له ترجمة حسنة في [أعيان الشيعة ٥٢ ١٢٠ — ١٣٧] كتابه مفصل بالصواب و بطائفة من آثاره المطبوعة رحمة الله تعالى عليه.

«ذخيرة المعاد» ص ١٩ رقم ٩٣: قوله العزيز هدي أقول الصواب الفرير هدي كما في مهارس المشار و (فرير هدي) بقاء ثم راء من بواحي كاشان كما في كتاب [فرهنگ آباديهای ايران] و لم يجد للرجل ترجمة في المعاجم ولا في «عجلدیرین» لبيان الواعظین.

«ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد» ص ١٩ رقم ٩٦. يعني كتاب «إرشاد الأدهان إلى أحكام الإيمان ١: ...» لأية الله العلامة الحلّي قدس الله روحه و يأتي أيضاً كتاب آخر بهذا الاسم و الصم في ص ٢٠ ١٠٢ و انظر «كفاية المعتقد ١٨. ٩٩. ٨٥٩» و أمّا ولادته و وفاته فأوردتهما في وقائع السنين مرتين في ص ٥٠٣ و ص ٥٣٤ كالذي في المن و الولادة هناك أيضاً بنون ذكر اليوم و الشهر و لكن ذكر أن وفاته كانت في الثامن من ربيع الأوّل و أمّا تواريخ كتابه الذخيرة على ما في نسخة المطبوعة فقد فرع من كتاب الطهارة و هو الجزء الأوّل في أواخر شهر رمضان المبارك حجة خمسين و ألف و قال

في آخر كتاب الصلوة ما نصه «انتهى الجزء الثاني من كتاب ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد على يد مؤلفه المقيم .. في شهر جمادي الثامنة من شهور سنة ثمان و خمسين و ألف» الخ و ليس في المطبوعة تاريخ لكتاب الركوة و أمّا كتاب الصوم فقال في خاتمته «انتهى ما قصدنا إيراد في شرح كتاب الصوم على يد مؤلفه... في شهر رجب المرجب من شهور سنة ١٠٥٥ خمس و خمسين و ألف» الخ و ليس في المطبوعة تاريخ لكتاب الحجّ و كما في نسخة مخطوطة قديمة رأيتها أن يبيّض حج ما ذكره شيخنا في المتن وفق ما ذكرنا في هامش و إذا كان كتاب الذخيرة لم يتعد كتاب الحجّ و قد صرح بذلك صاحب وقائع السير أيضاً و هو من أجل تلاميذ المؤلف و من أقرب أصدقائه فما معنى لقول شيخنا أنه أجمل في المعاملات أو لصاحب وقائع في موضعين من كتابه أن السروراري فرع من تأليف كتاب الحجّ سنة ١٠٢٥ و هذا من أعاجيب الأغلاط و الظاهر أنه اشتبه عليه الأمر و أن الصواب ١٠٥٥ و الله العالم و العاصم - م ع ر في ليلة ١١ محرم ١٣٩٩

﴿ذخيرة المعاد و تذكرة العباد﴾ من تأليف: بالعربية لأبي محمد الملقب بعد الله المدعو بالحنس بن أحمد كتاب في الأدعية و العقائد في مقتضاه ذكر واقعة لمؤلفه في سنة ١١١٠ فهو من المعاصرين للعلامة المجلسي قس سرّه و النسخة عند الحاج الشيخ محمدنقي المشتهر بالعفامي الواعظ بإصفهان آخرها به في شهر شعبان المعظم سنة ١٤١٢ هـ.

«ذخيرة الملوك» ص ٢١ رقم ١٠٦. أقرب من جملة النافلين عن هذا الكتاب هو الملا حسين الواعظ الكاشفي في الباب ٣٤ من كتابه «اخلاق محسني» قال «و حضرت مرشد همداني أمير سيّد علي همداني قس سرّه در كتاب ذخيرة الملوك فصلي ار اقوال اهل حكمت در باب دلائل فراست آورده» الخ و لتراجع بشرة «فرهنگ ايران رمين ٢٨: ٩» مقالة بعنوان «سرگدشنامه مير سيّد علي همداني» و مقالة أخرى عنوانها «نقد و نظر در باره چهار اثر سيّد علي همداني» في مجلة «آيه پژوهش ٦: ٩ - ١٩» و انظر «ديوان سيّد علي همداني ٩: ٧٦٥: ٥١٧٧».

﴿ذخيرة المواعظ﴾ ص ٢٢ يراجع (تبيحة الحية)

«الذخيرة و كشف التوقع لأهل البصيرة» ص ٢٣ في تعبير الرؤيا توجد نسخة في

دار الكتب المصرية كما يظهر من «لأعلام لبركلي ١٢: ١٢٤: ١ ط ٦» ماقلأ عن «مهرس دار الكتب ٦: ١٧٧» و ناسباً تألفها بنى جدنا لأجد الأعلى لإمام العلامة الخاج مير أبو القاسم جعفر الموسوي الإصفهاني المتوفى ١١٥٨ قلس الله روحه الشريف و هو صاحب كتاب مناهج المعارف.

«ذرائع الاحلام» ص ٢٤ رقم ١١٧. ذكره في معجم المطبوعات العدد ١٧٧٢ و أعطأ في سبة مؤلفه فقال «المعاصري الشيخ محمد بن عبدالله المقاماني» الخ و الصواب ما في المتن. سبة إلى مامقان قصة قرب تبرير و الشيخ من أعيان عمداتنا الأعلام و بجهديها الكرم و ترجمه مذكورة في تفصيح المنقذ لولده العنعم المثال و كتبا في أحسن الودعة و ربحانة الأدب و أعيان الشيعة و نفاء البشر و لمختلف

«الذريعة الطاهرة» ص ٢٥ رقم ١٢٥ هذا الكتاب غير كتاب الذريعة الطاهرة تصنيف أبي بشر محمد بن أحمد بن حماد الأنصاري المعروف بالدولابي الذي يروي عنه عني بن عيسى الأرمني رحمه الله تعالى بسنده المذكور في كتابه كشف الغمة ج ١ ص ٤٩٢ ط ٢ مراجعه.

العلامة الشريف الخاج السيد مجتهد بن أبي طاهر الخالي المجعي في ٢٩ ع ١ سنة ١٢١٠ في [...] بإصفهان أن هذا الكتاب هو غير كتاب الدولابي لا غيره و أن السلامي هو راويه و أخبرني دام عره بأنه [...] نسخة ستنكها بمعه عن مصورة مكتبة السيد الحكيم بالسحف الأشرف و الحمد لله رب العالمين.

«ذريعة المصطفى» ص ٢٥ رقم ١١٢٦ أقول راجع كتاب [نقاء البشر ١٥١٤] و [مئة الراعيين ص ٥١٨] و [مكارم الآثار ١: ١٣٣: ٧٦ و أيضاً ٥: ١٧٦١: ١٠٧٠] و الذريعة هذه لم يذكرها صاحب مكارم لعدم ظهور اسمها قديماً و الله العالم و يأتي له «رأد المسافرين ١٢: ٩: ٤٩» و «قانون العلاج ١٧: ٢٣: ١٤٠»

«الذريعة إلى حفاظ الشريعة» ص ٢٧ رقم ١٣١ ص ١٤، الجليلي: هو صاحب شرح الكافي المذكور في ج ١٢ ص ٢٨.

«الذريعة إلى مكارم الشريعة» ص ٢٨ رقم ١٣٣ ص ١٢، قال بعض الأفاضل: هو إمام الأفاضل و سيد الفقهاء الأعظم المجتهد محمد بن محمد آية الله العظمى صاحب الروضات

قلنس الله تعالى روحه ذكر ذلك في ترجمة الرابع (الرقم ٢٧٣) إلا أن الكلام في صفة
النسخة المارسة من الدرعة انظر ما ذكرناه في التكملة عمى «اخلاق راعب ١- ٣٧٤:
(٩٥١) و ذكرنا هناك أيضاً ما يتعلق بقوله «كف أرح تاريخ أخبار الشر».

ص ٣٢ من ١٢٥ بهذا الكتاب. ذكر ذلك صاحب الروصاة قلنس سره في ص ١٩٨.
«ذريعة الهداة» ص ٣٣ رقم ١٥٧ من ١٠، لقاصي في تبيهر: أقول انظر ما ذكرناه في
«محاسن الاعتقاد ٢٠، ١٢٥: ٢٢٢٦».

«الذكرى» ص ٣٨ رقم ٢١٠: أقول مر هذا الكتاب في «الخمرية ٧: ٢٥٣: ١٢٣٣» و
يأتي ذكر نسخة أخرى له في (ح ١١ ١٨٦ من ٤) و انظر «سمر عرشي ١٢: ١٩٢.
١٢٩١» و «شامع حشر ١٣: ٥: ١٠» و راجع ما ذكره بصوان (شرح شافية أبي فراس
بهامش في ح ١٣: ١٣٤) و ترجمة أبي نصر محمد بن ناصر الشريعة منصور بن محمد المشتهر
بصدر الثاني على حلّة تعبده في معتمة كتابه بذكرى هذا دون التعبير الصغير الذي
احترعه شيخنا المصنف ره و كذا ترجمة حقه محمد بن [أحياء الذائر ٢١٨ - ٢٢٠] و فيها
بعض الأخطاء فيها عيبه بهامش نسخةنا و الله العاصم و رجوع به دشمندان آدميت
ج ٣ ص ٤٥١.

«ذكرى ذوي النهى» ص ٣٩ رقم ٢١٨. راجع «العالية لأهل الأنظار العالية» في نفس
الموضوع للسيد المؤلف المذكور في ح ١٦ ص ٣.

«ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة» ص ٤٠ رقم ٢٢١ من ٧، فرع منه: عبارة للمصنف
ره هكذا «فرغت منه يوم الثلاثاء لتسع بقوس من صفر» الخ و قال قبل ذلك «و ليكن هذا
آخر المجلد الأول من كتاب ذكرى الشيعة و ينوه إن شاء الله في المجلد الثاني كتاب
الركوة» انتهى. ثم أن في مكتبة الأوقاف العامة في بغداد نسخة جيدة من الكتاب قديمة
عرائية متينة مقابلة كتبها حسن بن محمد بن أحمد في ٨٣٦ برسم خراطة أحد الصدور
كما في فهرس المكتبة ج ٤ ص ٣٨٥.

«ذوب الفصار في شرح أحد الثار» ص ٤٣ رقم ٢٤٦. أقول الصواب الفصار كما مرّ
في «أحد الثار ١: ٣٦٩: ١٩٢٨» و يأتي أيضاً في «شرح الثار ١٣: ١٧٠» و نسخة العلامة
المجلسي التي استكتبها له السيد علي الحسيني لنشهدي فم قابلها العلامة بعينه في شهر

رمضان ١٠٨١ في النصف الأشرف نحو «مثير الأحرار» و «مقتل أمير المؤمنين عليه السلام» الذي سببه العلامة في البحار إلى أبي الحسن البكري في حرارة كُتِبَا و لله الحمد و ترجمة ابن نما في «الأنوار الساطعة ٣١» باختصار و كذا في «الكنى و الألقاب» و «هدية الأحاب» كلاهما للمحدث القمي و «أعيان الشيعة» و قد استعاد الكلّ بما حققه جدنا الإمام المجتهد المجاهد المحدث صاحب الروضات الحثّات في ترجمة الرجل و فؤيه ثم بحسوا حقه كسابر المواضع فانكّر عيال عليه غير شاكرين و الله سبحانه يجره اجراء الأوفى فإنه أول من أحيا آثار العلماء و مآثرهم بأسلوب لم يسفه سابق و لم يعذر على الحق به لاحق و بالجملة فقد نقل صاحب الروضات أعني الله مقامه عن فخرالحقّين ره أن الشيخ جعفر بن نما من مشايخ والده العلامة الحلّي المتوفى ٧٢٦ و مسند جدنا الإمام ره كما صرح به هو إجارة المعمر و هي في [بحار الأنوار ١٠٨ : ٩٧ — ٩٨] و السلام حرّره في ٢٢ صياح ١٤٠٨ هـ

ثم أعلم أن قوله [مؤلف مثير الأحرار المتوفى ١٦٤٥] يأتي منه في [مثير الأحرار ١٩ : ٣٤٩ : ١٥٥٩] و هذا خطأ فاحش لأن التاريخ المذكور هو لوالد صاحب النوب و المثير كما في [لؤلؤة البحرين ١٧٢ — ٢٧٣ ط النصف] متناً و هامشاً و الفوائد المطبوعة في آخر [نتائج التفتيح ١٧٢] للعلامة نظامي طاب ثراه و بطل أن الذي أوقع المصنف في هذا الخطأ هو كاتب المقدمة للمثير المطبوع في النصف سنة ١٣٦٩ فإنه أعني الشيخ عبدالمولى الطريحي الكاتب للمقدمة صرح بذلك أعني تاريخ الوفاة و لكنّه سبب الكتاب رأساً إلى الوالد أعني بحمد الدين عمّاد بن جعفر و عليه فالتاريخ صحيح إلا أن النسبة غلط و أصبح ففي نفس الكتاب فصلاً عن التأخرين تصريح باسم مؤلفه (جعفر بن محمّد بن نما) مكرراً و تسرى الخطأ مع أخطاء آخر إلى طبعة قم للمثير سنة ١٤٠٦ و سبحان من لا يسهو.

ثم لا يخفى أن المصنف لم يذكر تاريخ وفاة لصاحب النوب في [أخذ الثار ١ : ٣٦٩ : ١٩٢٨] و لا في [الأنوار الساطعة ٣١] عند ترجمة الرجل كما لم يذكر تاريخاً لوالده بحمد الدين عمّاد في [الأنوار ١٥٤] فاعتراه في هذه الأواخر من مقبلة الطبع للمثير أو أمثالها و الله العالم.

ثم إن صديقنا العلامة السيد محمدصادق الطباطبائي آل بحر العلوم المحمي قال في تعليقه على «لؤلؤة البحرين» ٢٧٤ ط الحنف «عبد ترجمة صاحب الدوب و انثر ما لفظه [و قد توفي المترجم له على ما قيل سنة ٦٨٠] انتهى و قد استقصى هذا السيد الصديق أيضاً في الموضع المذكور أسماء و تراجم جمع من آل بما و سقه بذلك صاحب «أعيان الشيعة» ١٠: ٣٤٧: ١٥٧٧» و صاحب «تقيح لمقال ١: ٨١. ٤٦٩» و هم و غيرهم المستفيدون مما استوعبها جذا الإمام في الروصت شكر الله مساعي الجميع و لراجع [الباليات] و [شعراء الخلّة] و [أعيان الشيعة ١٧: ١٣٧ ٣١٩٣] قال: [و في «الطليعة» توفي سنة ٦٨٠ تقريباً] انتهى و «الطليعة» للعلامة المرحوم الشيخ محمد السماوي و نعل الطليعة و الأعيان مأخذ السيد محمدصادق و لله العدم. فرغت من مشقة تحريره في يوم الجمعة ٧ حجة ١٤٠٨ و الحمد لله رب العالمين.

«ذوق النال - أو ذوق الخالين» ص ٤٥ طور من (وحدة الوجود) بحث فيه المحقق النوازي من بعده من أهل التصوف و العرفان و من جعلتهم السيد مهدي بن دايع نكار مختصراً في النور السادس من أنوار كتابه «بديع الأنوار في أحوال سابع الأئمة الأطهار عليهم السلام» و هذا الكتاب مطبوع على حجر و أحال التعصیل إلى كتابه المخطوط الموجود في طهران (كناية العرفان) مراجعه و تم نكتم في تلك المراحل بالحداد الشيرازي المكفر في كتبه الثلاثة و مشايحه و من تابعه بعده. و الله العالم و انظر [وحدة الوجود] متعدداً في ح ٢٥ و راجع [ديوان عطار بشاروري ٩. ٧٢٩. ٥٠٢٠] في التكملة.

«الذهبية» ص ٤٥ رقم ٢٦٣. انظر (ح ١٤: ٩: ١٥٨) و (ح ١٧: ١٢٩: ٦٧٦).

«الذهبية الطلية المشهور بطب الرضا» ص ٤٦ رقم ٢٦٦: كما يأتي في موضعه (ج ١٥: ١٤١) و اعلم أن الرسالة الذهبية هذه مقونة بتمامها في كتاب «الأنوار العمانية» ١٧٤ - ١٨٧ ط الحديثة و هناك تعبئة للسيد محمدعلي القاصي الطباطبائي التبريري طويلة نافعة فراجع و انظر «الموائد الرصوية ١٦: ٣٤٠. ١٥٧٩»

«ذيل الأنساب المشجرة» ص ٤٧ رقم ٢٦٨. يراجع ح ٢٠ ص ٢٥٩.

«ذيل عالم آراي عباسي» ص ٥٠ (رسالة دين ١١: ١٨٦: ١١٤٤).

«ذيل عمدة الطالب» ص ٥٠ رقم ٢٧٦: انظر إحياء الآثار ص ١٣٣.

ص ٥١ رقم ٢٧٦ س ١٧، مشعر أن مرشح: يأتي في ح ٢١ ص ٤٣: ٣٨٧٥ و ج ٢٠ ص ٨٦ رقم ٢٠٢٤.

«فيل كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون» ص ٥١: الأصل مطبوع عذّة مرآت مع الاستمراكات و الديور لأهل السنة أصلاً و فرعاً و لشيوخها المصنف ره «...» و للشيخ محمد الصادق بن محمد الطاهر الفاضل التونسي ١٢٩٩ — ١٣٥٦ [سلوة القلب المحزون في تدليل كشف الظنون] كما في الأعلام للزركلي و هو أيضاً من العامة و لهذا الصعيف محمد علي بن السيد محمد هاشم الموسوي الإصفهاني المشتهر بروضاني تعليلات و استمراكات للكشف و ديوره المطبوعة.

«الرائية» ص ٥٣ رقم ٦: يراجع ج ٣ ص ٢٧٨ و ح ٢٠ ص ٩٢ و ح ١٧ ص ١١٦ و لا يخفى أنه لا خلاف في أن وفاة الشيخ حسين سنة ٩٨٤ كما أرّخها كذلك في ج ١٣ ص ٢٧٩

«راحة الصدر في شرح حديث مثل أهلي بيتي كمثل سبعة نوح» ص ٥٦ رقم ٢٠: أقول هو كتاب حافل كثير المائدة حثاً و عليه تقرّظ سيد مشايخنا الإمام الحجة السيد صدر الدين ابن حالنا المتهجد الأكبر السيد اسماعيل الصدر طاب ثراها المتوفى بقم. «راحة الصدر و آية السرور» ص ٥٦: أقول الراوي هذا من أشدّ الواصب الثام كما يظهر من كتابه هذا فلا يعمل.

ص ٥٧. أقول إن الشاه عباس الثاني نصموي ولد ليلة الجمعة ١٨ ح ٢ سنة ١٠٤٣ و جلس على سرير الملك ليلة الجمعة ١٦ صفر ١٠٥٢ و مات ليلة السبت ٢٧ ع ١ سنة ١٠٧٧ كما حققنا كلّ ذلك بعد المحص و ما ذكرناه سابقاً في كتابها «مهرست كتب خطي كتابخانههای اصفهان ١. ١٥» من أن طاهراً وفاته ليلة الثلاثاء ٢٥ ع ١ سنة ١٠٧٧ فما أخذه كتاب المنتظم الناصري و هو خطأ فيصحح. م ع ر في ليلة ٢١ ح ١ سنة ١٤١٣ «راحة توفيق» ص ٥٧ رقم ٢٧. أقول هذا الكتاب نظم «مصممار دانش».

ص ٥٨ س ١٣، أقول: هذا القون لشر الكتاب نكلم على مذاقه في مسلكه و الله العاصم.

«نواز گشا» ص ٥٨ رقم ٣٦: يراجع «مكارم الآثار ٦: ٢١٤٨: ١٣٥٠».

«رأس مال النعم» ص ٥٩: يراجع فهرست ميكروfilmهاى كتابخانه مركزى دانشگاه تهران ٢١: ٣٣٠.

«راش الرازي آل محمد» ص ٥٩: أقول و كذا ذكره الإمام الشيخ عبد الجليل الرازي لئس سره في كتاب «النقص ٢١٢ ط ٢» المؤتف في أواسط القرن السادس قال عبد عنه جمعاً من المسترعين للقرآن الكريم من الشيعة ما نصه «و محمد بن الحسين الخنسب كنه مصنف كتاب رايش افراى است چند محمد» تنهى و يراجع التعليقة رقم ٨٩ على النقض للمير جلال المحدث.

ص ٥٩ س ١٩، ص ٣١٠ يعنى من المحدث ثانياً و كذا نقل عنه في ص ١٦٥ خروج ساء الإمام المحدثى عليه السلام الكثرة خلف جنازة حافيات.

«رابعة الخلاف عن وجه سكوت امير المؤمنين عليه السلام عن الاختلاف» ص ٦١ رقم ٥٠ أقول وصفها صاحب محال المؤمنين بأنها من نفس المؤلفات حقاً كما في «مرآت الحق» للمحبوب الصوفي ص ٨٨.

«واهر يراى مسافرين اصفهان» ص ٦٣ رقم ٥٦: و يأتي بعنوان رهبر أيضاً.

«الرباعيات» ص ٦٨ رقم ٩٨ من ٤٢٠ منهاج العارفين: في نسخة من شرح الرباعيات «منهج السحابة» و قد وشحه باسم الشاه سليمان الصفوي و لكن جاء في آخر النسخة بخط الكاتب «منهاج السحابة» و الله العالم.

«ربط الحكمة بالصوف» ص ٧١: راجع [ديوان حسن گيلاني ٩: ٢٤٥: ١٤٨٥].

«رجال ابن بطريق» ص ٨٣ رقم ١٥٠ يأتي أيضاً في ص ١٥٩ و هو سهو.

ص ٨٥ س ١٣، اظنه عبدالله الصفوري: أقول نظر ما سيأتي «رجال شيخ عبدالله ١٢٦: ٢٥٢» و ما مرّ في «الحاشية على رجال ابن داود ٦: ٨٧: ٤٥٤».

«رجال ابي ذرعة الرازي» ص ٩٢ رقم ١٧٤ ذكر أيضاً في مصفى المقال و أبو زرعة الرازي بالرازي من اعلام العامة فليتبّع.

«رجال المير محمد اسماعيل الحسيني» ص ٩٦: أقول انظر كتاب [مصفى المقال ٧٨].

«رجال تلميذ الشيخ هاشمي» ص ١٠٢ رقم ٢١٣: قد مرّ الإشارة إليه في ح ٦ ص ٨٣

س ٢٠ و ذكر في مصفى المقال ص «...»

«رجال الميرزا حيدر علي الالاسي» ص ١١٤: يراجع المجلد الرابع ص ٥٧.

ص ١١٨ س ١٦، تاريخ العلماء البحرين، علماء، صح

«رجال الشيخ الطائفة» ص ١٢٠ رقم ٢٤٦ أقول أمصل نسخ الكتاب و أمصها هي التي استكتبها محمد بن سراج بن مرتضى و فرغ منها يوم الجمعة الحادي و العشرين من شهر رجب ٥٢٣ و فيها بلاغات و سماعات حنية و هي الآن في مكتبة لندن «موره بريتانيا» و عنها مصورة في المرعشية بقم وصفها المهرس (٢: ١٢٦) و أمّا النسخة المحطوبة المرجودة عدنا «...»

«الرجال الصغير» ص ١٢١ س ١٩، و قل: أقول هذا العمل صحيح كما في «لؤلؤة البحرين» ١١٩ ط الحف «دالاً أن الحق سحراي ره صاحب اللؤلؤة نقل صريحاً في أوائل كتابه الآخر الكشكول للسقي «أبى المسافر ١. ١٤ ط الحف» كلاماً عن حاشية «كتاب الرجال الصغير» هذا يعبر بعبارة في عدة أسطر و هذا النقل يدل على أنه وقع على نسخة الرجال الصغير بعد تأليف اللؤلؤة التي فرغ من تأليفها في ١١ ع ١ سنة ١١٨٢ و قبل وفاته في ٤ ع ١ سنة ١١٨٩. لمكتبة راجع عدة نسخ من «الرجال الوسيط» للميرزا فربها نك العبارة **بعض نقل نسخ من الوسيط فالظاهر أن** «كتاب الرجال الصغير» في كلام الشيخ يوسف من سهو القلم و أن صوابه «كتاب الرجال الوسيط» ثم إننا رأينا حاشية على نسخة من كتاب [تخصيص المقال في ١ ط] و هو الرجال الوسيط و هذا نص تنك الحاشية قال المحشي [من نسخة الميرزا الصغير: آدم أبو الحسن النحاس الكوفي في. الظاهر أنه ابن الحسين الأبي موقفاً و مع الجرد عن النحاس يحتمل ابن المتوكل الثقة أيضاً بل و يتابع اللؤلؤة لاثباته معه فهو على الوجه ثقة] انتهى ما وجدناه بامش نسخة الرجال الوسيط فيظهر منه وجود نسخة الوجيز إلى هذا الأواخر و أمّا السختان اللتان ذكرهما شيخنا المصنف في المن الأولى في الرصوبة بخط مصنفه و الثانية في موقوفة الإيرواني فالأولى مذكورة في فهرس الرصوبة ٢: ٣٢٥٩ ثم لما طبع الجزء السادس من فهرس الرصوبة ذكر فيه نسخة أخرى للرجال الصغير أيضاً في ص ٦٠٦ و هي أيضاً نسخة مهتة و أمّا نسخة الإيرواني فلا علم بها ررقنا الله العثور على الجميع. و الله العالم حرر في ١٢ جمعه ١٤٠٨

ص ١٢١ س ٢١، عندي منه: يعني من الوسيط.

ص ١٢١ س ٢٢، الوثيق: الصواب الإثني

ص ١٢٦ س ١٨، القهستاني: الصواب القهستاني.

ص ١٢٦ س ٢٤، المولوي: الصواب للمولوي.

«رجال السيد عبدالله» ص ١٢٨ س ١٥، و طبع. م يطبع.

«رجال الشيخ عبداللطيف» ص ١٢٨ رقم ٢٥٣. لاحظ ترجمة الشيخ حسين الدليري

في كتاب ماضي السجف و حاضرها المجلد الثاني في حروف الدال فهناك ما يزيد للباحث.

«رجال علاء الملك» ص ١٣١ رقم ٢٥٥ س ٢١، الخ ثم. أقول تسمية كلام الرياص قوله

«يقول عنه رفيع الدين الصدر في حواشي كتبه في رد السيد الداماد في حرمة تسمية

القائم عليه السلام فلاحظ اسمه و أحواله» انتهى ج ٧ ص ٢٥٣ ط قم و نسخة كتاب

رفيع الدين الصدر موجوده عندنا الآن و النقل في حاشية الكتاب أيضاً فيه موجود م عر

عني عنه في ليلة ١١ محرم سنة ١٤٣١

«رجال السيد قريش ابن سبيع بن مهدي» ص ١٤٠: باید دید از طائفه سيد مها محار

از علامه بوده یا خير سيد مها سبيل در ج ٣ احقاق حق و ترجمه اش در درر كامه

است

ص ١٤١ س ١٠، شاور بدایته: باسمه (دليل قاطع) و قد مرّ في موضعه.

«رجال أبي مخنف لوط» ص ١٤٢: أقول انظر «مقتل ابن اشعث ٢٢: ٢٢: ٥٨٢٦» و

النكملة و ذكر الرركلي في الطبعة الأخيرة من لأعلام وفاة لوط سنة ١٥٧ و هو كذلك

في طبعتها الأولى فما في المتن خطأ وقع مثله في «مصطفى المقال ٣٨٢» و تبعهما السيد

كمونة في «سيرة الراغبين» و الله العاصم.

«رجال الميرزا محمد بن محمد هادي النابلي» ص ١٤٨ رقم ٢٧٣ أقول راجع «ديوان

فايض نائبي ٩: ٨٠٦: ٥٤٣٨» و انظر ترجمة الرجل في «أعيان الشيعة ٤٧: ٨» و هناك

وصف بعض آثاره الرجالية.

ص ١٥٠: رجال المرعشي انظر رياض العلماء ج ٧ ص ٢٥٣ و انظر ما مرّ بالرقم

«رجال الشيخ موسى» ص ١٥١ س ٨ ، الريحاني: الصواب الريحاني، ط

ص ١٥١ من ١٩، «الجامع»: مطبوع ط عندما موجود.

«الرجال الوجير» ص ١٥٨ أقول مرّ بعنود «الرجال الصغير ١٢١: من ١٤» و هناك ذكر مسخطين موجودتين الآن للكتاب فلا وجه لقوله [لم توجد] الخ و هذا نشأ من السيان و العفلة و الله العاصم و يأتي [الوجير في الرجال ٢٥: ٢١٦ ٠٤٢].

«رجال السيد محمد هاشم الجبهاسوني» ص ١٥٨: الصواب الجبهاسوني.

«رجال الشيخ ياسين» ص ١٥٩، أقول انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان [الحيط

«...»

«رجال الشيخ يحيى الخلي» ص ١٥٩ رقم ٢٨٦: مرّ أيضاً ذكر هذا الكتاب في ص ٨٣

بعنوان رجال ابن بطريق فلا وجه لعنوانه ثانياً.

«الرجعة» ص ١٦١ رقم ٢٩٢: أقول راجع [رسالة في الرجعة ١١ ١٨٧].

«الرجعة و احاديثها» ص ١٦٢ رقم ٢٩٤: انظر ح ١ ص ٩٣.

ص ١٦٣ س ٦، المورداً بمحمد بن أبي جعفر آخر نسخة نقد الرجال المطبوع.

ص ١٦٣ س ٢٥، منه كوفي و راجع (دلائل الرجعة) أيضاً في الدال.

ص ١٧٢: قال الصدوق ره في «عيون أخبار الرضا عليه السلام ص ٢٢٧ ط ١٢٧٥»

بعد نقله حديثاً بهذا السند: [حدثنا أبي رضى و محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضى

قالا حدثنا سعد بن عبدالله قال حدثني محمد بن عبدالله المسمعي قال حدثني أحمد بن

الحسن الميثمي أنه سئل الرضا ع ما نصّه [قال مصنف هذا الكتاب كان شيخنا محمد بن

الحسن بن أحمد بن الوليد رضى — سئى الرأي في محمد بن عبدالله المسمعي راوي هذا

الحديث و إنما أخرجت هذا الخبر في هذا الكتاب لأنه كان في كتاب الرحمة و قد قرأته

عليه فلم يسكره و رواه لي] انتهى.

«رد الجمعة إلى أهلها» ص ١٧٥ رقم ٣٥٦ أقول و سيأتي له [الرد على رد السقيفة]

في ص ١٩٦: ٤٩٨.

ص ١٧٦ س ٩، التبعة: أقول الصواب تبيعة.

«الرد على ابن داود» ص ١٧٧ رقم ٣٦٧ انظر الرد على أصحاب العدد في ص ١٨٥

و [الرسالة العددية ١١: ٢٠٩: ١٢٥٣].

«الرد على ابن كمونه» ص ١٧٨. انظر (شبهة ابن كمونه) في الشرح ج ١٣ ص ٢٤ و ٢٥ و انظر (عرش التقديس) في العين.

«الرد على الشيخ أحمد الأحصاني» ص ١٨٢ رقم ٢٩٥. يلاحظ أن العلامة الرازي الأندلسي توفي ١١ شوال ١٢٣٢ و الشيخ البردود عليه توفي ٢١ قعدة ١٢٤١ فظهر من ذلك أن انحراف الرجل في بعض مطالبه قدم.

«الرد على أصحاب الحلاج» ص ١٨٥ رقم ٤١٧. يراجع الرسالة الرابعة من رسائل مجموعة جليلة عندنا (رقم ٨٥٠٥) و يقل من أوثها و آخرها و كذا تصحيح الاعتقاد ص ٦٥ س ٣ و المسائل الصاعقة ص ١٨ ط السجف فانعبد رص من أقدم المكربين على أهل التصوف و الراديين عليهم.

«الرد على أصحاب الصفات» ص ١٨٥ رقم ٤١٨. برأي أصحاب صفات و توصيح رجوع بخاندان بونحنى ص ١١٨.

«الرد على أصحاب العدد» ص ١٨٥ رقم ٤٢٠ و انظر الرد على الصدوق في ص ٢٠٤.

«الرد على أولى الرقص و المكو ميمون كمي بأي بكر» ص ١٨٦ رقم ٤٢٩، محس. انظر له أخبار الربيات في ج ١: ٣٣٢-١٧٣٣ و ما ذكرناه هناك.

«الرد على أهل الشهود القائلين بوحدة الوجود» ص ١٨٧ رقم ٤٣٧: أقول الظاهر أنه الآتي بعنوان [وحدة الوجود ٢٥: ٥٦: ٢٩٦].

«الرد على البائية» ص ١٨٨ رقم ٤٥٠. أقول بأي أبصاً في (ص ٢٢٢: ٦٥٤).

«الرد على النحلة الالتي عشيرة» ص ١٩٠ رقم ٤٦٦ س ١١، المولود: ليراجع فهرس المهارس حتماً ص ٤٣٦ ج ٢ و غيره فإن هذين لتاريخين اشتباه.

ص ١٩٤ رقم ٤٩٠ الرد على الخوانساري: يراجع العدد ٥١١.

ص ١٩٥: الرد على السيد الداماد في الحديث الدهري انظر «صبح صادق ١٥: ٦:

٣٦».

«الرد على الملا رجب علي التبريزي الإصفهاني» ص ١٩٥ رقم ٤٩٦: أقول انظر (وجود الباري) في (ج ٢٥: ٣٧).

- «الرد على رد بعض علماء العامة لكتاب مصائب الواصب» ص ١٩٦ رقم ٤٩٧:
انظر مصائب الواصب في (ج ٢١: ٧٧ ص ٤).
- «الرد على رد السقبة» ص ١٩٦ رقم ٤٩٨ أقول مرّ له [ردّ الجمعة إلى أهلها] في
ص ١٧٥: ٣٥٦.
- «الرد على رسالة شبهة الاستلزام» ص ١٩٨ رقم ٥١١: يرجع العدد ٤٩١.
- «الرد على الرق المشور في جواب مسائل لاهور» ص ١٩٩ رقم ٥١٥: أقول جاء في
«مهرس المخطوطات العربية في مكتبة الأوقاف العامة في بغداد لعبدالله الجسوري ٤:
٤٠٠» أن هناك نسخة من «صبّ العذاب على من سبّ الأصحاب» لمحمود شكري
الالوسي المتوفى ١٣٤٢ ردّ فيه على أرجوزة نظمت في الردّ على كتاب «الأجوبة العراقية
عن الأسئلة اللاهورية» و فرغ منه مؤلفه في ١٣٠٤ هـراجع.
- «الردّ على الريدة» ص ٢٠٠ مرّ باسمه (الأبحاث في تقوم الأحداث) في ح ١ ص
٦٣.
- «الرد على سلطان العلماء» ص ٢٠٠ رقم ٥٢١. ذكر في فهرس العلامة المرعشي بقم
(٩٠-٦٠: ٣٢٧٥) بعنوان (حاشية حاشية خبيرة سلطان على الروضة البهية) و ذكرها
الشيخ ابراهيم الخروشي في «مهرست كتب خطي ١ رقم ٥٥».
- «الرد على سهو النبي ص» ص ٢٠١ رقم ٥٢٦: راجع سهو النبي متعدداً في ح ١٢ ص
٢٦٧ و تعالينا هناك.
- ص ٢٠٢ س ١٦، «أسرار الآيات»: لمراجع أسرار الآيات للمولى صدرا و العرشية و
شرحها المصحقة في الطبع بالمشاعر.
- «الرد على شرعة التسمية» ص ٢٠٢ رقم ٥٣٧، شرعة التسمية: المذكور في ح ١٤ ص
١٧٨ و يرجع ما ذكرناه في هامش ص ٣٣ ح ١٦ من الدريعة هذا.
- ص ٢٠٢ س ١٨، الموسوي: في «لباب الألقاب ص ٦١ ط ٢» للكاشاني «الحسيني
الموسوي المرعشي» و الرجل مرعشي بلا كلام و لم أعرف نسبته للموسوي لحدّ الآن.
- ص ٢٠٢ س ١٨، المتوفى (١٠٣٤) لا يحصى أن سلطان العلماء توفى سنة ١٠٦٤ كما
في عامة المصادر و أمّا ١٠٣٤ فهو عام وفاة والده صاحب العنوان و قد صرّح به في
مخلاصة التواريخ و غيره.

ص ٢٠٢ من ١٩، «رياض العلماء»: أقول فيها في آخر ترجمة الخلفاء رجب ح ٢ ص ٣١٠.

«الرد على الشهاب الثاقب» ص ٢٠٢ رقم ٥٣٩: انظر ح ١٤ ص ٢٥٢ و ج ١٥ ص ٦٤.

ص ٢٠٣ من ١، ابن عبد الوهاب: ١- أمير بن عبد الوهاب هذا رآه علي أستاذ الفيص القائل بالوجوب العيني ٢- محمد أمير التبريري السباح المعاصر للمبص قائل بالوجوب العيني [ج ١٥: ٦٤: ٤٤٥] ٣- أمير بن أحمد التوي قائل بالحرمة [ج ١٥: ٦٥: ٤٤٦] ٤- محمد أمير الأسترآبادي الأحباري قائل بالوجوب العيني ط [١٥: ٧١: ٤٨٠] في تكملتنا المكتوبة على هامش ص ٧٣.

ص ٢٠٣ من ٢٣، علي الشيخ أحمد: + في ص ١٨٢.

ص ٢٠٣ من ٢٥: و انظر «الرد علي شرح رسائل العلم» في ص ٢٠٢ و «حياة الإيمان» في ج ٧ ص ١١٧.

«الرد على الصوفية» ص ٢٠٤: انظر (الرد على أصحاب الخلاج) و ما ذكرناه في الكلمة و يأتي «رسالة في رد الصوفية» ١١: ١٨٨، ١١٤٩» و اعلم أن للسيد المحدث الكبير نعمة الله الحسيني الجزائري كلمات و مقالات في الرد على الصوفية بما لا مرید عليه في سائر كتبه فمنها ما ذكره في [نور الأنوار ٢٣ فما بعدها] و منها ما ذكره في [غرائب الأعيان و نوادر الآثار] حيث ما أورد فيه دئمهم و له أيضاً مطالب أخرى في غير كتابيه المذكورين و السيد من أجل تلامذة العلامة المحسني و يأتي [الشهب السماوية ١٤: ٢٥٨ ٢٤٧١] في نفس الموضوع و من المظهر ما في كتاب [الكامل في التاريخ ١: ٣٦] لابن اثير من أن أحميدون الملك «قبل إنه أول من سمي الصوفي» انتهى.

«الرد على الصواعق المخوفة» ص ٢٠٤ رقم ٥٤٨: أقول و يأتي [الشهب الثواقب ١٤: ٢٥٨: ٢٤٧٠] في نفس الموضوع.

ص ٢٠٥ باورقي: في كل مطالب هذه التعبيقة مواقع لسطر و انظر هامش ص ١٨٥.
ص ٢٠٥ من ٣١: راجع كاشف الحق في ح ١٧ ص ٢٣٦ و هداية العالمين في ح ٢٥ ص ١٨٢.

ص ٢٠٧ س ٣، القوائد الدينية. انظره في موضعه ج ١٦ ص ٣٣٥.

ص ٢٠٧ س ٧، تجاه اصول: و مرّ في موضعه ج ٢ ص ٢٠٠

«الرد على العثمانية» ص ٢١١ رقم ٥٨١. يراجع «النقص على العثمانية» في ج ٢٤.

«الرد على الغلاة» ص ٢١٣ رقم ٥٩٠: أقول راجع «تاريخ بغداد ٦: ٣٧٨ فما بعدها»

و «ميران الذهبي ١: ١٩٨» و «لسان اميرك ١: ٣٧٢» و «عاشقان بوختي ١٣٥» و

«قاموس الرجال ١: ٥٠٠».

«الرد على الفخر الرازي» ص ٢١٦ رقم ٦٠٧: أقول يأتي النقص على كتابي الفخر

الأربعين و المعالم في ج ٢٤.

«الرد على الفصل من روزبهان» ص ٢١٦ رقم ٦١١. أقول و ترجمة الرجل في (نساء

الشر ص ١٩٩).

«الرد على الفلاسفة» ص ٢١٦ رقم ٦١٣. قال الشيخ أبو علي بن سينا في أواخر

كتاب الشفاء [المعلّل الأول من ملقنة العرش في المبدأ و المعاد] ما يعطيه «و انعم أن

أكثر ما يقرّ به الجمهور و يبرح إليه و يقول به فهو حقّ و إنما يلعبه هؤلاء المشتبهة

بالفلسفة [بافلاسفة؟] جهلاً منهم بعقله و أصله، إلى آخر كلامه الذي يقناه عنه في

[البرّ و الإنثم]

ص ٢١٧: «الرد على القادانية» انظر «مرآة قادياني» و «مرآة قاديانية» في (ج ٢١

ص ٢٨١) و «المصاييح» في (ج ٢١: ٧٩: ٤٠٢٨).

«الرد على القصيمي» ص ٢١٩. في كتابه «الصراع بين الإسلام و الوثنية» الذي هو

في الرد على «كشف الارتياح ١٨: ٩: ١٢٠» انظر ما ذكرناه حول الكشف.

ص ٢١٩ س ١٤، رقة معلوم بشدّ كه ابن ردّ همان ردّ بر رجعت باشد هيلا حظ.

«الرد على القول بعجبة فقه الرب» ص ٢١٩ رقم ٦٣٣. يراجع عنوان فقه الرضا.

«الرد على الميرزا محمدنوم الشريفي» ص ٢٢٣: انظر (الرد على النواقص ٢٣٣: ٧٢٨ فما

بعده) و أيضاً (الموروزية ٢٤: ٣٨٢: ٢٠٥٢).

«الرد على مقلعات الخدائق» ص ٢٢٥ رقم ٦٧١ أقول يعني «الخدائق الناصرة ١٦: ٨١

و ٢٨١: ١٥٥٧» فراجع مع التكملة.

«الرد على من يبيح الفدا» ص ٢٢٩ رقم ٦٩٦ س ٨، «الملوثة»: أقول نعم يظهر تعدد الرسائل من كلام صاحب لؤلؤة المحرين و في النسخ من ذلك شيء و لم يظهر القول بالتعدد من كلام صاحب الروصاة و غيره بل الظاهر من كلام جدنا الإمام أحمد الاتحاد و تأتي الرد على المحقق السمرقاني المذكور في النسخ في ح ١١ ١٣٨ : ٨٦٢ مراجعة.

«الرد على النصارى» ص ٢٣١ : تراجع مهريس دانشگاه (ح ٣ : ٢ ديباجة ص ٥٠).
«الرد على النواقض الروافض» ص ٢٣٣ رقم ٧٢٨ أقول تراجع [الشهب الثاقبة ١٤ : ٢٥٨ : ٢٤٦٨] و [نقص نواقض الروافض ٢٤ : ٢٩١ : ١٥١٢] و (الضرورة ٢٤ : ٣٨٢ : ٢٠٥٢).

ص ٢٣٤ س ٣، و يأتي: في ح ١٥ : ٢٤٠ : ١٥٦١ و انظر ج ٢١ : ١٧٠ : ٤٤٦٥
ص ٢٣٤ س ٤، بهائى الواصب: الصواب «مصائب الواصب» بالميم الآتي في ح ٢١ : ٧٦ : ٤٠٢٩ و انظر الرقم قبله أيضا.

«الرد على التيجورية» ص ٢٣٤ رقم ٧٣٩ : أقول يأتي ذكر هذا الكتاب مفصلاً بقلم الناشر ولد شيخنا المصنف في [التيجورية ٢٤٠ : ٤٤٦٢ : ٣٧٣٢] مراجعة.

«الرد على الوالي» ص ٢٣٤ رقم ٧٣٠ س ١٤، هذه الفصل الكاشاني أقول ذلك لأنه لم يجتهد الرجل كثير من فقهاء الأجلاء ثم عاصره إلى زماننا هذا و قد عدّ شيخ فقهاء الإسلام صاحب الجواهر فيه رسالته الشهاب الثاقب من جملة كتب الصلوات التي يجب إعدامها قصراً.

«الرد على وحدة الوجود» ص ٢٣٥ رقم ٧٣٩. أقول و يأتي [الشهب الثاقبة ١٤ : ٢٥٨ : ٢٤٦٩] في نفس الموضوع و قوله (و يأتي رسالة في وحدة الوجود متعدداً) أقول تأتي تلك الرسائل في [وحدة الوجود ٢٥ : ٥٥ : ٥٧]

«الرد على الوهابية» ص ٢٣٥ : أقول أنظر عن الوهابية بالعارسية كتاب «وهابيان» لعلي أصغر الفقيهي ط قم وراجع أيضاً «مكرم الآثار ٢ : ٦٠٣ - ٦١٠» و «مذكرات مستر همفر الجاسوس البريطاني في البلاد الإسلامية» بالبرية و الفارسية و دليل تحفة العالم للسيد عبد الله طيقمان و (مسير طائفي) و فيه رسالة لرئيس شياطين الملاحة.

ص ٢٣٥ س ٢٤، و قد كتب: + العلماء. صح ظ
 ص ٢٣٦: أقول و من جملة من ردّ من العامة على الوهابية المعنى أحمد بن ربي
 رحلان المكي ١٢٣٢ - ١٣٠٤ و طبع ردّه عليهم كما في «الأعلام للركلي ١: ١٣٠» و
 طبع ردّه على الشيعة مختلف «الحجج انقطاعية» للسويدي الناصبي سنة ١٢٢٣ بمصر أقدم
 على طبعهما النواصب و انظر ما ذكرناه في التكملة باسم «الردّ على القضيبي».
 و من العامة أيضاً المولوي فضل رسول البديوي القادري الجشتي (١٢١٢ - ١٢٨٩)
 صنّف «البوارق المحمدية لرحم الشياطين الجديدة» أو «سوط الرحمن على أقران
 الشيطان» كتاب مبسوط مهمّ بانعاسية مطبوع و نسخة المخطوطة مذكورة في
 «مهرست مشترك باكستان ٢: ١٠٤٩» كما أنّ فيه أيضاً التعريف بطائفة أخرى من
 الردود عليهم (١١٠٥ - ١١١٠).

ص ٢٣٦ س ٤٩، إصفهاني: / الإختصائي
 «الرد على اليهود» ص ٢٣٧ رقم ٧٥١، أقول و من جملة الردود عليهم [المقام الثمود
 ٢٢: ٦: ٥٧٤] و [مصر الشهود ٢٠: ٦٥٢ - ٢٣٥٣] و [إقامة الشهود ٢: ٦٣].
 «رسائل ابن العميد» ص ٢٤٠ رقم ٧٦٧، أقول للدكتور السيد صباغ الدين سجادي
 «شرح احوال و آثار ابن عميد» بانعاسية طبعت بتهران سنة ١٣٦٦ ش في ١٣٥ ص فيها
 ما يتعلّق بترجمة الرجل و فيها بعض الأعطاء.

«رسائل اخوان الصفا» ص ٢٤١، انظر «إخوان الصفا ١: ٣٨٣: ١٩٨٠» مع النكسة.
 ص ٢٤٥: جامع رسائل الشيخ جعفر السجعي (مكارم الآثار ج ٤ ص ١٢٧٤).
 «رسائل الخواجه نصير» ص ٢٤٥، رأيت: قائل رأيت الخ هو المتروكي ابن المؤلف و قد
 كانت المجموعتان المذكورتان عدي مئة من الرمن.
 «رسائل رشيدالنص فصل الله» ص ٢٤٧ رقم ٧٩١، انظر [تاريخ عازمي ٣: ٢٦٩: ١٠٠٤]
 و [الوقفية الرشيدية ٢٥: ١٤٠].

ص ٢٤٧ س ١١، فومها: الصواب مهرسها.
 «رسائل الشهيد الثاني» ص ٢٤٩، رأيت: قائل رأيت الخ هو المتروكي ولد المؤلف كما
 مرّ نظيره أيضاً في ص ٢٤٥.

«الرسائل العشرة» ص ٢٥٠ رقم ٨٠٨: طبع سنة ١٣١٣ بظهران على الحجر بخط محمد حسن بن محمد علي الجرفادقاني في ٣٣٤ ص تلك المجموعة الجليلة من إشارات جدينا الشهيد الثاني طاب ثراه و كآئه لم ير شيخنا المصنف فتس سرّه تلك المجموعة فلم يذكر واحداً من تلك الرسائل في ظي كتابه و لكنّا ذكرنا في مواضعها من التكملة و الحمد لله و انظر في التكملة [مجموعة رسائل الشهيد الثاني ٢٠: ٨٧]

ص ٢٦٩: صحّحت جميع أجراء السريعة المباركة على هذه التصحيحات في ٧ شهر شوال المكرم ١٣٦٧ و الحمد لله ربّ العالمين

ص ٢٧١: صحّح بسمامه في نفس و الحمد لله تعالى في ٨ شوال ١٣٦٧.



الجزء الحادي عشر

ص ٣: لا يحى أن طائفة من رسائل العلماء لما كانت مختصرات جداً علدا عيوبها من القديم بمسئدة أو مسائل و قد ذكرها المؤلف في ح ٢٠ مراجعه و من هذا القبيل الجوابات في ح ٥ و كذا أسئلة و موال.

«رسالة في آداب الحج و كعبة وضع مسجدا الحرام» ص ٤ رقم ٧: الظاهر اني رأيت سمعتها عند ابن عمه والدي الحاج ميرزا مهدي روضاني و لعلها توجد في مكتبي أيضاً. و أيضاً في مكتبة جامعة المعقول و المقول بظهران.

«رسالة أبي غالب الرزازي» ص ٧ رقم ٣١ و طبع أيضاً في كشكول الشيخ يوسف «أنيس للمسافر: ١١٩ ١٣٥» و عندي منها نسخة بخط جدي العلامة الحاج السيد محمد شقيق صاحب الروضات ره.

«رسالة في البات الواجب الوسيط» ص ١٠ رقم ٤٨ س ١٤، ابراهيم. ابراهيم هذا مذكور في إحياء الدائر ص ٣

ص ١٢ س ٢٣، أحمد بن أبي ذر: الصواب أحمد بن محمد مهدي بن أبي ذر، ص ١٣: مرحوم محدث قمي در «منهى الآمال ٢. ٥٥» در ذيل احوال سادات خاتون آبادی ترجمه مير محمد اسمعيل بن مير محمد باقر را كه آورده ضمناً چنين گويد: «و ار رساله اجازات سيد نورالدين بن سيد نعمه الله جزائري عليها الرحمة نقل شده كه در حال اين سيد خليل نگاشته» الخ و راقم بن سطور در ليله جمعه ٢٨ محرم ١٣٩٩ بوسيله تلفن اهواز با آقای حاج سيد محمد جزائري مؤلف كتاب نابغه فقه و حديث

در این باره صحبت کردم ایشان بالمره از این مطلب بی خبر بودند و بسیار استعجاب کردند، احساس که مرحوم محدث قمی که شخص کاملاً مورد وثوق و اطمینان بوده و مطلقاً در این موضوع اشتباهی نکرده است مأخذ خود را در این نقل ارائه نقرموده و در سایر کتب آن مرحوم هم چیزی بنظر نرسید بعل الله یحدث بعد ذلك أمراً.

«رسالة في إجارة المولى أبي الحسن الشریف» ص ۱۳ رقم ۵۹: أقول راجع ح ۱ ۱۳۷.

۶۴۲ و ج ۲۰: ۵۹: ۱۹۰۰.

ص ۱۴ س ۷، «الشجرة المورقة»: انظر وصف الشجرة المورقة في موضعها من ج

۱۳: ۳۷.

ص ۱۴ س ۲۲، (۱۱۱۱): الصواب سنة ۱۱۱۰.

ص ۱۵ س ۱۲، محمدتقی: الصواب محمدتقی بالون

ص ۱۵ س ۲۰، (البروجردی فی النجف). أقول الطاهر أن (البروجردی فی النجف)

من الإصحاحات حين الطبع و أن مراد الشيخ المصنف مدروسه السيد محمد كاظم البردي عليه الرحمة.

«رسالة في إجارة المولى محمد جواد الإصحاحي» ص ۱۶ رقم ۸۰. انظر الآتي قريباً رقم

۸۷

ص ۱۷ س ۵، محمد جواد: هو الذي مرّ قريباً رقم ۸۰

ص ۱۹. إجارة السيد محمدرضا بن السيد محمد صالح الحسيني الإصحاحي لإمام

الحرمين الميرزا محمد امورّحة ۱۲۸۱ ذكر في الشجرة المورقة كما في الكرام البررة.

ص ۲۲ س ۷، محمد علي بن الأمير محمد حسين الحسيني: انظر ترجمته في مكارم الآثار ح

۸ رقم ۱۶۵۹ أو في الكرام البررة ح ۳ رقم ۱۵۴ قال فيه «توفى سنة ۱۲۸۷ يعني سنة

رياسة ناصر الدين شاه لعلجات»

«رسالة في إجازة لأكثر ذكور أولادي الشيخ الميرزا علي التقي اللروي» ص ۲۴ رقم

۱۳۹ — ۱۴۳: قلب على الأرقام ۱۳۹ — ۱۴۳؟

ص ۲۹ س ۲۱، «الأربعين نقاشية»: يأتي في ع ۳۳۵ ص ۵۴.

«رسالة في الاجتهاد» ص ۳۰ رقم ۱۷۵: أقول عدنا نسخة منها في ۱۴ ورقة ليس فيها

تاريخ و لا اسم الكاتب و هي داخل في مجموعة مسودات فوائد للشيخ محمد بن جابر النجفي و راجع الكواكب المثرة ص ٦ و ٧ و ما كتبها بمامش نسخنا.

«رسالة في الاجتهاد» ص ٣٠ رقم ١٧٦ أقول مرّ ذكر هذه الرسالة أيضاً في (ج ١: ٢٧٣: ١٤٣٥) فراجع.

«رسالة في الإجماعات التي ادّعاها الشيخ ثم خالف نفسه فيها» ص ٣٢، ثاني: أقول لاتاني هذه الرسالة في العنوان المذكور.

ص ٣٣ س ٢٢، ثاني: لم أجده في هذا الجزء ص ١٦٨.

ص ٣٤ س ٤، (ص ٢١٩): ص ١٦٨ ط نجد

«رسالة في أحكام الأراضي المفتوحة عبوة» ص ٣٥ رقم ٢١٢: أقول و يأتي في نفس الموضوع (رسائله في الأراضي الخراجية) في ص ٤٨ و ذكر العلامة الخبير للمررا عبد الله أمدي صاحب رياض العلماء في كتابه الآخر «نعمه ضروريه شعاعه في ١٦ ط» في طي كلام له حول الموضوع أنه ألف حوالي عام ١٠٩٣ رسالة جيدة طويلة الدليل مبينة عابثها حول الأراضي المفتوحة عبوة و سرقت من نسخة «الوحيد» الخ

«رسالة في أحكام الدهاري و بعض المدهي و ادعى عليه» ص ٣٦: الرابعة عشر من رسائل (بلغة الفقيه ٣٣٢ — ٣٤٩) المطبوع للسيد محمد آل نجر العلوم ره.

«رسالة في أحوال المخالفين لمولانا امير المؤمنين عليه السلام و تعيين بعضهم» ص ٢٨ رقم ٢٢٦: أقول عندما نسحت هذه الرسالة التي لا تتجاوز عن أربع صفحات في مجموعة رسائل كتبها لطف الله بن عطاء الله الخويزي تاريخ كتابة بعضها سنة ١١٠٤ و ليس في تلك الرسالة اسم صاحبها و لكن الخويزي كتبها متصلة بوصول الأخبار للشيخ حسين بن عبد الصمد ره و ذكر الكاتب عموماً في أولها بالحرمة الرسالة في تعيين المخالفين لأمير المؤمنين ع» و أولها بعد الخطبة «قد برر الأمر العالي انقطاع أعلاه الله تعالى و أعده في الأقطار»

«رسالة إحياء الملوك» ص ٢٨ رقم ٢٣١. أقول ذكرناه في التكملة في باب الحرمة و طبع الكتاب بطهران بعناية الدكتور موجه سنوده سنة «...» في «...» ص.

ص ٤٢ س ٢٠، الجنطلي: أظن أنه اخاح شيخ محمد حسين الأعلمي صاحب دائرة المعارف.

«رسالة في حكم أخذ الأجرة على الواجبات» ص ٤٣: سانس رسائل (بلغة الفقيه) المطبوع للسيد محمد الطباطبائي (١٠١ - ١١٠ ط طهران).

«رسالة في أخذ الأجرة على الواجب» ص ٤٣ رقم ٢٦١: انظر رقم ١٠٤٧. ص ٤٦ س ١٣٣ + و أخرى عند السيد محمدعلي الروضاني لأصفهان في ٢٨١ ورقة «أضاهه المصحح بعد ما كتب إليه».

«رسالة في ادخال قول «علي ولي الله» في تشهد الصلاة» ص ٤٧ رقم ٢٨٠ أقول راجع الشهادة الثالثة بالولاية في (ح ١٤ : ٢٥٧ : ٢٤٦).

ص ٤٧ س ١٥، التحريري الصواب التحريري بالون ثم اباء آخر الحروف و سمعا أن مكتبة السبستان بيعت في هذه الأواخر مكتبة مجلس الشورى بطهران و السلطان حي الآن في ج ١ سنة ١٤٠٦.

«رسالة في الأراضي الخارجة» ص ٤٨: خامس رسائل (بلغة الفقيه) المطبوع سنة ١٣٢٩ للسيد محمد الطباطبائي آل بحر العلوم المحقق فليس الله أرواحهم (ص ٤٦ - ١٠١) آية في الكمال و مرّ في نفس الموضوع (رسالة في أحكام الأراضي المفتوحة عبوة) في ص ٣٥ و سيأتي نظرها في ص ٣١٩ و ٣٢٠.

«رسالة في الأذان» ص ٤٨ رقم ٢٩٢ مرّ ذكرها [الأدانة ١ : ٤٠٥ - ٢١٠٩]. ص ٤٨ س ١٣، حراماً / خلافاً.

«رسالة في أربعين آية في قصائل أمير المؤمنين (ع)» ص ٤٩ رقم ٣٠٤: يأتي باسم (كتاب الأربعين آية) في (ح ١٧ : ٣٦٤ : ١٩٢).

«رسالة في أربعين حديثاً» ص ٥٠ رقم ٣٠٥: اسمها «بلغات قدسية» و فصلها «انكلام حولها في فهرستا ج ١ ص ٣٠٧».

«رسالة الأربعين الهاشمية» ص ٥٤ رقم ٣٣٥: اعلم أن هاهنا مطالب الأول إن كتاب الأربعين الهاشمية هذا كبير طبع على الحجر بطهران في «...» ص و هو بالعربية.

الثاني قوله الأمية الصواب الأميية نسبة إلى عموان والنهاد أمين الشجار.

الثالث قوله بصرت بحام أقول لم تكن شيخنا الصالحة في طول حياتها راضية باشتهار هذا الاسم احتجاجاً و تستراً و عفاً ليس إلا و كان توقيعها على طرّة آثارها

المطبوعة [بأبوابه] و لكن بعض المتحاشرين فحص عن اسمها الذي سماها به والده المرحوم فأقدم على تسميتها به على خلاف رضاها سئل الله العفو والمغفرة فسري الأمر إلى كتب شيخنا العلامة و كتب انتشار و غيرها.

و رابعاً قوله الخاج السيد محمد أمين التاجر الصواب الخاج السيد محمدعلي أمين التاجر و أخيراً نوقب شخصاً الصالحة العلوية الأمينية طاب ثراها في بلدنا إصفهان «...» و نحن نروي عنها بإحارة كتبها لنا بحضرة في ثبنا و تاريخها «...»

ص ٥٥: قد مرّ رسائل عديدة في «الإرث» في ح ١ فراجع و للسيد محمدعلي بن الخاج ميرزا باقر القاصي الطباطبائي التبريزي رسالة دراسة في إرث الروحة لا بأس بها طبع سنة ١٣٩٨ بربيع في ١٤٤ ص ثم استشهد في بلدته بعد صلوة المغرب و العشاء جماعة من ليلة السبت ١١ ذي الحجة ١٣٩٩ و ألف في ذكرها رسالة و كتب مقالات عديدة و يذكره أيضاً في النكمة لكتاب [نشر النبا ١٩: ٧٨، ٤١٩].

«رسالة في الإرث» ص ٥٥ رقم ٣٣٨: قد مرّ ذكر هذه الرسالة أيضاً في ح ١ ص ١٤٣: ٢٢٢٣ و يأتي في ح ٢٣: ٣٠٣ ٩٠٧٩ فكرر سهواً ثلاث مرّات. ص ٥٥ س ٤ + و أخرى عند السيد محمدعلي الروضائي في ٣٧ ورقة «أصافه المصحح بعد ما كتبه إليه».

«رسالة في الإرث» ص ٥٥: كما مرّ في ح ١ بعنوان «الإرث».

ص ٥٥ س ١٥، الصراط المستقيم: إلى صراط مستقيم كما في نسختين عندنا في مجموعتين إحدها تاريخها سنة ١٠٧٢ و الثانية ١٢٤٣ و طبع بعنوان رسالة في ميراث الروحة ضمن مجموعة إفاذاته ره و يأتي ذكره أيضاً بعنوان (ميراث الروحة) في ح ٢٣: ٣٠٣: ٩٠٨١.

ص ٥٥ س ١٥، يوم الخميس و هو يومين بعد تأليف رسالته في الحبة (ح ٦: ٢٤٣: ١٣٣٩).

«رسالة إرشاد المسلمين إلى أولاد أمير المؤمنين» ص ٥٩ رقم ٣٦٣: أقول مرّ ذكر هذه الرسالة مختصراً في ح ٥ ديل ٢٤٨ س ٢٤ و «...»

«رسالة في الأرض المفتوحة عتوة» ص ٦٠ رقم ٣٦٨: يراجع ما مرّ في ص ٣٥ و ٤٨ و انظر أيضاً ج ٢١: ٣٥٨: ٥٤٥١.

«رسالة في الأرض المفتوحة ضوّة» ص ٦٠ رقم ٣٦٩ من ١٦، تضارب العوارض؛ أقول الذي في نسخة المخطوطة المعبرة من لسرّ المنثور هكذا «و انتقل [أي الشيخ رضي الله] إلى رحمة الله و رصونه في اليوم التاسع و العشرين من ذي الحجة سنة ١٠٦٤ أربع و ستين بعد الألف و كنت إذ ذاك في مكّة المشرفة اجتمعت معه يوم عرفة و بقيت في خدمته إلى ذلك اليوم من تلك السنة و دس مع والده في المعلى الخ و هكذا العبارة في النسخة المطبوعة بقم من الدرّ ٢: ٣٣١ و التاريخ فيهما بالأرقام و الحروف معاً.

«رسالة في الاستخارة» ص ٦٥: تذكرها باسمها «مفتاح الخير» و مرّ كثير من الرسائل في هذا الموضوع في ج ٢ ص ١٩.

«رسالة في الاستخارة» ص ٦٥ حديثاً الإمام العلامة فضة عصره و علامة دهره السيد ميرزا محمد هاشم المنوفي في السجف ١٣١٨ شقيق الإمام المحدث صاحب الروضات المنوفي في إصفهان سنة ١٣١٣ ذكرها في أواسط كتابه «أحكام الإيمان» عد ذكر صلاة الاستخارة.

«الرسالة الاستعجابية» ص ٦٥ رقم ٤٠٨ أقول لم نجد هذا العنوان شيء مطلقاً.

«الرسالة الاستنبولية» ص ٧٣ رقم ٤٥٤: «شاهد الثاني ظ عدي مصوّرها

«رسالة اشارات عبدالله» ص ٧٧ رقم ٤٧٩. انظر «وصيتهامه ٢٥، ١٠٦: ٥٨٢» و راجع مكارم الآثار ٥: ٧٠٧ رقم ١٠٣٦.

«رسالة في الاشتراك اللغوي» ص ٧٨ رقم ٤٨٨ هذا المطلب من أوّله إلى آخره مأخوذ من رياض العلماء من دون إضافة شيء أو إظهار رأي و الله العالم.

«رسالة الأصول الاصلية» ص ٨٤ من ١٥، ذكرته في الكاف لم يثر عليها في الكاف بل ذكره ولد المصنّف في القاف بعنوان (قاعده صندوق كثير از واحد) و افحبه في المن. «الرسالة الاصولية» ص ٩٠. لشيخ جعفر كاشف الغطاء ذكرها في «إيضاح المكنون».

«رسالة في الأطعمة و الأشربة المباحة» ص ٩١ رقم ٥٦٣: مرّت مفصلاً في ج ٢ ص ٢١٨ فلا وجه لذكر رقم لها هنا.

ص ٩٢ من ٦، (ج ٩ ص ٣٨٩): أينما راجع به حديثه المتقين است.

- ص ٩٢ س ٦، (ج ١٠ ص ٢٠٦): راجع به صوفيته است.
- «رسالة في إعادة المدوم» ص ٩٢ رقم ٥٦٦- أقول للعلامة حيدر علي خان برومند إصفهاني مقال حول [إعادة للمدوم] بشر في محله [كيهان مرهنگي رقم التسلسل ٤٧: ١٧ — ١٩] الصادرة في طهران بالعربية.
- «الرسالة الاعتقادية» ص ٩٣ رقم ٥٧٢: أقول انظر «الاعتقادات» في (ج ١: ٢٢٦: ٨٨٨) وما ذكرنا بهامشه.
- «الرسالة الافتاحية» ص ٩٩ رقم ٦٠٦: صغت هذه الرسالة بطهران. انظر [نور الصدر ٢٤: ٣٧٠: ١٩٨٧].
- ص ٩٩ س ١٤، ضمن مجموعة: أقول الصاهر أنها المجموعة المذكورة في ص ١٣٥ الآتية.
- ص ٩٩ س ١٨، محمد- هو صاحب «شرح أصول الكافي» للمسمى «هدى العقول» الآتي في الشين ١٣: ١٠٠.
- «رسالة في التمام بما التزموا به التمام» ص ١٥٥ رقم ٦٤٨: طبع بطهران في ١٣٧٨ بصواب عقد في إمام غير الإمامي بأحكام محله و أصافه المصحح بعد ما كتبه إليه.
- ص ١١١ قد مر ذكر الكتب و الرسائل في الإمامة في ج ٢ فراجع و يأتي أيضاً في ج ١٧ بصواب كتاب الإمامة.
- «رسالة في الإمامة» ص ١١١ رقم ٦٨٩: أقول يأتي ذكر هذا الكتاب أبسط مما هنا في ج ١٧ ص ٢٦٧ رقم ٢٠٧ بصواب كتاب الإمامة فراجع.
- «رسالة الأنساب» ص ١١٩ رقم ٧٤٧: أقول انظر الكواكب المنتشرة ص ٣٨٨.
- «رسالة في الساب الطالبين» ص ١١٩: الصواب الصائبين و قد مر التصحيح و الاستدراك للكتاب أيضاً في خاتمة ج ٣ ص ٤٩٠ و راجع تعليقنا على الموضع الأول. و قوله في س ١٣ (ثم اطلعنا الخ) ذكر شيعته ره في الموضع المذكور من ج ٣ أنه أشار إليه بعض الفضلاء بملك فراجع.
- ص ١٢١ س ١٣، و عذرهما: الصواب و عذرهما.
- «رسالة في البحر و البالوعة» ص ١٢٦ رقم ٧٨٧، يأتي ذكر هذه الرسالة أيضاً في ص ١٣٥ ع ٨٣٨.

«الرسالة البرهانية» ص ١٢٩ رقم ٨٠٣. أقول انظر [الكلمات الحفائية ١٨ : ١١٤ : ٩٦٢].

ص ١٣٤ م ٥، «المقامات»: ط نفس در روضاست آقا بررگ خودشان كه ط مقامات را نديده‌اند.

«رسالة في التباعد بين البشر و البالوعة» ص ١٣٥ رقم ٨٣٨: قد مرّ ذكر هذه الرسالة في ص ١٢٦ ع ٧٨٧ و هي ط غير «معحة العير في طهارة البشر» له ره.

«رسالة في تعميم استدلال الشيعة» ص ١٣٥ رقم ٨٤١: انظر (ج ٦ : ٢٠٦ ديل ١١٤٨) و راجع كتاب (ردّ گيامه علامه مجلسي ٢ : ٣٢ و ٤١)

ص ١٣٦ م ٢، السرواري: كما في الروضات ص ٣٩٧ م ٩ ط ٢ نقلاً عن الرياض. ص ١٣٦ م ٤، في محله. أقول و أيضاً في حرف العين باسم «رسالة في عدم حرمة شرب التمر».

ص ١٣٨ م ١٢، رسالة السيد: اسم رُشاهم السيد واحد «إيقاظ النائم» مرّ ذكرها في (ج ٢ : ٥٠٥ : ١٩٨٠).

«رسالة في تحريم الفنا و الخمر» ص ١٣٨ رقم ٨٤٣: أقول سيكرّرها المصنف ره في باب العين (ج ١٦ : ٦٠ : ٣٠١).

«رسالة في تحريم الفنا و عمومه من حيث المتعلق» ص ١٣٨ رقم ٨٦٢: أقول اسم هذه الرسالة «تسيه العاقلين و تذكر العقير» ذكرناه في موضعه من التكملة و أمّا عنوان الذي فهو من كلام جدنا الإمام المجدد عاب نراه في الروضات ص ١١٧ ط ٢ حيث لم يذكر اسمها الأصل و إن كانت عنه السبعة فقال بعد نقل كلام لؤلؤة البحرين ما لفظه الشريف [و أقول إن رسالة الشيخ عبي التي يشع فيها على صاحب العنوان (و هو التحقيق السرواري محمدباقر بن محمدنوم) عنسنا موجودة و قد وضعها في عموم تحريم العناء من حيث المتعلق كما هو التحقيق في المسئلة لعير واحد من الأدلة] انتهى و غير عن تلك الرسالة بعضها في ترجمة مصنفها (الروضات: ٣٩٨ م ٢) لقوله «رسالة الرد على من يبيع العنا» و السلام خير حمام حرّر في ليلة ١٠ ح ١ سنة ١٤٠٦

«رسالة في تحريم القرض بشرط البيع المشغل على الحاجة» ص ١٣٩: انظر [القرص

١٧: ٧٦: ٣٩٦]. م ع ر في ٧ ج ١ سنة ١٤٠٩

ص ١٣٩ س ٣، «رسالة في الغناء». أقول يعني في حرف العين (ح ١٦: ٦٠: ٣٠١ — ٣١٦).

ص ١٣٩ س ١٤، و ثاني: التي وجدتها فيما يأتي «رسالة في حوار نقل الموتى ص ١٣٩».

ص ١٣٨ س ١٢٥ و الفهوض: بايد بيسم در خود رساله تبيه العافلين آيا ربطى بفيص هم دارد.

«رسالة في تحقيق الميولي» ص ١٤٠: للتصري مذكور في ج ١ (أشياء الميولي).
«رسالة في تحقيق معنى السيد و السيادة» ص ١٤٠ رقم ٨٧٢: أظن أنه نقل عنها في
فصائل السادات.

«رسالة في تحليل النع و الفهوض» ص ١٤٠ رقم ٨٧٦. أقول انظر [التساكية ٤: ٤٣٦] منعنداً.

«تحويل ساهاي مواليد» ص ١٤١ رقم ٨٨٠: أظن أن أصلها العربي عندي.
«رسالة في تذكيرة أحوال الفقيه المطلق الأغا محمد علي بن الأغا محمد باقر المزارجاني»
ص ١٤٢ رقم ٨٩١. أقول ذكره أيضاً في «ترجمة آقا محمد علي ٤: ١٦٠: ٧٨٣».
«رسالة في توجية البيهقي» ص ١٤٤ رقم ٩٠١: تراجع ترجمة أبي الحسن علي بن
أبي القسم ريد البيهقي عريد خراسان في (الثقات الصيون ص ١٨٩ / ١٩٠) و ما كتباه
بهاشست بسختنا و مرّ في (ح ٤ رقم ٧٢٨) رسالة الشيخ محمد حان المرير حول الموضوع.
في صفر ١٤١٩

ص ١٤٦: قال السيد الميرزا محمد باقر الرضوي المدرّس في كتابه «شجرة طيبة ص
٢٢» ما نصّه «محقّق كرّكي در رساله ترويجيه كه رقيه و امّ كلثوم دختران صلبى پيغمبر
بودند يا دختران محدثه اسم على بن أحمد را با احترام تمام ياد كرده و فرموده «أورد
الشيخ العارف الأجلّ بالسيرة و آثار أهل البيت الأطهار أبو القاسم علي بن أحمد الكوفي
ره في كتاب البدع المحدثّة بعد رسول الله ص» انتهى. و لتراجع الترجمة هنا ج ٤ ص
١٧٢ و ج ٢ في ص ٣٩٦ و أيضاً ص ٣٩٧.

«رسالة في تقديم الشياخ الظفي على ايده» ص ١٥٣ رقم ٩٦٩ س ١٨، بخط الحاج، انظر ج ٢٠ ص ٩٢.

«رسالة في تقليد الاعلم» ص ١٥٤ رقم ٩٧٢، رأيها: قائل رأيها بله نويسده تمام اين عنوان آقا ميرزا عيسى مزيوى فرزند مؤلف است.

«رسالة في تكفير الحاج كرمخان» ص ١٥٥ رقم ٩٨٦، الكوهري: الصواب «گوهر» بدون الباء و الرجل مذكور في الكرام البيرة ص ٣٤١.

«الرسالة الجعلية» ص ١٦٤ رقم ١٠٣٣ أقول بشرها الرضي في «آتشكده اردستان ٢ ٣١٩ — ٣٢٢» عن نسخة الموصوفة في المي ط. و انظر ح ٢٥. ١٨٣ تع ١.

«رسالة في جوار أحد الاجرة على الواحات» ص ١٦٦ رقم ١٠٤٧: انظر رقم ٣٦١. «رسالة في الحدث في أثناء الفصل» ص ١٧٠ رقم ١٠٦٥ و هذا منه نسخة في مجموعة

من رسائل الحد الشهد طاب ثوابه تاريخ كتابه بعضها ١٢٤٣
«رسالة في حرمان الروحة من بعض الارباب» ص ١٧٢: عاشر رسائل (بلغة الفقيه ٢٣٧ — ٢٤٧) المطبوع سنة ١٣٢٩ ب طهران لعقبة آل بحر العلوم السيد محمد الطباطبائي للتوفى ١٣٢٦ رضوان الله عليهم أجمعين.

«رسالة حذيفة الشعراء» ص ١٧٢ رقم ١٠٧١: (حذيفة الشعراء) كتاب كبير في تراجم الشعراء و غيرهم من مشاهير القرن الثالث عشر خاصة طبع بجلده الأول بطهران من ١٤٠٥ ثم بعده الثاني و الثالث بعناية بعض الأفاضل و راجع الدررعة (٣: ١٦٣: ٥٧٣) و (٦: ٢٨٥. ٢٤٠٧) و الاستدراكات المطبوعة تحت (ح ٧: ٢٩٦ و ٢٩٩).

«حكم خلق اللحية» و إثبات حرمة الخلق ص ١٧٣. من مباحث كتاب الدر المنثور (٨: ٧٦: ٢٦٩) جدنا العلامة الشيع علي شهيد طاب ثراه في حقه الثاني ينبغي أن يعد رسالة مفيدة في الموضوع و في طبعة قم (ح ٢: ٢٩١ - ٢٩٥) و فيها بعض الأغلاط و انظر في (ج ٧: ٦٣) خلق اللحية متعمداً.

«رسالة في الحصر و البوارى» ص ١٧٦: مر في ح ٤ ص ٢٠١.
«الرسالة الحشرية» ص ١٧٦: انظر (حشر الأشياء ٧: ٢٢ - ١٠٣). ثم انظر ما ذكرناه في التكملة هناك.

«رسالة في حلية طعام أهل الكتاب» ص ١٧٧ رقم ١١٠٩: مرّت الرسائل في حكم دبايح أهل الكتاب في ح ١٠ ص ٢ فما بعدها.

«رساله دين و فنون» ص ١٨٥ رقم ١١٤٣. أقول مرّ ذكر هذا الكتاب في الدال (ح ٨: ٢٩٤: ١٢٩٦) فراجعته و انظر ما علقناه عليه.

«رسالة رجالية» ص ١٨٧ هي للفتنة المبسوطة لكتاب «ترجمة شرايع الإسلام» بالفارسية لأبي القاسم بن أحمد البردي كما أشرنا إليها في التكملة بعنوان الترجمة قال في أولها بعد الديباجة [مقدمه در پاره اصطلاحاتی که متعلق می باشد بمن و سد و اساد] و في آخرها [حال وقت آنست که ختم شود این رساله رجالیه و شروع شود در مقصود که ترجمه کتاب بوده باشد] و هي رسالة جيدة في موضوعها استناد أكثر مطالبها من شرح الدراية لجدها الشهيد الثاني فتش سرّه و أضاف إليها طبعته في موضوعها من المجلد الأول لترجمة الشرايع في أكثر من مائة صفحة.

«رسالة في رد الصوفية» ص ١٨٨ رقم ١١٤٩. أقول مرّ [الرد على الصوفية ١٠: ٢٠٤] متعدّدًا.

«رسالة الرضاعية» ص ١٨٨ رقم ١١٥٣: هذا محمد تعالى نسخة أصله و كذا نسخة أصل العوائد العروية المقصد الثاني منها.

ص ١٨٩ س ٢، بدائع: / بشرایع. صح

ص ١٨٩ س ٤، أو اخر محرم (١١٠٩) ح تاريخ صحيح است كما طابقت مع الاصل.

ص ١٩٨: بقية الرضاعيات في (الرضا).

«الرسالة الرضاعية» ص ١٨٩ رقم ١١٥٧، (١١١١). الصواب ١١١٠

«الرسالة الرضاعية» ص ١٩١ رقم ١١٦٨ أقول يأتي به [العقد الطهماسي ١٥: ٢٩٠: ١٨٨٦] و [وصول الأخبار ٢٥: ١٠١: ٥٥٧].

«الرسالة الرضاعية» ص ١٩١ رقم ١١٧١: يراجع الجزء الثالث عشر ص ٧١ و مرّ شرحه رقم ١١٦٢.

«الرسالة الرضاعية» ص ١٩٢ رقم ١١٨١. هو الشيخ علي أكبر الحكيم المتوفى سنة

١٣٢٢ المذكور في نقيب البشر ص ١٦٠٧.

«رسالة في الرضاع» ص ١٩٣. اخادية عشر من رسائل (بلعه العقبة) المطبوع (ص ٢٤٧ — ٢٧٦) للسيد العقبة آية في الكمال محمد الطباطبائي آخ بحر العلوم.

«الرسالة الرضاعية» ص ١٩٥ رقم ١١٩٤. انظر [المسائل الشيرازية ٢٠: ٣٥٣ غير مرقم]

«رسالة لي زوجتي عثمان بن عفان و نعمما لم تكونا بنتي التي (ص) بل بنتي روجته» ص ١٩٧ رقم ١٢٠٤: انظر ما مرّ في ج ٤ ص ١٧٢ و ما ذكرنا في الهامش.

«الرسالة المسهوبة» ص ٢٠٠ رقم ١٢١٤. راجع ح ١٢. ٢٦٧ ١٧٧٦.

ص ٢٠٣: يأتي رسائل صلوة الجمعة في حرف الصاد.

«الرسالة الطاعونية» ص ٢٠٨ رقم ١٢٤٨ من ١٢، ضمن مجموعة في مكتبة (المخطوط): أقول المجموعة المذكورة هي الموصوفة في «..» و في مكارم الآثار «..» و قد اسفقت إلينا من السيد محمد المخطوط بواسطة ولد عمكم المصنف ده في ح ٢ سنة ١٣٧٧ و أما الرسالة فليس فيها اسم المصنف ولا تاريخ نصفاً و إنما كتب الحاج ملا عبد الوهاب مالكيها في مفتحتها ما لمظه «هو رسالة طاعونه [..] آقا سيد مهدي بحر العلوم يعني الطباطبائي در عدم وجوب فرار از طاعون» انتهى و إذا كان نسبة هذه الرسالة إلى السيد ثابتاً فعلة ألفها سنة ١١٨٦ عم لصاعون الجارف في العراق انظر [مكارم الآثار ج ٢ ص ٣١٦ و ٤١٧]

«رسالة العامة البلوي» ص ٢٠٩. انظر (ح ١٣ - ٧٨ في التعليقة ديل الصبغة).

«الرسالة العددية» ص ٢٠٩ رقم ١٢٥٣. أقول راجع لروماً [العددية ١٥: ٢٣٣: ١٥١٧]

و الإحالات هناك و الإصابات في التصحيحات و قد طبعت الرسالة العددية فيما طبع من كتاب [الدرر المشور ١: ١٢٢ — ١٣٤ ط قم ١٣٩٨] بلخدا من قبل بعض أمهات الأجداد الشيخ علي سبط الشهيد الثاني قتيب الله أرواحهم و عددا من الدرر نسخة مخطوطة و الحمد لله.

«الرسالة العطارة في مدح بي الرتبة» ص ٢١٠ رقم ١٢٥٧: أقول كذا في المأخذ و نكر الظاهر أن الصواب (بي الرتبة) برأي و الب [..] الموحدة التحتانية طائفة من

نقباء السادات و الاشراف بحراسان ذكرهم المريد أيضاً في الباب و تاريخ يهق و أشار
بهم

«الرسائل العملية» ص ٢١١. أقول يأتي كثير من الرسائل العملية في (ج ١٥ : ١٨٣ فما
بعدها) بعنوان «رسالة في الطهارة» الخ
«الرسالة العملية» ص ٢١٣ رقم ١٢٧٤ لراجع الخلافة له في حرف الخاء ص ٢٣٩ و
ليطر فهرس الرصوية.

«الرسالة العملية» ص ٢١٤ رقم ١٢٧٩، عبدالرحيم الصواب محمدرحيم كما رأيت
نخط ولده حدثنا العلامة المذكور في عدة مواضع و قوله ذكرها سيدنا الحسن صدرالدين
أقول ذكرها قبله حدثنا الإمام العلامة المحدث في الروضات و عدنا بسختان منها و يأتي
ذكر رساله أخيه العلامة الشيخ محمدحسب صاحب العصول في (ح ١٥ : ١٩٠ : ١٢٧٢).
«الرسالة العملية» ص ٢١٤ رقم ١٢٨٢: أقول نعلها رسالة والده بعية الطالب التي
ذكر الولد آرائه بما مشها كما سببه في الرقم ١٣٠٨ مراجعه.

«الرسالة العملية» ص ٢١٤ رقم ١٢٨٥: الظاهر أنه كتاب (المجاهد) للوجود صدي
مسودته و مبيخته.

ص ٢١٤ س ٢٢، ذكرها تلميذه الأخير + في بعض إجازاته ظاهراً لا في مجموعة مباحي
الأصول.

ص ٢١٤ س ٢٣: و طبع رسالته في إصمهان ظاهراً و أنا رأيت النسخة المطبوعة عند
حصله الحاج سيد علاءالدين لكها كانت نافضة الأول و الآخر و لذا لم يتيسر لي
تحصيل العنوان و كانت محشاة بخواشي ولد الآقا محمدتقي ثم رقت نسخة كاملة من
المطبوعة.

«الرسالة العملية» ص ٢١٥ رقم ١٢٨٨ ير جمع ص ٢١٨ رقم ١٣٢٠ و في كتاب فهرس
المشار أن رسالة الحاج سيد حسين بن محمد الحسيني التبريزي الكوهكمري المتوفى ١٢٩٩
مطبوعة في تبريز عام ١٢٨٤ في على الحجر انتهى.

«الرسالة العملية» ص ٢١٦ رقم ١٢٩٩ أمور الظاهر أنها «نعم الراد ليوم المعاد ٢٤:

«الرسالة العملية» ص ٢١٦ رقم ١٣٠٨: أقول الظاهر أن الشيخ المحقق العلي بن الشيخ الأكبر (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا) لم يؤلف رسالة مستقلة بعمل المقلدين رأياً كما يظهر من ماضي الجعف قال «و به تعلية على رسالة والده بعية الطالب لعمل المقلدين كان يقال له لم لا تكتب و توحي فيقول أبي حنيفة و أبي ردة» انتهى و يظهر جلياً من نسخة مخطوطة من بعية الطالب عندما كتب كتابها في آخرها ما لعظه «تمت هذه الرسالة رسالة مولانا و مقتدانا الشيخ علي بحل المرحوم شيع جعفر عني يد الأقل حسين بن شيخ علي المنصوري يوم الاربعاء ٢٧ ع ٢ سنة ٤٢» ن فتاوى الشيخ علي ادخلت في المنى و بتدويناها في نك السحرة (كتاب الصوم) و بآخرها ما لعظه «تمت الرسالة الصومعة لحساب الشيع علي بحل المرحوم الشيخ جعفر نور الله صريحه علي يد الحف محمد بن شيخ محمد المنصوري» انتهى و الظاهر أن كتاب الصوم هذا للشيخ علي رحمه و أنه غير (تكملة بعية الطالب) للشيخ حسن أخيه المذكورة في موضعها و تحمل نسخها الموصوفة على هوامشها آراء بحالها الأجل الشيخ حسن قبل في أول السحرة مستحلاً و موضعاً ما لعظه «بسم الله خير الأسماء بحسب علي مقلد العمل بهذه الرسالة ما عدى ما عاين فيها في الحواشي فإن العمل على الحواشي و ترك ما عظمها منها في المنى الراحي عمرو ربه حسن بحل المرحوم الشيخ جعفر قدس سره» حتمه و أيضاً «و من أراد الاستساح عنها للتقليد فليستسح كتبه حسن بن الشيخ جعفر» حتمه الآخر و راجع للشيخ علي بن جعفر أيضاً ح ٩: ٧٤٠ ٥٠٦٧ و السلام خير ختام حرره الأقل سيد محمد علي روضاني في عصيرة يوم الجمعة ٢٢ ح ٢ ١٤٠٥ حمداً مصيباً مستعصماً بحانا الله من أيدي الجبابرة و الفراسة و الطواعيت بالحق و آله ع

«الرسالة العملية» ص ٢١٦ رقم ١٣٠٨، للشيخ الأكبر. أقول لا شبهة في وقوع سقط من العبارة حين الطبع و الصواب أن تكون هذه الصورة «للشيخ علي بن الشيخ الأكبر» الخ كما لا يخفى على المتدرب المتأمل و ذكر شيخنا المؤلف في ح ٧: ٢٧٩: ١٣٧٠ بعد التصحيح و في ح ٦: ٢٧٨: ١٥١٥ (مقيد بشهر رجب في هذا الموضع فقط) و كذا الشيخ جعفر آل محوية في «ماضي الجعف و حاصرها ٣: ١٧١ و للعم الجبيب آهادي في مكارم الآثار ٤: ١٤٢١ نقلاً عن لسريعة ح ٦ أن وفاة بحال المرحوم الشيخ علي بن

الشيخ الأكبر كانت في ١٢٥٣ و كذا في «شعراء العربى ٦: ٢٥٧» مقيّداً أيضاً بشهر رجب قالوا جميعاً: توفي بكريلاء ثم نقل إلى السجف الأشرف و دُفن بها و أمّا والده جدنا المرحوم كاشف العطاء الشيخ جعفر بن خضر السجفي فقد توفي سنة ١٢٢٧ — أو ١٢٢٨ في السجف بتفصيل في تاريخه ذكرناه هناك مباشرة نسخنا من مكارم الآثار ٣: ٨٥٥.

﴿الرسالة العملية﴾ ص ٢١٧: للحاج مرزا فتح الله الشريعة الإصفهاني انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان [وسيلة]

«الرسالة العملية» ص ٢١٨ رقم ١٣٢١ من ٩، الحسيني: أقول إني أتعجب من شيخنا العلامة ره كيف عقل عن معرفة السيد حسين بن محمد الحسيني هذا و حقيقة الحال أن هذا الرجل هو المرجع الشهير في عصره السيد حسين الكوهكمري المعروف أيضاً بالترك المتوفى سنة ١٢٩٩ و هو استاد الفاضل الشرياني و هذه الرسالة العملية تأليف هذا السيد و قد مرّت الإشارة إليها في ص ٢١٥ رقم ١٢٨٨ و لم يدع الفاضل أنها تابعة بل علّق على بعض مواضعها و فلما يخالف رأيي أعتدّه في ضلّاله و قد سجل في معتنق تلك الرسالة ما صورته بعد السلسلة «لا تأمل بالعمل هذه الرسالة مع ملاحظة الحواشي إن شاء الله. حرّره الأحقر الجاهل محمد الشرياني» انتهى و لكن المباشر المتعلّق لطبع الرسالة كتب في حجب السجل عنواناً لها هذه العبارة. «رسالة جناب مستطاب رئيس الملّة و الدين آية الله في الأرضين محدّد رأس المائة ملاّد الأمام حجة الإسلام آقاي شراياني مدّ ظله» و مباشر هذه الطبعة رجل من المصلاّء يدعى بحاجي فخر (و فخر العلماء) و تاريخ كتابتها بخط عبدالرحيم العمروزيّ عام ١٣١٥ (ظاهراً) و يظهر من آخر سطر منها (في ص ٣٢٦) أن الرسالة قد كانت مطبوعة قبل هذه الطبعة أيضاً و الحاصل أن شيخنا ره قد نظر في معتنق هذه نسخة فظنّ باعواء كلام المباشر ما يخالف الحقيقة فكتب ما نراه في المتن و الله العاصم ثمّ إنه لم يذكر المشار في فهرسه رسالة عمليّة للماصل الشراياني مطلقاً كما أنّه لم يصنع على هذه النسخة التي وصىهاها و لكنّه ذكر (دعوى العباد) للماصل فليراجع حرّره السيد محمد علي روضاني في لية ٤ ع ٢ سنة ١٣٩٧.

«الرسالة العملية» ص ٢١٨ رقم ١٣٢١: أقول انظر [جامع المسائل ٥: ٧٠: ٢٧٥] و ما

ذكرناه في التكملة. و مرّ رسائله بالعربية [الإصلاح ٢: ١٧٠: ٦٢٩].

«الرسالة العملية» ص ٢١٩ رقم ١٣٣٦: تراجع (السؤال و الجواب ١٢: ٢٥٠: ١٦٤٧) و (الوجيزة ٢٥: ٤٥: ٢٣٠) مع التكملة.

ص ٢٢١: رسالة في تعيين العرق الناجية للشيخ ابراهيم يراجع (العرق الناجية).

«الرسالة الفهية» ص ٢٢١ رقم ١٣٤٣. أقول يأتي أيضاً «مبضية ١٦: ٤٠٩: ١٩٦٠» راجعه.

«الرسالة القديمة» ص ٢٢١ رقم ١٣٤٥. أقول انظر «القوسية ١٧: ٢٠٧: ١١١١».

ص ٢٢٣: «رسالة لالان» انظر (لالان ١٨: ٢٦٨: ٦٠).

ص ٢٢٣: رسالة في كفاية النظر .. لاس حمرة يأتي في حرف الكاف.

«الرسالة الكميلية» ص ٢٢٣ رقم ١٣٥٨: أقول يأتي أيضاً بعنوان [شرح حديث الحفيظة ١٣: ١٩٧] و الرجل من صوبة العدة و له [مصباح الهداية ٢١: ١٢٣: ٤٢٣٧] و من شروح الحديث ما هو مذكور في «شرح حديث الخليفة ١٣: ١٩٦: ٦٨٤» مما بعد و منها ما ذكر بعنوان «الكميلية ١٨: ١٣٩: ١٤٠».

«رسالة في مله ارسطاطاليس» ص ٢٢٤: انظر [حجوت العالم ٦: ٢٩٤: ١٥٦٩].

«الرسالة المحمدية» ص ٢٢٤: للشيخ سليمان بن عبد الله الماحوري كما في اللؤلؤة

«رسالة مشايخ الشيعة» ص ٢٢٥: المذكورة في عنوان كتاب «المناقب ٢٢: ٣١٥

٧٢٥٣» هي «تراجع مشايخ الشيعة ٤: ٦٠: ٢٤٩».

«الرسالة النحفية» ص ٢٢٧ رقم ١٣٨١. أقول اعلم أن شيخنا المصنف ره أورد هذه

الرسالة في كتابه مرقماً في ثلاث مواضع الثاني في الشين (ح ١٤: ٢١٠: ٢٢٣٢) و الآخر في النون (ح ٢٤: ٦٨: ٣٤٤) فراجعهما و مباحث من لا يسهو.

«الرسالة الوضعية» ص ٢٢٩ رقم ١٣٩٨: أقول يأتي أيضاً الوضعية الإهرية ٢٥: ١١١:

٦١٢».

«رسالة المنود في إجابة دوى العنود» ص ٢٣٠: للأمر السيد بهاء الدين الحسن

بن مهدي المامطيري رحمة الله عليه نقل جملة منها ابن اسفنديار الكاتب في «تاريخ طبرستان ١١٦ - ١١٨» للؤلّف حوالي سنة ٦١٣ فراجع و يأتي في الهاء (ح ٢٥: ٢٥١:

٥٧٩).

«الرسالة الوقتية» ص ٢٣٠ رقم ١٤٠٠: راجع الرسائل الوقتية في (٢٥ : ١٣٥).

«الرسالة الهلالية» ص ٢٣٠ رقم ١٤٠١: انظر (هلالية ٢٥ : ٢٣٩ - ٤٧٤).

«رسالة يوحنا» ص ٢٣٠: انظر (يوحنا ٢٥ : ٢٩٦ : ١٨٩ و ١٩٠). و راجع ج ١٧ ص ٢٣٨. مجدداً كما مراجعته به موضع مرقوم كردم بياقم مظان ديگر را هم ديدم چیزی بياقم تا بعداً چه پیش آيد.

«الرسالة اليوسفية» ص ٢٣٠ رقم ١٤٠٣: ثاني في الباء (اليوسفية ٢٥ : ٣٠٠ : ٢٤٠).

«الرسالة اليونسية» ص ٢٣٠ رقم ١٤٠٤: راجع (ح ٢٥ ص ٣٠٨ : ٢٧٩).

«رشحات سمائي در احوال شيخ بهائي» ص ٢٣٥ رقم ١٤٢٨ ص ١٠، «كشف الحية»:
بصوان رشنحات السمائي.

«شرح الحساب في شرح نظم الحساب» ص ٢٣٦ رقم ١٤٣٣ ص ٩، شارح العوامل:
قال في آخره «و قد تيسر لي تأليف هذا إشرح للسمى برشح الحساب في شرح نظم
الحساب بعون الملك الوهاب في خمسة أشهر مع شتت الأحوال و مكثر الاشغال و كان
المراع منه في أوائل شهر جمادي الأولى من السنة السادسة و العشرين من المائة الثانية من
الألف الثاني.. بدار السلطنة قروين» الخ و تسخيناً مكتوبة في كربلا سنة ١٢٨٩.

«رشح الولاء في شرح الدعاء» ص ٢٣٦ رقم ١٤٣٤: يراجع منها البراعة للحنوني ح
١٤ ص ٢٩٩ ط ٢.

«كشف النصاب» ص ٢٣٨ رقم ١٤٤٦. نقل عنه العلوي محمدظاهر القمي في كتابه
(نخبة الأخيار).

ص ٢٣٨: للرصد يراجع الزوج في ج ١٢ ص ٨٠.

«الرضاع» ص ٢٣٩: انظر الرسائل الرضاعية الكثيرة فيما مرّ ص ١٨٨ فما بعدها.

«كتاب الرضا» ص ٢٣٩ رقم ١٤٥٤: أقول هذا الرجل هو الذي عقد له الماخوري

المقتول سنة ٤٦٧ ترجمة بعيسة في كتاب «دمية القصر ٢ : ١٤٦٢ - ١٤٦٦ ط التوحي»

بهذا العنوان قال [السيد أبو طالب محمد بن أحمد العلوي الحسيني صاحب كتاب الرضا

— رأيت هذا العالم السيد الراهد رضي الله عنه عند اجتيازي بالطليبين] إلى آخر ما قال

و نقل عنه شيئاً من نظمه و شعره و أخبر عن وفاته في ختام الترجمة لإيراد شيخنا المصنف

ذكر السيد في الثقات الميوس ٢٤٧ نقلاً عن الأمل خطأ و موضع ذكره في البابس و
القمطي نقل موجز ترجمته في كتاب الميوس من الشعراء عن الباخرري و إن لم يصرح
باسم مأخذه هذا و السلام. حرر في ٨ شعبان ١٤١٢.

«الرضوان» ص ٢٣٨ رقم ١٤٥٩: أقول رأيت نسخة من الرضوان هذا بخط اسمعيل
بن مهدي البردي فرع من كتابها في ٢٩ محرم ١٢٩٨ و الكاتب ذكر نفسه في ختام
حاشية للمصنف كتبها في هامش أوائل الكتاب و هذه عبارتها (منه أدام الله أيام إفاسته
و أنا رقي الجليل ابن مهدي بن محمد بن اسمعيل بن محمدملك بن علي بن مختار
العقباتي اسمعيل) انتهى و أنا لأشك في أن جد الكاتب هو المذكور في «الكرام البررة
ص ١١٢) رضوان (الشيخ المولى اسمعيل بن عبدالمك العقباني البردي من أفاضل الفقهاء
و مشاهير الأعلام) إلى آخر ترجمته و نسخة في مكتبة السيد مصطفى الحسيني حرره
م ع ر في ح ٢ سنة ٩٥.

«رضوان المعارف الإلهية» ص ٢٤٠ مجموعة هامة من رسائل الشاه نعمت الله الولي
الكرماني و أولها مذكورة في ترجمة الشاه طبع مصوراً عن أصله في طهران حوالي سنة
١٣٨٥ و راجع ما ذكرناه هامش (سلسلة المعارف) الآتي

«طب رضوي» ص ٢٤١ رقم ١٤٦٧ لا يخفى أن هذا العنوان خطأ محض و الصواب
«الطب الرضوي» كما يأتي في موضعه و الله العاصم.

«الرعاية» ص ٢٤١ رقم ١٤٦٨: أقول لم أعتز على كتاب مطبوع باسم الرعاية و
لكن قال السيد محمدحسين الجلالي في رسائله المطبوعة باسم «مصادر الحديث عند
الإمامية ص ٦ ما نصه. «و كذلك اهتم علماء المسلمين بعلم الجرح و التعديل لتعمير
أقسام الحديث المذكورة و ألغوا فيه كتباً كثيرة أهمها عند الشيعة «الرعاية في علم
الدراية» لربيع الدين الشهيد سنة ٦٥٥هـ « انتهى كلام السيد و إذا كان مراده بربيع الدين
الشهيد الشيخ الشهيد الثاني صاحب شرح بشارة الدراية فما معنى قوله ٦٥٥ على أنه قد
ذكر السيد أيضاً في ص ٤٠ من رسائله مذكورة ما لعظه «و إجارة الشهيد الثاني المتوفى
٦٦٥» و هذا من العرايب و الله العاصم و قد كانت شهادة الشهيد الثاني رضي الله تعالى
عنه في سنة ٩٦٥ كما لا يخفى. ثم إن العالم بمناهل التحقيق الشيخ حسن بن عبدالكريم بن

حسن صالح البحري ره ذكر في رسالة له في بعض مسائل الاجتهاد و يستختها في ضمن مجموعة من رسائله موجودة عندنا ما لعظه «يرشدك إلى ذلك ما قاله العالم العاقل الشهيد الثاني الشيخ زين الدين قنص سرّه في كتابه المسمى بالرعاية في علم الدراية» انتهى المقصود من كلامه فتبين أنّ (الرعاية) اسم لكتاب الشهيد الثاني في شرح بداية الدراية و لكن لم يشتهر بهذا الاسم و إنما اشتهر بعنوانه و السلام. ثمّ إني عثرت على مواضع أخرى صرح فيها باسم الرعاية لشرح درية الشهيد الثاني ره.

«رفع الالتباس عن أحكام الناس» ص ٢٤٢ رقم ١٤٧٨: أقول يأتي له «معارض الأحكام ٢١ ١٧٨: ٤٥٠٢» و [ماسك الحجّ ٢٢: ٢٦٠: ٦٩٦٦] فراجعهما و أمّا رفع الالتباس هذا فليس موضوعه ما رجمه شيخنا المصنّف بن هو في أحكام للمقابلة و المعاملة مع أصناف من الفرق المخالفة لطريقتهم لدين الحقّ مذهب الشيعة الإمامية و هو كتاب نفيس هريد في دانه و نسخة أصله عندنا و في مفتحتها كتب السيّد المصنّف العلامة بخطّه فهرس الكتاب فذكر أنّه في مقدمة و مسائل كمالية و محكم و المعلقة في معنى ضرورة الدين و المذهب و في معنى النصب و المسائل^٤ في بيان أحوال المعاصرين من الكفر و الإسلام ٢- دمايتهم و دراريهم ٣- أمواهم ٤- طهاراتهم و محاسنهم ٥- مساكنتهم ٦- دبالهم ٧- الموارثة ٨- الطلاق و العلة و سائر الأحكام و الخاتمة في حكم المستضعف و في بواذر أحوالهم و ما ورد في بعض شأهم هكذا فهرس الكتاب إجمالاً و الكتاب مشحون بتحقيقات عالية و فوائد حمّة. فرع من تأليفه سنة ١١٦٩ و النسخة في ١٦٧ ورقة بحجم صغير و بأخرها تقريص لأخيه السيّد أحمد بن محمّد ابراهيم الحسيني و ترجمتها في تسميم أمل القروي و الكرام البررة و أنساب السادة الثمينة. ثمّ أنّه يظهر من شيعنا المصنّف في «الدرّ الثمين ٨. ٥٢» الذي هو مجموعة من مصنّعات السيّد أنّه رأى النسخة و فيها نسخة رفع الالتباس فاشتباهه في موضوع «كتاب من العجلة و عدم التأمل و الله العالم حرّر في ١٧ شهر رجب ١٤١١ و الحرب قائم في لبلدان العربية بمشاركة الكفار الخريّة و الله المستعان.

«رفائق الحقائق» ص ٢٤٦ رقم ١٥٠١ ارفائق أي السفائق جمع رقيقة و لعنه يعني اللطائف الروحانية «عن هامش معهم الأدباء ١: ٣٤».

«الرق المنشور و لواضع الظهور في تفسير آية النور» ص ٢٤٦ رقم ١٥٠٣: أقول صرح السيد المصنف هذا الكتاب القيم المهم بخلاف ما في المتن فقال في حاشيته (ص ٣٥٢) ما نصه [قد فرغت من تأليف كتابي و [...] في الجريدة للسفارة بمشي في يوم السبت ١٤ من شهر رجب من سنة ١٢٨٩] الخ و هي التوليفة لاسمه التاريخي و انظر ما ذكرناه في التكملة على [مسائل عني بن جعفر ٢٠ . ٣٦٠ . ٣٤٠٦] و مما ذكره في الخاتمة المذكورة الإشارة إلى مبيع عمره في تلك الأيام و هو البف و الثلثون و عيه محي و وفاته كان له حوالي خمسين سنة رحمه الله و انظر ترجمته الخاصة بالمكارم و الفضائل في «النقاء». ثم إن السيد المصنف قام بصحيح كتابه بعد طبعه الحجرية فصع لأعلاطه جدولاً في ثمان صفحات طبعها سنة ١٣٠٣ في عشي و احقت بعض نسخ الكتاب كما الحق به رسالين في بعض المسائل العلمية و السلام. م ع ر ح ١ سنة ١٤١٠

«الرمحة» ص ٢٤٨ رقم ١٥٢٠: نسخة الرمحية بخط ولد المؤلف بها بالدين محمد فرع من كتابتها في دي الحجة سنة ١٢٠٠ مهيمنة إلى [تدوين السلافة ٤ ' ٥٤ ٢٢٣] بخطه أيضاً المشتملة على السبعة المذكورة و في كلام شيخنا المصنف ها مساعدات و أعطاه فلاحظ ما يأتي في التكملة على [السيفية ١٣: ٢٤٩: ١٩٥٥] و لاتعمل

«الرمل» ص ٢٤٩ كان على شيخنا المصنف رحمه الله تعالى أن يصف هذا العلم و لو بالاختصار و انظر الاستفادة منه في حاشية المستدرك ص ٣٨٨ و لا يوجد للرمل في (سفيه البحار) عين و لا أثر سوى مشتق منها و هو حديث رميلة و لكن صاحب مستدرك السفيه يعرض للمواضع التي عثر عليها لعدم الرمل في ح ٤ ص ٢١٠ فليراجع. قال الأب المثلث في المسجد «و اعلم الرمل البحث عن المجهولات بخطوط تُخط على الرمل و هو من الخرافات»! انتهى و ليرجع كشكور النعمة.

«رسالة في الرمل» ص ٢٤٩ رقم ١٥٣٠. الكل يري يعني الكليري.

«رموز الشهادة و كنوز السعادة» ص ٢٥٢ رقم ١٥٤٣: ذكر اسمه مصنفه في كتابه الآخر «مفاتيح الكنوز ص ٢٢٣».

«روايع الاصول» ص ٢٥٦ رقم ١٥٦٩ س ٢٤: قوله كذا قيل، أقول التريديد في نسبة كتاب باسم الرواشح إلى الشيخ المذكور لا في وفاته و دونه.

- «الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية» ص ٢٥٧ رقم ١٥٧١: أقول عندما النسخة الأصل بخط السيد الداماد و أيضاً نسخة أخرى غيره و مع كليهما تعليقات أصول الكافي غير متشاكلين و مرت «الحاشية على الرواشح السماوية ٦، ٩٠: ٤٦٨».
- «الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية» ص ٢٥٧ رقم ١٥٧٢ ص ٢٠، و في شرح الحديث: أقول يراجع «شرح الاستبصار» للسيد الداماد في ح ١٣ ص ٨٣.
- «رواية الابهاء عن الابهاء من آل رسول الله ص» ص ٢٥٨ رقم ١٥٧٦ ص ١٩، «كتاب النواتر»: انظر ج ٢٤ ص ٣٣٧.
- «روح الأحباب و روح الالباب في شرح نشأته» ص ٢٦١ رقم ١٥٩٣ ص ٩، ينقل عنه: و ينقل عنه السيد الجزائري في غرائب الأخبار.
- «روح الصلاة» ص ٢٦٤ رقم ١٦١٤. أقول سمعته القاضي نفسه بهذا الاسم و قد مرّ أيضاً في ج ٧ بعنوان (حقيقة الصلاة) فلاحظ.
- «روح و ربحان» ص ٢٦٦. و لأنه اقتبس اسم كتابه من الآية الشريفة (روح و ربحان و حنة نعيم).
- «رورنامه» ص ٢٦٩ رقم ١٦٥٢: أقول طبع [رورنامه ملا جلال] باسم [ناريج عباسي] جلال الدين محتّم [. .] بطهران سنة ١٣٦٦ش في ٥٠٠ ص فيها المقدمة و الفهارس لساشر صيف الله وحيديا المستحدي الإصمهايي.
- «رورنامه شاه طهماسب» ص ٢٧٠ من ٧، «مطلع الشمس». + المجلد الثاني.
- «الروض الاريض فيما قال أو قل فيه من القريض» ص ٢٧٣ رقم ١٦٨٣: أقول مرّ ديوانه في (ج ٩: ٣٦٣؛ ٢١٤٥).
- «روض الجنان في حياة الابدان» ص ٢٧٥ رقم ١٦٩٦: مرّ بعنوان (إحياء الأموات) في (ج ١: ٣٠٧؛ ١٥٩٧) و راجع (رد گيامه علامه مجلسي ١: ٤٣٣).
- «الروض الفتيق الفائق و مونس الكتب العاشق» ص ٢٧٦. طبع في بيروت حوالي سنة ١٤٠٠ يشرح سعيد نارالدهان نامياً إياه خطأً إلى إمام الحرمين محمد بن عبدالوهاب بن داود الحمصاني من غير معرفة الشارح له مصنفاً و النسخة خطأً محض فإن المؤلف من تلامذة محمد الكبرى الصديقي من شوافع القرن العاشر في الديار المصرية و إمام الحرمين

من علماء الشيعة و توفي حوالي سنة ١٣٠٤ و له (الشجرة المورقة) يأتي و الله العالم.

«روايات الجئات في أحوال العلماء و السادات» ص ٢٨٠ رقم ١٧١٢: لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم هذه شئنة أعرفها من أحرم لقد صدق قول المعصوم صلوات الله عليه في أن هلاك العلماء بالحسد فيسخر العاتل للمصنف العادل الذي يصع الأشياء في مواضعها كيف عدل الشيخ للمصنف ره عن حادثة العدل و الانصاف فاقتدى شيخه النوري المعاند الحسود و حط عن مقام الروايات و صاحبه الإمام العادل المجتهد المجاهد اهتد آية الله العظمى في العالمين حديثاً سيّد محمد باقر بن الإمام المجتهد العدل الحاج السيّد زين العابدين الموسوي الإصفهاني طيب الله تربتهما و ررقا شعاعتهما مع أن أساس تأليفات الشيخ و شيخه جمعا على مطالب كتاب الروايات و لولاه لما قام بعلم تراجم الرجال و آثار المصنفين عمود و لا أعصر أعمود و هذا أمر بالعيان مشهود و لا ينكره إلا حسود أو عمود قوله (و نسخة الأصل) الخ أقول ما رأي الشيخ المصنف من نسخة الأصل إنما هي إحدى النسخ لأصكته و صورتها الكاملة عندنا موجودة و للكتاب عدة نسخ بخط سيّدنا المصنف طاب ثراه و كثير منها من المسودات و المبيّضات و المصححات بخطه الشريف موجودة عندنا بمحفوظة في خزانة و الحمد لله رب العالمين كما توجد عدة نسخ أخرى معصرة فيها خطه المبارك عند عمرنا من ولده و غيرهم حتى في بعض الخرائص العامة و قد فصل القول حول تلك النسخ في مقدمة شرح الروايات ط إصفهان مراجعها.

و أما قوله (بعدد صفحاتها للمعولة) فهذا أيضاً مما أراد به الشيخ للمصنف الخط عن مقام الكتاب و الله العاصم و انظر ما ذكرنا حول الكتاب [الخراب ٥ : ٩٤ : ٣٩٢] و أيضاً حول [إنحار المقال ٢ : ٤٨٧ : ١٩٠٩] و حول [المستدرک ٢١ : ٧ - ٨] اللهم اغفر لنا و لأبائنا و لأمهاتنا و لأهل ديارنا جميعاً و اعصمنا من الخطأ و الرسل في القول و العمل بحق النبي و آله الطيبين الطاهرين المعصومين صلوات الله و سلامه عليهم أجمعين آمين.

«الروضة» ص ٢٨٢ رقم ١٧٢١ س ٤، العين: الدين كما في ط سنة ١٣٠١ و كتاب المعصائل.

«الروضة» ص ٢٨٢ رقم ١٧٢١ س ٤، في الناس. بالناس.

«روضة الأحباب في سورة النبي ص و آل و لأصحاب» ص ٢٨٥ رقم ١٧٣٤: أقول
أظن أن روضة الأحباب هذه و روضة الصفا و روضة الشهداء الآتين قد أخذ مؤلفوها
أسماء كتبهم المذكورة كل عن الآخر لما ألهم معاصرون و مقبضون في هراة و مصاحبون
للأمير عليشير السوائي ثم الروضة الصفوية و غيرها و قال الميرزا عبدالله أهدي صاحب
الرياض في كتابه «تجمة حسيبه در ترجمه صحيحه ادرسيه» ما نصه «و ار جمده آنكه
سيد جمال الدين عطاءالله ابن فصل الله واعظ عذت فصل مؤمن شيعه خالص هراتي كه
قريب برهان خروج نواب سكندر شان شاه اسمعيل ماضي أبار الله برهانه بوده در
كتاب روضة الأحباب خود كه بهارسي در احوال سياء و ائمه هدي تأليف نموده چنين
گفته» الخ و قد طبع هذا الكتاب في البلاد الهندية عدة مرات عدنا

«روضة الانس و منفعة النفس» ص ٢٨٨: هو اسم ثان لكتاب الأبيية عن حقائق
الأدوية مرتباً بمصرات الأبيية فيما تقدمت فيه اسود على الباء

«روضة الامثال» ص ٢٨٨ رقم ١٧٥٠: في مقدمته ترجمه بضم آية النور للشيخ هادي
الطهراني بقلم الحاج الشيخ حسن المصطفوي التبريزي أن الكور كتابي هذا توفي سنة
١٣٢٦.

«الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية» ص ٢٩٠ رقم ١٧٥٧ ص ٢٢، فرع من
تأليفه ٩٥٦: سيأتي في ص ٢٩١ س ١٣ و ١٠ و ٦ أن تاريخ الشروع في تأليف الروضة ١
ع ١ سنة ٩٥٦ و ختم المجلد الأول في ٦ ح ٢ سنة ٩٥٦ و ختم المجلد الأخير ٢١ ح ١ سنة
٩٥٧ و الأخيران موافقان لما في النسخة المطبوعة من الروضة

ص ٢٩١ س ١١، ٣ — ج ١ ٩٥٨: انظر «الإحارة ١: ١٩٤: ١٠٠٥».

«الروضة البهية في الإحارة الشعبية» ص ٢٩٢ رقم ١٧٥٨ ص ٨، مطبوع ١٢٨٠:
معلوم ليست در خود اين سال طبع شده باشد.

«روضة الفلهم» ص ٢٩٢ رقم ١٧٦٢: أعيد طبعه بالانفست في طهران سنة
١٣٦٣.

ص ٢٩٤: بسمه تعالى قال الشيخ أبو الفتوح قلنس سره في تفسيره (ج ٢ ص ٣٥٥ ط
٢) في ذيل آية «و إذ قال للملكة يا مريم» الخ بعد بقية الحديث ما نصه «و اين دو خبر

ار كتابي نقل اعتاد كه جذاً من خواجه اعام سعد ابوسعيد جمع كرد نام آن الروضة الزهرا في مناقب فاطمة الزهراء». انتهى

«روضة الشهداء» ص ٢٩٤ رقم ١٧٧٥: يراجع ما ذكرناه في هامش ص ٢٨٥.

«روضة العرفاء و دوحة العلماء في شرح الأسماء الحسنى» ص ٢٩٩ رقم ١٧٩١: أقول يوجد في المكتبة المركزية بجامعة طهران (كما في فهرسها ١٠: ١٧٤٠ — ١٧٤١ رقم ٢٨٩٦) مجموعة كتاباتها حوالي سنة ١٢١٣ و فيها منتخبات من [شرح الأسماء الحسنى] للسيد علاءالدين گلستانه الإصفهاني ذكر مؤلف الفهرس أن الثاني من رسائل المجموعة (شرح أسماء الحسنى) و لم يعرف مؤلفه و لكننا وجدنا العبارات المفضولة عنه في الفهرس في كتاب گلستانه بعين العبارات ثم ذكر أن الثالث من الرسائل (روضة العرفاء... الخ) و هو أيضاً من كتاب گلستانه و يلزم الرجوع إلى تلك المجموعة كي يكشف عن تسمية مؤلف الفهرس له بالروضة هل هنا الاسم في نك السبعة أم أحده الفهرس من الدريعة و اعلم أن المؤلف سمي كتابه هذا [بالتحفة الصغرى و الهدية الحسبية] كما ذكرناه في موضعه من التكملة لمراجعته.

«الروضة العلوية و الدرة المصيفة في الدعوى فثانورة عن بحر الدريعة» ص ٣٠١ رقم ١٧٩٥: أقول انظر [الإجارة ١: ٢٥١: ١٣٢٣]

«الروضة الغناء في عدم حوار استماع الغناء» ص ٣٠١ رقم ١٧٩٧: يراجع رسالة (سرگذشت سعدى للنجاري ص ٥١) مع تعليقه.

«الروضة الغناء في معنى الغناء» ص ٣٠١ رقم ١٧٩٨. أقول إني رأيت هذه الرسالة عند بعض أحماد ابن خالبا المؤلف ها في ع ٢ سنة ١٤٠٦، ثم نشرها في مجلة «نور علم ٢: ٤: ١٢٣ — ١٣٠» و قد تكرر ذكرها في باب العين سهواً (ج ١٦: ٦٢: ٣٠٦).

«روضة المقيّن» ص ٣٠٢ رقم ١٨٠٢ س ١٥، نسخة منها: عند الحاج شبيب محمدحسين الأعلوي كما يأتي في ص ٣٣٤.

«روضة المقيّن في شرح أخبار الأئمة المعصومين» رقم ١٨٠٣ — ص ٣٠٣ س ١، في وقف. في هذه العبارة خلل ظاهر و الطاهر سقوط شيء يري في و وقف بقاء على أن (وقف الجميع) الخ جملة مستأنفة.

ص ٣٠٣ س ٤، و التتوي: الصواب و التتوي. ظ

ص ٣٠٣ س ٩، الاهوي: للاهريش يراجع ما كتباه بامش نسخنا من (تلامذة العلامة المجلسي ص ٢١٧).

«روضة المؤمنين» ص ٣٠٤: اسم كتاب الأربعين لصاحب النهاية في شرح الهداية ذكرها في هامش في ٤١ من النهاية.

«رؤياي صادقة» ص ٣٠٧ رقم ١٨٣٤، لسيد محمدجواد: راجع ترجمته في مكارم الآثار ص ١٩٨٢ ج ٦ قم ١٢١٤.

«رؤياي صادقة» ص ٣٠٨ رقم ١٨٣٥ أقول لم يعرف هذا الكتاب و مؤلفه المذكور و لكن طبع رؤياي صادقه المعروف المشهور في عدة أجزاء من مجلة (ارمغان) لستها ١٤ و الظاهر أنها مقولة عن نسخة طبع بطريرك بورع (١٩٠٣م المحرم الوريدي ٥٠ ص طبعة حجرية) و أنها التي اشترك في تأليفها نجيب من الملاحدة بإعواء الأحناف و أعداء الإسلام ثم طبعها أسدالله خان (عصير القصص الروسية في إصفهان) في بلاد روسيا و طبع بعد ذلك أيضاً في طهران كما تعلم من (لهرست كتابهای چاپی فارسی ٢: ١٧٩٥) نقلاً عن عدة مھارس و هناك غمواتان (رؤياي صادقانه) و (رؤياي صادقه) و قد صرح منكراده في «رندگانی ملك المتكلمين ص ٩٤» بأن والده هو الذي ألف رؤياه و نشره و في ص ٦٤ أن للحاج فاتح الملك الإصفهاني سهماً واهراً في تأليفه و بالمجلة فالكتاب من مجلة كتب الصلال و لراجع التمهيل ماريد من ذلك في (تاريخ نائين ١: ٣٨٢ فما بعدها لبلاعي).

«رواية في رؤية الهلال قبل الزوال» ص ٣٠٩ رقم ١٨٤٦: عندما منه نسخة تامة خلف رسالته في صلوة الجمعة [ح ١١٥: ٨١: ٥٢٨] فرغ منه في ٢٦ محرم ١١٠٦ و بعدها رسالته في حجة الأنبار (ج ٦: ٢٧٠).

«زهير خود» ص ٣١٠ رقم ١٨٥٦: انظر مقالة «شهاب روش معرفت» في نشرة «كبهان فرهنگي» س ٣ ع ٥ و ذلك بمناسبة وفاة للرحوم شهابي في «...» ١٤١٦ و ولادته في ١٣٢١ ق في بلدة تربت حيدرية.

«رياض الأبرار» ٣١٥ رقم ١٩١٠ س ٢١، نسجوا محمدعلي: الصواب للسيد الخ و قد

تجاوز رقم إشارات فيه لحدّ الآن المائة إجابة ما بين صغيرة و متوسطة و كبيرة و لاتزال
بعون الله تعالى مشغولين بالإضافة إليها ذاتاً

«رياض الأبرار في مناقب الكوّار» ص ٣١٦ رقم ١٩١١ أقول انظر (الإمامة) في ج ٢
ص ٣٣١ رقم ١٣٢٠ و ما كتبنا في التكملة.

«رياض الأحرار» ص ٣١٧ رقم ١٩١٦ س ١٠، البرغاني. أقول يأتي له (مردوس
العارفين) في موضعه مراجعه.

«رياض الأرواح» ص ٣١٨ رقم ١٩٢٣: قل الشيخ في الكشف ح ١ ص ٩٩ ما
نصّه (من كتاب رياض الأرواح و هو ثمّة بطمه الفقير لعبد الله محمد العاملي عمى الله
عنه) ثم نقل إشي عشر بيتاً بالعربية

«رياض الأشراف» ص ٣١٩. محمد جعفر بن محمد باقر الشريف السيروري صاحب
كتاب «نور ورمة» المذكور في ح ٢٤ ص ٣٨٢ رقم ٢٠٥٥.

«رياض الإنشاء» ص ٣٢٠ رقم ١٩٢٣. أقول انظر ترجمة الرجل في [برهة الخواطر ٣:
١٦٦ — ١٦٦ ط الهند] و هناك ولادته نحو سنة ٨١٣ و قتله صبراً سنة ٨٨٦ و كذا في
صفحة العنوان من رياض الإنشاء مطبوع قمه في المتن من خط الماشر و لا يخفى أنّ
الرجل من تلامذه ابن حجر العسقلاني و من أصدقاء عبدالرحمن الحامي و سائر أهل
السنة و الجماعة و لم يشر أحد إلى تشيعه فيما علم و يأتي له أيضاً [مناظر الإنشاء ٢٢:
٢٧٨: ٧٠٩٣] و قوله (في ٤٦٠ ص) النسخة الموجودة عندها من طبعة حيدرآباد الدكن
المذكورة في المتن و الموصوفة في فهرس إشار مشتملة على مقدمة بالهندية و العارسية في
٨٨ ص و أصل الكتاب في ٤٠٩ ص ثم فهرس الأعلام إلى ٤٢٠ ثم التصويبات إلى ٤٢٦ و
الله العالم. م ع ر ليلة ٩ شهر رمضان ١٤٠٦

«رياض الجنان» ص ٣٢١ رقم ١٩٤٤ أقول نقل عنه الآقا محمد علي البهبهاني قلنس الله
روحه في مفتاح الجامع ترجمة الفيض النكاشاني مفصلة و نسخة المفتاح عندها بحلف
هنا لك.

«رياض الجنان» ص ٣٢٠ رقم ١٩٤٥. يرجع الروصات ديل ترجمة النوريسقي.
ص ٣٢٢ س ١، العيسى: العيسى كما في نسخة مخطوطة مجهولة غير مأمونة العلط من

تأليفات صاحب فصائل السادات فليراجع إن شاء الله.

«رياض الجنة» ص ٣٢٢ قم ١٩٤٨: يراجع تعليقات كتاب اللوامع الإلهية للمفصل المقداد بقسم السيد القاضي الشهيد ره ص ٥٧٤ و كتاب «وحيد بهباني ص ٣٠٤» للدواني و كتاب «جهل مقاله ص ١٠٤» لسبحجواني و كتاب ص ٢٤٥ مه و لراجع أيضاً فهرس أحمد متروى.

«رياض الحكايات» ص ٢٣٢ رقم ١٩٥٣، انظر ما ذكرناه بهامش (مكتيب قطب محيى) في (ج ٢٣: ١٣٦: ٥٤١٥).

«رياض رضوان» ص ٣٢٥: في ربارات الإمام أبي الحسن علي بن موسى الرضا صلوات الله و سلامه عليهما للعمير عبد الباقي حسبي الخاتون آبادي صاحب «إكمال الأعمال ج ٢ ص ٢٨٢» و «الجامع في أعمال شهر رمضان ح ٥ ص ٢٨». توجد نسخة المورخة يوم الأربعاء ٢٦ ح ٢ سنة ١١٨٤ المكتوبة في مدرسة كاسه گران بإصفهان عند السيد المهنوي كما ذكر في كتابه «دانشندان و بررگان اصفهان ص ٤٠٥» و «زندگينامه علامه مجلسي ح ١ ص ٣١٣»

«رياض السالكين» ص ٣٢٥ رقم ١٩٦٧: انظر شروح الصحيفة المباركة في موضعها من المجلد الثالث عشر و منها رياض السالكين هذا (١٣، ٣٥٣ ص ٨) و بعد من الله سبحانه عليا بعلة نسخ من هذا الكتاب الجليل.

«رياض الشعراء» ص ٣٢٧ رقم ١٩٧١. أقول كانت نسخة جيدة من رياض الشعراء عند ابن بحال المرحوم الميرزا محمد باقر الشهير بألغت الإصفهاني ره اتصل به إلى ابن الحاج ميرزا بهاء الدين فباعها هو في سنة ١٤٠٢ و توفي بعده في تلك السنة رحمه الله و للشيخ محمد هادي الأميني فهرس لأسماء شعراء الرياض كما أن الألفت أيضاً قد كتب فهرساً مبسوطاً وضعها في أول نسخته و راجع كتاب جهل مقاله للحاج حسين السبحجواني ص ٢٦٤.

«رياض الشهادة و كور السعادة في مناقب السادة و مصائب العرر الميامين القادة» ص ٣٢٨ رقم ١٩٧١: قال المؤلف في حاشية المجلد الثالث مه كما في نسختها المورخة سنة ١٢٤٠ بخط اسمعيل ابن محمد عني السبحجاني الإصفهاني ما نصه «هذا آخر ما قصدنا لإبراده

في المجلد الثالث من كتاب رياض الشهادة و كور السعادة في مناقب السادة و مصائب اولئك العرّ الميامين القادة قد وقع انصرع منه في يوم الخميس ثاني عشر شهر شعبان المعظم من شهور سنة سبع و عشرين و مائتين بعد ألف ١٢٢٧... و كتب بيضاء الباثرة اوتي كتابه بها في الآخرة فقير عمو ربه الخيّ القويوم عادم طلبة العلوم محمدحسن الحاج المعصوم القروي « انتهى ».

«رياض العارفين في شرح صحيفة المنقذ» ص ٣٣٠ رقم ١٩٧٨. أقول ذكره مفصلاً المحدث النوري في حاشية مستدركه هامش ص ٥٢٠ و شيخنا السيّد الأمين في [أعيان الشيعة ٤٥ ص ٣٢٥] و راجع فهرسا الكبير رقم ٤٤٥.

«رياض العلماء حياض الفصلاء» ص ٣٣١ رقم ١٩٨١ رأيت في هامش نسخة الأصل من الرياض (ق ٥٧٢ . ٥٧٣) بعد ذكر تفسير لغة ما نصّه «حرّره يوسف ظ صاحب تاريخ المتوك ص ٢٣ رمضان ١٢٦٥ در باع معتمدلوله موجهر خان» انتهى. فيظهر من ذلك وجود النسخة كلاً أم بعضاً في يد هذا الرجل الذي لم أعرفه لحدّ الآن في ذلك التاريخ ملكاً أو عارية و لعنه بوجد في هوامش سائر أوراقه أيضاً مذكرات من هذا القبيل

«رياض العلماء و حياض الفصلاء» ص ٣٣١ رقم ١٩٨١ من ١٠ قوله و قد حصل جميع المجلدات أقول و هذا ادعاء من شيخنا المصنّف ره نظير كلامه في مصنّفي المقال ٢٤١ / ٢٤٠ و الذي تحقّق عندما بعد المبحث الأكيد أنّ رياض العلماء لم يخرج من السواد إلى الياض إلّا بعد زمان صاحب الروضات المتوفى ١٣١٣ فلنّ الله روحه حيث تبين عظيمة الكتاب عند المحدث النوري بعد ما رأى النقل عنه في الروضات فطلب من صديقه الحاج آقا ميرزا الإصفهاني (و هو الذي قد مرّ ذكره أيضاً في ج ٢ ص ٤٩٩ من ٣) أن يحمل الرياض من إصفهان إلى السجف لاستعادة النوري و لا شك أنّ تقدير الموجود من الرياض كانت في مكتبة العلامة الكبير الميرزا أبي المعالي بن الحاج محمدابراهيم المجتهد الكرباسي في إصفهان و هو الذي أعارها لصاحب الروضات كما تحقّق ذلك عند فاسعارها الحاج آقا ميرزا من الكرباسي بجميع أجزائه و حمل معه إلى السجف فاستنسخ منها النوري مرتين في مجلدين ثم ردت الأجزاء إلى الكرباسي و بعد وفاته

انتقلت إلى العلامة الخاج ميرزا أبي الهدى بن أبي بعلال صاحب سماء المقال و بعد وفات أبي الهدى في ١٣٥٦ اشتراها مع سائر كتب خزانة الخاج الشيخ أحمد بيان الواعظين الإصفهاني و بعد مدة باعها هو لعباس إقبال الأشتياني من أساتذة جامعة طهران و بعد موت إقبال انتقلت خزانة كتبه إلى مكتبة كلية الآداب (كتابخانه دانشكده ادبيات طهران) فحصلنا من تلك المكتبة نسخة مصورة كاملة من جميع أجزاء الرياض الموجودة هناك بخط مؤلفه المرحوم و الذي حصلنا انقطع به أن هذا المقدار الموجود الآن من الكتاب هو بعينه كان عند العلامة الكرباسي من دون زيادة و هو المقدار الذي استعاد من ثمنه جدنا الإمام المجدد طاب ثوابه في الروضات و قد تبين لنا أيضاً أن مؤلف الرياض به قد قسم في أواخر أيام حياته ما كان يملكه من الكتب و الآثار بين ولدين له أحدهما (ميرزا أحمد) و الآخر (ميرزا عباس) و أن هذا المقدار الموجود من الرياض و هو نصف الكتاب تقديراً هو الذي وقع في سهم ميرزا .. و النصف الباقي الذي كان عند الميرزا .. فالمطرون أنه باع جميع ما كان يملك من الكتب و الرسائل هو أو ورثته لسيد الشهيد نصرالله الموسوي الخائري به فذهب بها إلى السجف الأشرف و تعرفت خزانة كتبه النعيسة بعد استشهاد سدة «...» في قسطنطينية و اطلع بعد ذلك العلامة الشيخ يوسف البحراني على قطعه من الرياض في نقايا خزانة السيد نصرالله فعمل عنها في اللؤلؤة و الكشكول و الله العالم.

ص ٣٣٦ من ١١، جميع المجلدات أقول هـ كلام باطل نكلم به شيخنا المصنف به عن حدسه وهماً كما أنه صنع حقوق جدنا لإمام المجدد العلامة صاحب الروضات فتنس الله روحه الشريف فإنه الذي أشار بذكر الرياض و استعاد منه من جميع أجزاء كتابه النعيس.

ص ٣٣٦ من ١٢ أقول قال الميرزا محمدعني مدرّس الجهادي المتوفى سنة ١٣٣٤ في معتنع كتابه [شرح الصحيفة السجادية ١/١] ما لفظه «...»

«رياض العلماء حياض الفضلاء» ص ٣٣١ رقم ١٩٨١ أقول و في مجموعة عباس إقبال أيضاً الجزء الأول من القسم الأول و عدم هذا الجزء الأول بخط أحد مالكي أصل الرياض الخاج ملا أحمد بيان الواعظين الإصفهاني مؤلف (محدثين) استسخنها من كشكول

الشيخ يوسف البحراني فلا تعجز و تمسكها اليدين ابتياعاً مع سائر كتب العلامة الحاج ميرزا أبي الهدى الكرباسي و نعت (نسان الواعظين) أيضاً من هذه الجملة.

يظهر من كتاب وقايع الأيام (محمّد صيامية ٦٤٤) أن مؤلفه المرحوم الحاج ملا علي الواعظ الحياياتي التبريزي رأى جميع الأجزاء الموجودة من رياض العلماء و لعنه رأسها في سفره إلى الإصفهان عند مالكها في تلك الأيام العلامة الجليل الحاج ميرزا أبي الهدى الكرباسي و هي كما ذكرناه نسخة الأصل بخط مصنفه أو أن الواعظ أراد بذلك نسخة بيت القاضي في تبرير نسخة عن الأصل فإنه قال «و قد عثرت على أربعة منها مع خاتمة القسم الأول و خاتمة القسم الثاني كنيتهما بالتمصيل الوافي» الخ.

ص ٣٣٢ من ١١، ملحق: اشتراها في حوالي سنة ١٣٥٢ ملك التجار بوسائط من الألفت بمبلغ ثلثمائة تومان كما حدثني ره بذلك و هما الآن في مكتبة مدك بطهران رقمي ٣٦٥٤ و ٣٦٥٥ و راجع للأصدي (السفة الحسة) و (السفة المورورية الشجاعة) في تكملة الدررعة و (نسان الواعظين) و (وثقة السقاء) في المتن و [الحاشية على الهدى ٦: ١٩١؛ ١٠٤٦].

ص ٣٣٢ من ١٢، ٥٧٨، المصنوب ٥٨٧ و مراجع حتماً لتمصيل أحواله ره «رياض المحبين» ص ٣٣٥ رقم ١٩٩٤: مر ذكره في رياض العارفين أيضاً و لكن هذا ليس للهدايت صاحب رياض العارفين سدي اسم أبيه محمّدهادي و هذا صاحب رياض المحبين اسم أبيه محمّدقلي كما تراهما في لموصعين و قد اشتبه الأمر على المصنف كما اشتبه على المشار بل أشد من هذا و أمّا رياض المحبين فمسخته عند الحاج ملا عباس تاجمير رياحي و تهي على هذا الخطأ في ١٥ ع ١ سنة ١٣٨٩ و أمّا مظاهر الأنوار فهو للهدايت و ليس لصاحب رياض المحبين هذا.

«رياض المؤمنين في أحوال المعصومين» ص ٣٣٨ رقم ٢٠٠٩: انظر «رسالة في صلوة الجمعة ٧٥: ٦٣: ٤٣٩».

ص ٣٤٦: صحّح تمامه في المتن و الحمد لله في ١٤ محرم ١٤٠٥ م عر عمي عنه صحّحت بهذا اللون الأزرق للامتيان.

الجزء الثاني عشر

«الرائية» ص ١ رقم ١: عندما نسخة كتبت في زمان المؤلف و لكن فُقدت من آخرها كراسة و لما كان تأليف الكتاب بالعربية عند انتهاء المؤلف نفسه «رائية» بدون لام التعريف.

«الرائية» ص ١ رقم ١ س ٥، الموجود منه: أي من كتاب ترجمة الاعتقادات.
«رأد المسافر» ص ٨ رقم ٤٣. رأد المسافر هذا ذكره السيد عبد الله الجرائري في [تدبيل السلافة] الموجود بسخته الوحيدة عند محط ولده السيد بهاء الدين محمد في ضمن ترجمة المؤلف الشيخ فتح الله و غيرها و ذكر، جادته أيضاً
«رأد المسافر» ص ٩ رقم ١٤٩: أقول نظر «درية المصطفى ١٠: ٢٥ ١٢٦» و التكملة.

«ريدة الاصول» ص ١٩ رقم ١١٥: أقول الصواب في العبارة المقولة (ينتي) مكان (يني) و (ينمي) مكان (ين) و (نزه) مكان (يزه) ثم اعم أن عندما نسخة من «شرح ريذة الأصول ١٣: ٣١٠: ١٠٩٩» تاريخ كتابتها سنة ١٢١٧ كما ذكرناها هناك و قد أثبت كاتب تلك النسخة على ظهرها بينين لبعضهم في تاريخ تصنيف الريذة بهذه الصورة «مخورشيد محققين برأى صائب، بر اوج سپهر فصل مهر ثاقب — چون ريده نوشت سال تاريخ آمد: مسوخ كن اصول بن حاجب» انتهى و هذا المصراع الأخير يساوي ١٠٢٠ و هو يباقي ما نقناه بهامش «حاشية الريده ٦ ١٠٣ ٥٥٥» فلاحظ و تأمل فيما نقله شيخنا المصنف ره من تاريخ كتابة نسخة الرجل التوي مركاني.

«زبدة الأنساب» ص ٢٠ رقم ١٢٣. نسخة من ديوان السيد جعفر الصافي توجد في مكتبة فرخ مشهد الرضا عليه السلام كما في نشرة كتابخانه مركزي دانشگاه تهران ج ٣ ص ٩٠ و لراجع في الدررمة و في فهرس مكتب ح ٢ ص ٣٠٥ و لراجع (زبور آل داود) في ص ٣٦ و في فهرس دانش پژوه لمخطوطات مكتبة جامعة إصفهان المركزية أن نسخته من رتبة الأنساب هذه أيضاً موجودة في تلك المكتبة كما في نشرة كتابخانه مركزي دانشگاه تهران ح ١١ و ١٢ ص ٩٠٠ و لكنه خطأ محض شأ من عدم التأمل فسخة إصفهان من الرتبة كتاب آخر مشابه لبحر الأنساب المهمل للمعتق العارسي المطبوع في طهران و بمشي فلاتعل و هو مجهول المؤلف و لراجع نقباء البشر ص ٨٢٥ تعليفة الرقم ١٣٣٢.

«زبدة البيان في براهين احكام القرآن و تفسير آيات احكام القرآن» ص ٢١ رقم ١٢٦: أقول و بالله التوفى عدا نسخة خطية هذا الكتاب القيم جداً «...» و أصل الكتاب له مكان رفيع و موضع قدير و مقام جليل بين جميع الكتب الشرعة الفقهية التفسيرية و من مزايده أنه يتعرض فيه للمصنف طاب مصحفه لنقل آراء كثير من المفسرين و غيرهم و له عناية تامة بأقوال الرضا ع في كشفه و الفاصي البيضاوي في أنواره و ربما يردّ عليهما بأدلة قوية و براهين ساطعة فريضة يلزم لساطر في ديك التفسير المراجعة إلى كلمات المحقق الأردبيلي في كتابه حول كلمات الرجلين و هذا أمر مهم جداً كما أن له فيه أيضاً آراء فقهية رفيعة في كافة أبواب الفقه و بالجملة الكتاب كثر ثمين و أثر ممتاز بين سائر ما شاكلة من كتب المؤلفه حول آيات الأحكام و المذكورة أكثرها في (ح ١: ٤٠ — ٤٤)، و السلام حرر في شهر شوال ١٤٠٧

«زبدة التواريخ» ص ٢٣: محمد محسن المستوفي نقل عنه المدرس الرضوي في تعليقاته على (مجموع التواريخ لگلستانه) بعض وقائع أواخر الصوفية و قال نسخته في الرضوية رقم ١٢٤ من وقف الميرزا رضا خاں السالبي و راجع لمعرفة المؤلف و المؤلف و نسخته «فهرست نسخه های خطی فارسی ١٣٧٣: ٩»

«زبدة الحقائق في كشف اللطائف» ص ٢٤: راجع ما ذكرناه بمأمش النوايح في (ح ١٨

«ربذة الدعوات و الآداب» ص ٢٧: لصاحب كتاب (كشكول البعة) و (أمّ الحقايق في كشف الدقائق) و (ترجمة رياض السالكين) قال في الكشكول في (ربد) ما لفظه «و كتاب ربذة الدعوات و الآداب لمصنف هذا الكتاب، و ربذة التصانيف لجيدر بن محمد الخواساري» انتهى و ذكره في مادة (رس) أيضاً.

«ربذة الرجال» ص ٢٧ رقم ١٥٣. أقول سطلب المذكور في هذا المقام جلّها مأخوذ من الروصات ص ٢٦٣ قال الجذّ المحمّد طاب ثوابه «كتاب ربذة الرجال و هو جيد في بابه يصف على سعة آلاف بيت و عديداً من سعة و يريد على تحقيقاته اشتباهاته» الخ و يوجد نسخة أصل الربذة بخط مؤلّفه في سنة ١٠١٣ في مكتبة ملك التجار بطهران و فيها أيضاً نسخة جيدة أخرى منها كما أنّ في مكتبة مجلس سا بطهران أيضاً نسخة لعنّها بخط المؤلف مرع من كتابتها في ١٣ شهر رجب ١٠١٦ راجع فهرس سا ج ٢ ص ٢٤٣ و فهرس مك ج ١ ص ٢٥٧ و مصفّى المقال ص ١٦٥ و راجع ما ذكرناه في الكلمة حول معنى المقال ٢٣: ١٣ ٧٨٥٥ و راجع دانشمندان مهدي ص ٣١٠ و توجد مصوّرة النسخة الأولى في المرعشي بقم كما في فهرس مصوّراتها ١١: ٢٤٢.

«ربذة العرفان في تفسير بعض القرآن» ص ٣٣: كتاب جليل لمولانا محمود (أو محمّد) و التردد متى الطمسي رأيت نسخة عند السيّد عباس الدهكردي المشهور بصفي في شهر رمضان ١٣٩١.

«زبدة البصرة و لحة العصرة» ص ٣٤ رقم ١٩٥: أقول انظر (بصرة المنة ٢٤، ١٧٦: ٩١٦) و (مئة المصنوع ٢٤: ٢٤٤: ١٢٦٩) و ما ذكره المصنف هنا هو الصواب الذي لا مزية فيه دون ما ذكره في ديل عنوان البعة و في ثقاته ص ٢٨ فلا يعمل و قد نقل الربذة المذكورة الأستاذ محمّد حسين جيلبي إلى الفارسية عن علاّته و طبع بطهران سنة ١٣٥٦ش مع فهرس في ٣٨٦ص و لها مقنّمة أيضاً. م ع ر في ١٤ قع ١٤١٢

أقول البيلاري هنا و العماد الإصبهاني لم يكونا من الشيعة الإمامية و أمّا أنوشيروان بن خالد فهو شيعي كما بيّناه في موضعه و البيلاري مذكور في الأعلام للزركلي نقلاً عن بحّة العرفان ٣٢: ٥٠ و في مقنّمة الجليبي للربذة قالوا ولد في ٥٨٦ و مات ٦٤٣.

«زبور آل داود» ص ٣٦ رقم ٢٠٥: أقول يراجع «مهرست نسخه‌های خطی فارسی ج ٦ ص ٤٢٣٥».

«زبور آل محمد ص» ص ٣٦: أقول نظر «الصحيفة السجّادية ١٥ : ١٨ : ٩٥» و قال الميرزا محمد علي المترجم الجهاردهي استوفى ١٣٣١ في مفتتح «شرح الصحيفة ١ : ٣» ما لمعه «بدايكه بودن صحيفه ار حصر ب امام الساجدين عليه الصلوة و السلام ار واصحات و لائحات است، خدشهای در سد او نیست حتی آنکه «غزالی» گوید که آن صحيفه زبور آل محمد صلی الله عليه و آله است» انتهى كلامه.

«رجز النفس» ص ٣٨: قال السيد علاء الدين گلستانه الإصفهاني في كتابه شرح الأسماء المحسني المستى «الحقة السلطانية و الهدية الحسبية» في خلال شرح اسمه تعالى للمؤمن ما لمعه [أنا كانت الرسالة اموسومة برجز النفس المسوبة إلى هرمس الهرمسة أعني إدريس النبي على بيتا و عليه السلام من أتم ما قل في رجز النفس و الجهاد معها أحست أن أذكرها بالفاظها بيمناً بها و هي ثلثة عشر فصلاً هكذا الأول يا نفس نصوري و تخلي ما أنا مورده] ثم أورد الرسالة بتمامها في قريب من ١٥ صفحة من كتابه المطبوع.

«ريدگانی سید جمال الغاني» ص ٥٢ رقم ٣٦٤ نظر «حاضرات السيد ٧ . ١٣٣ . ٧٢٣» و المواضع المذكورة هناك.

«ريدگانی ملك المتكلمين» ص ٥٦ رقم ٤١١: أقول هو بلا شك من كتب الصلال كتابه الآخر «تاريخ انقلاب مشروطيت ايران» المطبوع في عتبه مجلدات «زوالد عمدة الطالب» ص ٥٩. من مآخذ [جوهرة البيان ٥ : ٢٩٢ : ١٣٦٨] و صوته صاحب «مبة الرعيين ٤٩» و لا شك أنه أخذ عن الذريعة فحسب

«زان و آزادي» ص ٥٩ رقم ٤٤٣: قول من الرد عنه [جواب رسالة زن و آزادي ٥ : ٧٨٦].

«الزوارف في شرح حوافر المعارف» ص ٦١ رقم ٤٥١: راجع حوافر المعارف ١٥ . ٣٥٥ ديل ٢٢٧٥ و «مصاح احديّة ٢١ : ١٣٣ . ٤٢٣٧» و كتبها للمتصوفة الصائفة و الله المعاصم.

ص ٦٢ س ٨، فيض: / فصل، صبح

ص ٦٢ س ٢١، شمع اليقين: الصواب «شمع يقين» بلا لام

«الزوراء» ص ٦٣ رقم ٤٥٨، ٩٠٧: أقول قد مرّ ذكر وفاته في ح ٤ ص ٤٤٣ و يأتي في ج ١٣ ص ٣٠٢ و أنه سنة ٩٠٨ و كذا ذكره الشيخ علي دواني في كتابه المعدّ لترجمة الدواني ص ١٩٥.

«الزهرات النورية في الروضة البهية» ص ٦٧ رقم ٤٨٥، أقول توجد نسخة من المجلّد الأوّل منه بخط محمّد مقيم بن محمّد باقر الإصفهاني فرع منها في صحيّ الخميس ٢٨ ج ١ سنة ١٠٨٢ معها الرسالة المستقلة المذكورة في انش و النسخة في حرّاة الأستانة بقم (فهرس ١٨٥ و «...» و قد رزقا الله سبحانه بلطفه العميم نسخة كاملة من زهرات جذنا المرحوم.

«زهر الحقيقة» ص ٦٨ رقم ٤٨٦: يراجع لرماً «لنج صعى» في ح ٢٤ رقم ٢٢٠٠ و ما كتباه في التعليقة.

«زهر الرياض و لال المحاض» ص ٧٠ رقم ٤٩١: يراجع فهرس مصورات المرعشبة رقم ١: ٢٣٠ — ٢٣٢ فهناك وصف نسخة المجلّد الأوّل في ٢٦٨ ورقة عن نسخة مكتبة بوهار في كلكتة من الألف إلى الظاء و وصف نسخة المجلّد الثالث في ٢٣٣ ورقة عن نسخة آستانة الرضوية بمشهد من حرف الميم إلى آخر الكتاب و راجع إحياء الدائر ص ٥٢ و الروضة النيرة ص ١٤٤.

«زهر الرياض» ص ٧١ رقم ٤٩٥: أقول مرّ ذكره إجمالاً [الرسالة العلمية ١١: ٢١٦: ١٣٠٤] و من طرائف الكلام في حقّ صاحب الرياض و رسائله ما وجدناه في كلام المحقّق القمي المعاصر للسيد طاب ثراه و ذلك في المسائل المتفرقة من كتابه [جامع الشتات: ٧٨٢] فقال ما لفظه من السؤال و الجواب [سؤال: مبرراً سيّد علي ساكن كربلا را بجهت عادل می‌دانید که کتاب او در اینست هست بآن عمل شود؟ جواب: بلی عمل بکتاب ایشان جایز است هرگاه کسی جرم بمراد ایشان داشته باشد اما هرگاه باجتهاد خود ظنی حاصل کنی که مراد چه چیز است پس آن مشکل است و معلوم نیست که این بهتر از تقلید مین باشد یعنی در مسئله‌ای که جرم به رأی مین در آن داشته باشی و الله اعلم بالصواب] انتهى.

أقول و توجد نسخة أخرى من زهر الرياض لشيخ أبي علي الرجالي في المكرمة بجامعة طهران في ٨٤ ورقة كما في فهرسها ح ١٦ ص ٧١. و نسخة أخرى ضمن مجموعة في مكتبة آستانه عبدالعظيم الحسيني عليه السلام كما في فهرسها [شريحه مركزى ٣: ٤٤٩].

ص ٧٣ ص ١٨، ياقوتى عظمى: انظر ترجمتها في مكارم الآثار ج ٦ ص ٢٠٥١.
ص ٧٤ ص ٢١، «اسباب الطالبية»: راجع ج ٢: ٣٧٦: ١٥١٣ و ما علقناه عليها.
ص ٧٤ ص ٢٤، «هجرة الأنوار»: انظر الهجة في (ح ٣ رقم ٥٦٦).
«الزيادات» ص ٧٦ أقول انظر ربما ما يأتي بصواب [الوادى ٢٤ ٣١٥ فما بعدها] من التكملة.

«الزيارات» للشيخ و الأئمة الطاهرين سلام الله عليهم أجمعين ص ٧٧: يأتي باسمه [المقدمة ٢٥: ١٥٥: ٢٦].

«زيارات اولاد الأئمة و العلماء» ص ٧٧ رقم ٥٣٠ انظر رقم ٥٣٧.
«الزيادات و الفضائل» ص ٧٨ رقم ٥٣٤، كما يأتي في ح ٢٠ ص ٣١٦ رقم ٣١٧٧ قال الشيخ بهاء الدين العاملي المتوفى ١٠٣٠ في كتاب الكشكول ح ١ ص ١٢٦ ما لفظه «ثمما نقله جدّي رحمه الله من خطّ السيّد الجليل الطاهر دي الملقب و المفاخر السيّد رضى الدين علي بن طروس فتمس الله روحه من الجزء الثامن (أو الثاني) في كذا كتاب الزيارات محمد بن أحمد داود القمي ره ن أبجهره الثمالي قال للصادق عليه السلام أتى رأيت أصحابا يأخذون من طين قبر الحسين يستشفون به» إلى آخره فراجع. و قال السيّد في الفصل ١٨ من كتاب الدروع الواقية ما نصّه [و أمّا حديث من كان يروره في كلّ شهر و تأخر فعوقب عني تأخره فقد ذكر محمد بن أحمد بن داود في كتاب الزيارات بإساده] الخ

«رسالة في زيارة اولاد الأئمة و السادات و العلماء» ص ٧٨ رقم ٥٣٧: انظر رقم ٥٣٠.
«رسالة في فائدة زيارة القبور» ص ٧٩: لرشيد الدين فضل الله الطيب الحمدي بالفارسية كتبها في جواب سؤال (مولانا) لمعلم ملك الحكماء و المشايخ علامة العالم بهگانه دستور ايران جمال المنة و الدين بن مطهر الحلي كه بر سرآمد عصر است و

ملازم درگاه اعلى) انظر كتاب «تاريخ نائين ح ١ ص ٢١» للسيد عبدالحصحة البلاعي ط
طهران ١٣٦٩ قال إن النسخة عنده و هي مهمة جداً و انظر ترجمة فصل الله في الحقائق
الراهنه ص ١٦٠.

«رسالة في زيارة عاشوراء و كيفيتها» ص ٧٩ رقم ٥٤٦: أقول انظر العائدة حول عدد
اللعن و السلام الواردة في زيارة عاشورا في ديل [الصدف المشحون ١٥: ٢٩: ١٥٩] و
للزيارة الشريفة شروح عديدة مذكورة في موضعها من الشئب و غيرها.
«الزيج» ص ٨٠: لرصد و الربح كتاب رسيل ص ٢٩٧.

«رئيس الكبرى» ص ٩٠. يراجع «حياة رئيس الكبرى ١١٩٠٧».

«كتاب الزينة» ص ٩٠ رقم ٥٩٦: قال الرركلي في الأعلام إن الربة (خ) في فقه اللغة
و المصطلحات يقع في خمسة مجلدات طبع منه جزءان. و ذكر أن الرجل هو أحمد بن
حمدان بن أحمد أنور سامي اللبشي أوجام تركزي من رعماء الإسماعيلية و كتابهم و أن له
نصايف منها الإصلاح و أعلام النبوة و قدم لهم جزء من هذا الأخير في مدح
الإسماعيلية و له الجامع في الفقه و ذكر وفاة الرجل في ٣٢٢ و أن ابن حجر قال في لسان
الميران «ذكره ابن بابويه في تاريخ الري و قال كان من أهل الفصل و الأدب و المعرفة
بالنعة و سمع الحديث كثيراً و له نصايف ثم أصهر القول بالإلحاد و صار من دعاة
الإسماعيلية و أضل جماعة من الأكابر» انتهى كلام ابن حجر من الرركلي و ما لیت
القائل ذكر واحداً من هؤلاء الجماعة من الأكابر الصائفة حتى يتبين الأمر و الله وليّ
الصماتر و عندي من كتاب الربة هذا نسخة ممتازة ثم إن وفاة شيخنا الصدوق أبو جعفر
محمد بن علي بن بابويه القمي نور الله صريحه في عام ٣٨١ و قد مرّ أن أباحاتم توفي ٣٢٢
فالصدوق أدرك الرجل في أواخر حياته و الرجل في الحقيقة معاصر لوالد الصدوق
للتوفى ٣٢٩ و انظر رده على محمد بن زكريا في ح ١١: ٢٢٣: ٦٥٨.

«زينة الاعباد» ص ٩١ رقم ٥٩٨، «درالسلام»: (ج ١ ص ٢٠٨) نقل عن الربة مائماً
في فصيحة الصلوات.

«زينة الإنشاء» ص ٩١: راجع ص ٢٤١ ص ١٢

«زينة العواصم» ص ٩١ رقم ٦٠٠: أقول و ربة التواريخ هذا من جملة مصادر لسان

السلطنة عبدالحسين في كتابه «خلاصة الأعصار في تاريخ البختيار» كما ذكره في ص ٣ في عداد مصادره و قال إنها لميرزا رضي خوشويس و توجد علقة نسخ من رتبة التواريخ في مكتبة مجلس الشورى بتهران يراجع فهرسها ج ٣١ ص ١١١ - ١١٨ و لراجع فهرس أحمد مزوي.

«رتبة العباد الصغرى» ص ٩٣ رقم ٦١٢، أقول انظر [مختصر رتبة العباد ٢٠: ١٩٧: ٢٥٥٤].

«سالار نامه» ص ١١٩ رقم ٨٠٧: أقول راجع (تاريخ رجال ايران ج ٢: ٢٥٧) في آخر ترجمة عبدالحسين الكرماني

«السامي في الاسامي» ص ١٢٤ انظر [منتخب السامي في الاسامي ٢٢: ٥٥ و ٧٦٥٤].
«سبع البيان» ص ١٢٨: لمولى حسن الخطيب القاري المشهدي صاحب (مطالع الاسرار) الآتي في موضعه و المستعان.

«السبع العلويات» ص ١٢٩ رقم ٨٨١: أقول انظر ما كتباه في «التكملة ١٤ - ١٣١».
«السبع المثاني» ص ١٢٩ رقم ٨٨٣: أقول مر السبع هذا بعنوان «بحر الأسرار ٣. ٢٩. ٥٠» و يأتي أيضاً «مشوي بحر الأسرار ١٩: ٢٢٥: ٣».

«السبع المثاني» ص ١٢٩ رقم ٨٨٤ س ٢٠، و المجلد الأول بخط المصنف أيضاً عند السيد محمدعلي الروضاني: أقول الصواب المجلد ثاني بالوصف دون الأول انظر فهرسها الكبير رقم ٤٥٧.

«سبعة كاشفي» ص ١٣١ رقم ١٨٩٧، و رأيت: فائق رأيت هذا المزوي ولد المصنف و العنوان بتمامه له لا للمصنف.

«سيك الذهب في شبك السب» ص ١٣٢ رقم ٩٠٣: يراجع السريعة ج ١٥ ص ٣٣٨ و ما بعدها و جاء في (فهرس المخطوطات للصورة - التاريخ - القسم ٤ ص ٢٢٧) أن في معهد المخطوطات بالقاهرة مصورة عن نسخة من «سيك الذهب في علم السب» موجودة في «جامعة الحكمة بعداد ١٤١» و ورد اسم المؤلف على السبعة هكذا «لاين عية أحمد بن علي بن الحسين الحسني بنتوفى سه ٨٢٨» و لكن الصحيح أن سيك الذهب في شبك السب لتاج الدين بن معية. ثم ذكر المهرس أن السبعة أولها ناقص و

أول الموجود منه «و قد كان رحل إلى... بشام فأخذ منه عهداً و دماناً على دخول
 يلاذه» في ذكر قصي بن كلاب مبد فريش و ن آخرها «فلنقطع الكلام حامداً لله رب
 العالمين...» و أن السسخة بخط نسخي و بها آثار رطوبة و تقع في ٨٤ ورقة و مسطرتها
 ١٨ سطراً (انتهى ما في المهرس) أقول لا يخفى أن حاتمة هذا الكتاب كما بقدا بعينها
 حاتمة كتاب آخر توجد مصورة بسخته الموجودة في (دار الكتب المصرية ٣٩ تاريخ) معهد
 المخطوطات أيضاً و ذكره المهرس المذكور في ٦٠ من المهرس السابق ذكره بهذا العنوان
 الآتي قال «بحر الأنساب لكرار الدين أحمد بن علي المعروف بابن عبة المتوفى سنة
 ٨٢٨. أوله «الحمد لله الذي حصن نبه محمداً بمصطفى بحر البيوت هذا أتم الله نعمه
 عليك. ما سألت في املاء مختصر في أسباب بني هاشم الكرام» و آخره «و إد وفق
 الله سبحانه لإتمام هذا المختصر حسنا وعدناه فلنقطع الكلام حامدين لله رب
 العالمين..» نسخة كنت بخط نعلق و عليها خط العلامة الرندي في ١٣٧ ورقة و
 مسطرتها ١٣ سطراً» انتهى كلام مهرس المعهد و هذه السسخة المعروفة بحر الأنساب
 هي المذكورة أولاً في (مهرس المكتبة الخديوية) رعه في البرقة ح ٣ ص ٣٢ و مقدمة
 عمدة الطالب ص ١١ ط النصف بقلم العلامة السيد محمد صادق الطباطبائي آل عمر العلوم
 و كذا في (تاريخ أدب اللغة العربية ح ٣ ص ١٩٨ ط دار الهلال مختصر) و كذا المحدث
 القمي في الكنى و الألقاب و كذا تاريخ بروكلمس و ملحقة ررقا الله سبحانه العنور
 على السختين ان شاء الله تعالى و تراجع ما عتقنا عني بسختنا من كتاب بشوة
 السلافة - مقدمة السيد العلامة الطباطبائي رحمه الله ص ٥١ حرره الأقل سيد محمد علي
 روصاني عني عنه في النصف من ليلة الثشا و عشرين من ذي القعدة ١٤١٠ حامداً مصلياً
 تم.

ثم أقول ررقا الله سبحانه مصورة نسخة بحر الأنساب المشتملة على خط الريدي
 الموصوفة ملاحظ «بحر الأنساب ٣: ٣٢: ٥٧» و يزيد هنا أن السسخ الثلاث ١ - نسخة
 الخديوية بدار الكتب المصرية و ٢ - نسخة جامعة الحكمة ببغداد رقم ١٤١ و ٣ - نسخة
 بيت صاحب كشف الحجب و الأستر و كذا ما عرفه شيخنا المصنف كلها كتاب
 واحد لصاحب عمدة الطالب و عرف في صرة نسخة الخديوية «بحر الأنساب» و في

سائر ما ذكر من السخ «سبك الذهب في علم النسب» لا «في شيك النسب» الذي هو [...] والسلام.

ص ١٣٢ من ٢٥، بخير النبوة: كذا في «كشف المحجب و الأستار» و عنه في «مرآة الكتب» و الصواب «محر البيوت» كما هو كذلك في نسخة دارالكتب المصرية باسم «محر الأسباب».

«السيكة اللحية» ص ١٣٥ رقم ٩١٧: لا يحى أن موضع ذكر هذا الكتاب في ص ١٣٧ بعد رقم ٩٢٤ قلّمت في الطبع خطأ.

ص ١٣٧. «السيكة اللحية» تقدّمت خطأ في ص ١٣٥.

«سبيل الجنان» ص ١٣٨. رسالة عصبية مطبوعة، لعمرو أحمد العاملي الأرمي الكاشاني المتوفى سنة ١٣٦٩ بقرية آران، كما في رسالة امامزادگان معتمّر ص ٣٦ بسيد عزيز الله امامت.

«سبيل الرشاد» ص ١٣٨. كذا في عنوان أوّل صفحة من الكتاب المطبوع و هو خطأ من الكاتب و الصواب سُل الرشاد لمؤلفه العلامة السيد أبي تراب كما مرّ في ص ١٣٣.

«سبيل النجاة في المواعظ المروية عن الهداة» ص ١٤١ رقم ٩٥٣ مرّ له «تذكره المصائب ٤: ٤٨: ١٩٠» و لراجع «مكارم الآثار ٧ رقم ١٦٢٤» قوله «و فرع منه ١٢٧٥» أقول الذي في «فهرس الرصوبة ٥: ٩٨ — ٩٩» أن تاريخ تحرير تلك النسخة جمادي الأولى ١٢٨٥ و ذكر مؤلف الفهرس أن مؤلف مات في تلك السنة مستعاداً تماماً في ابتداء النسخة و احتتامها.

«سجاولدي» ص ١٤٥ رقم ٩٨١. يراجع ح ٢٥ ص ١٣٨.

«سخرابهاى راشد» ص ١٥٢ رقم ١٠٢٢: أقول ذكر شيخنا المصنّف ره ترجمة الراشد هذا في «نقباء البشر...»

«سداد العباد و رشاد العباد» ص ١٥٢ رقم ١٠٩٢: أقول انظر ما ذكرناه في «محاسن الاعتقاد ٢٠: ١٢٥: ٢٢٢٦».

«سد سكندر» ص ١٥٣ رقم ١٠٣٠. ذكرناه في ٩: ٧٩.

«سيرة المنتهى» ص ١٥٣ رقم ١٠٣٣ يراجع مقدمة كتاب «لطائف عيبية ص پنج».

«سيرة المنتهى و العطية العظمى» ص ١٥٤ رقم ١٠٣٦. أقول طبع كتاب السيرة هذا و هو من حلائل الآثار سنة ١٤٠٠ في قم في أريد من سبعمائة صفحة و هو بعد يحتاج إلى طبعة محققة ثم اعلم أن المادتين الأولى و شعبة صحيحة و لكن الثالثة تنقص ثلثين و تكمل بصافة لام في أولها أي لربّ الأثمار و الأشجار و في المطبوعة خطأ ربّ الأثمار و الأشجار و يأتي للمصنف [مباح اشارعين ٢٢: ٣٤٦ ٣٧٦].

«سديد الافهام في شرح قواعد الاحكام» ص ١٥٤ رقم ١٠٣٨: أقول انظر ما يأتي في [الوسيلة إلى المسائل الصعبة من القواعد ٢٥، ٧٥، ٤٠٧] و راجع كتابا [شرح روصات الجئات ١: ١٦٠].

«السرائر الخاوي لتحرير الفتوى» ص ١٥٥ رقم ١٠٤١: قال جلدنا الشهيد الثاني قدس لطيفه في [رسالة الحجة ٣٣٢ ط ١٣١٣ في مجموعة رسائله] نقلاً عن سرائر ابن إدريس في جملة كلام له ما نصه [قال و فتاويهم في عصرهم] هذا و هو سنة ٥٨٨ عليه بحر خلاف بهم] انتهى أقول و في كلام شيخنا المصنف رآه في المتن اضطراب و الظاهر وقوع التحريف حين الطبع و انظر لتصحيحها [الثقات ٣٣٠: ٢٩٠] مع أنه وقع لاشره هناك أيضاً خطأ فاصح و هو طه التعدد في (سرتن) و (الخاوي لتحرير الصاوي) و كرّر هذا الخطأ في ص ٣٤٩ من الثقات أيضاً و الله اعلم

«سراج الظلمة» ص ١٥٨: في طبّ الأئمة للحسن بن بسطام بن شاپور الريات قال عبدالعزيز الجواهري في (دائرة المعارف ٨، ١٧٥) إن نسخة في مكتبة منك بطهران.

ص ١٦٠ س ٨، آقا ميرزا: آقا ميرزا خطاء آقا ميرزا صواب (مضم) ره.

«سراج المحتاج في السير و السلوك بلا عوجاج» ص ١٦١ رقم ١٠٧٩: جلد طبعه بالتصوير حلف «ديوان وفائي» بمقفة «كتابخروشي صافي اهورا ١٣٥١ش» و في المقدمة شيء من ترجمة الرجل و أن وفاته في شهر رجب ١٣٠٣ في النصف الأشرف بخطاً ١٣٠٤ و يأتي شهابه في موضعه.

«سراج المظلمين» ص ١٦١ رقم ١٠٨٠. الصاهر أن الصواب (لصين) فإنه لا سراج للمظلمين.

ص ١٦٤ س ١، ١٢٩٥: الصواب ١٢٦٥ كما في ترجمة المجاز في [النقاء ٣٢١].
 «السِّرُّ الأكبر في تفسير سورة الفجر» ص ١٦٥ رقم ١١٠٤: في «مؤلفين مشار ٣»
 ١٠٦» أن «سِرَّ أكبر در تفسير سورة فجر» لسيّد رجيعلي خان بهادر الحسيني الحسيني
 القوي البهكري الدهلوي اللاهوري طبع بلاهور سنة ١٢٦٧ على الحجر.
 «سر اسباب العلويين» ص ١٦٦ رقم ١١٠٧ يراجع (سبب الطالبيين) ج ٢٤ ص ٣٩ و
 رسالة في أسباب الطالبيين ج ١١ ص ١١٩.
 ص ١٦٦ س ٢، (أي بصور) كما في الصفحة الآتية س ٢٤ و الظاهر أن الصواب
 (أي بصر). صحح ط

«سِرُّ الحياة» ص ١٦٧ رقم ١١١٢ أقول و قال في [المروح ٤: ١٩٩ ط مصر ١٣٧٧] ما
 به: [و في ستة سنين و مائتين فقص أبو محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي بن
 موسى بن جعفر بن محمد بن عبي بن الحسن بن عبي بن أبي طالب عليهم السلام في
 خلافة المعتمد و هو اس تسع و عشرين سنة و هو أبو المهدي المنتظر الإمام الثاني عشر
 عند القطيعة من الإمامية و هم جمهور الشيعة و قد تبارع هؤلاء في المنظر من آل النبي
 صَلَّى الله عليه (و آله) و سَلَّمَ بعد وفاة الحسن بن علي و اصفوا على عشرين فرقة و قد
 ذكرنا حجاج كل طائفة منهم لما اجتبته لنفسها و اختارته لمذهبها في كتابنا المترجم بسِرِّ
 الحياة و في كتاب المقالات في أصول الديارات و ما ذهبوا إليه من العيبة و غير ذلك]
 انتهى كلام المسعودي و في ذكره [عليه السلام] بعد اسم أبي طالب عليه السلام دلالة
 واضحة على مذهبه علاوة على سائر الأدلة و لكن الذهبي الناصب قال في حقه إنه كان
 معتزلاً كما في كتاب [الأعلام ٤: ٢٧٧] مع أنه وصف أبا المرح صاحب الأعاني بقوله
 [و العجب أنه أموي شيعي] كما نقله الزركلي أيضاً في الصفحة بعدها و أمّا الناصب
 الشقي صاحب [القواصم من القواصم ٢٤٩] فقد عيّر عن المسعودي بقوله [و أمّا المبتدع
 المختال فالمسعودي] إلى آخر ما احتجح ألمّ عامله الله تعالى بما يستحقّه.

«سر السلسلة العلوية» ص ١٦٧ رقم ١١١٦ يراجع ص ١٦٦ س ٢.

«سر الصلاة» ص ١٦٨ رقم ١١١٧، روح: + الله

«سر الصلاة» ص ١٦٨ رقم ١١١٧ س ٣، ١٣١٠: ١٣٢٠ كما في النقاء.

«سرّ العالمين» ص ١٦٨ رقم ١١٢٠: أقول و لسيد مشايخنا كلام ظريف حول هذا الكتاب في «أعيان الشيعة» ج ١ ق ١ ص ١٦٨ ط ٣ «وليراجع و انظر أيضاً (عزالي) نامة... و (النص الجنيّ ص ٥٠ / ٥١) لبروجردى.

«السّرّ المكتوم في مخاطبة النجوم» ص ١٧٠ رقم ١١٣٢: طبع هذا الكتاب باسم سرّ المكتوم في أسرار النجوم باهتمام الميرزا محمد منك الكتاب الشيرازي الساكن في عشي و نسخة منه موجودة عدي و في آخرها ما لفظه في ص ١٦٤ «تمت بالخبر في المطبع الحصرية القاهرة» انتهى.

يراجع كتاب (مختارالدين الرازي) لمختصاخ الررکان.

«سرمایه ایمان» ص ١٧٢ رقم ١١٤٧ س ١١، توفى بقلم ١٠٥١: راجع [گوهر مراد ١٨: ٢٥: ٢٥٨] و [ادبوان قباض ٩: ٨٥٢: ٥٦٩٦]

«سرمایه نجات» ص ١٧٣ تأليف مير محمد اسماعيل خانونابادي مدرس (در كلام) نسخه آن مرد آقای آقا سيد مهدي [موسوی مجتهدی] بحواله ساری بحاله راده است كما وصفها لي.

«سرور العباد» ص ١٧٥ رقم ١١٦٧: عندنا ثمة نسخة مطبوعة سنة ١٢٩٢ معها رسائل أخرى مع الحواشي.

«سرور المؤمنين» ص ١٧٨ رقم ١١٧٩ س ١٥، نامة: الصواب بابتته كما يظهر من ترجمة السيد في الكرام البررة ص ٣٠ قال «صاهره العلامة السيد صدرالدين العاملي الإصفهاني على كرمته تروّجها على حليته الأول كريمة الشيخ الأكبر كاشف العطا» انتهى.

«مساعدة السادات» ص ١٨٠: انظر [مناقب السادات ٢٢: ٣٢٧ غير مرقم].

«السعادة» ص ١٨٠ رقم ١١٩٢. أقول مرّ لمؤلّفه (دلائل المرشدين ٨: ٢٥٢) و يأتي له (مهاج الإسلام ٢٣: ١٥٦).

ص ١٨١: برای سعادت نامها رجوع شود به مقدمه كيوان سمعی بر مفاتيح الاعجاز اسیری لاهیجی.

«سعد السعود للنفوس منقوش» ص ١٨٢ رقم ١٢١٠: توجد نسخة أصله بخط السيد

قده في مكتبة الحاج ميرزا أبو عبد الله الرضائي في ربحان، كما في مقالة «تاريخه كتاب و كتابخانه در ايران، رقم ٥٢٣» لنسخته في مجلة «هر و مردم» و الله العالم.

«السفائن» ص ١٨٤ رقم ١٢١٥ أقول نقل عنه في حيوة مصنفه تمبيده فرصة الدولة في «آثار عجم ص ٣٠٥ — ٣٠٧ ط ٢».

«سفرنامه حج البيت» ص ١٨٦ رقم ١٢٣٥ س ١٣، قال الشيخ ضياء الدين بن يوسف: هو ابن يوسف المهرس المشهور ساكن شيراز و من أصنافنا الأجلاء.

«سفرنامه هراتي» ص ١٨٧ رقم ١٢٤٣: قال السيد الخليل المهدوي إن نسخة من سفرنامه هذه في مكتبة مدرسة أدب بلصهان.

«سفرنامه شيكاگو» ص ١٨٧ رقم ١٢٤٥ نسخة من السيد الخليل المهدوي الحاج السيد مصلح الدين فليراجع

«سفرنامه هروي» ص ١٨٨ رقم ١٢٥٣ راجع ترجمة نظام العلماء فيما ذكرنا هامش «ديوان نظام تبريزي» في ج ٩ ص ٢٠٢.

«سفر عرشي» ص ١٩٢ رقم ١٢٩١: نسخة السفر العرشي في مكتبة سپهسالار طهران كما في فهرسها ح ٥ ص ١٠٨ و راجع «الذكرى ١٠: ٣٨. ٢١٠» و قوله «هو احزاب» الصواب «...»

«السفينة» ص ١٩٢ رقم ١٢٩٣ راجع ح ١ ص ١٥١ من التريفة هذه. «سفيه صائب» ص ١٩٦ ينقل عنه وحيد دستگردى في أجراء بجلته «ارمعان» و راجع [ديوان صائب ٩ ٥٦٩] حيث ذكره ولد المصنف بعنوان «البياض» المشتمل على عدة أنواع بأسمائها الخاصة منها «واجب الخط ٢٥ ٢٢. ٥» يظهر منه أن نسخة البياض أو السفينة موجودة الآن في حراة الكتب بمجلس الشورى في طهران.

«سفيه النجاة» ص ١٩٩ رقم ١٣٣٦ راجع ما ذكرناه حول الكتاب و نسخه في كتابا «فهرست كتب خطي ٣٠٤ - ٣٠٦» و انظر «المقال ٢١. ٣٨٦. ٥٥٨٣».

ص ٢١٠ س ٩، المقالة الاولى: الصهر أن مصنفه أطلق على مقالاته في كل واحد منها المقال دون المقالة فليراجع.

«سفيه نوح» ص ٢٠٤ رقم ١٣٤٧: راجع التريفة (ح ١. ٢٥١. ١٣٣٣) و (ج ١٤: ٢٠٠ ص ٨) و ما ذكرناه في التكملة.

«مكتبة بنت الحسين» ص ٢٠٧ رقم ١٣٧٤: أقول انظر كلمة الشيخ ضياء الدين الخالصي حول وفاة السيدة سُكَّنة بنت الحسين بن علي صوات الله عليهم في آخر كتاب «أعيان الشيعة ١٦ - ١٧ . ٥٦٦ ط ١» و انظر ترجمتها في «الأعلام للزركلي ٣: ١٠٦».

«السلاح الحارم لدفع الظالم» ص ٢٠٨ رقم ١٣٨٤: (سلاح الحارم) كما في بعض تعقيقات البهاري على نسخة مناقب احوار رومي و منها في نسخة المناقب المطبوعة بالسجف ص ١٢٦.

«سلاح المؤمن و اصلاح المهمل» ص ٢٠٩ رقم ١٣٨٨. أقول مرّ «الحرر اليماني ٦: ٣٩٤: ٢٤٤٨».

«سلاسل الحديد لقييد ابن أبي الحديد» ص ٢١٠ رقم ١٣٩٥: قال في لؤلؤة البحرين ص ٢٨٢ ط السجف الأشرف بعد ذكره كتاب النجدة على الداهب للسيد فخر بن محمد الموسوي رحمه الله ما لفظه «أقول و هذا الكتاب الذي في الرد على تكفير أبي طالب كان عدي و قد نقلت أكثره في كتاب سلاسل الحديد في قييد ابن أبي الحديد حيث إنه ذكر في شرح لمع الدلاءه توقفه في إسلام أبي طالب و نقل من أبي الحديد في الكتاب المذكور أن السيد فخر بن محمد أرسل إليه الكتاب المذكور بعد تصحيحه الخ أقول لم يصحّح ابن أبي الحديد في شرحه (ج ١٤ ص ٨٣ ط مصر) باسم السيد فخر بل قال هناك إن بعض الطالبين في هذا العصر صنف كتاباً في إسلام أبي طالب الخ و لكننا يحرم بأن مراده ببعض الطالبين هو السيد فخر بن محمد كما جرم به المحدث السحراني ره أيضاً و الله العالم.

م ع ر في ١٤ ع ١ سنة ١٤٠١

«سلافة العصر في محاسن الشعراء بكن مصر» ص ٢١٢ رقم ١٤٠١: عندنا منه نسخة جيدة جداً «...» و منه نسخة أخرى مبدئية جيدة الخط كتبها محمد بن علي بن محمد في ١١٣١ في مكتبة الأوقاف العامة في بغداد كما في فهرسها ٤ ٢٤١ و هناك أن الكتاب طبع أيضاً في سنة ١٩٦٤م بمققة الشيخ علي آل ثاني أمير قطر و توجد للسيد العلامة ترجمة في «برهه الخواطر و مهجة المسامع و البواطر ٦: ١٨٣: ٣٥٤» فراجعه.

«سلامان و امثال» ص ٢١٣ رقم ١٤٠٥ س ٨، و امثله نشر الجامي: أقول هذا

الاستظهار بما لا يحيا به مطلقاً فإن تعصب الجاهلي في التصوّف و التمسّ بل تصلّبه في النصب أظهر من الشمس و أبيض من الأسس و المحدث القمي لم يستقرّ نظره في أمر الجاهلي على شيء فترى في سائر كتبه شتاء و الله العاصم.

«سلامة المرصاد» ص ٢١٣ رقم ١٤٠٧: قوله «سلامة المرصاد» أقول ورد هذا التركيب في «الصحيحة السجّادية» للباركة.

«سلسلة الذهب» ص ٢١٦: الحديث الرضوي الشريف. راجع ح ٦: ٣٧٨: ٢٣٧٤.
«سلسلة الخطاطين» ص ٢١٥ رقم ١٤٢٣: أقول كلّ ذلك مستعاد من كتاب «بيدایش خط و خطاطان ص ١١٦» للعبد احمد الابراي

«سلسلة الذهب» ص ٢١٦ رقم ١٤٢٤ نعم و فيه أيضاً قوله قص الله فاه (سست جان و دل جو باشد سست) الخ و فيه دلالة واضحة على شدة نصب الرجل المنبعث عن كمال حمقه و بلاهته و في السلسلة أيضاً أبيات آخر أساء فيها إلى ساحه قلنس التشيع و الشيعة و أنتههم المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين راجع رسالة الأستاذ محمد القروي المطبوعة في عاصمة كتاب «جاني» لعلي أصغر حكمت و أيضاً مقدمة مرتضى مدرّسي گيلاني لطبعة «معت أورنگ ط طهران ١٣٣٧ش» و انظر التوضيحات لكتاب [مرصاد العباد ٦٤٧ — ٦٤٨] لنجم لدين الدايه الرازي الذي هو كساير المسلمين في سلكه المظلم من أشدّ النواصب كالجاهلي و المييدي شارح الديوان المرصوي و البلخي الرومي و غيرهم كثير فتبصر و الله المستعان.

«سلسلة العارفين و تذكرة الصادقين» ص ٢١٦ رقم ١٤٣٠: و طبع معها «كشف أسرار مشايخ و عرفا» بذكره في محته و جدّد طبع السلسلة بصورة أخرى نقلاً عن (جامع مهدي) في (مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت الله ولي كرماني) بعناية زان اوين — طهران ١٣٧٦ و أخطأ في تعريف الرسالة صاحب كتاب «ريدگاني و آثار جناب شاه نعمه الله ولي كرماني في هاشم ص ٩ ط طهران ١٣٧٨». و من جملة الرسائل المؤلفة حول ترجمة الشاه المذكور رسالة (التذكرة) و هو أوّل الرسائل المجموعة المطبوعة مصوراً عن الأصل في طهران باسم (رضوان المعارف الإلهية) كما أنّه بعينه الرسالة الأولى المطبوعة في مجموعة زان اوين و لمراجع (مكارم الآثار ٣ ٦٤٥) و لنا عليه تعليقات جديدة و السلام.

ص ٢١٦ س ٢٣، نعت: الصواب بضمه.

﴿سلطان الأساب﴾ ص ٢١٧. في نظم سبب الشاه سلطان حسين الصفوي. راجع (ج ٩: ٣١٨: ١٨٨٣) توجد نسخة في مكتبة منى بظهران كما في «فهرست نسخه‌های معطى فارسى ٦: ٤٣٣٨».

«السلطان المفرج عن أهل الإيمان» ص ٢١٧ رقم ١٤٣٩: لم يظهر شيئا المصنف طالب ثراه بنسخته كما ذكر ذلك في ج ٥: ١٠٨ ص ١٣.

﴿سُئِمَ المعارف﴾ ص ٢٢١: في أحوال لأفلاك و الحيوانات و الإنسان و الجمادات بالمعارسية لصابر الشيرازي رأيت نسخة المخطئة النسبة المكتوبة في سنة ١٢٧٨ عند عمي المرحوم الحاج سيد محمدرضا قبل وفاته بأعوام قبلة و لا أدري من هو مالکها و قد توفي عمي المذكور في يوم الممور سنة ١٣٦٠ شمسية أي ١٤ ح ١ سنة ١٤٠١ في إحدى المستشفيات بظهران و نقل نعشه في نفس اليوم المذكور إلى إصمهان و دفن في قبر أمه في بقعة جدنا صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقامه و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

«سلم السماوات» ص ٢٢١ رقم ١٤٦٠: أقول عندنا نسخة من هذا الكتاب النعيس و ترجمة الداوي فيه آخر تراجم الكتاب و أورد فيها بالمناسبة ذكراً للملا ميرزا جان الباعوي و مدحه و قال إنه تمتد عبده و أخيراً في بلدة لار سنة ٩٨٨ حين كان الباعوي على جناح السفر إلى المهد ثم ذكر وفاته في سنة ٩٩٥ و أرّخ إتمام الكتاب بسنة أربع و عشر و ألف و يراجع «إحياء اللاتر ١٨٦» و «فهرس أحمد ح ١» «...»

«سلوان المطاع في هدوان الاتباع» ص ٢٢٢ رقم ١٤٦٨ س ٢١، نسخة، دفتر سبب نامه ألفت ص ٨٨ نسخة أخير.

﴿سلوة الشيعة﴾ ص ٢٢٣: لإمام الشيعة معين الدين مسعود بن عبي البيهقي كما في الرسائلين في تراجم مشايخ الشيعة (نشره دتشكنه ادبيات تبريز العدد ٨٣ ص ٣١٣ الرقم ٦٠ و العدد ٨٤ ص ٤١٧ الرقم ٦٦) و الرسالة الأولى المطبوع في العدد ٨٣ هي التي كانت عند صاحب الرياض و يحمل شيخنا مؤلف عن الرسالة بواسطة الرياض فقط و لذا لم يذكر السلوة هذه في المتن لعقدان حرف انيم من الرياض هذا و لكن وجدناه في

ألقاب الرياض (في ٤٧٣ من نسخة الأصل — أو في رقم ٥٥٢) و لكن هذه الصورة «الإمام معين الدين ابن مسعود بن علي نبيهني الشيعي له كتاب سنوى الشيعة كما رأيت بخط بعض العلماء و لعنه مذكور باسمه في «...» فليلاحظ» انتهى ثم أقول لعل الرجل هو فخرالزمان أبوالمحسن المذكور في الثقات العيون ص ٣٠٢ و الله العالم. م ع ر عني عنه في ٢ شوال المكرم ١٤٠٤

ص ٢٢٣ من ١٤، ص ٥٧٣ الصواب ص ٢٢٦ كما مرّ أيضاً في ح ٨ ص ٢٠١.
«سلوة الشيعة و قوة الشريعة» ص ٢٢٣ رقم ١٤٧٢: يراجع (المطالع المهرمية) في ح ٢١ ص ١٣٨

«سلوة العاشقين و سكية المشتاقين» ص ٢٢٤: لعلاءالدولة السمانى. يراجع (فهرست مشترك ٣: ١٥٥٦).

ص ٢٢٤ من ١، مطهر بن محمد أقول بظاهر أنه المولوحى صاحب «كفاية المهتدي ١١٨: ١٠١: ٨٦٧» فراجع مع التكملة.

«سلوة الغريب و اسوة الاذيب» ص ٢٢٤ رقم ١٤٧٤: أقول لم أعثر على نسخة مطبوعة من السلوة كما لم أعثر على من ذكر أنها مطبوعة غير شيخنا المؤلف مد ظنه. و نسخة في ٣٥٤ سحب سنة ١٢٠٦ في القاهرة رقمها بالتبعية ١١٣١ تاريخ كما في كتاب «المباحث العلمية من المقامات نسبة ص ٧ ط حيدرآباد».

«رسالة في سلوك الولاية على ما قرر في أحاديث الائمة الهداة» ص ٢٢٧ رقم ١٤٨٧: انظر «ترجمة عهد مالک ٤: ١١٩: ٥٦٩» و الإرجاعات المذكورة في التكملة

«سماح در تصوف» ص ٢٢٩: كتاب طبع بتهران في ٢١٦ ص عام ١٤٠٠ يحكى اسمه عن مسماه ذكر في ص ١٣٩ أن جميع منصوفة ايران بشئى فرقههم يعتنودن التصوف فوق الأديان و المذاهب كلها و ان أئمة الأديان و المذاهب من كل فرقة في نظرهم سواء. و في هذا الكتاب طائفة أخرى من أسرار الإحاد الصوفي و بدعه و الله العاصم.

«مهموم قتاله» ص ٢٣٢ رقم ١٥١٤: أقول ذكرنا له «شعاع المريض في الخير و التمريض ١٤: ٢٠٦» نقلاً عن «مؤلفين مشار ٢: ٢٢٩».

«رسالة في السنة السرميلية» ص ٢٣٣ رقم ١٥٢٩: أقول عندما من هذه الرسالة نسخة

في مفتاح نسخة التأويلات القرآنية للكاشي...

«سنة الهداية لهداية السنة» ص ٢٣٤ رقم ١٥٣١. أقول يجبل للصّف على كتابه هذا في أجوبة مسائله الموجودة عندي بخطه و الحمد لله

«سندباد» ص ٢٣٥ رقم ١٥٣٥. انظر مقالة «دو منظومه كهس فارسي در تحفة الملوك» في مجلة «آينه» ١١، ٩ - ١٠ - ٦٦٠ - ٦٦٦ و مقالة «يادداشتهاى درباره سندباد نامه» أيضاً فيها (١٠: ٤ - ٥: ٣٦٥ - ٣٦٩)

«سد السعادات في خمس خاتمة السادات» ص ٢٣٥ رقم ١٥٣٩ ص ٢١، «مآثر الكلام» أقول الصواب «مآثر الكرام» نراء كما يأتي في (ج ١٩ ص ٦) و قوله ها و هاك ان في سد السعادات شواهد لتشيّع الرّجس أقول ان الذي يجعله شيخا طاب مثواه من شواهد التشيع في كلمات أكابر أهل السنة كتّم كتّم بل هي في كلمات أعظم القوم من أعداء الشيعة أمثال ما بره في كتب الإمام الشافعي و أحمد بن حنبل و ابن خلكان و ياقوت و ابن حجر و النّهي لكم كم السيوطي و الخامي و الميمني و أشدّ النواصب فصل بن زورهمان الحنفي و لكن غمّ الحنفي على ذوي المروءة ان الاعتراف بمصائل الأئمة الأطهار لا يدلّ على تشيّع للمعتزلة إلا ما كفى الذي يستعمله أهل السنة بل شرط التشيّع عدم الانحراف و عدم موالاته من سوى الأئمة الأطهار صواب الله عليهم و القول الصريح بالصنّ و العصمة للأئمة (إلى عشر عليهم السلام و أما خصوص علامي أراد و كتابه سد السعادات فراجع لذلك (لعمام الأعداء و الخصوم: ٧٧) حتى يتبيّن لك الحقّ ان شاء الله تعالى و انظر «مناقب السادات ٢٢: ٣٢٧ غير مرقم». م ع ر عمي عنه في الجمعة ١٩ ع ٢ ١٤٠٥

«السواد الأعظم» ص ٢٤٠ رقم ١٥٧٥ قدّر جلال الدين السيوطي في أوائل رسالته في تفسير الإخلاص ما يعطيه «و نقل والذي رحمه الله في تفسيره الكبير الذي سقاه بالسواد الأعظم ان هذه السورة إذ ابرلت شافعها فوح من ملائكة» الخ فتأمل. م ع ر عمي عنه في أوائل رقع ١٤٠٤

و هذا المطلب لم يتطّعن له أحد فيما أعظم كما م يذكره الشيخ علي اللواتي في كتابه حين يترجم لوالد جلال الدين في ص ٦٣ - ٦٤ و الحمد لله رب العالمين.

﴿سؤال أهل حلب﴾ ص ٢٤١: انظر [تمج العلوم ٢٤: ٤٢٢: ٢٢١].

ص ٢٤١ من ١٠، العباسي: / العباس. ط صح

«السؤال و الجواب» ص ٢٤١: قد مرّت طائفة من جوابات المسائل في حرف الجيم.

«السؤال و الجواب» ص ٢٤١ رقم ١٥٨٣، رأيت منه: قائل هذا الكلام هو المروي

ولد المؤلف كما لا يخفى.

«السؤال و الجواب» ص ٢٤٢ رقم ١٥٩٠: انظر (ح ٥، ٢٠١: ٩٣٩).

«سؤال و جواب» ص ٢٤٣ رقم ١٥٩٣ من ٨، ١٢٣٨ ١٢٤٧ صحيح است.

«سؤال و جواب» ص ٢٤٤ رقم ١٦٠٢ من ١١، عبدالحسين. الصواب عند الحسن كما

في ص ٢٤٢: ١٥٩٠ و في ج ٥: ١٧٨: ٧٧٥

«سؤال و جواب» ص ٢٤٤ رقم ١٦٠٣ من ١٥، الحية: الصواب الملحقة.

«السؤال و الجواب» ص ٢٤٥ رقم ١٦٠٩. أقول مرّ هذا الكتاب بعنوان «جوابات

المسائل الفقهية ٥. ٢٢٩. ١٠٩١» كما مرّ للشعبي عن الطهري المذكور «جوابات

المسائل الفقهية ٥: ٢٢٧: ١٠٨٣» فراجع ما ذكرناه هناك في التكملة و في نقل شيخنا

المصنّف كلام الرياض نعيم و نعيم و تصريف فلاحظ أصل [رياض العلماء ٢: ٤٨ .

٤٩ ط قم].

«سؤال و جواب در حوار ترويج بهات أبي تراب» ص ٢٤٦ رقم ١٦١٩: يراجع

الفرقة ج ٤ ص ١٧٢.

«سؤال و جواب» ص ٢٤٧ رقم ١٦٢٣ من ٨، الفقه: الصواب «الفقهية ٥: ٢٢٩

١٠٩٢».

«السؤال و الجواب» ص ٢٤٧ رقم ١٦٢٤: أقول عندما نسخة من هذا الكتاب أوّله

[بعد حمد الله على ترادف الالاء] و هي في ٥٤ ص و بأخرها سقط و بعدها نسخة من

[جوابات المسائل الفقهية] كما ذكرناه ههنا (ج ٥ ٢٢٩: ١٠٩٢) ثمّ إنّنا لم نجد في سائر

الأجزاء شيئاً من جوابات المسائل للمحقّق الكرّكي.

«السؤال و الجواب» ص ٢٤٧ رقم ١٦٢٥: أقول نسخة هذه المسائل أيضاً عندما

موجودة في ٣٩ ص خلف نسخة من «الكلمات الطريفة لبعض».

«السؤال و الجواب» ص ٢٤٨: بالفارسية للحاج ميرزا فتح الله الشريعة الإصفهاني. انظر ما ذكرناه في التكملة بعنوان (وسيلة).

«السؤال و الجواب» ص ٢٤٩: لمفصل الإيرواني مولانا محمد بن محمد باقر المتوفى بالسجف سنة ١٣٠٦ طبع في تبريز عام ١٣٠٥ و هو ترتيب رسائله العملية المسقى بحفاة المقندين الآتية ظاهراً و عدي نسخة السؤال و الجواب

«سؤال و جواب» ص ٢٥٠ رقم ١٦٤٧: راجع «الرسالة العملية ١١: ٢١٩: ١٣٢٦» و «الوجيزة ٢٥: ٤٥: ٢٣٠ و هامش ص ٤٦» و ترجمة المولي محمد يوسف الاسترآبادي في أعيان الشبهة ح ١٠ ص ١٠٠ ط الكسرة و يأتي به «لغضاء و الشهادات ١٧: ١٤٣: ٧٤٩» و «اللقطة ١٨-٢٣٨-٣٧٥» و انظر «مكارم الآثار ٧: ...»

«السوانح المحجالية» ص ٢٥٢ رقم ١٦٦٥ أقول نعم الشيخ في أوامر «اخذيفة الخلالية» من «حديث الصالحين» بقوله هكده «و أنا قد نطمت قصّة هذا الكردي في كتابي الموسوم بسوانح سفر الحجاز هكده» الخ كما تصرّح به تسميه كما نقلناه. «سوانح سفر حجاز» ص ٢٥٢: أقول انظر «السوانح الحجازية» بأعلاه.

«سوانح عمري» ص ٢٥٣ رقم ١٦٦٣: أقول هكده ذكره المشار في فهرسه إلا أنه عونه هكدا «سوانح العمري — مئة العمر» و الظاهر نقله عن النسخة المطبوعة بلكهو و الكتاب هو الذي عثر عه شيخنا ره في ج ٩ ص ٢٣٥ من ١٨ باسم «تاريخ الصفوية» و طبع بإصفهان أيضاً في حوالي سنة ١٣٧٢ في باسم «تاريخ حزين» ثم طبع مثله «تذكره حزين» الذي في ج ٤ ص ٣٨ رقم ١٣٨

«السوانح الكاظمية العلوية في جواب المسائل المفهومة الجلية» ص ٢٥٥: رسالة للآقا محمدعلي بن الآقا محمدباقر بن الآقا محمدآكل الإصفهاني البهبهاني الخائري في جواب مسائل سألتها عنه المير سيد علي المهارسي من جبل هاروند السائل مسأله عن جدنا الألفه الأعلى الخواساري و عن العلامة السيد عبدالله الجرائري أيضاً [انظر ح ٢٠ ص ٣٧٢: ٣٤٧٦] عندنا نسخة الأصل من السوانح بخط الشيخ طاب ثراه في أزيد من أربعين صفحة وصفت في مجموعة من رسائله و مسائله كلّها بخطّه و السوانح هو الذي ذكره في كتاب «وحيد بهباني: ٢٨٧ ط ٢» عند ذكر مؤلفات الآقا محمدعلي بهذا العنوان

التالي «١٢» رسالة إى عليه عويہ در پاسخ مسائل جلیہ» و لمراجع كتاب «مقامع الفصل» أيضاً.

«سوق المعادن» ص ٢٧٥ رقم ١٦٩٧. أقول نقل في بحثة العرفان الصيداوية مستها العاشرة ص ٧٩٦ إلى ٨٠٠ ط عام ١٣٤٣ فصلاً من سوق المعدن هذا و ذكر في الحاشية أن مؤلفه توفي سنة ١٣٠١.

«السهم المارقة» ص ٢٦٠ رقم ١٧١٧. قد معاصره المولى محمدطاهر شيخ الإسلام و إمام جمعة بقم المتوفى سنة ١٠٩٨ في كتبه «نعمتة الأختيار ص ١٥٣» ما لمعه «و بعضی از فصلا كه از اهل تقوى و ورع است در كتاب (السهم المارقة) از شيخ مفيد نقل نموده» الخ و قد اعترف بمصل الشيخ و تقواه و ورعه كما ترى و كانت نسخة من السهم عند جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات ففلس الله روحه فنقل منها شطراً وقرأ في ترجمه الأمر الاسترآبادي (الروضات ١ ٣٢٦ ٣٣١ ط إصفهان) و أنى على الشيخ الحدّ طاب ثراه في معص نقله و لكن لم يغفل عنه شيئاً في ترجمة مؤلفه (الرقم ٤٢١) و ذلك لأنه طاب مثواه جدد في ترجمه الأمر في الأواخر فظهر منه أنه عثر على السهم في زمن تجديد الترجمة المذكورة ثم إننا جدنا المسط رحمه الله بعد تأليف السهم أحسن به منقحات من كمات القوم حول الرائدة الصوفية و جدها بعد التأليف و الملحقات موجودة في نسخة المكتبة الرضوية و نسخة منها مستقلة في مجموعة كانت عند جدنا صاحب الروضات ففلس الله روحه انتقلت إليها في هد الأواخر و الحمد لله و النسخة الكاملة المنصورة من الأصل و المنقحة في مجموعة جليّة استنسخها القاضي محمد مقوم بن أبي البقاء الشريف الإصفهاني سنة ١٠٨٦ من مخطوطات (كتابخانه مركزى داشگاه تهران) كما فصل في فهرسها ٨ ٥٧٩ - ٥٨٢.

«سهل التناول في مسألة التناخل» ص ٢٦٣ رقم ١٧٤٥. توجد نسخة أصله عند السيد أحمد بن محمدباقر التوي سرکاي و عندما مه نسخة جغرافية.

«رسالة في سهو الأئمة في الصلاة» ص ٢٦٦ رقم ١٧٦٨ ج ١١ ص ٢٠٠ سطر آخر هم ديدنه شود.

«رسالة في السهو في الصلاة» ص ٢٦٦ رقم ١٧٦٩: تأتي مكررة أيضاً في حرف الشين

ج ١٤ ص ٢١١ رقم ٢٣٣٣ من دون زيادة كما مرّ أيضاً في حرف الخاء ج ٧ ص ٢١١ رقم ٢٣٣٣ و انظر ج ٣: ١٣١: ٤٤٥.

ص ٢٦٦ س ٩، الخوفاي ٣٨١: هذا خطأ مصعبي كما لا يخفى و الصواب ٨٤١.
«رسالة في السهو في الصلاة» ص ٢٦٦ رقم ١٧٧٠: تأتي أبسط من المتن في ج ١٤ ص ٢١٢.

«رسالة في السهو و الشك في الصلاة» ص ٢٦٦ رقم ١٧٧٢: يراجع الجزء ١٤ ص ٢١٠ رقم ٢٣٣٢ و الجزء السابع ص ٢٤٨ رقم ١١٩٧.
«رسالة في السهو و الشك في الصلاة» ص ٢٦٧ رقم ١٧٧٣: يراجع الجزء ١٤ ص ٢١٢.

ص ٢٦٧ س ٥، و تأتي رسالتان في «الشك و السهو» متعددة: انظر س ١٧.
«رسالة في سهو النبي» ص ٢٦٧ رقم ١٧٧٤: أقول مرّ الرد على سهو النبي في ج ١٠ ص ٢٠١ فم ٥٢٦ كتاب شمع محمد بنى كوكبا دم فكموس الرجالش جناب شد.
«السهوية» ص ٢٦٧ رقم ١٧٧٦: أقول مرّ ذكر هذه الرسالة بأبسط فما ذكرها في ج ١١: ٢٠٠: ١٢١٤ فلا وجه للتكرار و مجدداً بمسحطة بخط حديثاً الحاج السيد محمد في مجموعته الكثرة.

«السهوية» ص ٢٦٧: أقول انظر (اخلل) في ج ٧ و (الشك) في ج ١٤ و (بعية الراغبين) في ج ٣: ١٣١: ٤٤٦.

«سياحته ابراهيم بيگ يا بلای تعصب از» ص ٣٦٨ س ١٥، المتوفى في ١٢٩٠: هذا التاريخ لوفاة الرجل خطأ يراجع مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٨٢ و العنوان كله من إضافات المتزوي ظاهراً و فيه أخطاء آخر أيضاً.

ص ٢٧٠ س ٣، اسمه «الاشراف على سيادة الاشرف» - أقول انظر ص ٢٧٥ س ٢١.
«إلياث السيادة للشریف و الشريف» ص ٢٧٠: لسميراً محمد سلطان زاهد الدين شاه ابن ميرزا محمد سلطان كامبخش رثه على مقنعة و ثلاثة أبواب و خاتمة و فرع منه في كربلاء سنة ١٢٨٣. أوله «الحمد لله المعين أسباب الشرفاء بالانتماء» توجه بسخته في المركزية بجامعة طهران بخط مصنفه في ٨٥ ورقة و فيه ترجمة عنه كما في فهرس المكتبة

١١: ٢٣٣٢ على ما ذكره أحمد الخزوي في فهرست نسخته في خطي فارسي ١: ٨٧٢ و لم يذكر له نسخة أخرى و الظاهر من عنوان الكتاب أنه في موضوع سيادة الأشراف فليراجع فهرس المكتبة. م ع ر ٢ شوال ١٤١٥

«سماحة الخلفاء» ص ٢٧٢ رقم ١٨١٨، للميرزا مهدي الإصفهاني: هو الأستاذ الدارع الفائق على أقرانه يأتي له (غاية المني) في محنة و توجد ترجمته في عدة مواضع ذكرناها بهامش مكارم الآثار في وقائع سنة ١٣٦٥ و كنا ترجمة تلميذه المذكور الذي يأتي اسمه في ج ١٧ ص ٢٨٢ الرقم ٣٠٣.

«سير كمويو در ايران او شهر يور ١٣٢٠ و ١٣٢٦ شمسي» ص ٢٧٨: لسبيد تيمور بن فتحعلي بخيار الإصفهاني استولد ١٢٩٣ش المقتول في سبيل مطامع أبالسة الاستعمار في «..» ذكره المشار في بهارسه و قال طبع في طهران في أكثر من ٤١٥ ص سنة ١٣٧٦

«سورة المتأخرين» ص ٢٧٨ رقم ١٨٩٣ أقول و نقل عن منخه في كتاب (ربيل ص ٣٦١) و قال إن مريح إتمام هذا التاريخ سنة خمس و تسعين و مائة و ألف من الهجرة ملاحظ. و ذكره المشار به في بهارسه فقال إنه «نواب مير علاءالحسين بن نواب مير هدايت علي خان طباطبا من أعقاب ابراهيم طباطبا القاطنين منهم في بلدة شاه جهان آباد الهند و أنه المولود ١١٤٠ و للموتى ١٢٠٨» ثم ذكر للكتاب عدة طبعات جديدة و منها الطبعة الحجرية في نكهو سنة ١٣١٤ في ٩٦٣ ص فليلاحظ. حرره م ع ر عفي عنه في ١٦ ص ١٤١٥

«سير الملوك» ص ٢٧٨ من ١٩، يأتي بعنوانه في الشين: و مستحباته في (ج ٢٢: ٤١٢ بعد).

«سورة علي بن الحسين» ص ٢٨٠ رقم ١٨٧٩: أقول يعني به الإمام المعصوم زين العابدين سيد الساجدين سلام الله عليه و هو الإمام الحجة الرابع من أئمة المسلمين قال الشيخ الطريحي الرماحي في «مجمع البحرين» دين مادة سلم ما نصه: [و سلامة، شاه ريان، أم علي بن الحسين عليهما السلام، بنت يوحرد بن شهر يار بن شيرويه بن كسرى بروري. روي أن أمير المؤمنين عليهما السلام سأله ما اسمك؟ فقال جهانشاه. فقال لها: بل شهر بانويه] انتهى.

«رسالة في السير والسلوك» ص ٢٨٢ رقم ١٨٩٩ انظر رقم ١٩٠٢.

«رسالة السير والسلوك و ما يرم السلوك في عشرته» ص ٢٨٣ رقم ١٩٠٢
(فهرست كتب شيخيه ح ٢ ص ١١٧). و انظر (دليل المتحريين) في ح ٨ ص ٢٦٠ انظر
رقم ١٨٩٩.

«رسالة في السير والسلوك» ص ٢٨٣ رقم ١٩٠٤ نشرت هذه الرسالة مع ترجمتها
بالفارسية سنة ١٤١٦ في مجلة پیام حوره ٦. ٩٩ — ١١٨ قم» و راجع ح ٢٢ : ١٥٨ :
٦٤٩٥.

«السير والسلوك» ص ٢٨٥ رقم ١٩١٣. قد مرّ في ح ١١ ص ٥٤
«رسالة في السير والسلوك» ص ٢٨٥ رقم ١٩١٤ انظر [متح سير و سلوك ٢٢ :
٤١٢ : ٧٦٦].

«صيف المؤمن» ٢٨٩ رقم ١٩٤٦ أقول توجد من هذا الكتاب المعبس المهم جداً
نسخة في بعض بيوتات إصفهان أعلمه و قم كأيها و استعدت منها و هي نسخة
صحيحها المصنف في كمال الدقة و قدّمها للعلامة الفاضل الإصفهاني ره و ذكرناها في
فهرسنا المخطوطه و توجد أيضاً نسخة في المكتبة المركزية بجامعة طهران كما في
فهرسها و في فهرس أحمد أيضاً نسخة بعينه سه « . » في خزانة المسجد الأعظم بقم
كما في فهرسها ص ٢٣٢. م غر ١٢ حجة ١٤٠٦

«السيفية» ص ٢٩١ رقم ١٩٥٥ أقول أوردها ولده السيد عبدالله أيضاً في آخر
«تدليل السلافة» تدليل ترجمة الوالد، قال «ر من محاسن منشآت الرسالة السيفية التي
باري بها قدسية الإمام أبي طاهر كمال الدين سمعيل بن عبد الرزاق الإصفهاني المعروف
بخلق المعاني و هي: بسم الله الرحمن الرحيم و أولها الحديد» الخ ثم لا يخفى أنّ شيخنا
المصنف ذكر في عنوان [الفروق ١١٦ ١٨٦ ٦١٢] أنّ [السيفية في مقابل القوسية
لكمال الدين اسماعيل الإصفهاني] و ذكر أنّه رأى نسخة الفروق المخطوطة في الصحف و
فيها السيفية و بعض مكاتيب السيد نور الدين و بعض منظوماته و صرح هناك أنّ
نسخة الفروق المطبوعة على الحجر ناقصة فإنّه لا توجد فيها السيفية و لا غيرها تماماً و جده
في المخطوطة، و لكن لا يخفى أنّ كمال الدين سماعيل الإصفهاني هو كما صرح السيد

عبدالله ولد السيد نورالدين فخر الله روحيهما في تدليل السلافة هو ابن جمال الدين عبدالرزاق كما يأتي البصريح بذلك في [القوسية ١٧-٢٠٧-١١١١] و مرّ في [ديوان ٩: ٩١٦، ٦٠٥٧] فالظاهر أنّ الشيخ سي صاحب القوسية في هذا الموضع و إلّا لما قال و هو كتبها في مقابل القلمية لدواني فإنّ الكما الشاعر المذكور قتل في الصف الأوّل من القرن السابع و الدواني خلال الدين محمد مات أوائل القرن العاشر كما يأتي في [القسمية ١٧: ١٦٨] و هناك أيضاً سهو آخر فقد ذكر أنّ السبعة هذه رحيّة السيد عبدالله و غيرها في مقابلة القلمية المذكورة و الله اعلم م عر ليلة شهر رجب ١٤٠٩

ص ٢٩٥ صححت جميعها في للمل هذا اللون الأررق للاختيار و الحمد لله رب العالمين في ١٥ محرم الحرام ١٤٠٥ م عر عني عمه و صححت كذلك الأعلاط المصححة في عاتمة ج ١٥.

الجزء الثالث عشر

«شارع الجاه» ص ٤ رقم ٧: أقول طبع شارع النجاة هذا بخط [عيون المسائل المطوي على لطائف الدقائق و طرايف الجلائل ١٥ ٢٣٨٢ ٢٣٨٦] و ذلك في مجموعة من آثار السيد الداماد بعنوان [إثنى عشر رسالة للمعتمد الثالث] طبع مصوراً عن نسخة معلومة في ١٤٣١ هـ و عندما مه نسخة مصورة و نكّتها كمنطوعة و غيرها من السج لا تتجاوز ما رآها شيخنا المصنف طاب ثراه و آخر جميع [و دخول الحمام على النطة بولد المولوح] انتهى ثم إن الشارع هذا من آخرت مصنفه فإنه يحيل فيها إلى كثير منها كحواشيه على الدروس و عمى « » و كقوم الإمام و «التفديسات» و «قبسات حقّ البقيس» و فرع من هذا الأخير في شهر شعبان المعظم ١٠٣٤ قبل وفاته ست سنين و بعد وفاة صديقه الشيخ بهاءالدين بأربع سنين فالشارع متأخر عن الجميع و لعله آخر تصانيفه و لذا لم يمهله الأجل لإكماله و لله العام. ثم إن السيد في كتابه هذا كثير الاعتماد على آراء جدنا و جدته المحقق الشامي علي بن عبدالعالي و كذا على فتاوى الشهيد الأول من المتأخرين فتنس الله تعالى أرواحهم كما لا يبالى فيه بنظرات جدنا الشهيد الثاني و لا بآراء صديقه الشيخ بهاءالدين محمد العاملي بل يتفقد نظراتهما و يرميها و يبال مهما أحيانا و ذلك في حق صديقه اليهائي فلهذا لموضع من مشرب التصوف رغم محبوبيته و مرغوبيته كافة آثاره و رغم كمال وداده و ... بالنسبة إلى

السيد كما يظهر من كتابه إليه و قد طبع الكتاب و الجواب مصوراً عن خط ... في آخر المقدمة، فترى السيد في كتابه هذا يسسه إلى الوهم بل قال في عدة مواضع منه إنه متوهم العصر ناقص الصناعة في المعرفة و فاصر المرجح في التبع و هو و إن لم يصرح باسم البهائي إلا أنه ظهر لنا بعد التبع أنه لاير بذلك عمر الشيخ المرحوم أما بيانه من حديثنا الشهيد الثاني فالظاهر أنه لاختلاف مشربه العقلي مع اشققن الكركي في بعض المسائل خصوصاً في أمر صلوة الجمعة في أواخر حياته و الله العالم بحقائق الأمور و اتخاذ الموضع هو ما عرفناه من السيد الداماد في مصنفاته عامة و قد أشرنا إلى ذلك بمامش [القبسات ١٧ : ٣٢ : ١٨٣] فهو صريح في نقله لآراء غير الأحياء كما أن من دأبه في كافة آثاره الصريح باسمه و شهرته و ذكر ما خرج من قلمه في خلال كسبته.

ثم اعلم أن ما قاله شيخنا ره أن شارع الحجة «رسالة فتاوية فارسية» بقول إن هذا صحيح فإنا علمنا من قوله بعدم حواز تقيد المتب أنه ألف ذلك بعد وفاة صديقه البهائي حيث إن الشيخ ألف رسالته «جامع العباسي ٥٠٠، ٦٢، ٢٤٢» بالتمس المشاه عباس الصفوي و خرج منه خمس أبواب في العبادات إلى آخر الحج فأدركه الأجل في سنة ١٠٣٠ و بعد ذلك شرع السيد الداماد في تأليف رسالته شارع الحجة بقصد أن يكون قائماً مقام جامع صديقه و لكنه أيضاً لم يمه الأجل لإكمال كتابه كما لم يصر كتابه بأشهار الجامع العباسي أبداً فكان هو المرجع الوحيد لمراجعة الناس و تداولته الأيدي إلى هذه الأواخر أعني في أريد من ثلثة قرون و ذلك من فصل الله سبحانه و أما الشارع فلم يشهر بعد خاصه أنه لم يجاور بعض أبواب الطهارة و بقيت نسخة القليلة في رواية الخمول.

و أما قول شيخنا ره (في أصول الدين و فروعه) فهذا لايصح تماماً لأن السيد قد عمد لكتابه هذا مقدمة في ثلثة أصول لانتجاور في النسخة المطبوعة عن ٢٣ صفحة فالأصل الأول كلمة وجيزة في أصول الدين ص ٢ - ٩ و الثاني في المجتهد و المقلد ٩ - ١٣ و الثالث ١٤ حديثاً في أهمية صوة المريضة ١٣ - ٢٤ ثم كتاب الطهارة في أربعة أبواب رابعها باب وظائف الدحول في الحمام و آداب الاستحمام و به يحتم الكتاب ناقصاً في النسخ الموجودة.

و أما قوله ره انّ الداماد توفي سنة ١٠٤١ ههنا من الأغلاط المشهورة و قد تحقق لدينا من القدم أنّ وفاته في طريق الحنف الأشرف سنة ١٠٤٠ كما يأتي بهذه الصورة أيضاً في [عيون المسائل].

و أما قوله ره في عدم الاعتداد بفتوى الميث فهو كذلك في مقدّمة الشارع ههنا صرّح بذلك في الأصل الثاني من مقدّمة (ص ١٠) و ذلك لرجوع الناس إلى فتاواه بعد وفاة الشيخ البهائي.

و أما قوله ره (و من فتاويه) الخ أقول هذا افتراء محض فقد صرّح السيّد بحرمة خلق اللحية في (ص ١٠٣ و ١٠٤ و ١٠٥) و لعلّ الخاكي توهم الكراهة من قول السيّد (ص ١٠٨) بكراهة تقبّ الشيب و عدم كراهة القصّ و الجمرّ و لكنّ الشيب الشعر الأبيض في الحية و لا دخل له بخلق اللحية و لاحظ الرسائل عن الموضوع في «خلق اللحية ٧: ٦٣».

«الشافي الجامع بين البحار و الوافي» ص ٧٧ قال سيّد مشايخا المحسنين في الأعيان ٣٢: ٣٠ بعد نقل كلام القروي في ترجمة الرجل ما لمعه «و الجامع بين البحار و الوافي لا يحمي ما فيه من الشافي» انتهى و يأتي تفصيل الكلام حول الكتاب و مؤلّفه أيضاً بصوابه الآخر [الشفاء ١٤ ١٩٩: ٢١٨٢] و فصل التقدّم في التعريف بالرجل و كتابه للمشيخ المحدث النوري في كتبه و منها [الفيض القدسي ٥٥ ح ١٠٥ من البحار ط الحديثة] و راجع [رندگيامه علامه مجلسي ١٢ ٣٠٩] و ما حذره المذكورة هناك

«الشافي في الأنساب» ص ٩ رقم ١٨ ص ٧، و قد نقل السيّد ابن طاووس: و قال السيّد علي بن طاووس المتوفى سنة ٦٦٤ أيضاً في أوّل كتابه «اللهوف» ما نصّه «و حدثني جماعة منهم بمن أشرت إليه بإسادهم إلى عمر [كذا] السّابة رضوان الله عليه فيما ذكره في آخر كتاب الشافي في السب بإساده إلى جدّه» الخ مرّاجعه.

«الشافي المنتخب من الوافي» ص ٩ رقم ٢٠: أقول انظر [الشرايع ٤٧: ١٥٨].

ص ٩ س ٢١، سنة ١٠٨٢: في عرّة دي القعدة الحرام كما في نسخة المخطوطة ص ١٠ س ٥، الكافي: الوافي في نسخنا من بحر الثاني مكان الكافي و قد صحّحها

العيسى بعنه بخطه الشريف و كتب التاريخ [١٠٨٢] بالأرقام تحت البيتين.

ص ١٢ من ١، (رسالة في كفاية النظر بانفراده للكمال): تأتي في حرف الكاف ج ١٨ ص ١٠٣.

«الشافية» ص ١٢ رقم ٢٨، مختصر (معام الشفاء): أقول يأتي معالم الشفاء في محله و لائي رأيت وجيزة مشتملة على ١٧ صفحة صغيرة و لعلها ناقصة الآخر و هي صم مجموعة و أول تلك الوجيزة قوله (بسم). بعد الحمد و الشا و الصلوة و الدعاء يقول العفير الحقيق غياث للشهور بمصنوع إن هذه أصول شافية من الداء كافية لدراية الدواء نافعة للأدواء حررتها نصره للاتباء... و من أراد القانون الكامل في هذا فعليه بالنظر الشافي في معالم الشفاء التي ألفتها الخ و ليس في نسخة ما يشر بأن اسمها الشافية سوى قوله في أولها (هذه أصول شافية) و النسخة في مجموعة كلها بخط واحد و الكاتب غير معلوم إلا أن تاريخ كتابة بعضها معلوم و هو دو القعدة ٩٤٨ و يظهر من بعض مواضع تلك المجموعة أن عات الدين كان حياً في ذلك الزمان و يدعو بقوله مد ظله و النسخة في مكتبة «الكاتب السيد الخاتون أبيدي»

«شاهد صادق» ص ١٥ رقم ٤٠: أقول ينقل عنه كثيراً دهخدا في كتابه «أمثال و حكم» و قال في كتابه الآخر «الغمامة» ص ٦١ ما ترجمته [صادق بن صالح من أهل إصفهان له كتاب شاهد صادق يوجد نسخة منه في المدرسة الناصرية كما في كتاب أحوال رودكي ص ٥١١] انتهى و راجع [صبح صادق ١٥: ٦: ٣١] و بسط في ترجمة الرجل في [ديوان صادقي مينا ٩: ٥٨٢: ٣٧.٣] و منه و من سائر المواضع يظهر أنه ولد في بندر سورات بأهند لا أنه هاجر إليها ثم إنه كانت نسخة من الشاهد عند عباس إقبال فعرّفها جتداً في مجلة [بادگار ٢: ١٤: ١٩ فما بعدها] و ذكر ما استعاد منه في ترجمة الرجل و نقل منه مطالب تاريخية و كانت عنده أيضاً نسخة السيد محمد مشكاة بالأمانة و هي الموصوفة في [فهرست مركزي ٢: ٥٩٤ فما بعد] معصنة و في [فهرست مشترك باكستان ١: ٨٢١ — ٨٢٢] ذكر الكتاب و مؤلفه و وصف ثلاث نسخ منه في بلدة لاهور و السلام. م ع ر في ١٧ صياح ١٤١١.

«شاهنامه» ص ١٦ رقم ٤٩: تراجع براماً «ديوان فردوسي طوسي ٩: ٨٢١: ٥٥٣١»
و ذكر الدكتور فتح الله المجتبائي في مقال له عنوانه «نسخه‌ای کهن از شاهنامه
فردوسی» طبع في مجلة «آينه» ١٦٩: ٢٩١ — ٣٠١ «ان الأقرب إلى الصواب في تاريخ
ولادة الفردوسي سنة ثلثمائة و ثلثين دون ما هو المشهور في تسع و عشرين.
«شاهنامه ملوی» ص ٢١ رقم ٥٢: تراجع مجموعة «خاطرات وحید ١: ٣٣٩ عما
بعدها».

«شاهنامه نامه حسینی» ص ٢٢ رقم ٥٦: يأتي أيضاً في ج ١٤ ص ٢٦٢ بعنوان
شهباشنامه حسینی.

«الشبهات» ص ٢٤: تراجع (الجواب) في (ج ٥: ١٨٤ — ١٨٥) متعدّدة.
«شهبان نکات» ص ٢٤ رقم ٦٥. أقول نسخة منه في عمارة مكتبة سبها سالار
بظهران كما مرّ في «ديوان قاضي ٩: ٨٠٤: ٥١١٤» و لم يثر على ما بدل على تشع
الرجل فليتنع.

«شبهه ابن كمونة» ص ٢٤ و ٤٥: قال محمد بن أحمد الخفري في أواخر حاشيته على
شرح إلهيات التحرير^١ للقوشجني في صحت نفي الشريك بعد بحث طويل ما لفظه (و
بذلك يدفع شبهه ابن كمونة الذي بإسائها صار افتحار الشياطين) انتهى ثم كتب أحد
فصلاء السادة الخاتون آباديين في سمعته بتمام تلك الموضع ما لفظه الشريف «و شبهه
ابن كمونة هي التي ذكرها الشارح بقوله و أقول هذا من قبل اشتباه المفهوم الخ و
حاصل شبهة هو أنّ تعين أفراد الواجب عبارة عن بعض ذات كل واحد منها ليس معللاً
بشيء و وجوب الوجود المعول عليها عرص فيمكن وجود الشريك له تعالى عن ذلك
علواً كبيراً» انتهى و في كتاب السمعات الإلهية للملا عبد الله الزبوري (ص ١٣٠ — ١٣٩)
لمعة إشرافية في توضيح الشبهة و حلّها و انظر حول الشبهة إلهيات «كتاب الشفاء ٢.
٣٠٤ الطبعة القديمة» لابن سبّا و من أحدث الكتب التي تكلم فيه عن الشبهة المذكورة و
أجاب عنها تفصيلاً بالعارسية هو كتاب «الإلهيات في عمّح البلاغة» المطبوع باسم

«الحيات در نوح البلاغه نوشته لطف الله صلي گنبايگاسي ص ١٣٣ فما بعدها ط طهران ١٤٠٢» فليراجع و انظر أيضاً «الأبوار العممية ١ ١١ ط تبريز» للسيد الجرائري و تعلية المحشي عليه هناك و قد استعان بما ذكره شيخنا المصنف في المتن من دون إشارة إلى ذلك و هذا ذأبه في جميع ما كتب و ألف كسائر علقياته و نفسياته الخاصة عصمنا الله تعالى من الرلل و الخطا و الخلل في القول و العمل و يأتي «عرش التقديس» في ردّ الشبهة في موضعه مراجعه ثم اعلم أنّ من كمونة اليهودي صاحب الشبهة هذا غير صاحب [تمحيص الأبحاث] و [اللمعة الجوهريّة] فإنّه متأخر و من حملة أعقابه الملاحدة الإسرائيليين العوصيين انظر ما كتبه بمامش (ج ١٨ : ٣٥١ : ٤٣٨) و الله العاصم. و صلي الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطيبين الطاهرين م عر عفي عنه في ليلة ١٦ ح ٢ سنة ١٤٠٥

«الشمعة» ص ٢٦ راجع [دليل المتحيرين] للسيد كاظم الرشتي في (ح ٨. ٣٦٠ : ١٠٨٩).

«شجار العصاة في غسل الجنازة» ص ٢٦ رقم ٧٤، قطب الدين: يأتي له نور الله مرقدته «مهاج البراعة» في ج...

«الشجرة في أسباب السادة البهرة» ص ٢٧ رقم ٧٨ س ٨، و منها في ص ٢١٦ و ٢٥٨: أقول إني لم أجد في ص ٢٥٨ بل فيما بعد ص ٢١٦ ذكر الكتاب المذكور و المراد الذي أثبتّه شيخنا المصنف لاسم الكتاب من إصابته فإنّ بصّ المأخذ في ص ٢١٦ من الترجمة المطبوعة بطهران سنة ١٣٥٣ هكذا «و أحمد بن أحمد مادري در كتاب شجره آورده است» و المادران موضع مذكور في كتاب الأسماء للسمعاني و الله العالم. م عر في ٢٧ صفر الخير ١٤١٧

«شجرة الأولياء» ص ٢٩: أقول لم يرقم الكتاب هنا سهواً فإنّ المصنف و إن ذكره بجملاً في «الأنساب ٢ : ٣٧٣» و في «أسباب المشجرة ٢ : ٣٨٢» إلّا أنّه لم يرقمه فيهما أيضاً و أحال التعميل إلى هذا الموضع و قد رأى السيد علي رضا ربحان اليزدي نسخة من هذا الكتاب عند أخيه في يزد و وصفه في كتابه «آئين دانشوران ٢٢٨ ط ٢» في ترجمة مصنفه السيد أحمد و نقل أوله و آخره الذي ينهي بقوله (قد تمّ في شهر محرم الحرام سنة

(١٢٤٤) انتهى و ذكر الريحان أن السيد أحمد ثقف كتابه هذا بالفارسية حسب رغبة محمد رمان خان حاكم يرد و أن الباحث على تأسسه أنه رأى السيد كتاب الشجرة السوية الذي اسمه الدرّة المصيبة و العروس المرصيّة و الشجرة السوية و الأخلاق المحمدية لابن عبدالمهادي الحلي فألف هو هذا الكتاب في مقبضته ثم بسط الريحان الكلام حول كتاب ابن عبدالمهادي و نسخه فراجع. و الرجل مترجم له في الرركلي ٨: ٢٢٥ و قال إن كتابه الدرّة المصيبة رسالة في الشجرة السوية و أنه مطبوع. م ع ر في ح ٢ ١٤١٢

«الشجرة الإلهية» ص ٢٩ رقم ٩٠ س ٨، الطبعة الثانية: أظن أن المؤلف ره أراد بها الطبعة التي طبعت بطهران سنة ١٣٠٢ ق حيث طبعة الثانية لكتاب منهج المقال و لكنّ الأمل لم يطبع قبل هذه الطبعة فلا تعص و المهرس المذكور على هامش ص ٦٨ فما بعدها من هذه الطبعة و لم يطبع المهرس على هامش الأمل المطبوع بطهران أيضاً خلف طبعة أخرى من منهج المقال سنة ١٣٠٧.

ثم لاحظي أنه قد اشتبه الأمر في سعة الشجرة و الثمرة إلى الغيص اسناداً إلى فهرس تصانيفه المذكور و الحق أن سعة الكتابين في الحاشية المكتوبة على هامش الأمل راجع إلى ممر را ربيعاً و الحاشية الموصوفة و اب كنت في دبل فهرس تصانيف الغيص على هامش الأمل لكتّها حاشية مستقلة للسيد محمد إبراهيم بن محمد معصوم المرويحي على أمل الأمل و لا ربط لها بالمهرس المذكور كما بعدم حقيقة الأمر بأدنى دقة و قد نظرنا في نسخة أمل الأمل التي هي بخط جدنا العلامة صاحب الروضات و عليها تعليقات السيد محمد إبراهيم و وجدنا الحاشية هناك عند ترجمة الممر را ربيعاً كما ذكرنا فلا تعص م ع ر في ٢١ شهر شعبان ١٣٩٨

«شجرة السطلي و شجرة الشطلي» ص ٣١ رقم ٩٨: أقول انظر «الأسباب ٢: ٣٧١: ١٤٩٨» مع التكملة.

«شجرة الطور في تفسير آية النور» ص ٣٢ رقم ١٠٧: أقول مرّ ذكره في ح ٤ ص ٣٣٤ رقم ١٤٢٧.

«الشجرة الطيبة في أحوال العلماء المتعبين» ص ٣٥ رقم ١١٦ أقول يقل عن الشجرة هذه في أعيان الشيعة ح ٤٦ ص ١٤٥ ترجمة السيد ميرزا محمدعلي الشهرستاني عن السيد نفسه.

«شجرة مباركة» ص ٣٦ رقم ١٢٠: أقول يظهر مما أورده شيخنا المصنف ره في طبقاته «الروضة الضرة ص ٦١٦» أنه لم يعثر على أريد مما ذكره ها حول الشجرة و مصنفها و توجد في المرعشي بقم مخطوطة «العروة الوثقى» و «ريذة الأصول» كلاهما للشيخ البهائي المتوفى ١٠٣٠ استكتبه مصنف الشجرة فرع من كتابة العروة سنة ١٠١٢ فكتب له الشيخ بهاء الدين ره حلقها إحارة صغيرة في أواخر العشر الأول من ذي قعدة (كذا) الحرم من السنة نفسها و وصف بحار فيها بقوله بعد السمنة «قرأ عليّ الولد الأعزّ الأجد و الأفضل ذو الطبع الوقاد و شعر الألمي النقاد و العطرة العالية و العطرة الحالية و التدقيقات العانة و التحقيقات أربعة نصراً للإفادة و العروة و الدين محمداً..

تفسير الفاتحة من تفسير الموسوم بالعروة الوثقى قراءة فهم و إتقان و محص و إيقان و استشراف عن الحفاظ و قد أجرت» الخ و يظهر من فهرس النكبة أن اسم الرجل محمد بن عبدالحفي الشريف المشهور...^١ والله اعلم

ص ٣٦ من ١٩، محمدنصر الكاظمي. راجع كج ٢٥ : ٥٥ . ٢٩٥).

«الشجرة المورقة و المشيخة المورقة» ص ٣٧ رقم ١٢٣ أقول مرّ ذكره في «كتاب الإحارات ١. ١٢٩ ٦١٥» و مرّ له في هذا الجزء (شجرة الخلد) ص ٣٠ و طبع باسمه حوالي عام ١٤١٠ في بيروت كتاب (الروص الصبي العالق و موس الكتب العاشق) و هذا خطأ محص فإن مؤلفه قد صرح فيه بأن محمد البكري الصديقي أستاذه و هو من شوايع القرن العاشر في مصر ثم لا يخفى أنه قد مرّ في ح ٥ ص ١٣٨ أن إمام الحرمين هذا توفي بالكاظميّة سنة ١٣٠٣ كما أنه ذكر شيخنا المؤلف طاب ثراه كلّ واحد من إحارات الشجرة مستقلاً في مواضعها من (ح ١١) في فصل (رسالة الإحارة).

ص ٣٨ من ٥، و بعض إحاراته لغيرة. و مجموع الكتابين كان في مكتبة السماوي كما ذكره في ح ٥ و نسخة من «الشجرة المورقة» في مكتبة الحفي المرعشي في قم عرّف في «فهرس المكتبة ١٤. ٢٢٣ : ٥١٣٣» فيها إثنان و ثلثون عنواناً منها إحارة و منها استحارة و منها شهادة و تاريخ جمعها في جمادي الآخرة ١٢٨٢ فالنسخة الموصوفة في

المن و تاريخها ١٢٨٣ أتم و أكمل من هذه و الله أعلم. ثم حصّلتا مصوّرة من السّخة المرعشيّة و بآخرها صورة إجاره جدّنا الإمام المتّحد صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقامه و الحمد لله.

ص ٣٧ من ٢٣، السيّد محمّدرضا بن محمّد صالح الحسيني: أقول هو المذكور في الكرام البررة ص ٥٥٦ و الذريعة ١١ ص ٣٣ و دانشمندان مهدي ص ٣٣١ و عندنا صورة إجاره صاحب الروضات له أيضاً أي لإمام الحرمين تاريخها سنة ١٢٨٣ و السّخة بخط جدّنا العلامة السيّد جلال الدين كما أنّ عندنا أيضاً أصل إجاره إمام الحرمين لجدّنا العلامة السيّد ميرزا مسيح بن صاحب الروضات المؤرّخة سنة ١٣٠١ و الحمد لله.

«شجره نامه محتوياتي» ص ٣٨ رقم ١٢٥: انظر ترجمة ميرزا عبدالكاظم في الكواكب المنتشرة ص ٤٤٢ / ٤٤٣ و مية الراعي ص ٤٦٧ و كشف الارتباب ص ١١٤ و هو أي الكشف ناقل عن المية من دون إشارة إلى ما قبله و في كليهما عدّة أخطاء فلا يعمل.

يراجع للمحتوياتي كتاب مشهور الأمل ح ٥٥ و وقايح السيور.

ص ٣٩ من ٦، الخوانه يعني إحواله جلّته عند الختم.

ص ٣٩ من ٨، السيّد محمّداقصر: أقول إنّ هذا من سبق القلم و إنّ الصواب السيّد مرتضى بن السيّد جعفر بن السيّد ميرزا محمّداقصر صدرالعلماء كما ظهر لنا بعد التأمل في ترجمة السيّد ميرزا محمّداقصر المذكور نتوفى سنة ١٣١٣ في «نقاء البشر رقم ٤٨٢» وإنّما قال في آخر الترجمة ما يعظه [السيّد مرتضى بن السيّد الأشرف حتّى اليوم و المعروف بصدر العلماء ريد عرّه] انتهى و قال شيخنا في «الذريعة ٨ رقم ٨٩٥» إنّ نسخة الشجرة بامه المذكورة موجودة في طهران عند السيّد الحاج آقا يحيى بن ميرزا محمّداقصر صدرالعلماء و هو عمّ السيّد مرتضى المذكور و الله العالم. معر في ١٦ قع ١٤١٨

ص ٣٩ من ١٧، و «الأصل» لابن المصطفى: الصواب «الأصلي» لابن الطقطقي كما لا يخفى.

ص ٤٠ من ٦، المعروف بالسيّد آغا الامام: الصواب المعروف بالسيّد آقا إمام.

«شجرة النبوة وثمره الفتوة» ص ٤٠ رقم ١٢٨: أقول مرّ له أيضاً «الشجرة الطيبة ٣٣: ١١٠».

«هجون الأحاديث و زهرة الحكايات» ص ٤٢ رقم ١٣٣ من ١٠، الحسيني: الصواب الحسيني بفتح الحاء كما يتّاه فيما سبق في التعريقة على كتابه «أنساب آل أبي طالب» ج ٢: ٣٧٦: ١٥١٣.

«الشرايع» ص ٤٦ رقم ١٥٧: يراجع شرايع الدين رقم ١٦٤.

«الشرايع» ص ٤٧ رقم ١٥٨: أقول مختصر كتاب الوالي الكبير لمؤلف الأصل هو [الشافي ٩: ٢٠] و لا يعقل اختصاره مرّين^١ و الشريصمطار المذكور في المتن هو ابن خال جدّنا و لم يكن له ولد باسم الشيخ أبي القاسم رأساً

«شرايع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام» ص ٤٧ رقم ١٦١: لكتاب ترجمة بل شرح حافل مطبوع بالفارسية لأبي القاسم بن أحمد البردي هرع منها في ١٢٤٣ و صغ لها مقدمة مسوطة في مباحث المراهيه ثمّ شرع في ترجمة كتاب الجهاد إلى آخر الكتاب و لم يترجم العبادات ظاهراً و طبع الكتاب في أربع مجلّيات في مطابع جامعة طهران.

رأيت حوالي سنة ١٣٧٠ على ظهر نسخة من الشرايع أرقام مسائل عدّة كتب فقهية منها ما قال «شرايع الأحكام ثلثة عشر ألف مسألة» انتهى و الله العالم.

مرّ ذكر نسخة ثمانية من الشرايع في «الإحارة ١: ١٦٤: ٨١٦» و انظر وصف نسخة أخرى ثمانية أيضاً في «الحقائق الراهنة ١٨٧» و مقدمة دانش‌پژوه للمجلّد الرابع من «ترجمة عارسي شرايع الإسلام ٥» و رابعة في المقلعة المذكورة ص ٧.

ص ٤٨ من ١٧، بخط الشيخ محمد بن اسماعيل: انظر الحقائق الراهنة ١٧٩ و الأنوار الساطعة ص ٣٠.

ص ٤٩ من ١٨، في طهران: أقول انظر لها الأنوار الساطعة ص ١١٢.

ص ٥٠ من ٤، إلى نشره: أي المختصر النافع.

«شرايع الدين» ص ٥١ رقم ١٦٤: يراجع الشرايع لابن بابويه رقم ١٥٧.

١. احتمالاً منظور آقا بزرگ احتصار عقايق الشريعة بوده است. ب

«شرح آداب البحث» ص ٥٣ رقم ١٧٠ أقول انظر الحواشي على شرح آداب البحث في ج ٦ ص ١٠٩ و ما ذكرناه في التكملة و سيأتي «شرح أشكال التأسيس».

«شرح إلهيات الجوهر المقارق» ص ٥٨ رقم ١٨٦. أقول مرّ في (ج ١، ٨٨: ٤٢١) أنّ لشرح الدواوي هذا حاشية للمولى حسين الإلهي الأردبيلي أقول ذكر صاحب رياض العلماء (٢: ١٠٢) أنّه رأى نسختها بخط مؤلفها.

«شرح إلهيات الواجب» ص ٦٠ من ٦، الحاشية: أقول إنّ الذي مرّ هناك هو الحاشية على إثبات الواجب للدواوي و قد اشته الأمر على شيخنا المصنّف في أحد الموضوعين و الله العالم.

«شرح الاثنى عشرية في الطهارة و الصلاة» ص ٦٠: مرّ ذكر الاثنى عشرية في (ج ١: ١١٦: ٥٦١) فانظره.

«شرح الاثنى عشرية» ص ٦٠ رقم ١٩٠. أقول الشيخ محمد الدين هذا له ترجمة في [رياض العلماء ٤٠، ٢٤٥ . ٢٥٠] ذكر له ترجمته المذكور قائلاً «و تاريخه بألفه سنة ثمان و ثلاثين و ألف من المحبرة و رأيت شرحه هذا في مشهد الرضا عليه السلام قال في أوّله أنّه ليس لتلك الرسالة شرح سوى حاشية الشيخ البهائي على بعض مواضعه» الخ و من العرائب أنّ الأصفدي ره كانت عنده نسخة من هذا الشرح الشريف ناقصة من أوّنها بمقدار ورقة أو ورقين و هذا لم يعرفها الأصفدي طول حياته و بقيت بعدها أيضاً كذلك حتّى من الله عمي بمعرفتها في يوم الخميس ١١ شوال المكرم ١٤٠٦ و ذلك بالعمور في كلمات الشارح في أوائل الموجود من نسخته حيث يذكر أساده في رواية الحديث و عرفاه بعد الرجوع إلى «الدرية ١: ص ٢٢١: ١١٦١ و ص ٢٥٠: ١٣١٧» و أمّا الأصفدي طاب مصححه فقد كتب أوّلاً على الورقة الأولى ما لمعه [كتاب شرح الرسالة الاثنى عشرية للشيخ حسن بن الشهيد الثاني في مصمومة و الشرح تأليف الشيخ البهائي فتمّ سرّه] ثمّ بعد مدّة ثلثا وقف خطاته في نسخة هذا الشرح إلى البهائي أصاف بين كلمتي التأليف و الشيخ البهائي قوله (بعض تلامذة) انتهى و هو الصواب و السلام.

«شرح الاثنى عشرية» ص ٦١ رقم ١٩٣ من ١١، كعادته: يعني أنّ عادة الشيخ جرت على ذكر اسمه الشريف في مفتتح آثاره و لكنّه ليس في هذا الشرح اسمه. أقول و لعلّ

شيخنا المؤلف ره يشير في كلامه هذا إلى ما عطر بهاله من استعداد ما في نسخة الرسالة إلى الهائي مصافاً إلى أنه كان أسس من جلدنا الشيخ حسن بسبب سبب تقريباً و عاش بعده قريباً عن عشرين سنة و لكن لا إشكال في ذلك فسخ الرسالة متعددة و مر ذكرها بعنوانها الصحيح «الحاشية عليها ٦ : ١١ : ٢٩» و انظر ما ذكرناه في التكملة هناك و ههنا في «شرح الإنشئ عشرية ص ٦٠ : ١٩٠».

«شرح أدعية السر و ترجمتها بالفارسية» ص ٦٨ رقم ٢٢٠ يراجع الروضات في ترجمة خليل القزويني.

«شرح الأربعين حديثاً» ص ٦٩ رقم ٢٢٤ : يراجع كتاب (تراجم الرجال ص ٢٠٢) للسيد أحمد الحسيني الإشكوري و نسخة أخرى من الكتاب عند الدكتور السيد أحمد التومسركاني رأيتها في شهر شعبان ١٤٠٤ و قد نقل العاقل الحاجوي في أوائل كتابه [بشارات الشعة] عنه كلاماً حول لفظ الشيعة و قال بعد ثمانية ما لفظه [كذا أماد بعض أصحابنا المأخوذين و ههنا منه عريب يدل على قلته تنعته و عدم تصحيحه] الخ ثم قال في الحاشية [المراد به سيد العاقل النقي الأمر محمدرمان الأعرجي الملقب بشاه حسيني السمعاني ره في كتاب الأربعين له منه] انتهى.

«شرح الأرجوة الرضاوية» ص ٧٢ رقم ٢٣٢ : أقول عندما منه نسخة كاملة استسكنها حسن ابن ملا ربهل و ليس فيها تاريخ الكتابة إلا أنها بما استنسخ في حيو المصنف فلس سره بشهادة القرائ و هي نسخة عمر مصححة و رأينا نسخة أخرى كاملة في شهر شوال المكرم ١٤٠٠ عند الحاج محمد علي الحاج حيدر اشتراها من بهايا مكتبة المرحوم السيد أبي الحسن الكتاني ليس فيها تاريخ الكتابة و اسم الكاتب و لكنها أيضاً استنسخت في حيو جلدنا العلامة الناظم الشارح ره.

«شرح الإرشاد» ص ٧٦ س ٩، يأتي في حرف الميم: ح ٢٣ : ١٨٧ ٨٥٨.

«شرح الإرشاد» ص ٧٨ س ١٣، كانت ولادة الشيخ عبدالعالي: للشيخ عبدالعالي عليه الرحمة يراجع إحياء الدائر ص ١٢٢.

ص ٧٨ س ٢١، (رسالة العامة البلوي). أقول رسالة العامة البلوي هذه هي المذكورة في (ج ١٥ : ١٨٦ : ١٢٤٥) فلاحظ ما ذكرناه في التعليقة على ما هالك و لاتعمل.

«شرح الإرشاد» ص ٨٠ رقم ٢٥٨: لا يخفى أن الذي طبع مكرراً للشيخ الأنصاري شرح على طهارة الشرايع دون الإرشاد كما يباه في التعليقة على ج ١ ص ٥١٢ قلمراجع.

ص ٨٤ من ٢، شارح (لمح البلاغة) و (الأسماء المحسنة): أقول تراجع الدريعة ج ٢٠ ص ٤٩ و زندگينامه علامه مجلسي ج ١ ص ٣٢١.

(شرح الأسماء المحسنة) ص ٨٨: سمور، اسمعيل الأشتياني المتخلص «شعله» كما في مقدمة «ديوان أميرى فيروزكوهي ١: ٤٣».

«شرح الأسماء المحسنة» ص ٨٩. اسمه [الحقة المصطنعة و الهدية الحسية] كما و صديقه في موضعه من التكملة فراجع.

«شرح أشكال التأسيس» ص ٩٢ رقم ٢٩٥ من ١٨، المصنفدي: انظر «شرح آداب البحث ٥٣ و ٥٤» من هذا العهد.

«شرح أشكال التأسيس» ص ٩٣ رقم ٢٩٧: يرجع [الأعلام للزركلي ج ٧ ص ٣٢٨] و حواشيه المط و المخ و لمقر.

«شرح اصطلاحات المتكلمين» ص ٩٣ رقم ٢٩٨: أقول مر ذكره أيضاً في (ج ٢: ١٢٣: ٤٩٥).

«شرح الأصول و الجمل من مهمات العلم و العمل» ص ٩٤ رقم ٣٠١: أقول انظر «المطالب المهمة ٢١: ١٤١: ٤٣٣٧» مع التكملة.

«شرح أصول فداية الحديث» ص ٩٤ رقم ٣٠٢ و سيأتي «شرح بداية الدراية ١٢٤: ٣٩٨».

«شرح أصول الكافي» ص ٩٥ رقم ٣٠٤، اسماعيل الخوالبون آبادي: تراجع منتهى الآمال ج ٢ ص ٥٥ للمحدث القمي و «الكواكب المسترة ص ٢٠» و فهرسا الكبير رقم ٥١٥.

«شرح أصول الكافي» ص ٩٦ رقم ٣٠٧ و يأتي في ج ١٢ ص ٢٧ أنه المذكور بعنوان الحاشية.

ص ٩٧ من ٢٠، و يأتي: في ص ٢٧ ج ١٤.

«شرح أصول الكافي» ص ٩٩ رقم ٣١٣: انظر ص ٩٧ س ١٥.

«شرح أصول الكافي» ص ١٠٠ رقم ٣١٤، للشيخ محمد: المذكور في ج ١١ ص ٩٩ و

ح ٥ ص ١٧٨.

«شرح أصول كاشف الغطاء» ص ١٠٠ رقم ٣١٦: قال في (ماضي النجف و حاضرها

٣: ١٥٠) رأيت بقلم محمد علي قطان تم استساخا سنة ١٢٦٣ انتهى

(كتاب شرح اعتقادات المجلسي) ص ١٠٣ مولانا العلامة محمد باقر بن محمد تقى ره

المتوفى سنة ١١١٠ هـ بالمعارضة مبسوطة لتعجيد السيد الجليل المير محمد طاهر الحسبي

الطالقاني آله في حياة أسناده و أطراه و مدحه مدحا بليغا في مقدمته و فرع منه في

السابع و العشرين من شهر رجب سنة ثلث و مائة بعد الألف و النسخة كانت في

مكتبة الحاج ميرزا محمد باقر النجفي الإصفهاني الشهير بألمت مورثها ولده هاء الدين ثم

باعها هو للحاج محمد علي اخاخ حليزي الوردوسفادراتي و رأيتها عنده في شوال المكرم

١٤٠٠.

«شرح الفية الشهيد» ص ١٠٨ رقم ٣٤٠: «الجواهر المصينة» ذكرناه في «التكملة

٥: ٢٨٠» و في سلمته لدى الشهيد ره تأمل و المصنوع عدي أن شيخنا المصنف ره أحد

العنوان برأسه عن الروضات و عن كشف المحجب ص ٣٢٤ و إلآم يعثر على نسخة منه

و إلآ لذكره و الله العالم.

«شرح الفية الشهيد» ص ١١١ رقم ٣١٧: أقول تراجع «إحياء الدائر ص ١٢٠ /

١١٩».

«شرح الفية الشهيد» ص ١١٤ ص ١٥، و قد سماه بالمسالك الجامعة: الجامعة. صبح كما

مرّ في ح ٣ عند ذكر النجفة الحسينية في شرح الألفية له أيضاً و طبع المسالك بهامش

العوائد الملية و عندما نسعة و رأيت النقل عنه كذلك (الجامعة) بخط السيد محمد المجاهد

الكريلاني في بعض كتبه الفقهية.

(شرح أنوار التنزيل) ص ١١٥: انظر [شرح تفسير البصاوي ١٥٠: ٥١٠].

«شرح بداية البراية» ص ١٢٤ ش ٣٩٨، و قد مرّ منه في ج ٣ ص ٥٨ و انظر ما

عقباه علي (الرعاية) في ح ١١: ٢٤١: ١٤٦٨ و مرّ أيضاً «شرح أصول دراية الحديث ٩٤:

٣٠٢» فهو الأقدم في الموضوع من كتاب جدنا الشهيد الثاني ره.

ص ١٢٤ من ٩، أوله: و بعد الحمد بما هو: أقول ليس هذا أول شرح البداية في السحرة المطبوعة و المخطوطات بل موجودة عددا كائني هي بخط لطف الله بن عطاء الله الخويري في مجموعة رسائل تاريخ بعضها ١١٠٤ و إنما أوله ما ذكره المصنف ره في ج ٣ ص ٥٨ أما المنقول في المتن ها فهو مفتوح عن بداية التروية فلا يعمل

ص ١٣٢ من ١، كما يأتي: أقول لا يأتي بعد العنوان شيء و راجع الكرام البيرة ٢٥١ من الأخير.

ص ١٣٢ من ٤، له أيضا: (في ص ٣٥٦: ٤ و ١٣).

«شرح التنصير» ص ١٣٥ رقم ٤٤٨ عدنا كتاب البيع من شرح التنصير في ٢١٨ صفحة و الظاهر أن السحرة مطبوعة في السجف الأشرف فإن كاتبها محمد علي التبريري السجفي في عام ١٣٤٥ هـ كما أن عدنا أيضا كتاب القضاء من شرح التنصير طبع في السجف الأشرف بعد وفات مؤلفه ره في حدود عام ١٣٧٠ باهتمام صهره المرحوم مصفا إلى رسالته في تعاقب الأيدي جميعا في ١٣٧٠ ص

«شرح التحرير» ص ١٣٩ رقم ٤٦٤: هو المستفي علاقة التحرير كما يأتي في موضعه. «شرح تحرير المجسطي» ص ١٤٢ رقم ٤٧٣ من ١١، و الشرح لنظام الدين: أقول أورد ترجمته المصنف ره في «الحقائق الراهنة ٤٦» و مرّ و يأتي بعض تصانيفه أيضا و ليراجع كتاب «أحوال و آثار خواجه نصير ص ٤٠٣ للترس الرصوي» و ما ذكرناه بمامش نسختنا منه و الروايات و ذكر الرصوي أن اسم الشرح هذا «تفسير التحرير» و فصل الكلام حوله.

«شرح تحرير المجسطي» ص ١٤٢ رقم ٤٧٤، محمد حسين: محمد بن حسين صبح كما يأتي في ص ١٤٤ من ٣.

«شرح التذكرة النصيرية» ص ١٤٤ رقم ٤٧٨، عبدعلي: عبدعلي كما في السسخ التي رأيناها و ص ١٤٢.

ص ١٤٤ من ٥، سنة ٩٨٢: مرّ وفاته في ج ٤ ص ٥١ سنة ٩٣٤ و في آثار الشيعة الإمامية ج ٤ ص ٦٢ سنة ٩٣٤ و كذا في الورقة السابقة ص ١٤٢ رقم ٤٧٤.

ص ١٤٤ ص ٩، شرح نظام النيشابوري: الموسوم بتوضيح التذكرة المذكور في عنه ج ٤ و انظر في هذه الصفحة بأعلاها.

«شرح التذكرة النصيرية» ص ١٤٤ رقم ٤٧٩: و مرّ ذكر نسخة أخرى من هذا الشرح في ج ٤ ص ٥١.

«شرح ترددات الشرائع» ص ١٤٥ رقم ٤٨٢ أقول هو الكتاب المطبوع في قم سنة ١٤٠٨ بعنوان [إيضاح ترددات الشرائع].

«شرح ترددات النافع في مختصر الشرائع» ص ١٤٥ رقم ٤٨٣ أقول هو أيضاً طبع في قم سنة ١٤١٩ عنوانه «شرح ترددات المختصر النافع» تحقيق و نشر دارالمصطفى لإحياء التراث للكتاب مقدمة و خمس فهارس خرج المجموع في ١١٢ صفحة بحجم الورق و المصنف للكتاب لم يعرف بعد أريد تم في المن و المعتمد عندهم مصورة نسخة السماوي و نسخة المرعشيّة بقم.

«شرح تشريح الأفلاك» ص ١٤٩ رقم ٥٠٣ أقول ذكر شرح القاضي فيما ذكر من شروح الكتاب الشيخ عبد العزيز بن جواهر الكلام أولاً في كتابه (فهرست كتابخانه عمومی معارف ج ٢ ص ١٢٨) و عنه القيسي في (احوال و اشعار فارسی شیخ هائی ص ٩٥) و ثانياً في كتابه (دائرة المعارف الإسلامية بران ج ٤ ص ٣٤١) و لكنه لم يذكر لكلامه مصدراً و نعله أيضاً رأى النسخة في مكتبة المذكورة في المن و الله العالم و ليراجع ما ذكرناه في هامش كتاب القيسي و مقدمتي السيدين لكتابي القاضي نور الله ره.

«شرح تفسير البصاوي» ص ١٥٠ رقم ٥١٠ انظر [الحاشية على تفسير البصاوي ٦: ٤٤: ٢١١ و كذا ٦: ٥٩: ٣١٠] و مرّ [جواهر الأسرار ٥: ٢٦١: ١٢٥٩].

«شرح توحيد الصدوق» ص ١٥٣ رقم ٥٢٢ ص ١٦، الملقب بحكيم كوچك: هذا اشتباه.

ص ١٥٣ ص ٢١، للمولى محمد كرم: انظر ج ١ ص ١٩٦.

ص ١٥٤ ص ٦، في كربلاء: انظر أعيان الشيعة ج ٤ ص ٣٣.

«شرح التهذيب» ص ١٥٧ أقول انظر ما ذكرناه هامش ج ٦: ٥١: ٢٥١ و ٢٦٢ و نسخنا من هذا الكتاب الشريفة بحمد به كتاب الطهارة و هذا نصّ بحاشيته «و اتفق»

الخ و بعده كتاب الصلوة ينتهي بانتهاء نسخة القاضي المذكورة في المتن من دون تاريخ التأليف بل حاشيته كالاتي قال «و قد اتفق» الخ و في النسخة من أولها إلى أواخرها تصحيحات جديدا المصنف و إصافاته بخط يده الشريعة و عليها صورة المذكية لجعفر بن كمال الدين البحراني و للشيخ فراح الله العلامة ثم مهر السيد العلامة حجة الإسلام الشفيق و انتقلت بعد وفاته إلى بعض بناته ثم ناعه بعض أولاد البت لبعض الكشي فاشترى بها منه و الحمد لله رب العالمين و لا ينبغي أن المصنف كثيراً ما ينقل عن شيعته البهائي و يدعوه له بقوله (آية الله) و كلاهما قد توفي في عام واحد هو ١٠٣٠ و قد مرّ شرح استبصاره به باسم استقصاء الاعتبار في ح ٢ ثم إنه ذكر السيد محمدعلي نائب الصدر الإصفهاني في بعض إفاداته في مجموعة ١٦٤٩ أن عنده نسخة حاشية الشيخ محمدعلي العقبة و نسخة حاشية على التهذيب هذا ثم إننا قد رأينا نسخة كاملة أخرى كالتي عندنا في سنة ١٢٨١ بطهران عند ابن عمّا الحاج السيد جعفر بن آية الله الحاج السيد أحمد الموسوي الخواساري و معها عتق من (ملاحم الأحرار) للعلامة المجلسي و كلاهما بخط جديدا الإمام العلامة الحجة آية الباري الحاج السيد أبي القاسم بن الحسين الحسيني الموسوي الخواساري (١٠٩٠ - ١١٥٨) قلنس الله تعالى أرواحهم فرع من طهارتها في ٦ دي الحجة ١١٣٦ في قرية فودجان من قرى جربادقان و من الصلوة في صبيحة يوم الثلاثاء ١٤ محرم ١١٣٧ في تلك القرية أيضاً و ذلك في عين باثرة فتنة الأفعان و الخاصل أن تلك النسخة نفيسة جداً ثمينة للعناية والسلام. حرّره في ١٠ صفر ١٤٠٦

«شرح قنظ الكلام» ص ١٥٩ رقم ٥٣٧: أقول مرّ له [الإمامة ٢: ٣٢: ١٢٧٢] مع

النكملة.

«شرح قنظ الوصول» ص ١٦٧ رقم ٥٦٧: أقول عندنا نسخة هذا الشرح الشريف و آخرها «قد فرع جامع هذه الموائد و نظم هذه الفرايد العفرف إلى الله العلي حسين بن عبدالحق الإلهي الأردبيلي من جمعها و ترتيبها في آخر شهر ربيع الأول سنة ثلث و أربعين و تسعمائة» ثم بعدها توقيع الكتاب و هو يوسف بن محمد الخليلي و في الهامش هكذا «قابلت مع سواد الأصل و صحّحت بقدر الإمكان و العلم عند الله للملك المستعان ثم في شهر رمضان سنة ٩٥٦» و على ظهر النسخة ما صورته «قد ملكه بالشراء

الشرعي أقلّ العباد الحاضر منهم و الصادق بن الحسين الحسيني الكركي العاملي» انتهى و هو السابق ذكره في الرقم قبله.

«شرح الجعفرية» ص ١٧٤: يأتي أيضاً سهواً في ص ١٧٦.

«شرح الجعفرية» ص ١٧٥ رقم ٥٨٧ س ١٨، احتمال: مرّ احتمالاً في ص ١٧٤.

ص ١٧٦ س ١، شرح الجعفرية: مرّ أيضاً سهواً في ص ١٧٤.

ص ١٧٦ س ٤، المكتبة الرضوية: رقم (٤١٣) المورّخة سنة ٩٣٧ و أيضاً رقم (٤١٢) المورّخة سنة ٩٧٦ و أيضاً رقم (٢٦٨) المورّخة سنة ٩٨٥ و أيضاً رقم (٢٦٩) المورّخة سنة ٩٥٥ و أيضاً رقم (٢٧٠) المورّخة سنة ٩٧٥ و أيضاً رقم (٨٣٧) المورّخة سنة ٩٧٢ و أيضاً رقم (٨٣٨) المورّخة سنة ٩٨٠.

ص ١٧٧ س ٢٢، سنة ١١١٩: يراجع كتبها فهرست كتب خطي ص «...»

«شرح الجواهر الفارقة» ص ١٧٩ فهرست طاهرية مطبوع ٥٦.

«شرح حال و آثار سيد جمال الدين آقاي» ص ١٨٢ انظر «خاطرات السيد ٧:

١٢٣: ٧٢٣»

«شرح حجة المظنة» ص ١٨٥ رقم ٦٤٢: أقول أعلم أولاً أنّ هذا العنوان للكتاب صحيح لا مزية فيه و قد مرّ سابقاً مسطحة بعنوان «حجة المظنة ٦: ٢٧٦: ١٥٠٤» و التسامح من أجل عدم تأمل شيخنا المصنف رة في السعة المطبوعة و أمّا في هذا الموضع فقد عرف الكتاب بعد التأمل في المخطوطة أنّه شرح بحث حجة المظنة من الهداية مع ذلك يظهر من جذبا الشارح الإمام القمقام أنّ الأصل رسالة لوالده الحجة المحمّد مستقلة أدرجت في كتاب الهداية صرح بذلك في معتنح الشرح أعلى الله تعالى مقاميهما في دارالسلام و أمّا قوله [عبد الرحيم لإصمهي] فالصواب [الحاج محمّد رحيم بيك الايوان كيمي] و أمّا ولده جذبا الحجة الشيخ محمّد تقى صاحب الهداية و غيره من التصانيف القويمة فهو المهاجر بعد حضوره في الحنف الأشرف و تعفّيه على علمائها إلى إصمهاك إلى أن توفى إلى رحمة الله و دس في مقبرته المعروفة و مزاره المتبرك و توجد ترجمة الإمامين الوالد و الولد في «مكارم الآثار» و سائر تآليف في التراجم و الأخبار و لتتمة الكلام انظر تكملة «هدية المسترشدين ٢٥: ١٩٥: ٢٢٨» و السلام.

أواخر شوال ١٤٠٧

«شرح حديث البساط» ص ١٩٠ رقم ١٦٦٣ أقول عندنا ثلاث نسخ من هذا الكتاب وقد أورد الشارح في أواخره خطبة البيان تشهورة وقد في حقها [و هي في استفاضة بين علماء الخاصة عية عن السد و الرواية] انتهى ثم في ختامه المسكبة شرح حديثاً عن كتاب بصائر الدرجات للصغار «في تحقيق ارباع كل من الظاهر و الباطن بالآخر و عدم انعكاسها عند أهل البصرة و النضر و أن لإيمان بأحدهما لا يجمع مع رد الآخر» و الحديث ما كتب الإمام الصادق عليه السلام في جواب للمصل «أما بعد فإني أوصيك و نفسي بتقوى الله و طاعته» الخ.

«شرح حديث حب إلي من دناكم ثلاث» ص ١٩٥ رقم ٦٨١: انظر ح ٢ ص ٩٢ و راجع كتاب [أحاديث مشوى ٦٨، ١٨٢ لمرور بها] ما أحد الحديث عند العامة.

«شرح حديث الحقيقة و الخمس كلمات لله» ص ١٩٦ رقم ٦٨٤: أقول المراد بحديث الحقيقة ما ورد مرسل في آثار بعض الصوفية و العرفاء [أن أمر المؤمنين عليه السلام أروى كميل بن زياد السعفي يوماً على ناعم سي و كسم فقال كميل ما الحقيقة؟ قال عليه السلام ما لك و الحقيقة؟] الخ و قد شرحها جماعة منهم الشيخ أحمد الأحسالي بشرح دقيق عميق طبع في آخر المجلد الثاني من [توابع اليكتم] مجموعة رسائله و إقاداته مختصراً بالعارضية و تم شرحه كمال الدين حسين حواري في مقدمة كتابه [جواهر الأسرار ٥: ٢٦١: ١٢٥٧] و نسب هناك إلى الإمام معصوم جعفر الصادق صلوات الله عليه كلاماً في العشق لم يجده في عمره من الكتب بل ورد عنه عليه السلام خلافه في كتب الحديث و الله العالم و قد بحث عن الحديث و شروحه الناشيرون في «فهرست مركزي ٣: ٤٦٠ — ٤٦٤» فراجع و انظر «الكلمية ١٨: ١٢٩ — ١٤٠ متعددة».

«شرح حديث حماد» ص ١٩٨ رقم ٦٩٣ ص ١٢، سنة ١٢٦٦: أقول هذا التاريخ اشتباه محض و الصواب الذي لا مرية فيه و لا شبهة بعثه أن حديثاً الإمام العلامة الأفقه الأزهري المجتهد إمام المحدث آية الله العظمى سيدنا السيد ميرزا محمد باقر الموسوي الإصفهاني قلنس الله تعالى روحه و ولد «...»

«شرح حديث حماد» ص ١٩٨: للآقا محمدرضا بن آقا حسين الخوساري، عدي نسخته بخط حديث الحاج مير أبو القاسم مصممة إلى كتابه الآخر (مائدة سملوة).

«شرح حديث الدنيا مزرعة للأخرة» ص ١٩٨ رقم ٦٩٥: و نسخة منه عندنا في مجموعة جليلة كلها بخط جدنا العلامة احماد السيد محمد شفيق صاحب الروضات فلتس سرهما (و رقم المجموعة ٢) و لما أخذ الحديث عند العامة يراجع كتاب «أحاديث مشنوى ص ١١٢ لفروراني»

«شرح حديث رأس الجالوت» ص ٩٩ . أقول و لشيوخ أحمد الأحسائي رسالة حول الحديث مطبوعة في [جوامع الكلم ٢: ٢٧٦ - ٢٨٠]

«شرح حديث رأس الجالوت» ص ١٩٩ رقم ٦٩٦ ص ٩، مع رسالة له: اسم تنك الرسالة «أنوار التوحيد ٢: ٤٢٢: ١٦٦٦».

«شرح حديث السبية» ص ٢٠٠: و هو «مثل أهل بيتي كسبية نوح من ركبها يحيى و من تحلف عنها هنك» انظر «راحة الروح» و للسيد الإمام الأمر حامد حسين أيضاً إثبات الحديث من طرق أهل السنة و شرحه. طبع بآخر بمحمد حديث الثقلين من [عقب الأوبار] بعده في الجزء السادس من النسخة التي طبع بإشرافنا في إصفهان

ص ٢٠١. أقول يوجد نسخة الحديث في مجموعة نصبه كثيرة في المكتبة بتهران راجع لراما العهرس ح ١٥ ص ١٤٥ رقم ٣١ و لا يعمل و ينفل « . » ص ٢٠١ ص ٩، فراجع: في ص ٢٢٢ رقم ٩٨٦.

«شرح حديث لا يلدع المؤمن من حجر واحد مرتين» ص ٢٠٥ انظر [الوجيز ٥: ٢٥٨: ٥١]

«شرح حديث قد سعدنا ذرى الخفاق» ص ٢٠٥. مر في [شرح حديث سعدنا] رقم ٧٠٣.

«شرح الحديث القدسي كنت كذاً مخلفاً» ص ٢٠٥: أقول لم يرقمه المصنف و لم يذكر «الأعيان الثابتة» في موضعها. و انظر لراما مقالة [حديث كثر مخفي و سير تاريخي أن] بالفارسية، لعلني خادم، نشرت في مجلة [كبهان فرهنگي] الرقم المسلسل ٤٦ - ١٦ - [١٧] و انظر أيضاً كتاب [أحاديث مشنوى ٢٨ - ٢٩: ٧٠] لفروراني و ذكر الحديث أيضاً رشيد الدين الميمني في تفسيره [كشف الأسرار ٦: ٤٧٧ و ٨: ٣٨٧] و صدر الدين الشيرازي في [أجوبة للسائل ١٥٠ - ١٥١] و نلاحظ أنه لا يوجد في كتب الحديث لا من الشيعة و لا من السنة.

«شرح حديث لولاك لما خلقت الأفلاك» ص ٢٠٦ رقم ٧٢٤: أقول طبع السؤال و الجواب في [جوامع الكلم ٢: ٢٥٤ - ٥٥ ط تبرير ١٢٧٦] و تمسك بالحديث أيضاً الصنبري في «أجوبة المسائل ص ١٥١» و كثير من أصحاب التصوف و العرفان في كتبهم الدائرة السائرة مثل كتب السيد حيدر الآملي و غيره و بعض مآخذه في كتاب «أحاديث مشوي لمرور انهر الرقمين ٥٤٦ و ٦٥٥» إلا أن للحديث عجر يعد من أسرار المعصومين صلوات الله عليهم أجمعين و هو [ر لو لا علي لما خلقتك و لو لا فاطمة لما خلقتكما] فتكلم الأحصالي حول الفقرة الأولى و هي لو لا علي من دون اطلاع على المآخذ و لا على فقرة الأخيرة و أما تمام الحديث المنس فمأخذه الوحيد ما ذكرناه في التكملة ١٨: ٥٥ كشف اللآلي» مراجع و اعتم و الحمد لله و انظر ما ذكرناه في التكملة على [مولد فاطمة عليها السلام ٢٣ ١٢٧٥ ١٨٩٦]. في ٢ ح ١٤٠٩

«شرح حديث من عرف نفسه فقد عرف ربه» ص ٢٠٨ رقم ٧٣٤: للحديث و بعض شروحه يراجع كتابنا «مهرست كتب خطي ج ٢ ص ٢٢٠» و أيضاً تعديلاتنا المطبوعة و المخطوطة على رسالة الخير و التعويض لصدر المتأخرين ص ١١ و من جملة الشارحين للحديث هو الأخوند ملا حبيب الله بن علي ~~مكة الكاشاني~~ اسمه (فلس المقيس) طبع حنف (بجمع الموائد و ملتقى الشوارد) في قم سنة ١٣٩٩ و منهم السيد محمد النوربخش المذكور في «ديوان نوربخش ٩: ١٢٢٨ ٦٩٧٤» شرح عرفاني مختصر عبدنا نسخة المكتوبة سنة ١٠٠٩ بخط ناصبي في مجموعة من ملاحظات الواصب عدلهم الله ردأ علي شيعه أمير المؤمنين علي بن أبي طالب صلوات الله و سلامه عليه.

«شرح حديث من عرف نفسه» ص ٢٠٨، اسمه اصول من عرف: ليظمن قسب من عرف لصاحب الدين المارندرائي أو كنه (احمد لله الواحد الصمد) ذكره في (كشف الحجب) (كلها في ج ٢).

«شرح حديث بية المؤمن خير من عمله» ص ٢٠٩ رقم ٧٤٠ من ١١، حاشية السبع الشداد. أقول و أشار إليه أيضاً في [شرح الصحبة لكاملة ٣٩٤ ط قم].

«شرح حكمة الإشراق» ص ٢١١ رقم ٧٤٩: أقول انظر [الحاشية علي حكمة الإشراق ٦: ١٢١: ٦٥١].

ص ٢١١ س ١٦، القطب الشيرازي محمد بن مسعود: أقول كذا في «مختصر شرح
حكمة الإشراف» ٢٠: ١٩٨: ٢٥٥٨» و لكن الصواب محمود بن مسعود و تاريخ وفاته
كما يأتي في الموضع المذكور ٧١٠ و ما في المتن عطف و انظر ترجمة الرجل في الأعلام
للزركلي و هناك صورتان من خطّه و إمضاءه، ثمّ اعلم أنّ من تصريح ابن العتايقي عليه
الرحمة بأنّ شارح الكتاب هو القطب الشيرازي يظهر جلياً بطلان سسته إلى تميله
القطب الرازي السويهي كما هو رأي الاستاذ جلال الهماي في «مولوى نامه ١: ١١٠: و
٢: ١٠٨١» ثمّ إنّ من العرائب إيراد ترجمة لقطب الشيرازي في الحقائق الراهة ٢١٢ مع
نصريحه بها بأنّه من العامة فبكر الإدخال من طرف القائم بشر الكتاب لذكره الموضع
المتدع من عمله في خلال الترجمة و الله الهادي.

«شرح حكمة الإشراف» ص ٢١١ رقم ٧٥٠: أقول مستعصاً بالله الصمد إنّ الشيخ
البهائي ره في آخر كتابه [شرح الأربعين حديثاً] كان ما نصّه [و قد نسب العلامة في
شرح حكمه الإشراف] الخ فلعن من أخذ من هذا المصدر في نسبة الشرح إلى العلامة هو
كلام الشيخ البهائي و لا بدّ أنّ المصدر نسب الشرح إلى العلامة الخلي مولانا الحسن بن
يوسف قنّس سرّه و لكن كلام البهائي بمحمّل يقتصر فيه على وصف الشارح بالعلامة
عطف و لم يجد في أسماء مصنّعات العلامة الخلي ره شرحاً على حكمة الإشراف و إنّما
الشرح المعروف انطبوع الدائر لقطب الدين محمود الشيرازي المعروف عند القوم بالعلامة
أبصاً (متوفى ٧١٠) و هو الذي يوجد في مكتبة السيّد المشكوة المهداة إلى (كتابخانه
مركزي دانشگاه طهران) بعين النسخة موصوفة في المتن و التفصيل في فهرس المكتبة
المركزيّة ج ٣ ص ٤٥٥ — ٤٥٩. ثمّ إنّ السيّد الداماد نقل في كتابه [القياسات ١٠٣ و
٣٧٣ ط ٢] عن شرح حكمة الإشراف و وصف الشارح بقوله [بعض المحصلين] من دون
ذكر اسمه و على كلّ حال فلا إشكال في كون القطب الشيرازي من العامة دون الخاصة
و الله العالم. في شهر رجب ١٤١٠

و ليعلم أنّ العلامة المجلسي قنّس سرّه نقل كلام الشيخ البهائي في كتبه مثل «مرآة
العقول ١٤: ٢٢٤» و «ملاد الأخيار ٣: ٣١٢» و «بحار الأنوار» و تعبّره بعين ما في
الأربعين البهائية من قوله «و قد نسب العلامة في شرح حكمة الإشراف» و هكذا

العارة في «رياض السالكين» ١: ٣٣٨ ط قم» للسيد عليخان الشيرازي أعلى الله مقامه نقلاً عن البهائي أيضاً و قد صرح باسم صاحب شرح حكمه الإشرافي و لقنه الشيخ محمد بن علي المشتهر بابن خاتون سمع الشيخ البهائي في شرح أربعين أستاذه الذي ألفه في حياة الأستاذ فكتب له تقرظاً في ١٠٢٧ و التصريح في آخر الكتاب (ص ٤٦٦ ط ١ ممبئي) حيث قال [مولانا قطب الدين محمد علامه در شرح حكمه الإشرافي] الخ بعد هذا التصريح لا يبقى أدنى شك في أن شرح حكمه الإشرافي لنقطب الشيرازي دون العلامة الحلبي جمال الدين الحسن بن يوسف أعلى الله درجته و السلام. حرر في ليلة ٧ شهر ع ١ سنة ١٤١٢

﴿شرح خطبة الميان﴾ ص ٢١٨ عثرت على نسخة نفيسة من مقدمة شرح الخطبة في أسرار مناقب أمير المؤمنين عليه السلام مشتملة على مطالب عالية عرفانية و م يتجاور النسخة تلك المقدمة الطويلة و كأنه لم يكتب من شرح الخطبة شيئاً أو كتب و بقي في المسودة و الله اعلم و المؤلف هو مولانا محمد علي بن محسن الإصفهاني قدس في أوله بعد الديباجة (أما بعد محمى عماد كه چون بخطبة قبار كه موسومة بخطبة الميان در حمله خطب مولاي مؤمنان و پیشوای یقینان) الخ و النسخته كتبت في حياة المؤلف بأمر و د العاقل مولانا محمد جعفر (ط) و في بعض المواضع حط المؤلف رحمه الله تعالى و انظر ج ٧ ص ٢٠١/٢٠٠ و أيضاً ما نقلناه في التكملة على «شرح حديث البساط ١٩٠ ٦٦٣» عن القاضي سعيد القمي في اعتبار هذه الخطبة.

«شرح خطبة التطنجية» ص ٢١٩ رقم ٧٧٨: مر ذكر الخطبة في (ج ٧، ٢٠١ ٩٨٩) ملاحظ.

ص ٢١٩ س ٢٠، (مرآة الكتب). ثم طبع قسم من أوله باعتناء الشيخ عبد الله ثقة الإسلام في طهران عام ١٤٠٥ كما ذكره في موضعه من الميم

﴿شرح خطبة مولانا أمير المؤمنين عليه الصورة و السلام في جوامع التوحيد رواها ثقة الإسلام في الكافي﴾ ص ٢٢٠ للمولى الرقي صاحب «شرح حديث رأس الجالوت ١٩٩-٦٩٦» طبع بعد الشرح المذكور مصححاً إلى «مشكلات العنوم ٢٨٣ - ٣٠٠ ط ٢» و طبع له بعله «فائدة في حقيقة الإيمان و الكفر و أقسامهما و مراتبهما ٣٠١ - ٣١٠».

«شرح الخطبة الشافعية» ص ٢٢٢ رقم ٧٨٦: (شرح الكرباسي) نسخة منه في ٥٠ ورقة موجودة في مكتبة السيد گنبايگي بنم قال السيد الإشكوري في فهرس تلك المكتبة ج ١ ص ١٩ أنه فرع من الشرح في ٢٣ شهر رمضان ١٢٨٦ و أنه شرح بالقول أدلياً صرف.

«شرح خطبة قواعد الأحكام» ص ٢٢٤ رقم ٧٩٥: أقول راجع «القواعد ١٧: ١٧٦: ٩٣٠» و ما ذكرناه فامشها.

«شرح خطبة همام» ص ٢٢٥ رقم ٨٠٣ توجد نسخة أصله بخط الشارح عبدنا.
«شرح خطبة همام» ص ٢٢٦ رقم ٨٠٥ س ٤، سنة ١١٣٩: الصواب أن المحاضرة كانت في النصف الأخير من عام ١١٣٤ كما هو معلوم و ذكره أيضاً في [مرآت الكتب] أول تراجمه اتبع شيخنا ره في ذكر التاريخ أنهي ١١٣٦ صاحب دانشمندان و بورگان اصغهان و اعلم أن المأخذ الوحيد للرجل هو التكملة و إلا فتم يذكره غيره من أمثال الحرير في تاريخه و تذكرته و أما سيد الأعيان فلم يكره بطلاً عن التكملة أيضاً و الله العالم.
«شرح خطبة همام» ص ٢٢٦ رقم ٨٠٦: توجد نسخة عبدنا في ٤٤ ص فرع من الشرح في شهر جمادى الآخرة سنة ١٠٦٩ و للنسخة بخط بعض ذوي أرحامنا الظاهر أنه جدنا من قبل بعض المعاصرات الحاج مير سيد عمي المجهد (١٢٤٧ - ١٣٢٦) ابن العلامة الحاج مير سيد محمد شقيق جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات قدس الله تعالى أرواحهم فرع من كتابتها في ١٢٦٧.

ص ٢٣٥ س ٤، المتخلص بنار: أقول الصواب دارر كما في ح ٩ ص ٣١٩ رقم ١٨٨٦.

ص ٢٤٢ س ٢٢، و نسخة: انظر ما ذكرناه في التكملة على [الإجارة ١: ٢١١: ١١٠٥].

«شرح دعاء البيت المعمور» ص ٢٤٧: انظر في التكملة [دعاء البيت المعمور ٨: ١٨٨].

ص ٢٤٩: أقول من جملة شروح دعاء السمات كتاب [اللمعات] الآتي في مكانه (ح ١٨: ٣٤٦: ٤١٦) و من جملتها شرح الشيخ موسى بن المرتضى بن العباس بن الحسن بن

حدثنا الإمام الشيخ جعفر كاشف الغطاء النجفي المتولد سنة ١٣١٧ كما ذكره الصحفي النجفي علي الخاقاني في [شعراء العربي ١١ ٥٢٠] ثم علقه بكلام فطيع سمى لعزته عال [شرح دعاء السمات مختصر و هذا الدعاء كما يبدو لي أنه دعاء يهودي يعرف بدعاء شيور و فيه مدح لسي إسرائيل و قد ثبت عن قرائته و وصحت ذلك لكثير من المؤمنين] انتهى أقول يا ليت هذا الصحفي وضح ذلك بعداء و اشغف في و هم كثيرون في بلاده و لم «...»

ص ٢٤٩ ص ٢١، الجوفوقى: الجرقوقى. صبح

«شرح دعاء السمات» ص ٢٥١ رقم ٩١٤ أقول رأيت نسخة منها رفم الكاتب في آخرها [قد رفع المراع من استنساخه في دراسته إصغهان يوم الخميس ثاني عشر شهر محرم الحرام سنة ١٢٥٥].

«شرح دعاء الصباح» ص ٢٥٢ رقم ٩٢٠. شائد ابن شخص از اهل ست باشد و بمايرين معلوم هست شرح دعاء صباحش اين دعای مورد عث باشد
«شرح دعاء الصباح» ص ٢٥٢ أقول له بر في السبع التي بأيديها اسماً كهذا لشرح الماصل الحاجوتي و إنما قال في المقدمة إن الدعاء موسوم بدعاء الصباح و موصوف بمفتاح العلاج و مصباح السجاء، و هو كما ترى و قد بسطنا الكلام في هذا المقام في هامش ص ٣٣٩ ح ٢١ فراجع.

«شرح دعاء صمعي قریش» ص ٢٥٦ رقم ٩٤٣. يراجع كتابنا فهرست كتب خطي

ص ٣٠١

«شرح دواودة امام» ص ٢٦١ رقم ٩٦٩. سياني ذكر هذا الكتاب أيضاً في ص ٨٨ رقم ١٨٥١ فراجع و انظر ما عتصا على كلامه هياك و لا تعمل
«شرح ديوان أمير المؤمنين عليه السلام» ص ٢٦٦ رقم ٩٨٦ و طبع أيضاً سنة ١٢٨٥ و معه العواتح السبع.

ص ٢٦٧ ص ١٢، لايت تشيعه: أقول إن تشيع الرجل بمعنى اعتقاده الصر و العصمة و قبول ما عليه الطائفة الحققة من العقائد الحققة فهذا معلوم عندنا بل صرح حدثنا الإمام المحدث في «الروصات» مرة بأنه سمي في ص ١٩٠ ص ١١) بل أنه الناصب المطعون

(س ١) أخرى في نفس ترجمة الرجل (الرقم ٢٦٧ ص ٢٥٨ من ٢٧ ص ٢٧) بما لا يريد عليه و ذكرنا نحن في شرحنا للروصات أدلة ظاهرة قوية في ذلك وفقاً لله لإكماله و راجع (مشآت المييدي) في ج ٢٣ ص ٣٩.

«شرح ديوان گلشن راز» ص ٢٦٩ رقم ٩٩٥: مدحه جتبا الإمام المحدث صاحب الروصات في كتابه و أربع نسخ منه مذكورة في فهرست أحمد المتزوي ح ١/٢ في كتب العرفان ص ١٢٤٩ فليراجع.

«شرح ديوان المصفي» ص ٢٧٤ رقم ١٠٠٤: يا الله! ذكره المصنف في طبقات أعلام الشيعة «الساس ١٧» بعنوان أحمد بن عبدالله بن سليمان و العهدة في ادعاء تشيع الرجل عليه انظر مقدمتنا لتكملتنا هذه.

«شرح الرأية» ص ٢٧٨ رقم ١٠١٤: يراجع ج ١٠ ص ٥٣ و ج ١٧ ص ١١٦ و ج ٢٠ ص ٩٢.

«شرح الرباعيات و شرح الفول و شرح البهت» ص ٢٧٩ رقم ١٠١٥ أقول راجع [ديوان الدواني ٩: ٣٢٩: ١٩٥٧].

«شرح الرباعيات الفارسيات في الحمكة» ص ٢٧٩ رقم ١٠١٦: عددا نسخة ضمن مجموعة.

«شرح رسالة في الحساب» ص ٢٨٦ رقم ١٠٣٥: أقول عبارة «روصات الجئات ١: ٢٣٤ ط إصمهان» هكذا: «و شرحه أيضاً على كتاب له ره (أي لأبيه) في الحساب» انتهى و أظنّ المن القواعد الأربع المعروفة الحسابية التي ذكرها في «مشكلات العلوم. ١٤٩ — ١٧٢ ط ٢» تحت عنوان تمهيد. قوله (المتوفى سنة ١٢٤٤) أقول الصواب (١٢٤٥) كما نقلناه عن الكرام لشجها المصنف و غيره و يتباه في حواشي الروصات.

«شرح رسالة العلم» ص ٢٨٧ رقم ١٠٤٥: و عددا نسخة ضمن مجموعة.

«شرح رسالة المعنى» ص ٢٩٠ رقم ١٠٥٥: يراجع ج ٩ ص ٣٨٤.

ص ٢٩١: شرح الرسالة الواهية يراجع شرح الواهية.

«شرح الروضة البهية» ص ٢٩٢ رقم ١٠٦٣: انظر له الحديقة الحقبية في ج ٦ ص

«شرح الزبدة» ص ٢٩٨ رقم ١٠٨٧ ص ٧، سنة ١٠٩٩: تراجع لراماً الروضة المصرية

ص ٦٥.

«شرح الزبدة» ص ٣٠٠ رقم ١٠٩٩ أقول عندما من نسختان الأولى منهما نسخة جدنا الإمام المحدث صاحب الروضات فنس لله روحه كاتبها محمد كاظم بن محمد بصير المزارعري في سنة ١٢١٧ و عيها تعليقات كثيرة في الحواشي (منه) أي من الشارح نفسه و الثانية كاتبها محمد عيسى بن محمود جان اسبها في فرع منها في ظهر يوم السبت خامس شوال ١٢٣٣ نقلاً عن نسخة خط الشرح و بالهامش تاريخه كما في المتن و يظهر من عاثة تلك النسخة أن الكاتب كان من أهل الفصل و الأدب و حواشي الشارح في هذه النسخة قليلة و في أواسطها حاشية لمولى أمين حميد الشارح رقمه (أمين عيسى) و نقل هذا الحميد من جملة أولاد آقا محمدرضا بن آقا محمدهادي ابن المولى محمدهاج الشارح للزبدة من آقا محمدرضا الله كور كان مقصداً في ههنا و حصر في شرح النسخة السيد. الله المزارعري فلتوقى ١١٧٤ كما في إجارته الكبيرة و قال هناك... في عشر الخمسين.

«شرح الزيارة الجامعة» ص ٣٠٥: اسمه «حقايق الأحرار» مر في ح ٧.

«شرح الزيارة الجامعة الكبيرة» ص ٣٠٥ رقم ١١١٦: تراجع فهرست مشار ص ١٢١

ح ١.

«شرح الزيارة الجامعة الكبيرة» ص ٣٠٥ رقم ١١١٧: أقول نقل عنه الشيخ هادي الطهراني النحوي في كتابه تفسير آية النور ص ٢٥ ط سنة ١٣١٩ ق و هنا نص كلامه «قال جدي العلامة المجلسي نور الله صريحه في شرح الجامعة للثلث محررة الحجة» الخ و قد وجدت هذا النقل حرفياً في كتابه «روضة المتقين ٥: ٤٦٢» الذي هو شرح «كتاب من لا يحضره العقيه» بالعربية و الطاهر عدم العثور صاحب التريفة على هذا الشرح و على هذا للطلب هناك فمن البعيد في العدة أن يكون للمجلسي طاب رسمه رسالة مستقلة في شرح هذه الزيارة الشريفة بعد أن شرحها مرتين في شرحه على العقيه

بالعربية و الفارسية و الله العالم م ع ر عمي عنه في ٢٣ دي القعدة ١٣٩٨ هـ

«شرح ريادة عاشوراء» ص ٣٠٨ رقم ١١٣٠ أقول انظر له «إشياء الصلوات ٢:

٣٩٢» و «الأوالي ٢ ٤٧١» و ما ذكره في التكملة لا سيما من تاريخ وفاته و أمّا المجموعة المذكورة فمستحقا «شرح ريادة عاشوراء» في ١٦٠ ص و تمامها في ٢٦٢ ص و قد اسكنها بخطه الحيد و به الأديب العاصم علي بن عبد الرسول المعروف بعبد الرسول المتوفى ١٣٦٢ و تم طبع المجموعة قبيل وفاة المؤلف طاب ثراه و البادل لعممة طمعها هو الشاهزاده أبوالمفضل ميرزا عصب السطاب اس مطهر الدين شاه القاجار حاكم گيلان فلها تمت المجموعة في غاية العاسة من حيث الكتابة و الطاعة و الورق و التجيد رحم الله معشر اناصير و انظر كسمة عن الرجل في «خاطرات شيخ الملك ولد الملا عبد الرسول مجموعة خاطرات وحيد ٢ ٧٢٦» و أيضاً «فهرس الرصوية ٦ ٣٣٢» و السلام. م ع ر في ١٣ قعدة ١٤٠٦.

«شرح الشافية» ص ٣١٤ رقم ١١٥٩: مراجع كتابا «مهرست كتب عطفي ح ١ ص

٣٨٥» محواشيتها الجديدة و مرّ ذكر هذا الكتاب في (ح ٣: ١٧٠، ٥٩٦، ٦) و يأتي في (ح ١٧: ٢٢٧: ١٢٤٨) مع تعليقتنا بحكمة ~~الكتاب~~

«شرح الشافية» ص ٣١٤ رقم ١١٦٢. «شرح شافيه أبي فراس» قال الامير محمد

رفع نظام العلماء الطباطبائي في كتابه (معدنح الكور: ٤٠٤) بعد نقل مطالب حول الأعداد ما لمطه. (و هذا الامتساط العرب السبي محمد بن منصور بن صدر الحسيني الحسيني في كتاب شرح قصيده أبي فراس) سهي انقصود من كلامه و الطاهر أن الرجل هو صاحب الذكرى (١٠: ٣٨: ٢١٠، و نقل هذا الشرح هو المذكور في المس (الرقم ١١٦٢) و الله العالم

«شرح الشافية» ص ٣١٥ رقم ١١٦٤: رجع (ديوب أبي فراس) في (ح ٩: ٤٧٠، ٢٦٠) و

مرّ شروح الديوان في ص ٢٦٤.

ص ٣١٦ س ٢٢، ذكر (شرايع الإسلام) و قد مرّ جملة من المحواشي عليه في ج ٦.

«شرح الشرايع» ص ٣١٧. لسيد أبي صاب بن عبدالمطلب الحمداني اسمه «المواهب

العلوية» كما في مكارم الآثار (رقم ١٠٩٤)

«شرح الشرايع» ص ٣١٧. للشيخ أبي علي الحائري الرجائي صاحب [منتهى المقال]
نقل عنه شيخنا في الرواية الحاج الشيخ محمد صالح الحائري المازندراني في كتاب [توضيح
مسائل ٤٥٤ ط ١ طهران] و طاهره وجود نسخة عنه و صرح بأنه في الطهارة و
الصلاة و الله العالم.

ص ٣١٧ من ٢٠، كما يأتي: + ص ٣٢٩ — ٣٣٠

«شرح الشرايع» ص ٣١٧ رقم ١١٧٢ اسمه «مهج الاجتهاد»

«شرح الشرايع» ص ٣٢٤ رقم ١١٩٣ توفي صديق المرحوم السيد أبوالحسن المشهور
بكتابي في بيته بحلة مسجد حكيم في إصفهان.

«شرح الشرايع» ص ٣٢٦ رقم ١٢٠٣ س ١٣، و يظهر لم يثن لي وجه هذا الظهور
مع أن صاحب الكشف لم يذكر له حاشية شرايع و اشتبه عليه الأمر في ذلك كما مر
في ح ٦ ص ١٠٧ مراجع

«شرح الشرايع» ص ٣٢٦ رقم ١٢٠٥. أقول أنظر له «المتاخر ١٩ ٦٠ ٣١٨» و ترجمه
الرجل و اسمه في «مناصب السجف ١٢٥٢ — ١٢٣١» في دليل الصفحتين»

«شرح الشرايع» ص ٣٢٨. أقول لا يخفى أن الطهارة المعروفة المطبوعة للشيخ
الأصاري قدس سره شرح على الشرايع و لإرشاد معاً و لعل اكتماء صاحب اللوامع
عن الطهارة بكتاب أساده بهذه أساسه و قد سبق أن فسا في هامش ح ١ ص ٥١٢ و في
هذا المجلد ص ٨٠ أن رعم الجميع بأن طهارة الشيخ شرح لإرشاد العلامة فقط رعم
فاسد بل هو شرح لظاهرة الشرايع هذا و لإرشاد معاً و يأتي ذكر اللوامع في محله (ح
١٨: ٣٥٨).

«شرح الشرايع» ص ٣٢٩: أقول ترك لمصنف الترتيب رجاء ذكره باسمه (مدارك
الأحكام) و لكنه لم يذكره في تلخيص حياً في العيون بلا رقم و راجع (مكارم الآثار
ح ٧ رقم ١٤٩٠).

ص ٣٣٠ من ٣، لعلماء قمشه فكيف تصرفتم فيها يا مولانا و المصنف لم يذكر في
هذا الموضع كيفية وقوعه على آثار اندلا مهدي و أنها كانت في أي بلد و في أي بيت و
عند أي شخص و ليراجع «مدارك الأحكام».

ص ٣٣٠ من ٧، اسم هذا الشرح (مدرك الأحكام) أقول قد مرّ في ص ٣١٧ من ١٨ قوله (أقول لعلّه حاوي مدارك الأحكام) الخ

«شرح الشرايع» ص ٣٣١ رقم ١٢١٦. يأتي له (شرح المعالم رقم ١٧٩٤) يراجع (مطلع الشمس ج ٢ ص ٤٢٠) و (مكارم الآثار ح ٧ رقم ١٤٩٤).

«شرح الشرايع» ص ٣٣٢ رقم ١٢١٧. أقول سيأتي له «شرح الصحيفة ٣٥٩: ١٣٢٨» ثم (صواني الصافي ١٥: ٩٥: ٦٢٥) و مرّ له «الخرائد ٧: ١٤٣: ٧٩١» و له تعليقات على نسخة [كر العرفان في فقه القرآن ١٨ ١٥٩ ١١٨٤] و [النور الساطع ٢٤: ٣٦٩: ١٩٨٠]. «شرح الشرح» ص ٣٣٢ رقم ١٢٢٠. كذا في ج ٦ ص ١٢٩ ع ٦٩٦ أيضاً و الصواب أن شرح الشرح بهذا الوصف للسيد التماراني مشهور كما لا يخفى.

«شرح شعاع بوعلی و شرح مشوی مولوی منتخب و مروج از ترجمه سید علی بن محمد بن اسدالله امامی عریضی إصفهانی از شاگردان آقا حسین خوسراری» ص ٣٣٦ للسيد حق القسي طبع بطهران سنة ١٣٦٦ هـ (١٣٥٦ ق) في ٢٨٨ ص بالتحكم الرقعي كما يظهر من فهرس المشار و عرّ الشار في «فهرست کتابهای چاپی فارسی طبعی» للدكتور محمود النجم آبادي و سمر ذكر [ترجمة لشماعة ٤: ١١٠: ٥١٤].

«شرح الشمسية» ص ٣٣٦ رقم ١٣٣٨، للمولى عبدالحلي: أقول انظر له [الأبعاد و الأجرام ١: ٧١: ٣٥٢] مع التكملة.

«شرح الشمسية» ص ٣٣٧: أقول ذكرنا ما يتعلق بهذا الكتاب في موضعه «تحرير القواعد المنطقية ٣: ٣٨٨: ١٣٩٥» و بقي أن نقول إن ما ذكره شيخنا المصنف العلامة أنه ألف القطب هذا الكتاب للخواجه عياث الدين محمد كالمدي ذكره صاحب «فهرس جامعة طهران المركزية ٣: ٢٥» فالظاهر بل المصون أن هذا الكلام مبني على ما ذكره مؤلف «كشف الظنون ٢: ١٠٦٣» و نطها عطفاً فإن في النسخة المطبوعة بمصر كالمطبوعة بطهران سنة ١٢٩٩ قد صرح في الديباجة باسم (الأمير أحمد) مقترناً بالأوصاف العائقة و الألقاب الشائعة فلا يصدق الخواجه عياث المذكور و لعلّ النسخة التي رآها صاحب الكشف كانت عملاً عن اسم (الأمير أحمد) ففاس الأمر بكتاب (لوامع الأسرار ١٨: ٣٥٩: ٤٧٢) الذي ألّفه لقطب لعياث الدين المذكور و الله العالم

بمقاييق الأمور و أما تاريخ التأليف فقد تكتمنا عليه في الموضع الأول فراجعته مثل كلامنا على تشييع القطب و أما ما ذكره من أن الرجل كان أستاذ الشهيد فيه أيضاً تأمل أي في تتمده لديه و لانعلم في ذلك أريد من استجارته منه كما في الحقائق الراهة ٢٠١.

«شرح شواهد ابن النظم» ص ٣٣٧ س ٢٢، و هو وهم: أقول صرح بهذا الوهم أيضاً شيخ مشايخنا السيد أبو محمد الحسن صدر الدين في التكملة الآمل ٣٥٥

«شرح شواهد البهجة المرحية» ص ٣٣٨ رقم ١٢٤٩: انظر له «عنوان نامها ١٥: ٣٥٤: ١٢٦٩» و ذكر المشار في «المؤلفين ٦: ٦١٥» شرح شواهد التصريف و شرح شواهد العوامس و قال إنهما طبعاً في تحرير سنة ١٢٦٧.

«شرح شواهد الربوبية» ص ٣٣٩ رقم ١٢٥١: الشارح الحكمي له ترجمة في «القباء ١٦٠٧» و «أعيان الشيعة ٤١: ٩٧».

«شرح الشهاب الثاقب» ص ٣٤٤ أقول انظر [الرد على الشهاب الثاقب ١٠: ٢٠٢ ٥٣٩ و ٥٤٠] و الكلام على الشهاب في تكملة /

«شرح الشهابية» ص ٣٤٤ رقم ١٢٧٨: انبعاث بايد بعنوان شرح الشهابية ذكر شنه باشد اگر چه متر هم صحيح لم يكن

«شرح الصحيفة» ص ٣٥٠ رقم ١٢٩٦ و يأتي له [كتاب المزار ٢٠: ٣١٧: ٣١٨٣] «شرح الصحيفة» ص ٣٥٣ رقم ١٣١٢ أقول في «تكملة أسن الآمل ٣٠٠» عند تكميل ترجمة زين الدين مكان ربح العابدین فراجع.

«شرح الصحيفة» ص ٣٥٤: بالعارسية معلامة الميرزا محمد علي الجهاردهي الشهير بالمدرس المتوفى سنة ١٢٣٤ طبع في مجلدين بظهران حوالي سنة ١٤٠١ في ٤٥١ و ٤٥٦ ص و له مقدمة في ٢٤ ص فيها ترجمة الشارح ره و ذكر الشارح سنده لرواية الصحيفة في أوله أنه يرويها إجازة عن العلامة الحاج ملا علي بن الحاج ميرزا خبيل الطهراني إجازة عامة لكن مروياته و هو يروي عن شيعه شيخ عبدعلي الرشدي عن السيد العلامة بحر العلوم الطباطبائي السجفي فتنس الله أرواحهم و بالجملة شرح المدرس معتبر مفيد جداً جزاه الله تعالى عذراً.

«شرح الصحيفة» ص ٣٥٦ رقم ١٣١٩: نسخنا التي اشتريها من بقايا مكتبة

محمد بن الحسين البصري في طهران بخط محمد اسمعيل بن ملا محمد حسين فرع منها في شهر
دي القعدة ١١١٧ و عليها تسجيل مكتبة الشيخ محمد علي الواعظ التلوا سكاني في ١٣٤٠ و
حائمه و خاتم السيد عبدالوهاب و خاتم والده السيد محمد مهدي بن حجة الإسلام
السيد محمد باقر الشامي البيضا بادي رحمة الله عليهم أجمعين و من المهم ما هو مكتوب
على الصفحة أيضاً بهذه الصورة «شرح صحيفة مولانا ميرزا محمد حياط» انتهى و هذا
يشعر بأن الرجل كان في زمانه موصوفاً بذلك و الله العالم و ليس في نسختنا تاريخ
تأليف الكتاب مطلقاً و مرّ له (التحفة الحسبية في ح ٣ : ٤٢٩ : ١٥٥٧).

«شرح الصحيفة» ص ٣٥٩ رقم ١٣٢٨ : أقول مرّ له أيضاً «شرح الشرايع ٣٣٢ : ١٢١٧»
و كلمة الصدر مقولة عن نكسته في «أعيان الشيعة ٥٢ : ٦١»
ص ٣٦٥ س ٤١٨ منه له أيضاً : (في ص ١٣١ : ٤٣٥).

«شرح العرشية» ص ٣٦٨ رقم ١٣٧٥ : ينظر له (شرح المشاعر) في ص ٦٥ ج ١٤
«شرح عقائد الصدوق» ص ٣٧٠ : شرح اعتقادات الصدوق
«شرح العقائد العنصرية» ص ٣٧٠ رقم ١٣٨١ : أقول يراجع كتاب «شرح رندگانی
ملا جلال دواني ص ١٦٠» للشيخ علي دواني و ما ذكرت هناك هامش بسختي.
«شرح عهد أمير المؤمنين» ص ٣٧٣ : أقول مرّ أيضاً في «ترجمة العهد ٤ : ١١٩ : ٥٦٩» و
ذكر هناك وفاته صحيحاً في سنة ١١١٠ كما أنها عليه مراراً
«شرح عهد أمير المؤمنين» ص ٣٧٤ : قوله كما يأتي أقول بل قد مرّ في موضعه من
حرف احمرة [١ : ٢٩ : ١٤٧].

«شرح عهد أمير المؤمنين» ص ٣٧١ رقم ١٣٩٨ : مكرّر لما مرّ بعنوان «ترجمة العهد ٤ :
١١٩ : ٥٧٠».

«شرح عهد أمير المؤمنين» ص ٣٧٥ رقم ١٤٠١ : مكرّر ما مرّ بعنوان «ترجمة عهد
مالك الأشتر ٤ : ١١٩ : ٥٧١».

«شرح عيون الحساب» ص ٣٧٥ : يراجع ما ذكرناه في هامش عنوان الكتاب في ج
١٥ ص ٣٧٨.

«شرح العينية» ص ٣٧٥ : يأتي بعنوان (شرح القصيدة العينية) : يعني بعنوان شرح
القصيدة الحميري العينية في ص ٩ من الجزء الثاني فما بعدها.

ص ٣٨٨ س ١٠، في إجازته لابن عثون: إجازات البحار ص ٤٠.

«شرح القصائد السبع العلويات» ص ٣٩١ رقم ١٤٧٠ أقول سبه إليه قبل الكشف

صاحب «أمل الآمل: ٢٥٥ ط الصحف» و سب تاريخ وفاته إلى «بجالتس المؤمنين».

ص ٣٩٣ س ١، لأبي عبد الله الحسين بن أحمد الشورري أقول الصواب حسن بن أحمد

الروزي من أهل رورن بين هراة و ساور توفي سنة ٤٨٤ قاص عام بالأدب و له

المصادر و ترجمان القرآن و هو من العامة و جمع شرحه في مجموعة شعرية أدبية على

المحر في سنة ١٢٧٣ بطهران و الشرح من أوطا إلى ص ١٢١ و المجموعة في ٢٢٤ ص غير

مرقمة و طبع أيضاً غير مرة كما في المهارس مثل «فهرس المشار: ٥٦٤ ٥٦٥» و انظر

«الأعلام ٢، ٢٣١» و لا يخفى أن شبحاً انصف قد اطبع قديماً على المجموعة المطبوعة

المذكورة و وقف على محتواها كما سيذكر منها «شرح قصيدة البردة ٧٠: ١٥٠٠» و لما

راى في مصحفها سنة شرح المصائد إلى الروزي صراحة أعرض عن إيرادها في هذا

الكتاب و بعد مدة عشر عني مخطوطه بذلك بالوصف المذكور في المتن عدكرها ها عن

النسخة المطبوعة مع ترديده الظاهر عن قوله فراجع. م ع ر في ٢٦ قعدة ١٤١٦.

ص ٣٩٧ صحح جميع ما في هذا المجلد في حطب الكتاب هذا اللون الأزرق و

الحمد المستحقه في ١٧ محرم ١٤٠٥.

ثم تم نقل المستدركات المطبوعة ح ٢٥ بتمامها و الحمد لله رب العالمين و تم

في ليلة السبت ١٤ من ع ١ سنة ١٤٠٥ هـ.

ص ٤٠١، المصحح: طاهراً آفا سيّد محمدحسن آل طالقاني مصحح ابن جرء بودة و

ابن كلمه ار او است.



الجزء الرابع عشر

«شرح قصيدة ابن الفارسي» ص ٣ رقم ١٤٧٨ س ٣، اسمه كشف وجوه. الصواب الوجوه كما لا يخفى و في كشف الطيرون ١ ع ٢٦٦ أيضاً بعد أن ذكر شرح داود من دون ذكر اسم للشرح قوله «و ذكر بعضهم أن اسم هذا الشرح كشف وجوه العرّ لمعاني الدرّ» انتهى. و يأتي في ديل الصفحة هذه أن كشف الوجوه العرّ لمعاني نظم الدرّ اسم شرح عزالدین محمود الكاشاني.

«شرح قصيدة ابن الفارسي» ص ٣ رقم ١٤٨٩ أقول انصواب نسبة الشرح إلى عزالدین محمود فقد ذكره صاحب كشف الطيرون في حاشية شراح التائية فقال (و شرح الشبح عزالدین محمود الطبري الكاشي لتوفّي سنة خمس و ثلاثين و سبعمائة أوله الحمد لله الذي خلق صبح الوجود الخ) انتهى و وجه استظهار شبهة من أنه اشتباه بعبدالرّاق ركوبه و وثوقه بل اعتباره بما رآه في طهر النسخة المطبوعة بمصر سنة ١٣١٠ ثم في طهران سنة ١٣١٩ و لم يحتمل ره اشتباه الناسين في طهر المطبوعتين و يمكن أن يكون مشأ اشتباه الناسين ما رأوه في كشف الطيرون المطبوع أو بالعكس كما سيبيته ثم إن المطبون أن طبعة طهران من شرح التائية هذا منقولة عن المصرية و اسم الكتاب «كشف الوجوه العرّ لمعاني نظم الدرّ» كما في أوله و انظر رقم ١٤٧٨ و ما يأتي في صدر الصفحة الآتية و انظر أيضاً عنوان الكشف في ج ١٨ ص ٦٧ من السريعة. ثم أقول إنه يظهر جلياً من الأدلة التي ذكرها الأستاذ جلال هماني في مقدمة (مصباح الهداية) لعزالدین محمود أن كشف الوجوه انطبوع هو لعزالدین المذكور من دون أية شبهة فراجع.

«شرح قصيدة ابن الفارض» ص ١٤ (في ح ١٨ ص ٦٧) ثم لا يخفى أن الحاجي خليفة ذكر في «كشف الظنون ح ١ ع ٢٦٦ ط مسطور سنة ١٣٦٠» من جملة شروح «الدائمة في التصوف» قوله «و شرح الشيخ عز الدين محمود النصري الكاشي المتوفى سنة خمس وثلاثين و مسمائة أوله الحمد لله الذي خلق صبح الوجود الخ» انتهى ثم قال بعد ذكر عدة شروح أخرى ما لفظه «و شرح الكاشاني أوله الحمد لله الذي خلق بقدسه صبح الوجود الخ و هو شرح عمروح كتب الأبيات تمام» انتهى و قد أدخل الطابع بعد قوله «الكاشاني» من إضافات اسمعيل باشا في متن كشف الظنون ما لفظه «هو كمال الدين عبدالرزاق بن جمال الدين أحمد الموقفي سنة ١٣٠٠ سناه كشف الوجوه الخ» (كذا م ع ر) لمعاني نظم الدرر» انتهى أقول و لا أعلم لأن مثلاً كلام اسمعيل باشا هذا مع أن الحاجي خليفة قد عاون شرح الكاشاني مرتين و عنه سهى في التكرار فمرة نسب الشرح إليه مع التصريح باسمه و مرة و مرة و أخرى مكتسباً بالكاشاني فقط و في كلا الموضعين نقل أول الشرح و هما متعددان تماماً إلا في كلمتين (تكرار) و لعلها سقطت في الطبع سهواً و لعل ما أدخله اسمعيل باشا في كلام الحاجي خليفة مفسد إلى السبعة المطبوعة من كشف الوجوه لغير سنة ١٣١٠ بمصر على هيفتش شرح ديوان ابن الفارض أو العكس و ليس بوسعي الآن أريد من هذه لطائف بي أن تضع على كشف الظنون المطبوع بأروبا و مصر و على فهرس المكتبات و الله موثق و انظر كشف الظنون و ما علفا عليه و (مصباح الهداية ص ١٨ من مقدمة الأستاذ هاني) و ما ذكرنا في هامش نسخنا من شرح ديوان ابن الفارض و نسخنا من كشف الوجوه المطبوعة بظهران و الله موثق حرره العبد سيّد محمد علي روضاني في ٧ صفر ١٤٠٣

تذكرة: و لابن الفارض قصيدة كافية أولها ته دلالات ألفت أهل بذاكا / و تحكم فالحسن قد أعطاك! أوردتها بطونها الشهاب أحمد البخاري في كتابه روض الاداب ص ١٣٣.

«شرح قصيدة بحر العلوم» ص ٥ رقم ١٤٩٣ راجع ح ٩ ص ١٢٧ رقم ٧٨٢.

«شرح قصيدة البودة» ص ٦ رقم ١٤٩٤. قوله «لعل مراده» الخ أقول هذا التريديد غير

صواب و الشرح المذكور على الميمية و نسخه موجوده عندنا و بسطنا الكلام حول

المس و الشرح و وصفها نسخة في كتابا منصوع «فهرست كتب خطي كتابخانههاى
اصفهان رقم ٨٠».

«شرح قصيدة البردة» ص ٧ رقم ١٥٠٠، و طبع سنة ١٢٧٣: هذه النسخة موجودة
عندنا في مجموعة شرح المعنقات و عمره و الشرح عظيم القدر جداً و يظهر من «شربة
كتابخانه مركزى ١١، ٢٤٥» أنه لأبي شامة عبدالرحمن بن إسماعيل بن إبراهيم المقدسي
الدمشقي المتوفى سنة ٦٦٥ حيث عرفت الداشهزوه في الشربة نسخة من الشرح ووجدتها
في حرة جامعة لس المجلس ناسأ له أبي شامة مذكور من دون ذكر مأخذ في السبة إليه
كما أن في النسخة المطبوعة في المجموعه المذكورة في المس ليس فيها اسم الشارح و ما
ذكرناه لاتحاد أول ما نقله في المس مع ما نقله الداشهزوه و الله العالم و بالنوصف
المذكور أيضاً نسخة أخرى في الظاهرية دمشق كما في فهرسها «الشعر ص ٢٨٧» و
ليراجع «فهرست كتابخانه ملى ١٠ ٣٥٦» و لم يكن نسخنا من الفهرست حاصراً الآن
حتى نطر فيه ثم لا عفى أنه لا دلالة على أن الشارح من أصحابا مطلقاً كما توهمه
شبهنا المصنف بصرف ما رواه في الخطبة من «نصوصات على أن النبي صلى الله عليه و
عليهم و آله و سلم و باظمها و شروحها و سائر محتلفاتها موضوع مقال مبسوط نشر
في مجلة تراثنا بعدد المردوجين ٢٩ إلى ٤٢، م ع ر في ٢٦ مع ٨١٤١٦

«شرح قصيدة الحميري البائية» ص ٩ رقم ١٥٠٨، الحميري: يراجع ديوان السيد
الحميري ص ٨٣.

«شرح قصيدة الحميري البائية» ص ٩ رقم ١٥٠٨ أقول ترجمته في مكتب اعمان ص
١١٩ و التي بعدها و (الوافي بالوفيات ح ٩ ص ٢٦٨) و (أعيان الشيعة ج ١٢ ص ٤٠٣) و
(الأنوار الساطعة للمؤلف ص ١٩) و (مبته الرعين ص ٢٣٨)

«شرح قصيدة الحميري البائية» ص ٩ رقم ١٥٠٩ أقول لم يعثر عنه صاحب معجم
المطبوع فلم يذكره و قد طبع هذا الشرح في صي مجموعة فيها أيضاً «توضيح
المقاصد» كما مر في موضعه و انظر وصف هذا الشرح في كتاب (أدب المرتضى ص
١٥٧).

«شرح قصيدة الحميري العينية» ص ١٠ رقم ١٥٢٠: يعني نسخة خط الشارح كما

ذكره في مجلد الصيام من (وقائع الأيام: ٤٨٣) متأ و هامشاً و وصف الرجل بالعالم الجليل الركي و صاحب العسل الحلي و ذكره أيضاً في «علماء معاصرين ص ١٢٠» و انظر ج ٩ ص ٨٣٦ و ما عتقنا عليه هـاك و نجد ترجمته في (مكارم الآثار ٦: ٢١٩٢ فما بعدها).

«شرح قصيدة دعبل» ص ١٢ رقم ١٥٢٦: بيد مراجعته شود كه القوي چه بوده و عندما نسخة بخط جدنا الأعلى الحاج آد و راجع ما ذكرناه بهامش اليباص الكمالي و كتاب زندگنامه علامه مجلسي ج ٢ ص ١٦٠ و ٣٥٢.

«شرح قصيدة الفردق» ص ١٣ رقم ١٥٣٦ لسلا محمد شمع هذا يراجع كتاب (زندگنامه علامه مجلسي ج ١ ص ٣٧٣ و ج ٢ ص ٣٤٢/٣ مع ما ذكرناه بهامش مسختا) و يراجع (مرآة الاحوال جهان نما).

«شرح قصيدة الفردق» ص ١٤ رقم ١٥٣٨ تكيه الفردق بأبي فراس أمر معرو عه مصرّح به في رواية الكشي و غيرها يراجع الروضات و شرح مشيخة العقيه و مجلة (معالات و بررسوها ع ٣٩ - ٣٨) و يأتي [قصيدة الفردق ١٧: ١٢٣: ٦٤٨].

«شرح القصيدة المديقة» ص ٩ من ٩.

«شرح القصيدة المزدوحة» انظر ح ١٧. ١٢٩ ٦٧٨ و التكملة.

«شرح قصيدة المير الفندرسكي» ص ١٥ رقم ١٥٤٤: اسم هذا الشرح «نعمّة المراد» كما ذكرناه في موضعه و طبع مصوراً عن خط الأدب فصل الله لائق و معه مفتحة الطوبى و تعيقاته المعيدة طهران ١٣٣٧ش

«شرح الكافي للمولى حسين القروي» ص ٢٧ يراجع ج ١٥ رقم ١٧.

«شرح الكافي للسيد رفيع الدين» ص ٢٧ كما مرّ أيضاً في ح ١١ ص ٩٦.

«شرح الكافي للمولى محمد صالح» ص ٢٧ مرّ ذكره أيضاً في ح ١٣ ص ٩٧

مراجعته.

«شرح الكافي» ص ٢٨ رقم ١٥٨٨: و يأتي شواهد إسلامه في ج ١٤ ص ٢٤٢ رقم

٢٣٧٩

«شرح الكافية» ص ٣٠ رقم ١٥٩٧: أقول نسخة نفيسة مه فرع من كتابتها الكاتب

في أواخر جمادى الآخرة سنة خمسين و ثمانمائة ثم قبيلها و صححها من البداية إلى النهاية العلامة الدواني محمد بن أسعد الصديقي و فرغ من مقابستها و تصحيحها في يوم الأربعاء تاسع عشر من شهر جمادى الأولى سنة ثمان و ثمانين و ثمانمائة ٨٨٨ توجد في المرعشيّة بقم كما في فهرسها ١٩ : ٢٦٣ : ٧٤٦٤ و أخطأ للمهرس في قراءة تاريخ الكتابة فحسبها ٧٥٦ و الصواب ما ذكرنا نقلًا عن صورة خط الكاتب و المصحح و في تلك المكتبة أيضاً نسخة أخرى رقمها ١٦٥٧.

﴿شرح الكبرى﴾ ص ٣٢ : ذكرناه باسمه «محة الطالبين».

«شرح الكفاية» ص ٣٤ رقم ١٦١٥ ص ١٠، أجلاء: الصواب (من أجلاء) أو (أجل).

«شرح الكفاية» ص ٣٤ رقم ١٦١٧ أقول مرّ له «إحاشية على الكفاية ٦ : ١٨٨.

١٠٢٦» و الظاهر اتحادهما.

«شرح الكفاية» ص ٣٥ رقم ١٦١٩ أقول مرّ هذا الشرح أيضاً بعنوان «إحاشية على

الكفاية ٦ : ١٨٨ : ١٠٣٠».

«كفاية المقصد» ص ٣٥ و يأتي عن شروحه «شوارح الهداية ٢٣٧ : ٢٣٦٣».

«شرح الكفاية» ص ٣٦ رقم ١٦٢٥ : أقول مرّ في كتاب (شجرة طيبة ص ٤١٠)

للمدرس الرضوي نقلًا عن رهاص اجته البروري أن للسيد ميرزا محمد مهدي الشهيد المذكور شرح كفاية البروري خرج منه الظهارة مبسوطاً و الظاهر أنه الآتي في ص ٣٧ رقم ١٦٢٨ و راجع ما ذكره هامش ح ٢٤ . ٣٩ بعنوان (براس الهداية).

«شرح الكفاية» ص ٣٧ رقم ١٦٢٨ راجع ما ذكرناه آنفاً هامش الرقم ١٦٢٥

«شرح كلام الشهيد الثاني» ص ٣٧ رقم ١٦٣٢ : راجع الكواكب المنتشرة.

«شرح كلمات بابا طاهر» ص ٣٩ راجع ما ذكرناه هامش «اللوایح» في (ح ١٨ :

٣٧٢ : ٥١٠).

﴿شرح كلمة التوحيد﴾ ص ٤١ : فارسي سظم الدين أحمد البدخشي الملقب بعاريجان

هو في شرح «رساله در بیان کلمه توحید» كما في عنوانها الأصلي للعلامة الدواني ذكر الشارح في مقدمة كتابه أن هذه الرسالة خاتمة مصنّعات العلامة الدواني و المتن و الشرح كلاهما بالفارسية و ذكر الأصل في السريعة ح ٤ ص ٤٨١ رقم ٢١٤٨ بعنوان (التوحيد)

إجمالاً من دون إشارة إلى نسخة سوى نسخة راجه فيض آباد ثم إن الشارح بعد الفراغ من شرح رسالة اللواتي ألحق بها نكمة في تكميل المباحث المذكورة في تلك الرسالة و كلها مبني على قواعد التصوف و العرفان و السحرة من مكتبة السيد.

«شرح الكلمات المائة» ص ٤١ رقم ١٦٤٨: أقول يأتي أيضاً في «نظم صد كلمه ٢٤:

٢١٦: ١١٢٠»

«شرح الكلمات المائة» ص ٤١: تأتي شروح في ص ١٤٩ ١٥٠ و [النهاج ٢٣:

١٦٨: ٨٥٢٠].

«شرح لامية عبدالباقي العمري» ص ٤٣ رقم ١٦٦٧: و رأيت نسخة مخطوطة منه ناقصة الآخر عبد السيد اخاخ آقا محمد بن آقا ميرزا محمود الروصاني في ليلة ع ٢ سنة ٩٧ أعطاها لصهره.

«شرح لغز الرعدة» ص ١٥ رقم ١٦٧٤: أقول يأتي «لغز الرعدة ١٨. ٣٣٤ ٣٥٥» و للشع إبراهيم المصري الحلبي شرح عليه نقل عنه في سنة ١١٦٥ الورع الركبي محمد رابع باشا المتولد ١١١٠ الموافق ١١٧٦ شطراً مما يتعلق بأسرار الحروف على مشرب القوم في كتاب «سعيه الرابع و دقة مطالب ٣٩٢ - ٣٩٦ ط ٢ سنة ١٢٨٢ ط بولاق».

«شرح مبادئ الوصول» ص ٥٣ رقم ١٧٠٩: ممكس است ابن دو شرح يكي باشد اما شارح يكي ار شاگردان علامه است كه برای سيد عميدالدين نوشته است.

«شرح مبادئ الوصول» ص ٥٣ رقم ١٧٠٩ س ١٦، قال أقول. ار ابن كتاب سه نسخه داريم

«شرح مبادئ الوصول» ص ٥٤ رقم ١٧١٣. اسمه نهاية المأمول عندنا منه نسخة.

«شرح المختصر النافع» ص ٥٨. للتسمي «مجمع الخوامع» لاورنگ ريب ميرزا القاجار كما مر في دليل «ديوان حيرت قنجار ٩. ٢٧٤. ١٦٤٩» و لم يذكره في موضعه من الميم.

«شرح المختصر النافع» ص ٥٩ رقم ١٧٣٦: و عدي نسخة من كتاب الصيد و الدبائح يقال أقول نافلاً تمام المتن و ينتهي إلى المرائض و في النسخة شرح قطعة من كتاب التجارة و قطعة من العشق أيضاً و تشتمل على أربعة من رسائله ره.

«شرح المختصر النافع» ص ٦١ س ٦، اسمه (غاية المرام): في السبعة التي عدنا «لغاية المرام» و هي من كتاب الكاح إلى آخر الدر و في الروصات ص ٦٠٢ عن مقامع الفصل أنه لم يؤلف سوى هذا المختصر و كلام الشرح في آخر نسخة هكدا (تمّ المجلد الثالث من كتاب لغاية المرام في شرح مختصر شرايع الإسلام صحي عام الخميس التاسع عشر من شهر رجب الأصيب شهر الله الحرام من شهر سنة ست بعد الألف... و كتب مؤلفه... محمد بن علي بن أبي الحسن الحسيني ره و نسخنا جديدة مورخة ١٢٤٠

«شرح المختصر النافع» ص ٦١: لقول يأتي في موضعه أن المتن و الشرح كلاهما للسيد.

«شرح المسائل الكلامية» ص ٦٤ رقم ١٧٥٧: أقول لا ينبغي أن المصنف لم يذكر المسائل الكلامية هذا في كتابه «حياة الشيخ الطوسي» و لكن مرّ في التريمة هذا بعنوان الآخر «ثلثون مسألة كلامية» و قد توجد مجموعة رسائل بخط عبدالله بن محيي الدين بن عبداللطيف ابن علي بن أبي جامع الحارثي الهمداني العاملي في مكتبة المدرسة الرضوية بقم و فيها رسالة كتب عليها ما نصّه «شرح الثلاثين مسألة الكلامية في معرفة الصانع» و هذا الشرح بالعربية و لا يوجد فيه اسم المشرح و هو في الكتاب من كتابه في العشرين من شهر ربيع الثاني عام السبعين بعد الألف و حيث إن عندي شرح آخر لهذا الكتاب و هو أيضاً بالعربية و لا يعرف شارحه لفص الورقة الأولى من السبعة و هذه السبعة في مجموعة بخط حسين بن أحمد بن كمال بن ابراهيم بن مرتضى بن جعفر الحسيني و فرع هو من كتابه هذا الشرح في السابع عشر من شوال سنة ثمان و أربعين و تسعمائة فقد طابقتها و عرفت أن المتن هدي الشرح و حد و هو «المسائل الكلامية» أو «الثلاثون مسألة في معرفة الله سبحانه» هذا

«شرح مشاعر الملائكة» ص ٦٥: للشيخ أحمد الأحساني شارح عرشته مسوط عندي من نسختنا.

«شرح المشاعر» ص ٦٥ رقم ١٧٦١، محمد جعفر بن محمد صادق: هو الحاجي محمد جعفر الرشتي الساكن بإصفهان الموفى سنة ١٢٦٠ و مرّ له (الحاشية على الشرح الجديد للتحديد) في ج ٦ ص ١١٤ و نسخة شرح المشاعر هذه مذكورة في فهرس

دانشگاه ج ٢ ص ٢٨٢. و مرّ له أيضاً في ص ٣٦٨ ح ١٣ (شرح العرشية).
 «شرح المشاعر» ص ٦٥ رقم ١٧٦٢، تصدق المولى المصطفى: نصّ كلامه هكذا: (أن
 أكتب عليها ما سمعته من الأستاذ المحقق و العاقل المدقق الفهامة الحبر الحرير مولانا
 مصطفى العنقاء أعلى الله مقامه في عشرين) انتهى و نفتته من نسخة مخطوطة.
 «شرح مشارق الأنوار» ص ٦٥ أورد يأتي التفصيل في موضعه من حرف الميم (٢١).
 (١٤: ٤٣٣٠).

«شرح المطالع» ص ٦٩، كان تلميذ العلامة الخلي و الشيخ الشهيد: الصواب [و شيخ
 إجازة الشرح الشهيد] كما لا يخفى و قد مرّ ذلك في (ص ٣٣٧ من ١١) و قوله (سواطع
 الأنوار) الصواب [لوامع الأسرار ١٨: ٣٥٩: ٤٧٢]

ص ٧١: فائدة؛ رأيت في بعض مسودّات جدّنا الإمام العلامة السيّد ميرزا محمد
 هاشم الجهارسوفي الموقى ١٣١٨ قنّس الله روحه ما لفظه الشريف «بسم الله قال
 والذي العلامة سلّمه الله حقّ السلامة في علمه على معالم الشرح ره أقول ليت شعري
 أيّ دليل قام على أن كلّ علوم الأسياء و الأئمة عليهم السلام مأخوذ من الوحي و
 الإلهام لم لا يجوز أن يكون منهم في بعض الأحوال على لمح التأمل و الاستدلال مع
 أنهم مثلاً من جهة البشرية اولوا قوة فكرية نظرية فمن يقم البرهان على امتناع
 الاجتهاد لهم فليأخذ منّي البعاري و إلّا فليحذر عن مصارعني في الحروب و المعاري
 انتهى» ثمّ ما وجدنا بخط جدّنا الإمام العلامة طاب ثوابه و نقول إن من جملة أدلّة ما
 ادّعاء جدّنا الأعلى قلّس الله روحه ما رأيناه في وصيّة مولانا أمير المؤمنين لولده الإمام
 المجتبى صلوات الله و سلامه عليهما من قوله عليه السلام «أيّ بيّ أيّ و إن لم أكن
 عمرت عمر من كان قبلي فقد نظرت في أعماهم و فكّرت في أخبارهم و سرت في
 آثارهم حتّى عدت كأحدتهم» هي آخر كلامه عليه السلام و هذا نصّ صريح في المدعى
 و الحمد لله ربّ العالمين.

«شرح المطالع» ص ٧٢ رقم ١٧٩٤: مرّ له (شرح الشرايع رقم ١٢١٦) يراجع (مطلع
 الشمس ج ٢ ص ٤٢٠) و (مكارم الآثار ج ٧ رقم ١٤٩٤).
 «شرح معني الفكر» ص ٧٣ رقم ١٨١٣: أقول نقل عن هذه النسخة السيّد محمد علي

ابن القاصي المذكور في كتابه «تحقيق دربره اولين اربعين ص ٧٥٩ فما بعد ط ٢».

«شرح مفاتيح الشرائع» ص ٧٨: يغفل عنه و عن كتابه الآخر المسقى بالمصابيح في حاشية منه على كتابه المناهل.

«شرح مفاتيح الشرائع» ص ٧٩ رقم ١٨١٦: أقول نقل شيخنا في الرواية العلامة الأستاذ جامع المعقول و المنقول الشيخ محمد صالح الحائري المشتهر بالعلامة البارزاني في [توضيح المسائل ٤٥٧] قطعة من شرح مفاتيح الميصر لسطه الاعا محمدعادي و لابد أن يكون مراده هذا الشرح.

«شرح مفاتيح الشرائع» ص ٧٩ رقم ١٨١٦ س ١٦، أخوه. أقول راجع للعمود بورالدين الأحاري [الكتاب المير ١٧: ٢٧٩ - ٢٨٤] و مذكراته بhamش الموضع و من أحسن ما ألف في ترجمة بيت الميصر الكشاني مقتعة كتاب [معادن الحكمة ٢١: ١٧٦: ٤٤٩٥] مطبوع في محمدين بطهران و الله فاعرف.

«شرح مفتاح العلوم» ص ٨١ رقم ٨٢٠: أقول انظر ما ذكرناه في الكلمة على [الباب الحساب ١٨: ٢٧٩: ٩٩] و لا يغفل.

«شرح مقدمة الكلام» ص ٨٥، المذكورة: في الصفحة السابعة من ١٠.

«شرح مقدمة الكلام» ص ٨٥ من ١٩، قد مرّ هناك عنوانه فقط و أنه ذكره في «الأمل» و غيره.

«شرح مقدمة الكلام» ص ٨٥ رقم ١٨٣٩: راجع العدد ١٧٥٧.

«شرح المناظرات المأمورية». للعالم الجليل محمد بن الحسين الشهير باسمعيل انارندري ره و فيه فوائد جيّدة و مطالب حسنة أشهرها نقله عن مجلد صيام و فائغ الأيام للخياباني ره ص ٦٥١.

«شرح منازل السائرين» ص ٨٨ رقم ١٨٤٨ لنا في تشييع عبدالرزاق الكاشاني نظر بل مع كما يّنه في موضعه راجع له «اصطلاحات الصوفيّة في ج ٢: ١٢٢: ٤٩١» و ما ذكرناه في التكملة.

«شرح المناقب» ص ٨٨ رقم ١٨٥١: بسمه تعالى؛ ما ذكره شيخنا للؤلأف أعلى الله تعالى مقامه في هذا المقام عمر صواب فإن «شرح المناقب» بالفارسية الذي طبع بطهران

عام ١٣٢٢هـ إنما هو للسيد صاخر بن السيد محمد بن صاخر بن حمزة الموسوي الخليلي الحكيم من تلامذه السيد أبي الحسن الإصفهاني المشهور بجلوه و أورد المؤلف ره ترجمته في كتاب نقيب البشر ص ٨٨٦ و عتفا على ما ذكر هناك بعض المطالب. و قد مرّ ذكر هذا الكتاب في ح ١٣ ص ٣٦١ رقم ٩٦٩ و أيضاً (ح ٨: ٢٦٩ - ١١٣٩) و كذلك (ح ٢٢: ٣١٧ ص ٢٣) فلا تعمل ثمّ إنّه عمر المولى محمد صاخر بن محمد سعيد الخليلي و انظر (مهرس الرضوية ٦: ٢٣٣).

«شرح من لا يحضره الفقيه» ص ٩٤، (معاهد النسيه). يأتي في ح ٢١: ٢٠٨: ٤٦٤٣ و قد مرّ أيضاً بعنوان الحاشية في ح ٦: ٢٢٤ - ١٢٥٨
«شرح منهاج النهاية» ص ٩٥، (معراج الشريعة) أقول و مرّ شرح المعراج هذا (٧٢: ١٧٩٧).

«شرح النسخ و النسخ» ص ٩٧ رقم ١٨٨٨ طبع الشرح المذكور بطهران سنة ١٣٤٤ش و عدنا نسخة مه أي من المطبوعة و يأتي ذكر المصنف معصلاً في ح ٢٤ مع سائر ما ألفت في الموضوع فراجع

«شرح نعمة العباد» ص ١٠٠، ميسل: سن كما في ح ١٢ ص ١٣٣.

«شرح نعمة العباد» ص ١٠٢ يراجع الدررمة ح ١٩ ص ٦٨ حتماً.

«شرح نصاب الصبيان» ص ١٠٧ رقم ١٩١٩: أقول بخط تاج الدين حسين صاعد ابن الأمير شمس الدين الإصفهاني في بيانه الكبر المؤلف حوالي سنة ٩٨٨ (في ص «...») ما يعظه «ار شرح نصاب مولانا شرف الدين عني شيعكي فتن سره العالي في ذكر أولاد النبي صلي الله عليه و آله و سنم يعنى ابن قصه بسب در ذكر اولاد نبي» ثم نقل عنه ما يساوي صفحة كاملة.

«شرح نهاية الإنجاز» ص ١١٠ رقم ١٩٣٢: نظر النهاية في ح ٢٤ رقم ٢١١٨.

«الخواشي على نهج البلاغة» ص ١١٥، منشع أحمد بن الحسن الباقدي يراجع.

«شرح النهج» ص ١١٩ رقم ١٩٥١ ص ١٧، و بجهت غموض، مطلب عريب في خلع البدن و انظر الخليفة في ح ٧ ص ٢٤١.

«شرح النهج» ص ١٢٢ رقم ١٩٥٤. هد شبه عما يأتي ظاهراً فإنّ لم يعثر على ماخذ صحيح يسب إليه شرح النهج.

«شرح النهج» ص ١٢٢ رقم ١٩٥٤ س ١١، للصلاة؛ و اقتدى به في هذا الأمر تلميذه الجليل الخاج آقا رحيم المجهد المشهور بأرباب من أجله فقهاء بصعها و حكمائها الأعيان و من المهتمين بالنهج و شرحه الخديدي مستحصراً مطالب هذا الشرح و حافظاً لعباراته المهمة عن ظهر القسب و هو من جملة من كتب لنا إجازة الرواية عنه فقس الله تعالى روحه.

«شرح النهج» ص ١٢٣ رقم ١٩٥٧ س ١٦، هو حافظ القرآن الشريف حافظ القرآن و النهج.

«شرح النهج» ص ١٢٦ رقم ١٩٦٤. أقول الطاهر أنه هو المذكور في كتاب «الآل» التمية» للسيد حسن القروي وضعه بقوله (بأنه في الاختصار و الإعادة) كما في «أعيان الشيعة» ح ٣٢ ص ١٢٦ و عليه فاعنوانان المرقمان في الأعيان (٦٥١٦ و ٦٥٢٠) لشخص واحد و أيضاً السطور الأحياء في ص ٥٧٧ من الكرام البررة خطأ و لا دخل لهما بالمذكور هاك رزقا الله العنود على إجازة الشيخ حسن حتى يرتفع الحجاب جلياً إن شاء الله و الله العالم بمخالفات الأحوال م ع ر عني عنه في ٢٤ ع ١ سنة ١٤٠٦

«شرح النهج» ص ١٢٩: أقول راجع (منهج المعرفة و الهداية) في ح ٢٣، ١٩٨: ٨٦١٩ و ما ذكرناه بتمام الموضع

«شرح النهج» ص ١٣١. أقول لم يذكر المصنف شرح عبد الحميد هبة الله المشتهر بابن أبي الحديد مع أنه مرّ له «السبع العنويات ١٢: ١٢٩: ٨٨١» و أورد ترجمته في «الأنوار الساطعة ٨٨» و لكن لا يبقى لأحد بعد مطالعة شرحه للنهج أدنى شك في صلاح الرجل بل بحياته أكثر مما نجمها عند الفخر الرازي فالظاهر عدم استقرار نظر المصنف و رأيه في الرجل و الله اهادي إلى سواء السبيل

«شرح النهج» ص ١٤٠ رقم ١٩٨٠ أقول الذي يستعاد مما يقوله المصنف في آخر العنوان أن لرجل ترجمة و شرح بن فارس لبعض كلمات أمير المؤمنين صلوات الله و سلامه عنه فاطلق عليه شرح النهج و قد كان هذا العمل دليلاً على تشييع رجل فقد عمله أيضاً الملاحظ و الرشيد البوطوط و أمّا إيراد ترجمته في قسم الشيعة من رياض العلماء فليعلم أن الأهدى طاب ثراه لم يستند في تشييع الرجل سوى ما قاله من

معرولة بيته بالتشيع و إلا فلا يشتم من جميع ما بأيدينا من آثاره أدنى رايحة للتشيع فلا تعمل.

«شرح النهج» ص ١٤١ رقم ١٩٨٤: انظر ما ذكرناه في التكملة على «الحسه بوائي ٧: ٢٦٤: ١٢٧٤».

«شرح النهج» ص ١٤٥ من ٩، سنة ١١٩٠: يراجع ما ذكرناه بhamش نسخة من كتاب (ريد گيامه علامه مجلسي ٢: ٣٤٨ فما بعد).

«شرح النهج» ص ١٤٩ من ٨، المتوفى أقول يأتي في [مصباح السالكين ٢١: ١١٠: ٤١٦٦] ذكر وفاته في ٦٧٩ مع أن هناك تاريخ تأليفه لاختصار للمصباح سنة ٦٨١ و لكنه اختار في [الأبوار الساطعة ١٨٧] عام ٦٩٩ و ذكر ولادته في ٦٣٦ و الله عام ثم أن المحار في تاريخ ولادة ابن أبي الحديد ٥٨٦ و وفاته في ٦٥٦ و فراه من شرح النهج ٦٤٩ ابن أبي الحديد كان أكبر من الشيخ منهم ره سبعين سنة و توفي و للشيخ عشرون من العمر و ألف شرحه قل الشيخ يحيى نفي عملاً و ألف الحديد شرحه لابن العلقمي المتوفى ٦٥٦ وربر المستعصم و ابن ميثم لعطا ملك الخويسي حاكم بغداد المتوفى ٦٨١ و انظر ترجمة ابن ميثم في مقلعة [شرح المائة كلمة ٤١: ٨] و هو منهاج العارفين ٢٣: ١٦٨. ٨٥٢٠] له بقلم المحدث الأرموي و أيضاً كتاب [احوال و آثار خواجه نصير ٢٠٠] و [جامع الأسرار ٤٧٩] للسيد حيدر.

«شرح النهج» ص ١٤٩ من ١٤، سنة ٩٧٧: في منتصف ليلة السبت سادس شهر الله المبارك رمضان عمت بركته، كما في آخر الكتاب المذكور.

«شرح النهج» ص ١٤٩ رقم ١٩٩٩: أقول انظر [مصباح السالكين ٢١: ١١٠: ٤١٦٦]. ص ١٥٠ من ٤، سنة ٩٨١: في آخر شهر شوال كما في نسخة الشريفة التي هي بخط السيد حيدر بن علي بن حيدر العلوي الحسيني الآملي صاحب [جامع الأسرار] فرع من كتابه في آخر دي الحجة ٧٥٩ في مدينة الحلة و تماماً في ٥٠٧ ورقة.

«شرح النهج» ص ١٥٣ رقم ٢٠٠٤: و ترجم له أيضاً ابن شاکر في فوات الوفيات ح ٤ ص ٢٦٩ ط جديدة علىراجع حتماً.

«شرح الوافية» ص ١٦٦ رقم ٢٠٢٨: يراجع انكواك المنشرة ص ٣٨٢.

«شرح الوجوه» ص ١٦٨ رقم ٢٠١٣: أقول ذكرنا لشارح في التكملة «آداب صدوة

- النيل ٢٣: ١» و يأتي ذكر هذه «الوجيزة ٢٥: ٥١ ٢٦٥» فراجعهما.
- «هداية الحكمة» ص ١٧٣ أقول قد مرّ ذكر الكتاب و شروحه و الحواشي على كلّ من الشروح في موضعه ٦: ١٣٨ ١٤٠
- «شرح الهداية» ص ١٧٥ رقم ٢٠٥٦: أقول مرّ بعض الحواشي عليه في موضعه.
- «شرح الهياكل» ص ١٧٦ رقم ٢٠٦٥ راجع [كوهن مراد ١٨: ٢٥٠ ٢٥٨].
- «شرح هياكل النور» ص ١٧٧ س ١٠ أقول راجع (شواكل الخور ٢٤٠: ٢٣٧١).
- ص ١٧٨: ثمانية كتب بعنوان الشرط تذكر بعد عنوان الشرف أُعترت سهواً في الطبع.
- «شرعة التسمية» ص ١٧٨ رقم ٢٠٦٧: طبع كتاب الشرعة هذا أواسط سنة ١٤٠٩ في بلدة قم مع مقدّمة و تعليقات و في آخره بعض العقائد و المطلوبات للسيد السامد كتبها في ١٥٥ ص.
- «شرعة التسمية» ص ١٧٨ رقم ٢٠٦٧ س ٢٠: ثم ردّ كلام يعني ردّ السامد.
- «شرف ابوان الياس» ص ١٨٠ رقم ٢٠٧٣: أقول انظر ترجمة الرجل في «الأبوال الساطعة ٩٨ و ١٥٢» و روصات المختارات ص ١٧٠ مع التعليقة.
- «شرف السبع» ص ١٨٠ رقم ٢٠٧٦: عجماً كيف بعد المعري و أشباهه في عداد شيعة جعفر بن محمد صلوات الله عليهما.
- «شرط الخيار» ص ١٨٣ رقم ٢٠٨٦: لا يخفى أنّه قد تأخّر في الطبع مكان ذكر ثمان كتاب أولها شرط الخيار هذا و مكان كُنْ دُنْكَ قبل شرعة التسمية فلا يعمل
- «شرطه» ص ١٨٤: لعبدالله لُرواريد. يأتي بعنوان «مشآت بياني الكرمان» في ح ٢٣: ٢٥: ٧٩٠٥.
- «شريعة الشيعة» ص ١٨٧ رقم ٢١١٥ مرّ اسمه في ج ١١: ١٣: ٥٩.
- «الشريفة» ص ١٨٨ رقم ٢١٢١: ترجمة السيد جعفر و نسبه في كتابها «جامع الأنساب: ١٧: ٢٥٣».
- «شش هزار مسأله» ص ١٨٩ رقم ٢١٢٣. أقول هذا الرجل غير المذكور في «القباء» و لم يذكر للشار في قهارسه كتاباً بهذا الاسم و الرجل هو المشهور بسعادت المتوطن في

شوار و له ترجمة في كتاب [دانشمندان و شخصيات فارس ٣: ٩٨ - ٩٩] ذكر أنه كان من الموظفين في الدوائر رغم أنه كان من الفضلاء و أهل العلم و الأدب و له يد طولی في الحساب و الرياضي و ذكر ولادته في ١٢٩٧ و وفاته في يوم الأحد منتصف شهر رجب ١٣٧٨ في شوار و ذكر هناك تأليفه و منها هذا الكتاب الذي أنعم في علم الحساب بعنوان [دوره ششهار مسأله حساب] في مجلدين و للرجل ترجمة أيضاً في «مؤلفين للمشار ٣: ٩٢٠ - ٩٢١» و صورته في الكتابين في غير البرة الروحية.

«شعبت مسأله» ص ١٨٩ رقم ٢١٢٦. أقول كرّر هذا في «سؤال و جواب ١٢: ٢٤٨:

١٦٣١»

﴿رسالة في حرمة الشطرنج﴾ ص ١٩٠: فارسية للميرزا هداية الله ملك المورّعين لسان الملك ابن لسان الملك ميرزا محمدتقي سپهر آله باسم مظفرالدين شاه و الميرزا علي أصغر خان أمين السلطان (في ١٦٧ ص) و النسخة في المجلس كما في العهرس ٦ ص ٤٥.

﴿الشعاعية﴾ ص ١٩١ انظر ما ذكره في التكملة بعنوان [تذكره شعاعية ٤: ٣٦] ﴿الشعر و أحكامه من الجانب الشرعي﴾ ص ١٩٢: شه مقالة في عاية العاسة للمحقق العمي المتوفى ١٢٣١ طاب مصحفه كتب في جواب سؤال سائل عنه بالعبدية و تجده في أوائل كتاب الصوم من كتابه الكبير «جمع الشات ٥٠ - ٥٣ ط ١٣٠٣»

﴿شعر و شاعري در عصر صفوي﴾ ص ١٩٣: للسيد محمد صدر هاشمي الإصفهاني صاحب «تاريخ جرايد و مجلات ايران» و ناشر جريدة جهلستون مختصر طبع في إصفهان.

﴿شعر و شاعري عربي﴾ ص ١٩٧: جلال الدين محمد الشيرازي المذكور في ح ٩ رقم ٤٩٢٣، محاصرة للسيد محمدعلي داعي الإسلام «برفسور نظام كاخ حيدرآباد دكن» في مجلس شعبة جامعة المعارف في ٢٣ دي الحجة ١٣٤٥ طبع في ٤٠ ص بمطبعة حيدرآباد دكن.

«شعلة النار» ص ١٩٩ رقم ٢١٧٨: أقول رأيت نسخة من [الشعلة و النار] هذه و ذكر تاريخ التأليف في آخرها يوم الثلاثاء السادس عشر من جمادي الأولى ١٢٢٥ و لا أتذكر الآن مكان النسخة عدد من رأيتها.

«الشفاء» ص ١٩٩ رقم ٢١٨٢: راجع بكرام البقرة ص ٥٥٨ - ٥٦١ و ماضي المصحف و حاضرها (٢: ٤١٠ - ٤١٣).

ص ١٩٩ من ٢٣، كما مر في القسم الأول من هذا الجزء: أقول كان في نية شيخنا المصنف تقسيم حرف الشين بجزيين لسهولة التناول فكسبا إليه... عن هذا الأمر و تسمية كل... محاص تحت رقم معين . اجزاء ١٣ و ١٤... الشين من دون ذكر القسم الأول و...

ص ٢٠٠ من ٨، إجازة للشيخ: انظر (ح ١: ٢٥١: ١٣٢٣).

ص ٢٠١ من ١٥ كتاب الإشارات: الصواب «رسالة الإشارات» (ح ١١: ٧٧: ٤٧٨).

ص ٢٠١ من ١٣، في علم الطبيعي: في تعليم العلم الطبيعي كما في نسخة مصححة مخطوطة.

«الشفاء و الجلاء» ص ٢٠٢ رقم ٢١٨٦. أقول ينقل عنه الحسن بن سليمان بن محمد في كتابه المعروف بالمختصر من نسخة المخطوطة الكثيرة المكتوبة سنة ١٠٥٢.

ص ٢٠٢ من ١١، جمال الاسويح ص ٤٩٤: في البحار ح ١٩ في ٢ ص ٨٤.

«شفاء الاسقام» ص ٣٣ رقم ٢١٩٠ انظر ترجمته في مكارم الآثار ٦: ٢١٩٧ فما

بعدها

«شفاء المريض في الجبر و الطوبى» ص ٢٠٦: للسيد محمدتقي سبط الميرزا الشيرازي قلنس سره ذكره المشار في «مؤلفين ٢: ٢٢٩» و عنه نقل الدكتور محمود النعم آبادي في «مهرست كتابهای چاپی فارسی طی ١٧٨» و يأتي له «مجموع قتاله ١٢: ٢٣٢: ١٥١٤».

«الشك و السهو في الصلاة اليومية» ص ٢١٠ رقم ٢١٣٢ من ١٤، سنة ٩٣٧: الصواب سنة ٩٢٧ كما يأتي التصريح به بعد أسطر و مرّ في (ح ١١: ٢٢٧: ١٣٨١) و يأتي أيضاً في النون (ح ٢٤: ٦٨: ٣٤٤) فراجعهما.

ص ٢١٠ من ٢١، محمد الرضا الإصفهاني: أقول ثم انتقلت هذه النسخة الشريفة فيما انتقلت من كتب العلامة الرضا رحمه الله تعالى إليّ بالبيع بعد عشرين سنة تقريباً مصت من وفاته و لكن ليس فيها اسم المؤلف عطفاً و الله العالم ثم إني طابقت ما نقله شيخنا

عن النسخة الموصوفة معها و قيّدت الاختلاف في الهامش برمرج.
 ص ٢١١ س ٤، رسالة السهو. أقول مرّ ذكر هذه الرسالة في حرف الخاء ج ٧ ص
 ٢٤٨ رقم ١١٩٧ و في حرف السين ح ١٢ ص ٢٦٦ رقم ١٧٧٢.
 «الشك و السهو» ص ٢١١ رقم ٢٢٣٣ قد مرّ ذكر هذه الرسالة بعينها في حرف
 السين ح ١٢ ص ٢٦٦ رقم ١٧٦٩ و في الخاء ج ٧ ص ٢٤٧ رقم ١١٩٤.
 «الشك و السهو» ص ٢١٢: و اخلل الواقع في الصلوة للمولى عبيد الله الساجي
 المتوفى حدود ١٢٧٠ في ساره و دهن بقم و هو والد المولى حبيب الله الكاشاني المشهور
 مرقع مه في عرّة شهر رجب ١٢٥٦ و طبع في ٢٥٨ ص حوالي ١٤٠٥ و سمي حين الطبع
 «جامع الأحكام» و ألحق بأوله تراجم و فهرس و إشارات و تصاوير في ٣٦ ص.
 «الشك و السهو» ص ٢١٢ رقم ٢٢٣٧ قد مرّ أيضاً في حرف السين ح ١٢ ص
 ٢٦٦.

«الشك و السهو» ص ٢١٢ رقم ٢٢٣٨: انظر هامش ص ٢١١.
 أقول في النسخة الموجودة عندي من ج ٢٧ (محمود) لا (محمد) و ليس في ملاحظات
 النسخة أثر مما ذكر أيضاً و الله العالم بم أثيره و ...
 «الشك و السهو» ص ٢١٣ رقم ٢٢٤١ يراجع (الخلل) في حرف الخاء (ج ٧ ص
 ٢٥١) و انظر رقم ٢٢٦١.

«شكرستان فارص» ص ٢١٥ رقم ٢٢٤٩، محمد حسن: الصواب محمد حسين يراجع
 مكارم الآثار ج ٨ رقم ١٧٥٦
 «شكوفه غم» ص ٢١٦ رقم ٢٢٥٧: قال في مجمع المطبوعات النسخية «السيدة رهرا
 بيگم بيت الحاج أحمد آغا اهدي السجوي بريمة الكاظمين ولدت ١٣٠٣» و ذكر أنّ الجراء
 الثالث من كتابها المنظوم طبع سنة ١٣٨٥ في اسجف أيضاً أقول و من هذا القبيل «مرقع
 صم» لسيدة هندية أيضاً كما يأتي في موضعه.

«الشكيات» ص ٢١٨ رقم ٢٢٦٩: مرّ له «الحاشية على الروضة البهية» في ج ٦: ص

٤٨١: ٤٩١.

«الشمس البازغة» ص ٢٢٠: انظر «صبح صادق ١٥: ٦: ١٣١».

«شمس التواريخ» ص ٢٢٠ رقم ٢٢٨٢: و مرّ ذكر الكتاب أيضاً بعنوان التذكرة في ج

٤ ص ٣٨

«شمس التواريخ» ص ٢٢٠ رقم ٢٢٨٢ من ٢٢، ايردكش ايردگشسنب.

ص ٢٢٢ من ٣، نورالدين بن علي في (ح ١٦: ٦٠ ٢٩٧) نورالدين علي.

«شمس طالعة» ص ٢٢٤ رقم ٢٢٩٧ أقول توفي المرحوم الخاج ميرزا محمد الطيب راده في يوم الأحد أو ليلتها الخامس من شهر ذي القعدة سنة ١٣٩٠ ألف و ثلثمائة و تسعين (١٣/١٠/٤٩٩ش).

«شمس العلوم» ص ٢٢٤ رقم ٢٣٠٢: أقول و مجلّد كبير من شمس العلوم في كتاباته ملّي إصفهان و طبع ثمانية ظاهراً مؤخراً.

«الشمس المصيبة» ص ٢٢٦ رقم ٢٣٠٩: أقول إن المجلّد المطبوع من هذا الكتاب في الردّ على المقالة الأولى من مرآت أبي العصل «مكيديكي» انتهى الصالّ المصل و تاريخ حتم هذا المجلّد سنة ١٣٢٠ و لعلّ الرائد لم يؤقن لإكمال الباقي فقد توفّي « و المطبوع في ٤١٧ صفحة لا (٣١٧) طبعة حجرية خطّه المستعطي الجيد و الكاتب أحمد بن الحسين (صبرت) من الشيعيّة و كتب في صفحة العنوان [هذا كتاب شمس المصيبة در ردّ شبهات بابه] إلى أن ذكر تاريخ الكتابة بطباعه سنة ١٣٢٢ و لم يذكر في الكتاب محلّ الطبع و لعلّه تمّا طبع بظهران و الله العالم و الكتاب حاصل صحتم لا بأس به إلّا أنّ في طيّه الدعوة إلى مسلك أبيه الشيعي مع أنّ القصة منهم عرجت و إليهم تعود و الله العاصم.

«شمع اليقين» ص ٢٣٢ رقم ٢٣٤١: در نسخه مخطوط آقا سيّد مصطفى چير است [تسميه آن بشمع يقين يا آيه دين مناسب نمود] كه بدون ذكر الف و لام يقين است.

أقول باب الإمامة منه في كمال الاستيعاب و الأهميّة في قريب من ٣٥٠ ص.

ص ٢٣٣ من ١٨، طبع بظهران: سنة ١٣٠٣ في ٤٠٤ ص.

«الشمل المنظوم» ص ٢٣٣ رقم ٢٣٤٢: و راجع [ديوان قياص ٩: ٨٥٢: ٥٦٩٦].

«شوارع الأحكام» ص ٢٣٥ رقم ٢٣٥٧: أقول لعنه «شوارع الهداية ٢٢٧: ٢٢٦٣» و

هو شرح لكتاب «كفاية الأحكام ١٨: ٨٨: ٨٠٧» للمحقّق السبرواري في مجلّدين عند

العلامة السيد شهاب الدين المحمدي المرعشي يقيم أرسل النسخة إلى الحاج آقا صدر الكلباسي في إصفهان حدثني بذلك في ٥ شوال ١٤٠٨ الحاج آقا صدر ناهاتف.

«شوارع الأعلام» ص ٢٣٦ رقم ٢٣٦٠ انطاهر وجود نسخة بمجلد الكناح منه بخطه عددا و عبيها تقریظ الشیخ عی الجواهری فیما مل و لعنه لعنه و الذي يظهر من أن الشارح تلمذ الاسرآبادي الاي ١٢٣٦ مخصص به و ينقل فيه عن كتابه [البابيع] في الفقه و يقر دائما عن الجواهر و لا يابى عن الرد عليه أحيانا و أما السيد محمد اهدي المذكور في المتن فقد جاء [في مكارم الآثار ٤ : ١١٨٤] أن صاحب أعيان الشيعة تلمذ عليه و لكن السيد نفسه قال في ترجمة السيد محمد (ح ٤٧ : ١١١) ما لمطه: [رأيه في الصحف] انتهى و قال أيضا عد ذكر الشوارع ما نصه [شوارع الأعلام إلى شرايع الإسلام بوجه بين الإيجاز و الإطناب حرج منه العادات و أكثر المعاملات في إثني عشر مجلدا] انتهى و السيد محمد اهدي من أميد العلامة الشيع محمد جواد البلاغي كما في مقدمة كتابه [تخف در يك مسئله فقهی ريش تراشی ص ٧] لصديقه الاستادي و ذكر مأخذ ترجمة السيد «الموائد الرضوية ٢ : ٦٥٦» و «أحسن الودعة ٢ : ٢٨» فراجع «شوارع الهداية» ص ٢٣٧ رقم ٢٣٦٣: أقول انظر «شوارع الأحكام ٣٥ : ٢٣٥٧» مع التكملة

ص ٢٣٨ س ٢، و الكلام الذي نقله القدسي فيه عن الشيخ أبي عبي بن سينا: كلام لابن سينا في حق سيدنا و مولانا أمير المؤمنين عليه السلام.

«شوارق الإلهام» ص ٢٣٨ رقم ٢٣٦٦ المطبوع من الشوارق إلى أواسط المقصد الثالث في إثبات الصانع و آخره «أشار بقوله و النفساني غير معقول قد بلغ شرحه إلى هنا» انتهى و قد أحال في أوائل هذا المقصد إلى كتابه [كوهر مراد ١٨ : ٢٥٠ : ٢٥٨] راجعه.

«الشوارق اللامعة» رقم ٢٣٦٩ ص ٢٤١ س ٧، فظهر: هذا الاستظهار من أجل الرد على [كشف المحج ٣٦٢] حيث سب الكتاب لوالد البهائي قدس الله روحيهما و نمل عنه ذلك القيسي في «أحوال البهائي ١٥٢» و لكن انظر ما مرّ أعفا في «الشوارق ٢٣٧ : ٢٣٦٤» و الله العالم.

«شواكل الخور» ص ٢٤٠ رقم ٢٣٧١: أقول نسخة من (شرح هياكل النور) و أيضاً (تجريد العقائد) للمحقق الطوسي قلنس الله روحه كلاهما بخط الشيخ محمد عبده بن حسن خير الله (المتوفى ١٣٣٣) تلميذ جمال الدين الأفغاني و مفتي الديار المصرية و تلك النسخة كانت عند عبد الدين الزركلي كما ذكره في الأعلام ٦: ٢٥٢.

﴿شواهد الأئمة﴾ ص ٢٤١: يراجع فهرسنا حول (حديقة الشيعة).

﴿شواهد التوضيح و التصحيح لمشكلات الجامع الصحيح﴾ ص ٢٤٣: لابن مالك الطائي المتوفى ٦٧٢ من علماء السنة مطبوع و لمكان فائدته استنسخه العلامة شمس الدين محمد العاملي طاب مثواه في [مجموعة ٢٠: ٧٧] و نسخته في ٦٤ صفحة و لذا نبهنا عليه نحن أيضاً.

ص ٢٤٣ س ٤٤ و يروي فيه: كما مرّ في ج ٤ ص ٢٩٩ س ٦.

«الشواهد الربوبية» ص ٢٤٣ رقم ٢٣٨٢: أقول مرّ ذكر [الحاشية على الشواهد ٦: ١٤٤: ٧٨٥] للحاج ملا علي النوري و قد رأينا نسخة هامة نفيسة من الشواهد كأنها بخط آقا محمد رضا القميشي الحكيم المتخلص بصحبها كتب على هوامشها تعليقات كثيرة منها ما هنّ بتوقيع «الاستاذ المحقق العلامة طبريزي ره» و منها «الاستاذ المحقق محمد صادق الخراساني حفظه الله» و منها «الشيخ حسين ره» أو «شرح ن ره» و منها ما نقلها عن الأسفار و شرح الإشارات و تفسير الصافي و الأصفى و من الجدير بالذكر أنّ اسم الكتاب في متن هذه النسخة «شواهد الربوبية» و النسخة من موقوفات إصفهان و عندنا نسخة جيّدة من الكتاب انظر فهرسنا الكبير رقم (٥٥٧).

ص ٢٤٣ س ٨، صدر الدين ابراهيم الشيرازي: الصواب صدر الدين محمد بن ابراهيم. «الشواهد المكيّة» ص ٢٤٤ رقم ٢٣٩١: ترجمة صاحب الشواهد المكيّة بالاختصار و طريق روايته و الرواية عنه في حاشية المستدرک ص ٣٨٩ و أبسط منه ما في «تكملة أمل الأمل رقم ٢٨٥» لحفيده السيد الصدر و ترجمة ولده و سمّيه رقم ٢٨٧ و منهما يظهر أنّ وفاة صاحب الشواهد ١٠٦٨ دون غيره و إن طبع في آخر ترجمته (سنة ثمان و تسعين) فهو من اشتباه المصحح فما في المتن من التردد بينها و بين ١٠٦٢ و في [أغزر الجامع ١٦: ٣٧] من التردد بينها و بين ١٠٦١ لا وجه لهما و الله العالم و العاصم.

«الشواهد المكية» ص ٢٤٤ رقم ٢٣٩١ من ٢١، للسيد: يراجع للنسب الورقة بخطي في نسب ولدي.

ص ٢٤٤ من ٢٣، بالفوائد المكية: كما يأتي في موضعه (ج ١٦: ٣٥٩: ١٦٦٨) فهذا تكرار.

«كتاب الشورى» ص ٢٤٥ رقم ٢٣٩٩: أقول انظر كتاب [حديث الشورى ٦: ٣٧٧: ٢٣٧١].

«الشهاب» ص ٢٤٧ رقم ٢٤١٤ من ١٩، و الأمثال: يراجع فهرس المكية المركزي للجامعة طهران ج ٥ ص ١٣٨٠.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٤٨: للسيد أبي بكر الحضرمي: مكارم الآثار ج ٥ رقم ١٠٠٥. أقول و يعجبني هنا وصفاً للحال كتاب للسيوطي المشهور هو «الشهاب الثاقب في ذم الخليل و الصاحب» اختصره من «شفاء العليل في ذم الصاحب و الخليل». فعلى الله التوكل و به الاعتصام. حرر في ٣ صفر الحزم ١٤١٢

«الشهاب الثاقب» ص ٢٤٩ رقم ٢٤٢٢: أقول و طبع له بهذا الاسم أيضاً المجلد الأول من كتاب حسام الشيعة كما ذكرناه في موضعه من التكملة فليراجع.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٥١ رقم ٢٤٣٣ من ١٨، أوردته: أقول و أدرجها بتعامها أيضاً الشيخ محمد مهدي شرف الدين الشوشتری في كتابه «شرح حال وفاتي شوشتری ٢٥ - ٤٥ ط طهران» و قوله (و توفي سنة ١٣٠٤) أقول يأتي في التعليقة على (ديوان وفاتي) أنه توفي سنة ١٣٠٣ و مرّ سراجة في موضعه و أورد في الشهاب مطالب غريبة و ادّعى فيه دعاوي عظيمة لا يلائم شيء منها الشريعة الفراء فكلّها من تسويلات النفس الخبيثة و إضلالات الشيطان و العجب كلّ العجب من كاتب النسخة للطبع و هو الشيخ مهدي المذكور و الله العاصم.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٥٢ رقم ٢٤٣٦: لم يذكره في معجم المطبوعات النحفية و عندنا طبعته الأخيرة التي نشرت سنة ١٤٠١ في قم عن الطبعة البيروتية ظاهراً و معها (منبع الحياة) للجزائري و قد ردّ على الشهاب مولانا إسماعيل الفاضل الخاجوئي يأتي في «صلوة الجمعة ١٥: ٦٤: ٤٤٣» فراجع، ثم إن من المهمّ كلام إمام الفقهاء صاحب

«جواهر الكلام ١١: ١٧٨» حول الشهاب الثاقب و مؤلفه من أنه «لا يبعد أن تكون هذه الرسالة و ما شابهها من كتب الضلال التي يجب إتلافها» الخ و ذكر أيضاً ما لفظه الشريف «هل فيها ما يدل على أنهم ليسوا من أهل العلم كي يعتد بكلامهم و يعتنى بشأنهم» انتهى و نقلنا بعض كلامه فقتس سرّه أيضاً حول رسالة جدنا الشهيد الثاني أعلى الله تعالى درجته (في ج ١٥: ٧١: ٤٨٠ و انظر أيضاً فيه ص ٦٤: ٤٤٥) ثم لا يخفى أن للفيض أيضاً في كتابه الكبير «مفاتيح الشرايع ١: ١٧ فما بعدها ط قم» كلاماً طويلاً في إثبات عينية الجمعة و الردّ على مخالفيه فلاحظ و نظّر كلام صاحب الجواهر طاب مضجعه في حقّ الشهاب و صاحبه ما ذكره المحقق القمي صاحب القوانين طيب الله تربته في حقّ المحدث الفيض و بعض تأويلاته العجيبة حول عوالم ما بعد الموت فانظر إلى كتابه «جامع الشتات ٧٨٢ ط سنة ١٣٠٣» في جواب سؤال السائل عن ذلك و الله العاصم.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٥٢ رقم ٢٤٣٦ ص ١٦، و مرّ الردّ: انظر ج ١٥ ص ٦٤ الرقمين ٤٤٣ و ٤٤٥.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٥٢ رقم ٢٤٣٧: المظاهر أن هذا غير ما يأتي في الرقم ٢٤٣٩ و الله العالم.

«الشهاب الثاقب» ص ٢٥٣ رقم ٢٤٣٩: قال في دانشمندان آذربايجان ص ٣٨١ إنه ألفه في ١٢٦٢ و طبع في تبريز و هذا خطأ بل عوطان فإن النسخة المطبوعة الموجودة عندنا الآن في ٣٣٤ صفحة من المحمّد الوزيري و لم يتجاوز ترقيم الصفحات حين الطبع عن (٤٨ ص) و أرخ مؤلفه بآخره بحتم الكتاب في ليلة الخميس ثاني عشر شهر جمادى الأولى ١٢٦٨ في طهران حين إقامته بها ثم ذكر كاتب النسخة علي بن أصغر بن عبد الجبار الإصفهاني الذي كان من الفضلاء القاطنين بطهران و الساعين في طبع الكتب الجليلة بأنّه فرغ من كتابة النسخة للطبع المحمدي في أواسط شهر رمضان المبارك سنة ١٢٧٠ و أنّه طبع بمساعي العالم الفاضل الشيخ علي النوري في دار طباعة الحاج ميرزا كرم النوري في بلدة طهران ثم إنّ هذا الكتاب كافل للردّ على النواصب و العامة و حافل لذكر مثالب أهل الباطل مستقصي مشروحات بما لا يوجد في غيره و فيه أيضاً ذكر بعض

محمد المعصومين و مناقبهم صلوات الله عليهم أجمعين و السلام. حرّره في سلخ شهر شعبان المعظم ١٤٠٧

«الشهادة الثالثة بالولاية» ص ٢٥٧ رقم ٢٤٦٠: أقول قد مرّ في (ج ١١: ٤٧: ٢٨٠) رسالة في حكم إدخال قول علي ولي الله في تشهد الصلاة فلاحظ.

«شهب ثالثة للفرق الماردة المارقة» ص ٢٥٨: هو الحقّ؛ للعالم الجليل الحاج الشيخ محمد باقر البهاري الممداني ره المتوفى ١٣٣٣ طبع باسم [المقالات في إثبات الإسلام خلف كتابه الآخر] الدعوة الحسينية إلى مواهب الله السنية ٨: ٢٠٧: ٨٥٠ في قم سنة ١٣٩٩ و هو كتاب جليل في دفع الشبهات عن القرآن الكريم و الديانة الحقّة جزاه الله تعالى عيراه. «شهناشاه نامه» ص ٢٦٢ رقم ٢٤٩٣ ص ٥٠، بصفتي: الصواب (صافي) كما لا يخفى و قد مرّ ديوانه (ج ٩: ٥٨٤: ٢٢١٢) و راجع ج ١٢ ص ٢٠.

«شهناشاه نامه حسيني» ص ٢٦٢ رقم ٢٤٩٥: هذا مكرّر لما مرّ ج ١٣ ص ٢٢ باسم شاهنشاه نامه حسيني. و في ج ٤ أنه ولد ١٢٩٥.

«الشيعة في التاريخ» ص ٢٧٢ رقم ٢٥٥٢: انظر بعد رقم ٢٥٥٩.

«شيعة در اسلام» ص ٢٧٢ رقم ٢٥٥٣، و له كتاب الرضا: أقول بأي ذكره بعنوان [كتاب الرضا من آل محمد ١٧: ٢٧٥: ٢٦٠]. و من الكتب النفيسة حول موضوع الشيعة هو [أصل الشيعة و أصولها ٢: ١٦٩: ٦٢٥] و [تعريف الشيعة ٤: ٢١٧: ١٠٨٤].

«الشيعة و الإمامة» ص ٢٧٣: ليراجع لزماً النسخة الموجودة عندنا و هي في ٧٢ ص و زيري.

ص ٢٧٧: صححت الأخطاء في المتن بهذا اللون الأزرق لتمييزه عن التعليقات و الحمد لمستحقّه في ١٨ محرم الحرام ١٤٠٥. م عر عفي عنه

ثمّ أوردت فيها الاستدراكات للطبعة خلف المجلد ٢٥ في ليلة ١٥ ع ١ سنة ١٤٠٥ و الحمد لله ربّ العالمين، م عر عفي عنه